روزشمار جنگ ایران و عراق - زمینه سازی

جنگ نامه اول: پیدایش نظام جدید

جلد دوم

بُحران دَر خوزستان



مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

درگیری‌های قدرت طلبانهٔ گروه‌هایی که هویت نظام جدید را نمی‌پسندیدند، اما به دلیل مشروعیت فوق‌العاده آن، در ظاهر به پذیرش آن تن داده بودند،همچنین بحران‌های داخلی خاص ماه‌های اول پیروزی انقلاب، دیگر محورهای عمدهٔ مطالب جلد اول است که قبلاً (اسفند ۱۳۷۵) منتشر گردیده‌است.

در جلد سوم تحت عنوان "بحران در مناطق کردنشین"، اوج‌گیری و تعیین تکلیف نسبی درگیری‌های قومی این مناطق درکنار دیگر حوادث، عمده‌ترین موضوع کتاب است که درباره آن در جای خود توضیحات لازم داده خواهد شد. در این‌جا صرفاً به معرفی جلد دوم از جنگ‌نامه اول، یعنی کتاب حاضر می‌پردازیم:

کتاب "بحران خوزستان" حاوی وقایع دوره‌ای است که از اواسط اردیبهشت تا اواخر تیر ۱۳۵۸ را در برمی‌گیرد. مهم‌ترین واقعهٔ این دوره،اوج‌گیری و فرونشاندن درگیری‌های خوزستان است که به عنوان موضوع اصلی، نام کتاب را به خود اختصاص داده و درکنار آن، حوادث متعدد و با اهمیت دیگرنیز ذکر شده‌است. درگیری‌های خوزستان و ماجراهای مربوط به جریان‌های موسوم به خلق عرب در این استان ـ به ویژه در خرمشهر ـ قبل از دورهٔ مذکور در این کتاب شروع شده بود و بعد از این دوره نیز به‌صورتی دیگر تا شروع جنگ تحمیلی ادامه یافت اما دیگر درگیری‌های سیاسی ناشی از مخالفت گروه‌های مخالف نظام را با خود نداشت بلکه فقط اقدامات مسلحانه پراکنده‌ای بود که از بیرون مرزها سرچشمه می‌گرفت و فاقد هرگونه مشروعیت و حمایت مردمی اعراب ایرانی منطقه بود و به‌کلی و آشکارا خصلت جنایت‌کارانه ضدملی و ضداسلامی یافت.

درکنار حوادث خوزستان ـ که محور اصلی مطالب کتاب حاضر است ـ مهم‌ترین موضوعات قابل توجه که در طول دوره یادشده به تناوب طرح و بحث شده است، عبارت‌اند از: اخبار و تحلیل‌های مربوط به درگیری‌ها و تحولات دیگر مناطق کشور؛ تحرکات گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در جهت ایجاد و توسعه بحران علیه نظام جدید؛ مسائل مربوط به ارتش، سپاه و مقولات امنیتی و انتظامی؛ نقش امام، شورای انقلاب، دولت موقت و ... در مسائل سیاسی ـ داخلی و مطالب مربوط به سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی نظام جدید به‌ویژه مسائل مربوط به امریکا و عراق.

در یک مرور اجمالی، مهم‌ترین موضوعات مزبور که می‌تواند از عوامل بحران‌های نظام جدید یا از موضوعات مرتبط با آن تلقی گردد، به ترتیب مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱ ـ بحران‌های قومی

اولین دسته از این موضوعات و عوامل، درگیری‌های منطقه‌ای و قومی مطروحه در دوره مربوط به کتاب حاضر است که خود چند موضوع جداگانه را به این ترتیب دربرمی‌گیرد:

ـ خوزستان

خرمشهر، محور و مرکز درگیری‌ها و حوادثی بود که به دست جریان‌های موسوم به خلق عرب

به وقوع می‌پیوست .آن‌گونه که در کتاب مفصلاً آمده‌است، از ابتدای این دوره، مرتباً گزارش‌هایی از خرمشهر به فرمانده سپاه در تهران ارسال می‌شد که از بروز قریب‌الوقوع بحرانی جدی حکایت می‌کرد. گزارش‌هایی مبنی بر این که «سازمان سیاسی خلق عرب، بدون موضع رسمی، عملاً نغمهٔ جدایی خوزستان سرداده و در همه جا، کلمات "عربستان" و "محمره" را جایگزین خوزستان و خرمشهر کرده‌اند؛ اطرافیان آیت‌الله شبیرخاقانی از مرز عراق سلاح قاچاق می‌آورند و قصد ناآرام‌کردن منطقه را دارند؛ اوضاع در خرمشهر، آتش زیر خاکستر است و بروز اقدام مسلحانه گروه‌های موسوم به خلق عرب قطعی به‌نظر می‌رسد».

آیت‌الله شیخ‌محمدطاهر شبیرخاقانی به محور اتکاء نیروهای معترض به نظام‌جدید ـ از موضع قومیت عربی ـ تبدیل شده‌بود و گروه‌های موسوم به خلق عرب از او به عنوان مرکز تغذیه قدرت استفاده می‌کردند. وی درکنار برخی مواضع منصفانه و اسلامی، به نحو مؤثری در چارچوب خواسته‌ها و مواضع آنان به اعلام نظر می‌پرداخت.در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸، پس از سخن‌رانی تحریک‌آمیز شیخ علیه کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر ـ که به کوشش شهید جهان‌آرا و یارانش تأسیس شده بود ـ عناصر خلق عرب با حمله به ساختمان کانون،آن را به آتش کشیدند و چندتن از اعضای کانون راکه در آن جا بودند از جمله محمد جهان‌آرا، به گروگان گرفتند.

این ماجراخود سرسلسله‌اتفاقاتی شدکه به طور روزافزون تقابل دو جریان قومی و مذهبی ـ انقلابی رادر خرمشهر در پی آورد. در اعتراض به اقدام گروه‌های موسوم به خلق عرب، شماری از جوانان انقلابی خرمشهر در فرمانداری شهر تحصن کردند.این حوادث سبب شد که استاندار خوزستان (مدنی) پس از شرکت درجلسه تأمین شهر، همه کانون‌ها و کمیته‌های خرمشهر را منحل اعلام کند. در همین روز، هنگام مذاکره مدنی با شیخ، شهربانی خرمشهر مورد حمله مسلحانه قرارگرفت و افراد آن خلع سلاح شدند.

در این حال، سپاه نه چندان پر سروصدا، اما با استحکام، در حال توسعهٔ تشکیلات خود بود. در همین روز آقای لاهوتی در سفر به اهواز اعلام کرد که سپاه خوزستان تشکیل خواهد شد. ظهور و حضور یک نیروی مسلح انقلابی سراسری به نام "سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی" می‌توانست نیروهای انقلابی ـ مذهبی شهر راکه در قالب تشکل‌های پراکنده شهری ـ نظیر همه شهرها ـ شعاع عمل محدودی داشتند، به‌طرزی تصاعدی تقویت کند و به‌صورت یک نیروی بازدارنده و در صورت لزوم عمل‌کننده و فعال علیه تهدیدات جریان‌هایی که امکان اقدامات مسلحانه خود را پنهان نمی‌کردند، نقش تعیین‌کننده داشته باشد.

اندکی بعد، مسئله خلع سلاح عمومی و تخلیه ساختمان‌های دولتی مطرح و مصرانه پی‌گیری شد. این اقدام، اختلافات را دامن زد و نهایتاً به انفجارها و درگیری‌های خونین در خرمشهر انجامید. جریان موسوم به خلق عرب از همان آغاز مخالفت خود را با خلع سلاح و تخلیه ساختمان‌ها اعلام کرد و با حمایت شیخ به تحصن و راه‌پیمایی دست زد تا نقاط قوتی را

روزشمار

دوشنبه

۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۷ مه ۱۹۷۹

۱

افزایش تقابل و جبهه‌گیری جریان‌های قومی و جریان‌های مذهبی ـ انقلابی در خوزستان ـ بویژه در خرمشهر ـ و دخالت عناصر وابسته به عراق در دامن زدن به جو اختلافات، نشان‌دهنده آن است که در این منطقه روند حوادث به سمت وقوع بحران پیشه می‌رود. از گزارش امروز مأمور اعزامی دفتر هماهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز به خوزستان که با عنوان "جنگ خرمشهر" ارسال شده است، اخبار، نکات و توضیحات زیر استخراج و انتخاب و ارائه می‌شود که می‌تواند بیان و توصیفی از روند مزبور باشد. در بخش‌هایی از گزارش دربارهٔ سازمان سیاسی خلق عرب (که درجهت مقابله با کانون فرهنگی ـ نظامی درخرمشهر فعال است) چنین آمده است: «سازمان معتقد است که خوزستان، عربستان است. البته این را ظاهر نمی‌کند اما افراد وابسته به این سازمان، همه جا از جمله در دیوارنویسی‌ها، کلمه عربستان را به کار می‌برند. نام خرمشهر را نیز به محمره تعویض کرده‌اند و اعتقاد دارند که مردم غیرعرب باید این شهر را ترک کنند. از جمله اقدامات تحریک‌آمیز این سازمان این که چندی پیش در روز تظاهرات علیه سازش مصر و اسرائیل، عده‌ای از اعراب با تحریک و سازمان‌دهی اینان به یکی از مراکز تحقیقاتی کانون حمله کردند، هر چه در آن بود منهدم و پاسداران آن محل را خلع سلاح و به شدت مضروب کردند. خوشبختانه در انبار



محمد جهان‌آرا
فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر

روزشمار ۱۳۵۸/۲/۱۷



بزرگراه ورودی به خرمشهر

د ر به گمان این‌که دستشویی است باز نکردند. پاسداران کانون، با تدبیر و سیاست آقای ...[جهان‌آرا] ـ که جوان عاقل و فهمیده‌ای به نظر می‌رسد ـ از تیراندازی خودداری کرده ، هر چند عده‌ای از مهاجمین، خود وی را می‌خواستند از طبقه دوم به پایین پرت کنند که ن دیگر مانع شده بودند. همچنین در یکی از اعلامیه‌های تحریک‌آمیز سازمان سیاسی که منتشر شد، این سازمان اعلام کرد: «عده‌ای تصمیم دارند به پایگاه ما حمله کنند، ما مقابله یم کرد و آنان را سرجای خود خواهیم نشاند.» بلافاصله همان روز اطراف ساختمان‌های را نورافکن کار گذاشته و روی بام‌ها را سنگربندی کردند و ...»

همچنین درگزارش به نمونه‌ای از تبلیغات مطروحه درمنطقه برضد نظام و دولت به نحو زیر شده است: «چندی پیش اعلامیه‌ای با عنوان و نام تیپ دوم زرهی خوزستان، در منطقه شد که در آن آمده بود: دولت به ما دستور می‌دهد که اعراب را قتل عام کنیم و در هم ه ولی ما این کار را نخواهیم کرد و با خلق عرب خود یک‌دل و یک‌صدا هستیم و ...»

در بخش‌هایی از این گزارش درباره سلاح‌های موجود در منطقه چنین آمده است: «در شهر خانه‌ای می‌توان یافت که در آن سلاح وجود نداشته باشد. بنابر اخبار واصله، بسیاری از ل شهر به انواع سلاح‌های سبک مجهز هستند. از جمله تعداد زیادی کلاشینکوف در شهر د ... و اخیراً مقدار زیادی نیز از کرمانشاه وارد شده‌است. مرز کنترل چندانی ندارد. ار ... که یک هفته در مرز بوده‌اند، می‌گویند با بلیزر شیخ [شبیرخاقانی] هر چندوقت یک

روزشمار ۱۳۵۸/۲/۱۷

بار تردد می‌کنند و سلاح می‌آورند. سرنشینان بلیزر با این استدلال که اتومبیل متعلق به شیخ است، اجازه جلوگیری و بازرسی نمی‌دهند. مأمورین مرزی که از ژاندارمری هستند یا می‌ترسند و جرأت جلوگیری ندارند و یا خود با شیخ همراهند. سلاح از راه آبی نیز وارد می‌شود که اطلاع دقیقی از آن در دست نیست اما عبور سلاح از راه آبی، بی‌شک راحت‌تر و آسان‌تر از راه خشکی مرز است.»

راجع به اطرافیان آیت‌الله شبیرخاقانی در گزارش چنین آمده‌است: «اکثر افرادی که دور شیخ شبیر را گرفته‌اند، از اسلام بویی نبرده‌اند. آنان در حال حاضر از شیخ حرف شنوی دارند ولی زمانی که به سودشان نباشد به او نیز اعتنایی نمی‌کنند.»(ضمیمه دارد)

همچنین دربارهٔ موقعیت کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر چنین آمده‌است: «در حال حاضر کلیه پاسداران خرمشهر، از کانون فرهنگی ـ نظامی هستند که البته حکم پاسداران انقلاب را نیز دارند (احتمالاً از آقای رفیق‌دوست).* این کانون در شهرکلاس‌های مختلفی دایر کرده است که آموزش‌های نظامی و ایدئولوژیکی به جوانان می‌دهد. امور مربوط به رسیدگی به فقرا و یا کارگران و نیز کارهایی چون جلب و بازداشت افراد توسط اعضای کانون انجام می‌شود. افراد مسلح و مسلط این کانون حدود صد نفرند و حداکثر بیشتر از صدو پنجاه نفر نمی‌باشند که این، نکتهٔ بسیار قابل توجهی است.»

به گزارش مذکور مطلب دیگری با عنوان "پیشنهادات در باره آبادان و خرمشهر" پیوست شده که در آن آمده است:

«۱ ـ اولین مسئله‌ای که باید مورد توجه قرارگیرد این است که مناطق عرب‌نشین خوزستان مورد سخط رژیم سابق بوده است. لذا اهالی آن در فقر، گرسنگی، آوارگی و محرومیت به سر می‌برند،طوری که با دادن دو کیلو برنج به یک روستایی عرب، او را به هر فکری می‌توان سوق داد.

۲ ـ شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی شخص خطرناکی است که باید به قم منتقل شود.

۳ ـ باید از عرب‌زبانان، افراد صالح که بتوانند برای سپاه فعالیت بکنند شناسایی شوند و برای خدمت به همان عرب‌ها به کارگرفته شوند.

۴ ـ انقلاب ایران بر عراق با ۸۵٪ شیعه تأثیر فراوانی گذاشته است. لذا عراق از آن در هراس است و با فرستادن عناصر عراقی و چپ به این مناطق (آبادان، خرمشهر و ... که در مرز عراق قرار دارند) و نیز با ارسال اسلحه، مهمات و غیره قصد دارد منطقه را ناآرام نگهدارد و امتیاز به دست آورد. بنابراین باید مرزها کنترل و افراد قاچاقچی شناسایی و عوامل آنها دستگیر شوند.

۵ ـ باید مراکز فرهنگی به زبان عربی احداث شود و سعی شود در تمام برنامه‌هایی که

* در خصوص مرجع صادرکنندهٔ احکام مسئولان سپاه‌های مناطق مختلف کشور در ماه‌های اول انقلاب نظرهای دیگری هم وجود دارد. از جمله بنا به اظهار سردار غلامعلی رشید، حکم خود ایشان و شهید جهان‌آرا را سیدمحمد غرضی امضاء کرده بود.

مربوط به مناطق عربی است از عرب‌ها استفاده شود و باید (مرکز الثقافی الاسلامی) را تقویت نمود.

۶ ـ مسائل رفاهی و عمرانی چون تأمین آب، برق، مسکن و غیره به صورت فوری و با استفاده از افراد داوطلب همان مناطق انجام گیرد.

۷ ـ مدارس دولت عراق در خرمشهر و آبادان پایگاهی است برای تبلیغات و فعالیت ناسیونالیسم عرب و افراد چپ‌گرا، لذا باید دربارهٔ آن تصمیماتی اتخاذ کرد.»(۱)

۲

در پی دامن زدن به اختلافات کرد و ترک در شهر "نقده" به تحریک جریان‌های فعال ضدانقلاب در منطقه [در کتاب روز شمار، جلد اول آمده است.]، امروز جمعیت کثیری که در روزنامه کیهان «۲ هزار نفر از نمایندگان مختلف مردم شهرستان نقده و روستاهای تابعه» توصیف شده‌اند، در اداره مخابرات نقده دست به تحصن زدند و خواستار تأمین امنیت کامل منطقه با استقرار هنگ ژاندارمری شدند. به گزارش روزنامه کیهان تحصن‌کنندگان ضمن صدور قطعنامه‌ای خواستار موارد زیر گردیدند: «۱ ـ تأمین امنیت کامل منطقه اعم از شهر و روستاها با ادامه استقرار نیروهای نظامی تا تشکیل و سازمان‌دهی عملی هنگ ژاندارمری این شهر. ۲ ـ تاعزام هیئتی ذیصلاح از جانب دولت مرکزی برای بررسی علل وقایع و احوال فعلی و رسیدگی به مسائل جاری و شناسایی مسببین این واقعه مرگبار، در اداره مخابرات شهرستان تحصن اختیار کرده و انجام هر گونه مذاکره با هرگروه سیاسی و نظامی را تحریم می‌کنیم واگر تا ۴۸ ساعت دولت نسبت به این تحصن بی‌تفاوت باشد، تبدیل به اعتصاب غذا خواهد شد و ما از جوامع بین‌المللی برای رسیدگی به این فلاکت استمداد خواهیم کرد.»(۲)

گروهی دیگر از مردم نقده نیز در جلو منزل حجت‌الاسلام محرر اجتماع کردند و خواستار استقرار هنگ ژاندارمری در این شهر شدند. اجتماع کنندگان تأکید کردند: «چنانچه به این خواسته توجه نشود، به دلایل امنیتی ما مجبوریم از شهر و کاشانه خود کوچ کنیم.» در همین حال حاج ابراهیم محرر (امام جماعت شیعیان نقده) با صدور اعلامیه‌ای خروج ساکنان شهر نقده را با اسباب و اثاث منزل به منظور تغییر محل سکونت تحت هر عنوانی ممنوع اعلام کرد و تأکید نمود در صورت مشاهده چنین وضعی، از این قبیل حرکات شدیداً جلوگیری خواهد شد. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: «از کلیه برادران مسلمان انتظار دارد که به منظور تقویت حسن اخوت و همدینی از همه مراجعانی که به دلایل امنیتی خانه و کاشانه خود را ترک کرده‌اند در نهایت محبت و انسانیت استقبال و در پذیرایی از همشهریان کرد از کلیه امکانات استفاده کنند.»(۳)

۳

روزنامه کیهان از کردستان خبر داد که به دنبال بروز چند مورد ناامنی در جاده‌های کردستان، رفت و آمد شبانه وسایط نقلیه در این جاده‌ها کاهش یافته است و با تاریک شدن هوا مسافران و رانندگان کامیون‌ها اغلب در شهرها و یا نقاط امن توقف می‌کنند. حادثه چند روز قبل راه "سنندج ـ کرمانشاه" که در آن ۳ نفر در گردنه "درکه" به قتل رسیدند از مواردی است که سبب نگرانی شده است.(۴)

۴

سید "اسدالله امیرقهرمانی" استاندار جدید ایلام ضمن مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: «کثرت اسلحه در دست مردم در استان ایلام باعث سلب آسایش عمومی در این استان شده‌است.» وی افزود: «با تحقیقاتی که به عمل آمد روشن شد که عده‌ای سلاح‌هایی را به مرز عراق برده و به نوع دیگر تبدیل کرده‌اند. بنابراین برای تأمین آسایش و آرامش مردم و جهت جمع‌آوری کلیه سلاح‌هایی که در جریان انقلاب به دست مردم افتاده و یا از خارج وارد شده و نیز برای کنترل شدید مرز، اقدامات لازم صورت گرفته است.»(۵)

۵

نشریه پیکار ارگان "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" طی تفسیری از حوادث کردستان و ترکمن‌صحرا، پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی را "ابزار امپریالیزم" خواند. پیکار در این باره چنین نوشت: «حمله و تیراندازی عناصر کمیتهٔ صفدری به مردم بی‌گناه سنندج، گلوله‌باران میتینگ آرام کانون فرهنگی خلق ترکمن به وسیلهٔ عناصر کمیتهٔ گنبد، تیراندازی عناصر کمیتهٔ شماره ۱ نقده به سوی مردم کرد، همین‌طور تیراندازی عناصر کمیته شمارهٔ۲ نقده بر روی مردم ترک، همه و همه بیانگر این است که بسیاری از کمیته‌ها بدل به لانهٔ ضدانقلاب و پناهگاه امنی برای توطئه‌چینی‌های عوامل مزدور امپریالیسم شده‌است...»

پیکار افزود: «با ورود مجاهدان اعزامی از کمیتهٔ ارومیه ـ حسنی مرتجع ـ کشتار، ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. مجاهدان با فریب کردها به وسیله چسباندن عکس از رهبر کردستان ـ آیت‌الله حسینی ـ بر روی زره‌پوش و با پوشاندن سر و صورتشان به وسیله پارچه‌ای محلی ـ آغاپانو ـ خود را به شکل کردها در آورده و پس از نزدیک شدن به پیش‌مرگ‌های کرد، آنها را بی‌رحمانه به گلوله می‌بندند و ...»(۶)

۶

روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران طی مطلبی تحت عنوان "توطئه سکوت در مورد حزب توده ایران"، سکوت ارگان‌های انقلابی وابسته به دولت، رادیو و تلویزیون و شخص نخست‌وزیر را در مورد نقش حزب توده در انقلاب محکوم کرد. در بخشی از این مطلب آمده است: «توطئه سکوت در مورد حزب توده ایران، آن هم پس از پیروزی انقلاب مردم ایران، آن هم از جانب ارگان‌هایی که زاده این انقلاب‌اند، تازگی دارد، عجیب و غیرطبیعی هم هست. بویژه آن که این توطئه سکوت با تبعیض همراه است. یعنی ارگان‌های دولتی درباره همه سازمان‌های سیاسی صحبت می‌کنند و به طور کلی مثبت هم صحبت می‌کنند، ولی در کنار حملات و نیش‌های مستقیم و غیرمستقیم به حزب توده ایران غالباً در مورد فعالیت و نظریات حزب توده ایران

نظامی کرد که درباره آن گزارش شده‌است و کاردار گفت که اینها ۹ هواپیمای باری است برای حمل بقایای لوازم خانگی و این‌که هواپیماها به طور متوسط روزی یک فروند یا دو فروند وارد می‌شود، نه همه یک جا و انتظام از این امر اظهار خرسندی کرد.

در پاسخ به سؤالی از کاردار، نخست‌وزیر چند دقیقه تصویر کلی انقلاب را ترسیم کرد و خاطرنشان ساخت که او آن‌چه را اخیراً در یک گفت‌وگوی تلویزیونی بیان داشته‌است، به‌طور مختصر توضیح می‌دهد. انقلاب ایران با سرعت موفق شده‌است و این امر دشواری‌های زیادی را ایجاد کرده‌است، ولی دولت موقت ایران می‌کوشد اوضاع را جمع وجور کند و به مقابله با مشکلات بویژه درباره امنیت بپردازد. انتظام افزود که دولت موقت ایران از پشتیبانی ۹۹ درصد از مردم که حاضرند از بسیاری چیزها بگذرند تا انقلاب موفق شود برخوردار است، ضمن نگرانی درباره این‌که قتل اخیر رهبران نهضت اسلامی (سرلشکر قرنی و آیت‌الله‌مطهری) نگرانی عمومی را افزایش داده است. بازرگان گفت: بر این مشکلات غلبه حاصل خواهد شد. طرح قانون اساسی جدید در دست تهیه است، ولی یک یا دو ماه طول خواهد کشید که به شکل نهایی به مردم عرضه شود، در ضمن، قانون جدید انتخابات اخیراً تکمیل شده، به‌طوری‌که تدارکات برای انتخاب مجلس مؤسسان در جریان است. شاید دو یا سه ماه دیگر لازم خواهد بود که این فراگرد [فرایند] نیز به تکمیل برسد و این نمونه مسائلی است که از موفقیت سریع انقلاب ناشی شده است.

اظهارنظر [کاردار]: بازرگان و انتظام ظاهراً صمیمانه و به‌طور مثبت اظهارنظر می‌کردند ولی برای تصویر چهره خوشایندی از انقلاب که بتدریج دستاوردهای خود را تحکیم می‌بخشد اندکی در زحمت بودند. چون بحث در پایان این ملاقات صورت گرفت، کاردار در انتظار نماند تا عکس‌العمل آنها را درباره مشکلات پر تضاد سازمان سیاسی دریافت دارد و نظری که در بالا ذکر شده‌است شاید نظری است که به "خط حزبی" جهت دولت موقت اسلامی ایران تا اندازه زیادی نزدیک است.»[۱۸]

ضمیمه خبر شماره ۱

آیت‌الله‌شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی از جمله روحانیون صاحب رساله خرمشهر است که پس از حوادث سال‌های ۴۳ ـ ۱۳۴۰ با حمایت‌های آیت‌الله شریعتمداری موقعیتی را در شهر به‌دست آورد و با استقرار در مسجد امام‌صادق(ع) مورد اقبال عامه مردم از عرب و فارس قرار گرفت و مسجد وی به مرکز تجمع نیروهای مذهبی شهر تبدیل شد. در دوران انقلاب مسجد شیخ ابتدا محور جریان روبه رشد مذهبی ـ انقلابی خرمشهر بود و به دلیل نبود روحانی سرشناس دیگری در شهر، نیروهای فعال دور شیخ گرد آمده و مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی را سازماندهی می‌کردند. اما با گسترش انقلاب و بروز برخوردهای خونین بین مردم و نیروهای امنیتی رژیم، بتدریج از همراهی و همکاری شیخ با انقلابیون مذهبی (احتمالاً با اشاره آیت‌الله شریعتمداری) کاسته شد و از نیروهای مذهبی ـ انقلابی شهر فاصله گرفت و روش محافظه‌کاری پیشه کرد و با این استدلال که تضعیف شاه و حکومت مرکزی موجب تسلط کمونیست‌ها بر کشور خواهد شد، به مخالفت با اقدامات انقلابی در خرمشهر پرداخت و حتی راه‌پیمایی در تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ را به صلاح ندانست. وی وقتی با گسترش راه‌پیمایی‌ها و تشدید مبارزات مردم مواجه شد، به بهانه انجام سفر سالانه و حضور در جمع مقلدینش راهی "احصای عربستان" شد وبدین ترتیب در اوج تحولات کشور صحنه را ترک کرد. با خارج شدن شیخ شبیر از صحنه، مسجد امام‌صادق(ع) نیز متروک گردید و مسجد جامع و حسینیهٔ مرحوم مهری به مرکز انقلابیون مسلمان خرمشهر تبدیل شد. با فرار شاه، شیخ شبیر به ایران بازگشت در حالی‌که در کسوت انقلابی درآمده و به‌عنوان اعلم، نقش رهبری انقلاب در خوزستان را برای خود قائل بود. با حضور مجدد شیخ شبیر در خرمشهر مسجد امام‌صادق(ع) بار دیگر موقعیت گذشته خود را بازیافت اما بتدریج عناصری اطراف شیخ شبیر را گرفتند که اهداف و اغراض سیاسی خاصی را دنبال می‌کردند و از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی او را به‌سوی اهداف خود سوق می‌دادند. فضای باز سیاسی پس از پیروزی انقلاب سبب شد، تا جریان‌های قومی که در طول قیام مردم مسلمان کاملاً تحت شعاع جریان مذهبی بودند، فرصت را مغتنم شمرده با محوریت شیخ شبیر فعالیت خود را آغاز کنند. در این راستا شیخ سه روز پس از پیروزی انقلاب طی حکمی سه تن از عناصر اصلی جریان قومی را به عنوان مسئولین امنیت و حراست شهر و خطوط مرزی استان برگزید و با این حکم از یک‌سو هرچه بیشتر به شیوخ عشایر و جریان‌های قومی نزدیکتر شدو از سوی دیگر برشکاف بین خود و نیروهای مذهبی ـ انقلابی شهر افزود.

با عمیق‌تر شدن شکاف موجود بتدریج دو جریان مذهبی ـ انقلابی و قومی، اولی حول نیروهای مذهبی و انقلابی شهر و دومی حول شیخ‌شبیرخاقانی و متشکل از عناصر سابقه‌دار جبهةالتحریر، شیوخ عشایر و برخی عناصر وابسته به رژیم گذشته تحت عنوان سازمان سیاسی خلق عرب شکل گرفت و از همان ابتدای تشکّل و سازماندهی دو جریان، تعارض و تقابل بین آنها هویدا شد و کم‌کم به درگیری انجامید. جریان قومی که قصد استیلا بر شهر را داشت به کمک عراق به‌شدت مسلح و با حمایت‌های معنوی شیخ و کمک‌های مالی و تسلیحاتی عراق به نیرویی قدرتمند در شهر تبدیل شد و تلاش برای از صحنه خارج کردن سایر رقبا را آغاز کرد. اولین اقدام جریان مذکور حمله به کانون فرهنگی ـ نظامی جوانان مسلمان خرمشهر بود که به تحریک شیخ شبیر و "امریکایی خواندن عناصر کانون" در ۱۳۵۸/۲/۲۳ انجام شد. در این تهاجم مسلحانه ساختمان کانون به آتش کشیده شد و سه طبقه ساختمان فرو ریخت و ۱۸ نفر از اعضای کانون از جمله محمد جهان‌آرا به اسارت عناصر سازمان سیاسی خلق عرب درآمدند. با از هم پاشیدگی مرکزیت نیروهای مذهبی ـ انقلابی، جریان قومی بر شهر مسلط شد و به ترکتازی در آن پرداخت.

در پی این حوادث دولت مرکزی سیاست خلع سلاح عمومی را اعلام کرد و نیروهای کمکی از شهرهای مختلف کشور عازم خرمشهر شدند. اما سازمان سیاسی خلق عرب با حمایت شیخ شبیر از تحویل سلاح خودداری کرد و اقدام به سنگربندی و ایجاد استحکامات در شهر نمود. با پایان یافتن ضرب‌العجل تحویل سلاح‌ها، بحران در شهر به اوج رسید و در ۵۸/۳/۹ به جنگ تمام عیار در شهر تبدیل شد و حدود یک‌ماه به تناوب ادامه یافت تا اینکه مقر سازمان سیاسی خلق عرب و منزل شیخ شبیر به تصرف نیروهای

لتی درآمد و شیخ شبیر تحت الحفظ از خرمشهر به اهواز منتقل گردید و به دستور امام‌خمینی عازم قم د. با دورشدن شیخ شبیر از خرمشهر، جریان قومی محوریت خود را از دست داد و اوضاع در شهر بتدریج به آرامش گذاشت و شیخ شبیر نیز با "اعلام برائت از دشمنان انقلاب اسلامی" در قم عملاً صحنه سیاسی ترک کرد و به دنبال آن غائله خرمشهر نیز فروکش کرد و کم‌کم خاموش شد.

میمه خبر شماره۷

جت‌الاسلام‌اکبرهاشمی‌رفسنجانی از اعضای شورای انقلاب و یکی از مؤسسین حزب جمهوری‌اسلامی مجلس بزرگداشت استاد شهید مطهری در مدرسه فیضیه قم، توطئه‌های مختلفی را که علیه لاب‌اسلامی در داخل و خارج از کشور در جریان است، مفصلاً تشریح کرد و ضمن آن گروه‌های مخالف لامیت نظام جدید، بخصوص گروه‌های کمونیستی را، به نحو زیر، به شدت مورد سرزنش قرار داد:

«...اقلیتی معدود از عوامل رژیم گذشته، عمال ساواک و عمال سرویس‌های جاسوسی دنیای شرق و ب و گروه‌های معدودی که در کشور ما وجود دارند با ایدئولوژی‌های ساخته‌شده‌ای که ما نمونه‌هایش را تاریخمان دیده‌ایم، حرکت‌های مذبوحانه‌ای را شروع کردند و تلاش‌های بی‌ارزشی می‌کنند تا بتوانند لاب ما را از حرکت سریع خود بازدارند. نمونه‌هایش را ببینید، یکی از مسائلی که این روزها علم کرده‌اند به رخ دنیا می‌کشند و جوان‌های ما را می‌خواهند فریب بدهند مسئله سانسور است شنیده‌اید که همین زنامه‌ها و عوامل ارتجاع و عوامل امپریالیسم سرخ و سیاه متهم کرده است دولتی را و ملتی را و رهبری و تشکیلات یک ملت و انقلابی را به سانسور. شما نمونه‌های این حرف را پیدا کنید، خدا می‌داند در ریخ دنیا، انقلابی به وجود نیامده که در روزهای اول بتواند مثل کشور ما این جور باز و همه چیزش در تیار مردم باشد...

خبرنگارهای داخلی و خارجی هرچه می‌خواهند ولو دروغ، ولو تهمت، علیه انقلاب ما می‌گویند. این زنامه‌هایی که با قدرت انقلاب ما پیروز شده‌اند و آزاد شده‌اند، توطئه‌گرانه چیزهایی را که می‌بینید بویی از قیقت ندارد، منعکس می‌کنند ... من در تظاهرات تهران شرکت کردم، در تشییع جنازه قم بودم، در مدرسه ضیه بودم و شماها هم بودید، سری شعارهایی که مردم می‌دادند چه بود و آنچه که ما از تلویزیون شنیدیم ه بود؟ ما ده‌ها شعار داشتیم علیه امپریالیسم شرق، چرا آن شعارها منعکس نشد، اینقدر مردم گفتند: سلام پیروز است، کمونیسم نابود است" چرا این شعارهاراماازتلویزیون باصراحت نشنیدیم،چرابیشترین عارکه مسائل ایدئولوژی را مطرح می‌کرد؟نگفتند. حالا فردا آنها باز صدا بلند می‌کنند، سانسور! خواستهٔ ۹ درصد مردم، فریاد ۹۹ درصد مردم در سراسر کشور دیروز منعکس نشده، چیزهایی که خواسته‌اند نعکس کرده‌اند در عین حال دشمنان ما فردا باز خواهند گفت سانسور چی. ببینید رو چقدر است و چه لمی است ... در شوروی انتخابات آنجا به قول "اتلی" مثل یک مسابقه اسب‌دوانی است که در آن فقط ک اسب شرکت می‌کند که همیشه برنده است و باکمال پررویی بلندگوهایشان اینجا فریاد می‌زند و تخابات و رفراندوم ما را تحریم می‌کند. اسلحه به دوش گرفته‌اند، مراکز دولتی را قبضه کرده‌اند؛ آزادانه در یابان حرکت می‌کنند و ذخایر انقلاب ما را ناجوانمردانه در دل شب به خاک و خون می‌کشند آن‌هم چه

تروری، یک فیلسوفی که حاضر نیست چاقو در جیب خودش بگذارد و حاضر نیست محافظ با خودش بردارد و نیمه شب درکوچه‌های تاریک حرکت می‌کند، ترور کردن این که چیزی نیست ... اگر لازم بود در سراسر ایران یکبار دیگر مانوری بدهیم به دنیای غرب و شرق و اگر لازم بود که به عوامل "سیا" و "کا.گ.ب" بفهمانیم که بیخود دارید در ایران آهن سرد می‌کوبید. بهترین راهش این بود که یکی از ماها شهید بشود و این افتخار نصیب **"مطهری"** شد.

شوروی بعد از شصت سال انقلابش هنوز دارد گندم از امریکا می‌خرد و اگر گندم امریکا نیاید شوروی را قحطی می‌گیرد. کامبوج پس از سه سال از انقلابش هنوز یک وعده غذای سیر نمی‌خورند. چینی که غیر از کشاورزی چیزی ندارد اگر امریکا به او گندم ندهد و برنج ندهد دچار قحطی می‌شود. شما با چه الگویی دارید مردم را فریب می‌دهید. به دشمنان غربی هم می‌گویم بدبخت‌ها، بیچاره‌های شکست‌خورده‌ای که عمالتان را مثل لجن ریختیم از کشور بیرون، مستشاران نظامیتان، مستشاران نفتیتان و آن همه مفرط و مفسدی که ریخته بودید و کشور ما را به لجن کشیده بودید، بیرونشان کردیم حالا رفتید آنجا در روزنامه‌هایتان برای ما صحبت از خشونت و صحبت از این چیزها می‌کنید و برای ما توطئه می‌چینید. شما اگر اکثریت بعلاوه یک داشته باشید یعنی ۵۰ درصد بعلاوه یک نفر در کشورهای غرب به خودتان حق می‌دهید که اقلیت‌ها را خلع سلاح کنید، ما چه کردیم در این کشور؟ ۹۹ درصد از مردم در دوران انقلابی که همه جا بعدش دادگاه صحرایی تشکیل می‌شود و گروه، گروه مردم را به تیر می‌بندند و کسی هم حرف نمی‌زند، ما چند تا قاتل و مجرم و سفاک و مفسد را که اعدام کردیم، ما چه کردیم. رسوایید خودتان، شما دستتان به خون ما آلوده است، شما در غرب و شرق دارید آدم می‌کشید. به‌خاطر بردن نفت، شما همه جا دارید توطئه می‌کنید. آن دمکراسی که خودتان معنا کردید و خودتان می‌گویید اکثریت، مگر ما اکثریت نیستیم؟ کدام اکثریتی به اقلیتش این‌قدر اجازه می‌دهد از روزنامه‌ها و رادیوهایش بیشتر از اکثریت استفاده کنند؟ ما به خدا داریم جلوی مردم را می‌گیریم، ما داریم مردم را کنترل می‌کنیم، اگر ما مردم را کنترل نکنیم این مشت اقلیت را مردم نمی‌گذارند زندگی کنند.

بدبختی‌هایی که شعار سانسور و خفقان می‌دهید اگر ما به این مردم اجازه بدهیم، اگر ما به مردم نصیحت نکنیم، اگر رهبر عظیم الشأن ما از مردم نخواهند که آرام بمانند، می‌دانید که در مقابل یک خون با شما چه می‌کنند... شما اگر کشور را آزاد کرده بودید ماها را قتل عام می‌کردید، مطمئناً اینجوری است. در سال‌های ۳۲ هنوز به جایی نرسیده بودید، اما تیرهای اعدام و چوبه‌های اعدامتان قبلاً مشخص شده بود. ولی ما خودمان کشته می‌شویم و خودمان مورد انتقاد قرار می‌گیریم و خودمان در مقابل مردم حالت ضعف هم نشان می‌دهیم برای اینکه بگذاریم کشور آزاد باشد. در کجای دنیا به شما این‌قدر ارج می‌دهند. ساختمان دولتی در اختیارتان، روزنامه‌هایتان آزاد و ستون‌های روزنامه آزاد، اعلامیه‌هایتان را از رادیو تلویزیون این مردم، این ۹۹ درصد مردم می‌خوانند...[۱۹]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۱۷

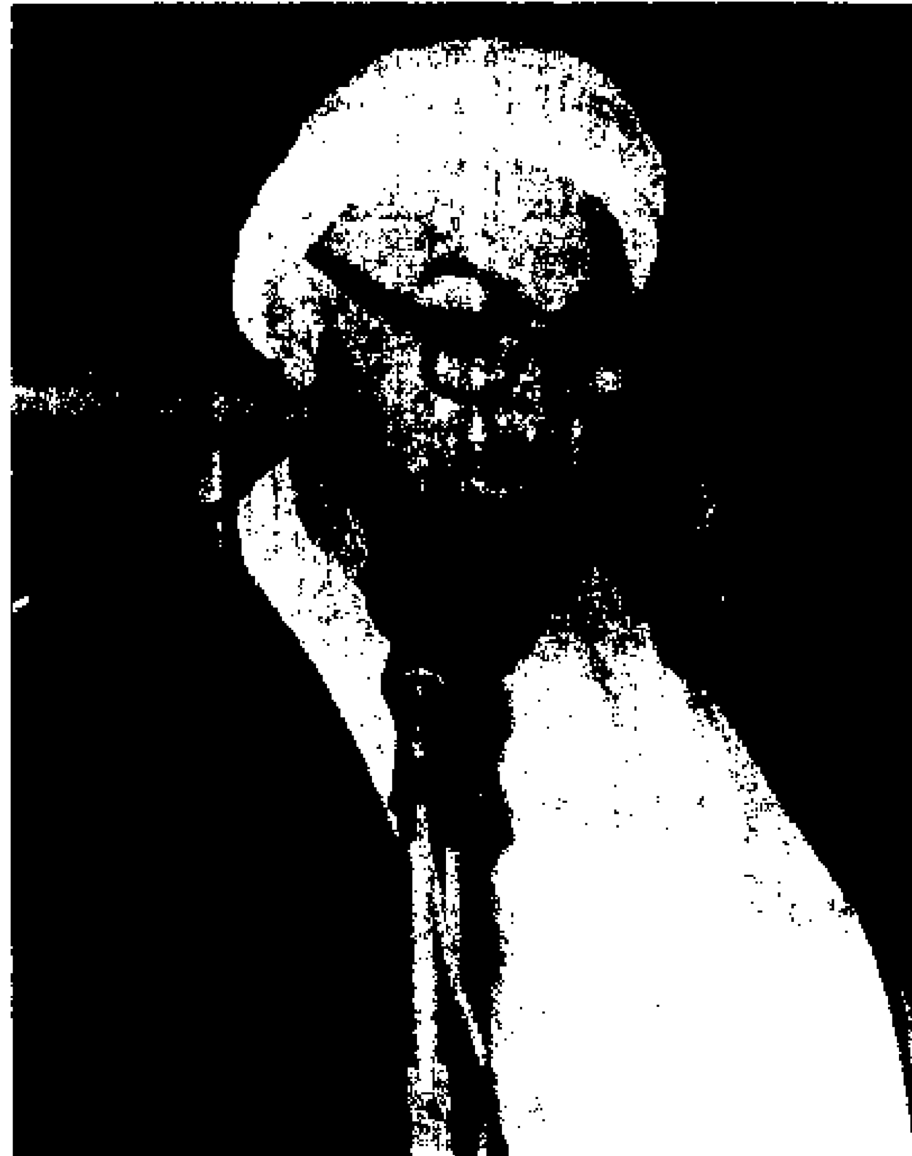
... شماره ۹۰۲۸۹، مرکز مطالعات و تحقیقات
... گزارش مأمور اعزامی دفتر هماهنگی سپاه
... خوزستان. (بدون تاریخ).
... کیهان ۵۸/۲/۱۸، ص ۷.
... کیهان ۵۸/۲/۱۷، ص ۷.
... مأخذ شماره ۳، ص ۷.
... شماره ۳، ص ۷.
... نشریه پیکار ۵۸/۲/۱۷، ص ۸.
... روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران، سال اول،
... ۱۰، ۵۸/۲/۱۷، ص ۸.
... مأخذ شماره ۷، ص ۱ و ۵.
... شماره ۲ - ۲۳ - ۱۱۹ مرکز مطالعات و
... جنگ، اطلاعیه اتحادیه کمونیست‌های
... ۵۸/۲/۱۵.
... روزنامه بامداد ۵۸/۲/۱۷، ص ۱۰ و ۱۱.

۱۱ - روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۱۷، ص ۳.
۱۲ - مأخذ شماره ۳، ص ۳
۱۳ - مأخذ شماره ۲، ص ۴.
۱۴ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفهٔ نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۶ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، سال ۶۱) ص ۱۲۳ - ۱۲۲.
۱۵ - پیشین، ص ۱۲۴.
۱۶ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۱۸، ص ۳، خبرگزاری رویتر.
۱۷ - خبرگزاری پارس، "گزارشهای ویژه"، نشریه شماره ۴۵، ۵۸/۲/۱۸، ص ۲۰، رادیو ریاض.
۱۸ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی امریکا، جلد ۱۸ (تهران: نشر لانه، بی تا) ص ۳۱ - ۲۸.
۱۹ - روزنامه آیندگان ۵۸/۲/۱۷، ص ۸

روزشمار

سه‌شنبه
۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸
۱۱ جمادی الثانی ۱۳۹۹
۸ مه ۱۹۷۹

۱۶



آیت‌الله کرمی
از روحانیان برجسته خوزستان

در مقابله با جریان‌های قومی، هزاران نفر - که روزنامه کیهان از آنها با عنوان "خلق عرب‌مسلمان خوزستان" نام برد - در اهواز دست به راهپیمایی مسلحانه زدند و پشتیبانی خود را از امام خمینی و دولت مهندس بازرگان اعلام کردند. این گروه بعد از راهپیمایی در خیابان‌های اهواز، در برابر حسینیه‌اعظم واقع در خیابان طالقانی اجتماع کردند و به سخنرانی آیت‌الله کرمی درباره "وحدت کلمه و اتحاد خلق عرب مسلمان با دیگر خلق‌ها و طبقات مختلف مردم ایران" گوش فرادادند و در پایان، قطع‌نامه‌ای در هفت ماده از طرف "خلق عرب مسلمان خوزستان" قرائت شد که در آن، دگرگونی بنیادی در بعضی از دادگاه‌های انقلاب اسلامی و تصفیه و خلع ید از افراد فرصت‌طلب در کمیته‌ها و سایر سازمان‌ها، تشکیل شورای ایالتی و ولایتی انقلاب اسلامی، دستگیری عامل و یا عاملان ترور آیت‌الله مطهری و مجازات شدید آنان درخواست شده است. در پایان تأکید شد که از نظر خلق عرب مسلمان خوزستان هرگونه ندای تجزیه‌طلبی در هر نقطه کشور محکوم است.[۱۶]

۱۷

حوادث و درگیری‌هایی که در غرب کشور روی می‌دهد، این منطقه را در وضع متفاوتی نسبت به

روزشمار ۱۳۵۸/۲/۱۸

در عین حال آنها هنوز[۱۶] [قابلیت گردهم آوردن دیگران در قایق ایدئولوژیک خود جهت همکاری و اعمال فشار بر دولت موقت در زمان فقدان هرگونه فروپاشی خود ـ تحمیلی جنبش اسلامی یا دولت موقت را ثابت نکرده‌اند. ما در حال حاضر با این مسئله موافق هستیم ولی تردید داریم که چنین واقعه‌ای در زمانی بین دو یا سه هفته تحقق یابد. ما همچنین به میزان احتمال وقوع یک حادثه ناهنجار و خود نابودکننده بیش از آنچه به آن معتقد هستند، عقیده داریم.][۱۷]*

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۱۸

۱ ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۱۹، ص ۲.
۲ ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۱۸، ص ۸.
۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۷.
۴ ـ مأخذ شماره ۲، ص‌ص ۱ و ۲ و ۳ و ۸.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص‌ص ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۸.
۶ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۴۱، ۵۸/۲/۲۰، ص ۳، بیت‌المقدس، خبرگزاری فرانسه.
۷ ـ مأخذ شماره ۶، رادیو اسرائیل.
۸ ـ مأخذ شماره ۶، ص ۵، رادیو بی‌بی‌سی.
۹ ـ روزنامه آیندگان ۵۸/۲/۱۹، ص ۱ و ۲.
۱۰ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۴۲، ۵۸/۲/۱۹، ص ۲۱ بخش عربی، رادیو کویت.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۲.
۱۲ ـ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اساسنامه تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (بی‌نا، بی‌تا) ص ۸ و ۷.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۷.
۱۴ ـ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی امریکا، جلد ۱۸ (تهران، نشر لانه) ص ۹۵.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۱۴، ص ۹۶.
۱۶ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانهٔ جاسوسی امریکا، جلد ۱۵ (تهران، نشر لانه) ص‌ص ۲۷ ـ ۲۴.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۱۶، بخش اسناد به زبان انگلیسی، سند شماره ۴، ص ۱۳.

* قسمت داخل کروشه، به دلیل نارسایی ترجمه در منبع، مجدداً به کوشش مرکز مطالعات ترجمه و جایگزین ترجمه کتاب شد.

روزشمار

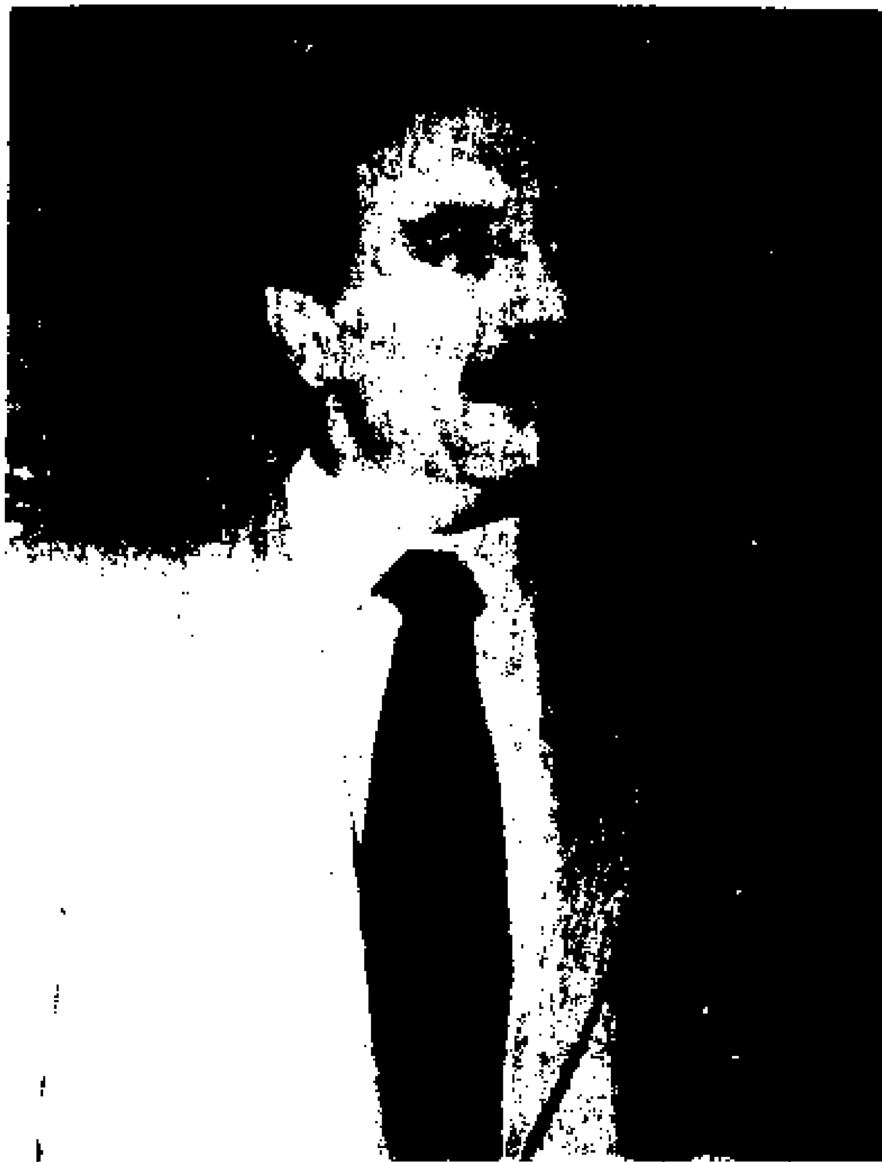
چهارشنبه

۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸

۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۹ مه ۱۹۷۹

۲۴



عبدالرحمن قاسملو
دبیر کل حزب دمکرات کردستان

دکتر "عبدالرحمان قاسملو" دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران که حزبش در وقوع حوادث کردستان بویژه درگیری‌های نقده نقش اصلی را داشته است. اخیراً همراه هیئت نمایندگی حزب دمکرات کردستان* با امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری ملاقاتی داشت و پس از پایان ملاقات در یک مصاحبه مطبوعاتی در تهران که با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار شد، در مورد نتایج این مذاکرات و نیز حوادث اخیر شهر "نقده" سخن گفت. وی خواسته‌های حزب را به این شرح مطرح کرد:

«۱ ـ درخواست اعلام موافقت با خودمختاری کردستان در چارچوب کشور ایران از طرف شخص امام؛ ۲ ـ خودداری دولت از فرستادن ارتش به مناطق کردنشین و جلوگیری از تجدید فعالیت ژاندارمری و شهربانی به شکل سابق؛ ۳ ـ اتخاذ تصمیم برای تشکیل شورای

* برای اطلاع بیشتر از ماهیت و عملکرد حزب دمکرات کردستان ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و چگونگی آغاز اولین حرکت مسلحانه علیه نظام جدید به جلد اول این مجموعه از روزشمار [illegible] ضمیمه خبر شماره ۱۰۴ تحت عنوان تاریخچه، شکل‌گیری، اهداف، برنامه‌ها و عملکرد حزب دمکرات کردستان ایران در صفحات ۱۷۲ ـ ۱۷۱ کتاب مذکور مراجعه شود. به سوابق، عقیدتی و عملکرد عبدالرحمن قاسملو دبیر کل حزب دمکرات در جلد سوم این مجموعه که به بحران کردستان اختصاص دارد، به طور مشروح پرداخته می‌شود.

شده‌بود و هنوز چیزی جاسازی نشده‌بود و ما منتظر آمدن "کیا" (من) و کسب تکلیف از او بودیم که با این اسلحه‌ها چه بکنیم. من در این‌جا یکی از کارهای غلط و اشتباهات بزرگ خود را مرتکب شدم. این تصمیم شخص من بود و واقعاً افراد دیگر رهبری از آن کوچکترین اطلاعی نداشتند. من به پرتوی گفتم کـه ایـن سلاح‌ها نگهداری شود. علت این بود که من پیدایش یک شرایط اضطراری مانند حرکت کودتایی از سوی نیروهای راست را محتمل می‌دانستم و تصور می‌کردم که شاید این سلاح‌ها به درد بخورد. افراد سـازمان مخفی نیز این سلاح‌ها را مخفی کردند...»۲۱

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۱۹

۱ ـ روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۰، ص ۸.
۲ ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۰، ص ۶.
۳ ـ روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۱۹، ص ۳.
۴ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۷.
۵ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۳.
۶ ـ روزنامه مردم، ارگان حزب توده ایران، شماره ۱۱، سال اول، ۵۸/۲/۱۹، صفحات ۱ و ۴.
۷ ـ روزنامه اطلاعات ۵۸/۳/۳، ص ۳.
۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲، خبرگزاری فرانسه.
۹ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۲، خبرگزاری فرانسه.
۱۰ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۴۸، ۵۸/۲/۲۱، ص ۵، رادیو مسکو، خبرگزاری فرانسه.
۱۱ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانهٔ جاسوسی، جلد ۶ـ۱ (تهران، نشر لانهٔ، بی‌تا) صفحات ۴۷۹ـ۴۷۷.
۱۲ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی جلد ۳۴ (تهران، نشر لانه، بی تا) ص ۱۰۲ ـ ۹۹.
۱۳ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۴۷، ۵۸/۲/۲۰، ص ۱۰، رادیو مسکو، روزنامه پراودا.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۱، خبرگزاری فرانسه.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳، رویتر.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۱۳، ص ۱۶ و ۱۷، رادیو امان.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳، رویتر، رادیو بیروت.
۱۸ ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۱۹، ص ۳، رویتر.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۱۳، ص ۱۸، رادیو صوت‌الجماهیر.
۲۰ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۳۱ (تهران، نشر لانه، بی‌تا) ص ۱۳۴ ـ ۱۳۲.
۲۱ ـ مؤسسه تحقیقاتی دیدگاه، خاطرات کیانوری (تهران، موسسه اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۱)، صفحات ۵۴۲ ـ ۵۴۰.

روزشمار
پنج‌شنبه
۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸
۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹
۱۰ مه ۱۹۷۹

۳۷
امروز عده‌ای از زنان عرب در اهواز با سازماندهی جریان‌های سیاسی منطقه‌ای، اجتماعی برپا کردند. در گزارش کیهان درباره این تجمع آمده است: زنان خلق عرب مسلمان اهواز در اجتماعی که در کانون فرهنگی برپا کردند، ضمن تأیید و پشتیبانی از دولت موقت جمهوری‌اسلامی خواستار حقوق شرعی زنان زحمتکش عرب مسلمان ـ که طی سالیان دراز ظلم اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر آنها روا گردیده‌است ـ شدند. به گزارش این روزنامه در پایان اجتماع، قطعنامه‌ای در ۶ ماده تنظیم و قرائت شد. در این قطعنامه خواسته‌های زیر طرح شد:

«شرکت دادن زنان در اجتماعات برای تعیین حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، همچنین گسترش کانون‌ها و اجتماعات در روستاها و تشکیل مدارس و دانشگاه‌ها به زبان عربی و برابری و مساوات با برادران خود.»(۱)

از سوی دیگر، جامعه بختیاری‌های اهواز نیز امروز، اعلام موجودیت کرد. در بیانه مربوطه آمده است:

«فرزندان راستین خلق بختیاری در صنایع تولیدی و سازمان‌های اداری و آموزشی بخصوص با داشتن اکثریت قاطع در صنعت نفت جنوب، همراه سایر اقشار ملت در قطع شاهرگ حیاتی رژیم جبار وابسته به امپریالیسم، سهم مؤثر خود را به ثبوت رسانده‌است.» در آخر بیانیه، اهداف این گروه اعلام شده که ضمن آن چنین آمده‌است: «پشتیبانی از حقوق دمکراتیک خلق‌های ایران و خلق بختیاری و کوشش در راه کسب آزادی و استقلال ملی و تمامیت ارضی و وحدت ملی، حمایت بی‌دریغ از حقوق خلق بختیاری در راه کسب استقلال در اداره امور محلی خود، مبارزه با عوامل ارتجاع و ضدانقلاب در محیط بختیاری، مبارزه با انحصارطلبی، امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی و...»(۲)

۳۸
مخالفت‌های عمومی جریان‌های محلی مخالف نظام در کردستان ایران با بارزانی‌ها و حمایت

از پشتیبانی کنسولگری امریکا در ایران برخوردار خواهد بود. اگر او هرگونه شکایتی از متصدیان زندان بکند، سفارت ایالات متحده امریکا در ایران یادداشتی به حکومت ایران تسلیم کرده و او را به ایالات متحده امریکا بازخواهند گرداند.

مأمور افزود: این امکانات در واقع احمقانه است، چون دکتر یزدی به کرات موضوع شهروندی امریکایی خود را تکذیب کرده است. این داستان ناراحت‌کننده خواهد بود و ما انتظار داریم در این مورد سؤال شود. خواهشمند است متن کامل این مصاحبه را و هر گونه اطلاعات دیگر قابل دسترسی را فراهم کنید.[۱۸]

۵۱
قرارگاه سیا در تهران به مرکز سیا در واشنگتن درباره آخرین اقدامات قرارگاه جهت نزدیکی هرچه بیشتر به آیت‌الله شریعتمداری گزارشی ارسال کرد که در آن آمده است: «... کفیل ریاست در یک مکالمهٔ چهار نفره اجتماعی به تاریخ ۱۹ اردیبهشت با حضور خودش (باروز) کارمندان سفارتخانه (استمپل و تیلور) شرکت کرد. موضوع این مکالمه "ملاقات باروز با شریعتمداری" بود. باروز نسبت به این موضوع تقریباً بی‌میل نیست و در واقع فعالانه مشغول تهیه برگزاری یک ملاقات بین کارمندان سفارتخانه و شریعتمداری بود. او شریعتمداری را آخرین امید تجارت امریکا و ایران می‌داند. باروز از هشدار سفارتخانه در مورد صحبت با شریعتمداری خیلی خرده‌گیری می‌کند. به خاطر داشتن این نکته مهم است که ملاقات با شریعتمداری بنابه‌فکر باروز صورت پذیرفت و شریعتمداری آن‌را درخواست نکرده بود. باروز اساساً معتقد است که ما باید شریعتمداری را نرم کرده، مشوق دیدگاه‌های میانه‌روی او باشیم تا او احساس اطمینان نماید که در طرف‌داری خود از نظریهٔ "نیاز به ابقای بازرگانی خارجی در ایران" از تأیید امریکا برخوردار است. باروز پیشنهاد کرد یک کارمند سفارتخانه به فرد واسطه‌ای [نام برده نشد] که ملاقات او با شریعتمداری را ترتیب داده بود، معرفی شود.

محاسبه مقدماتی ما در مورد آقای باروز این است که او برای کاری که تلگرام مرجع ب شرح داده شد، مناسب نیست. او احتمالاً فکر می‌کند که این کار یک امر مربوط به سفارتخانه است که باید به‌دست خود سفارتخانه باشد. حقیقت امر فقط کمی با هدفی که آقای باروز می‌خواهد در این ملاقات‌ها در نظر گرفته شود اشتراک دارد؛ یعنی او می‌خواهد شریعتمداری را جلو بیندازیم که در برابر اقدامات ضداجنبی، ضدبازرگانی خمینی مقاومت کند. همچنین ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که حدسیات تلگرام مرجع الف دقیقاً منعکس کننده تمایلات شریعتمداری هستند یا حتی مطمئن باشیم که شریعتمداری خود خواستار تماس با دولت امریکاست.

اقدام از طریق اس. دی. جانوس / ۱۳ [سرتیپ (یا سرلشکر) فرازیان مقام عالی‌رتبه سابق ساواک][۱۹] نیز تاحدودی به همین ترتیب است. در این مورد حرکت از جانب یکی از زیردستان شریعتمداری انجام گرفت و باز هم ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که شریعتمداری آن‌را تأیید نماید.

مع‌هذا باب حمایت از شریعتمداری و حزبش گشوده‌است. با در نظر داشتن اتهامات علنی خمینی مبنی‌بر این‌که امریکایی‌ها درصدد شکاف انداختن در وحدت نهضت انقلابی هستند، هرگونه حرکت در جهت تماس با شریعتمداری باید توأم با دقت و حداکثر توجه به امنیت صورت پذیرد. فکر می‌کنیم که باید تصویر روشن‌تری از موضع خود شریعتمداری در قبال تماس با امریکا، به علاوهٔ توقعاتش از این تماس داشته باشیم. سعی خواهیم کرد که این اطلاعات را به‌دست آوریم. در این کار، هدف ما ـ همان‌طور که خمینی نسبت می‌دهد ـ ایجاد شکاف در نهضت اسلامی و تضعیف آن خواهد بود تا صاحبان افکار معقولانه‌تری بتوانند عرض وجود کنند. ما خواستار راهنمایی ستاد در رابطه با اعتبار این هدف از نظرگاه خط مشی هستیم.[۲۰]

۵۲
اعضای مجلس سنای امریکا از مجلس مذکور تقاضا کردند تا شرایط فروش جنگنده‌های اف ـ ۱۵ به عربستان‌سعودی را تغییر دهند تا عربستان‌سعودی که پیمان مصر و اسرائیل را رد و مناسبات سیاسی خود را با مصر قطع کرده، تحت فشار قرار گیرد. روزنامه کویتی القبس همچنین گزارش داد که عربستان‌سعودی برای لغو قرارداد خرید جنگنده‌های اف ـ ۱۵ امریکایی و جایگزین کردن جنگنده‌های فرانسوی به‌جای آنها برنامه‌ریزی می‌کند.[۲۱]

ضمیمهٔ خبر شماره ۴۳

پیش‌نویس قانون‌اساسی بعدها از زاویه‌های دیگر مورد استفاده جریان‌های مذهبی ـ انقلابی قرار گرفت و در مجلس خبرگان نیز اساساً تغییر کلی و ماهوی یافت. اما انتقادات سازمان چریک‌ها به این پیش‌نویس، بیشتر نشانه موضع‌گیری این سازمان در قبال نظام جدید و اسلامیت آن است تا این که مشخصاً متوجه متن پیش‌نویس باشد. در واقع هرگونه پیش‌نویس دیگری نیز که در آن اسلام به‌عنوان عقیده حاکم بر قانون در هر حدی از عمق و برداشت مطرح می‌گردید، با همین شدت مورد نکوهش فدایی‌ها و جریان‌های مشابه آن قرار می‌گرفت. برای فدایی‌ها، قانونی و نهادی شدن مشروعیت و پتانسیل انقلاب‌اسلامی موجود به معنای تثبیت و دائمی شدن انقلاب و نظام بود که نتیجتاً حذف قانونی و قطعی این سازمان از مناسبات قدرت جدید و نفی سلطه آنان بر مقدرات مسلمین را در پی می‌آورد.

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۰

۱ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۳، ص ۴.
۲ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۰، ص ۵.
۳ـ نشریه کار، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، سال اول، شماره ۱۰، ۵۸/۲/۲۰، ص ۸.
۴ـ مأخذ شماره ۲، ص ۲.
۵ـ مأخذ شماره ۲، ص ۴.
۶ـ روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۰، ص ۲.
۷ـ سند شماره ۶۰۸۹۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش پاسداران اعزامی به استان سیستان و بلوچستان.
۸ـ مأخذ شماره ۳، ص‌ص ۱۲ ـ ۱۰.
۹ـ خبرگزاری پارس، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره

۹. ۵۸/۲/۲۱، ص ۳، خبرگزاری فرانسه.
۱۰. روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۲، ص ۸. روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۲، ص ۲.
۱۱. روزنامه آیندگان ۵۸/۲/۲۰، ص ۷.
۱۲. مأخذ شماره ۶، ص ۲.
۱۳. مأخذ شماره ۱۱، ص ۱.
۱۴. مأخذ شماره ۲، ص ۲.
۱۵. مأخذ شماره ۲، ص ۲.
۱۶. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۶ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، سال ۱۳۶۱) ص‌ص ۱۳۹ - ۱۳۸.
۱۷ـ مأخذ شماره ۹، ص ۹ و ۱۰، رادیو امریکا.
۱۸ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱۸ (تهران: نشر لانه، بی‌تا)، ص‌ص ۱۷۵ - ۱۷۴.
۱۹ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۵۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا)، ص‌ص ۴۲ - ۴۱.
۲۰ـ مأخذ شماره ۱۹، ص‌ص ۴۳ - ۴۲.
۲۱ـ مأخذ شماره ۹، ص‌ص ۱۸ - ۱۷، رادیو امان، روزنامه النبس.

روزشمار

جمعه
۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸
۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹
۱۱ مه ۱۹۷۹

۵۳
امروز مأمور اعزامی دفتر هماهنگی مناطق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز گزارشی را تحت عنوان "اوضاع خرمشهر" به این دفتر ارسال کرده‌است که در آن آخرین وضعیت جریان‌ها و گروه‌های صاحب نفوذبررسی شده است و با اعلام این‌که "خرمشهر آتش زیر خاکستر است." پیش‌بینی شده است که "برخورد مسلحانه در شهر بالاخره روی خواهد داد."گزارش مزبور علاوه بر توضیح اوضاع خرمشهر، نمونه‌ای از اولین فعالیت‌های سپاه در زمینه تحقیق و تحلیل مسائل حوزه وظایف خود می‌باشد و بخصوص تا حد زیادی نگرش سپاه به مسائل را نشان می‌دهد، از این‌رو متن کامل آن، ارائه می‌شود:


آیت‌اله محمدطاهر آل‌شبیر خاقانی

۱ ـ روحانیت: مردم این شهر یا شیعه اخباری هستند که اقلیت را تشکیل می‌دهند و پیرو محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی می‌باشند یا این‌که شیعه اصولی هستند که فعلاً اصولی یا اخباری بودن مسئله‌ای را بر نمی‌انگیزد. مردم به طور کلی به روحانیون احترام می‌گذارند بخصوص عشایر عرب؛ روحانیون این شهر عبارتند از:

الف) شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی: این شخص قبل از بهمن ۵۷ شخص بسیار ساکت، غیرانقلابی و محافظه‌کاری بوده که در هیچیک از راهپیمایی‌ها شرکت نمی‌کرد و اوایل حتی اجازه شرکت در راهپیمایی را هم نمی‌داد و با این‌که روحانیون دیگر که از لحاظ مقام و

درجه فقهی از او پایین‌تر بودند ولی انقلابی‌تر، به او فشار می‌آوردند ولی او همچنان همه را از راهپیمایی منع می‌کرد که حتی وقتی روز تاسوعا شد او شخصاً باز هم موافق نبود ولی وقتی دید چاره‌ای نیست و مردم این کار را خواهند نمود، اجازه راهپیمایی را صادر نمود ولی نه خودش و نه پسرش در راهپیمایی شرکت نداشتند ولی بعد از انقلاب چون از لحاظ فقهی از همه ارشدتر می‌باشد همه کاره کمیته‌ها شد و ریاست آنها را به‌عهده گرفت. عده‌ای تجزیه‌طلب که در زندان‌های شاه سابق زندانی بودند و در اواخر [قبل از پیروزی] انقلاب از زندان آزاد شدند با کمک چند نفر از شیوخ ساواکی و چند نفر دیگر از چپی‌ها فوراً تشکیل سازمان سیاسی خلق عرب را دادند و شروع به تبلیغ و حمایت از محمدطاهر نمودند و ظاهراً با تجزیه‌طلبی مخالف می‌باشند ولی عملشان بر موضوع تجزیه‌طلبی صحه می‌گذارد و محمدطاهر کسی است که با آنکه خودش می‌داند افرادی که اکنون اطراف او را گرفته‌اند افراد زیاد صالحی نیستند، لذا به قول خودش به‌خاطر اتحاد از آنها طرف‌داری می‌نماید. در گفته‌های محمدطاهر نفوذ چپی‌ها یا عاملین تأسیس جبهه سیاسی خلق عرب را می‌توان دید، از آن‌جمله در روز کارگر گفت: من حامی خلق‌های ایران هستم و از حقوق شما دفاع می‌کنم و اگر دولت حق شما را ندهد، من اعلامیه برعلیه دولت می‌دهم. در جلسات خصوصی گفته بود این دولت امریکایی است و از طرف دیگر گفته بود اگر منافع انگلیس و امریکا حفظ نشود، ایران به ایرانستان تبدیل می‌شود و همچنین گفته بود: چون می‌گویند ما عرب‌زبان هستیم، می‌خواهیم این کلمه را به حلقوم آنها برگردانیم و برای همین با لباس‌های محلی خودمان بیرون می‌آییم.

محمدطاهر یک حس خود بزرگ‌بینی و ریاست‌طلبی دارد. دو تن از افرادی که خیلی با محمدطاهر در تماس می‌باشند و خیلی ناصالح می‌باشند و به تشدید اوضاع خیلی کمک می‌کنند، داماد و پسرش هستند که نمونه آن، [هنگام] آمدن بازرگان به خرمشهر بود که قبل از این‌که آقای بازرگان سخنرانی کند داماد محمدطاهر پشت میکروفن گفت: «بازرگان می‌خواهد سخنرانی کند اگر می‌خواهید گوش کنید و اگر نمی‌خواهید گوش نکنید.» که عرب‌ها شلوغش کردند و عده‌ای تیراندازی هوایی کردند و آقای بازرگان بدون سخنرانی سالن را ترک نمودند. بجز پسرش سیدکاظم، برادرش مهدی نیز بر محمدطاهر نفوذ زیادی دارد که شخص خبیث و ناراحتی می‌باشد. الان محمدطاهر با کرمی خیلی بد می‌باشد و هر دو در مقابل هم موضع گرفته‌اند و جبهه سیاسی خلق عرب هم اعلامیه‌ای بیرون داده که در آن کرمی و مدنی را با هم محکوم نموده و نسبت‌های ناروایی به او داده‌است. محمد کرمی وزنه خوبی در مقابل محمدطاهر می‌باشد.

ب) سیدشبرّ سیدعدنان: این شخص قبلاً در عراق بوده و برادرش سید عدنان در خرمشهر محبوبیتی در بین عشایر و دیگر افراد داشت که وقتی فوت می‌نماید آقای سیدشبر سیدعدنان به ایران می‌آید و جای برادرش را می‌گیرد که او را به‌خاطر روابط سنتی، عده‌ای از مردم قبول دارند و از او پیروی می‌کنند ولی این شخص انسان غیرانقلابی و ساکتی است. این شخص جبهه‌گیری سختی در مقابل محمدطاهر ننموده است و همچنین هیچ‌گونه او را تأیید ننموده و تا اندازه‌ای با

محمدطاهر مخالف می‌باشد. آقای سیدشبر دارای برادرزاده‌ای است (پسر سیدعدنان مرحوم) به نام سیدعلی که شخص مجاهدی است و در بین جوانان نفوذ دارد و چون مخالف محمدطاهر می‌باشد فعلاً مدتی است خانه‌نشین شده‌است.

ج) آقای نوری است که غیر عرب می‌باشد و شخص مجاهد و فعالی است بخصوص در طول انقلاب خیلی فعالیت کرد. این شخص کسی بود که دائماً بر محمدطاهر فشار می‌آورد که راهپیمایی ترتیب بدهد. در حال حاضر با محمدطاهر خیلی بد می‌باشد. فعالیت چندانی ندارد بجز آنکه چند نفر از جوانان را به عنوان پاسدار در شهر رهبری می‌کند، یعنی در حال حاضر هیچ نیرویی نیست که پاسداری این شهر را در دست داشته باشد، بجز این چند نفر. سازمان سیاسی خلق عرب با آنکه خیلی با نوری بد می‌باشد لذا چون از تعداد این پاسداران اطلاعی ندارد، کمی محافظه‌کاری می‌کند در مقابل او، اگر [این سازمان] از قلت این پاسداران، مطلع شود مسلماً دست به کارهایی خواهد زد. این شخص اطلاعات وسیعی دارد که می‌توان از آن استفاده نمود.

۲ ـ سازمان سیاسی خلق عرب (منظمه السیاسیة الشعب العرب خوزستان): این سازمان با آنکه پایگاه توده‌ای ندارد لذا کوشش زیادی می‌کند که جوان‌های احساساتی عرب را به‌سوی خود بکشاند و با چسبانیدن خود به محمدطاهر سعی در پیداکردن چهره‌ای مردمی دارد. اینها تعدادی از جیپ‌های ارتشی را نیز در اختیار دارند و ظاهراً پول و اسلحه زیادی به این سازمان می‌رسد. به‌گفته آقای نوری بعضی از اعلامیه‌های آنها را معلمینی که از عراق می‌آیند، برای آنها می‌نویسند زیرا خود ادبیات عربی نمی‌دانند و سبک عربی آن کاملاً مشخص می‌باشد. این سازمان چندی قبل از رفراندوم شایع کرده بود که اگر رونوشت شناسنامه بیاورند، پول نفت به آنها تعلق خواهد گرفت. در درون این سازمان جریانات مختلفی دیده می‌شود. افرادی که در این سازمان ذینفع و با نفوذ هستند:

الف) شیوخ عرب می‌باشند که اکثر آنها ساواکی بوده‌اند یا به‌وسیله ساواک حمایت می‌شده‌اند از آن‌جمله شیخ کاظم آل‌علی که در نهر یوسف و فیلیه نفوذ دارد. شیخ عبدالزهرایی که مسلک شیخی دارد و زیاد به کویت مسافرت می‌نماید. مکی فیصلی که خیلی پولدار می‌باشد و کارگران عرب در بندر زیر دست ایشان کار می‌کنند. عرب‌ها با آنکه چندان دل خوشی از شیوخشان ندارند ولی هنوز به خاطر روابط سنتیشان از آنها حمایت می‌کنند و به آنها احترام می‌گذارند.

ب) تجزیه‌طلبان و کمونیست‌ها که به‌وسیله رژیم بعثی عراق حمایت می‌شوند. در واقع این قشر که نسبت به شیوخ خیلی باسواد می‌باشند تئوریسین این سازمان می‌باشند.

۳ ـ مرکز الثقافیه العربی (کانون فرهنگی عربی)، تجزیه‌طلبان: کمونیست‌هایی که در رژیم قبلی در زندان‌ها بسر می‌بردند و این اواخر [قبل از] انقلاب از زندان‌ها آزاد شدند، این کانون را به‌وجود آوردند که دارای ریشه قومی و کمونیستی می‌باشد. شخصی به‌نام عام که از افسران نظامی و آگاهی کویت است، همچنین به‌گفته‌ای مدیر شرکت‌نفت نیز می‌باشد، با پولی بیش از ۲

میلیون تومان و مقدار زیادی اسلحه آمده و بین افراد مرکز الثقافیه پخش نموده است. در این باره نواری از آقای عارفی ـ شخص مجاهد و روحانی شادگان که دارای اطلاعات ذیقیمتی است ـ می‌باشد. این سازمان اوایل با سازمان سیاسی خلق عرب ظاهراً مخالفت می‌ورزید گرچه هر دو یک چیز را دنبال می‌کردند و یک هدف را داشتند ولی حالا با هم روابط بهتری دارند.

۴ ـ المجاهدون العرب فی خوزستان: قبل از انقلاب به‌صورت مخفی کمی اعلامیه بیرون می‌دادند و ظاهراً دارای خط مشی و نقطه نظرهای مثبتی می‌باشند.

۵ ـ کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر: این کانون که ۶۰ درصد اعضاء آن عرب و تقریباً همه جوان می‌باشند، دارای نقطه نظرهای مثبتی است و طرف‌دار دولت آقای خمینی می‌باشند که فعالیت‌های فرهنگی زیاد می‌کنند. این سازمان نقطه مقابل سازمان سیاسی خلق عرب می‌باشد و خیلی با آنها مخالفت می‌ورزد که گاهی اوقات کمی تندروی می‌کنند و بدون داشتن سیاست دست به اعمالی می‌زنند برعلیه سازمان سیاسی خلق عرب. البته این کانون دارای اشخاص مؤمن و خوبی مثل آقای زمانی می‌باشد. این کانون یک‌بار به وسیله افراد سازمان سیاسی خلق عرب خلع سلاح شد، که نزدیک بود درگیری به‌وجود آید که بخیر گذشت.

گزارش مذکور پیوستی با عنوان "نتیجه‌گیری‌ها و بعضی نکات جا افتاده" نیز دارد که به قرار زیر است:

۱ ـ تمام دهات اطراف خرمشهر و همچنین خانه‌های زیادی در خرمشهر اسلحه نگه‌داری می‌کنند و خرید و فروش اسلحه به‌وفور دیده می‌شود.

۲ ـ به‌طور کلی در رژیم گذشته عرب‌ها دچار ظلم مضاعف بودند. آنها را حتی در ادارات دولتی نیز بندرت استخدام می‌کردند. همچنین چون در عرب‌ها یک احساس خود حقیربینی در مقابل عجم‌ها وجود دارد و همچنین عرب‌ها چون انسان‌های احساساتی می‌باشند مزدوران رژیم سابق و همچنین دشمنان این آب و خاک راحت می‌توانند آنها را تحریک نمایند.

۳ ـ برخورد بالاخره روی خواهد داد، زیرا خرمشهر مثل یک آتش زیر خاکستر می‌باشد و بالاخره روزی منفجر خواهد شد، مگراینکه دولت اقدامات لازم را به‌عمل بیاورد که عبارتند از:

الف: اعلام نمودن از رسانه‌های خبری که حقوق حقه همه خلق‌ها حفظ خواهد شد. البته اشخاص زیادی این حرف را زده‌اند ولی این‌که دولت رسماً اعلام نماید، اثر دیگری دارد.

ب: کارهای عمرانی از قبیل تهیه پمپ آب، تراکتور، برق و ساختن جاده انجام شود.

ج: ایجاد مجدد کمیته به‌خاطر در دست گرفتن انتظامات شهر و یا بهتر خواهد بود که سپاه در آن‌جا دفتر باز نماید، زیرا از وقتی که به ستاد حمله شد، کمیته‌ها به عنوان اعتراض به دخالت‌های محمدطاهر منحل شدند و الان به‌جز عده قلیلی به‌نام پاسداران انقلاب کسی انتظامات شهر را در اختیار ندارد.

د: سازمان دادن ژاندارمری و شهربانی که وضع خیلی ناجوری دارند خصوصاً آنکه دیده شده که سرگرد حجازی در جلسات سازمان سیاسی خلق عرب شرکت می‌نماید و از آنها

هواداری می‌نماید.

ح: رسیدگی کردن به وضع کارگران عرب که در ترخیص کالاها در بندرکار می‌کنند.

و: رسیدگی کردن به وضع مرزها، زیرا عرب‌ها بخصوص از مرزهای شلمچه، هویزه، سوسنگرد، خور اورق، ماهشهر و ملاشی قاچاق وارد می‌کنند و چون محمدطاهر عشایر را مامور نگه‌داری از مرزها نموده و آنها هم خود روزگاری را به قاچاق کالا سپری کرده‌اند، بنابراین وضع ناجوری دارد. فشنگ برنو از عراق وارد می‌شود!!

ز: خنثی نمودن اعمال سازمان سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی عربی به هر صورت که امکان دارد.

ه: قدرت بخشیدن به روحانیونی که مخالف محمدطاهر هستند، مثل شیخ عیسی طرفی در آبادان.

۴ ـ در دست عرب‌ها اسلحه‌های روسی و مصری زیاد دیده می‌شود؛ مثلاً مسلسل بورسعید مصری شانزده هزار تومان به‌فروش می‌رسد.

۵ ـ عرب‌ها از لحاظ ایدئولوژی اسلامی و همچنین آموزش سیاسی خیلی سطح پایین می‌باشند بخصوص در دهات که باید به دهات رفت و آنها را آگاه نمود. عرب‌ها از این‌که به آنها عرب‌زبان گفته شود خیلی بدشان می‌آید و اساساً به سیدها احترام می‌گذارند و کانون فرهنگی عربی به خاطر داشتن افکار چپی نمی‌تواند در بین توده‌ها نفوذ کند، سازمان سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی عربی در شادگان و جزیره مینو دفتر باز نموده‌اند. همه کشاورزان عرب به خاطر سختی شرایط به کارهای کارگری و ترخیص کالا در بندر و یا قاچاق روی می‌آورند.

۶ ـ دلیل این‌که محمدطاهر کمی مهم شده و اسمش بر زبان‌ها افتاده، این است که بازرگان و طالقانی به‌دیدن او رفتند و با این کارشان به او ارج نهادند. الان اکثراً افراد سازمان سیاسی دور و بر شیخ را می‌گیرند.

۷ ـ شادگان یکی از مکان‌هایی است که کانون فرهنگی عرب در آن فعالیت می‌نماید. عشایر این شهر تعدادشان بیشتر از ۱۵ برابر عجم‌ها می‌باشد و تا حد زیادی و از لحاظ فرهنگی در سطح پایین می‌باشند. در این شهر روحانی مجاهدی به نام آقای عارفی فعالیت می‌کند که زندگیش را وقف این مردم نموده‌است و کانون فرهنگی خیلی سعی کرده او را به‌طرف خود بکشاند ولی موفق نشده است و این شخص دارای اطلاعات گرانبهایی می‌باشد.

۸ ـ پان‌ایرانیست‌ها در خرمشهربه دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱ ـ طرف‌داران فروهر ۲ ـ طرف‌داران پزشکپور که رحیم‌کعبی(عرب) و سالمی‌ها و خرمی‌ها از سران آن می‌باشند. به‌طور کلی پان‌ایرانیست‌ها از عرب‌ها خوششان نمی‌آید وبجز چند جلسه در بین خودشان هیچ فعالیت دیگری ندارند و سکوت اختیار کرده‌اند. به‌طور کلی با این نهضت نیز همکاری نمی‌کنند و دل خوشی از آن ندارند ولی کاری هم برعلیه نهضت نمی‌کنند.

۹ ـ کسانی که به نمایندگی از عرب‌هابه تهران آمده‌اند، نمایندگان حقیقی عرب‌ها نیستند.[1]

روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۱

در ضمیمه گزارش مأمور اعزامی سپاه به خرمشهر درباره مراکز قدرت در خرمشهر چنین آمده است:

در ظاهر چند مرکز در شهر به چشم می‌خورد که دارای قدرت هستند ولی در اصل دو قدرت بیشتر نیست. قدرت‌ها یکی سازمان سیاسی خلق عرب است و دیگری کانون فرهنگی ـ نظامی خرمشهر و دیگر دژبان و یک مرکز کمیته که نمی‌دانم وابسته به کجا هستند و چکار می‌کنند، زیرا فقط چند نفر حاجی در یک دفتر نشسته‌اند ولی در انتظامات شهر دخالتی ندارند. دژبان نیز غیرمستقیم زیر نظر کانون کار می‌کند و با آنها مشترکاً برای پاسداری در شهر کمک می‌کنند. در حقیقت دو نیروی اصلی وجود دارد کانون فرهنگی ـ نظامی خرمشهر که تشکیل شده‌ست از جوانان عرب و غیر عرب که مؤسسین آن "گروه منصورون" می‌باشند که در زمان انقلاب اکثر فرزندشان زندگی مخفی داشته‌اند. کانون فرهنگی ـ نظامی را اکثراً جوانانی غیور و متعهد که هم عرب و هم غیرعرب هستند تشکیل می‌دهند. این کانون تمام کار پاسداری از نقاط حساس شهر، پاسداری از منازل و خیابان‌ها و پاسداری گمرک و بندر را به عهده دارند. البته نظر به این‌که مردم از پلیس بندر حساب نمی‌برند و در آنجا دزدی‌های زیادی می‌شود به تازگی قرار بر این شده‌ست که کانون نیز در این امر شرکت کند، زیرا در شهر مردم روی کانون حساب می‌کنند و دزدها نیز از آنها عجیب می‌ترسند.

سازمان سیاسی خلق عرب: این سازمان تا به‌حال سه نام عوض کرده و این آخرین نام این سازمان می‌باشد. این سازمان متشکل از عده‌ای عرب تندرو و کمونیست است که اکثر تحریکات ـ بنا به قول افراد کانون ـ به‌وسیله همین افراد صورت می‌گیرد و عده‌ای از طرف‌داران شیخ هستند که اکثراً افراد شناخته شده هستند. عده کثیری از آنها را اشخاص بی‌سر و پا و چاقوکش و ... تشکیل می‌دهند و عده‌ای نیز دچار انحرافات جنسی بوده و عده‌ای نیز افراد رابط با ساواک بوده‌اند. برادران کانون در این موارد اسنادی نیز دارند که می‌توانند ارائه دهند.

اختلافات بین اعراب: چون عرب‌ها در عشایر تشکیل شده‌اند و اکثراً عشایر با هم در اختلاف هستند به همین دلیل اختلافات شدیدی بین آنها وجود دارد ولی اخیراً این دعواها کمتر شده و گویا توافق‌هایی در پشت پرده صورت گرفته باشد.

تذکر: بنا به قول جوانان شهر، از گروه علی فخری ـ که از طرف شیخ برای مذاکره با دولت به تهران آمده‌اند ـ عده‌ای عمال ساواک، چند نفر کمونیست و چند نفر نیز سابقه دزدی دارند. فقط پنج یا شش نفر از آنها صالح و پاک می‌باشند.

خصوصیات شیخ: شیخ مردی است قدرت‌طلب و صاحب نفوذ در عوام، ولی به علت این‌که شخصاً فردی ضعیف‌النفس می‌باشد بیشتر آلت دست اطرافیان قرار می‌گیرد و نسبت به عمال رژیم سخت سست بنیاد است و از طرف شدن با عمال رژیم که نفوذی در عشایر دارند جلوگیری می‌کند و تمام اختلافات نیز سر منشاء از دستگیری یکی از عمال رژیم ساواک دارد که شیخ شدیداً اصرار داشته که او را باید آزاد کرد.[۲]

روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۱

۵۴



امام موسی صدر

به گزارش مطبوعات، هزاران نفر از طبقات مختلف مردم یزد پس از شنیدن سخنان خانم "رباب صدر" خواهر امام موسی صدر که در مسجد "خطیره" این شهر ایراد شد در خیابان‌های شهر به تظاهرات پرداختند و خواستار آزادی امام موسی صدر شدند. خانم رباب صدر در این اجتماع که با حضور آیت‌الله صدوقی برپا شد طی سخنانی از مردم ایران درخواست کرد که از دولت اسلامی بخواهد برای بازیابی امام موسی صدر کوشش کنند. خواهر امام موسی صدر در بخشی از سخنان خود اظهار داشت:

سازمان "سیا"ی جنایتکار در بعضی از مناطق غربی دست به‌کار شد تا امام موسی صدر که تبلور امیدها و آرزوهای ملت مسلمان و شیعه بود از میدان به‌در رود، به‌همین منظور وی را در سفری رسمی که به دعوت سران لیبی به آن کشور بود، ربود و اکنون بیش از ۹ ماه است که از وی هیچ‌گونه خبری نداریم. برای ما به هر دلیل قطعی مسلم و محرز است که امام موسی صدر و همراهانش علی‌رغم ادعای لیبی دایر بر خروج آنها از لیبی و مسافرت ایشان و همراهانش به ایتالیا، هرگز به این کشور سفر نکرده و از لیبی خارج نشده‌اند.



لبنان در چنگال اسرائیل دست و پا می‌زند؛ جنوب لبنان در آتش و خون غرق است؛ تمام تأسیسات نوپای شیعیان که به همت امام موسی صدر برپا شده، نزدیک به انهدام است. خواهران و برادران لبنانی خود را دریابید و پیش از آنکه خانه و هستی خود را از دست بدهند و آواره بیابان‌ها شوند، به کمک ایشان بشتابید. اگر غیبت امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان بیش از این به طول انجامد، بزرگترین ضایعه تاریخ

خبرنگاران گفت که اعدام القانیان سابقه خطرناکی به وجود می‌آورد.(۷)

۵۶
شرکت ملی نفت ایران با موافقت دولت به کلیه خریداران خود اعلام کرد با توجه به وضع بازار جهانی نفت،از تاریخ ۱۵ ماه مه مطابق با ۲۵ اردیبهشت ماه جاری قیمت فروش انواع نفت خام ایران هر بشکه ۶۰ سنت افزایش می‌یابد. به این ترتیب تمام خریدارانی که با شرکت نفت ایران قراردادهای خرید دارند،از تاریخ فوق برای نفت خام سبک هر بشکه ۱۷/۱۷ دلار و برای نفت خام سنگین هر بشکه ۱۶/۶۴ دلار پرداخت خواهند کرد. این قیمت‌ها در مورد نفت خام سبک دو دلار و ۵۰ سنت و در مورد نفت خام سنگین دو دلار و چهل سنت از قیمت‌های مصوبه اوپک بالاتر است.(۸)

رادیو لندن طی تفسیری درباره تصمیم ایران مبنی بر افزایش قیمت نفت صادراتی خود گفت:«ایران از موضع نیرومند خود در بازار نفتی استفاده کرده تا ۶۰ سنت به هر بشکه نفت خام خود بیفزاید و این افزایش،دومین افزایش در خلال یک‌ماه به‌شمار می‌رود. این اقدام نگرانی‌هایی در صنعت نفت بوجود آورده‌است،زیرا احتمال دارد کشورهای عضو اوپک یکی پس از دیگری و پیش از تشکیل اجلاس تعیین قیمت‌های سازمان در ژنو در ۲۶ ژوئن آینده، قیمت‌های نفت خود را بالا ببرند. قیمت کنونی نفت ایران ۱۷ دلارو ۱۷ سنت میباشد وبدین ترتیب پس از افزایش‌هایی که کشورهای دیگر در قیمت نفت خود داده‌اند مانند ابوظبی و عراق،نفت‌ایران گرانترین نفت منطقه می‌شود.قیمت نفت خام عربستان‌سعودی دو دلار و ۶۳ سنت ارزانتر است و انتظار میرود تصمیم اخیر ایران میان ۶۳کشور و شرکت‌های نفتی که در ماه مارس با شرکت ملی نفت ایران که صادرات نفت خود را آغاز کرده بود به توافق رسیده بودند،تشنجاتی‌به وجود آورد.

افزایش قیمت‌های نفت ایران چند روزی پس از اعلام افزایش ۶۷ سنت برای هر بشکه نفت عراق جهت همگام شدن قیمت‌های خود با قیمت‌های نفت ایران صورت گرفته است. اندونزی و عمان نیز قیمت‌های نفت خام خود را به ۱۷ دلار و ۵۰ سنت افزایش داده‌اند که بالاترین قیمت‌هادر خاورمیانه به شمار می‌رود،لذا عربستان سعودی برای برقراری قیمت‌های بیشتر،با فشار روبرو خواهد شد،زیرا تنها کشور عضو اوپک خواهد بود که مالیات اضافی بر نفت خام خود وضع نکرده‌است.(۹)

۵۷
رئیس سازمان سیا در نامه‌ای به قرارگاه سیا در تهران با قید "حساس" در مورد تماس رابط آن زمان با آیت‌الله شریعتمداری نوشت:

۱ - ... براساس اظهارات شریعتمداری به باروز، ملاقات اس.دی.ولید/۱[نام واقعی نامعلوم] با شریعتمداری و حالا اطلاعات ج/ ۱۳ [اسم واقعی نامعلوم] ما می‌توانیم این فرض را ایراد کنیم که شریعتمداری دارد موضع را می‌سنجد. در تلگرام مرجع ب، ما اظهار علاقه

کرده بودیم اطلاعاتی را که شریعتمداری ادعا کرده بود لازم دارد به وی بدهیم. در صورتی که بتوان یک کانال رضایت‌بخش پیدا کرد، هنوز می‌خواهیم چنین کنیم. قطعاً به نظر می‌رسد که ج/۱۳ یک کانال باشد، اما مطمئن نیستیم که رد کردن آن از طریق یک مقام سابق ساواک مصلحت باشد یا به همین علت شریعتمداری حاضر شود آن را از طریق ج/۱۳ قبول کند یا نه.

۲ - برای تشخیص این که آیا زمان مناسب (با درنظر گرفتن آشفتگی وضع عمومی ایران) جهت شروع طرح‌ریزی برای اقدام سیاسی فرارسیده، ما به آگاهی از واقعیات بیشتری در مورد اوضاع محل احتیاج داریم. هدف از اقدام سیاسی ما در ایران روی کار آمدن دولتی است که نسبت به منافع ایالات متحده نظر موافق داشته باشد. برای آن که حزب شریعتمداری را به عنوان یکی از راه‌های نیل به هدف خود مورد توجه قرار دهیم، لازم است که قدرت و نفوذ آن را معین کنیم. ج/۱۳ چگونه به رقم هشت میلیون نفر آمادهٔ پیوستن (به حزب) رسید؟ آیا شریعتمداری خط مشی حزب را تعیین می‌کند یا این که مقصود این است که اسماً در رأس قرار داشته باشد؟ آن مقام رتبهٔ دوم که هویتش مشخص نشد و ج/۱۳ با او تماس دارد، کیست؟ چه کسانی کادر اصلی را تشکیل می‌دهند؟ اگر ج/۱۳ بتواند به اینها و سایر سئوالات جواب دهد، کمک خواهد کرد که تعیین کنیم آیا حزب شریعتمداری کارآمد هست یا نه؟(۱۰)

منابع و مأخذ روز شمار ۱۳۵۸/۲/۲۱

۱ - سند شماره ۹۰۲۸۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش مأمور دفتر هماهنگی مناطق سپاه پاسداران به سپاه مرکز.
۲ - سند شماره ۹۰۲۸۴، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش مامور دفتر هماهنگی مناطق سپاه پاسداران به سپاه مرکز.
۳ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۲، ص ۷.
۴ - مأخذ شماره ۳.
۵ - مأخذ شماره ۳، ص ۳.
۶ - خبرگزاری پارس، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۴۸،ص ۱، خبرگزاری فرانسه و رویتر، ص ۲، رادیو مسکو.
۷ - مأخذ شماره ۳، ص ۳.
۸ - روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۲، ص ۱.
۹ - خبرگزاری پارس، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۴۹، ۵۸/۲/۲۲،ص ۵، رادیو لندن.
۱۰ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی جلد ۵۵(تهران: نشر لانه،بی‌تا) ص ۴۴.

روزشمار

شنبه

۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۸

۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۱۲ مه ۱۹۷۹



دریادار احمد مدنی

استاندار خوزستان و فرمانده نیروی دریایی

۵۸
دریادار "احمد مدنی" استاندار خوزستان ضمن اعلام خبر "دستگیری گروهی تجزیه‌طلب و توطئه‌گر در خوزستان که میلیون‌ها تومان پول در اختیار داشته‌اند"، گفت: «تلاش تجزیه‌طلبان و تفرقه‌اندازان که پادوهای استعمار و استبداد هستند به نتیجه نرسید و به دنبال پی‌گیری‌های لازم، افرادی شناخته شده‌اند و هم‌اکنون تحقیقات در مورد جزییات برنامه این گروه ادامه دارد.» مدنی تاکید کرد: «اجازه نمی‌دهیم در این منطقه (خوزستان) از سوی افراد شناخته‌شده و معلوم‌الحال یا ناشناخته، صدمه و لطمه‌ای به یکپارچگی مردم وارد شود.»

وی گفت: «در چارچوب مسئولیت من [فرمانده نیروی دریایی و استاندار خوزستان] در خلیج‌فارس، مرزهای شمال [دریایی خزر] و استان خوزستان این نکته را یادآور می‌شوم [که] نه متجاوز خواهیم بود و نه اجازه می‌دهیم به ما در مرزهایمان تجاوز شود. ... با توجه به حفظ امنیت خلیج فارس یادآور می‌شوم ما ژاندارم خلیج‌فارس نیستیم و به صورت سابق مبارزه علیه کمونیزم در خلیج‌فارس نخواهیم داشت. علاوه بر این در امور دیگر کشورها نیز دخالت نمی‌کنیم و قصد نداریم بار دیگر داستانی نظیر "ظفار" تجدید شود.»[۱]

۵۹
آیت‌الله "شبیر خاقانی" در گفت‌وگویی با خبرگزاری پارس گفت: «دعوت امام خمینی و حضرت

آیت‌الله شریعتمداری را برای سفر به قم قبول کرده است و بزودی به این شهر عزیمت خواهد کرد.» وی افزود: «در سفر به قم مسائل مربوط به ناامنی کشور، وجود غیر قانونی پاره‌ای کانون‌ها و بی‌توجهی مأموران و دخالت بی‌رویه کمیته‌ها را مورد بحث و تبادل نظر قرار خواهیم داد و چنانچه راه حل مناسبی ارائه نشود، ناچار به اتخاذ روش دیگری خواهیم شد. اخیراً عواملی مبادرت به تهدید مردم و بعضی از خبرنگاران کرده‌اند و این مایه تأسف است که عده‌ای جوان ناآگاه موجبات سلب آسایش دیگران را فراهم می‌کنند. بدیهی است این‌گونه رویه برای من قابل تحمل نیست زیرا دخالت کمیته‌ها در کار مردم و نیز تجاوز به حقوق دیگران نوعی دولت در دولت به وجود آورده است و مآلاً موجبات ناامنی را در منطقه فراهم خواهد کرد.»[۲]

۶۰
با وجود گذشت حدود ۲۴ روز از حوادث خونین نقده هنوز اقتصاد این شهر جریان عادی خود را باز نیافته و بسیاری از مغازه‌ها و بانک‌ها و همچنین ادارات دولتی و مدارس این شهر همچنان تعطیل است. حجت‌الاسلام "حاج میرزا ابراهیم محرر" امام جماعت شیعیان نقده در این زمینه گفت: «متأسفانه گروه کثیری از برادران کرد با وجود استقرار کامل نظم و آرامش در منطقه و نظارت دقیق پاسداران اعزامی بر اوضاع و احوال شهر، به علت تحریک عده‌ای از عوامل محرک، اثاث و لوازم خود را برمی‌دارند و از شهر خارج می‌شوند و این وضع موجبات تأثر برادران ترک را فراهم کرده است. ... افرادی مغرض بی‌جهت بین برادران کرد ما ایجاد وحشت و اضطراب می‌کنند و موجب نگرانی آنها می‌شوند، در حالی که‌این نگرانی بی‌مورد است و ما امیدواریم مانند گذشته برادران کرد و ترک در نهایت عطوفت و صلح و صفا زندگی آرامی در کنار یکدیگر داشته باشند.»[۳]

۶۱
هیئتی که از سوی مردم نقده، به منظور تشریح مسائل و مشکلات موجود در این شهر به تهران و قم آمده‌اند، ضمن حضور در روزنامه اطلاعات مسائلی را مطرح ساختند. اعضای این هیئت اعلام کردند: بعد از وقایع خونین نقده، پاسداران انقلاب اسلامی دقیقاً از کلیه معابر و منازل حفاظت می‌کنند. اهالی ترک این شهر نیز با صدور اعلامیه و اعزام هیئتی به شهرستان مهاباد برای بازگشت اکرادی که بنابه مصلحت خودشان از شهر خارج شده‌اند، حسن‌نیت خود را نشان دادند. اما متأسفانه عده‌ای از برادران مسلمان کرد به این احساسات انسان دوستانه و برادرانه جواب نداده‌اند و اخیراً گروهی از اکراد محل برای خارج کردن وسایل منزل به شهر نقده مراجعه و علی‌رغم میل باطنی و توصیه ترک‌ها، اقدام به حمل اثاثیه خانه‌ها می‌نمایند. از آن‌جا که شناسایی دقیق اموال برادران کرد و حتی بعضی از منازل ممکن نیست، چه بسا در این جریان وسایل دیگر برادران کرد نیز توسط عوامل مشکوک غارت شده و می‌شود و این کار به حساب ترک‌ها گذشته می‌شود. همچنین این عده برای بدنام کردن ترک‌ها خانه‌های خالی و غارت‌شده را

بدهیم و وزارتخانه‌ها در این زمینه مشغول بررسی‌هایی هستند تا چنانچه قراردادی به صلاح ملت و مملکت نباشد، آن را لغو کنند و اگر تشخیص دادند با منافع و مصلحت ما منطبق است، این قراردادها باید حفظ شود.»[۲۷]

۷۲

وزارت امورخارجه امریکا در تلگرامی به سفارت آن کشور در تهران با امضای ونس وزیر خارجه با طبقه‌بندی خیلی‌محرمانه و تحت عنوان "اظهارنظر در مورد ایران" گزیده‌ای از سخنان وزیر امورخارجه امریکا در مقابل کمیته امورخارجه کنگره را به قرار زیر ارسال کرد:

آقای ولپ: آقای وزیر آیا امکان دارد در مورد تغییر و تحولات شرایط فعلی ایران ارزیابی دقیقی در اختیار ما بگذارید؟

آقای ونس: بله، اجازه بدهید که خیلی کوتاه برایتان شرح بدهم.[۲۸] [در حال حاضر همان گونه که از روزنامه‌های ما برداشت می‌شود اوضاع ایران بسیار شکننده است. دولت جدید درصدد تحکیم و گسترش حاکمیت خود بر سرتاسر کشور می‌باشد. وظیفه‌ای که در هر شرایط انقلابی بسیار مشکل است]* [۲۹] مسلماً اختلافاتی وجود دارد. نخست‌وزیر و کابینه‌اش در جهتی در حرکت هستند که فکر می‌کنم یک راه سازنده برای نگه‌داری و اداره کشوری که در شرایط بسیار سختی بسر می‌برد، باشد. نخست‌وزیر مرد بسیار لایقی است. همه ما آرزوی موفقیت وی را در کلیه زمینه‌ها داریم.[۳۰]

۷۳

رئیس سازمان سیا در تلگرامی به قرارگاه سیا در تهران در مورد اهداف امریکا از برقراری تماس با شریعتمداری می‌نویسد:

۱ ـ براساس اظهارات مندرج در تلگرام مرجع الف دربارهٔ باروز، ما با قرارگاه توافق نظر داریم که او ظاهراً آن کانالی که دنبالش بودیم نیست. پیشنهاد اولیه راجع به استفاده از باروز بر این فرض استوار بود که شریعتمداری قدم پیش نهاده است نه باروز. ما هم مثل قرارگاه فکر می‌کنیم که باید اول مطمئن شویم که شریعتمداری می‌خواهد کانالی با دولت امریکا داشته باشد و آن گاه اقدام به برقراری آن نماییم و زمانی هم که برقرار شد، باید حتی‌الامکان کانالی مطمئن باشد.

۲ ـ قصد ما در تماس با شریعتمداری کمک به ایجاد یک "راه حل میانه" است. هدف ما ایجاد شکاف در نهضت اسلامی نیست بلکه می‌خواهیم نیروهای میانه‌رو درون آن را تا حد حاکم شدن توسعه دهیم. وجود یک جناح میانه‌رو قوی که بر نهضت اسلامی حاکم باشد می‌تواند بخوبی آنهایی که در سرتاسر کشور صاحب افکار میانه‌رو دنیوی هستند حداقل در

* عبارت داخل کروشه به علت نقص عبارت ترجمه شده مجدداً، توسط مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ترجمه شده است.

شکل یک ائتلاف جذب کند. در حالی که آشکار است که جناح‌های چپ رادیکال همچنان دشمنان هرگونه نهضت میانه‌رو خواهند بود، آنها بار دیگر ناچار از اتخاذ مواضع افراطی چپ خواهند شد. امیدواریم که نهضت میانه‌رویی با پایگاه وسیع سر برآورد که گروه‌های چپ و راست در حاشیه آن واقع باشند.

۳ ـ مع‌هذا، تمام مطالب فوق بر فرض این هستند که امکان وجود چیزی شبیه به فعالیت سیاسی عادی باشد. واقعیت حاضر این است که سلاح‌ها و در نتیجه قدرت حقیقی در دست رادیکال‌هاست تا نوعی تشکیلات قابل اطمینان انتظامی (مثل ارتش) تجدید سازمان نشده و ایرانیان میانه‌رو به خود جرأت ندهند نظریات خود را با قوت بیان دارند، فضای مناسب برای رشد نهادهای دمکراتیک موجود نخواهد شد. به شق دیگر آیا گروه شریعتمداری حامیان مسلح ویژه خود دارد؟ آیا هیچ یک از دسته‌های مسلح موجود ابراز حمایت از شریعتمداری می‌نمایند یا قابل جذب به نهضت وی می‌باشند؟

۴ ـ ما در تلگرام مرجع ج هدف از اقدام سیاسی خود را که برپا کردن دولتی است که نسبت به منافع امریکا نظر موافق داشته باشد اظهار داشته‌ایم در اوضاع سیاسی جاری، بهترین راه نیل به این هدف، استقرار یک دولت میانه‌رو برخوردار از حمایت مردم است که یا تحت رهبری یا حمایت جامعهٔ روحانیت باشد و قدرت حفظ نظم و قانون را داشته باشد. در عین حالی که تعریف این هدف ساده است، ما هنوز در جستجوی شیوه‌های حصول آن هستیم و از نظریات و پیشنهادهای قرارگاه در این رابطه استقبال می‌نمائیم.»[۳۱]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۲

۱ ـ روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۲، ص ۳.
۲ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۵۱، ص ۱.
۳ ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۲، ص ۱.
۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۳.
۵ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۹، ۵۸/۳/۱۶، ص ۴.
۶ ـ مأخذ شماره ۳، صفحه ۶.
۷ ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۳، ص ۸.
۸ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۲.
۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۱۰ ـ روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران، شماره ۱۲، ۵۸/۲/۲۲، ص ۱.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۲ و مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۱.
۱۳ ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۴، ص ۱.
۱۴ ـ نشریه کار، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، سال اول، شماره ۱۱، ۵۸/۲/۲۷، ص ۱۲.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۱۳، ص ۱.
۱۷ ـ روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۴، ص ۲.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۱۳، ص ۱.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۲۱ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۲.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۱۴، ص ۱.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۵.
۲۴ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۴.
۲۵ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۸.
۲۶ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۳.

۲۷ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱۲.
۲۸ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه‌جاسوسی، جلد ۱۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا)، ص ۳۰.
۲۹ ـ مأخذ شماره ۲۸، بخش اسناد به زبان انگلیسی، ص ۱۵.
۳۰ ـ مأخذ شماره ۲۸، ص ۳۰.
۳۱ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه‌جاسوسی، جلد ۵۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا)، ص‌ص ۴۸ ـ ۴۷.

روزشمار

یکشنبه

۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸

۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۱۳ مه ۱۹۷۹

۷۴

درپی سخنان شدیداللحن آیت‌الله "شبیرخاقانی" علیه کانون فرهنگی ـ نظامی جوانان مسلمان خرمشهر، ساختمان این کانون مورد حمله عناصر سازمان سیاسی خلق عرب قرار گرفت و به آتش کشیده شد. به نوشته روزنامه اطلاعات درپی انتشار اعلامیه‌ای به امضای چند تن از کسبه، بازاریان و اصناف مختلف در خرمشهر که گفته شد در آن بی‌حرمتی‌هایی به آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی شده‌است، گروهی از جوانان مذهبی و نمایندگان دبیرستان ۲۲ بهمن خرمشهر و گروهی از اعضای خلق عرب در فرمانداری این شهر به عنوان اعتراض متحصن شدند. پس از آن که مولوی معاون فرماندار خرمشهر و نمایندگان آیت‌الله شیخ شبیرخاقانی به آنان قول دادند که محرکان صدور اعلامیه بزودی شناسایی و مجازات خواهند شد، به تحصن خود پایان دادند. همچنین عده زیادی از افراد خلق عرب در مسجد امام‌صادق(ع) خرمشهر اجتماع کردند و به صدور این اعلامیه اعتراض نمودند.

شبیرخاقانی در این اجتماع گفت که همه مسلمانان با هم برادرند ولی برخی از مأموران دولتی می‌خواهند دو دستگی و نفاق‌افکنی کنند تا شاید بتوانند برای سروران خود در شرق یا غرب خدمتی کرده‌باشند. وی ضمن انتقاد شدید از استاندار خوزستان، فرمانده پایگاه دریایی و کانون فرهنگی ـ نظامی جوانان مسلمان خرمشهر افزود: «علی‌رغم تلاش من برای پایان‌دادن به هرگونه نفاق‌افکنی و دعوت برای اتحاد و یکپارچگی، عده‌ای با نام کانون نظامی ـ فرهنگی به تحریک چند تن از مقام‌های محل اعلامیه‌هایی نوشته و من و فرزندانم را تهدید به ترور کرده‌اند.» شیخ‌شبیر اضافه کرد: «من با صراحت می‌گویم که کردها، ترک‌ها، بلوچ‌ها و الیگودرزها و فارس‌های قدیم این منطقه هیچ‌گونه سوءنظری به ما ندارند ولی به تحریک عده‌ای دیگر می‌خواهند در این منطقه بلوا ایجاد کنند. من از همه مقلدین خود و بالاخص خلق عرب مسلمان خوزستان می‌خواهم که با متانت متوجه این گونه دسیسه‌ها و دودستگی‌ها باشند. با وجودی که این خود فروختگان نسبت به اینجانب توهین کرده‌اند، صبر را پیشه می‌کنیم تا بهانه‌ای به دست

بن نوکران استعمار ندهیم.»[۱]

در پی سخنان شیخ شبیرخاقانی عده‌ای با شعار "فلیسقط الکانون" (کانون فرهنگی ـ نظامی بود باید گردد.) پس از ترک مسجد با تیراندازی هوایی، به سوی ساختمان کانون و ستاد اسداران حمله‌ور شدند. طی این حمله به کانون، ساختمان آن به آتش کشیده شد و ستاد تظامات ـ که سه طبقه بود ـ فرو ریخت. مهاجمان حدود ۱۹ تن از برادران مستقر در کانون از نمله محمد جهان‌آرا مسئول کانون و سه متهم به همکاری با ساواک را به گروگان گرفتند و به ازمان سیاسی خلق عرب بردند.[۲] (خبر ضمیمه دارد.) روزنامه اطلاعات با اعلام این خبر که این درگیری‌ها سه نفر از دو طرف مجروح شدند، نوشت: «در مدتی که ساختمان بیست اتاقی انون نظامی و فرهنگی خرمشهر به آتش کشیده شد، عده‌ای از افراد کانون سیاسی خلق عرب با هله و شادی تیرهای هوایی شلیک می‌کردند.» این روزنامه افزود: «مأموران انتظامی خرمشهر دخالت در این ماجرا خودداری کردند.»[۳]

روزنامه کیهان نیز طی گزارشی در این باره نوشت: «در برخورد مسلحانه اعضای سازمان باسی خلق عرب خرمشهر با پاسداران انقلاب و اعضای کانون فرهنگی و نظامی خرمشهر که د از ظهر ۵۸/۲/۲۳ رخ داد ۸ نفر بشدت مجروح شدند و ۲ ساختمان بزرگ و سه اتومبیل اری طعمه حریق شد و بکلی سوخت. از سوی دیگر، ۱۹ نفر توسط اعضای سازمان سیاسی ق عرب گروگان گرفته شدند.» این روزنامه به نقل از شیخ محمدکاظم آل‌شبیرخاقانی (پسر ت‌الله خاقانی) نوشت: «این برخورد درپی سخنرانی آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی ورت گرفت. آیت‌الله چندی پیش به دستگیری دو تن از بازرگانان معروف خرمشهری اعتراض د و به دنبال آن، اطلاعیه‌ای از سوی گروهی از "کسبه، بازاریان و مسلمانان خوزستان" در راض به آیت‌الله خاقانی در شهر منتشر شد. آیت‌الله خاقانی ساعت ۴ بعدازظهر امروز طی خنرانی در مسجد امام جعفرصادق(ع)، استاندار خوزستان و ناخدا خوشنام فرمانده پایگاه بایی خرمشهر را مورد انتقاد قرار داد و سپس از مردم خواست که اتحاد و یگانگی و آرامش د را حفظ کنند. ایشان در سخنرانی خود همچنین کانون فرهنگی و نظامی خرمشهر را متشکل فرادی خواند که وابسته به بیگانگان هستند و مردم را تحریک می‌کنند و حتی اعلامیه‌ای علیه داده‌اند. درپی سخنرانی آیت‌الله خاقانی گروهی پس از ترک مسجد با تیراندازی هوایی، به ی مرکز ستاد خود (ستاد سیاسی خلق عرب خرمشهر) روانه شدند ولی هنگامی که از کنار ختمان کانون فرهنگی و نظامی و همچنین ساختمان سابق ستاد کمیته انقلاب‌اسلامی عبور کردند، درگیری مسلحانه آغاز شد به طوری که در زمانی کوتاه دو ساختمان مقر سازمان‌های ور طعمه حریق شد و اثاثیه و اموال ضبط‌شده عمال رژیم سابق که در این ساختمان‌ها داری می‌شد، بکلی سوخت.» به نوشتهٔ کیهان، اعضای سازمان سیاسی خلق عرب خرمشهر ی درگیری، ۱۶ تن از اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی و پاسداران انقلاب را به گروگان گرفتند. چنین سه نفر از اعضا و کارمندان سابق ساواک خرمشهر که به وسیله کانون یادشده زندانی

شده‌بودند و قرار بود بزودی محاکمه شوند، به دست اعضای سازمان سیاسی خلق عرب افتادند.

درپی این گروگان‌گیری، علوی فرماندار خرمشهر جلسه‌ای با حضور ده‌ها تن از مقامات و معتمدان شهر از جمله روحانیان و با حضور فرمانده پایگاه دریایی خرمشهر، رئیس شهربانی و فرمانده ژاندارمری تشکیل داد و بویژه از روحانیان خواست برای آزادی گروگان‌ها اقدام کنند. وی در این جلسه اعلام کرد تا آزادی گروگان‌ها حاضر به ترک محل فرمانداری نیست زیرا درگیری به نفع هیچ‌کس تمام نخواهد شد. به دنبال مذاکره مفصل روحانیان با طرف‌های درگیر، مقارن ساعت یک بامداد (۵۸/۲/۲۴) گروگان‌ها آزاد شدند. عده‌ای از آنها در فرمانداری اظهار کردند که مورد ضرب و شتم قرار گرفته و از آنان خواسته‌اند که از شرکت در سپاه پاسداران انقلاب منطقه خودداری کنند. یکی از افراد کانون فرهنگی ـ نظامی خرمشهر در این زمینه اظهار کرد: تنی چند از پاسداران انقلاب از تهران برای تشکیل سپاه‌پاسداران انقلاب به خرمشهر آمده‌اند.[۴]

خبرگزاری پارس در گزارشی اعلام کرد: «به دنبال دستور استاندار خوزستان مبنی‌بر تشکیل شورای امنیت شهر خرمشهر و آبادان، این شورا فوراً تشکیل جلسه داد تا به جریان امر رسیدگی کند.[۵]

۷۵

در توضیح آنچه در خرمشهر می‌گذرد، کارهای تبلیغاتی و افشاگرانه، از اقدامات و برنامه‌های نیروهای مذهبی ـ انقلابی محسوب می‌شود؛ از جمله می‌توان به یک جمع‌بندی مفصل که با امضای "دانش‌آموزان مسلمان خرمشهر" انتشار یافت، اشاره کرد که در آن، اطلاعات مهمی از طرف‌های درگیر، مندرج است. در این جمع‌بندی نخست به معرفی گروه‌های فعال در خرمشهر پرداخته شده که به شرح زیر است:

«بعد از ۲۹ بهمن (۱۳۵۷) سازمان‌های سیاسی و فرهنگی زیر در خرمشهر تأسیس گردیدند:

۱ ـ المنظمة السیاسیه (سازمان سیاسی): در خرمشهر ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی این سازمان بر هیچ‌کس پوشیده نیست. همان رؤسای قبایل عرب که تا دیروز تفنگ‌های برنو هدیه همایونی‌شان بود، همان عواملی که تا دیروز چماق به دست‌های خرمشهر را راه می‌انداختند و بر کسی پوشیده نیست که همگی آنها عوامل سرسپرده رژیم سابق و از افراد عالی‌رتبه ساواک بودند، اکنون دست به دست داده و به عنوان دفاع از حقوق شرعی خلق عرب سرپوش بر ماهیت کثیف ضدانقلابی‌شان می‌گذارند و ما شاهد بودیم و شاهدیم که چگونه عوامل برون مرزی و حتی بعثی برای آنان داد سخن می‌داده‌اند و ندای: «نحن العرب و هنا عربستان» را ساز می‌کرده‌اند.

۲ ـ مرکز الثقافیه (کانون فرهنگی): سازمانی است غیر اسلامی که به قول خودشان می‌گویند: «این جا هرکس که می‌تواند به فرهنگ عرب خدمت کند، می‌تواند در این جا فعالیت نماید.» عده‌ای از روشنفکرنماها و فرنگ‌رفته‌های غرب‌زده از چپ و راست در این مرکز جمع شده‌اند و اینها رهبری فکری "المنظمة السیاسیه" را به دست گرفته و المنظمة که تا دندان مسلح

است، چماقی در دست اینان شده‌است.

۳ ـ کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر: عناصر اصلی این سازمان عناصر مبارزی هستند که سابقه مبارزات طولانی آنها بر همه کس آشکار است. اینها عناصری هستند که در رژیم طاغوتی مُهر خرابکار و ضدملی بر تارک نورانی‌شان خورده بود و سال‌ها در به در و بی‌خانمان بوده‌اند. سال‌ها در شکنجه‌گاه‌ها و زندان‌های مخوف رژیم بسر برده‌اند و اکنون هم خود را با تمام وجود در خدمت انقلاب‌اسلامی و در خدمت خلق مستضعف ماگذاشته و بدون هیچ‌گونه ادعایی در این راه از جان و مال خود گذشته‌اند. کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر که می‌توان گفت تنها سازمان اسلامی خرمشهر است و در حدود ۷۰ درصد از جوانان انقلابی و مؤمن این کانون را برادران عرب و فداکار ما تشکیل داده‌اند.»

در اطلاعیه دانش‌آموزان مسلمان خرمشهر پس از معرفی جناح‌های مختلف خرمشهر، به بررسی سیر واقعه امروز به شرح زیر پرداخته شده‌است: «چند روز پیش از این واقعه (حمله به کانون فرهنگی ـ نظامی) شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی در منبر حمله شدیدی به دولت کرد و گفت که بعضی از عوامل دولت بازرگان از امریکا حقوق می‌گیرند و فقط به بازرگان اعتماد دارم. همین طور دادگاه‌های انقلاب اسلامی را مورد حمله قرار داد و گفت که این دادگاه‌ها منطبق بر موازین شرعی نیست و همین طور به عنوان اعتراض به دستگیری چند تن از عوامل سرمایه‌دار و فاسد شهر، اعلام کرد که اگر کمیته‌ها دست از این اعمال برندارند، خرمشهر را ترک خواهم گفت. به دنبال این جریان، اطلاعیه‌ای از طرف گروهی از بازاریان خرمشهر منتشر شد و در مورد مسائل بالا چند سؤال از شیخ محمدطاهر شده بود. از آنجایی که شیخ محمدطاهر تحت تأثیر همان جریان ضدانقلابی قرارگرفته‌اند، به عنوان دفاع از "حقوق شرعی خلق عرب" به حمایت المنظمة و مرکز ثقافیه پرداختند و هرگونه اعتراضی که به این جریان می‌شود، صورت دیگری به آن می‌دهند و مسئله را به صورت عرب و عجمی مطرح می‌کنند، درحالی که اصلاً و ابداً این مسئله در خرمشهر نیست و اختلافات نژادی نیست بلکه اعتراضات به آن جریانات ضدانقلابی می‌باشد که اکنون صورت دیگری به خود گرفته‌است. پس از پخش اعلامیه کسبه و اهل بازار، المنظمة و مرکز ثقافیه مبادرت به یک راهپیمایی به عنوان پشتیبانی از شیخ کردند درحالی که قبلاً خود را با تمام تجهیزات سرد و گرم آماده کرده بودند که پس از پایان این راهپیمایی، این حمله جنایتکارانه خود را به کانون فرهنگی ـ نظامی انجام دهند، چراکه این کانون را سدی می‌دیدند در مقابل خواست‌های ضدانقلابی و نامشروعشان.

جریان حمله به کانون فرهنگی از خیلی وقت پیش طراحی شده‌بود و اینها درصدد فرصتی مناسب بودند تا این حمله را جلوه‌ای مظلومانه و حق‌طلبانه بدهند و در پی یک حرکت مذهبی و در تحت لوای حمایت از شیخ محمدطاهر به خواسته کثیف خود صورت عمل بپوشانند. در ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز (۵۸/۲/۲۳) شیخ محمدطاهر در مسجد امام‌صادق(ع) به عنوان تشکر از متظاهرین، به منبر رفتند و کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان را مورد حمله

شدیدی قرار دادند و فرمودند در میان آنها عوامل امریکایی وجود دارد و آنها ضدیت دارند با خلق عرب خوزستان. به این ترتیب افراد ناآگاه و ناصالحی که در اوج احساسات بودند، احساساتی‌تر شدند. این عوامل ... از مسجد که خارج شدند شروع به تیراندازی کردند و یکراست با ماشین‌های وانت‌بار به طرف ساختمان کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر حمله‌ور شدند و بسیاری از برادران پاسدار و مؤمن حتی کم سن و سال ما را در میان شعله‌های مهیب آتش و انفجارات سنگین و رگبار مجروح و دستگیر کردند و پس از این اعمال زشت و نکبت‌بار، این ضدانقلاب‌های ضداسلام سرخوش از این پیروزی شروع به شعار دادن نمودند: "نحن العرب و هنا عربستان" و به این ترتیب ماهیت کثیف و ضدانقلابی خود را روشن ساختند. برادران ما در میان شعله‌های آتش و با آن که مسلح بودند و حتی می‌توانستند پوزه همگی آنها را به خاک بمالند، اسلحه به زمین‌گذاشته و برای این که این حمله را تبدیل به یک جنگ منطقه‌ای نکنند، خود را تسلیم نمودند.»[۶]

۷۶

روزنامه اطلاعات امروز طی خبری نوشت: در پی اعتصاب یکپارچه کارکنان شرکت "ایران ترمینال"، درهای گمرک خرمشهر بسته شد و کامیون‌ها در پشت درها متوقف ماندند. اعتصاب‌کنندگان در آخرین اعلامیه خود خواستار قطع دست پیمانکاران و رسیدگی هرچه سریع‌تر به خواست‌های خود شدند.[۷]

۷۷

عزالدین حسینی به همراه هیئتی از روحانیان کردستان وارد تهران شد و امروز بعدازظهر برای ملاقات با امام خمینی عازم قم خواهد شد. به گزارش روزنامه کیهان شیخ عزالدین حسینی در این باره گفت: «هدف از این دیدار در مرحله اول دیدار امام و سپس مطرح کردن مسائل مملکتی خواهد بود... این دیدار در سطح یک هیئت روحانی می‌باشد و در میان اعضای هیئت، ملاعبدالله محمدی امام‌جمعه جدید سقز، قاضی خضری امام‌جمعه اشنویه، حاج ملاصالح رحیمی امام‌جمعه نقده، سیدجلال‌الدین حسینی امام‌جمعه بانه و چند تن دیگر از رهبران کردستان نیز حضور دارند.» عزالدین حسینی اضافه کرد: «شناسایی و تفاهم و نزدیک شدن نظرات از دیگر هدف‌هایی است که در ملاقات با مقامات دیگر مورد نظر خواهد بود.»[۸] شیخ عزالدین حسینی پیش از عزیمت از مهاباد گفت: «این سفر نشان‌دهنده حسن‌نیت خلق کرد است و اختلاف‌های ایدئولوژی نباید باعث این باشد که در مقابل یکدیگر قرارگیریم... ما غیر از حق قانونی خود چیز دیگری نمی‌خواهیم. ما تجزیه‌طلب نیستیم.»[۹]

۷۸

سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی شعبه ارومیه اعلام موجودیت کرد و در بخشی از بیانیه خود هشدار داد: توطئه‌ها و دسایسی از سوی غارتگران و عوامل سرسپرده غارتگران شرق و غرب انقلاب ما را تهدید می‌کند، با توجه به این موضوع، ایجاد نیروی متشکل از افراد صادق و

۸۳
وزیران خارجه سوریه و عراق در مصاحبه‌ای گفتند برنامه‌ای مربوط به ادغام این دو کشور در یکدیگر به آرامی جریان دارد و بزودی عمل خواهدشد. سعدون حمادی وزیرخارجه عراق و عبدالحلیم خدام همتای سوری وی هر یک در مصاحبه جداگانه‌ای که با هفته‌نامه "ماندی مورنینگ" چاپ بیروت به عمل آوردند این مطلب را عنوان کردند. سعدون حمادی گفت: «هدف از ادغام دو کشور، تشکیل دولتی واحد با یک رئیس‌جمهوری است و طی چند ماه این کار عملی خواهدشد.» عبدالحلیم خدام با خوش‌بینی بیشتری در این مورد اظهار نظر کرده و گفت: در خلال چند هفته آینده ادغام سوریه و عراق صورت خواهد گرفت.(۱۸)

ضمیمه خبر شماره ۷۴

روایت‌های دیگری هم از درگیری امروز خرمشهر وجود دارد، از جمله جبار بیگی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر و یکی از شاهدان حادثه، چگونگی حمله به ساختمان کانون فرهنگی ـ نظامی جوانان مسلمان خرمشهر و علل شدت گرفتن درگیری‌های خرمشهر را چنین بیان می‌کند: در روز ۲۳ اردیبهشت [۱۳۵۸] یک سخنرانی در مسجد شیخ شد. از اهواز و این طرف و آن طرف نیروهای خلق عرب آمده بودند. گوش دادیم، گفتم: کی سخنرانی می‌کند؟ یکی از عرب‌ها گفت: «شیخ است، دارد خطابه می‌گوید.» صحبت‌هایی می‌کرد ما گوش دادیم و یک چیزهایی به گوشمان رسید. یک چیزی گفت ما متوجه نشدیم، سؤال کردیم چی می‌گوید؟ یکی گفت که می‌گوید: «در این کانون عجم‌ها، یک مشت امریکایی نشسته‌اند و حق عرب‌ها را دارند می‌خورند و باید حق خود را از آن‌ها بگیرید. باید این کانون‌ها را خراب کنید.» که یک مرتبه دیدیم جمعیت بلند شد و یک شعاری به عربی «فلیسقط الکانون» می‌گفتند؛ یعنی «کانون باید نابود شود.» من که وضع را این طوری دیدم، به چند نفر از برادرها گفتم بروید اطلاع بدهید به کانون که برنامه این طوری است و دارند می‌آیند. بگویید لااقل اسلحه‌هایتان را بردارید و خارج بشوید، چون ممکن است بیایند کشت و کشتار بشود. با این حال باز مطمئن نشدیم، با یکی از دوستان رفتیم آن جا [کانون] دیدیم یکی از برادرها نشسته، او را نمی‌شناختم. گفتیم که یک عده‌ای دارند به طرف شما می‌آیند و الان درگیری می‌شود و شعارشان هم این است که کانون باید خراب بشود.

او یک عده‌ای را خارج کرد، یک عده‌ای هم گفتند: «می‌مانیم، اگر دیدیم وضع خیلی بحرانی است تسلیم می‌شویم. به هر حال نمی‌گذاریم درگیری بشود، ولی ما این جا را نباید ترک کنیم.» در ساختمان کانون دو سه نفر از ساواکی‌های معروف زندانی بودند. یک عده‌ای از قاچاقچی‌ها و سرمایه‌دارها هم که آن موقع چون اول انقلاب بود از تهران و جاهای دیگر آمده بودند تا به خارج از کشور فرار کنند، دستگیر شده و در کانون زندانی بودند.

ساختمان کانون قبلاً خانه یکی از رؤسای ساواک بود، طوری که لباس‌های زنانه و وسایل و اینها همه در آن بود. علاوه بر این، بچه‌های کانون یک سری مشروبات الکلی و شراب گرفته بودند و با یخچال در یکی از اتاق‌های کانون گذاشته بودند. هنوز صحبت تمام نشده بود، دیدیم صدای تیراندازی نزدیک می‌شود و دارند می‌آیند. فرصت نبود که ما از آن جا بیرون برویم. رفتیم پشت بام کانون دیدیم رسیدند. نقشه آنها این

بود که از دو طرف، یعنی از بازار و از طرف مرزبانی و دژبانی بیایند و کانون را محاصره بکنند. به صورت گازانبری دور کانون را گرفتند. گفتند: «بیاید پایین!» کسی جواب نداد تا فکر کنند ساختمان خالی است. یکهو بچه‌ها را دیدند و شروع کردند به تیراندازی به طرف بچه‌هایی که بالای ساختمان بودند. افرادی مثل کریم حق‌جو، حبیب معروف به حبیب چرکو، صالح موسوی، مجید خیاط‌زاده که ۱۴، ۱۵ سال بیشتر نداشت و یکی به نام اقبال و فردی معروف به جمشید تکاور با چند نفر دیگر از برادرها به اسم غلام ـ که به او غلام چیفتن می‌گفتند ـ در بالای ساختمان سنگر گرفته بودند. آنها چند تا ژ-۳، دو قبضه یوزی و حدود هزار عدد فشنگ داشتند. اینها حمله کردند یکی از بچه‌ها یک رگبار هوایی زد و اینها فرار کردند. یکی از بچه‌ها گفت: «برویم دنبالشان.» حبیب گفت: «نه اگر پایین برویم ممکن است درگیری شدیدتر بشود و اینها دوباره حمله کنند، چون ممکن است از کماندوهای عراقی آمده باشند با آنها و هیچ بعید نیست، چون مرز دست آنها است و خرابکارهای عراقی ممکن بود با آنها آمده باشند و نتوانیم مقابله کنیم. بگذاریم این قائله خاتمه پیدا کند.» در همین حین مهاجمین با آتش شدید دوباره حمله کردند اما چون دیدند در پشت بام نمی‌توانند کاری بکنند، ماشین‌های شخصی پارک شده در پشت کانون را به آتش کشیدند و یک موتور را هم سوزاندند. باز دیدند عکس‌العملی نشان نمی‌دهیم. دراز کشیده بودیم دیدیم یکی‌شان دارد از درخت رو به روی کانون بالا می‌آید که از بالای درخت تیراندازی کند. یکی از بچه‌ها زد تو پایش و او را از درخت پایین انداخت. یک عده دیگر رفته بودند روی ساختمان ۵۰۰ متری دست چپ کانون که متعلق به شهربانی بود که همان لحظه اول آن را خلع سلاح کرده بودند و سرهنگ حجازی فرمانده شهربانی را می‌خواستند بکشند که توانست از دست‌شان فرار کند. هیچ‌کس از افراد شهربانی در مقابل حمله آنها عکس‌العملی نشان نمی‌داد. آتش خیلی زیاد شد. یک بار دیگر بچه‌ها کوکتل انداختند، اما این دفعه دیگر فرار نکردند و کوکتل انداختند توی کانون و به داخل ساختمان نفوذ کردند. آبجوها و مشروباتی را که در یخچال بود بیرون آوردند و این خودش یک تبلیغات وسیعی برای آنها بود. وقتی این چیزها را دیدند بیشتر آتشی شدند. چون در اتاق‌ها را شکستند با دیدن لباس‌های زنانه دومین وسیله تبلیغی هم جور شد که بله کانون این فسادها را می‌کند، این هم مدارکش، دیگر نمی‌شد هیچ کاری کرد. جلو آتش خشم اینها را اصلاً نمی‌شد گرفت. در این بحبوحه، کوکتل انداختند توی کانون و ساختمان آتش گرفت. راه به رویمان بسته شده بود، دیگر راه پایین آمدن نبود. جمشید تکاور یک رگبار زد. وقتی دیدیم چاره‌ای نیست، شروع کردیم به تکبیر گفتن. به عربی می‌گفتیم: «بابا ما عرب هستیم، ما فارس نیستیم. ما مسلمان هستیم.» اینها را که گفتیم، درگیری بین خودشان شد، یعنی حتی همدیگر را می‌زدند. عده‌ای می‌گفتند بیایید پایین ولی اسلحه‌هایتان را بدهید. اگر ما اسلحه را به دست آنها می‌دادیم، بهانه بزرگی برای آنها می‌شد و می‌گفتند اینها را با اسلحه گرفتیم، می‌خواستند ما را بکشند، آنها را گرفتیم. حبیب بلند به عربی با آنها صحبت کرد که من عرب هستم این هم اسلحه‌ها، به شما هم نمی‌دهم و هر کاری می‌خواهید بکنید. دوباره شروع کردند به تیراندازی.

جمشید تکاور گفت: «ما می‌توانیم بزنیم همه آنها را بکشیم.» اسلحه را بلند کرد که بزند حبیب کلت را گذاشت رو سرش گفت: «اگر یک تیر بزنی تو را می‌کشم، نباید یکی از اینها از طرف ما زخمی بشود. بگذارید ما بسوزیم، فدا بشویم ولیکن اینها بدانند که توطئه هست.» پس از مدتی که آتش همه جا را فرا

روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۳

گرفت به ناچار و با استفاده از فرصت یکی یکی پایین آمدیم و اسلحه‌ها را مسلح به داخل می‌انداختیم که در اثر آتش منفجر بشود و خراب بشود تا دیگر نتوانند استفاده کنند. یکی یکی پایین آمدیم. یک فرد دزفولی بود پایین آمد، او را گرفتند کتکش زدند و به زندان بردند. دومین نفر من بودم که پایین آمدم. چون زبان عربی می‌دانستم قاطی آنها شدم و کسی من را نشناخت. سومین نفر کریم حق‌جو بود، همین‌که آمد از میله پایین بیاید یکی با کلت زد به ستون فقراتش که تیر به نخاعش خورد و قطع نخاع شد. غلام چیفتن هم پایین پرید خواست کلک بزند و فرار کند، به سرش ریختند او را زدند و افتاد و بی‌هوش شد. من فرار کردم و رفتم فرمانداری که اطلاع بدهم که بچه‌ها را گرفتند. رفتم فرمانداری دیدم عده‌ای از روحانیون و فرماندار نشسته‌اند. نماینده‌هایی هم شیخ شبیرخاقانی فرستاده بود که آن جا صحبت کنند و قال قضیه را بکنند. علوی فرماندار خرمشهر با نماینده‌های شیخ مذاکره کردند و خلاصه آن غائله تمام شد و آن آتشی که ما نمی‌خواستیم در منطقه بگیرد، شعله‌ور شد. دو دستگی عجیبی افتاد. آنهایی که فارس زبان بودند بدبین شدند که عرب‌ها این کار را کردند آنهایی هم که عرب بودند بدبین شدند که بله کانون عجم‌ها مرکز فساد بوده است. جو شایعه بالا گرفت و به این ترتیب جنگی ناخواسته بین عرب و عجم آغاز شد.[19]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۳

۱ ـ روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۴، ص ۷.
۲ ـ سند شماره ۴۵۴، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: سلسله تحقیقات تاریخ جنگ ـ ۱، جنگ در خرمشهر، ص ۴۳.
۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۷.
۴ ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۴، ص ۸.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۷.
۶ ـ سند شماره ۲۰۹۸۹۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اطلاعیه دانش‌آموزان مسلمان خرمشهر، ۵۸/۲/۲۳.
۷ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۳.
۸ ـ روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۳، ص ۳.
۹ ـ روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۳، ص ۲.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۸، ص ۸.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۷.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۲.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۸، ص ۱.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۴، ص ۷.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۸، آسوشیتدپرس به نقل از "آبزرور" چاپ لندن.
۱۶ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۵۱، ۵۸/۲/۲۴، ص ۱، خبرگزاری فرانسه.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۱۶، ص ۲۰، رادیو کویت.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۴، ص ۲، رویتر.
۱۹ ـ سند شماره ۳۹۹۵ پ. ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، [مصاحبه برادر پاسدار جبار بیگی عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر، ۱۳۶۰] نوار شماره ۲۷۲۴، ص‌ص ۸۴ ـ ۵۷

روزشمار

دوشنبه

۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۱۴ مه ۱۹۷۹

۸۴

در ادامه جلسه شب گذشته فرمانداری خرمشهر که با شرکت رؤسای سازمان‌های انتظامی و سایر مسئولان شهر و سران جمعیت‌ها و جریان‌های مختلف شهر اعم از عشایر و غیر آن تشکیل شده‌بود، به‌دنبال ۸ ساعت مذاکره و تبادل نظر با طرف‌های درگیر در حادثهٔ کانون فرهنگی ـ نظامی، در ساعت چهار بامداد امروز افرادی که سازمان موسوم به خلق عرب دستگیر کرده بود، آزاد شدند و مجروحان به بیمارستان انتقال یافتند.[1] در مورد این جلسه و دلایل تشکیل و نتایج آن، آقای علوی فرماندار خرمشهر گفت:« در پاسخ به اعلامیه‌ای که در آن به آیت‌الله آل‌شبیرخاقانی اهانت شده است، عصر دیروز یک راهپیمایی به پشتیبانی از آیت‌الله خاقانی انجام شد و راهپیمایان خلق عرب پس از خاتمه راهپیمایی هنگامی‌که از مقابل ساختمان کانون فرهنگی ـ نظامی و کمیته انتظامات می‌گذشتند، مبادرت به شلیک گلوله کردند و با حمله به ساختمان‌ها، اعضای این کانون و کمیته انتظامات را خلع‌سلاح و ساختمان‌ها را به آتش کشیدند. این گروه مانع مهار آتش توسط آتش‌نشانان شدند و حتی به سرگرد "حجازی" رئیس شهربانی خرمشهر اجازه بررسی و رایزنی در خصوص این واقعه را ندادند. در این واقعه ۱۲ نفر مجروح شده‌اند که حال یکی از آنها وخیم گزارش شده‌است. همچنین اعضای سازمان خلق عرب ۱۶ تن از اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی را دستگیر و در سازمان خود به گروگان گرفته‌اند. من پس از ورود به خرمشهر در جلسه‌ای با حضور ناخدانوایی فرمانده پایگاه دریایی، سرگرد ترابی فرمانده پادگان دژ، سرگرد حجازی رئیس شهربانی، ناخدا خوشنام، بازرس استانداری و جمعی از روحانیون و سران عشایر عرب شرکت کردم. در این جلسه توافق‌هایی صورت گرفت که براساس آن، گروگان‌های مذکور آزاد شدند. در مورد عاملین واقعه نیز فعلاً نمی‌توانم اظهارنظر دقیق کنم.»[2]

از سوی دیگر، صرف آنچه از جلسهٔ مزبور حاصل شد (آزادی کسانی‌که سازمان سیاسی خلق عرب دستگیر کرده بود، از جمله محمد جهان‌آرا از مسئولان کانون فرهنگی ـ نظامی)

نمی‌توانست برای نیروهای مذهبی و مردم مسلمان خرمسهر راضی‌کننده باشد. از نظر نیروهای مذهبی می‌بایست اقداماتی اساسی در حل ریشه‌ای مسئله صورت می‌گرفت. بنابراین از صبح امروز عده‌ای از مردم مسلمان خرمشهر در فرمانداری متحصن شدند و اینان با انتشار قطع‌نامه‌ای چنین اعلام کردند: ۱ ـ ما حملهٔ وحشیانه گروهی تحریک‌شده را به کانون فرهنگی ـ نظامی و ستاد و همچنین تعرض به جان و مال مردم بی‌سلاح خرمشهر را شدیداً محکوم می‌کنیم. ۲ ـ ما خواستار مجازات کلیه مسبّبین واقعه دیروز هستیم. ۳ ـ ما از مقام مسئول فرمانداری خرمشهر مصراً خواستاریم تا نسبت به این‌گونه اعمال واکنش نشان دهد. ۴ ـ ما ضمن تأیید مبارزات بر حق برادران عرب خود، مصراً از آنها می‌خواهیم که کلیه عناصر منافق و کمونیست‌های خائن را از خود دور کنند. ۵ ـ ما از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم برای جمع‌آوری تمام اسلحه‌هایی که در دست افراد غیرمسئول است، اقدام قاطع به عمل آورد. ۶ ـ ما ضمن تأیید تمام منتخبات امام خمینی، تنفر خود را از کسانی که در هر لباسی به این گونه اشخاص حمله می‌کنند، اعلام می‌کنیم. ۷ ـ ما هرگونه تهمت به کانون فرهنگی ـ نظامی خرمشهر که از افرادی خالص و با ایمان تشکیل شده را محکوم می‌کنیم. ۸ ـ ما از مقام مسئول فرمانداری می‌خواهیم که تا هر چه زودتر تمام کمیته‌ها اعم از عرب و عجم را منحل کند. ۹ ـ ما از مقام مسئول فرمانداری می‌خواهیم که امنیت شهر را به دست مأموران انتظامی دولت جمهوری اسلامی بسپارند. ۱۰ ـ از آن‌جا که شهر ما خرمشهر فاقد یک مقام مسئول مذهبی است، از مقام رهبر انقلاب امام خمینی مصراً تقاضامندیم که نسبت به اعزام یک مرجع مسئول مذهبی در خرمشهر اقدام عاجل به عمل آورند.»[۳]

۸۵

در پی حوادث خرمشهر، مدنی استاندار خوزستان پیش‌ازظهر امروز وارد خرمشهر شد و در جلسه تأمین فوق‌العاده این شهر شرکت کرد. در این جلسه که با حضور علوی فرماندار، جمعی از روحانیان و فرماندهان ارتش و... تشکیل شد، ابتدا گودرزی بازپرس انقلاب اسلامی خرمشهر از استاندار تقاضا کرد به ماجراجویی محرکان وقایع این شهر خاتمه داده شود. سپس یکی از روحانیان شادگان گفت:« عده‌ای معلوم‌الحال در خرمشهر دست به تحریکاتی زده‌اند و به این شهر اسلحه و پول به میزان قابل توجه وارد می‌شود و در یک شب در خرمشهر ۱۴ میلیون تومان روی یک محموله اسلحه معامله می‌شود. پریشب در خرمشهر با کلاشینکف تیراندازی شد و این وظیفه دولت است که در شهر امنیت برقرار کند.» پس از آن مدنی طی سخنانی گفت: همه اقوام ایران در لوای پرچم جمهوری‌اسلامی یکسان هستند. ما بارها به عواملی که در خوزستان تحریک می‌کنند هشدار داده‌ایم که متأسفانه هنوز به راه خود ادامه می‌دهند. من در همین‌جا اعلام می‌کنم که از امروز همه کانون‌ها و کمیته‌های خرمشهر منحل شده و دیگر وجود نخواهند داشت و کمیته‌های دیگر شهرهای استان نیز بزودی منحل خواهد شد. مدنی ضمن حمله به تجزیه‌طلبان گفت: اجازه نخواهیم داد استعمار قدرت خود را در خوزستان اعمال کند و

ما هرگونه تجزیه‌طلبی را بشدت درهم می‌کوبیم. وی افزود: اگر شهربانی ما ضعیف است، مردم باید داوطلبانه آن را حمایت کنند. من از هیچ تهدیدی واهمه ندارم و برخلاف آنچه که عده‌ای شایع می‌کنند، ضد عرب نیستم. ما هر نوع تجاوز به مرزهای ایران و یا نغمه‌های شوم تجزیه‌طلبی را شدیداً نیست و نابود خواهیم‌کرد. وی افزود: در مورد انحلال کانون‌ها و کمیته‌های خرمشهر و خوزستان با آیت‌الله شبیرخاقانی مذاکراتی انجام خواهم داد و با دولت نیز در این زمینه صحبت خواهدشد.[۴]

پس از خاتمه جلسه شورای تأمین شهر، تیمسار مدنی با آیت‌الله شبیرخاقانی در اقامتگاه وی ملاقات کرد. در این ملاقات، بین استاندار و شبیرخاقانی در مورد حمله به کانون فرهنگی ـ نظامی خرمشهر و ساختمان کمیته انتظامات و نیز درباره انحلال کانون‌ها و کمیته‌های خوزستان مذاکره شد و توافق‌هایی صورت گرفت. فرزند شیخ‌شبیر در این باره گفت:« طی این مذاکرات مقرر گردید حقوق تمام طبقات اعم از فارس و عرب بر طبق ضوابط شرعی و اسلامی مراعات و تأمین گردد. همچنین توافق شد که دولت، خلق عرب را در اداره امور خوزستان مشارکت دهد. سپس موافقت شد که کلیه امور انتظامی و غیره زیر نظر دولت و توسط سازمان‌های دولتی و انتظامی انجام گیرد و افراد غیر مسئول حق دخالت در کارها را نداشته باشند. توافق شد که افراد سازمان سیاسی خلق مسلمان عرب اسلحه‌های خود را تحویل دهند. همچنین در مورد نحوه عمل دادگاه‌های خوزستان که بایستی طبق ضوابط شرعی و موازین اسلامی انجام شود، مذاکراتی شد.» سخن‌گوی شبیرخاقانی افزود:« تنها، سازمان سیاسی خلق مسلمان عرب همچنان به فعالیت و وظایف خود ادامه خواهد داد و کلیه کانون‌های عربی و غیرعربی خوزستان منحل می‌شود... در توافق بین استاندار و آیت‌الله قرار شد از سه شنبه ۵۸/۲/۲۵ کانون‌های نظامی و فرهنگی خرمشهر و کانون فرهنگی خلق عرب و سایر کانون‌ها در شادگان، سوسنگرد، دشت آزادگان و اهواز منحل گردد.» به نوشته روزنامه اطلاعات در پایان شبیرخاقانی خواستار انتقال افرادی شد که باعث نارضایتی مردم شده‌اند که استاندار با این موضوع موافقت کرد.[۵]

۸۶

در ساعت ۸ شب، زمانی که استاندار و همراهان در منزل آیت‌الله شبیرخاقانی در حال مذاکره بودند، شهربانی خرمشهر مورد حمله قرار گرفت و خلع‌سلاح شد. حمله‌کنندگان به شهربانی از افسر نگهبان خواستند اسلحه‌ها را به آنها تحویل دهد ولی چون وی از این‌کار خودداری کرد. وی را خلع‌سلاح کردند و ۱۲ قبضه اسلحه کمری و مقداری فشنگ را با خود بردند. جریان بلافاصله به سرگرد حجازی رئیس شهربانی ـ که در معیت استاندار بود ـ اطلاع داده شد و وی موضوع را با شبیرخاقانی درمیان گذاشت و او دستورهایی را برای پی‌گیری علل حادثه داد. در پی این جریان، همان شب عده‌ای به شهربانی مراجعه کردند و ۴ قبضه از سلاح‌ها را با خود آوردند اما رئیس شهربانی از تحویل گرفتن آنها خودداری کرد و گفت همه اسلحه‌ها را یکجا باید بیاورید و به

علاوه مسببان این واقعه نیز باید تحویل شهربانی شوند.[۶]

۸۷
کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر با صدور اعلامیه‌ای از شیخ‌شبیرخاقانی خواست تا موضع خود را در مورد مندرجات روزنامه کیهان و اطلاعات به نقل از ایشان مبنی بر این‌که کانون فرهنگی ـ نظامی متشکل از افرادی است که وابسته به بیگانگان هستند و مردم را تحریک می‌کنند و یا این‌که اعضای کانون نفاق‌افکن، تحریک‌کننده مردم، ایجادکننده بلوا، عمال خودفروخته و نوکران استعمار هستند، مشخص سازد.[۷]

علاوه بر این، کانون مذکور دو بیانیه نیز در ارتباط با حوادث خرمشهر و انعکاس آن در مطبوعات انتشار داد. در بیانیه شماره ۱ آمده است:

«بسم‌الله القاصم المتکبرین. مردم دلیر و بیدار خرمشهر، توطئه‌ها را کشف و عاملان آنها را افشا کنیم. مردم خرمشهر و نیز مردم خوزستان از خود می‌پرسند چه کسانی یا چه کسی می‌خواهد اتحاد مقدس و لایزال مردم مسلمان عرب و عجم این شهر را به تفرقه و نفاق بکشاند. ما سال‌های زیادی را در این شهر در کنار هم زندگی کردیم، با یکدیگر معامله نمودیم، ازدواج کردیم و... تاکنون سخنی از عرب یا عجم نشنیده بودیم، این نغمه‌های شوم که به‌گوش می‌رسد از کجاست؟

چه کسی می‌فریبد؟ چه کسی تحریک می‌کند و دستور حمله به کانون مردمی و تنها مدافع حقوق مردم را صادر می‌کند؟ کانون چیست، چه می‌کند یا چه می‌کرد، اعضای آن چه کسانی بودند، مردم در مورد آنها چه می‌گویند و...؟ کانون را باید مردم بگویند چیست؛ از مردم، از آنانی که اعضای آنرا از ۵ الی ۱۰ سال پیش در این شهر می‌شناسند، باید پرسید؛ از آنانی که در سیاه‌ترین سال‌های اختناق شاهد فعالیت پی‌گیر اعضای کانون در گروه‌ها، سازمان‌های مخفی انقلابی چون منصورون، ارتش انقلابی خلق مسلمان، و... بودند. مردم فرزندان راستین خود را بخوبی می‌شناسند، می‌شناسند و می‌دانند که چگونه ساواکی‌ها، مزدوران و استثمارگران را دستگیر کردند، به دهات و روستاها رفتند، به خرابه‌ها و بیغوله‌های شهر رفتند و برای مستضعفین و یاریشان، از مردم کمک خواستند. محصلین، کانون و اعضای آنرا می‌شناسند، آنان با نمونه کارهای فکری اسلامی کانون آشنایند و در کلاس‌هایش شرکت نمودند و ... .»

در بیانیه، تحت عنوان " خلاصه‌ای از آنچه که دیروز (۵۸/۳/۲۳) گذشت"، "زمینه‌های تحریکات قبلی" به تفصیل بازگو شده‌است که مهمترین نکات مورد اشاره به قرار زیراست:

ـ سخنرانی‌های آقای شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی که طی آن به کانون و کمیته و دولت و مسئولان و مدنی صریحاً حمله کرده و همه را با هم به عنوان دشمنان حقوق از دست‌رفته مردم تلقی نمود.

ـ امریکایی خواندن مدنی و مسئولان در سخنرانی تحریک‌آمیز قبل از یورش و نیز ذکر این که تمام ناراحتی‌ها و تشنج‌ها و اختلاف‌افکنی‌ها زیر سر کانون است.

در بیانیه اضافه شده‌است که شاید ناراحتی ایشان از کانون به دلایل زیر می‌باشد:

ـ دفاع همیشگی کانون به همراه مردم مسلمان خرمشهر از انتصابات امام‌خمینی (از آن جمله مدنی).

ـ انعکاس خواست مردم از طرف کانون در مورد تشکیل مجدد دادگاه‌های انقلاب که با نقطه‌نظرات ایشان مبنی بر عفو، مغایرت دارد.

ـ تلاش پی‌گیر و فعال اعضای کانون و مردم شهر در مورد رسیدگی به وضع مستضعفین از طریق امکانات دولت و تأکید همیشگی بر اتحاد و جذب بیشترین عناصر صدیق عرب و عجم.

ـ ایشان هر نوع اعتراض مردم حتی سؤال کردن آنها را به‌عنوان توطئه کانون می‌بینند یا شاید برای ایشان چنین وانمود می‌کنند.

در ادامه بیانیه دربارهٔ یورش، چنین آمده‌است: « پس از سخنرانی ۲۵ دقیقه‌ای آقای شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی که دقیقاً ۱۵ دقیقه آن صریحاً یا به‌کنایه در مورد توطئه‌های کانون و این‌که «کانون اجازه نمی‌دهد حقوق از دست‌رفته‌تان را به شما بدهند» بود، عده‌ای تقریباً ۳۰ الی ۵۰ نفر از عمال شناخته‌شده ـ که ما در فرصت‌های آینده آنان را افشا خواهیم کرد ـ به طرف کانون و ستاد پاسداران انقلاب آمدند. در آن‌جا به ستاد پاسداران حمله‌ور شدند و رگبار مسلسل را به سوی پاسداران گشودند. پاسداران از درگیری خودداری کردند و به بالای ساختمان ستاد رفتند. آنان پس از مضروب کردن چند پاسدار ـ که حال یک نفر آنان وخیم است ـ ستاد را از پایین با وسایل آتش‌زا که از قبل تهیه دیده بودند به آتش کشیدند. پاسداران که بالای ساختمان مستقر بودند تنها برای رو شدن دست توطئه‌گران، اسلحه‌ها را زمین گذاشته تسلیم شدند و ساختمان ستاد پاسداران فروریخت. زندانیان آن‌جا راکه سه ساواکی بودند با احترام خاصی پذیرایی کردند و پاسداران دستگیرشده را طی ۵ ساعت زیر شدیدترین ضرب و جرح‌ها قرار دادند! آنها همچنین به ساختمان کانون فرهنگی ـ نظامی یورش برده، پرونده‌ها را سوزاندند ـ که در میان آنها صدها پرونده وام بیکاران بود ـ و ساختمان فرو ریخت که پس از فرو ریختن با کف زدن و هوراکشیدن، فتح خود را به‌هم شادباش گفتند! از زندانیان ـ که ۱۵ نفر از برادران پاسدار و اعضای کانون بودند ـ پس از بازجویی و گرفتن تعهد مبنی‌بر این‌که دیگر در فعالیت‌های کمیته یا کانونی شرکت نکنند، آزاد شدند، بجز دو نفر از برادران که تنها به علت عجم بودن، ساعت‌ها به گروگان گرفتند و حتی محل آنان را نیز نگفتند، دیگر برادران زندانی‌شده همه عرب بودند و اصولاً تمام پاسداران و ۷۰٪ اعضای کانون، عرب بودند و این نشان‌دهندهٔ وحدت راستین و همیشگی عرب و عجم است.[۸]

بیانیه شماره ۲ نیز به قرار زیر است:

«بسم‌الله رب المستضعفین. اصلاح خبر درج شده در کیهان: روزنامه کیهان شماره ۱۰۷۰۶ منتشره در تاریخ ۵۸/۳/۲۴ در صفحه ۸ خبری با عنوان "زد و خورد در خرمشهر" چاپ کرد. ما (کانون فرهنگی ـ نظامی) طی این بیانیه مواردی از خبر منتشره را اصلاح کرده و خبرنگار این

روزنامه را نسبت به درج خبر اصلاح‌شده موظف می‌دانیم.

۱ـ در عنوان، نوشته بودید: "زد و خورد مسلحانه در خرمشهر" و نیز در آغاز گزارش خبر از درگیری و برخورد داده و در متن خبر آورده بودید: «قصد راهپیمایان رفتن به سازمان سیاسی خلق عرب بوده است و هنگامی که از کنار ستاد پاسداران و کانون فرهنگی ـ نظامی می‌گذشتند، درگیری پیش آمده‌است.» در زمان واقعه شما کجا بودید؟ آیا در مسجد امام صادق بودید و بعد از سخنرانی آقای شیخ‌محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی فرموده‌های ایشان مبنی‌بر وابسته بودن اعضای کانون به بیگانگان و این‌که کانون مردم را تحریک می‌کند را شما در گزارشتان آورده‌اید؟ آیا ندیدید و نشنیدید که عده‌ای شناخته‌شده در مسجد یکصدا نعره می‌زدند: "فلیسقط الکانون" (پس کانون را باید نابود و ساقط کرد)؟ آیا ندیدید که همان عده سوار بر ماشین‌هایشان با رگبار مسلسل بسرعت خود را به طرف ستاد پاسداران و کانون فرهنگی ـ نظامی رساندند؟ آیا چگونه آنچه که مردم خرمشهر خود شاهد و ناظرش بودند و به خاطر آن متحصن شدند، بازار و ادارات را تعطیل نمودند، انکار کردید؟ شما حتی عکس آن را گزارش داده‌اید! در کانون فرهنگی ـ نظامی تنها سه نفر نگهبان غیر مسلح بودند، زیرا که اعضا و برادران بخوبی آگاه از توطئه تکرار وقایع گذشته خرمشهر و وقایعی همچون نقده و گنبد و سنندج بودند. از این رو برادران سلاح‌های خود را قبلاً از کانون خارج کرده و اکثراً از محل مورد یورش مرتجعین وابسته به سازمان به اصطلاح سیاسی خلق عرب خود را دور ساختند. اما برادران پاسدار مستقر در سپاه پاسداران تصور کردند که قصد مهاجمین تحریک‌شده تنها یورش به کانون است زیرا که از مسجد امام‌صادق تا خیابان امام‌خمینی یکصدا شعار کانون باید نابود گردد، می‌دادند. از طرفی با وجود ۳ تن از مزدوران ساواک (بحری، گودرزیان، فرامرزی) در زندان ستاد پاسداران، چند تن از پاسداران مسلح مأمور نگهبانی از زندانیان بودند، آنها نیز در موقع یورش باز برای نشان دادن صداقت و آگاهی‌شان به بالای ستاد رفته تا بهانه‌ای به دست مرتجعین تحریک‌شدهٔ سازمان به‌اصطلاح سیاسی خلق عرب خوزستان ندهند. جیپ‌سواران که یکصدا نعره می‌کشیدند: «کانون باید نابود شود. کانون عجم‌ها باید نابود شود.» به ساختمان ستاد پاسداران و سپس به کانون یورش بردند. آیا این یک زد و خورد مسلحانه متقابل بود.؟! آیا از کنار ساختمان‌های ستاد و کانون می‌گذشتند؟! با یورش وحشیانه؟!!!

۲ ـ روزنامه محترم کیهان! خبرنگار شما در گزارش آورده که آقای شیخ به دستگیری دو تن از بازرگانان معروف خرمشهر اعتراض کرده‌اند. اما چرا نام آنها یا گوشه‌ای از جنایاتی که سال‌های متمادی به مردم مستضعف و کارگران محروم کرده‌اند ذکری به میان نیاورده‌است. آقای کارون را خبرنگار شما باید بخوبی بشناسند و آقای هریرام بود، این استثمارگری که از خون مردم این شهر خود را رنگین می‌ساخت (و می‌سازد)، دستگیری این دو تن یکی از صدها فعالیت و اقدام کانون در جهت بهبود وضع کارگران و تصفیه عناصر ضدانقلابی بود.

۳ ـ در خبر منتشره آمده است که «درگیری مسلحانه آغاز شده، به طوری که در زمان کوتاه دو

ساختمان مقرّ سازمان‌های مزبور (کانون و ستاد) طعمه حریق شد و اثاثیه و اموال ضبط شده عمال رژیم سابق که در این ساختمان‌ها نگه‌داری می‌شد بکلی سوخت.» شما روزنامه محترم و نیز خبرنگاران از خود نمی‌پرسید چگونه دو ساختمان طعمه حریق شد؟ شاید جرقه‌ای آسمانی به ساختمان‌ها اصابت کرده و یا اتصال برق و یا...! و آیا مواد آتش‌زا و نارنجک‌های روسی را ندیدید؟ و نیز شما سخنی از ضرب و جرح‌ها و شکنجه‌هایی که از ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱ نیمه‌شب و در مورد دو تن از برادران تا ساعت ۳ نیمه‌شب [اعمال شد] سخنی به میان نیاوردید؛ از فحاشی‌ها و...

۴ ـ اما در آخرین پاراگراف آورده‌اید که «این گروه (متحصنین) سپس در منزل آیت‌الله‌خاقانی اجتماع کردند و خواهان اعلام نظر ایشان...» آیا چنین بوده‌است!؟... آیا ماده ۱۰ قطع‌نامه مردم متحصن را نخواندید یا در ده‌ها بار قرائت حضور نداشتید که مردم از امام به علت عدم وجود مرجعی مذهبی مسئول خواستار فرستادن یک مرجع مسئول مذهبی شده‌اند؟[9]

۸۸
سازمان سیاسی خلق عرب در یک اقدام سیاسی ـ تبلیغاتی برای خنثی کردن فشارهای موجود، دخالت در حمله به کانون فرهنگی ـ نظامی را به‌طور تلویحی رد کرد. عبدالصاحب موسوی‌اصیل سخن‌گوی این سازمان در این باره گفت: «ما نیز سرگرم بررسی علل این واقعه هستیم و معتقدیم که عاملین ماجرا باید مجازات شوند.»[10]

۸۹
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی حمله به کانون فرهنگی ـ نظامی را محکوم کرد. سازمان مذکور با انتشار اطلاعیه شماره ۹ خود اعلام کرد: «یورش خصمانه به کانون فرهنگی ـ نظامی خرمشهر و ستاد کمیته را که با آتش‌سوزی و تخریب همراه بود و عده‌ای زخمی در پی‌آورده، بشدت محکوم می‌کنیم و از ارگان‌های اجرایی امام خواستار رسیدگی فوری و شناسایی دست‌های پنهان پشت پرده این حادثه ضدانقلابی هستیم.»[11]

۹۰
آیت‌الله لاهوتی که با عده‌ای از مسئولان سپاه به خوزستان سفر کرده‌است اعلام کرد که سپاه در خوزستان تشکیل خواهد شد و او و همراهانش برای همین امر به اهواز آمده‌اند. او همچنین بر این‌که وظیفه سپاه حفظ و نگه‌داری دستاوردهای انقلاب است، تأکید کرد.[12]

۹۱
عزالدین حسینی در تهران طی یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن بیان علت سفر خود به تهران و اهداف آن، درباره آوارگان حوادث نقده نیز مطالبی عنوان کرد. وی گفت: اصولاً مسافرت ما به دعوت وزیر کشور بوده و برای ملاقات با امام‌خمینی و آیت‌الله طالقانی و بعضی مقامات دولتی به تهران آمده‌ایم. هدف از این مسافرت تفاهم بیشتر میان جامعه روحانیت اهل تسنن و تشیع در سطح اعلای روحانیت با حضرت امام‌خمینی است. بحث و تبادل نظر در سطح کلی

حمد حسن البکر" رئیس‌جمهوری عراق و عضو شورای انقلاب این کشور برای دیداری از ارات متحده وارد ابوظبی شد. او خاطرنشان ساخت که برای مذاکره درباره آخرین تحولات طقه به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس سفر کرده است. نماینده ویژه البکر قبلاً از کویت، بستان، بحرین و قطر دیدن کرده‌بود.»[۲۴]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۴

- روزنامه کیهان، ۵۸/۲/۲۶ ص ۷.
- روزنامه اطلاعات، ۵۸/۲/۲۵ ص ۳.
- سند شماره ۲۰۹۸۹۸ مرکز مطالعات و تحقیقات نگ، قطع‌نامه مردم مسلمان خرمشهر، ۵۸/۲/۲۴.
- مأخذ شماره ۲، ص ۳.
- مأخذ شماره ۲، ص ۱۲.
- روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۶، ص ۷.
- م. احمدی، امپریالیسم و خلق مستضعف خوزستان (بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا) ص ۱۹.
- سند شماره ۱۳۱۱۸۴، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بیانیه شماره ۱، کانون فرهنگی‌نظامی خرمشهر.
۹ - سند شماره ۲۰۹۸۹۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بیانیه شماره ۲، کانون فرهنگی نظامی خرمشهر.
۱۰ - مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۱۱ - اطلاعیه شماره ۹، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۵۸/۲/۲۴.
۱۲ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۴، ص ۲.
۱۳ - مأخذ شماره ۲، ص ۲.
۱۴ - خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه" نشریه شماره ۵۲، ۵۸/۲/۲۵، ص ۶، خبرگزاری فرانسه.
۱۵ - نشریه پیکار ۵۸/۲/۲۴، ص ۴.
۱۶ - روزنامه مردم، ارگان حزب توده ایران، شماره ۱۳، ۵۸/۲/۲۴، ص ۶.
۱۷ - مأخذ شماره ۱۲، ص ۲ و روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۴، ص ۳.
۱۸ - مأخذ شماره ۱۴، ص‌ص ۱۶ - ۱۵، رادیو مسکو.
۱۹ - مأخذ شماره ۱۴، ص ۱۵، رادیو مسکو.
۲۰ - مأخذ شماره ۱۲، ص ۲.
۲۱ - مأخذ شماره ۱۲، ص ۴.
۲۲ - مأخذ شماره ۱۲، ص ۸.
۲۳ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۳۱ کردستان ۱ (تهران: نشر لانه، جلد ۳۱، بی‌تا) ص‌ص ۱۴۵-۱۴۰.
۲۴ - مأخذ شماره ۱۷، ص ۸، خبرگزاری رویتر.

روزشمار

سه‌شنبه

۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸

۱۸ جمادی الثانی ۱۳۹۹

۱۵ مه ۱۹۷۹

۱۰۱

دکتراحمد مدنی استاندار خوزستان در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه اطلاعات اعلام کرد که از روز جمعه آینده (۲۸ اردیبهشت) خلع سلاح در خوزستان آغاز خواهدشد و به مدت یک هفته پایان می‌گیرد. وی در مورد عوامل درگیری خرمشهر گفت: این عوامل شناخته شده‌اند و تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. این عوامل کنترل می‌شوند و ما خوب می‌دانیم که آنان از کجا خوراک می‌گیرند و ردپای آنان را نیز داریم. استاندار خوزستان اضافه کرد: آنان که نغمهٔ عرب و عجم را ساز کرده‌اند نه علاقه‌ای به عرب دارند و نه علاقه‌ای به عجم؛ آنان جز نفاق‌افکنی و پادوی استعمار بودن چیزی نیستند و کاری ندارند. مردم خوزستان خواه عرب‌زبان باشند و خواه فارسی‌زبان و هر چیزی دیگر، اینان ایرانی فکر می‌کنند و جز ایرانی بودن به چیز دیگری فکر نمی‌کنند. آنان نه نفاق‌افکنند و نه می‌خواهند خودشان را از ما جدا فرض کنند و همیشه آنان در طول تاریخ پاسداران وطن ما بودند. امروز اگر کسانی هستند که نغمه عرب و عجم را ساز کرده‌اند عواملی هستند دشمن مردم ایران. آنهایی که پادوی مستبدان و در خدمت استعمار بین‌المللی بودند، دیروز به نحوی به ملت ایران ضربه زدند و امروز به نحوی دیگر ولی من فکر می‌کنم برادران و خواهران و فرزندان عزیزمان در خوزستان خیلی بیدارتر از آنند که فریب این گونه آدم‌هایی راکه دشمن مردم خوزستان هستند، بخورند و لذا بزودی این قبیل ضدمردم‌ها و ضد ایرانی‌ها رسوا خواهند شد. دریادار مدنی در پایان گفت: برادران عرب‌زبانمان خوب می‌دانند که این عوامل کی هستند و خودشان دارند مقابله می‌کنند و ما نیز غافل نیستیم که این عوامل مانند آفت‌هایی رشد و نمو کنند.[۱]

۱۰۲

دکتر "ابراهیم یزدی" وزیر امورخارجه در مصاحبه‌ای با خبرگزاری "پارس" درباره مسئله خودمختاری استان‌ها گفت: واژه خودمختاری در بسیاری از موارد دارای معانی زیادی بوده و گاهی اوقات هیچ معنایی پیدا نمی‌کند و به حد کافی نمی‌رساند. صرف‌نظر از واژه مذکور باید

انجام می‌دهیم و این جمعیتی که صدا می‌کنند: "حقوق بشر، حقوق بشر" اینها عمال استعمارند ...

این همه خیانت این مرد نانجیب به ایران کرده است! آن همه قتل و غارت کرده است! حال که می‌گویند این باید به قتل برسد (حالا هم که حکمی صادر نشده برای قتل محمدرضا لکن صادر می‌شود، اگر چنانچه ما پیدایش بکنیم، او باید کشته بشود)، اینهایی که می‌گویند حقوق بشر حالا صدایشان درآمده و اظهار تأسف می‌کنند. البته امریکا باید اظهار تأسف بکند، برای این که محمدرضا نوکر بسیار خوبی برای امریکا بود که همه منافع ما را به کام امریکا کرده ... البته باید اسرائیل اظهار تأسف بکند از مرگ القانیان ... لکن باید واقعیت را ببینیم چیست، آیا واقعیت این است که ما داریم حقوق بشر را ضایع می‌کنیم؟»[16]

امام‌خمینی در ادامه، موضوع دیگری را که از عوامل نارضایتی مردم است و خودبه‌خود عاملی برای تشدید بحران و بحران‌ساز ونیز عاملی برای جذب مردم به جریان‌های مدعی عدالت اجتماعی و مخالف اسلام محسوب می‌شود، طرح کردند:

«بیائیم سراغ تاجر و بازرگان و کاسب و این سنخ جمعیت. در حال انقلاب که بازارها تقریباً حدود یک سال و نیم و یا چقدر تعطیل بود یا نیمه تعطیل بود و بسیاری از مردم ضعیف، ضعیف‌تر شدند. امروز روزی نیست که استفاده‌چی‌ها راه بیفتند و بخواهند استفاده کنند، روز حمایت است امروز، از برادرانشان باید حمایت کنند نه این که جنسی را که به ده تومان می‌خرند، به صد تومان بفروشند. گرانفروشی امروز خیانت است به یک مملکت‌اسلامی، این خیانت‌ها را نکنند اینها، یک قدری با مردم ملایمت کنند.»

امام‌خمینی در ادامه تأکید کردند: «برادران خودتان هستند، با این برادرهایی که خون داده‌اند، شما تاجرهای محترم که نبودید در این میدان‌ها، من که می‌دانم شماها نبودید، آنهایی که بودند این کاسب جزء بود و این حمال بود و این کارگر بود و این طلبه بود و این عرض می‌کنم دانشگاهی بود که همه فقیرند؛ این طبقه بودند که این نهضت را پیش بردند و خون خودشان را و جوانان خودشان را دادند و این نهضت را پیش بردند ... با اینها باید همراهی کنند، گرانفروشی نکنند. نگذارند یک وقتی ما روی تکلیف الهی باهاشان عمل بکنیم. خودشان جلوگیری کنند از مسائل. یک روز اگر ما یک تکلیف الهی عمل بکنیم، کارشان زار است، نگذاریم این طور بشود.»[17]

۱۱۰
دکتر طباطبایی فرستاده ویژه مهندس بازرگان به اروپا به منظور تشریح مواضع دولت جدید ایران، در آلمان طی مصاحبه‌ای با خبرنگار رادیو کلن تصریح کرد که ایران دیگر در منطقه نقش ژاندارم را بازی نخواهد کرد ... برنامه ما این نیست که ایران را تبدیل به یک پایگاه نظامی برای نیروهای امپریالیسم جهانی بکنیم. به جای ناوگان‌های زیر دریایی، احتیاج به نور [برق] و موادغذایی برای اکثریت عظیم مردم است.»[18]

۱۱۱
دولت کارتر در نظر دارد یک نیروی نظامی یک صدهزار نفری پر تحرک سازمان دهد تا در حفظ منافع امریکا در سراسر جهان و از جمله خلیج فارس مورد استفاده قرارگیرد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس "ژوزف بیدن" سناتور دمکرات امریکایی این مطلب را اظهار کرده است ولی "والتر کاتلر" یکی از مقامات وزارت خارجه از تأیید آن خودداری کرده لکن خاطرنشان ساخته است که در سیاست خارجی امریکا محلی برای مداخله نظامی پیش‌بینی شده‌است.[19] براساس این گزارش "هارولد براون" وزیر دفاع امریکا نیز گفته بود که ارسال قوای نظامی امریکا به خلیج‌فارس مورد نظر نیست و ما تصمیم نداریم حضور خود را در منطقه افزایش دهیم. همچنین قصد نداریم به حضور نظامی خود پایان دهیم. براون تأکید کرد هرگاه عربستان سعودی درگیر جنگ مهمی از خارج منطقه شود، چون منافع امریکا به خطر می‌افتد این کشور ناچار است خطر را دفع کند.[20]

۱۱۲
سفارت امریکا در تهران در ۱۵ مه ۱۹۷۹ درگزارشی به امضای "تاس" به وزارت امورخارجه آن کشور با طبقه‌بندی خیلی‌محرمانه و تحت موضوع "ملاقات با یزدی وزیر امورخارجه دربارهٔ قانون سال ۱۹۶۴ دربارهٔ مصونیت‌های هیئت مستشاری نظامی امریکا" نوشت:

«در جریان ملاقات با یزدی وزیر امورخارجه در ۱۵ مه، من از او تقاضا کردم دربارهٔ اقدام دولت موقت ایران در لغو قانون اعطای مصونیت سیاسی به نظامیان ایالات متحده که در ۱۹۶۴ به تصویب رسیده، توضیح دهد. یزدی در پاسخ گفت که من نباید این اقدام را به عنوان یک اقدام ضدامریکایی یا نشانهٔ تغییری در میل دولت موقت ایران برای عادی کردن مناسبات بین دو کشور تلقی کنم. او گفت این یک مسئله "پاک کردن" بعضی از بقایای گذشته است و آن‌گاه با یک پوزخند خاطرنشان ساخت که تظاهرات به دنبال این کاپیتولاسیون منجر به تبعید آیت‌الله خمینی به ترکیه شده بود.»[21]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۵

۱ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۲۶، ص ۷.
۲ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۲۵، ص ۱، به نقل از خبرگزاری پارس.
۳ - خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۵۳، ۵۸/۲/۲۶، ص ص ۱۰ و ۱۱، رادیو مسکو.
۴ - سند شماره ۱۱۰۵۱۵۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نامه شماره ۲۱۶۷/۱۳۵۸/۲/۲۵ سپاه‌پاسداران انقلاب به نخست وزیری.
۵ - مأخذ شماره ۱، ص ۳.
۶ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۳۰، ص ۱۰.
۷ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۲۶، ص ۱.
۸ - مأخذ شماره ۲، ص ۱.
۹ - مأخذ شماره ۷، ص ۱ و ۸.
۱۰ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب‌اسلامی، صحیفه نور مجموعه رهنمودهای امام‌خمینی (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، جلد ۶) ص‌ص ۱۹۴ - ۱۹۱.
۱۱ - مأخذ شماره ۱، ص ۸.
۱۲ - مأخذ شماره ۱، ص ۸.

۱۳ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۲۵، ص ۱.
۱۴ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۳۱، ص ۵.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۱۰، ص ۱۷۴ ـ ۱۷۳.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۱۰، ص ۱۷۹.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۱۳، رادیو کلن، بخش فارسی.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۷، واشنگتن، خبرگزاری آسوشیتدپرس.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۷، واشنگتن، خبرگزاری آسوشیتدپرس.
۲۱ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه‌جاسوسی جلد ۳۴ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص ۱۰۵.

روزشمار

چهارشنبه
۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸
۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹
۱۶ مه ۱۹۷۹

۱۱۳
در واکنش به نظرها و برنامه‌هایی که استاندار خوزستان در پی ماجرای حمله به کانون فرهنگی ـ نظامی خرمشهر ـ مندرج در روزشمار ۵۸/۲/۲۴ ـ اعلام کرد، "سازمان سیاسی خلق عرب" با اتکا به حمایت آیت‌الله شبیرخاقانی ادعا کرد که هیچ مقامی نمی‌تواند آن سازمان را منحل نماید. این سازمان با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «هیچ مرجعی در هر سیاستی و در هر مقامی نمی‌تواند و قادر نخواهد بود تشکیلات قانونی این سازمان را منحل کند.» در این اطلاعیه از صدور اعلامیه‌هایی به نام مردم خرمشهر که در آن به شبیرخاقانی بی‌حرمتی‌هایی کرده‌اند، ابراز تأسف گردیده و نفاق‌افکنان محکوم شده‌اند.(۱)

از سوی دیگر، فرزند آیت‌الله شبیرخاقانی (شیخ‌محمدکاظم شبیرخاقانی) به عنوان سخن‌گوی وی اعلام کرد: "منظور آیت‌الله(شبیرخاقانی) در مورد انحلال کانون‌ها این بود که آن دسته از کانون‌ها و شوراها می‌بایستی منحل شوند که در امور انتظامات شهر دخالت‌های بی‌جا کرده و افراد را بی‌جهت دستگیر و مزاحمت‌هایی برای مردم به وجود آوردند، نه آن دسته از کانون‌هایی که برای گردهمایی و بحث و فعالیت‌های سیاسی و امور فرهنگی ایجاد شده‌است. وی افزود: طبیعی است که با انحلال این‌گونه کانون‌های مثبت مجدداً استبداد و خفقان دوباره در خوزستان حکم‌فرما خواهدشد و این برخلاف خط‌مشی ما می‌باشد.(۲)

روزنامه اطلاعات در این‌باره نوشت: در حال حاضر در خرمشهر دو سازمان دیگر به نام "کانون فرهنگی خلق عرب" و "سازمان مجاهدین خلق عرب خوزستان" فعالیت دارند که شعب آنها در اهواز، شادگان، سوسنگرد، دشت میشان و آبادان وجود دارد. اکنون معلوم نیست با اعلامیه‌ای که از طرف شیخ شبیرخاقانی منتشر شد و از این نوع کانون‌ها حمایت گردید و با توجه به این که استاندار خوزستان کلیه کانون‌های خوزستان را منحل اعلام کرده، این کانون‌ها در آینده چه وضعی خواهند داشت.(۳)

۱۱۴
رادیو لندن گزارش داد که استانداران استان‌های ایران، برای بررسی مسائل استان‌ها در تهران کنفرانسی تشکیل داده‌اند. آنها با وزرای دولت موقت و آقای بازرگان نخست‌وزیر ایران مشغول مذاکره‌اند. در همین حال "شیخ عزالدین حسینی" به تهران آمده و پس از آن به قم خواهد رفت. مطبوعات می‌نویسند که وی قصد دارد درباره چند و چون خودمختاری کردستان با دولت و مسئولان مذاکره کند. گزارش رادیو لندن در این‌باره حاوی نکات و برداشت‌هایی است که می‌تواند نمونه‌ای از تلقی خارجیان از وضعیت مناطق بحرانی ایران و آینده آن باشد. ضمن این گزارش آمده‌است:

مسئله مناطق، از بدو تأسیس دولت جدید ایران دردسری برای آن دولت بوده‌است. اقلیت‌های غیرفارس‌زبان ایران به نحوی که قبلاً به آن عادت نداشته‌اند از قید تسلط شدید دولت موقت مرکزی رهایی یافته‌اند، آنها از این جریان استفاده کرده و آن را برای تأکید و خواسته‌های کهن مبنی‌بر خودمختاری به‌کارگرفته‌اند. تا این زمان سه فقره اغتشاش بزرگ در ایالت‌ها به وقوع پیوسته و به قیمت جان صدها نفر تمام شده‌است. ارتش این برخوردها را خاموش کرد، ولی از گوشه و کنار ایران گزارش‌هایی از رویدادهای کوچکتر شنیده شده‌است.

در چند روز اخیر اعراب ایرانی در بزرگترین بندر کشور(خرمشهر) دست به تظاهرات زدند و در نتیجه چندین نفر مجروح شدند و چند ساختمان متعلق به ارتش و کمیته انقلابی محلی مورد حمله قرارگرفت و آتش زده شد. از آن جاکه خط اصلی مبتنی‌بر قانون اساسی برای مقابله با این مسائل ایالتی وجود ندارد، این رویدادها به‌ناچار از طریق دیگر حل و فصل می‌شد ولی دولت مدت‌هاست دریافته‌است که باید برای مسئله خودمختاری منطقه‌ای به فکر یک راه‌حل یکسان و سراسری باشد و هفته گذشته خطوط اصلی نخستین پیشنهادهای مسجل دولت در این زمینه تکمیل شد.

مهندس بازرگان نخست‌وزیر ایران قویاً اظهار داشت که اموری مانند مسائل عمرانی، خدمات آموزش و پرورش و مسائل امنیتی را باید به عهده اهالی محل و منطقه واگذارکرد. وی گفت: در حال حاضر طرحی توسط دولت در دست تهیه است. پاره‌ای از مفاد اجتماعی این طرح توسط دکتر "یدالله سحابی" تدوین گشته است. وزارت‌خانه او مسئولیت تدوین قسمتی از قانون اساسی را به عهده دارد. وی گفت یکی از اصول اساسی که قرار است در قانون اساسی گنجانده شود، تدوین خودمختاری اداری برای ایالات در چارچوب وحدت ملی است و این کار احتمالاً بر مطالعه قوانین دولت‌های فدرال مانند سوئیس، اتریش و آلمان غربی مبتنی خواهد بود.

با ملحوظ داشتن این نکته که تشیع مذهب، رسمی است و فارسی، زبان رسمی ایران، آزادی مذهبی و آزادی زبان برقرار خواهد گشت. پلیس محلی توسط شوراهای ایالتی منتخب مردم اداره خواهند شد.

استانداران با آن که توسط دولت مرکزی به کار گمارده خواهند شد، در برابر شوراهای ایالتی

مسئول خواهند بود. همچنین رؤسای دوایر ایالتی در برابر همین شوراهای ایالتی مسئولیت خواهند داشت.

این خطوط اصلی بسیاری از جنبه‌های مربوط به امور مالی و امنیتی را نامعلوم باقی می‌گذارند و تا اندازه‌ای برای بحث در این‌گونه مسائل است که استانداران اکنون با دکتر سحابی و سایر اعضای دولت در تهران به بحث نشسته‌اند و این واکنش استانداران هرچه باشد، محتوا نشان می‌دهد که رهبران محلی ـ که خواسته‌ها و مواضع عمیق‌تری دارند ـ بیش از حد تمایل دولت، خودمختاری طلب می‌کنند. شیخ‌عزالدین حسینی رهبر مذهبی کردها ـ که در حال حاضر ریاست یک هیئت نمایندگی را برای مذاکره در تهران و قم به عهده دارد ـ از قبل گفته‌است که پیشنهادهای دولت خواسته مردم کردستان را برآورده نمی‌سازد. کردها مبارزترین اقلیت قومی ایران به شمار می‌روند و ممکن است بعضی از سایر اقلیت‌ها از طرح‌هایی که دولت برای خودمختاری در پیش گذاشته است بیشتر از کردها راضی باشند ولی شیخ‌عزالدین حسینی مسئله‌ای را مطرح کرد که دولت هنوز نشانه‌ای از پرداختن به آن بروز نداده‌است و به این ترتیب، مسئله‌ای به صورت بس مهم جلوه‌گر گشته‌است. این مسئله عبارت است از تغییر دادن مرزهای ایالتی به منظور تلفیق دقیق‌تر آنها با خطوطی که حدود اقامت اقوام مختلف ایران را مشخص می‌سازد.

اختلافات و مناقشات پیچیده قومی و عشیره‌ای ممکن است بر کوشش‌های دولت در جهت دست یافتن به راه‌حل مسالمت‌آمیز فدرال اثر نامساعد بگذارد. حتی اگر پیشنهادهای خودمختاری که دولت درپیش گذاشته‌است به تصویب سران مذهبی شورای انقلابی اسلامی برسد، که ناامنی در ایالات را بیشتر ناشی از تحریک عمال شاه و امریکا دانسته‌اند تا ناشی از نارضایتی‌های واقعی محلی.[۴]

۱۱۵
عزالدین حسینی که برای دیدار با امام‌خمینی و مقامات دولتی به تهران آمده‌است و بعدازظهر امروز با امام‌خمینی دیدار خواهد کرد، اعلام کرد هیئت همراه وی صرفاً یک هیئت مذهبی است و وظایف خاصی در زمینه سیاسی به عهده ندارد. وی در عین حال این امکان را که در گفت‌وگوهایش با امام‌خمینی و دیگر رهبران روحانی و دولتی مسائل سیاسی نیز مطرح خواهد شد، رد نکرد لیکن تأکید کرد که مذاکره درباره مسئله کردستان باید در سطحی وسیع‌تر و با شرکت نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی کرد صورت گیرد.[۵] او همچنین در مصاحبه‌ای با رادیو لندن گفت: «پیشنهاد اخیر دولت در حقیقت خودمختاری نیست و کردان می‌خواهند که تمام مناطق کردنشین غرب ایران به صورت یک ایالت واحد و خودمختار درآیند.» به گفته رادیو لندن طبق پیشنهادهای دولت، اقلیت‌ها فقط خواهند توانست که شوراهای استانی خود را انتخاب کنند و اموری مانند آموزش کودکان، بهداشت، جمع عوارض محلی و اداره پلیس را در دست گیرند. به گفته رادیو لندن، شیخ‌عزالدین حسینی اعلام کرده است که در ایران آینده،

زیر و بم‌های به راه انداختن یک فعالیت وسیع روابط عمومی در امریکا و اروپا به علاوه "سرمایه گذاشتن" جهت شروع تلاش خود، مطرح شود. در حقیقت بسیاری از میانه‌روها در ایران از تاکتیک‌های کمیته‌ای خمینی متوحش و آشفته‌اند و حتی "ج / ۱۳" و آن "هویت" می‌گویند که افراد شریعتمداری فکر می‌کنند که قدری در صحنه قدرت عقب افتاده‌اند و زمان از دست می‌رود.(۱۲)

۱۲۱
کمیته روابط خارجی سنای امریکا انتصاب " والتر کاتلر" را به عنوان سفیر امریکا در ایران، تصویب کرد. به گفته رادیو امریکا، کاتلر ـ که به عنوان سفیر امریکا در زئیر خدمت می‌کرد ـ به اعضای کمیته خارجی مجلس سنا اظهار داشت ادامه اعدام‌ها در ایران باعث نگرانی دولت امریکا بوده‌است و دولت امریکا این نگرانی خود را به اطلاع دولت ایران رسانیده‌است.(۱۳)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۶

۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۷، ص ۳.
۲ ـ پیشین
۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۳.
۴ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۵۴، ۱۳۵۸/۲/۲۷، ص ۶ ـ ۵.
۵ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۲۶، ص ۲.
۶ ـ مأخذ شماره ۴، ص ۱۰، رادیو لندن.
۷ ـ هفته‌نامه "امت" ارگان جنبش مسلمان مبارز، شماره ۵، ۱۳۵۸/۲/۲۶، ص ۲ ـ ۱.
۸ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۱۱.
۹ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۶، ص ۴.
۱۰ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه‌جاسوسی آمریکا، جلد۲۸ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص ۷۴.
۱۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۵
۱۲ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد۵۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۵۲ ـ۴۹.
۱۳ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۵۵، ۱۳۵۸/۲/۲۸، ص ۱۳، رادیو آمریکا، بخش فارسی.

روزشمار

پنجشنبه

۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۱۷ مه ۱۹۷۹

۱۲۲
شورای تأمین شهر خرمشهر صبح امروز تشکیل جلسه داد. در این جلسه که به مدت پنج ساعت ادامه داشت، با حضور فرماندار تصمیماتی گرفته‌شد که به‌صورت سه اطلاعیه رسمی فرمانداری خرمشهر انتشار یافت.

در اعلامیه شماره ۱ آمده‌است: «بدینوسیله به‌اطلاع کلیه شوراها، کمیته‌ها، سازمان‌ها، انجمن‌ها، جبهه‌ها، کانون‌ها، گروه‌ها و افرادی که بعد از انقلاب موفقیت‌آمیز ملت ایران به دلایلی اماکنی را اعم از دولتی و یا وابسته به دولت در منطقه شهرستان خرمشهر تصرف کرده‌اند می‌رساند که در اجرای نظریات آیات عظام و خواسته‌های مکرر اهالی و منویات دولت و به‌منظور رعایت قوانین مملکت در حفظ حقوق فردی و اجتماعی باید ساختمان‌ها و اماکن تصرف‌شده را اعم از عرصه و اعیانی با کلیه ابزار و وسایلی که در اختیار گرفته‌اند، از این تاریخ حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه ۵۸/۲/۳۱ تخلیه و به شهرداری یا بخشداری محل تحویل و مراتب را نیز به دادستانی دادگاه انقلاب خرمشهر اعلام نمایند. اطمینان دارد که متصرفین ساختمان‌ها با یک درک انقلابی و با شناخت مسائل و مشکلات جاری محل، اجرای مفاد این اعلامیه را تضمین خواهند کرد.»(۱)

در اعلامیه شماره ۲ نیز آمده است: «در اجرای نظریات آیات عظام و به منظور تحقق خواسته‌های مکرر اهالی و در تداوم سیاست دولت و به‌خاطر مصالح و مقتضیات منطقه، بدین‌وسیله به‌اطلاع عموم می‌رساند که کلیه فعالیت‌های انتظامی، نظامی و امنیتی از طرف سازمان‌ها، شوراها، انجمن‌ها، کمیته‌ها، جبهه‌ها، کانون‌ها و افراد از این تاریخ متوقف و منحل اعلام می‌شود و کلیه مسائل انتظامی و نظامی و امنیتی صرفاً از طریق مراجع و سازمان‌های ذی‌ربط دولتی و مسئول انجام خواهد گرفت. هر نوع عدول از مفاد این اعلامیه یک اقدام ضدانقلابی تلقی و با عکس‌العمل متناسب مردم و دولت روبه‌رو خواهد بود.»(۲)

در اعلامیه شماره ۳ هم می‌خوانیم: «تعقیب اعلامیه‌های شماره ۱ و ۲ از آن‌جایی‌که وجود

روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۷

اسلحه‌های موجود در شهرستان خرمشهر امنیت منطقه را بشدت به مخاطره افکنده به نحوی که موجبات نگرانی و ناراحتی کلیه اهالی را فراهم ساخته است. لذا در اجرای نظریات عقلاء و خواسته منطقی مردم و به‌منظور تحقق سیاست دولت و به‌خاطر رعایت مصالح و مقتضیات منطقه، بدین‌وسیله به‌اطلاع کلیه اهالی و ساکنین و آیند و روندگان منطقه شهرستان خرمشهر می‌رساند که از تاریخ جمعه ۵۸/۳/۴ حمل و نگهداری هر نوع سلاح غیرمجاز در حوزه شهرستان خرمشهر ممنوع اعلام می‌شود. بدین‌وسیله مهلت داده می‌شود که حداکثر تا مدت تعیین شده فوق، کلیه سلاح‌های غیرمجاز به پادگان "دژ" خرمشهر واقع در جاده کمربندی، تحویل داده‌شود. عدم رعایت مفاد این اعلامیه نه تنها مستقیماً منجر به فقدان آرامش و امنیت مطلوب می‌گردد بلکه دولت را مکلف می‌سازد که اقدام قاطع قانونی را معمول نماید. ولی روحیه همکاری، همراهی و منش انقلابی خرمشهری‌های عزیز، فرمانداری را امیدوار می‌سازد که با تحویل اسلحه‌های غیرمجاز امنیت لازم به فوریت تثبیت گردد.»[۳۰]

این در حالی است که در واکنش به طرح خلع سلاح عمومی و تخلیه ساختمان‌های دولتی، سازمان "سیاسی خلق عرب" مواضع محکم و قاطعی در رد آن اتخاذ کرده‌است. در اعلامیه این سازمان آمده‌است: «دشمنان خلق عرب بدانند اگر ما فاقد اسلحه آتشین باشیم، به اسلحه قاطع ایمان به خداوند مسلح هستیم. ما جزیی از خلق‌های ایران به‌شمار می‌آییم. هرگز اسلحه خود را بر زمین نمی‌گذاریم مگر تا تحقق و به‌دست آوردن حقوق شرعی و قانونی خود. همچنین ساختمان سازمان سیاسی خلق عرب که قبلاً توسط رژیم شاه غصب شده‌بود، یک بنای تاریخی و در خانه ماست. مردم را نمی‌توان از خانه خود بیرون کرد.»

۱۲۳
با تشدید بحران در خرمشهر، بروز حوادث خشونت‌بار چشم‌انداز جدی‌تری یافته و اتخاذ تدابیر امنیتی و انتظامی تازه‌ای را برای مسئولان شهر و نیروهای طرفدار نظام، الزامی کرده‌است؛ از جمله این‌که نیروهای نظامی و انتظامی در خرمشهر تقویت شدند. فرماندار خرمشهر «محمدرضا علوی» در این باره گفت: امنیت و آرامش مردم منطقه را ولو با چنگ و دندان باشد برقرار خواهیم داد. در حال حاضر گروه‌های انتظامی و پاسداران انقلاب به خرمشهر آمده‌اند و آماده اجرای مقررات قانونی ـ که خواست دولت و مردم منطقه می‌باشد ـ هستند، ولی من امیدوارم کارها آن‌چنان پیش برود که نیازی به دخالت آنها نباشد، اما اگر لازم باشد به‌خاطر حفظ امنیت و اجرای ۳ اعلامیه‌ای که شورای تأمین شهر منتشر نموده و خواست مردم مسلمان و مبارز خرمشهر است، از هیچ اقدامی فروگذار نخواهیم بود. بیان داره بینش انقلابی و طرز تفکر صحیح برادران عرب و عجم، اجرای مفاد اعلامیه‌ها را تضمین خواهد‌کرد، چون این مسئله به نفع همه گروه‌ها خواهد‌بود.»

فرماندار خبر داد که نظر به موقعیت حساس خرمشهر، پاسداران انقلاب وارد این شهر شده‌اند و بزودی شمار دیگری از آنان وارد خواهند شد. همچنین نیروهای ارتش برای حفظ نظم

روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۷



و مقابله با هر نوع عمل ضدانقلابی، به خرمشهر آمده‌اند و پایگاه‌های نظامی نیز تقویت شده‌اند. وی تأکید نمود که نیروی کافی در خرمشهر در اختیار می‌باشد ولی امیدواریم موردی برای استفاده از آنها پیش نیاید.

"محمدرضا علوی" فرماندار خرمشهر طی گفت‌وگوی مطبوعاتی دیگری با خبرنگاران در مورد مسائل جاری اظهار امیدواری کرد که «اوضاع در خرمشهر بخوبی پیش رود و امیدواریم که با توافق حضرت آیت‌الله "محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی" کلیه سازمان‌ها و کانون‌های نظامی را منحل و آنها بتوانند فقط در موارد فرهنگی فعالیت سازنده‌ای داشته باشند.» وی اعلام کرد که حضرت آیت‌الله اطلاعیه‌ای صادر کرده‌اند که هنگام مذاکره با تیمسار "مدنی" استاندار خوزستان در خانه ایشان، نماینده هیچ یک از سازمان‌ها حضور نداشته‌اند.

۱۲۴
"آیت‌الله شبیر خاقانی" با نشر اطلاعیه‌ای خواستار عدم دخالت کمیته‌ها و کانون‌ها در امور شهر خرمشهر شد. در این اطلاعیه بر انتخاب افرادی به نسبت جمعیت منطقه اعم از عرب و فارس و ترک و غیره جهت انتظامات شهر زیر نظر دولت و ممانعت از مداخله کمیته‌ها، کانون‌ها، شوراها و سازمان‌ها تأکید شده‌است. علاوه بر این، توجه به خواسته‌های شرعی کارگران منطقه و کشور در حدود امکانات دولت و همچنین اعطای حقوق شرعی خلق عرب در زمینه‌های فرهنگی، اداری و هرگونه حقوقی که با شرع مقدس اسلام منافات نداشته‌باشند و جلوگیری از

تردد گروه‌ها با اسلحه در ملا عام خواسته‌شده است. شبیرخاقانی در مورد خلع‌سلاح عمومی اعلام کرد که هیچ‌گونه دستور مثبت یا منفی در این مورد نداده‌است.[۸]

۱۲۵
به گزارش روزنامه اطلاعات، امروز "نمایندگان خلق‌عرب خوزستان" با مهندس "بازرگان" نخست‌وزیر دولت موقت در تهران دیدار کردند. آنها خواسته‌های "خلق‌عرب مسلمان ایران" را از دولت موقت شامل دوازده بند که مربوط به خودمختاری خوزستان در محدوده تمامیت ارضی است، تسلیم وی نمودند. براساس این گزارش، مهندس بازرگان نخست‌وزیر پس از مذاکره با آنان طی نامه‌ای خطاب به آیت‌الله شبیرخاقانی، مذاکرات با نمایندگان خلق‌عرب خوزستان را سودمند دانسته و آرزوی موفقیت خلق‌عرب مسلمان را نموده‌است.[۹]

۱۲۶
کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر (عمده‌ترین تشکّل سیاسی و نظامی نیروهای مذهبی ـ انقلابی خرمشهر در مقابل تشکّل‌های قومی موسوم به خلق‌عرب) طی یک اطلاعیه، ضمن بررسی ترکیب نیروهای موسوم به خلق‌عرب، سازمان سیاسی خلق‌عرب و متحدانش را مسئول حوادث خرمشهر دانست. در این اطلاعیه که با هدف بیان "ریشه‌های جریاناتی که منجر به حادثه حمله به کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهرشده" انتشار یافته، آمده‌است:

«پس از پیروزی جنبش انقلابی اسلامی ایران و سرنگونی رژیم وابسته پهلوی، از آن‌جا که وجود شرایط نوین، پایه‌های حاکمیت استثماری، استبدادی بعضی شیوخ مرتجع عشایر عرب را به خطر انداخته و از آن‌جایی‌که آزادی‌های انسانی و اجتماعی در چنین موقعیتی، آن دسته از تجزیه‌طلبان راکه در زمان حاکمیت رژیم گذشته در جهت جداکردن منطقه خوزستان از ایران به کشورهای عربی نظیر عراق، سوریه و لبنان گریخته بودند را برای فعالیت مجدد در همان جهت امیدوار ساخت و همچنین ازآن‌جا که نیروهای فرصت‌طلب غیرمذهبی، فضایی را در جهت حاکمیت بخشیدن به‌قدرت خویش بر خلق مسلمان ایران نمی‌یافتند، لذا این سه دسته (شیوخ مرتجع، تجزیه‌طلبان و فرصت‌طلبان) در جهت به سازش کشاندن دولت برای حفظ حاکمیت استثماری، استبدادی و گریز از مجازات(هدف شیوخ مرتجع) و همچنین ایجاد پایگاه توده‌ای برای خود(هدف تجزیه‌طلبان) و کسب قدرت از طریق تضعیف دولت موقت انقلاب‌اسلامی(هدف فرصت‌طلبان) حرکت خود را شروع کردند...

با آگاهی از وجود جریانات فوق در خرمشهر بود که گروهی از جوانان مؤمن مسلمان عرب و عجم خرمشهر که سابقه طولانی در مبارزه با رژیم و ارتجاع داشته و سال‌ها در زندان‌های رژیم و در زیر شکنجه‌های دژخیمان ساواک بسر برده‌اند، کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر را پایه‌گذاری کردند که بزودی توانست با حرکت صادقانه و صالح خویش مردم خرمشهر را حول محور ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی خود بسیج نموده و حمایت و پشتیبانی

آنان را جلب نماید...

با چنان ائتلافی که ذکر شد، عمده‌ترین این نیروها در قالب سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان به شیوه آریامهری یعنی سوءاستفاده از ناآگاهی یکی از روحانیون نسبت به اوضاع منطقه متوسل شده و در این امر توانست بعضی از گروه‌های به‌اصطلاح عربی نظیر کانون فرهنگی خلق عرب را به دام خود انداخته و با خود بر سطوحی همراه سازد. هرچند که تلاش‌های مذبوحانه این نیروها در سوءاستفاده از روحانی مذکور در چنین موقعی چیزی جز پشت کردن مردم مسلمان به او به همراه نداشت، ولی آنچه که بیشتر برای توده‌های مردم اعم از عرب و عجم روشن شد ماهیت کانون بود که با تکیه بر اصول ایدئولوژی اسلامی مبارزاتی پی‌گیر در جهت ایجاد جوّ وحدت اسلامی دنبال می‌نمود که عرب بودن بیش از ۶۰٪ از اعضای کانون مؤید چنین حقیقتی است.

از طرف دیگر، با شناختی که ما از آقای شیخ محمدطاهرآل شبیرخاقانی و ماهیت او از یک‌سو و اهداف این نیروها از سوی دیگر داشتیم، در مبارزات خویش سعی کردیم که این دو ماهیت را از یکدیگر تفکیک نموده و با هر کدام برخوردی اصولی و مناسب با آن بنماییم، چنان‌که ما بارها آقای شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی را از عملکردهای توطئه‌آمیز این نیروها که با سوءاستفاده از پشتیبانی وی انجام می‌دادند و موجب لطمه زدن به شخصیت وی در اذهان توده‌ها می‌شدند، مطلع کرده و از او خواستیم که برای جلوگیری از یک چنین روندی حساب خویش را از حساب این نیروها جدا کند... سازمان سیاسی و متحدین در جهت پیش‌گیری از فرا رسیدن مرگ طبیعی خود و بقای حیات ارتجاعیش و نیز طرح غیراصولی خود در جهت اهداف غیراصولی دست به یک تهاجم مسلحانه و ناجوانمردانه به کانون و ستاد پاسداران انقلاب زده و شرایطی را به‌وجود آوردند که امیدوار بودند ما نیز در دام چنین شرایطی افتاده و با آنها درگیر شویم تا بتوانند با ایجاد بحران در منطقه، خود را مظلوم نشان داده و به عنوان مدافع حقوق حقه خلق عرب قالب کنند که با برخورد اصولی و دوراندیشانه کانون روبه‌رو شدند و با این‌که بعضی از برادران ما با گلولهٔ این عناصر تا مرز شهادت پیش رفتند و یکی از برادران فلج شد و ۱۶ نفر از برادران به دست آنان به گروگان برده و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و نیز ساختمان‌های کانون و ستاد را به‌آتش کشیدند، از سوی ما هیچ‌گونه عکس‌العمل متقابلی نشان‌داده نشده که اخبار منتشره در مطبوعات مؤید این موضوع می‌باشد...

ما از پیشگاه رهبری انقلاب امام‌خمینی و خلق قهرمان آگاه ایران انتظار داریم تا به اقدامی قاطعانه و عاجلانه نسبت به جریانات خرمشهر دست یازند. ما به‌طور قاطع خواستار انحلال سازمان‌ها و کانون‌های غیر رسمی خرمشهر، خلع‌سلاح و بازداشت و مجازات عاملین ـ که خواست مردم مبارز و مسلمان نیز می‌باشد ـ هستیم.»[۱۰]

۱۲۷
به نوشته روزنامه اطلاعات، از طرف اهالی ترک‌زبان نقده هیئتی از معتمدان محل به سرپرستی

نگه‌داشتن ما از هرگونه تحول اضافی قدردانی می‌کنیم.»[۱۴]

۱۳۱
سنای امریکا طی قطع‌نامه‌ای اعدام‌ها در ایران را محکوم کرد. بنابه گزارش یونایتدپرس سنای امریکا ضمن تصویب قطع‌نامه‌ای تنفر خود را از اعدام‌های فوری که بدون تشریفات دادگاه مقتضی صورت می‌گیرد ابراز کرد و عده‌ای از سناتورها گفتند که امیدوارند این اقدام سنای امریکا به یک اعتراض وسیع جهانی منجر شود. در قطع‌نامه همچنین از صدور دستور قتل شاه مخلوع ـ که اکنون به اتفاق خانواده و عده‌ای از وفادارانش در باهاما زندگی می‌کند ـ شدیداً انتقاد شده‌است. سنای امریکا خاطرنشان ساخت که اگر این اعدام‌ها ادامه یابد، ممکن است به روابط دوستانه امریکا و ایران لطمه شدید وارد آید. یونایتدپرس افزود: « اقدام سنای امریکا نخستین اعتراضی است که از سوی یک رکن قانون‌گذاری نسبت به محاکمه‌های انقلابی ایران که تاکنون حدود ۲۰۰ اعدامی داشته، ابراز می‌شود.»[۱۵]

۱۳۲
"طه محیی‌الدین معروف" معاون رئیس‌جمهوری عراق طی یک گفت‌وگو به نحوی صریح و مثبت، در مورد انقلاب‌اسلامی و نظام جدید ایران اعلام موضع کرد. وی گفت: «انقلاب ایران نتایج مثبت همه‌جاگیری نه فقط در عراق بلکه در سراسر جهان خواهدداشت. دولت انقلابی ایران کلیه ارتباطات خود را با صهیونیست‌ها قطع نموده و دیگر حافظ منافع امپریالیست‌ها در منطقه نیست.» معروف، این موضوع را که مسائل کردستان ایران در اقلیت‌های کرد عراق تأثیر بخشیده، تکذیب کرد و گفت: «ایران کاری به اقلیت‌های کردهای عراق ندارد و ما یک ملت کاملاً متحد هستیم.» معاون رئیس‌جمهوری عراق همچنین با اشاره به تحولات منطقه‌ای تأکید کرد که اوضاع در منطقه عربی در معرض خطرهای شدیدی قرار دارد و ادامه تجاوز رژیم صهیونیستی و استعماری علیه ملت عرب فلسطین همواره صلح را تهدید می‌کند.[۱۶]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۷

۱ ـ سند شماره ۱ ـ ۹۰۳۰۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اعلامیه شماره ۱ فرمانداری خرمشهر، ۱۳۵۸/۲/۲۷.
۲ ـ سند شماره ۲ ـ ۹۰۳۰۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اعلامیه شماره ۲، فرمانداری خرمشهر، ۱۳۵۸/۲/۲۷
۳ ـ سند شماره ۳ ـ ۹۰۳۰۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اعلامیه شماره ۳، فرمانداری خرمشهر، ۱۳۵۸/۲/۲۷
۴ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص۷.
۵ ـ پیشین.
۶ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۲.
۷ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۲۷، ص ۲.
۸ ـ مأخذ شماره ۴، ص ۷.
۹ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۲۷، ص ۲.
۱۰ ـ سند شماره ۲۰۹۸۹۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اعلامیه کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر، ۱۳۵۸/۲/۲۷.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۳.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۸.

۱۳ ـ مأخذ شماره ۴، ص ۶.
۱۴ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۳۱ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص ص ۱۴۸ـ۱۴۷.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۶، ص ۸، واشنگتن، یونایتدپرس.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۱۲، برازیلیا، آسوشیتدپرس و مأخذ شماره ۷، ص ۸.

روزشمار

جمعه

۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۱۸ مه ۱۹۷۹

۱۳۳

در خرمشهر برای تخلیه اماکن دولتی، انحلال سازمان‌های مسلح و خلع‌سلاح عمومی، در پی مخالفت گروه‌های مسلح، تحرکی مشاهده نمی‌شود. به نوشته روزنامه اطلاعات، علی‌رغم تصمیم مقامات مسئول به خلع سلاح عمومی در خوزستان، افراد مسلح سلاح‌های خود را همچنان در دست دارند. مقامات دولتی در خرمشهر و استان خوزستان در جریان مذاکره با افراد و گروه‌های مختلف کوشیدند آرامش منطقه به قوت خود باقی باشد. در حال حاضر فعالیت‌های سیاسی که به چشم می‌خورد، تنها اعلام مواضع و اعلامیه‌های مختلفی است که تشکیلات گوناگون منتشر می‌کنند.[۱]

"سازمان مجاهدین خلق عرب" انحلال سازمان‌ها و گروه‌ها در خوزستان را رد کرد. شاکر شکوری سخن‌گوی این سازمان در این باره گفت: «انحلال تشکیلات سالم سیاسی در خوزستان مغایر اصول دمکراسی است.» وی هشدار داد که سیاست‌های نژادپرستانه بی‌بازتاب نخواهد ماند و دولت باید دست‌های پیروان چنین سیاست‌هایی را که با نفاق‌افکنی، عرب و عجم را رو در روی هم قرار می‌دهند، قطع کند.[۲]

۱۳۴

در یک گزارش نه چندان دقیق که از اهواز برای دفتر هماهنگی مناطق (از ارگان‌های ستاد فرماندهی سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی) ارسال شد، درباره جریان‌های قومی فعال در خوزستان چنین آمده‌است:

«شش گروه تجزیه‌طلب در خوزستان فعالیت می‌کنند. این گروه‌های تجزیه‌طلب عبارتند از: ۱ - سران "جبهه تحریر خوزستان" که حدود ۳۰ - ۲۰ نفر افراد دوره دیده دارای قدرت سیاسی و نظامی قوی هستند و در سوریه، عراق و فلسطین دوره دیده‌اند و وارد ایران شده‌اند. ۲ - دار و دسته حزب بعث عراق که تحت نام‌های مختلف از جمله "معلم" وارد مدارس عربی‌زبان خوزستان شده و می‌شوند. ۳ - بخشی از مارکسیست‌های داخلی و بخشی از گروه

مارکسیست‌های خارج که به تازگی به آنها ملحق شده‌اند. ۴ - باقی‌ماندگان افسران "گارد جاویدان"، افسران "ساواک" شهربانی و ارتشی‌های شاه‌دوست. ۵ - بخشی از بختیاری‌های خوزستان و فراماسون‌ها که اقدامات ضد دولتی را شروع کرده‌اند و تا به حال ۵ اعلامیه علیه دولت داده‌اند. ۶ - "جبهه سیاسی خلق عرب" و کسانی که تحت نام طرف‌داری از "شیخ محمد طاهرآل‌شبیر" فعالیت می‌کنند...

لازم به توضیح است که حدود ۳۰ نفر ساواکی و کمونیست شناخته‌شده اطراف حضرت آیت‌الله را گرفته‌اند. همچنین شیوخ و ثروتمندان که موقعیت خود را در خطر می‌بینند و خود را زیر نام شیخ محمدطاهر مخفی کرده‌اند و شیخ را تحریک می‌کنند و آنچه را می‌خواهند بر ایشان فشار می‌آورند و از زبان ایشان شنیده می‌شود. (اینها) تحت نام‌های مختلف به شرح زیر (شناخته می‌شوند): ۱ - جامعه روحانیون مسلمان عرب. ۲ - کمیته تدارکات کنگره خلق عرب ایران. ۳ - جمعیت روشنفکران عرب ایران / اهواز. ۴ - کانون فرهنگی عرب / خرمشهر. ۵ - کانون فرهنگی عرب ایران/ اهواز. ۶ - سازمان سیاسی خلق عرب مسلمان ایران / خرمشهر. ۷ - عشایر عرب فلاحیه، آبادان، اهواز، هویزه، خفاجیه، خرمشهر و شوش. ۸ - کانون فرهنگی عرب ایران / آبادان. ۹ - سازمان مجاهدین خلق عرب ایران / خرمشهر. ۱۰ - جبهه سیاسی خلق عرب مسلمان ایران. ۱۱ - کانون فرهنگی خلق عرب ایران / تهران. ۱۲ - جنبش مردمی خلق عرب ایران. این گروه‌ها متفقاً علیه دولت و دکتر مدنی استاندار خوزستان اعلامیه می‌دهند.

این جبهه‌ها و سازمان‌ها بیشتر از خارج کشور از جمله از شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس تا مصر و عراق و دیگر کشورهای مرتجع عربی گرفته تا امریکا و شوروی و شاه مخلوع و همچنین دشمنان داخلی تقویت می‌شوند.»[۳]

۱۳۵

به دنبال بروز ناآرامی در چند شهر خوزستان، دکتر مدنی استاندار این استان در یک گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار روزنامه اطلاعات چنین گفت: «نغمه‌های توطئه‌گران در شهرهای خوزستان که مدتی است به گوش می‌رسد و برخوردهایی که در خرمشهر، شوشتر و مسجدسلیمان طی روزهای گذشته روی داد نشانگر این است که پادوهای حکومت خودکامه سابق و استعمارگران جهانی این بار چشم به خوزستان دوخته‌اند تا این استان را - که قلب ایران به شمار می‌رود و شاید قلب جهان باشد - با توطئه، نقشه‌های پلید خود را به مورد اجرا درآورند.» مدنی اضافه کرد: «به دنبال وقایع شوشتر و مسجدسلیمان و برخوردهایی که صورت گرفت، بلافاصله جهت آرامش این دو منطقه و پیشگیری از حوادث بعدی در نقاط دیگر، اقداماتی به عمل آمد و پاسداران انقلاب و نیروهای انتظامی تقویت شدند. تاکنون چند تن از ضدانقلابیون و کسانی که مخل نظم عمومی بودند دستگیر شدند.» استاندار خوزستان در مورد خلع‌سلاح عمومی گفت: «کار جمع‌آوری اسلحه‌هایی که در اختیار افراد غیرمسئول است شروع‌شده و این برنامه با دقت و سرعت تمام تا به دست آوردن نتیجه مطلوب دنبال خواهدشد.» وی در مورد

کمیته‌ها گفت: «با برنامه‌ریزی‌های اصولی، کمیته‌های استان در پاسداران انقلاب ادغام خواهندشد و در حال حاضر تشکیلات پاسداران انقلاب در خوزستان در حال شکل گرفتن است.»[۴]

۱۳۶
امروز در مراسمی که با شرکت جمعیت کردهای مقیم مرکز، در دانشگاه صنعتی شریف برپا شد، عزالدین حسینی ضمن یک سخنرانی طولانی دو ساعته، در گزارشی از ملاقات‌ها و نتایج حاصله از سفر به تهران و قم تلویحاً اعتراف کرد که وی و همراهانش موفقیتی در کسب امتیاز از دولت و امام‌خمینی برای جریان‌های محارب کردستان نداشته‌اند. به گزارش کیهان، وی درباره ملاقات با شخصیت‌های دولتی گفت: «تاکنون نتوانسته‌ایم در یک جمع تصمیم‌گیرنده از مقامات دولتی به بحث و نظرخواهی بنشینیم. من با علاقه دنبال تشکیل جلسه‌ای هستم که در آن به داد و ستد فکری بنشینیم.» او همچنین درباره ملاقات با امام‌خمینی گفت: «من در قم به حضور آیت‌الله امام‌خمینی رهبر انقلاب رسیدم و سخنان ایشان را در زمینه خودمختاری مردم کردستان شنیدم و به عرض ایشان رساندیم که در کردستان باید به لهجه اقشار با توجه به هرگونه ایدئولوژی سیاسی یا عقیده مذهبی با نظر احترام و تحسین نگریست و نباید دست به کاری زد که اقشار ملت به نام مذهب مقابل هم قرار گیرند.»[۵]

امروز همچنین در چند شهر کردنشین به علت پخش نشدن اخبار مربوط به ملاقات عزالدین حسینی امام‌جمعه مهاباد با امام‌خمینی از صدا و سیمای جمهوری‌اسلامی ایران، تحرکات و اقدامات اعتراض‌آمیز انجام گرفت؛ از جمله در بانه مردم این شهر ۴ ساعت راهپیمایی کردند. همچنین به گزارش روزنامه اطلاعات قریب ۱۰ هزار نفر از اهالی "اشنویه" در تظاهراتی پشتیبانی خود را از هیئت اعزامی به تهران و قم به ریاست سیدعزالدین حسینی اعلام کردند و با راهپیمایی خواستار آزادی مطبوعات و رفع هرگونه سانسور شدند. راهپیمایان خواستند که جریان مذاکرات هیئت اعزامی از مهاباد با امام‌خمینی جهت روشن نمودن اذهان عمومی از رادیو تلویزیون پخش شود.[۶]

۱۳۷
"سازمان مجاهدین خلق ایران" در چارچوب مشی خاص خود که از سویی در افکار عمومی به نظام و رهبری آن احترام می‌گذارد و از سوی دیگر با جریان‌های مخالف نظام صراحتاً یا تلویحاً ابراز همبستگی و همراهی می‌نماید، در پیامی "به سندیکای نویسندگان و خبرنگاران و عموم زحمتکشان مطبوعات" درباره تصفیه‌ها و مسائل اخیر مطبوعات کشور (کیهان، آیندگان) به نحو زیر به اعلام مواضع پرداخت:

«... اولاً، هیچ انقلابی به طور اعم و به ویژه انقلاب نوپای ما به طور اخص، بدون همکاری و وحدت عموم طبقات و اقشار و اصناف مردم به انجام نمی‌رسد. در این میان مطبوعات آزاد و مردمی واجد نقش بسیار حساس هستند که هرگز نمی‌توان در مسیر پیروزی نسبت به آنها

احساس بی‌نیازی نمود. در اهمیت وجودی مطبوعات آزاد برای پیش‌برد اهداف انقلابی همین بس که ما معتقدیم که به گواهی تمام تجارب تاریخی، شکستن سر و دست مقدمتاً با شکستن قلم‌های مسئول و بیدار آغاز شده‌است.

ثانیاً، پاکسازی و تصفیه در صفوف مطبوعات اکیداً بایستی به همان شدت سایر نهادهای سیاسی و نظامی رژیم پیشین صورت گیرد تا نخاله‌های ننگین رژیم پهلوی و دست‌نشاندگان استعمار خارجی برای همیشه از صفوف مطبوعات مردمی ما ریشه‌کن شود.

لیکن باید تأکید کنیم که ذی‌صلاح‌ترین مرجع برای چنین پاکسازی انقلابی، خود نویسندگان و دیگر زحمتکشان شریف جامعهٔ مطبوعاتند.

ثالثاً، تا آن جا که ما با نظرگاه‌های رهبر انقلاب آشنایی داریم تکدر خاطر ایشان از یک یا چند نمونهٔ خاص هرگز نباید به روا داشتن تعرض و حمله و مواجههٔ قهرآمیز با احدی از مردم (به استثنای جنایتکاران و نیروهای ضدانقلابی) و یا ممانعت از انتشار آزاد مطبوعات تعبیر شود، به ویژه در موقعیت حساس کنونی که امپریالیست‌ها از هر جهت در کمین انقلاب ما نشسته و به انحای طرق در تجزیه و تفرقهٔ صفوف آن و ایجاد انواع دشمنی‌ها توطئه می‌کنند. بنابراین از موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت و از شما تقاضا نمود که در جهت حل بحران کنونی مطبوعات با مراجعه به محضر "حضرت آیت‌الله‌العظمی امام‌خمینی" و همچنین "حضرت آیت‌الله‌العظمی طالقانی" مسائل مربوطه را مطرح و اسباب ممانعت از گروه‌های فشاری را که به آنها اشاره کرده‌اید فراهم نموده و آزادی کامل کلیه وسائل ارتباط جمعی را به گونه‌ای انقلابی تأمین نمایید.

با این همه بدیهی است که ما نیز دولت را مسئول مستقیم رسیدگی به این مسائل دانسته و دخالت قاطع آن را در جهت احقاق حقوق قانونی همگان طلب می‌کنیم.»[۷]

۱۳۸
عده‌ای از عشایر "جوانرود" و "اورامانات" در قم با امام‌خمینی ملاقات کردند. امام با یادآوری این مطلب که در رژیم سابق، هم مناطق مرزی و هم مرکزی مورد ستم و تعدی قرار داشته‌است و اکنون تحت لوای اسلام همه مجتمع و آزاد شدند و چپاولگران آرام نخواهند نشست، فرمودند: «حالا ما آزاد شدیم و مملکتمان را از دست دیگران گرفتیم، آنها آرام نمی‌نشینند، آنها الان درصدد هستند که توطئه‌هایی بکنند. یک اشخاصی را مأمور کردند که در اطراف مملکت طرف شما بیایند یک چیزی بگویند؛ در تهران یک طور، در خوزستان یک طور، در کردستان یک طور، در بلوچستان یک طور، در خراسان، در کرمان، اینها مأمورهایی هستند که از طرف اجانب منتشرند الان و یک ریشه‌هایی از همان رژیم سابقند و یک مقدار هم از همین منحرفین با اسم‌های مختلف. اینها مأمورند که نگذارند مملکت آرام باشد، اختلاف ایجاد کنند، هر جا به صورتی: طرف مرزها ـ که برادرهای ما در آن جا هستند ـ به صورت این مذهب و آن مذهب اختلاف ایجاد می‌کنند؛ در آنهایی که لسانشان ترک است با آنهایی که لسانشان کرد است با آنهایی که لسانشان فارس است به عنوان عشیره‌ای، به عنوان این که این گروه با آن گروه دو زبان دارند، دو فرهنگ

جواب: «شخص این‌جانب هیچ‌گونه مداخله‌ای در کارهای دولت ندارم، البته گاهی اوقات از باب ارشاد و راهنمایی مطالبی را متذکر می‌شوم.»

آیت‌الله درباره اعدام‌ها گفت: «الان در مملکت افرادی اعدام می‌شوند و ممکن است خیلی بیش از اینها یافت شوند که مستحق اعدام باشند ولی باید در طریق تشخیص جرمی که موجب اعدام است دقت زیادتری به عمل آید. قاضی باید صلاحیت کافی داشته‌باشد. باید به محکومین و مجرمین حق دفاع داده‌شود و چه بسا خود محکوم در وضعی است که نمی‌تواند از خود دفاع کند، باید به او امکان داد تا اگر مایل باشد برای خود وکیل بگیرد البته در هرکجا که این موارد تاکنون مراعات شده‌باشد، خوب است و حرفی درباره آنها نیست ولی هرکجا که مراعات نشده، خوب نیست اما ریختن شبانه به منزل مردم و یا مصادره اموال با قانون اسلام تطبیق نمی‌کند، مگر اموالی که مال ملت است که پس از ثبوت باید به دولت اسلامی منتقل شود و اموالی که غصب شده، باید به صاحبانش بازگردد ولی مسئله‌ای به نام قانون مصادره اموال به هیچ‌وجه در اسلام نداریم؛ مجرم اگر صدبار هم محکوم به اعدام باشد، اموال او را نمی‌توان مصادره کرد بلکه مربوط به ورثه است، مگر در مواردی که در فوق به آنها اشاره‌شد.»[۱۴]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۸

۱ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۳.
۲ ـ پیشین.
۳ ـ سند شماره ۹۰۳۰۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش دفتر تحقیق و بازرسی سپاه اهواز.
۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۵ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۸.
۶ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۳.
۷ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری سیاسی مجاهدین خلق ایران جلد ۱، از ۵۷/۱۰/۲۱ تا ۵۸/۴/۱۸ (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق، ۱۳۵۸) ص‌ص ۱۴ ـ ۱۴۶.
۸ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام جلد ۶ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی،) ص‌ص ۱۹۷ تا ۱۹۹.
۹ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۵۶، ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۳، رادیو کلن.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۸، لندن، خبرگزاری رویتر.
۱۱ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۵۶، ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص‌ص ۱ و ۲، رادیو لندن بخش فارسی و روزنامه کیهان، ۵۸/۲/۲۹، ص ۴.

روزشمار

شنبه

۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸

۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۱۹ مه ۱۹۷۹

۱۴۱

مدنی استاندار خوزستان در تلفنگرامی به وزیر کشور خواستار واگذاری سرپرستی نیروهای مسلح سه‌گانه مستقر در استان به استاندار و اختیار به کار بردن آنها در سطح شهر و مرز در صورت لزوم، جهت احراز آمادگی مقابله با اقدامات ضدانقلابی و حوادث و آشوب‌های احتمالی شد. متن کامل تلفنگرام به شرح زیر است:

«جناب آقای صدرحاج‌سیدجوادی وزیر کشور

به علت وضع خاص منطقه و به منظور انجام هرگونه عملیات قاطعانه در سرکوبی عناصر ضدانقلاب در منطقه، ضرورت دارد که سرپرستی نیروهای سه‌گانه مستقر در خوزستان به استاندار ـ که خود فرماندهی نیروی دریایی را هم به عهده دارد ـ واگذار گردد و اجازه داده شود که به منظور مقابله با آشوبگران و خنثی کردن اقدام‌های آنان، برحسب نیاز نیروهای سه‌گانه را در سطح شهر و مرز به کار برد. بنابراین خواهشمند است مقرر فرمایند ضمن تماس جناب آقای نخست‌وزیر و ریاست ستاد کل و دیگر مراجع مربوطه، تصمیم فوری و لازم را گرفته و ابلاغ فرمایند که امنیت خوزستان محفوظ مانده و شورش گسترده نشود.»[۱]

۱۴۲

شیخ‌عزالدین حسینی که به دعوت وزیر کشور به تهران آمده‌است در دومین مصاحبه مطبوعاتی خود، مذاکراتی که با امام‌خمینی انجام‌داده، همچنین دیدگاه‌های خود را دربارهٔ خودمختاری کردستان مطرح ساخت و به دیگر پرسش‌های خبرنگاران نیز پاسخ داد. به گزارش مطبوعات:

«وی ابتدا به دیدار با امام‌خمینی اشاره‌کرد و گفت: مسافرت به قم برای من خیلی ارزش و اهمیت داشت. حضرت آیت‌الله وقتی تشریف آوردند با من دست دادند و ادای احترام شد. روی هم رفته ملاقات آن قدر ساده و طبیعی و روحانی بود و جاذبیت داشت که در مقایسه با رژیم سابق با آن همه تجملات واقعاً جای تعجب و حیرت داشت؛ من خدا را شکر کردم که این سادگی را می‌بینم. امام فرمودند دشمنان ایران می‌خواهند مسیر انقلاب را منحرف کنند. مرتجعین و

وی افزود: در دستور کتبی دادستان ارتش گفته شده‌است برابر مقررات، افسران و نظامیان متهم باید تا پایان محاکمه در زندان نظامی نگه‌داری شوند. سرتیپ امیررحیمی عده زندانیان نظامی را که در زندان قصر بسر می‌برند، در حدود هزار نفر تخمین زد.

خبرنگار روزنامه اطلاعات می‌افزاید: صبح امروز گروهی از افراد خانواده زندانیان نظامی که در زندان قصر بسر می‌برند، در مقابل پادگان جمشیدیه اجتماع کرده و درخواست داشتند دستور دادستان ارتش هرچه زودتر به مرحله اجرا درآید.[8]

۱۴۷ وزارت بازرگانی عراق در واکنش به امضای پیمان صلح بین مصر و اسرائیل و در اجرای مفاد قطع‌نامه‌های کنفرانس ماه گذشته وزیران عرب در بغداد، از دفاتر مرکز بازرگانی مصر و یک کارخانه مصری خواست که شعبات خود را در عراق تعطیل کنند.[9]

در این حال، روزنامه الرأی‌العام چاپ کویت گزارش داد: کویت مبلغ ۵۵۰ میلیون دلار در اختیار صندوق اعراب ـ که توسط کشورهای تندروی عرب درگیر مستقیم با اسرائیل تأسیس گردیده ـ قرار خواهدداد. این روزنامه افزود: کویت به عراق ـ که رهبری کشورهای عرب مخالف با سادات را به عهده دارد ـ اطلاع داده‌است که این مبلغ پس از تصویب بودجه سالانه کویت در ماه ژوئن، پرداخت خواهدشد. اجلاس رهبران ممالک تندروی عرب که ماه نوامبر گذشته در بغداد تشکیل‌شد، تصویب کرد که یک صندوق عرب با سرمایه سه میلیارد و سیصد و بیست میلیون دلار برای کمک به کشورهای عرب (به جز مصر) و سازمان آزادی‌بخش فلسطین که با اسرائیل رویارویی مستقیم دارند، به وجود آورند.»[10]

از سوی دیگر، مصر تصمیمی را که عربستان‌سعودی، امارات‌متحده‌عربی و قطر درباره متوقف ساختن فعالیت‌های "سازمان عربی صنایع جنگی" اتخاذ نموده‌اند، رد کرده و آن را تجاوزی آشکار به یک موافقت‌نامه بین‌المللی دانسته‌است، زیرا انگیزه‌های سیاسی در یک طرح کاملاً اقتصادی مدنظر قرار گرفته‌است. در بیانیه‌ای که سپهبد "کمال حسن‌علی" وزیر دفاع مصر صادر کرده، از اقدام سه کشور مذکور در جهت نابود ساختن صنایع جنگی عربی ـ که یکی از امیدهای ملت عرب به شمار می‌رود ـ ابراز تأسف شده‌است. مصر تأکید کرده که خروج هر کشور از کشورهای مؤسس سازمان و حتی سه کشور یادشده به اتفاق از سازمان، به معنای لغو موجودیت قانونی سازمان نیست، زیرا بقا و یا لغو عضویت هریک از اعضای سازمان باید براساس مقررات مندرج در موافقت‌نامه تأسیس صورت گیرد و این چیزی است که سه کشور فوق رعایت نکرده‌اند.[11]

در همین حال، روزنامه الاهرام در شماره دیروز خود فاش کرد که قرار است یک هیئت عالی‌رتبه نظامی امریکا یکشنبه (فردا) وارد قاهره شود تا قرارداد مربوط به تحویل سلاح‌های مدرن و پیشرفته امریکا به مصر را منعقد سازد. روزنامه الاهرام سپس می‌نویسد: «قرار است دولت امریکا هواپیمایی از نوع فانتوم، موشک‌های دفاعی هوایی، چند واحد نظامی دریایی و

همچنین وسایل پیشرفته الکترونیکی جنگی در اختیار مصر بگذارد. اولین خلبان‌های هواپیماهای فانتوم در اول اکتبر امسال از مصر برای دیدن دوره‌های تکمیلی و تخصصی این نوع هواپیماها بزودی به ایالات متحده خواهندرفت.[12]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۹

۱ ـ سند شماره ۱۱۴۶۱۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تلفنگرام شماره $\frac{۲/۶۵}{۵۸/۲/۲۹}$ استاندار خوزستان به وزیر کشور.
۲ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۳۰، ص ۳ و روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۳۰، ص ۹.
۳ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه‌اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی مجاهدین خلق ایران (۱) (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۳۵۸) ص‌ص ۱۵۱ ـ ۱۴۹.
۴ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۳۱، ص ۸.
۵ ـ مأخذ شماره ۳، ص ص ۱۵۳ ـ ۱۵۲ و کیهان ۱۳۵۸/۲/۳۱، ص ۸.
۶ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۷ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۸ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۲.
۹ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۸، یونایتدپرس اینترنشنال به نقل از خبرگزاری رسمی عراق.
۱۰ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۸، آسوشیتدپرس.
۱۱ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۸.
۱۲ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۳۰، ص ۸، خبرگزاری فرانسه.

روزشمار
یکشنبه
۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۸
۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹
۲۰ مه ۱۹۷۹

۱۴۸
امروز جلسه‌ای با حضور فرماندار خرمشهر، فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی، نمایندگان پاسداران اعزامی از تهران و نمایندگان جریان‌های مختلف شهر تشکیل‌شد تا بر آخرین مهلتی که برای تخلیه اماکن دولتی و خلع‌سلاح عمومی در خرمشهر، تعیین شده‌است، تأکید شود. طبق اعلامیه‌های فرمانداری و پس از صدها ساعت بحث و گفت‌وگو، قرار شده‌است که در روز دوشنبه ۵۸/۲/۳۱ (آخرین مهلت) کلیه ساختمان‌هایی که کمیته‌ها، شوراها، کانون‌ها و سازمان‌ها جهت فعالیت‌های سیاسی تصرف کرده‌اند به شهرداری تحویل شود و تا جمعه ۱۳۵۸/۳/۴ همهٔ گروه‌ها و مردم اسلحه غیرمجاز خود را به ارتش تحویل دهند.

در جلسه یادشده ـ که چهار ساعت طول کشید ـ محمدرضا علوی فرماندار خرمشهر گفت: عده‌ای نفاق‌افکن جهت پیشبرد اهداف پلید خود مسئله عرب و عجم را ساز کردند به خیال آن‌که از آشوب و درگیری مردم در این نقطه حساس همچون زمان طاغوت سود ببرند. من عناصر تفرقه‌افکن را شدیداً محکوم می‌کنم و یقین دارم این افراد دیر یا زود در محکمهٔ عدل اسلامی محاکمه و مجازات خواهند شد. فرماندار خرمشهر لزوم تخلیه ساختمان‌ها را یادآور شد و بر اجرای مفاد سه اعلامیه صادره از فرمانداری تأکید کرد و آن را به نفع همه دانست.

بعد از جلسهٔ مزبور، "سازمان سیاسی خلق عرب" اطلاعیه‌ای با مضمون رد مطالب یادشده منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده‌است: اصولاً در خوزستان هیچ‌گونه پادگانی متصرف نشده‌است و اسلحه ارتشی که در دست بعضی از افراد است از طرف خود ارتش در اختیار مردم قرار داده شده‌است و مابقی اسلحه که بیشتر کمری است توسط خود مردم خریداری شده‌است. چنانچه دستورالعمل دولت در سراسر کشور اجرا نشود، ما حاضر به تحویل سلاح نخواهیم بود. در مورد تخلیه اماکن، شدیداً مورد اعتراض ماست چون باز هم این دستورالعمل دولت، اول باید در مرکز اجرا شود. ما دستورالعمل‌ها و اعلامیه‌های دولتی را که سایر کانون‌ها و کمیته‌ها حاضر به اجرای مواد آن نشده‌اند، نمی‌پذیریم. در پایان اطلاعیه سازمان سیاسی خلق عرب، از کلیه گروه‌های

خلق مسلمان عرب دعوت شده‌است که روز دوشنبه ۵۸/۲/۳۱ در محل سازمان سیاسی حضور یابند.

علی‌رغم مواضع فوق، مسؤلان شهر مصمم به اجرای مواد یادشده هستند. در همین چارچوب، شب هنگام فرماندار خرمشهر در پاسخ به سؤال خبرنگار کیهان تأکید کرد: پاسداران انقلاب، گروه‌های ضربتی افراد ورزیده ارتش از کلیه نقاط شهر و مراکز حساس و منطقه در تمام مدت ۲۴ ساعت پاسداری می‌دهند. نفاق‌افکنی و لجبازی به نفع کسی نخواهد بود.(۱) استاندار خوزستان نیز در این‌باره گفت: نیروهای دولتی دستور دارند هر کسی را که از تحویل سلاح خودداری کند، بازداشت کنند. وی افزود: کسانی که از تحویل سلاح‌های خود، خودداری کنند می‌باید مجازات شوند. دریادار مدنی اضافه کرد: ما علیه امپریالیسم مبارزه می‌کنیم و واکنش امپریالیسم امری طبیعی است. وی گفت: خوزستان برای از سر گرفتن برنامه عمرانی خود به امنیت نیاز دارد.(۲)

۱۴۹
به گزارش مطبوعات، درحالی که اعتصاب کارگران شرکت "ایران ترمینال" خرمشهر و تعطیلی کار بندر وارد پانزدهمین روز خود شده‌است، دکتر "مدنی" استاندار خوزستان در گفت‌وگویی با نمایندگان کارگران حقانیت آنان را در مورد خواسته‌هایشان مسلم دانست و قرار شد یکی از معاونان استانداری جهت رفع مشکلات کارگران به تهران اعزام گردد. از طرفی قرارداد شرکت ایران ترمینال خرمشهر ـ که پیمانکار بخش‌خصوصی اداره بندر خرمشهر می‌باشد ـ در تاریخ اول خرداد امسال به اتمام می‌رسد. به نوشته کیهان، خواسته کارگران ابتدا این است که زیر پوشش اداره بندر قرار گیرند تا به سرنوشت ۱۸۰۰ نفر و خانواده آنان لطمه وارد نگردد. درحال حاضر به علت اعتصاب این کارگران صدها دستگاه کامیون به مدت ۲۰ روز است در خرمشهر به انتظار بارگیری ایستاده‌اند و کالا از بندر خارج نمی‌شود.(۳)

۱۵۰
در گزارشی که امروز نماینده دفتر هماهنگی سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی در اهواز برای این دفتر ارسال کرده‌است، ضمن بررسی سه عامل مؤثر در وضعیت کنونی خرمشهر، نوع رابطه‌بین جریان‌های قومی و شیخ شبیرخاقانی و اهداف آنها از به راه‌اندازی جریان قومی عرب در منطقه، مورد بررسی قرار گرفته و راه‌حل‌هایی برای جلوگیری از بحرانی‌تر شدن اوضاع شهر پیشنهاد شده‌است. در گزارش آمده‌است: عوامل مؤثر در خرمشهر به ترتیب ذیل هستند:

الف ـ "شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی": این فرد از نظر علمی از علمای دیگر خرمشهر بالاتر است، ولی آدمی است که به دلیل این که خود را بالاتر از همه علمای قم و نجف می‌داند از جمله امام خمینی، لذا رهبری جنبش را شایسته خود می‌داند و نیز نسبت به امام‌خمینی حسادت دارد. نکته مهم آن است که گرفتار قدرت‌طلبی و رهبری‌طلبی شده‌است و به یک امتیاز یا یک حدی از قدرت ارضا نمی‌شود و هر امتیازی حکم پله‌ای برای دسترسی به امتیاز دیگر

دارد، از این نظر دادن هر امتیاز به وی اشتباه محض است.

شیخ خود را مخالف تجزیه‌طلبی می‌داند و در برخورد چنان از این موضع خود سخن می‌گوید که آدم باور می‌کند که واقعاً در برابر تجزیه‌طلبی ایستادگی کرده‌است، در صورتی که با حرف زدن خود با تجزیه‌طلبان مسئله تجزیه‌طلبی را به حق‌طلبی آنان تبدیل کرده؛ یعنی اگر این افراد تجزیه را عنوان می‌کردند توسط خود مردم سرکوب می‌شدند. ولی الآن در لباس حق‌طلبی، مردم به ویژه عشایر را تحت نفوذ مذهبی شیخ، به دنبال خود می‌کشانند؛ به عبارت دیگر شیخ آلت دست تجزیه‌طلبان شده‌است.

شیخ در مردم شهر خرمشهر چه عرب و چه عجم نفوذ زیادی ندارد تنها نفوذ وی در عشایر خرمشهر ـ نه خوزستان ـ [است] که این نفوذ هنوز فعال نیست ولی واقعه ۵۸/۲/۲۳ [حمله به کانون نظامی ـ فرهنگی جوانان مسلمان خرمشهر] مخالفت اکثر مردم خرمشهر اعم از عرب و عجم را برانگیخته، همچنان که در تحصن فرمانداری و اعتصاب محصلین مدارس و اجتماعات مساجد کاملاً بارز و آشکار است و موقعیت اجتماعی نامبرده به نحو چشم‌گیری تضعیف شده‌است.

ب ـ یکی دیگر از عواملی که باعث به وجود آمدن وضعیت جدید خرمشهر شده، سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان یا "منظمة السیاسیة الشعب العرب الخوزستان" است که اخیراً به سازمان سیاسی خلق عرب مسلمان خوزستان مبدل شده‌است. این سازمان از تیپ‌های مختلفی ساخته شده که عبارتند از: ۱ ـ شیوخ عشایر عرب؛ ۲ ـ تجزیه‌طلبان؛ ۳ ـ لات‌ها (لومپن‌ها)؛ ۴ ـ کمونیست‌ها (که ضعیف هستند).

شیوخ عرب ـ که رهبران عشایر هستند ـ عمدتاً ساواکی بوده و در خدمت رژیم طاغوتی بودند. یکی از آنها "مکی فیصلی" چند دوره [پیش از انقلاب] به اصطلاح نماینده خرمشهر در مجلس شورا و رهبر چماق به دستان خرمشهر بوده‌است. اینان ـ که رهبران ۴ یا ۵ عشیره بیشتر نیستند ـ برای گریز از مجازات و نیز حفظ منافع و موقعیت اعطایی در زمان طاغوت و به دست‌آوردن امتیازات جدید، دست به تشکیل این سازمان زده‌اند. همکاران اصلی آنان تجزیه‌طلبان هستند که اغلب آنها از خارج به ویژه عراق، سوریه و لبنان آمده‌اند. این گروه قصد دارد از طریق گرفتن خودمختاری در نتیجه تضعیف دولت در این منطقه و نیز زنده کردن احساسات قومی عربی، مقدمات تجزیه را در آینده فراهم کنند. این دسته اخیر ـ که بعضی نیز هستند ـ علی‌رغم تضادشان با شیوخ عرب، در رابطه با هدف مرحله‌ای خود با آنها به وحدت رسیده‌اند. چون بیشتر امکانات مردمی و مالی و اعتباری آنها از آن شیوخ است در نتیجه فعلاً رهبری در دست آنهاست. درکنار این دو دسته، عده‌ای لات و چاقوکش و لومپن به طور ثابت در سازمان سیاسی هستند که بی‌شعور و کور و متعصب به عربیت و وحشی هستند که پاسداری و کارهای عملی و اجرایی بر عهدهٔ آنهاست. سازمان سیاسی در مردم عرب شهری به دلیل این ساختش نفوذی ندارد و مردم به آنها خوشبین نیستند و تکیه آنها بر عشایر است که البته از

پشتیبانی امیدوار کننده‌ای برای خود آنها، برخوردار نیستند و اگر دولت به فوریت به وضع عشایر رسیدگی نکند، سازمان سیاسی با زنده‌کردن حس قومیت و سپس بدبینی به دولت ـ با توجه به فقر آنها ـ و با کمک شیخ‌محمدطاهر در آنها نفوذ می‌کنند و هرگونه امتیازی که به سازمان سیاسی داده شود، باعث تثبیت هرچه بیشتر آنها میان عشایر عرب است.

ج ـ یکی دیگر از عوامل، "المرکز الثقافی العربی" یا کانون فرهنگی عرب است که مرکزیت آن را مارکسیست‌ها تشکیل داده‌اند و گفته می‌شود که سه تن بعثی وارد مرکزیت آن شده‌اند. این مرکز پایگاه توده‌ای ندارد و اتفاقاً مارکسیست بودن، نقطه ضعف آن در میان مردم است، حتی دانش‌آموزان عرب را نیز نتوانسته جذب کند با این که یک مرکز به اصطلاح روشنفکری است. نقطه ضعف دیگر آن، توافق با سازمان سیاسی است که از شیوخ عرب (ساواکی و اشراف) است. اهداف اصلی این مرکز، تضعیف دولت در منطقه، نفوذ در مردم و تبلیغ مارکسیسم است و تکیه بر فرهنگ عرب و زنده‌کردن این حس قومی و پشتیبانی از خودمختاری، همه در جهت اهداف اصلی آنهاست.

این دو گروه (سازمان سیاسی و کانون فرهنگی خلق عرب) در جهت اهداف مرحله‌ای خود، شیخ را چماق و سنگری قرار داده‌اند و شیخ هم در جهت ارضای حس قدرت‌طلبی خود با آنها کنار آمده‌است. نکته مهم آن است که برخلاف ظاهر، رهبر این گروه‌ها شیخ محمدطاهر نیست و قادر به کنترل آنها نمی‌باشد. یک بار هنگامی که از عملکردهای سیاسی المرکزالثقافی‌العربی به شیخ شکایت بردیم، شیخ گفت: "لا رأی لمن لا یطاع" (کسی که اطاعت نمی‌شود چه سیاست و فرمانی دارد). اطاعت ظاهری این مراکز از شیخ به خاطر اهداف مرحله‌ای‌شان است.

یکی دیگر از مسائل مهم، مسئله باز بودن مرزها تحت پاسداری از مرزها توسط عشایر است [یعنی همین گروههای ضدانقلاب به اسم عشایر عرب پاسداری از مرزهای منطقه را به عهده گرفته‌اند تا برای کارهای ضدانقلابی‌شان باز باشد.] و این به معنی سیل ورود اسلحه، قاچاق و وسایل دیگر است و نیز روابط باز رفت و آمد مردم و نیروهای انسانی به ویژه نیروهایی در رابطه با مسائل سیاسی منطقه است. البته چون مسائل منطقه برای دولت عراق نیز حائز اهمیت و مطلوب است، از این نظر کنترل مرزها اهمیت اساسی دارد. اخیراً در مورد آموزش نظامی افراد سازمان سیاسی اخباری به گوش رسیده‌است.

بالاخره باید توجه نمود که آنچه در خرمشهر می‌گذرد مربوط به خلق عرب نیست بلکه مربوط به توطئه‌گری دو مرکز سازمان سیاسی و کانون فرهنگی خلق عرب با همکاری شیخ است در جهت منافع خود.

پیشنهادات:

۱ ـ گرفتن مرزها از دست عشایر و جایگزین کردن ارتش در مرزها.

۲ ـ خلع‌سلاح عمومی و انحلال و تعطیل کردن کلیه مراکز سیاسی ـ نظامی‌ـ فرهنگی موجود در خرمشهر. دولت باید آنچه را که در خرمشهر اتفاق افتاده بهانه قرار دهد و روی این

موضوع پافشاری کند.

۳ - رسیدگی فوری در جهت پیاده‌کردن طرح‌های رفاهی سریع و کوتاه‌مدت و دراز مدت در روستاها و عشایر.

۴ - قدرت‌نمایی دولت از طریق دستگیری عده‌ای از مفسدین فی‌الارض عرب و عجم خرمشهر که چهره‌های شناخته‌شده‌ای هستند و نیز در جهت تضعیف شیخ.

۵ - منزوی ساختن شیخ از کلیه جناح‌ها به ویژهٔ جناح‌های سیاسی غیراسلامی و به ویژه از طریق آوردن شیخ به قم.

۶ - از هرگونه بزرگ‌سازی شیخ در افکار عمومی و نیز در ذهن خود شیخ جلوگیری شود.

۷ - جلوگیری از طرح خواسته‌های خلق عرب از دهان افراد غیرصالح و اشتباه نگرفتن خلق عرب با اقلیت فرصت‌طلب.»

در ادامه گزارش، درباره "کانون فرهنگی و نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر" نیز مطالب و اطلاعاتی نوشته شده‌است، از جمله:

«این کانون توسط گروهی از جوانان عرب و عجم خرمشهر که دارای سابقه مبارزاتی ضدطاغوتی هستند تشکیل شده‌است و حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد افراد کانون را جوانان عرب تشکیل می‌دهند. کانون در چهار بعد فعالیت می‌کند:

۱ - سیاسی: کانون در جهت روشنگری مردم و تضعیف پایگاه‌های عناصر ضدانقلاب و فرصت‌طلب برنامه‌هایی نظیر سخنرانی‌ها یا دادن اعلامیه، راهپیمایی در تأیید رهبری امام و تقویت دولت موقت و اخیراً پشتیبانی از "تیمسار مدنی" و "امامزاده" رئیس آموزش و پرورش خرمشهر ترتیب داده‌است. اعلامیه‌های خود را به زبان عربی و فارسی و شعارهای خود را نیز به زبان فارسی و عربی منتشر نموده‌است.

در این اواخر کانون بخش عربی به نام "المرکز الثقافی العسکری للنوار المسلمین" که همان ترجمه (کانون فرهنگی ...) است را تشکیل داد که از برنامه‌های آن تهیه یک برنامه تآتر به زبان عربی و نیز ترجمه متن اسلاید سیر انقلاب‌اسلامی ایران به زبان عربی بود؛ کاری مؤثر که حتی مراکز عربی نظیر سازمان سیاسی "المرکز الثقافی العربی" چنین اقدامی نکرده بودند.

۲ - ایدئولوژیک: تکیه اصولی کانون بر ایدئولوژی اسلامی است، از این رو در کلیه برنامه‌های آن، تکیه بر محتوای اسلام است و کوچک‌ترین گرایش قومی مبتنی‌بر عربی یا عجمی و یا دال بر تحقیر یا تعظیم هیچ کدم در میان نیست.

۳ - برنامه اقتصادی: کانون در جهت ایجاد گرایش و خوش‌بینی نسبت به دولت موقت انقلاب‌اسلامی در نتیجه تضعیف پایگاه‌های ضدانقلاب - که طبعاً می‌کوشند بدبختی فقر مردم را نیز انگیزه گرایش به ضدانقلاب و گرایشات ضددولتی قرار دهند - اقداماتی را انجام داده‌است؛ از جمله مسئولیت اجرایی، دادن وام بیکاری در منطقه را عهده‌دار شده‌است و نیز اخیراً با تهیه لیستی از مستضعفین و تهیه پول برای این کار از طریق باز کردن یک شماره حساب و تماس با

روحانیون و بازاریان و تجار مؤمن و توانا و بالاخره تماس فعال با دولت انقلاب، اقداماتی در این مورد کرده‌است.

۴ - برنامه نظامی: کانون فرهنگی- نظامی با توجه و آگاهی از توطئه‌های ضدانقلاب به ویژه در مناطق مرزی و با توجه به وضعیت روانی ارتش، وظیفه خود دانست که برای دفاع از میهن انقلاب‌اسلامی آمادگی‌های نظامی را کسب کند و در همین رابطه هم با دولت و هم در رابطه با سپاه‌پاسداران بوده‌اند (اگرچه در این رابطه مستقیماً امکاناتی در اختیار کانون ننهاده بود). کانون براساس مسئولیت اسلامی خود امکاناتی تهیه و آموزش‌هایی به اعضا خود داده‌است.

در مجموع، کانون به عنوان پایگاهی براساس اعتقادات اسلامی، بزرگترین مانع رشد و توسعه‌طلبی و توطئه‌گری ضدانقلاب در منطقه خرمشهر بوده و دشمنی ضدانقلاب با آن، نشانه آن است که وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهد. کانون در این راه توانسته‌است پشتیبانی مردم مسلمان خرمشهر اعم از عرب و عجم و نیز دانش‌آموزان دبیرستان و دانشجویان دانشکده خلیج‌فارس خرمشهر را در جهت اهداف خدایی خود جلب نماید.»(۴)

۱۵۱

شیخ‌عزالدین حسینی امام‌جمعه مهاباد در سر راه خود از تهران به مهاباد وارد سنندج شد و برای مردم سخنرانی کرد. وی گفت: «اساس دین در نظر ما محکم است و در مقابل هیچ قدرتی دین را از دست نمی‌دهیم اما چون خودمختاری نداریم، آن را طلب می‌کنیم.» پس از سخنان عزالدین حسینی اجتماع حاضر به صورت راهپیمایی و دادن شعار به نفع وی درآمد. درپی این راهپیمایی، گروه انبوهی از طرف‌داران "علامه مفتی‌زاده" که شاهد راهپیمایی بودند به عنوان اعتراض با برافراشتن پرچم سبز لااله‌الاالله دست به راهپیمایی زدند و شعارهایی به نفع اسلام و مفتی‌زاده و نیز شعار مرگ بر کمونیزم سردادند. طرف‌داران مفتی‌زاده درحالی که همچنان شعار می‌دادند خواستار خروج شیخ‌عزالدین حسینی از سنندج شدند و صدای شلیک چند گلوله نیز شنیده شد. درحالی که هر لحظه امکان برخورد دو گروه وجود داشت، فؤاد روحانی یکی از اعضای شورای یازده نفری شهر سنندج به میان مردم رفت و با سخنان خود طرف‌داران مفتی‌زاده را به آرامش دعوت کرد. درپی سخنان عضو شورای یازده نفری، طرف‌داران مفتی‌زاده و عزالدین حسینی به اجتماع خود پایان دادند. عزالدین حسینی پس از خروج از سنندج وارد سقز شد و در استادیوم ورزشی این شهر در اجتماع مردم گفت: «اگر وعده‌ها عملی شود ما به حق خودمختاری خود خواهیم رسید ... برای رسیدن به خودمختاری باید متحد باشیم و از اختلافات و بدگویی پرهیز کنیم.»(۵)

گزارش کیهان در این باره حاکی است که عزالدین حسینی از طرف مردم سقز و بانه و حومه - که بیش از ۵۰ هزار نفر برآورد شده‌اند - مورد استقبال باشکوه قرار گرفت. استقبالگران تا چهار کیلومتری مسیر ورود عزالدین حسینی را با گل‌های رنگارنگ و فرش تزیین کرده بودند. عزالدین حسینی در استادیوم شهر سقز در مورد تعیین حق سرنوشت توسط کردها سخنانی ایراد کرد و از

تصور به کار احتیاج دارند.[۱۹]

دکتر "عالی" استاندار لرستان نیز با اشاره به مشکلات استان خود، گفت: در لرستان اکثراً اسلحه دست مردم است و به چند مسئله باید توجه شود که عبارتند از: مسئله بازرسی، مسئله ارتباطی، مسئله کمبود هلی‌کوپتر و نفربرهای ارتشی. وی در ادامه سخنانش گفت: باید به نفرات تعلیمات دینی و ایمانی آموخت چه به وسیله روحانیون و چه کسان دیگری که صلاحیت داشته باشند؛ این کار روحیه پرسنل را تقویت می‌کند. وی گفت: با افزایش بیمارستان‌ها برای مبارزه با اعتیاد کاری از پیش نمی‌رود؛ برای جلوگیری از این بلای خانمان‌سوز باید از آیات‌عظام یاری جست و مصرف مواد مخدر باید تحریم شود، این تحریم به عنوان وظیفه شرعی باید مورد توجه قرارگیرد؛ دیگری تدریس مضرات آن به طور کلاسیک به وسیله آموزش و پرورش؛ سوم مبارزه با قاچاق [که منظورش هروئین بود] از طرف مأمورین انتظامی. وی افزود: در سال‌های آینده باید کشت مواد مخدر بشدت محدود گردد.[۲۰]

سومین روز برنامه کار کنفرانس استانداران سراسر کشور، در خصوص موضوعات محوری خلع سلاح عمومی و مسائل مربوط به پاکسازی ادارات، در صبح روز ۲۷ اردیبهشت ادامه یافت. در ارتباط با موضوع خلع سلاح عمومی که در جلسه محرمانه مورد بحث قرارگرفت، مهندس احمد مدرسی‌زاده استاندار بوشهر به خبرنگار اطلاعات گفت: در اولین فرصت ممکن طرح خلع سلاح را در استان بوشهر به مورد اجرا می‌گذاریم و افراد غیرمسئول در اولین فرصت خلع سلاح می‌شوند.[۲۱]

چهارمین روز کنفرانس استانداران کشور در صبح و بعدازظهر روز ۵۸/۲/۲۸ برگزار شد. در نشست صبح که با حضور "معین‌فر" وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه‌وبودجه انجام شد، مشکلات مناطق مختلف کشور مورد بررسی قرارگرفت و هر یک از استانداران به تشریح نیازها و برنامه‌های خود پرداختند و برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود درخواست‌هایی را اعلام نمودند که سرپرست سازمان برنامه‌وبودجه پاسخ‌های لازم را به آنها داد. در نشست بعدازظهر، مسائل مربوط به سازمان زنان و اهداف و روش‌های آن و مسئله پیشاهنگی و نحوه سازمان‌دهی آن در استان‌ها بررسی شد.[۲۲]

پنجمین و آخرین روز کنفرانس سراسری استانداران کشور صبح روز ۵۸/۲/۲۹ برگزار شد. در این نشست، استانداران پس از پنج روز بحث و گفت‌وگو با صدور قطع‌نامه‌ای نظریات خود را در خصوص مسائلی از قبیل بیکاری، کشاورزی، صنایع و معادن، مسکن و شهرسازی، عمرانی، پلیس و ژاندارمری، مواد مخدر، شهرداری‌ها، کمیته‌های انقلاب، خلع سلاح عمومی و پاکسازی، به دولت توصیه کردند. در مورد خلع سلاح ضمن تأکید بر لزوم تشکیل و تقویت سپاه‌پاسداران انقلاب و ایجاد کادرهای ثابت و افتخاری برای سپاه مزبور، اعلام شد که چنانچه در استانی خلع سلاح عناصر بی‌صلاحیت ضروری تشخیص داده شود، به دعوت و تحت نظر استاندار یا فرماندار محل کمیسیونی تشکیل و نسبت به خلع سلاح فرد یا افراد مورد نظر اتخاذ

تصمیم گردد. درباره کمیته‌های انقلاب نیز خواسته شد: نسبت به تعیین حدود اختیارات کمیته‌های انقلاب‌اسلامی تا زمان انحلال آنها اقدام گردد.[۲۳]

منابع و مآخذ روز شمار ۱۳۵۸/۲/۳۰

۱ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۳۱، ص۲.
۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۷، خبرگزاری یونایتدپرس.
۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص۶.
۴ ـ سند شماره ۹۰۳۰۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش مأمور دفتر هماهنگی مناطق سپاه به مرکز.
۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱، ص۳.
۶ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳، ص۲.
۷ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۳۰، ص۷.
۸ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص۱۱.
۹ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱، ص۸، روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۳۱، ص۱.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۱، ص‌ص ۱ تا ۸.
۱۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۳۰، ص۱.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۱۴ ـ دانشجویان‌پیروخط‌امام، اسناد لانه‌جاسوسی امریکا، جلد۶۳ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۹۸-۹۶.
۱۵ ـ دانشجویان‌پیروخط‌امام، اسناد لانه‌جاسوسی امریکا، جلد۱۸ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۹۸-۹۷.
۱۶ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۵، ص۲.
۱۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۶، ص۲.
۱۸ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۲۷، ص۲.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۱۷، ص۲.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۱۸، ص۲.
۲۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۷، ص۲.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۱۱، ص۳.
۲۳ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱، ص۴.

روزشمار

دوشنبه

۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۲۱ مه ۱۹۷۹

۱۶۰
در حالی که سازمان سیاسی خلق عرب با دعوت به تحصن اعضای خود در ساختمان‌های تحت تصرف، عملاً فرا رسیدن مهلت داده شده برای تخلیه ساختمان‌ها را نادیده گرفته‌است، جلسات طولانی مسئولان دولتی خرمشهر و نمایندگان سازمان‌های خلق عرب جهت یافتن راه‌حلی برای بحران این شهر در تمام روز و شب ۵۸/۲/۳۱ ادامه یافت. به نوشته روزنامه بامداد، ساعت ۹ صبح روز سی‌ویکم اردیبهشت جلسه‌ای با حضور فرماندار خرمشهر، ناخدا خوشنام، بازپرس ویژه استاندار و نمایندگان سازمان‌های موسوم به خلق عرب تشکیل گردید. در این جلسه دو طرف با مذاکرات طولانی خود سعی در پیداکردن راه‌حل‌هایی دارند.[1] روزنامه کیهان نیز در این باره نوشت: از صبح جلسات متعددی با گروه‌های مختلف در محل فرمانداری خرمشهر با حضور فرماندار، مقامات امنیتی و طبقات مختلف مردم تشکیل گردید که تا ساعت ۳ بعداز نیمه‌شب ادامه یافت، اما این جلسات عملاً نتیجه‌ای به بار نیاورد.[2]

۱۶۱
"شیخ‌محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی" از قم خطاب به مردم خوزستان پیامی ارسال کرد. متن پیام وی به این شرح است: «بسمه‌تعالی. مردم مبارز خوزستان، بیش از دو روز از ورودم به قم نمی‌گذرد که با کمال تأسف اخبار واصله حاکی از ناآرامی‌هاست. اکنون که برای یک سلسله مذاکرات سرنوشت‌ساز به دعوت رهبر انقلاب و مراجع تقلید به قم آمده‌ام، شما آرامش کامل خود را حفظ نمایید. برای رسیدگی به مشکلات و مسائل جاری، برادرم حضرت "حجت‌الاسلام حاج‌شیخ عیسی خاقانی" و حضرت "حجت‌الاسلام آقای سیدابوالقاسم دیباجی" از حوزه علمیه قم به خوزستان وارد شده تا از نزدیک با شما مذاکره نموده و مسائل مورد بررسی قرار گیرد.»[3]

به گزارش کیهان، دو نفر مذکور امروز وارد خوزستان شدند.[4]

۱۶۲
درباره امتناع سازمان‌های سیاسی خلق عرب در واگذاری اماکن دولتی و تحصن اعضا و هواداران

آنان در این اماکن، خبرگزاری‌ها و رادیوهای خارجی با بزرگ‌نمایی خاصی به این قضیه پرداختند. "آسوشیتدپرس" در این باره خبر داد: صدها تن از افراد مسلح اقلیت عرب‌زبان ایرانی در ادارات خود متحصن شده و خواستار خودمختاری گردیدند. این خبرگزاری مصاحبه‌ای را مخابره کرد که با "شاکر شکوری" به عنوان "رهبر مجاهدین خرمشهر" انجام شده‌بود. وی در این مصاحبه گفت: «ما ایران را دوست داریم لکن چرا برادران نسبت به ما توجه کافی ندارند.» شکوری همچنین خواستار تعیین فرماندار محلی و انعکاس بیشتر اخبار خلق عرب از رادیو تلویزیون شد.[5]

۱۶۳
نشریه "پیکار" ارگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ـ که از افراطی‌ترین گروه‌های چپ غیرمذهبی ضدنظام محسوب می‌شود ـ اقدام به درج مصاحبه‌ای از عزالدین حسینی کرد که در آن به هیچ‌وجه از شأن مذهبی عزالدین اثری مشهود نیست و دقیقاً در چارچوب خواست‌های گروه‌هایی چون پیکار سخن گفته شده‌است. به نوشته پیکار، عزالدین حسینی گفت: «خلق کرد خواستار حق مشروع خود، خودمختاری برای کردستان و دمکراسی برای ایران می‌باشد. ما حقوق خلق‌های ایران را محترم می‌شماریم و از حقوق خلق‌های آذربایجان، عرب، بلوچ و سایر خلق‌های ایران پشتیبانی می‌نماییم و با همه دست به دست هم می‌دهیم تا به حقوق خود برسیم.» عزالدین حسینی به جمعیت کردهای مرکز توصیه کرد که بیشتر با هم متحد شوند و نگذارند که عوامل ارتجاع در میان آنها به نام اسلام و غیراسلام دودستگی ایجاد کنند، چون این دو دستگی به زیان خلق کرد و خلق‌های ایران خواهدبود. باید تحت عنوان کرد و کردستان همه با هم متحد شوند. وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «ما وقتی به سانسور مطبوعات و رادیو تلویزیون می‌نگریم به یاد رژیم سابق خواهیم افتاد. ما سانسور مطبوعات و رادیو تلویزیون را محکوم می‌کنیم و از آزادی مطبوعات و قلم و بیان دفاع می‌کنیم.»[6]

۱۶۴
به گزارش مطبوعات، "عثمان کریمی" یکی از دبیران آموزش و پرورش بانه که به همراه استاندار آذربایجان‌غربی و هیئت حسن‌نیت در آشوب اخیر نقده عازم "محمدیار" بود، به دست عده‌ای ناشناس به درجه شهادت رسید. قاتلان مرحوم کریمی پس از شلیک ۲۰ گلوله، جسد او را به رودخانه "گادر" انداختند که پس از ۲۵ روز جست‌وجو توسط مردم و در حالی که طنابی به گردن جسد کریمی آویخته شده‌بود، پیدا شد. مردم بانه پس از شنیدن این خبر، ضمن ابراز تنفر، مصرّانه از دولت خواستار شناسایی و محاکمه عاملان قتل شهید کریمی شدند.[7]

۱۶۵
بیش از پنج هزار نفر از خانواده‌های آوارگان ترک نقده که در اثر حوادث اخیر این شهر خانه و کاشانه خود را از دست داده و در میدان ورزشی نقده استقرار یافته‌اند، با ارسال تلگرامی به پیشگاه رهبر انقلاب، نخست‌وزیر و استاندار آذربایجان غربی و ارسال رونوشت آن برای روزنامه‌های کیهان و اطلاعات، خواستار اعزام یک گروه جهت بررسی اوضاع خویش که در

هدف ما این است که میانه‌روهای طرف‌دار امریکا را از حوزه‌های دینی، غیردینی سیاسی و نظامی گرد هم آوریم و در این کار احتمالاً از ر/۴ به عنوان وسیله اقدام و کاتالیزور اصلی استفاده شود. باید درباره کانال مخفی با بخش شریعتمداری بیشتر تحقیق شود، اما ر/۴ حاضر به رفتن است و اگر ر/۴ بتواند خودش نوعی پیمان با شریعتمداری برقرار کند ممکن است نیاز به ایجاد چنین کانالی را منتفی سازد (ما می‌توانیم در صورتی که بخواهیم از طریق ر/۴ به شریعتمداری پول برسانیم).»[۱۷]

۱۷۰
مؤسسه بین‌المللی تحقیقات استراتژیک لندن در گزارشی که اخیراً در لندن انتشار یافته‌است، اعلام کرد: «اگر ایالات متحده به جای معاشقه با شاه ایران به وی اندرزی ساده و عاری از ریا می‌داد می‌توانست تاج و تختش را نجات دهد. در گزارش مؤسسه تحقیقات استراتژیک آمده‌است: هنگامی که فساد در ایران رواج فراوان داشت، فشار و اختناق سیاسی دو برابر شد و ناهنجارترین نمونه‌های مادی‌گرایی در یک خلأ فرهنگی و معنوی بارور شد. به دلیل اختلال سنن و آداب و رسوم که به خود حاصل به سرعت مدرنیزه شدن بود و نیز به دلیل توزیع ناعادلانه ثروت و فقدان هر نوع وسیله ابراز عقیده سیاسی، فضای عدم رضایت به وجود آمد. این گزارش در ادامه می‌نویسد که حتی این جریانات نیرومند در عدم رضایت و مخالفت با شاه، مؤثر بود ولی عامل اصلی نبود. دو عامل اصلی در سرنگون کردن شاه مؤثر بود: یکی از این دو عامل نقشی است که به وسیله روحانیون مذهبی و بالاتر از همه [آیت‌الله] خمینی ایفا شد و عامل دوم قدرت ۶۷ هزار کارگر صنایع نفت بود که با قطع تولید نفت سبب فلج کردن قدرت دولت وقت گردید.» مؤسسه تحقیقات استراتژیک بر این عقیده است که نیروهای مختلف در درون ایران که در سال ۱۹۷۸ میلادی یا ۱۳۵۷ هجری با یکدیگر ائتلاف کردند، به غیر از مخالفت با شاه شاید تنها در یک مورد دیگر با یکدیگر متحد شدند و آن کوتاه کردن دست خارجی بوده‌است.[۱۸]

۱۷۱
سخن‌گوی وزارت امورخارجه امریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی که گزیده‌ای از آن در ۲۱ مه ۱۹۷۹ برای سفارت آن کشور در تهران ارسال شده‌است در جواب به سؤال یکی از خبرنگاران گفت: «از زمان انقلاب ایران، ما همواره خواستار و در جست‌وجوی روابط خوبی با دولت جدید بوده‌ایم؛ ما این تلاش‌ها را تا هر جایی که دولت جدید بخواهد، ادامه خواهیم داد. در روابط گذشته ما با ایران مسائلی وجود داشته که اکنون امکان برقراری روابط مجدد را مشکل می‌سازد؛ ما این را درک می‌کنیم و عقیده داریم که باید گذشته‌ها را پشت سر گذاشت. دوستی اساسی و ابتدایی بین مردم ایران و امریکا بسیار دشوار است. ما در منافع مهم زیادی با هم مشترک هستیم و ما از آرمان‌های آزادی‌خواهی، عدالت و تشکیلات دمکراتیک انقلاب برای مردم ایران پشتیبانی می‌کنیم. دست‌یابی به این اهداف، آسان نخواهد بود، کشور هنوز ناآرام است. ما

آرزوهای خوبی برای دولت جدید در تلاش‌هایش در جهت بهتر شدن زندگی مردم ایران داریم.»[۱۹]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۳۱

۱ ـ روزنامه بامداد ۱۳۵۸/۳/۱، ص ۳.
۲ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۱، ص ۲.
۳ ـ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نشریه "تاریخ جنگ"، شماره ۳، بهار ۱۳۷۱، ص ص ۲۷ ـ ۲۶.
۴ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۲.
۵ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۶۰، ۱۳۵۸/۳/۲، ص ۵، خرمشهر، خبرگزاری آسوشیتدپرس.
۶ ـ نشریه "پیکار" ارگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، ۱۳۵۸/۲/۳۱، ص ۵.
۷ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۳۱، ص ۷.
۸ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۲.
۹ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۳۱، ص ۲ و ۱۲ و مأخذ شماره ۲، ص ۸.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۱.
۱۱ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۵۹، ۱۳۵۸/۳/۱، ص ۵، واشنگتن، رویتر.
۱۲ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱، ص ۱۲، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۸، رادیو آمریکا.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۱، واشنگتن، خبرگزاری یونایتدپرس.
۱۵ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۵۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص ۱۴.
۱۶ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۵۶ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص ۸۰.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۱۵، ص ص ۵۶ ـ ۵۴.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۸، رادیو لندن.
۱۹ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۵ (تهران، نشر لانه، بی‌تا) ص ۴۰.

روزشمار

سه شنبه

۱ خرداد ۱۳۵۸

۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۲۲ مه ۱۹۷۹

۱۷۲
امروز تحصن در کانون فرهنگی و سازمان سیاسی خلق عرب وارد دومین روز خود شد. سازمان سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی عرب و سازمان مجاهدین خلق عرب با انتشار اعلامیه‌ای اعلام کردند که ساختمان‌ها را تحت هیچ شرایطی تخلیه نخواهند کرد و زمانی شرایط خلع‌سلاح را خواهند پذیرفت که در تمام ایران خلع‌سلاح عمومی انجام گیرد.[1] در اطلاعیه دیگر سازمان سیاسی خلق عرب ضمن محکوم کردن تحصن اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی جوانان مسلمان در فرمانداری خرمشهر، آمده‌است: «سازمان سیاسی خلق عرب اعلام می‌کند باعث تعجب است که این عناصر در این موقعیت حساس دست از تحریکات برنداشته و اقدام به تحریک مردم و تجمع کردن آنان در فرمانداری می‌کنند و به‌طور بی‌شرمانه‌ای نسبت به مرجع (آیت‌الله شبیرخاقانی) توهین می‌کنند ... ما اعلام می‌کنیم کمیته‌ای در خرمشهر وجود ندارد و سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان یک سازمان سیاسیِ قانونی است و هیچ مرجعی در هر لباسی و هر مقامی نمی‌تواند و قادر به منحل کردن آن نیست.» در پایان اعلامیه سازمان سیاسی خلق عرب این عبارت به چشم می‌خورد: «درود بر رهبر و مرجع بزرگ مذهبی و سیاسی خلق عرب خوزستان آیت‌الله شیخ‌محمدطاهر.»[2] در این حال، مدنی استاندار خوزستان در مصاحبه‌ای اختصاصی با روزنامه آیندگان هشدار داد: «هر نیرویی را که ضدانقلابی بود در هم می‌شکنیم و هیچ حوصله تلاش‌های ضدانقلابی را نخواهیم داشت.» وی در مورد خلع‌سلاح گفت: «خلع‌سلاح را ما در خوزستان به این صورت عمل می‌کنیم که سلاح را از دست آدم‌های متعهد و غیر مسئول در بیاوریم و آن را فقط در اختیار کسانی که پاسداران انقلاب‌اسلامی هستند و مؤمن به انقلاب‌اسلامی می‌گذاریم.»[3] مدنی در مورد انگیزه‌های تحرکات خرمشهر گفت: «انگیزه حوادث اخیر خوزستان مسئله عجم و عرب نیست. استعمار و امپریالیسم که ضربه سختی بر پیکر آن وارد شده‌است هر روز توطئه جدیدی را طرح می‌کند. در استان خوزستان مسئله عرب و عجم را مطرح کرده‌اند و اسلحه مجانی به‌طور قاچاق وارد و در مرز رایگان در اختیار مردم قرار

می‌گیرد.» وی افزود: «لذا به منظور برقراری آرامش در خرمشهر، حدود یک صد نفر از افراد نیروی‌دریایی به این شهر اعزام شده‌اند.»[4]

از سوی دیگر، گزارش امروز خبرنگار کیهان از آخرین اوضاع خرمشهر حاکی است که در حال حاضر اوضاع کاملاً آرام است. اما این روزنامه می‌افزاید پاسداران انقلاب و گروه‌های ضربت ارتش جمهوری‌اسلامی ایران با تجهیزات کامل در نقاط مختلف شهر مستقر شده و به پاسداری و نگهبانی مشغولند.[5] روزنامه آیندگان در این باره می‌نویسد: افراد نیروی‌دریایی برای مقابله با حوادث احتمالی وارد خرمشهر شده‌اند. درپی صدور سه اطلاعیه از سوی فرماندار خرمشهر مبنی‌بر تخلیه ساختمان‌های تحت اشغال کانون فرهنگی خلق عرب خوزستان و تحویل اسلحه اعضای کانون، حدود یک‌هزار تن از اعضای این کانون متحصن شدند. به‌دستور دولت تعدادی از افراد نیروی‌دریایی به خرمشهر وارد شده‌اند تا در صورت لزوم از وجود آنان استفاده شود. آیندگان به‌نقل از سخن‌گوی شبیرخاقانی نوشت: طی ۲۴ ساعت گذشته جلساتی برای حل مسائل و مشکلات موجود ترتیب یافته‌است که هنوز به نتیجه نرسیده‌است. سخن‌گوی مذکور اضافه کرد: سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان در مورد اعلامیه‌های منتشره فرماندار مبنی‌بر خلع‌سلاح و تخلیه ساختمان‌های دولتی تحت کنترل، به فرمانداری اخطار کرده‌است. ما سعی می‌کنیم تا قبل از پایان مهلت مقرر برای تحویل اسلحه، با حسن تفاهم این مشکل را که مورد اعتراض کانون خلق عرب شده رفع کنیم. فرماندار خرمشهر اعلام کرده‌است که ساختمان تحت اشغال کانون مورد نیاز شهربانی می‌باشد. اگر ساختمان جدیدی تهیه کنید، اجاره یک‌سال آن را فرمانداری پرداخت خواهد کرد.[6]

به‌طور کلی می‌توان وضعیت کنونی خرمشهر را به این ترتیب توصیف کرد که در ادامه تحصن اعضای کانون و سازمان سیاسی خلق عرب در اعتراض به خلع‌سلاح و تخلیه ساختمان‌ها و رد انحلال و هشدار مدنی استاندار خوزستان مبنی‌بر سرکوب ضدانقلاب، ورود تکاوران نیروی‌دریایی علاوه بر پاسداران برای مقابله با حوادث احتمالی، درخواست و توقع مردم و نیروهای مذهبی شهر از مسئولان برای حل مسائل به تدبیر دولت انقلاب، تحصن اعضای کانون فرهنگی نظامی جوانان مسلمان خرمشهر در فرمانداری و اعلام آمادگی آنان و سایر عناصر مسلح مذهبی شهر برای خلع‌سلاح عمومی و سپردن امور انتظامی و امنیتی شهر به ارگان‌های رسمی دولتی و از سوی دیگر، عدم وجود شواهدی مبنی‌بر بروز نرمش در روش سازمان‌های خلق عرب به‌دلیل اتکا به حمایت آیت‌الله خاقانی، خرمشهر در جو خاصی از انتظار و دلهره قرار گرفته‌است.

۱۷۳
در بازتاب وقایع خرمشهر، آسوشیتدپرس در گزارشی از اوضاع خوزستان اعلام کرد: چند صد تن از افراد مسلح خلق عرب خرمشهر با نادیده گرفتن اتمام حجت دولت برای متفرق شدن، همچنان در دفاتر سنگربندی شده خود در این بندر جنوبی ایران مستقر هستند و خواستار

خودمختاری‌اند. نمایندگان سازمان سیاسی خلق عرب همچنان به مذاکرات خود با مقام‌های دولتی درباره مسائل خودمختاری و دستور دولت برای خلع‌سلاح تا جمعه آینده ادامه می‌دهند. این دستور در پی یک سلسله حوادث مسلحانه در هفته‌های اخیر در خوزستان صادر شد که طی آن، گروه‌های رقیب عرب با یکدیگر درگیر شدند و دو حمله به پاسگاه‌های پلیس شد. آسوشیتدپرس در پایان اضافه کرد: خوزستان مرکز صنایع نفت ایران است اما تاکنون این آشوب‌ها بر عملیات نفت تأثیر نگذاشته‌است.(۷)

رادیو قاهره نیز طی تفسیری در این باره گفت: این ایالت به‌ویژه شهرهای مسجد سلیمان و خرمشهر در طول هفته‌های گذشته صحنه اعمال خشونت‌آمیز مداومی بوده است. اغتشاشات در هفته جاری میان مردان مسلح عرب و چریک‌های انقلاب‌اسلامی به‌شدت بروز کرده و در خلال آن، ده‌ها نفر قربانی شده‌اند. اداره امور ایالت به یک واحد از ارتش ایران با شرکت سازمان‌های غیر نظامی این منطقه محول می‌شود. مقامات ایرانی تهدید کردند که اگر اعراب سلاح‌های خود را تحویل ندهند، اقدامات قاطعی اتخاذ خواهندکرد. مقامات ایرانی سعی می‌کنند با اعلام این‌که در طرح قانون اساسی جدید اوضاع اقلیت‌ها رعایت خواهدشد، احساسات اقلیت‌ها را که خواستار خودمختاری هستند آرام سازند.(۸)

۱۷۴
به گزارش روزنامه کیهان، گروهی از نمایندگان کرد در قم به‌حضور امام‌خمینی رسیدند و نماینده آنان ضمن اظهار سخنانی، جمهوری‌اسلامی را تبریک گفت و افزود: بلندگوهای بیگانه وصله‌های ناجور کمونیستی ـ مارکسیستی به مسلمانان مجاهد و وطن‌پرست کُرد می‌چسبانند. وی گفت: دو صفت از خصائص لاینفک ملت کرد به‌شمار می‌رود: ایمان به خدا و جهاد در راه حق و عدالت. "حی‌علی‌الصلوة" را که شنیدند، در صف نماز می‌ایستند و "حی‌علی‌السلاح" را که می‌شنوند، برای احقاق‌حق و اجرای عدالت اجتماعی اسلام و حفظ مرزهای خود دست به اسلحه می‌برند و دِین خود را به جامعه و ملت ادا می‌کنند. ملت مستضعف کرد همیشه مورد ستم‌های متعدد در رژیم گذشته قرار گرفتند. اکنون به خواست خداوند حکومت جمهوری‌اسلامی استقرار یافته و ما خواهان احقاق‌حق مشروع خود در چارچوب قرآن و جمهوری‌اسلامی هستیم. وی ادامه داد: ما ملت مسلمان کرد از قصاص‌های شرعی که توسط دادگاه انقلاب‌اسلامی انجام گرفته و خواهد گرفت پشتیبانی خواهیم کرد و خواستار محاکمه فوری عناصر ضد ملی و ضدانقلابی هستیم.(۹)

۱۷۵
فرمانده گروهان ژاندارمری مریوان در گزارشی برای استاندار و فرمانده لشکر ۲۸ پیاده کردستان، تحت عنوان "نا امنی در مریوان" اوضاع شهر را گزارش کرد که متن کامل آن به‌شرح زیر است: در ساعت ۲۱ مورخه ۵۸/۳/۱ به‌وسیله عوامل ناشناخته‌ای تیراندازی فراوانی در شهر مریوان انجام و تعدادی نارنجک در مناطق مختلف شهر منفجر شدو تیراندازی تا ساعت ۲۴ ادامه داشت.

به علت مسلح بودن اهالی مریوان، از تمام منازل صدای تیراندازی با سلاح‌های مختلف به‌گوش رسیده و با بررسی که فرمانده گروهان به عمل آورده، چنین استنباط گردیده که افراد ضدانقلابی برای نشان دادن ضعف دولت مرکزی و عدم قدرت کنترل، مبادرت به چنین حوادثی می‌نمایند.

گروهان پیشنهاد نموده که هر چه زودتر نسبت به تقویت نیروهای نظامی منطقه به‌خصوص ژاندارمری اقدام و نسبت به خلع‌سلاح منطقه تصمیماتی آنی اتّخاذ گردد تا مأمورین بتوانند افراد شرور و ماجراجو را دستگیر و قلع و قمع نمایند در غیراین صورت با عنایت به این که کلیّه اهالی مسلح می‌باشند، امکان برخورد شدیدی به‌وقوع خواهد پیوست.(۱۰)

۱۷۶
گروهی که خود را هواداران "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان" معرفی کردند، در زاهدان دست به راهپیمایی زدند. به گزارش خبرگزاری پارس این عده ـ حدود ۵۰ نفر ـ درحالی‌که شعار می‌دادند: "اعضای کمیته انقلاب زابل باید محاکمه شوند" و یا این‌که "دست عوامل ارتجاع از کمیته زابل کوتاه" به دستگیری شش تن از افراد بلوچ به‌دست نیروهای کمیته انقلاب‌اسلامی شهرستان زابل، اعتراض داشتند.(۱۱) در همین روز رادیو بی‌بی‌سی از زاهدان به‌عنوان "پایتخت" بلوچستان نام برد.

۱۷۷
مهدی هادوی دادستان کل انقلاب‌اسلامی در بخشنامه‌ای به شماره ۲۲۰۰ به دادسراهای انقلاب جمهوری‌اسلامی ایران تأکید کرد که کمیته‌ها و پاسداران انقلاب به هیچ‌وجه حق دستگیری افسران و درجه‌داران و کارمندان نیروهای مسلح را ندارند. در بخشنامه آمده‌است: چون به فرمان امام ارتش جمهوری اسلامی ایران و ژاندارمری و شهربانی تشکیل‌شده و فرماندهان و رؤسایی که از طرف دولت منتخب امام برگزیده شده‌اند باید بتوانند ضمن برخورداری از امنیت کامل و بدون دلهره و اضطراب به حفظ کشور و حدود و ثغور آن بپردازند، لازم است کلیه دادسراهای انقلاب موارد زیر را دقیقاً به موقع اجرا بگذارند:

۱ ـ صرف شکایت یا دلایل غیرکافی، مستند احضار یا جلب قرار نگیرد.

۲ ـ بازداشت به‌وسیله نماینده دادستانی



مهدی هادوی
دادستان کل انقلاب اسلامی

تمام این جریان بر این اشاره دارد که بهترین امید ما به دست‌یابی به یک توافق رضایت‌بخش با ایران جدید در دیپلماسی ساکت و آرام و نهفته است. علی‌رغم ناسازگاری خمینی نسبت به ایالات متحده، خیلی‌ها در این‌جا هستند که خالصانه مایل به داشتن روابط دوستانه و همیارانه با ما می‌باشند و نظرات ما را پذیرا هستند و در مورد طرز تفکر بین‌المللی راجع به موضوعاتی از قبیل حقوق بشر حساس هستند. متأسفانه خمینی درحال حاضر قدرتمندترین چهره سیاسی در تهران می‌باشد و شخصی است که شاید ایرانیان مترقی جرأت نمی‌کنند رو در رو با او برخورد نمایند.

ما نبایستی توانایی خود را در تأثیرگذاردن بر جریانات در این‌جا بیش از حد ارزیابی کنیم ولی می‌توانیم امیدوار باشیم به‌کار سرسختانه با آن ایرانیانی که مایل هستند اهمیت دوستی با ایالات متحده را درک نمایند، تا حدی تأثیر مهمی داشته‌باشیم. البته فرض بر این است که همین افراد در این اختلاط نادر متعصبین و اصلاح‌گرایان دمکرات، قدرت و نفوذ را حفظ خواهند کرد.(۳۴)

۱۸۵
هنری کیسینجر وزیرخارجه اسبق امریکا در یک میهمانی شام که جهت جمع‌آوری پول برای مبارزات انتخاباتی یکی از نمایندگان امریکا در ایالت "ایلینویز" برگزار شده‌بود، به دِین اخلاقی امریکا به شاه ایران اشاره کرد و گفت: "برای من این یک واقعیت بسیار ناراحت‌کننده است که متوجه شویم شاه ایران یعنی یک دوست سی ساله ایالات متحده، امکان آن را نیافته است که اجازه ورود به ایالات متحده را به‌دست آورد و در عوض در "باهاما" اقامت گزیند و به‌دنبال پناه‌گاهی باشد. وی گفت: انقلاب ایران و سقوط حکومت شاه اثر مخربی بر سیاست خارجی ایالات متحده داشته‌است و عناصر تندرو خاورمیانه را به میزان زیادی تهییج نموده‌است. "کیسینجر" پیش‌بینی نمود که دهه ۱۹۸۰ به‌دلیل انقلاب ایران و سایر ماجراجویی‌هایی که از اتحاد شوروی رهبری می‌شود، مملو از آشوب و ناآرامی باشد. وزیرخارجه سابق امریکا گفت: تا زمانی‌که ایالات متحده دائماً با مبارزه قدرت روبه‌روست، امکان برقراری موازنه قوای سالم وجود ندارد. وی افزود: ما نمی‌توانیم بپذیریم که اتحاد شوروی هرکاری راکه مایل است انجام دهد و آشکارا با سیاست خارجی ما به مبارزه بپردازد. ایالات متحده بایستی مصراً بخواهد که این ماجراجویی‌ها پایان پذیرد.(۳۵)

۱۸۶
پیروزی انقلاب‌اسلامی در ایران و تأثیرات بین‌المللی آن همچنان موضوع بحث سیاست‌مداران امریکایی است، در این باره، "باری بلچمن" معاون مدیر کل آژانس امریکایی کنترل تسلیحات گفت: حوادث ایران نشان می‌دهد که روابط مبتنی‌بر خرید تسلیحات منجر به مهلکه می‌شود. امریکا باید بپذیرد که پاره‌ای از تکنولوژی‌های نظامی مخفی امریکا در ایران، لو رفته‌است.(۳۶)

"جیمز شلزینگر" وزیر انرژی امریکا نیز در مورد تأثیر انقلاب‌اسلامی بر بازار نفت گفت:

حوادث اخیر ایران و کاهش نفت موجود در بازار بین‌المللی باعث شد که ما مصرف‌کنندگان زودتر کمربندها را محکم کنیم و سیستم‌های تدارکاتی خود را از حالت تمرکز خارج نماییم.(۳۷)

هنری کیسینجر نیز طی سخنانی سقوط شاه ایران را عقب‌نشینی استراتژیک عمده در دوران پس از جنگ جهانی دوم، برای امریکا دانست و دلیل آن را فقدان قاطعیت دولت کارتر برشمرد. به گزارش یونایتدپرس، کیسینجر چهار نقص سیاست امریکا را چنین برشمرد:

۱ ـ اصلاحات، که قدرت جمع‌آوری اطلاعات سیا در ایران را تضعیف نمود و به آن ضربه زد و همچنین عدم انجام هرگونه تلاشی برای حفظ ثبات سیاسی شاه از طریق کمک‌های مخفی.

۲ ـ تأکید دولت کارتر بر حقوق بشر که باعث اعمال فشار بر شاه در اوج یک دوران پرمخاطره گردید.

۳ ـ عدم ثبات ژئوپولتیک، در به اصطلاح "هلال بحران" که از ایران تا شاخ افریقا امتداد می‌یابد و امریکا برای جلوگیری از سیاست توسعه‌طلبی شوروی در این منطقه، اقدامات ناچیزی انجام داده‌است.

۴ ـ روش تاکتیکی دولت کارتر در مورد بحران ایران برای همیشه ابهام بزرگی پیرامون پشتیبانی امریکا از شاه باقی گذارده است.

کیسینجر افزود: انتخاب روش‌های مختلف سیاسی برای امریکا با اقداماتی که در سال‌های اخیر در مورد کنترل هرچه بیشتر سیا صورت گرفته، شدیداً محدود گردیده‌است. سازمان اطلاعاتی امریکا به‌قدری ضعیف شده‌است که نمی‌تواند حمایتی که می‌توانست شاه و متحدان او را مطمئن سازد [از طریق] اطلاعات جمع‌آوری شود و فعالیت‌های مخفی انجام گیرد.(۳۸)

۱۸۷
امریکا درپی استقرار نظام امنیتی جدیدی در منطقه خاورمیانه است. روزنامه السفیر چاپ بیروت نوشت: درپی انقلاب ایران و متلاشی شدن پیمان سنتو، امریکا دست‌اندرکار پیاده کردن یک طرح عظیم نظامی در جهت ایجاد پیمان تازه‌ای در منطقه خاورمیانه با شرکت مصر، اسرائیل، ترکیه و یونان است. به نوشته این روزنامه، امریکا فعالیت نظامی گسترده‌ای را در جهت ایجاد پایگاه‌های نظامی در یونان آغاز کرده‌است. مهمترین این پایگاه‌ها در شبه جزیره "مورا" ساخته می‌شود که مخصوص نگه‌داری و پرتاب سلاح‌های اتمی است.(۳۹)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱

۱ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۳/۲، ص۱۲.
۲ ـ سند شماره ۱۳۱۱۸۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اطلاعیه سازمان سیاسی خلق عرب، ۱۳۵۸/۳/۱.
۳ ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۳/۲، ص۱ و ۲.
۴ ـ مأخذ شماره ۱ ص۱۲.
۵ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱، ص۲.
۶ ـ مأخذ شماره ۳، ص۲.
۷ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۶۰، ۱۳۵۸/۳/۲، ص۵، آسوشیتدپرس، خرمشهر.

۸ ـ مأخذ شماره ۷، ص‌ص ۲۵ ـ ۲۴، رادیو قاهره.
۹ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲، ص۸.
۱۰ ـ سند شماره ۱۱۳۳۷۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش فرمانده گروهان ژندارمری مریوان به استانداری کردستان.
۱۱ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۶۱، ۱۳۵۸/۳/۳، ص۱.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۹، ص۸.
۱۳ ـ هفته‌نامه "امت"، ارگان جنبش مسلمان مبارز، سال اول، شماره ۸، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص۸.
۱۴ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد۶ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی)، ص‌ص ۲۴۴ ـ ۲۴۱.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۹، ص۲.
۱۶ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳، ص۱ به نقل از رویتر.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۵، ص۸.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۵، ص۲.
۱۹ ـ بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (بیانیه شماره ۹)، ۱۳۵۸/۳/۴.
۲۰ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲، ص۸.
۲۱ ـ مأخذ شماره ۵، ص۸.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۹، ص۸.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۹، ص۸.
۲۴ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱، ص۱۲.
۲۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۵۸/۳/۳، ص۱۲.
۲۶ ـ مأخذ شماره ۲۵، ص۲.
۲۷ ـ مأخذ شماره ۱۶، ص۸.
۲۸ ـ مأخذ شماره ۹، ص۸.
۲۹ ـ مأخذ شماره ۲۴، ص۱۲.
۳۰ ـ مأخذ شماره ۲۰، ص۸.
۳۱ ـ مأخذ شماره ۲۴، ص۱۲.
۳۲ ـ مأخذ شماره ۹، ص۲ و مأخذ شماره ۱۶، ص۷ و مأخذ شماره ۲۵، ص۲.
۳۳ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۳۴ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ۵۸/۳/۱، ص۱۱۲.
۳۴ ـ مأخذ شماره ۳۳، ص‌ص ۱۱۶ ـ ۱۱۳.
۳۵ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱، یونایتدپرس، شیکاگو.
۳۶ ـ مأخذ شماره ۲۴، ص۱۲، یونایتدپرس، واشنگتن.
۳۷ ـ مأخذ شماره ۵، ص۸، آسوشیتدپرس، پاریس.
۳۸ ـ مأخذ شماره ۹، ص۱، به نقل از رادیو یونایتدپرس.
۳۹ ـ مأخذ شماره ۹، ص۱، به نقل از روزنامه السفیر چاپ بیروت.

روزشمار

چهارشنبه

۲ خرداد ۱۳۵۸

۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۲۳ مه ۱۹۷۹

۱۸۸
به گزارش روزنامه اطلاعات، پس از ۹ ساعت جلسه رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد فعالیت سازمان‌های سیاسی موجود در خرمشهر، اعلام گردید که یک هفته جهت تخلیه ساختمان‌های دولتی به اعراب مهلت داده شده‌است. سازمان‌های سیاسی می‌توانند ساختمان‌های جدیدی اجاره نمایند و حتی قرار شد اجاره یک‌ساله ساختمان استیجاری برای سازمان سیاسی خلق عرب تأمین گردد اما از سوی طرف مقابل با این پیشنهاد مخالفت گردید. روزنامه اطلاعات به نقل از منبعی که وی را "یک مقام مسئول در خرمشهر" خواند، نوشت: «بامداد امروز در جلساتی که با نمایندگان خلق عرب داشتیم به آنها گفته شد که آزادند همه‌گونه فعالیت سیاسی و فرهنگی خود را دنبال کنند، منتهاباید ساختمان‌های دولتی را تخلیه کنند و سلاح‌های خود را تحویل دهند و در قالب حزب و کانون فرهنگی مانند همه گروه‌های دیگر می‌توانند خواسته‌های خود را دنبال کنند.»(1)

علی‌رغم تلاش‌های مذکور، جریان قومی که در نهان و آشکار داعیه "عربیت" مستقل از "فارس‌ها" را دارد، درصدد حفظ و گسترش مواضع خویش است و نشانه‌ای از نرمش و سازش بروز نمی‌دهد و با برخوردهای پرخاشگرانه مصمم به عقب راندن قدرت مرکزی و جایگزینی قدرت محلی است که به نظر عموم آشنایان به فرهنگ سیاسی منطقه، این اقدامات پوششی برای کسب نفوذ برای عراق محسوب می‌شود. برای مسئولان تردیدی وجود ندارد که در پشت تحرکات موصوف، یک جریان ضدانقلابی حساب‌شده وابسته به عراق قرار دارد. از این‌رو به گزارش مطبوعات، استاندار خوزستان باز هم اخطار کرد که هرگونه اقدام تجزیه‌طلبانه به شدت سرکوب خواهد شد. وی طی سخنانش در شهر "شادگان" ـ در استان خوزستان ـ گفت: با هرگونه تلاش اهریمنی و ضدانقلابی در خوزستان که به نحوی از انحا بخواهد به نوعی تجزیه‌طلبی منجر شود با تمام نیرو مبارزه خواهیم کرد و کوچک‌ترین اغماض در برابر خائنین به انقلاب‌اسلامی و دشمنان ملت ایران نخواهیم داشت. مدنی افزود: مسائلی در این استان داریم و

گاهی نغمه‌هایی را می‌شنویم که از قول عرب و عجم سخن می‌گویند، اعلامیه می‌دهند و شعار می‌دهند، اما اینها خواهان استعمار و استبدادند و عناصر فاسد دیروز که می‌خواهند انقلاب را از بین ببرند، اما دست این‌گونه افراد برای ملت ایران باز است و ملت ایران به این‌گونه افراد مجال نخواهد داد.(۲)

۱۸۹
گروهی تحت عنوان "هیئت نمایندگان خلق عرب مسلمان ایران اعزامی به تهران"، با نخست‌وزیر دولت موقت دیدار کردند و خواسته‌های "خلق عرب" را که مدعی بودند به تأیید شبیرخاقانی هم رسیده‌است، تقدیم وی کردند. این خواسته‌ها که "اساسی‌ترین خواسته‌های خلق عرب ایران" خوانده شده‌اند، عبارتند از :

۱ ـ اعتراف به ملیت خلق عرب ایران و درج آن در قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی ایران. ۲ ـ تشکیل مجلس محلی در منطقه خودمختار که مسئولیت قانون‌گذاری محلی و نظارت بر اجرای قوانین را دارا باشد و مشارکت خلق عرب ایران در مجلس مؤسسان و مجلس شورای ملی و نیز مشارکت در هیئت وزیران دولت مرکزی به نسبت جمعیت آن. ۳ ـ تشکیل دادگاه‌های عربی جهت حل مشکلات خلق عرب ایران مطابق با قوانین جمهوری‌اسلامی. ۴ ـ زبان عربی زبان رسمی منطقه خودمختار باشد با تأکید به این‌که زبان فارسی زبان رسمی سراسری ایران است. ۵ ـ آموزش به زبان عربی در مدارس ابتدایی و نیز آموزش زبان فارسی در منطقه خودمختار محفوظ خواهد بود. ۶ ـ تأسیس دانشگاه به زبان عربی در منطقه که پاسخ‌گوی نیازهای خلق عرب ایران باشد. ایجاد مدارس و آموزشگاه‌ها در تمام شهرها و روستاها و نیز توجه لازم برای استفاده از بورس‌های خارج از کشور جهت اعزام جوانان خلق عرب ایران. ۷ ـ آزادی بیان، انتشار و چاپ کتاب و روزنامه و ایجاد برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان عربی و مستقل از برنامه شبکه سراسری؛ در این زمینه وجود سانسور به هرشکل و صورت مردود است. ۸ ـ اولویت استخدام در بخش دولتی و خصوصی با خلق عرب ایران، در مرحله بعد با دیگر اقلیت‌های ملی متولد و ساکن در منطقه خودمختار می‌باشد. ۹ ـ تخصیص مقدار کافی از درآمد نفت برای آبادانی منطقه و شکوفایی صنعت و کشاورزی آن. ۱۰ ـ نام‌گذاری شهرها و روستاها، محله‌ها و خود منطقه به نام‌های تاریخی عرب، آنها که رژیم فاشیستی پهلوی آنها را تغییر داده است. ۱۱ـ شرکت فرزندان خلق عرب در ارتش و نیروهای انتظامی محلی در چارچوب منطقه خودمختار و امکان ارتقاء آنان به مناصب و مقام‌های عالی نظامی که از دست‌یابی به آنها محروم بوده‌اند. ۱۲ ـ تجدیدنظر در تقسیم اراضی دهقانان طبق قوانین جمهوری‌اسلامی با رعایت اصل "زمین از آن کسی است که آن را می‌کارد".

هیئت مذکور در پایان اعلام کرد: «از دولت آقای بازرگان انتظار داریم که در رابطه با حل مسائل خلق عرب ایران از مذاکره و سازش با عناصر مرتجع و فرصت‌طلب خودداری نماید.»(۳)

۱۹۰
هفته‌نامه امت ارگان جنبش مسلمان مبارز در مقاله‌ای با عنوان "تفسیر کوتاه وقایع خوزستان" نوشت: «از برقراری آرامش و بررسی مسائل در کردستان، گنبد و نقده چندان نگذشته که گزارش‌های رسیده از خوزستان و اخباری که در مورد خرمشهر از رسانه‌های خبری پخش می‌شود حاکی از تکوین توطئه دیگری از جانب ارتجاع و امپریالیسم در آن منطقه است... آنچه که امروز در خوزستان در حال تکوین است، نه از جانب مردم غیور و مبارز آن منطقه سرچشمه می‌گیرد و نه به نفع آنان است، بلکه دست‌های ارتجاع و حیله‌های امپریالیستی دست‌اندرکار شده‌اند تا با آشوبی دیگر، منافع خویش را که با پیروزی انقلاب در خطر جدی است، تأمین کنند.

امروز یکی از عوامل مهم ایجاد آشوب در آن ناحیه، عناصر مرتجعند یا وابسته به بیگانه‌اند که به‌نام آزادی بیشتر و حتی زمزمه‌های تجزیه‌طلبی، اما در حقیقت برای حفظ منافع و سلطه خویش، از نارضایتی و هیجان مردم برای ایجاد نابسامانی و انحراف از مسیر انقلاب بهره می‌گیرند. اینان با همراهی عده‌ای اوباش و مرتجعین دیگر که در رژیم گذشته صاحب ثروت و مکنت شده‌اند و با پشتیبانی امپریالیسم، از احساسات پاک مذهبی برادران عرب و غیرعرب ما سوءاستفاده کرده و در لباس حقوق خلق عرب، به تضاد مصنوعی و خودساخته بین عرب و عجم، دامن می‌زنند و با این‌کار خواست‌های تجزیه‌طلبانه خویش را جامه عمل می‌پوشانند.

خوزستان با موقعیت مرزی و استراتژیک حساس و مرکزیت منابع نفتی و بندری در کشور، برای اقدامات و توطئه‌های ارتجاعی ـ امپریالیستی از اهمیت خاصی برخوردار است. شیوخ مرتجع با گماشتن عناصر و افراد از جانب خویش در مرزها، اسلحه زیادی وارد و توزیع می‌کنند و از اقدامات نیروهای اصیل انقلاب ممانعت به‌عمل می‌آورند. همین مرتجعین برای گریز از مجازات‌های نیروهای انقلاب، به همراه تجزیه‌طلبان برای به سازش کشاندن دولت و همچنین برای تداوم حاکمیت استبدادی ـ استثماری خویش با گروه‌های فرصت‌طلب که در جهت کسب قدرت و بسط پایگاه توده‌ای برای خویشند، حرکت می‌کنند و در تکوین یک آشوب در خوزستان متحد شده‌اند.

نکته دیگری که در ایجاد حوادث در خوزستان می‌تواند تأثیر بسیار داشته باشد، برخورد نکردن قاطع دولت است به حل مسائل بنیادی و سرکوبی عناصر مرتجع از جمله شیوخی که سال‌ها در خدمت ارتجاع پهلوی بوده و توده‌های محروم عرب را به استثمار کشیده‌اند. امروز این مرتجعین نه تنها آزادانه زندگی می‌کنند، بلکه بی‌پروا علیه انقلاب توطئه می‌نمایند. مردم آنان را می‌شناسند و می‌بینند که هنوز قدرت در دست آنهاست و قیاس این قدرت با ضعفی که دولت انقلابی در دستگیری و محاکمه و مجازات عناصر ضدانقلاب و مرتجعین از خود نشان می‌دهد، باعث شده تا از شور مبارزاتی و انقلابی توده مردم کاسته شود و میدان عمل برای مرتجعین و اوباش همراهشان بازتر گردد.»(۴)

دشمنان ما چه کسانی هستند؟ صهیونیسم بین‌المللی، امپریالیسم جهانی که در رأس آن امپریالیسم امریکا و همه مرتجعین منطقه، سادات... چه کسانی و چه قدرت‌هایی دست به توطئه و تخریب می‌زنند و تمامیت و سیادت ارضی ما را تهدید می‌کنند؟ ایادی استعمار و رژیم‌های دست‌نشانده و مرتبط با آن. ما دست جنایتکار صهیونیسم و سیا و مزدوران استعمار و ارتجاع را در مناطق خوزستان، کردستان و دیگر مراکز حساس کشورمان به روشنی می‌بینیم. ما اربابان بزرگ و کوچک اویسی‌ها، پالیزبان‌ها، بختیارها و... را به درستی می‌شناسیم. چه کسانی به آنها کمک و همراهی می‌کنند و یا حتی در این لحظات گذرای ضربه‌پذیری ما، از عدم توجه برادرانه و انقلابی به مشکلات ما بهره می‌گیرند؟ صهیونیسم بین‌المللی و امپریالیزم جهانی و مرتجعین منطقه. یقیناً اگر دوست و یاوری بنا باشد به‌حال ما و کنار ما نافع باشد و حقیقتاً موضعی انقلابی و ضداستعماری داشته باشد، نزدیکترین آنان به کشورمان بالاخره همسایه‌مان بهترین و مؤثرترین آنان خواهد بود.»

وی در پاسخ به این سؤال که به عقیده شما رابطه رژیم و مردم عراق با انقلاب ایران چگونه است؟ گفت: «رابطه دوستانه و صمیمانه، نمونه آن هم تهنیت و تبریک گرم مقامات بلندپایه و رسمی عراق به رهبر کبیر خلق ما و به دولت موقت جمهوری‌اسلامی ما.»

سؤال شد آیا تصور می‌کنید رابطه‌مان آن‌قدر پیشرفته باشد که مشتاقان به زیارت مرقد ائمه اطهار ما بتوانند به راحتی به زیارت عتبات مقدسه در عراق نائل آیند و آیا نظرات دولت ایران در مورد زیارت عتبات مقدسه و سفر به عراق چیست؟ سفیر ایران در عراق گفت: «نظر دولت موقت جمهوری‌اسلامی صددرصد موافق و مثبت است. از نظر ما هیچ‌گونه مانعی و مشکلی برای زوار ایرانی وجود ندارد، تنها مشکل ویزای عراق است که مطمئنیم به زودی حل و آسان خواهد شد. عراقی که اتباع عربستان‌سعودی و شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس و اردن و دیگر رژیم‌های محافظه‌کار و مرتجع عربی حتی مصر بدون ویزا به راحتی می‌توانند ـ به دلیل احترام به ناسیونالیزم عربی ـ از آن دیار دیدار و زیارت کنند، یقیناً اجازه خواهد داد برادران انقلابی و ضدامپریالیست ایرانی‌اش نیز به راحتی از آن دیار دیدن کنند، همچنان‌که در گذشته از سوریه دیدار می‌کردیم با ویزایی که در فرودگاه‌ها و در مرز به مدت دو هفته به همه ایرانی‌های عازم سوریه می‌دادند، البته این امر نیاز به مذاکرات و کسب نظر دقیق و آشنایی با مشکلاتی که شاید بتوان تصور کرد، دارد که یقیناً با برخورد محبت‌آمیز و انعطاف‌پذیری ویژه‌ای که از برادران عراقی‌مان سراغ دارم، امید موفقیت حتمی آن را دارم.

به‌هرحال امید فراوان داریم که رژیم عراق مردم ایران را که هم موضع در تمام نهادهای انقلابی و ضدامپریالیستی خود می‌داند، فراتر از ناسیونالیزم عربی ـ که مورد ستایش و احترام ماست ـ به وحدت امت اسلامی هم توجه نماید و گامی فراتر در امکان سریع زیارت زوّار در عتبات مقدسه و افتخاراتمان در کربلا، نجف، سامرا و کاظمین علیهماسلام بردارد.»(۱۲)(ضمیمه دارد)

۱۹۶
به گزارش خبرگزاری تاس، "حسن ابراهیم" وزیر مشاور دولت اردن در امور خارجی اعلام کرده است که کشور متبوع وی برای امضای یک قرارداد صلح جامع که متضمن عقب‌نشینی کامل واحدهای نظامی اسرائیل از تمام سرزمین‌های اعراب باشد و همچنین حقوق خودمختاری فلسطینی‌ها را به رسمیت بشناسد، آماده مذاکره است. وی افزود: «سیاست اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی اعراب مبارزه با افکار عمومی مردم جهان و نقض وقیحانه معیارهای حقوقی بین‌المللی است.»(۱۳)

ضمیمه خبر شماره ۱۹۵

باید یادآوری شود که در برخی محافل سیاسی ـ انقلابی این‌گونه برخورد با رژیمی که اختلافات مسلکی و مرزی جدی و مطامع و دعاوی سرزمینی با ایران اسلامی دارد و رد پای آشکاری از دخالت‌ها و توطئه‌های آن در کردستان و خوزستان دیده می‌شود و تعهد به قرارداد، اخلاق و انقلابی‌گری جایی در ماهیت آن ندارد، برخوردی ضعیف و در چارچوب دیپلماسی، حرکتی از قبل شکست‌خورده محسوب می‌شود. می‌توان گفت بی‌تجربگی کادرهای سیاسی جدید در امور بین‌المللی و سیاست خارجی از یک‌سو و مشی خاص دولت موقت از سوی دیگر، از عمده‌ترین عوامل برداشتن این‌گونه گام‌های لرزان در اولین ارتباط دیپلماتیک فیمابین انقلاب اسلامی و عراق محسوب می‌شود.

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲

۱ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۲، ص ۳.
۲ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۳، ص ۷.
۳ ـ رزمندگان آزادی طبقه کارگر، گزارش از اوضاع اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خلق عرب ایران (بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا) ص‌ص ۸۳ ـ ۸۲.
۴ ـ هفته‌نامه امت، ارگان جنبش مسلمان مبارز، سال اول، شماره ۶، ۱۳۵۸/۳/۲، ص ۸.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۶ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲، ص ۸.
۷ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۸ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۹ ـ مأخذ شماره ۶، ص ۸.
۱۰ ـ روزنامه بامداد ۱۳۵۸/۳/۳، ص ۱۶، فرانس پرس.
۱۱ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه‌جاسوسی، جلد ۲۸ (تهران: نشر لانه)، ص‌ص ۵۸ ـ ۵۱.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۶.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۶، ص ۴، خبرگزاری تاس، امان.

روزشمـــــــار

پنجشنبـــه

۳ خـرداد ۱۳۵۸

۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۲۴ مـــه ۱۹۷۹

۱۹

ش برای حل و فصل بحران خرمشهر ادامه دارد. به نوشته روزنامه اطلاعات، حجت‌الاسلام خ عیسی خاقانی" و حجت‌الاسلام "سیدابوالقاسم دیباجی" نمایندگان آیت‌الله شبیرخاقانی وزه علمیه قم در جمع متحصنان کانون فرهنگی خلق عرب خرمشهر حضور یافتند و درباره واست‌های آنان سخنانی ایراد کردند. در جلسه دیگری نیز که در منزل آیت‌الله شبیرخاقانی با ور افراد مذکور و "عبدالمهدی فلاح" دادیار دادسرای خرمشهر و جمعی از رؤسای مان‌های فرهنگی و سیاسی خلق عرب تشکیل شد، خواست‌های اعراب مورد بررسی قرار ت.[۱]

از سوی دیگر، تلاش‌های دیگری نیز برای برقراری ارتباط مستقیم با اعراب خوزستان انجام شود، از جمله می‌توان به برگزاری ملاقات عشایر قبیله "بنی‌کعب" با استاندار خوزستان اشاره . به گزارش روزنامه کیهان، سران عشایر در این ملاقات بار دیگر پشتیبانی خود را از هوری‌اسلامی اعلام کردند. یکی از سران عشایر گفت: «با شناختی که از اسلام داریم مطمئن تیم که حقوق عشایر مسلمان عرب خوزستان و دیگر عشایر هموطن ضایع نخواهدشد. ما م می‌کنیم که با هرگونه تجزیه‌طلبی و نفاق‌افکنی مخالفیم و با آن مقابله می‌کنیم.»

استاندار خوزستان نیز طی سخنانی گفت: «در جمهوری‌اسلامی فقط یک لغت وجود دارد و "برادری" است که به‌وسیله تفرقه از میان خواهدرفت.» وی افزود: «چهره خوزستان عوض شود و باید به این وعده عمل کنیم چون مردم حرف زیاد شنیده و خسته شده‌اند.» استاندار زستان گفت: «دیگر عرب و عجم مطرح نیست و فقط ایرانی بودن مطرح است و به همین ب در کادر استانداری از برادران عرب نیز استفاده خواهیم‌کرد.»[۲]

۱۹

جز گروه‌های چپ غیرمذهبی و معدودی گروه‌های جدیدالتأسیس که معجونی از گرایش‌های تلف ضدنظام هستند همچون جبهه دمکراتیک ملی، به استثنای جریان‌هایی نظیر مجاهدین

خلق که سعی دارند دو طرف را از دست ندهند، غالب جریان‌ها و گروه‌های سیاسی بخصوص اگر به نوعی دارای گرایش‌های مذهبی نیز باشند، مخالف گرایش‌های قومی رایج در مناطق بحرانی هستند؛ به عنوان نمونه می‌توان به موضع‌گیری گروه دکتر سامی موسوم به جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران ـ جاما ـ اشاره کرد. در شماره امروز نشریه "مردم ایران" ارگان جاما چنین آمده‌است: «از هرگونه تجزیه‌طلبی و شعارهایی که فقط منافع بخشی از کشور را در نظر بگیرد باید اجتناب کرد. در طول همین مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب، تجربه ثابت کرده‌است که این قبیل شعارها مورد بهره‌برداری عناصر مخرب و عوامل ارتجاعی گردیده‌است و به نفاق‌افکنی و دو دستگی و درگیری مسلحانه خواهدانجامید. منافع خلق‌های مختلف و اقلیت‌های مذهبی باید با منافع تمام مردم ایران به حساب آید. ستم مضاعف بر هموطنان کرد، ترک، بلوچ و ترکمن در دوران سیاه گذشته دلیل آن نیست که اینک راه‌هایی برگزینیم که به‌صورت دو دستگی و ستم به اقلیت دیگر درآید.»[۳]

۱۹۹

در پی تشکیل ستادهایی تحت عنوان "ستادهای عملیاتی" در مناطق مختلف کشور بویژه در منطقه "گرگان" و "گنبد" به‌دست گروه‌ها و سازمان‌های مختلف و بعضاً چپ غیرمذهبی و اقدام آنها به مصادره زمین‌ها، احمد صدرحاج‌سیدجوادی وزیر کشور اطلاعیه‌ای انتشار و دربارهٔ تحریکات مخرب آنها هشدار داد. متن اطلاعیه به‌شرح زیر است:

اخیراً اطلاع حاصل شده‌است که افراد و گروه‌هایی چند در نقاط مختلف کشور دست به تشکیل ستادهای عملیاتی زده‌اند و زیر پوشش حمایت از کار، کارگر و برزگر دست به عملیات تحریک‌آمیز و تخریبی می‌زنند، وزارت کشور بدین‌وسیله اعلام می‌دارد که هیچ‌کدام از این ستادها و گروه‌های غیر مسئول را به رسمیت نمی‌شناسد و هرگونه آشوب و بلوا و درگیری در مناطق مختلف را که خصوصاً در شرایط حاضر و در مناطق کشاورزی و صنعتی مانع برداشت محصول و یا تولید خواهدشد، بر اثر تحریکات افراد و عوامل مزبور می‌داند. در این‌جا خصوصاً به نقش خرابکارانه این چنین گروه‌ها و ستادهایی در منطقه گنبد و دشت گرگان اشاره می‌شود. لازم به یادآوری است که هرگونه تحریک و کشتار و تخریب و آتش‌سوزی توسط این ستادها یا وابستگان به آنها ـ که همگی در این بین شناخته‌شده هستند ـ به‌شدت تحت تعقیب قانونی قرار خواهندگرفت.[۴]

۲۰۰

رئیس ستاد کل ارتش جمهوری‌اسلامی ایران "سرلشکر ناصر فربد"، پس از پایان جلسه‌ای با شرکت مهندس بازرگان نخست‌وزیر و چند تن از اعضای هیئت دولت و فرماندهان ارتش در محل ستاد کل ارتش، در مورد مسائل مطروحه و آخرین اقدامات در جهت بازسازی ارتش به خبرنگار خبرگزاری پارس چنین گفت:

چون در شرایط فعلی نخست‌وزیر رئیس مملکت است می‌بایست در جریان کامل اوضاع و

۲۰۶
در پی گزارشهای سفارت امریکا در تهران به واشنگتن، درباره تظاهرات ضدامریکایی در تهران و اقدامات سفارت درباره آن، امروز وزارت امورخارجه امریکا در تلگرامی با امضای "کریستوفر" معاون وزیر خارجه به سفارت آن کشور در تهران با قید فوری ـ خیلی محرمانه و موضوع "تظاهرات ضدامریکایی موعود"، توصیه‌ها و دستورهایی به‌شرح زیر ابلاغ کرد: «ما از اقدامات سفارت برای بالا بردن امنیت سفارت و نیز طرح متفرق ساختن پرسنل سفارت در روز تظاهرات تا حد امکان، تقدیر می‌نماییم. به هر حال ما تا این تاریخ از پاسخ دولت موقت ایران به درخواست شما مبنی‌بر افزایش اقدامات امنیتی رضایت نداریم، بنابراین لطفاً برای خاطرنشان ساختن نکات ذیل سریعاً با نخست‌وزیر (بازرگان) و یا وزیرخارجه (یزدی) ملاقات نمایید:

الف ـ همان‌طور که دولت ایران واقف است دولت ایالات‌متحده نهایت سعی خود را در جهت بهبود روابط و عادی ساختن آن با ایران مبذول داشته و تلاش نموده که بروز عکس‌العمل‌های عاطفی یا توأم با سوءتفاهم را محدود سازد. ما توانایی کنترل اظهارات مطبوعات امریکا و یا کنگره این کشور را نداریم.

ب ـ ما سعی نموده‌ایم که تصویری واقعی از وقایع ایران ترسیم نموده و منافع و نگرانی‌های مشترک دو کشور را برای کلیه طرف‌های امریکایی ذیربط توضیح دهیم.

ج ـ ما از پدیده فزاینده ضدامریکایی‌گرایی که به نظر می‌رسد عمدتاً از سوءتفاهم مردم نسبت به رفتار دولت ایالات‌متحده نشأت می‌گیرد، مضطربیم. ما محدودیت‌هایی را که دولت موقت ایران با آن روبه‌روست درک کرده و تلاش‌های این دولت را که تاکنون در جهت خنثی کردن جو کاملاً متشنج فعلی انجام گرفته، مورد تقدیر قرار می‌دهیم.

د ـ ما به شدت نگران این مطلب هستیم که مبادا تظاهرات، امنیت پرسنل سفارت در تهران را مورد تهدید قرار دهد. ما مایلیم که دولت ایران اقدامات حفاظتی بیشتری را در این شرایط توأم با تشنج احساسات، به عمل آورد. در همین حال ما سریعاً درخواست می‌کنیم که مقداری از افراد امنیتی مؤثر و منظم در جهت تأمین امنیت سفارت امریکا و پرسنل آن به‌کار گمارده شوند.

هـ ـ ما همچنین خواستار اجرای اقداماتی در جهت جلوگیری از برگزاری تظاهرات مورد نظر که ممکن است در اثر تهدید محل سفارت به خشونت بینجامد، هستیم. در همین حال ما همین نکات را در یک نشست اضطراری در این‌جا با سفارت ایران درمیان خواهیم گذاشت.»[۱۶]

در جهت اجرای دستورهای وزارت امورخارجه امریکا، کاردار سفارت امریکا در تهران با ارسال نامه‌ای به مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت چنین نوشت:

«آقای نخست‌وزیر عزیز؛ همان‌طوری‌که می‌دانید قرار است بعدازظهر امروز و فردا یک سلسله تظاهرات بزرگ به‌عنوان اعتراض علیه قطع‌نامهٔ اخیر مجلس سنای ایالات‌متحده صورت گیرد. من عمیقاً ناراحتم از این‌که در هیچ زمانی از وقتی که تدارکات برای تظاهرات اعلام شده‌است ندیده‌ام که اقدامی یا دعوتی از سوی دولت موقت جمهوری‌اسلامی ایران برای این‌که

این اقدامات عمومی به‌طور مسالمت‌آمیز برگزار شود، صورت گرفته‌باشد. من جداً خواستارم که دولت موقت جمهوری‌اسلامی ایران اقدامات لازمه را در تقاضای آرامش و یک محیط مسالمت‌آمیز به‌عمل آورد.

دولت شما مستحضر است که حکومت ایالات متحده حداکثر کوشش خود را برای بهبود مناسبات و برقراری مجدد پیوندهای ما به یک روند عادی و محدودکردن واکنش‌های احتمالی ناشی از احساسات یا عدم‌اطلاع به‌عمل می‌آورد. ما قادر نیستیم اظهارات به‌عمل آمده در مطبوعات امریکا یا کنگره ایالات متحده راکنترل کنیم، مع‌ذالک ما بهترین کوشش خود را برای نمایاندن یک تصویر واقعی از حوادث ایران و توصیف‌کردن علاقه و نگرانی‌های متقابل راکه ما با ایران داریم، به همه طرف‌های ذی‌علاقهٔ امریکا به عمل آورده‌ایم.

ما از پدیده احساسات فزایندهٔ ضدامریکایی در ایران که بیشتر آن مبتنی‌بر سوءتفاهم عمومی از روش حکومت است، نگرانیم. من از سوی حکومت خود دستور دارم که نگرانی آن را دربارهٔ تظاهرات امروز و فردا که ممکن است تأمین جانی پرسنل سفارت امریکا در تهران را تهدید کند، ابراز دارم. ما میل داریم دولت موقت جمهوری‌اسلامی ایران تدابیر اضافی امنیتی را برای فراهم‌کردن حفاظت در این اوضاع و احوال مملو از احساسات، اتخاذکند. حکومت ایالات متحده انتظار دارد دولت موقت جمهوری‌اسلامی ایران مسئولیت‌های خود راکه از لحاظ بین‌المللی به رسمیت شناخته‌شده، برای حمایت از جان و مال پرسنل سیاسی خارجی به‌عهده بگیرد و انجام دهد.

برای کاهش احتمال خشونت، من میل دارم پیشنهاد کنم که مسیر تظاهرات از سفارت دور باشد و نزدیک شدن به دیوارهای سفارت منع گردد.

آقای نخست‌وزیر، همان‌طوری‌که شخصاً به شما ابراز داشته‌ام دو کشور و مردم دو کشور ما وجوه مشترک زیادی برای فراهم کردن یک شالودهٔ محکم برای روابط حسنه در آینده براساس احترام متقابل دارند. من صمیمانه امیدوارم که حکومت شما هر اقدامی که ضروری باشد برای خنک‌ترکردن محیط پر حرارت کنونی به‌عمل آورد تا این‌که ما هر دو بتوانیم کار خود را در بهبود مناسبات بین خود به نفع مردم هر دو کشور انجام دهیم. با تقدیم احترامات فائقه، ارادتمند چارلز ناس کاردار موقت.»[۱۷]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۳

۱ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۳، ص۳.
۲ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۳، ص۴.
۳ ـ روزنامه "مردم ایران" ارگان جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، ۱۳۵۸/۳/۴، ص۶.
۴ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۵، ص۲.
۵ ـ مأخذ شماره ۲، ص۱.
۶ ـ مأخذ شماره ۲، ص۸.
۷ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد۶ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی)، ص۲۵۳.
۸ ـ مأخذ شماره ۴، ص۳.
۹ ـ مأخذ شماره ۷، ص‌ص ۲۶۱ ـ ۲۵۵.

۱۰ - مأخذ شماره ۴، ص۵.
۱۱ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۵، ص۴.
۱۲ - مأخذ شماره ۴، ص۵.
۱۳ - مأخذ شماره ۴، ص۲.
۱۴ - مأخذ شماره ۱۱، ص۲.
۱۵ - مأخذ شماره ۴، ص۵.
۱۶ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه‌جاسوسی، جلد۶۳ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۱۰۰ - ۹۹.
۱۷ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد۱۸ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۳۴ - ۳۳.

روزشمار

جمعه

۴ خرداد ۱۳۵۸

۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۲۵ مه ۱۹۷۹

۲۰۷

استاندار خوزستان در مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار روزنامهٔ اطلاعات هشدار داد که خلع‌سلاح عمومی بدون تأمل در خوزستان اجرا خواهدشد. مدنی در این باره گفت: در جمع‌آوری سلاح‌ها بهای اسلحه‌هایی که مردم خریداری کرده‌اند پرداخت خواهدشد. وی افزود: سلاح‌ها از همه مردم گرفته نخواهدشد و پاسداران و آنهایی که مؤمن به انقلاب هستند با دریافت جواز همچنان مسلح خواهندبود. استاندار خوزستان تصریح کرد: افرادی هستند که هستی خود را داده‌اند تا علیه استبداد خویش را تجهیز کنند ما به این دسته از مردم بهای سلاح‌هایشان را می‌پردازیم و یا این‌که به آنان پروانه اسلحه می‌دهیم. مدنی در مورد تقویت نیروها در خوزستان گفت: جابه‌جایی مختصری که در کادر نیروی دریایی خوزستان انجام شده امری عادی است. در حال حاضر به تقویت نیروها در استان نیازی احساس نمی‌کنیم و در صورت وقوع حادثه‌ای نیروهای مذکور کافی به‌نظر می‌آید. علاوه بر این، همه مردم خوزستان از انقلاب خود پاسداری خواهند کرد، ولی در صورت ضرورت البته نیروهایی به خوزستان گسیل خواهندشد.(۱)

مدنی در مصاحبه مطبوعاتی دیگری درباره انحلال کانون‌ها و سازمان‌های موجود در خرمشهر گفت: بدیهی است هر کانونی که با تمام وجود در مسیر انقلاب‌اسلامی ملت باشد آن‌هم نه به لفظ بلکه با تمام قوا و نیروکاری فرهنگی و مذهبی به‌عهده داشته‌باشد و در اجرائیات کوچک‌ترین فعالیتی به‌خودنگیرد و از نظر سیاسی مو به مو راهی را انتخاب کند که راه انقلاب‌اسلامی ایران و دولت منتخب امام باشد، در این‌صورت با ارائه مرام‌نامه و اساس‌نامه و کسب مجوز به آن اجازه فعالیت داده می‌شود و اگر سیاستی جز این داشته‌باشد، بدون گفت‌وگو راهی ضدانقلابی دارد و بی‌گمان اجازه فعالیت را به آن نخواهیم‌داد.(۲)

در این حال، کانون فرهنگی خلق عرب مسلمان شاخه اهواز با انتشار اطلاعیه‌ای بدون اشاره به ضرب‌الاجل تحویل سلاح، بر مواضع قبلی به شرح زیر پافشاری کرد: ۱ - خلق عرب مسلمان حضرت آیت‌الله‌العظمی شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی را جهت مطالبه خودمختاری در

منطقه عربستان [خوزستان] تأیید می‌نماید. ۲ ـ هرگونه توطئه جهت متهم کردن خلق عرب مسلمان به تجزیه‌طلبی محکوم و پشتیبانی خود را از کانون‌های سیاسی و فرهنگی خلق عرب و عربستان اعلام می‌داریم. ۳ ـ از حکومت موقت جمهوری‌اسلامی خواهانیم استانداری بومی و غیرنظامی تعیین و به عربستان اعزام دارند. ۴ ـ تعیین وقت کافی از برنامه‌های روزانه رادیو و تلویزیون جهت آگاهی فرهنگی خلق عرب منطقه.

المرکز الثقافی للشعب العربی المسلم ـ اهواز»[۳]

۲۰۸
در پی اعلام برپایی راهپیمایی‌های ضدامریکایی در تهران، روابط عمومی سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرده‌است که امور مربوط به انتظامات راهپیمایی در اطراف سفارت امریکا در تهران، به عهده پاسداران انقلاب می‌باشد. در اطلاعیه مذکور از کلیه هموطنان تقاضا شده‌است برای جلوگیری از هرگونه اغتشاش و احیاناً بهانه به دشمن دادن، با شهربانی و سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی همکاری صمیمانه و همه‌جانبه بنمایند.[۴]

۲۰۹
در ادامه تظاهرات اعتراض‌آمیز علیه قطع‌نامه ۱۷ مه سنای امریکا در محکومیت احکام دادگاه‌های انقلاب‌اسلامی و مداخله در امور داخلی ایران، امروز نیز تهران و سایر شهرهای کشور شاهد تظاهرات و اجتماعات ضد امریکایی گروه‌ها و سازمان‌های مختلف بود؛ از جمله صبح امروز در تهران دو تظاهرات جداگانه ولی همزمان برپا گردید. مراسم نخست راچریک‌های فدایی خلق برپا کردند که از ساعت ۹:۳۰ از مقابل دانشگاه تهران آغاز شد و در زیر پرچم آن، گروه‌های دیگر چپ همچون جبهه دمکراتیک خلق ایران، دانشجویان پیشگام، سازمان طوفان، کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، سازمان زنان مبارز، اتحادیه انقلابی زنان مبارز و گروه هواداران کمونیست‌های ایران دیده می‌شدند. تظاهرکنندگان ابتدا در مقابل دانشگاه تهران اجتماع کردند. به نوشته مطبوعات، در همان ابتدای امر عده‌ای با دادن شعار "اسلام پیروز است کمونیست نابود است" راه را بر چریک‌های فدایی خلق بستند اما پاسداران مستقر در محل با شلیک تیرهای هوایی از درگیری احتمالی جلوگیری کردند. پس از آن، جمعیت در دو گروه جداگانه به‌سوی سفارت حرکت کرد اما در چهار راه فیشرآباد (تقاطع خیابان‌های شهید قرنی و آیة الله طالقانی فعلی) نیز گروهی از جوانان موتورسوار با دادن شعار "چپ و راست محکوم است، اسلام پیروز است" یک‌بار دیگر راه را بر چریک‌های فدایی مسدود کردند که با میانجی‌گری مأموران انتظامات از وقوع برخورد جلوگیری به‌عمل آمد. به این ترتیب گروه اول تظاهرکننده به مقابل سفارت امریکا رسیدند که به نوشته روزنامه اطلاعات، این مکان را نیروهای پاسدار انقلاب به شدت محافظت می‌کردند. آنها (راهپیمایان) پلاکاردهایی در محکومیت قطع‌نامه سنای امریکا با خود حمل می‌کردند که از جمله شعارهای پلاکاردها، "امریکا دشمن عمده خلق مستضعف ایران است" و "با خلع ید از سرمایه‌داری وابسته،

امپریالیسم را به زانو درآوریم" بود.

به‌نوشته روزنامه **اطلاعات**، در نزدیکی سفارت نیز هرچند دقیقه گروه‌های ناشناسی ـ که پرچم و پلاکاردهایی با خود حمل نمی‌کردند ـ می‌کوشیدند تا صفوف چریک‌های فدایی را از هم پاره کنند و داخل آنها رخنه نمایند. این گروه‌ها در حالی که مشت‌ها را گره کرده بودند شعارهای ضدکمونیستی می‌دادند. یک‌بار صفوف چریک‌های فدایی خلق ـ که آنها را جوانانی که دست‌ها را به هم زنجیر کرده بودند محافظت می‌کردند ـ از هم پاره شد و گروهی از مردم به داخل آنها رخنه کردند و زد و خورد مختصری درگرفت که زود پایان یافت.

براساس همین گزارش، گروه‌دوم از تظاهرکنندگان گروه‌های چپ، در چهار راه کالج [تقاطع خیابان‌های انقلاب و حافظ] مورد حمله گروهی قرار گرفت. در این حمله تعدادی روزنامه و کتاب متعلق به فداییان پاره شد، با وجود این، گروه‌های تظاهرکننده تا ساعت ۱۲ در مقابل سفارت امریکا اجتماع کردند و در پایان قطع‌نامه‌ای قرائت شد که از جمله مواد آن عبارت بود از: طرد عوامل جاسوسی امریکا؛ محکومیت قطع‌نامه سنای امریکا که این قطع‌نامه به منزله مداخله در امور داخلی ایران است؛ جلوگیری از هرگونه تفرقه‌افکنی در بین صفوف مبارز قشرهای ملت ایران؛ مقابله با توطئه امپریالیسم و صهیونیسم جهانی؛ ملی کردن بانک‌ها، کارخانه‌ها، جنگل‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت؛ پشتیبانی از احکام اعدام‌ها صادر شده از دادگاه‌های انقلاب‌اسلامی و حمایت از مبارزات سازمان آزادی‌بخش فلسطین.[۵]

همزمان با تظاهرات گروه‌های چپ، در ساعت ۹:۳۰ گروه‌هایی تحت عنوان "کارگران، دانش‌آموزان و دانشجویان مسلمان" همراه سازمان مجاهدین انقلاب‌اسلامی نیز در محکومیت مداخله امریکا در امور ایران تظاهراتی را از دانشگاه تهران تا سفارت امریکا برپا کردند که در آن، مداخله سنای امریکا در امور داخلی ایران به‌شدت محکوم شد. در پایان مراسم قطع‌نامه‌ای در ده ماده قرائت گردید که از جمله مواد آن عبارت بود از: محکومیت قطع‌نامه مداخله‌آمیز سنای امریکا در امور داخلی ایران؛ محکومیت مداخله امریکا در کشورهای آسیا و امریکای لاتین؛ تشکر از امام به سبب اعتراض ایشان به قطع‌نامه سنای امریکا و انزجار شدید از استعمار انگلیس، امریکا و اسرائیل و اعمال تجاوزگرانه آنان.[۶]

از سوی دیگر، بعدازظهر امروز نیز به دعوت سازمان مجاهدین خلق ایران مراسم سالگرد شهادت سعیدمحسن، محمد حنیف‌نژاد و اصغر بدیع‌زادگان (بنیان‌گذاران سازمان) و مراسم راهپیمایی محکوم کردن قطع‌نامه سنای امریکا، در مسیر میدان راه‌آهن تا پارک خزانه انجام شد.

در این راهپیمایی تظاهرکنندگان پلاکاردهایی با مضمون «امریکا دشمن خارجی، ارتجاع دشمن‌داخلی؛ احکام دادگاه‌های انقلاب عادلانه است؛ لغو کلیه پیمان‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی با امریکا ضامن مبارزه ضد امپریالیستی خلقمان است» با خود حمل می‌کردند.

در پارک خزانه (محل برگزاری مراسم تجلیل از شهدای سازمان یاد شده) نمایندگان نهضت آزادی ایران، جبهه ملی و دکتر سامی (از جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)) سخنرانی

م گرفت.

به‌کار بردن خشونت جمعی به‌وسیله رژیم در مقابل مردم ابتدا در اغتشاشات خرداد ۱۳۴۲ ن داده شد و سپس در جریان سال ۱۹۷۸، این سنت نقض شـد. چـند پـی‌آمد را مـی‌توان خص کرد:

الف) میل به انتقام از جانب خمینی و پیروانش علیه رژیم سابق انگیزه شدیدتری به‌دست .. بدون شک سنتی از بی‌رحمی انفرادی در ایران وجود داشته‌است، این سنت در نتیجه خشم رکار بردن خشونت از سوی رژیم تقویت شده‌است.

ب) عدم موفقیت انقلاب در احراز قدرت از طریق به‌کار بردن خشونت، رژیم جدید را از ایل مادی و جسمی مقابله با مخالفان داخلی و شکست دادن آنها محروم کرده‌است. انحصار ی فیزیکی وجود ندارد و احتمال به دست آوردن این نیروی انحصاری بـرای آیـنده قـابل ‌بینی، بسیار کم است.

ج) از سوی دیگر، درس‌های تاریخ ـ هر چند ممکن است ضعیف باشند ـ القا می‌کند که جنگ داخلی امکان کمی وجود دارد. مردم ایران برای به‌دست گرفتن اسلحه و با توجه به پیامدهای خونین آن، بسیار بی‌میل هستند، مع‌ذلک به‌هیچ‌وجه نمی‌توان دست‌خوش این ور شد که خشمی که در جریان انقلاب تا این اندازه آشکار بود، به تـه کشـیده‌است، بـلکه کس این خشم که باعث شد مردم در مقابل رژیم و پشتیبان‌های آن از جمله ایالات متحده، ند شوند، هنوز حاکم است و می‌توان انتظار داشت که در ماه‌های آینده به اشکال مختلفی بیان د.

از سوی دیگر، احـتمال ایـن‌که حکـومت، خـود در تـجدید فـعالیت اقـتصادی مـوفقیت ته‌باشد بسیار محدود است، با توجه به این که هرج و مرج بوروکراتیک و سیاسی حکم‌فرما ت. علاوه بر این، دستگاه دیوانسالاری و مزاحمت [مزاحم] و هدر دهنده و نوکرمآب و بدون لاحیت برای از سر گرفتن فعالیت‌های اقتصادی، زمینه عقب‌نشینی مناسبی را فراهم نمی‌کند، نتیجه ایران برای حفظ ثبات سیاسی خود، بیش از هر زمان دیگری به نفت متکی خواهدبود. ار برای افزایش قیمت بین‌المللی نفت شدید خواهدبود. تا مرحله‌ای که قیمت‌ها به نحو مدام به افزایش است، تولید نیاز به افزایش نخواهد داشت ولی در صورتی‌که میزان افزایش قیمت د شود، فشارهای بیشتری برای افزایش تولید محسوس خواهدبود. نتیجه آن خواهدبود کـه واری‌های سیاسی با کارگران نفت افزایش یابد و رژیم را هرچه بیشتر و سریع‌تر بـا نـیاز بـه نسین‌های خارجی برای اداره میدان‌های نفتی مواجه سازد.

بدین ترتیب دشواری‌ها در تجدید سازمان نیروهای مسلح به‌عنوان یک نیروی امنیتی مؤثر، چه بیشتر مبرم و ضروری خواهدشد. همه نشانه‌ها به لزوم اضافه‌شدن هرچه بیشتر کـاربرد ر، به جاذبه آیت‌الله خمینی برای کنترل آنچه که احتمالاً به صورت یک هرج و مرج بزرگتر یاسی درخواهد آمد، اشاره می‌کند.»[۱۷]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۴

۱ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۵، ص۳.
۲ ـ روزنامه آیندگان ۱۳۵۸/۳/۵، ص۲.
۳ ـ سند شماره ۲۰۹۹۱۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اعلامیه کانون فرهنگی خلق عرب، شاخه اهواز، بدون تاریخ.
۴ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۳، ص۱.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص‌ص ۵ و ۴.
۶ ـ مأخذ شماره ۱، ص۴.
۷ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۵، ص۲.
۸ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه‌اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی خلق ایران(۱) (تـهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق، چاپ اول، ۲۲ بهمن ۵۸) ص‌ص ۱۵۵ ـ ۱۵۴.
۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص۵.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۷، ص۸.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۱، ص۵.
۱۲ ـ مـأخذ شـماره ۱، ص۸، آسـوشیتدپرس، واشنگتن.
۱۳ ـ مـأخذ شـماره ۷، ص۱، آسـوشیتدپرس، واشنگتن.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.
۱۵ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی جلد؟ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، سال ۱۳۶۱) ص۲۶۸.
۱۶ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد۱۵ (تـهران: نشـر لانـه، بی‌تا) بـخش اسناد. ص۲۵.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۱۶، ص‌ص ۴۴ ـ ۴۱.

روزشمـــــــار

شنبـــــه

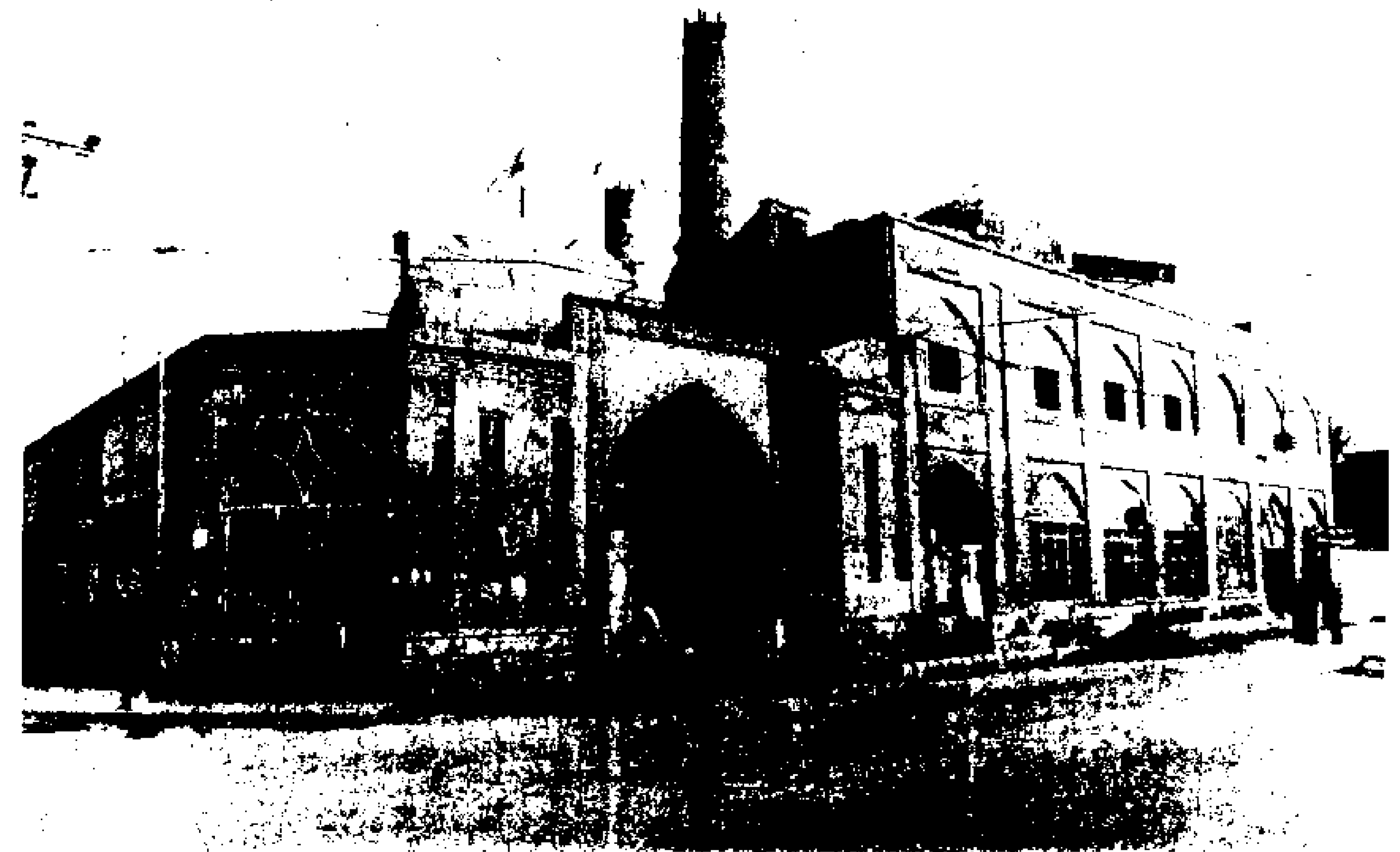
۵ خرداد ۱۳۵۸

۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹

۲۶ مـــــه ۱۹۷۹

۲۱۳

عضای کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر و ستاد پاسداران انقلاب در اعتراض ه توطئه‌هایی که برای جدایی خلق عرب و عجم و گسستن پیوند برادری چندین ساله مردم این منطقه در شرف تکوین است، بیانیه‌ای صادر نمود و طی آن اعلام کرد: «به عنوان اعتراض به عدم سیدگی به این امر مهم از طرف مقامات مسئول و عدم دستگیری عوامل اصلی توطئه، از امروز مسجدجامع متحصن خواهیم شد و در صورت عدم رسیدگی به موضوع،



مسجد جامع خرمشهر

دست به اعتصاب غذا خواهیم زد.»[۱]

آنها عامل جریانات اخیر خرمشهر را گروهی از ضدانقلابیون همچون "مکی فیصلی" نماینده سابق خلق عرب خرمشهر در رژیم سابق، دانستند و عاملان حمله به ستاد پاسداران را عناصر گروه‌های نظامی خلق عرب معرفی کردند. آنها اعلام کردند که به دلیل عدم تأمین جانی در شهر و رعایت نشدن قانون خلع‌سلاح عمومی به‌وسیله عناصر وابسته، ضمن جدا کردن حساب خلق عرب از معدودی افراد مغرض، به تحصن خود ادامه می‌دهند.[۲] تحصن‌کنندگان گفتند که با انحلال کانون خود، موافقت نموده‌اند مشروط بر این‌که سایر کانون‌ها و سازمان‌های خرمشهر نیز منحل شوند ولی خواسته‌های آنان دایر بر خلع‌سلاح عمومی و انحلال کلیه کانون‌ها و تشکیلات خرمشهر بلااقدام مانده‌است.[۳]

۲۱۴

سران شیوخ ایل باوی در استان خوزستان بعدازظهر امروز با تیمسار مدنی فرمانده نیروی‌دریایی و استاندار خوزستان در اهواز ملاقات و برای پاسداری از انقلاب‌اسلامی ایران سوگند یاد کردند. به گزارش مطبوعات، این شیوخ ـ که از طرف حدود صدهزار نفر از برادران و خواهران عرب مسلمان ایل "باوی" سخن می‌گفتند ـ با اشاره به سوابق اجدادی خود در دفاع از سرزمین ایران، اعلام کردند: «اگر اجنبی بخواهد در نهضت اسلام و انقلاب‌اسلامی ما مداخله کند، جان و مال خود را در راه مبارزه با آن نثار خواهیم کرد.» اینان همچنین اعلام کردند: «عرب و عجم فرقی ندارند و ما فقط به ایرانی بودن فکر می‌کنیم و نهضت اسلامی ایران. عشق ما عشق به وطن است و برای اسلام جان خواهیم داد. ایرانی هستیم و فریب نمی‌خوریم، با اشخاص تجزیه‌طلب مبارزه خواهیم کرد و اعتقاد داریم خوزستان، خوزستان است و ما ایرانی.»

استاندار خوزستان، در این ملاقات طی سخنانی گفت: «ما نمی‌خواهیم در این استان در وضعی قرار بگیریم که در مقابل مردم باشیم، برای این‌که ما کارگزاران مردم هستیم، اما در مقابل آدم‌های منحط باید ایستاد چون آنها از مردم نیستند. امروز در خوزستان آفت زیاد است، چون منابع زیاد است و منطقه حساس است. ما همواره دیده‌ایم که نغمه‌های باطل پر سروصداست. گروه معدودی حرکت ضدانقلابی دارند اما افراد انقلابی همه ملت ایران هستند. تاریخ نشان می‌دهد که برادران و خواهران ما در این استان همواره مرزدارانی دلیر بودند و بی‌شک امروز در پاسداری از انقلاب‌اسلامی ایران دلیرانه عمل خواهندکرد. متأسفانه افرادی در اجتماع راه پیدا کرده‌اند که به هیچ چیز عقیده ندارند جز به خدمت ارباب و استعمار بین‌المللی و انتظار ما از کسانی که مؤمن به انقلاب هستند این است که فرصت به این فریب‌خوردگان ندهند.»[۴]

۲۱۵

"عزالدین حسینی" در بازگشت از سفر تهران و قم، در "بانه" خواستار وحدت با گروه‌ها و سازمان‌های چپ(غیرمذهبی) برای رسیدن به خودمختاری کردستان شد. وی در سخنانی که در میان استقبال‌کنندگان خود در بانه ایراد کرد، گفت: «هنوز انقلاب ما به پایان نرسیده‌است، وقتی

پناهنده شده‌اند، به‌طور مستقیم در این عملیات شرکت دارند.» روزنامه لبنانی افزود: «گروه تندرو فرقان که مسئولیت ترور سرلشکر قرنی و آیت‌الله مطهری را به عهده گرفته‌است نموداری از سازمان‌های مخفی است که به دستور سازمان سیا عمل می‌کند.»[۱۵]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۵

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۵، ص۲.
۲ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۶، ص۷.
۳ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۶، ص۲.
۴ ـ روزنامه انقلاب‌اسلامی، سال اول، شماره ۹، ۱۳۵۸/۳/۶، ص۲.
۵ ـ مأخذ شماره ۲، ص۷.
۶ ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۳/۵، ص۴.
۷ ـ کانون فرهنگی ـ سیاسی خلق ترکمن، زندگی و مبارزه خلق ترکمن (گنبد کاووس، کانون فرهنگی ـ سیاسی خلق ترکمن، سال ۵۸) ص‌ص۲۰۵ ـ ۲۰۴.
۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.
۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۲، ص۸.
۱۱ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام‌خمینی، جلد۶ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی)، ص۲۸۴.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۲، ص۸.
۱۴ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۶۴، ۱۳۵۸/۳/۶، ص۸، رادیو لندن.
۱۵ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۳/۵، ص۱۲.

روزشمار

یکشنبه

۶ خرداد ۱۳۵۸

۱ رجب ۱۳۹۹

۲۷ مه ۱۹۷۹

۲۲۰
به گفته "محمدرضا علوی" فرماندار خرمشهر، در اجرای سیاست دولت و خواست آیات عظام و مردم، از امروز به کلیه قوای انتظامی مستقر در خرمشهر دستور داده شده چنانچه افرادی دارای سلاح‌های غیرمجاز هستند، آنها را خلع‌سلاح نمایند. فرماندار خرمشهر یادآور شد که در حال حاضر ۳ نوع اسلحه در خرمشهر وجود دارد که عبارتند از اسلحه‌های دولتی، اسلحه‌هایی که مردم شخصاً خریداری کرده‌اند و اسلحه‌های غیرمجاز که در مورد جمع‌آوری این اسلحه‌ها از امروز با قاطعیت عمل می‌شود. در مورد اسلحه‌های دولتی، مردم باید این سلاح‌ها را تحویل دهند و در مورد سلاح‌هایی که مردم به دستور امام برای مقابله با طاغوت خریداری کرده‌اند، مردم می‌توانند با تحویل آنها رسید دریافت دارند و ما نیز متقابلاً پول اسلحه‌ها را پرداخت خواهیم‌کرد.[۱]

۲۲۱
آیت‌الله محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی طی یک مصاحبه مطبوعاتی در قم، نتیجه مذاکرات خود و هیئت همراه را با امام‌خمینی تشریح کرد. وی گفت: نخستین مطلبی که مورد تأیید امام نیز قرار گرفت تسریع در تدوین قانون‌اساسی با درنظر داشتن آزادی کامل برای تمام مذاهب، احزاب و گروه‌ها بود. نکته دوم انتخاب افراد با تدبیر و ایمان برای تصدی مشاغل دولتی بود... شبیرخاقانی افزود: به هنگام دیدار با امام‌خمینی از موضوع بازداری برخی عناصر افراطی برای ایراد اتهام‌های بی‌مورد به دیگران، اصلاح و تصفیه کمیته‌ها، یافتن بهترین راه‌های توحیدی اعطای حقوق شرعی و قانونی به تمام خلق‌ها، گزینش پاسداران انقلاب به نسبت جمعیت و رعایت آزادی‌های بیشتر برطبق موازین شرعی برای ملت در رادیو و تلویزیون و مجلات و روزنامه‌ها سخن رفته‌است. وی افزود: منطقه خوزستان از جهات سیاسی و اقتصادی منطقه حساسی است و لازم است مأمورانی در آن خطه به‌کارگمارده شوند که با تدبیر و ایمان و سیاست و مهربانی به حل و فصل مسائل بپردازند. شبیرخاقانی در پایان گفت: این مطالب برای

اجرا مورد تأیید حضرت آیت‌الله‌العُظمی امام‌خمینی قرار گرفته‌است.[۲]

در همین حال رادیو کلن اعلام‌کرد که شیخ‌محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی هشدار داده‌است که بعید نیست به ایران دشواری‌های اقتصادی وارد آید، اگر دولت درخواست‌های سیاسی و مذهبی عرب را برآورده نسازد.[۳]

۲۲۲

آیت‌الله ربانی‌شیرازی نماینده امام‌خمینی که به گزارش مطبوعات سرگرم بازدید از شهرستان‌های تابع آذربایجان‌غربی و بررسی خواسته‌ها و مشکلات مردم این استان است، امروز به بخش مرزی "اشنویه" رفت و در جلسه‌ای که با حضور روحانیان اهل تسنن و معتمدان شهر اشنویه در سالن شهرداری این شهر تشکیل شد، شرکت کرد.

در این جلسه ابتدا آقای "قاضی خضری" امام‌جمعه اشنویه در سخنانش با اشاره به ملاقات هیئت روحانیان منطقه با امام‌خمینی، گفت: «ما انتظار داریم که در حکومت اسلامی کلیه فرمان‌ها و اقدامات با الهام از قرآن باشد و امیدواریم که از قرآن منحرف نشویم.»

آیت‌الله ربانی‌شیرازی در این جلسه در سخنانش ضمن تشکر از استقبال گرم مردم اشنویه و سایر مناطق کردنشین گفت: «این استقبال‌ها نشان می‌دهد که برادری ما روزبه‌روز محکمتر شده‌است و این‌که اهالی اشنویه با ابتکار جالب و ارزشمند خود قرآن را در این مجلس قرار داده‌اند، برای ما الهام‌بخش است. ما امیدواریم با اتحاد و اتفاق دست فرصت‌طلبان بیگانه‌پرست را که بخواهند بین ما اختلاف ایجاد کنند با توسل به قرآن قطع کنیم.»

آیت‌الله ربانی‌شیرازی در این مجلس از روحانیان و سران عشایر و سایر گروه‌های مردم اشنویه خواست که هرچه زودتر به اختلافات جزئی در منطقه پایان دهند و یادآور شد: «مسئله مهم امروز، برقراری امنیت مرزی است. باید مرزهای ما با نیروی انتظامی محافظت شود و این امر با نیروی انتظامی قوی مؤثر است.»[۱]



عبدالحسین بقایی
رهبر حزب جمهوری‌خواه ایران

۲۲۳

"عبدالحسین بقایی" رهبر حزب جمهوری‌خواه ایران در مورد الگوی حکومتی گفت: «اگر بخواهیم حکومت صدر اسلام را که ۱۴۰۰ سال از آن می‌گذرد الگوی حکومت و دولت امروز قرار دهیم بدون شک اشتباه می‌کنیم.» وی ضمن مخالفت تلویحی با

نظرهای امام، افزود: «وقتی که گفته می‌شود هرکس اسم اسلام را نیاورد کافر مطلق است، درست نیست. اختلاف‌نظرهای سیاسی را نباید با "لامذهبی" و "بی‌دین بودن" افراد اشتباه کرد.» بقایی همچنین مدعی شد که از طریق مذهب نمی‌شود با کمونیست‌ها مبارزه کرد؛ باید به آنها فرصت بدهیم حرفشان را بزنند تا مردم خود بدانند که حرف آنها چقدر بی‌منطق است.[۱]

۲۲۴

علی رغم وجود این تصور درجامعه از جمله درمیان برخی از مسئولین کشوری و لشکری که سازمان و ساختار و تجهیزات ارتش در جریان انقلاب کاملاً منهدم شده است، و تکرار همراه با بزرگنمایی این موضوع توسط رسانه‌ها و تحلیل‌گران خارجی، برخی اظهارنظرهای مسئولین ارتش که در واقع نوعی اعتراف محسوب می‌شود، نشان می‌دهد تجهیزات و ساختار این نیرو بر خلاف آنچه تبلیغ می‌شود، چندان هم دست‌نخورده است. از جمله این اظهارنظرها، امروز سرلشکر ناصر فربد رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران در یک مصاحبه مطبوعاتی راجع به بازدید چندروز قبل مهندس بازرگان و گفت‌وگوهای مطروحه فیمابین دولت موقت و ارتش و همچنین درباره روند تغییرات و شکل‌گیری ارتش جدید، گزارش مبسوطی ارائه کرد که به اختصار چنین است:

«مهندس بازرگان رئیس دولت در قبال مسئولیتی که در دوران انتقالی دارد طبعاً بایستی همه ارگان‌های مملکتی را بشناسد و بتواند اینها را هماهنگ کند و به‌کار بگیرد. وقتی که من این سمت را پذیرفتم، خود من هم در نتیجه برکناری چهار سال و نیم از ارتش به‌درستی نمی‌دانستم که انقلاب بر سر ارتش چه آورده‌است؛ من کارم را از شناخت ارتش و آگاهی از آن آغاز کردم. متأسفانه مردم تصور می‌کردند که ارتش فاقد تجهیزات است و با نهایت تأسف این موضوع سرایت کرده‌بود به کشورهای خارجی که من خودم ده‌ها مقاله دیدم که تردید کرده‌بودند که آیا ارتش ایران تجهیزات و اسلحه دارد؟

در یکی از نمایش‌هایی که بنده در فروردین‌ماه دیدم جز پرسنل بدون اونیفورم و مقداری شعار، چیزی ندیدم. این تردید برای من هم حاصل شده‌بود که شاید انقلاب به‌کلی تمام موضع نظامی ما را به هم ریخته است. از روزی که رفتم به سربازخانه‌ها، دیدم که خوشبختانه ارتش هست؛ تجهیزاتش را یافتم و سروسامان دادیم و سرباز و درجه‌دار و افسر را به سربازخانه برگرداندیم و اونیفورم تنش کردیم.

من موقعی که حضور حضرت آیت‌الله خمینی رسیدم، اعلام کردم که اجازه فرمایید ما ارتش را به مردم ایران و به دنیا نشان دهیم که ببینند ارتش هست و برمبنای این موجودیت تکلیف بعدی‌مان را روشن کنیم. خوشبختانه ایشان پذیرفتند و روز ۲۹ فروردین به‌نام روز ارتش نامیده شد و ارتش در سطح مملکت با تجهیزات، مهمات و اونیفورم، به‌نام راهپیمایی و همبستگی با ملت در شهرها رژه رفت تا نظامیان ما که به‌طور کاذب احساس حقارت می‌کردند، اینها ببینند که مردم به آنها نیاز دارند و همبستگی را حس بکنند و به بازسازی ارتش کمک شود.

حاضر مقیم نجف هستند درنظر دارد از عراق خارج شده و در کشور دیگری سکونت اختیار گفته می‌شود تصمیم مشارالیه به علت تضییقاتی است که خصوصاً در هفته‌های اخیر ت عراقی در مورد ایشان به‌عمل آورده‌اند.[(۱۱)]

د برژنف" صدر هیئت رئیسه شورای‌عالی اتحاد جماهیر شوروی در نامه متقابلی که به ت قبول استوارنامه دکتر "محمد مکری" سفیر ایران در شوروی برای نامبرده فرستاد، تأکید این اعتقاد قطعی ماست که هیچ‌گونه مشکلی که مانع تقویت اعتماد دوجانبه، ایجاد ن و نگرانی در روابط بین دو کشور شود، وجود ندارد. تمام آن چیزهایی که فرصت‌های ی برای توسعه همه‌جانبه روابط ایران و شوروی و تساوی حقوق دوجانبه همکاری‌های ین ایران و شوروی از جهت اقتصادی، بازرگانی، فرهنگی و سایر زمینه‌ها به نفع مردم دو ما فراهم می‌سازد، موجود است.» برژنف اضافه کرد: «ما از خروج ایران از "سنتو" استقبال م که به‌عنوان وسیله‌ای در دست نیروهای دشمن علیه صلح و دوستی بین ملت‌ها بود. از اتحاد جماهیر شوروی، تمایل جمهوری‌اسلامی ایران بر الحاق به جنبش عدم‌تعهد هنده این واقعیت است که جمهوری‌اسلامی ایران مساعی خود را در راه حفظ صلح دائمی ت ملت‌ها و مبارزه علیه امپریالیسم و استعمار جدید به‌کار خواهد برد. بنابراین در ت حاضر نشانه‌هایی نیز از همکاری در صحنه بین‌المللی با درنظرگرفتن تضمین صلح و امنیت ملل در مقابل دو کشور ما ایجاد شده‌است.» برژنف تصریح نمود: «در اوقات انقلاب ایران، اتحاد شوروی با اطمینان و بدون شبهه علیه هرگونه دخالت خارجی در خلی ایران به هر شکل و تحت هر عنوان اخطار کرد و اتحاد شوروی در میان اولین ایی بود که به شناسایی دولت موقت اسلامی ایران اقدام کرد.»[(۱۲)]

"قابوس‌بن‌سعید" سلطان عمان در مصاحبه‌ای با مجله تایم چاپ نیویورک با اشاره به خلیج‌فارس گفت: «وضع منطقه خلیج فوق‌العاده خطرناک شده‌است و امریکا هنوز هم رد که به یک ابتکار دیپلماتیک تازه دست بزند و در غیراین‌صورت، آیندهٔ خلیج بشدت دید قرار خواهد گرفت.» وی افزود: «من شخصاً از سیاست شوروی آگاهی کامل دارم و که این کشور چگونه از مردم منطقه بهره‌برداری می‌کند و چگونه آشوبگران را به ادامه خود تشویق می‌کند و اگر یک حمله سازمان‌یافته از جانب شوروی با ابعادی گسترده د، ما به کمک احتیاج خواهیم داشت. "سادات" بی‌تردید یک کمک نظامی برای ما فرستاد و "عربستان سعودی" نیز خود یکی از قدرت‌های منطقه است.»

واکنش به سخنان سلطان قابوس "احمدمحمد فسانی" عضو کمیته اجرایی جبهه خلق دی عمان (ظفار)، گفت: «هم اکنون هفت هزار سرباز مصری در عمان جای نیروهای گرفته‌اند و سلطان قابوس یک پایگاه نظامی استراتژیک در جزیره "مسیره" در اختیار

امریکا گذارده‌است که کشورهای خلیج‌فارس را به شدت تهدید می‌کند.» وی اضافه کرد: «سادات با امضای قرارداد ننگین صلح با اسرائیل، ارتش مصر را به ژاندارم امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه تبدیل کرده‌است. ارتش مصر که نزدیک به یک میلیون سرباز در اختیار دارد اینک دیگر در برابر اسرائیل قرار ندارد.»[(۱۳)]

ضمیمه خبر شماره ۲۲۴

سر لشکر فوبد در تحلیل چگونگی استقرار و تمرکز ارتش ایران در زمان رژیم سابق دچار اشتباه شده است چرا که در آن زمان نیز تمرکز ارتش ایران منطقه‌ای بوده است. در این باره سردار غلامعلی رشید معاون اطلاعات و عملیات فرماندهی کل قوا اظهار می‌داشت: فقط لشکر ۶۴ و لشکر ۲۸ در فاصله بین ترکیه و دریای خزر مستقر بودند و بقیه نیروها از جمله لشکر ۹۲، لشکرهای ۱ و ۲ گارد (لشکر ۲۱ حمزه)، لشکر ۷۷ خراسان، لشکر ۸۱ کرمانشاه، تیپ ۵۵ هوابرد، لشکر ۱۶ قزوین و... در مناطق مختلف کشور از جمله در جنوب، مرکز و شمال شرقی مستقر بودند.

منابع و مآخذ روز شمار ۱۳۵۸/۳/۶

۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۷، ص ۲.
۲ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۷، ص ۸.
۳ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"؛ نشریه شماره ۶۵، ۵۸/۳/۷؛ ص ۷؛ رادیو کلن.
۴ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۲.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۸.
۶ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۶، ص ۵.
۷ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۸ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۸، ص ۲.
۹ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۸، ص ۵، خبرگزاری فرانسه.
۱۰ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۰ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص ص ۶۵-۶۴.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲، خبرگزاری پارس، تهران.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۷ و مأخذ شماره ۲، ص ۱.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۸، خبرگزاری فرانسه.

روزشمار

دوشنبه

۷ خرداد ۱۳۵۸
۲ رجب ۱۳۹۹
۲۸ مه ۱۹۷۹

۲۳۰
در ادامه مخالفت با دستور تخلیه اماکن دولتی و خلع سلاح عمومی در خرمشهر، تحصن هواداران کانون فرهنگی خلق عرب در ساختمان تحت اشغال وارد هشتمین روز خود شد. به نوشته روزنامه کیهان، کانون مزبور اعلام کرد: ما هنوز دلیل قانع‌کننده‌ای جهت تخلیه ساختمان و کانون فرهنگی خلق عرب از طرف فرمانداری شهر ندیده‌ایم، زیرا این ساختمان دولتی است و ما هم کارمان جز بالا بردن فرهنگ چیز دیگری نمی‌تواند باشد. کانون فرهنگی خلق عرب ادعا کرد: در حال حاضر در کانون حتی یک سلاح سرد وجود ندارد چه رسد به تفنگ و غیره ... مسئله حمله به ستاد پاسداران و کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر باعث تأسف همگی ماست، زیرا ما سال‌ها با برادران عجم خویش در یک خطه و درکنار هم زندگی کرده‌ایم و همگیمان چوب پنجاه سال اختناق و زجر و شکنجه را چشیده‌ایم. تنها منافقین مایلند ما از هم جدا شویم تا بتوانند از این آب گل‌آلود ماهی بگیرند و تا زمانی که به خواسته‌های ما نرسند، به حال تحصن باقی خواهیم‌ماند.[1]

از سوی دیگر، در مقابل، اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان نیز، همچنان به تحصن خود در مسجدجامع خرمشهر ادامه می‌دهند. به نوشته روزنامه کیهان در حال حاضر بازار خرمشهر به علت حوادث اخیر خرمشهر به حال تعطیل درآمده‌است و کسبه و بازاریان در مسجدجامع به تحصن نشسته‌اند. گویا این تعطیل شدن بازار هفت روز به طول می‌انجامد.[2]

در همین حال ستاد نیروی‌دریایی جمهوری‌اسلامی ایران در تلفنگرامی به وزارت کشور اطلاع داد که برابر گزارش پایگاه دریایی خرمشهر، در مورخه ۵۸/۳/۷ ساعت ۶ صبح سه نفر مسلح بوسیله دژبانی خلع‌سلاح شدند و اسلحه‌های آنان که شامل یک ژ ـ ۳ و یک برنو و یک اسلحه روسی بود، ضبط و یک نفر دستگیر گردید که به دژبانی آبادان اعزام شد. سازمان خلق عرب و برادر شبیرخاقانی مصراً تقاضای اعاده سلاحها را نموده و اظهار می‌دارد که در حال مذاکره برای خلع‌سلاح می‌باشد که در این مورد تذکر داده شد حمل‌سلاح غیرقانونی می‌باشد. در

ضمن تعداد زیادی از جوانان عرب‌زبان هم اکنون جلو منزل شبیرخاقانی تجمع نموده‌اند و اظهار می‌دارند باید شدت عمل به خرج داد.[3]

۲۳۱
با پایان یافتن سفر "آیت‌الله شیخ شبیرخاقانی" به تهران و قم و بازگشت وی به خوزستان، به گزارش روزنامه کیهان هزاران نفر از وی در ایستگاه راه‌آهن خرمشهر استقبال کردند. در گزارش کیهان آمده‌است:

«در ایستگاه راه‌آهن و در "مسجد امام‌جعفرصادق(ص)" بیش از ده‌ها رأس گوسفند جهت سلامتی آیت‌الله خاقانی سربریدند. آیت‌الله خاقانی به علت خستگی سفر، تنها در مسجد امام‌جعفرصادق(ص) بار دیگر مردم را به برادری و مساوات راهنمایی فرمودند. در پایان سخنان آیت‌الله، عشایر خلق عرب چند تیرهوایی به تأیید گفته ایشان شلیک نمودند. در مصاحبه کوتاهی که خبرنگار ما با فرزند آیت‌الله (شیخ کاظم آل‌شبیرخاقانی) بعد از سفرشان به قم انجام داد، چنین اظهار داشتند: مطالبی که در قم بین امام و آیت‌الله آل‌شبیرخاقانی مطرح شد، کلیه خواست‌های مربوط به منطقه بود که امام گفتند ما سعی خواهیم کرد به مرور زمان آنها را انجام دهیم و خواست‌های مطروحه چنین بود:

۱ ـ سعی و کوشش هرچه زودتر جهت تدوین قانون‌اساسی و تعیین رئیس‌جمهور و گذاشتن مذهب جعفری به عنوان دین رسمی و با درنظرگرفتن آزادی کامل برای تمام مذاهب و ادیان، احزاب و گروه‌های مختلف، تا آن‌جایی که موجب تضعیف حکومت‌اسلامی و قدمی برخلاف مصالح عمومی کشور و حکومت‌اسلامی برداشته نشود.

۲ ـ دقت هرچه بیشتر در انتخاب افراد مسئول دولتی و انتخاب آنان از افراد با ایمان.

۳ ـ تجدیدنظر در دادگاه‌های موجود و اعدام‌های این دادگاه‌ها و قرار دادن دادگاه‌هایی تحت نظر مراجع و مجتهدین تا این که برطبق موازین شرعی در آنها عمل شود.

۴ ـ دادن آزادی بیشتر بر طبق موازین شرعی برای علمای اسلام و تمام ملت در رادیو تلویزیون‌ها و مجلات.

۵ ـ زیرپوشش قرار دادن تمام کارگران و کارمندان غیررسمی جهت تامین حقوق و آینده آنان.

۶ ـ مأمورانی که در خوزستان انتخاب می‌شوند برای حفظ متعلقه لازم است که از افراد با تدبیر و با ایمان باشند نه افرادی که بخواهند به جای آن که کارها را از راه سیاست و تدبیر حل کنند، از زور و ارعاب استفاده کنند. ضمناً یادآور می‌شود که افرادی در آن منطقه موجبات نفاق‌افکنی و دودستگی بین مردم شده‌اند و لازم است جلو این افراد گرفته شود.»[4]

۲۳۲
در حالی که اوضاع در خرمشهر به دلیل مخالفت گروه‌های خلق عرب با تخلیه اماکن دولتی و اعتصاب هشت روزه ناآرام است، امروز دکتر ابراهیم یزدی وزیر امورخارجه دولت موقت در

نامه‌ای به احمد صدرحاج‌سیدجوادی وزیر کشور، پیش‌بینی روزنامه کریستین ساینس مانیتور مبنی بر بروز "کُشت و کُشتار بزرگ" در تهران و خوزستان و در نتیجه قطع صدور نفت ایران را به اطلاع وی رساند. متن کامل این نامه به قرار زیر است:

سفارت جمهوری‌اسلامی‌ایران طی تلگرامی اطلاع می‌دهد روزنامه کریستین ساینس مانیتور در مقاله‌ای به‌قلم JOHN CUOLEY تحت عنوان "جریان نفت ایران ممکن است دوباره قطع شود"، گزارش می‌دهد که ممکن است در تابستان امسال آشوب‌های سیاسی تازه‌ای در ایران رخ دهد که باعث قطع جریان نفت آن کشور به ایالات متحده گردد. از یک ماه پیش درباره خبرهایی درباره احتمال انجام اعتصاب عمومی در سرزمین‌های نفت‌خیز خوزستان شنیده می‌شود. مقاله می‌افزاید لااقل سه گروه انقلابی عرب خواستار خودمختاری برای خوزستان می‌باشند. قرار است که در ماه جاری این سه گروه موضوع خودمختاری اعراب در چهارچوب یک جمهوری فدرال اسلامی را طی اجتماعی در خرمشهر مورد بحث قرار دهند. این خبر از سوی "جبهه آزادی‌بخش اهواز" منتشر شده‌است. قطع نفت ایران در زمستان گذشته باعث کمبودهایی در ایالات متحده امریکا و دیگر ممالک صنعتی غربی گردید. در نتیجه مسئولان انرژی امریکا مشغول مطالعه در مورد اینکه نفت خود را از کجا وارد نمایند می‌باشند. نویسنده می‌افزاید بین ششصدهزار الی نهصدهزار تن از نژاد عرب در خرمشهر، اهواز و آبادان زندگی می‌کنند و حدود دویست‌هزار تن از کارکنان صنعت نفت اصلاً عرب می‌باشند. رهبر جبهه اهواز سید عباس الماهری به دولت آیت‌الله خمینی هشدار داده است که اگر به اعراب خوزستان خودمختاری داده نشود آنها مجبور به مبارزه مسلحانه و استفاده از قدرت نفت خواهند شد.

آژانس خبری A.P.S (Arab Press Service) که مرکز آن در قبرس است در روز دوم مه اعلام کرد که براساس منابع نزدیک به سازمان آزادی‌بخش فلسطین و گروه‌های مارکسیستی، کُشت و کشتار بزرگی در ماه‌های ژوئیه و اوت (تیر و مرداد) امسال در تهران انجام خواهد شد که آغاز انقلابی دیگر در ایران است. آژانس خبری A.P.S افزوده است که هم اکنون گروه‌های تندرو عرب در خوزستان سرگرم سازمان دادن یک اعتصاب عمومی در سرزمین‌های نفت‌خیز به عنوان قسمتی از برنامه‌های مبارزاتی خود برای کسب خودمختاری می‌باشند. مراتب جهت استحضار اعلام گردید.[۵]

۲۳۳

نشریه "کار" ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق در دومین بخش از گزارش مفصل خود با عنوان "گزارش چگونگی وقایع در خرمشهر" که در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۳۱ به چاپ رساند، نوشت:

«صبح زود روز دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۵۸ سه نفر از اعضای مسلح" سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان" که برای خرید صبحانه از ستاد خود بیرون رفته بودند، توسط پاسداران و کماندوهای اعزامی از پادگان‌های سایر شهرها دستگیر شده به مرکز دژبان اعزام می‌شوند. به دنبال اولتیماتوم سازمان سیاسی خلق عرب مبنی‌بر حمله به دژبان درصورت ادامه بازداشت افراد مذکور،

بازداشت‌شدگان بعد از خلع‌سلاح آزاد می‌شوند. در این جریان تیراندازی‌هایی صورت می‌گیرد ولی به کسی آسیب نمی‌رسد.

در همین روز پاسگاه ژاندارمری "دیری فارم" واقع در منطقه عرب‌نشین غربی جزیره آبادان به تلافی، مورد حمله انتقامی اعراب مسلح قرارگرفته، پس از اشغال پاسگاه مأموران آن خلع‌سلاح می‌شوند. گفته می‌شود قریب ۳۰ قبضه اسلحه در این حمله به دست اعراب می‌افتد.

ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی که برای مذاکره با امام‌خمینی، نخست‌وزیر و آیت‌الله طالقانی به قم و تهران مسافرت کرده‌بود، با قطار به خرمشهر مراجعت می‌کند. در ایستگاه راه‌آهن از طرف هوادارانش به گرمی مورد استقبال قرارمی‌گیرد.

شیخ بلافاصله در ملاقات با نزدیکان خود اعلام می‌دارد که مرکز با بسیاری از خواسته‌ها موافقت کرده‌است و متعهد شده‌است در مقابل قول خلع‌سلاح ـ که من به آنها داده‌ام ـ مقامات شهر و استان (یعنی مدنی استاندار و علوی فرماندار خرمشهر) تغییر یابند و افرادی دیگر با صلاح دید ما انتخاب شوند و اختیارات دیگری نیز به ما داده شده‌است.

شایعه تغییر استاندار و فرماندار به سرعت در شهر می‌پیچد و بسیاری از دست‌اندرکاران و مسؤلین ادارات دولتی، خود را برای تغییر و تحولات تازه آماده می‌کنند و به تهیه طرح‌هایی برای پیشنهاد به شیخ در مورد ادارات خود می‌پردازند.

جو سیاسی شهر به نفع هواداران "حاکمیت عرب بر سرنوشت خود" (اعم از تجزیه‌طلبان، برتری‌طلبان، عناصر واقع‌بین، پیشرو مترقی و محافظه‌کاران) تغییر می‌یابد. امیدواری زیادی برای حل مسائل شهر و منطقه از راه گفت‌وگو و روش‌های سیاسی (که مدت زمانی بود از این روش‌ها مأیوس شده‌بودند) در مردم ایجاد می‌شود.

برعکس در کلیه افرادی که در آن زمان قدرت را در شهر به دست داشتند یعنی کمیته نوری، سپاه پاسداران، کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر (شاخه سازمان فدائیان اسلام در خرمشهر)، هواداران سازمان امل، اعضای گروه "النصر" (به رهبری روحانی تازه واردی از قم بنام "علی‌اکبر محمودی شیرازی") اعضای گروه اباذر (گروهی با مشخصاتی بیش و کم شبیه گروه النصر که با هدف مبارزه با نیروهای پیشرو و مترقی ایجاد شده‌است) ... خشم و یأس عارض می‌شود.

تحصن اعضا و هواداران کانون فرهنگی عرب وارد هشتمین روز خود می‌شود و نسبت به روزهای قبل عده بیشتری از نیروهای عرب از آن حمایت می‌کنند.

همچنین تحصن اعضا و هواداران کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون خرمشهر نیز وارد سومین روز خود می‌شود و زمینه برای صف‌آرایی بیشتر و بیشتر نیروهای سیاسی و توده‌های عرب و غیرعرب فراهم می‌شود.»[۶]

۲۳۴

استاندار کردستان "ابراهیم یونسی" در مورد خلع‌سلاح این استان گفت: اگر مردم امنیت خود را

حساب ارضی* دو کشور نامبرده صورت می‌گیرد. ناگفته نماند که اراضی این منطقه، طبق پیش‌بینی کارشناسان امریکایی از لحاظ ذخائر نفت و گاز، فلزات و مواد معدنی مختلف بسیار غنی است.(۲۱)

ضمیمه خبر شماره ۲۳۸

گفتنی است که این ماجرا باعث شد، مخالفان حزب توده، بخصوص مائوئیست‌ها، نیز دلیل و بهانه مناسبی برای کوبیدن رقیب بیابند. آنها با نیشخند مطرح کردند که معلوم شد دلیل پافشاری قبلی حزب توده بر افشای اسامی کلیه ساواکی‌ها همین بوده‌است که هر روز منتظر آبروریزی جدیدی نباشند و تکلیف خود را بدانند. آنها با تمسخر از حزب خواستند که یکبار اسامی کلیه توده‌ای‌های مأمور به ساواک را اعلام کند تا اگر باز هم اسامی جدیدی از ساواکی‌های توده‌ای بیرون آمد، ادعای نفوذ نکند.

نکته دیگر اینکه بخش اصلی تحریریه و سردبیری کیهان که در سال‌های اخیر فی‌الواقع ائتلافی از گروه‌های چپ غیرمذهبی و نیز گرایش‌های مختلف مخالف اسلامیت نظام جدید بود، تحت فشار افکار عمومی، جنبه‌هایی از تظاهر به ضدیت با اسلامیت نظام و هواداری شدید از گروه‌های مخالف را تعدیل کرد و بتدریج و به آهستگی، چارچوب تاکتیکی و سیاست تبلیغاتی حزب توده در آن غلبه می‌یافت. قبل از این که این شیوه کاملاً غلبه یابد و مواضع تندی راکه علیه کیهان در محافل مذهبی و مردمی پدید آمده بود اندکی ملایم می‌نماید، اسیر تحریک کارگران و کارکنان مذهبی کیهان شد که طبعاً بشدت مورد حمایت محافل مختلف سیاسی مذهبی بیرون مؤسسه بودند. نکته دیگر این که، بعد از گذشت ۱۵ روز از تغییرات ذکر شده، هنوز خط مشی حاکم بر کیهان دقیقاً مشخص نشده‌است، ولی از سیاق مطالب می‌توان گفت نوعی آمیختگی از گرایش‌های خط امامی، مجاهدین خلق، گروه‌هایی چون جنبش مسلمانان مبارز و جاما با محوریت گرایش فکری سیاسی نهضت آزادی اما با رنگ رادیکالی آن، در حال شکل‌گیری و غلبه یافتن بر مشی کیهان است.

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۷

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۷، ص۴.
۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۴.
۳ ـ سند شماره ۱۳۴۳۵۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام ستاد نیروی دریایی جمهوری‌اسلامی ایران به وزارت کشور.
۴ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۸، ص۱.
۵ ـ سند شماره ۸ ـ۱۳۴۳۵۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نامه دکتر یزدی به وزیر کشور.
۶ ـ نشریه کار (ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق) سال اول، شماره ۱۶، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۵.
۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۷، ص۲.
۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص۶.
۹ ـ مأخذ شماره ۵، ص۲.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳ و روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۸، ص۱.
*

* اصطلاح "حساب ارضی" بر وزن "حساب ارزی" بکار گرفته شده و منظور از آن جدا کردن بخش‌هایی از قلمرو سرزمین دو کشور ایران و پاکستان است. (مرکز)

۱۱ ـ روزنامه مردم، ارگان حزب توده، شماره ۱۹، ۱۳۵۸/۳/۷، ص۶.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۵، ص‌ص ۱ و ۸.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص۷.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص۶.
۱۵ ـ عبدالعلی بازرگان، مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب (تهران: دفتر نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲) ص‌ص ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۷۳.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱.
۱۷ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۷۲-۷۱.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۱۷، ص‌ص ۷۰ ـ ۶۸.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص۷، آسوشیتدپرس، کراچی.
۲۰ ـ نشریه هفتگی "امت" (ارگان جنبش مسلمانان مبارز)، شماره ۱۰، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص۱۱، به نقل از "کویت تایمز".
۲۱ ـ مأخذ شماره ۱۱، ص۶ و هفته‌نامه الکفاح العربی چاپ لبنان.

روزشمار
سه‌شنبه
۸ خرداد ۱۳۵۸
۳ رجب ۱۳۹۹
۲۹ مه ۱۹۷۹

۲۴/

' اعتصاب غذای اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر و تظاهرات مردم ز حمایت از خلع‌سلاح عمومی و درگیری عناصر خلق عرب در گمرک و شهادت دو پاسدار، حران در این شهر وارد مرحله تازه‌ای شد. امروز در چهارمین روز تحصن اعضای کانون مزبور به مراه ستاد پاسداران و گروهی از مردم و کسبه این شهر، ۳۰۰ تن از متحصنان دست به اعتصاب ذا زدند.[۱] از سوی دیگر، از ساعت ۹:۳۰ صبح راهپیمایی با حضور روحانیان خرمشهر به مایت از استاندار خوزستان صورت گرفت. تظاهرکنندگان ضمن دادن شعارهایی در تأیید ستاندار در زمینه اعزام تکاوران دریایی جهت برقراری نظم در خرمشهر، خواستار خلع‌سلاح مومی و بازداشت عاملان فاجعه خرمشهر شدند. در این راهپیمایی همچنین مردم خواستار ستفاده از پاسداران غیربومی برای کنترل شهر شدند.[۲] خبرنگار کیهان تعداد تظاهرکنندگان را دهزار تن ذکر کرده‌است.[۳]

کمتر از ساعتی مانده به ظهر، عامل جدیدی برای اوجگیری بحران پدید آمد و خبری رعت در افواه منتشر شد و آن این بود که عناصر خلق عرب به تلافی خلع‌سلاح ۳ تن از کاران خود، به گمرک خرمشهر حمله کردند و دو پاسدار انقلاب را به شهادت رسانده‌اند. ـاجرا از این قرار بود که در ساعت ۱۱:۳۰ عده‌ای ه در بعضی مطبوعات حدود ۲۰ تن اعلام شد ـ قصد ورود به گمرک خرمشهر از در "فعلیه" را ستند که با ممانعت یکی از پاسداران روبه‌رو شدند (احتمالاً برای نشان دادن موضع قدرت و ثی کردن تأثیر مسئله خلع سلاح در بازار) که به درگیری کشید و بعد از درگیری وی را به ادت رساندند و پاسدار دومی را نیز با ضرب گلوله به شهادت رسانیدند.[۴]

در مورد علت این اقدام عناصر خلق عرب و چگونگی آن در گزارش‌های دیگری به نقل از توبات برخی از نیروهای نظامی حاضر در محل چنین آمده‌است: «همزمان با شروع مذاکرات ع‌سلاح، سه نفر از عناصر خلق عرب توسط تکاوران در بازار خلع‌سلاح شدند. عناصر فوق به

انتقام خلع‌سلاح دو نفر، یک پاسدار و دیگری نگهبان گمرک را به شهادت رسانیدند.[۵]

اما اطلاعیه دولت در این باره حاکی است: «در روز سه شنبه ۵۸/۳/۸ هشت نفر که به طور قاچاق وارد مرز شده‌بودند در نزدیکی انبار گمرک با یکی از پاسداران درگیر شده او را خلع‌سلاح کرده و به قتل می‌رسانند و پاسدار دیگر را نیز که برای کمک آمده بود به قتل می‌رسانند.[۶] به گزارش کیهان مهاجمان ۱۵ نفر بودند که دو تن از آنها مجروح و دستگیر شدند و تحت معالجه و بازجویی قرار گرفتند. کشته‌شدگان یکی از اعضای گارد بندر به نام "یدالله رحمتی" اهل خرم‌آباد و دیگری "محمدابراهیم طاهری" از پاسداران انقلاب بودند. از چندی پیش شب‌ها عده‌ای به گارد بندر به طور مسلحانه حمله می‌کنند و کالاها و فشنگ‌ها و... را به سرقت می‌برند.[۷]

به هرحال به دنبال حادثه گمرک، در خرمشهر وضعیت فوق‌العاده اعلام شد و گمرک این شهر و نخلستان‌های اطراف به محاصره نیروهای پاسدار و ارتش درآمد و جست‌وجوی وسیعی برای شناسایی عاملان قتل آغاز شد. همچنین نقاط حساس شهر تحت مراقبت شدید نظامیان درآمد و به ارتش و شهربانی آماده‌باش داده‌شد.[۸]

شب هنگام، تشییع جنازه "شهید رحیمی" ـ که توسط اقوام وی در حال انتقال به خرم‌آباد بود ـ و شهید دیگر، به تظاهراتی چندین هزار نفره تبدیل شد. هزاران تن به طرف مسجد امام‌صادق(ع) (مسجد آیت‌الله شبیرخاقانی) رفتند و شعار دادند که انتقام خون این شهیدان را از عاملان آن خواهند گرفت.[۹]

در این حال، در پی بحرانی شدن اوضاع خرمشهر، مدنی استاندار خوزستان در ساعت ۵ بعدازظهر وارد این شهر شد و بلافاصله در کمیسیون بررسی امنیت که با حضور مسئولان اداری، سیاسی و نظامی شهر تشکیل شد شرکت کرد که تا نیمه شب ادامه یافت.[۱۰]

از حدود ساعت ۲۲ مذاکراتی بین وی و مسئولان شهری و برخی از روحانیان با برادر شبیرخاقانی و تنی چند از نمایندگان وی انجام شد. در این جلسه نمایندگان آیت‌الله آل‌شبیر اعلام کردند که سران قبایل گفته‌اند ۲۴ ساعت دیگر مهلت لازم است تا قضایا به طور مسالمت‌آمیز حل و فصل شود. لذا توافق شد که موضوع خلع‌سلاح تا روز پنجشنبه ۱۳۵۸/۳/۱۰ به تعویق افتد.[۱۱]

در همین زمینه، دولت موقت با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «به دنبال تحصن سه‌شنبه ۵۸/۳/۸ پاسداران در مسجدجامع مبنی‌بر این که مانع انجام کار آنان می‌شوند "آیت‌الله شیخ شبیرخاقانی" با استاندار مذاکراتی داشتند که در آن تصمیم می‌گیرند که دولت تا روز پنجشنبه به سازمان‌های سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی خلق عرب مهلت بدهد تا مکان‌های دولتی را تخلیه کنند و اسلحه‌های خود را تحویل دهند.»[۱۲]

۲۴۹

در نشریه کار ارگان سازمان چریک‌های فدایی در مطلب مفصلی با عنوان "گزارش چگونگی وقایع در خرمشهر" مندرج در شماره ۳۱ این نشریه حوادث امروز (سه‌شنبه هشتم خرداد) به

شرح زیر توصیف شده‌است:

«ساعت ۹ صبح در حدود سه هزار نفر از اهالی شهر (عمدتاً از میان کسبه، پیشه‌وران، بازاریان و تجار) به دعوت کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر و ستاد پاسداران انقلاب‌اسلامی خرمشهر به طرف‌داری از مدنی استاندار خوزستان دست به راهپیمایی می‌زنند. این راهپیمایی به دنبال پخش شایعه‌ای بود مبنی بر تغییر مدنی از سمت استانداری خوزستان و جانشین شدن یکی از افراد مورد نظر شیخ محمدطاهر به این سمت. در این راهپیمایی شعارهایی علیه تجزیه‌طلبان، شیوخ مرتجع و کمونیست‌ها داده می‌شود و طی قطع‌نامه‌ای ضمن محکوم‌کردن سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان و کانون فرهنگی عرب، خواستار انحلال این مراکز و خلع‌سلاح افراد و سازمان‌های غیرمسئول و دستگیری و مجازات مسببین و عاملین حمله و آتش‌سوزی ستاد پاسداران انقلاب‌اسلامی و کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر می‌شوند. این راهپیمایی از جلو مسجدجامع (محل متحصنین طرف‌دار کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر) و بازار صفا (پایگاه اصلی نیروهای طرف‌دار انقلاب‌اسلامی و امام) شروع می‌شود و در یکی از خیابان‌های نزدیک به مرکز شهر خاتمه می‌یابد. در این راهپیمایی و همچنین در قطع‌نامه آن‌کمترین اشاره‌ای به حقانیت اعراب در طرح حقوق ملی و قومی خود نمی‌شود و عملاً جریان‌های سیاسی خلق عرب تماماً ضدخلقی و ضدانقلابی معرفی می‌شود و فعالیت‌های آنان به سود ضدانقلاب، استعمار و ارتجاع، قلمداد می‌شود. این راهپیمایی همچنین از آن جا که به هواداری از مدنی انجام شده‌است و اختلافات شیخ محمدطاهر با مدنی زبان‌زد خاص و عام است، عملاً حرکتی در جهت مخالفت بی‌پرده با شیخ محمدطاهر محسوب می‌شود. مقارن انجام این راهپیمایی، در حدود ساعت ۱۱ صبح عده‌ای جوان عرب مسلح به اسلحه سرد (چاقو و دشنه) به در ورودی فعلیه (یکی از درهای ورودی اداره بندر خرمشهر در قسمت شمال غربی شهر و در حاشیه ساحل شرقی شط‌العرب[اروند رود]) مراجعه می‌کنند و به عنوان کارگر استیودورینگ (یکی از شرکت‌های پیمانکاری که قریب ۴۰۰۰ کارگر دارد) قصد ورود به داخل محوطه بندر را دارند. دو نفر از پاسداران مسلحی که از روز قبل به عنوان کمک به گارد ثابت بندر و ظاهراً به درخواست رئیس اداره بندر (مهندس دیده‌ور) در این قسمت مستقر شده بودند، از آنها تقاضای "پاس" (ورقه عبور) می‌کنند و افراد مسلح مدعی می‌شوند که ورقه عبورشان در دست سرکارگرشان که روی اسکله است می‌باشد و چنانچه به آنها اجازه داده شود، آن را پس از ورود از سرکارگر مزبور گرفته، ارائه خواهند داد. مذاکرات به این ترتیب به مشاجرات تبدیل می‌شود.

افراد به ظاهر کارگر، پاسداران را کاملاً در محاصره خود می‌گیرند، وقتی که یکی از مأمورین ثابت گارد گمرک برای اطلاع از چگونگی ماوقع به آنها نزدیک می‌شود، او را هم محاصره کرده اسلحه کمریش را بسرعت از او می‌گیرند و پس از تیراندازی به او یکی از پاسداران دیگر را نیز خلع‌سلاح می‌کنند (به این ترتیب دو قبضه یوزی و ژ-۳ به دست می‌آورند) و بسرعت متواری

می‌شوند. در این حادثه مأمور گارد ثابت گمرک و یکی از پاسداران به قتل می‌رسند و چند نفر نیز زخمی می‌شوند.

به دنبال این واقعه، مأمورین گارد گمرک دست از کار می‌کشند و به عنوان اعتراض سلاح‌های خود را تحویل می‌دهند و متحصن می‌شوند. ماجرای حمله به بندر و کشته شدن دو نفر پاسدار و مأمور وسیله مناسبی می‌شود برای گسترش تبلیغات علیه احزاب مسلط و سازمان‌های آنها. به این ترتیب در مراسم تشییع جنازه و به خاک‌سپاری دو نفر مزبور، سخنرانی‌های بسیار تحریک‌آمیزی ایراد می‌شود.»

در پایان گزارش نشریه کار آمده است: «واقعه حمله به در خروجی بندر به تشکیل جلسه امنیت شهر در فرمانداری منجر می‌شود. در این جلسه عده‌ای از روحانیون صاحب قدرت و مرتجع، معاون استاندار و فرمانده نیروی‌دریایی خرمشهر، "سرگرد خوشنام" ـ که بلافاصله بعد از انقلاب ارتقاء درجه یافته با وجود گذشته تاریک خود به "سرهنگ خوشنام" تبدیل می‌شود ـ فرماندار خرمشهر، یعنی محمدرضا علوی از افراد یکی از خانواده‌های ثروتمند خرمشهر، شرکت دارند.»(۱۳)

۲۵۰

در بازتاب وقایع امروز خرمشهر، یونایتدپرس طی گزارشی اعلام کرد: چریک‌های عرب امروز با نیروهای دولتی به زد و خورد پرداختند. این زد و خوردها در شهر بندری خرمشهر روی داد و گزارش‌های رسیده حاکی است که تیراندازی‌های شدید به مدت سه ساعت ادامه داشت. به نظر می‌رسد این اقدام به تلافی تظاهرات ضدعرب که در شهر اتفاق افتاده بود، صورت گرفته‌است. این تیراندازی‌ها در حالی صورت گرفت که طرف‌داران دولت به منظور درهم شکستن اعتصاب بیست و چهار روزه کارکنان بندر، اعلام یک راهپیمایی دیگر کرده‌اند. این اعتصاب، بزرگترین بندر کشور را فلج کرده‌است.(۱۴)

۲۵۱

خبرنگار روزنامه کیهان از اهواز گزارش داد: «امروز بیش از صد هزار نفر از طبقات مختلف مردم شهر اهواز و مجاهدین اسلامی عشایر زرگان به دعوت جامعه روحانیت اهواز در تأیید و حمایت و پشتیبانی از تیمسار دکتر احمد مدنی استاندار خوزستان و نیز محکوم کردن عاملین سوءقصد به جان حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند و در حالی که پیشاپیش صف راهپیمایان روحانیون مبارز و مجاهد اهواز شرکت داشتند، شعار "مدنی پیروز است، تجزیه‌طلب نابود است" و "منافقین بدانند راه نفوذ ندارند"، گفته می‌شد. راهپیمایان بعد از عبور از چند خیابان وارد حسینیه اعظم شدند و به سخنرانی حجت‌الاسلام خزعلی که پیرامون مقام و شخصیت والای رهبر انقلاب امام‌خمینی و فعالیت‌های پی‌گیر تیمسار مدنی استاندار خوزستان به تفصیل سخن می‌گفت، گوش فرادادند و در پایان قطع‌نامه‌ای قرائت گردید. بازار اهواز نیز بکلی تعطیل بود و عموم بازاریان در این راهپیمایی بزرگ شرکت داشتند و در

پایان راهپیمایی پیام حضرت آیت‌الله محمد کرمی توسط سیدمحمد نوری یکی از طلاب حوزه علمیه اهواز در حسینیه اعظم این شهر به زبان عربی قرائت شد. در این پیام تمام اقشار به همبستگی و وحدت کلمه و اتحاد و اتفاق بیشتر در پاسداری از اهداف انقلاب‌اسلامی ایران دعوت شدند.»[۱۵]

۲۵۲
آیت‌الله ربانی‌شیرازی که در رأس هیئتی به مناطق کردنشین سفر کرده‌است، وعده داد که کمیته‌ای مرکب از کردها و ترک‌ها که امور انتظامی شهر نقده را به عهده می‌گیرد، تشکیل خواهدشد. به نوشتهٔ روزنامه اطلاعات در جلسه‌ای که با حضور آیت‌الله ربانی‌شیرازی، استاندار آذربایجان‌غربی و فرماندار مهاباد و برخی دیگر از مقامات در مهاباد تشکیل شد ضمن اتخاذ تصمیم در مورد تشکیل کمیته‌ای مرکب از برادران کرد و ترک به طور مشترک، قرار شد تا آوارگان شهرستان نقده به محل سکونت خود بازگردانده شوند و دولت نیز خسارت وارده به آوارگان را پرداخت کند.[۱۶]

۲۵۳
به دنبال حمله اشرار و سازمان‌های مسلح به روستاهای مناطق غرب کشور، به نوشته روزنامه اطلاعات نیروهای ارتش و پاسداران انقلاب برای سرکوب آنان وارد عمل می‌شوند. در این گزارش آمده‌است: «در پی حمله اشرار به روستاهای مناطق غرب کشور که تاکنون منجر به کشته شدن ۱۴ نفر و غارت احشام روستاییان شده‌است، در جلسه مسئولین منطقه تصمیم گرفته‌شد که برای حفظ نظم و امنیت در مناطق غرب، ارتش وارد عمل شود. معاون سیاسی و اداری استانداری کرمانشاه در این باره گفت: علی‌رغم دایر بودن پاسگاه‌های ژاندارمری در منطقه و آمادگی آنان برای دادن خدمات نظامی برای پاکسازی منطقه از اشرار، تصمیم گرفته شد از یگان‌های ارتش و پاسداران انقلاب نیز کمک گرفته شود که پس از اطلاع وزیر کشور از این تصمیم، واحدهای نظامی برای برقراری امنیت از صبح روز ۵۸/۳/۸ در منطقه مستقر شدند. این تصمیم در جلسه‌ای که با شرکت نماینده امام‌خمینی، معاون استانداری کرمانشاه، فرمانده ناحیه ژاندارمری کرمانشاه، معاون لشکر ۸۱ زرهی و فرمانداران شهرهای اسلام‌آباد، قصرشیرین، فرمانده هنگ ژاندارمری قصرشیرین و رؤسای کمیته‌های قصرشیرین، اسلام‌آباد، ایوان‌غرب، ایلام، گیلان‌غرب و سرپل‌ذهاب در فرمانداری اسلام‌آباد تشکیل گردید، اتخاذ شد.»[۱۷] در همین حال روزنامه کیهان نوشت: «در اثر درگیری‌های منطقه ذهاب صدها نفر از اهالی سرپل‌ذهاب و آبادی‌های اطراف در هنگ ژاندارمری قصرشیرین متحصن شده و خواستار رسیدگی به وضع امنیتی منطقه شدند.»[۱۸]

۲۵۴
در پی تحرکات عناصر مشکوک در منطقه ترکمن‌صحرا، دادستان گنبد کاووس با انتشار اطلاعیه‌ای در مورد "توطئه‌های ضدانقلاب" هشدار داد و اعلام کرد: این گروه سعی در

برافروختن آتش اختلافات تازه‌ای در میان مردم را دارند.[۱۹]

در خصوص نوع تحرکات یادشده، گزارشی که در شماره امروز کیهان تحت عنوان "زمینه‌ای برای توطئه‌ای دیگر در گنبد" درج شد، می‌تواند مورد توجه قرارگیرد. در این گزارش مفصل ـ که از محتوای آن چنین به نظر می‌رسد که یک گروه انقلابی هوادار نظام حاضر در منطقه آن را تهیه کرده ـ چنین آمده‌است:

«گنبد شهری با مناظر طبیعی و زیبا در منطقه‌ای حاصل‌خیز و سرسبز واقع شده‌است که هم از نظر اقتصادی (کشت و تولید پنبه، گندم و دام) و هم از نظر استراتژی (شهری مرکزی که ارتباط زیادی با نقاط دیگر و از جمله مرز ایران و شوروی دارد) بسیار با اهمیت می‌باشد.

این شهر هم مانند شهرهای ایران از ظلم و جنایت رژیم پهلوی برکنار نمانده‌است و مردم آن تحت استثمار شدید رژیم و وابستگان آن قرارگرفته و حقوق و دسترنجشان را ارباب‌ها و امرای ارتش می‌چاپیدند و می‌خوردند. مردم این شهر از تیره‌های مختلفی: ترکمن، فارس، ترک، سیستانی و ... هستند که هم در زمان پادشاهان پیشین و هم دودمان پهلوی حقوق همه آنها پایمال شده و از طریق نظامی سرکوب شده‌اند. هزاران هکتار از بهترین زمین‌های حاصل‌خیز، مراتع انجمن سلطنتی اسب، ساختمان‌های بزرگ، کارخانه‌های صنعتی بزرگ و دام‌های فراوان از اموالی است که رژیم و وابستگانش از مردم ستمدیده آن غارت نموده‌اند. از نظر فرهنگی مردم نسبت به شهرهای دیگر کم رشد یافته‌تر هستند و بویژه در بسیاری از روستاهای این منطقه هنوز مدرسه وجود ندارد. مردم ترکمن علاقه شدیدی به فرهنگ و زبان خود دارند که با فشار و اختناق دولت سابق فرهنگ آنها لطمه شدیدی خورده و محرومیت‌های فرهنگی به آنها تحمیل نموده‌اند.

پس از درگیری بین ترکمن‌ها و غیرترکمن‌ها (که نقشه‌ای حساب‌شده از طرف منافقان و فرصت‌طلبان برای به دست آوردن فرصتی برای رشد خود بود) نیروهای چپ از دو مسئله (نیاز شدید مردم و علاقه شدید به فرهنگ و سنت‌هایشان) استفاده کردند و در لباس طرف‌داری از فرهنگ و نژاد آنها برای نفوذ در مردم استفاده نمودند. مطرح نمودن خواسته‌های درازمدت به جای خواسته‌های کوتاه‌مدت، فرصت ندادن به دولت، تحریک کارگران به اعتصاب، همه زمینه‌هایی برای بحرانی کردن منطقه می‌باشند.

اشتباهاتی از طرف کمیته قبلی و انتصاب اشتباه فرماندارسابق(مادرشاهی) موجب تشدید بحران و ایجاد زمینه برای نفاق‌پراکنی بین توده مردم شد. از طرف دیگر با توجه به مشکلات دولت و توطئه‌های فئودال‌های این منطقه علیه دولت، ستاد مرکزی شوراهای ترکمن‌صحرا از این استفاده نموده و علیه دولت بازرگان تبلیغات سوء می‌نماید.

ما به تمام خلق‌های این منطقه هشدار می‌دهیم که توطئهٔ دیگری از طرف منافقان و فرصت‌طلبان، فئودال‌ها و وامانده‌های رژیم سابق علیه مردم و دولت طرح‌ریزی شده‌است و این منافقان می‌خواهند دولت را رو در روی مردم قرار دهند و خود از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و تنها

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۸

۱ ـ روزنامه بامداد ۱۳۵۸/۳/۹، ص‌ص ۲ ـ ۱.
۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۳ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۹، ص۷.
۴ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۸، ص۱.
۵ ـ سند شماره ۴۵۴/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: سلسله تحقیقات تاریخی جنگ ـ ۱، "جنگ در خرمشهر"، ص۴۷.
۶ ـ روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۱.
۷ ـ مأخذ شماره ۳، ص۷.
۸ ـ مأخذ شماره ۴، ص‌ص ۲ ـ ۱.
۹ ـ مأخذ شماره ۳، ص۷.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۳، ص۷.
۱۱ ـ مهدی انصاری، محمد درودیان، هادی‌نخعی، خرمشهر در جنگ طولانی (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول، ۱۳۷۵) ص۶۱.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۶، ص۱.
۱۳ ـ نشریه کار، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، سال اول، شماره ۱۶، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۵.
۱۴ ـ خبرگزاری پارس، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۶۸، ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص‌ص ۶ ـ ۵، یونایتدپرس.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۳، ص۴.
۱۶ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۸، ص۱۱.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۴، ص۳.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۳، ص۷.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۲۰ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۸، ص۶.
۲۱ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۶، ص۱۲.
۲۲ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۷، ص۸.
۲۳ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۷، ص۳.
۲۴ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۸، ص۱۲.
۲۵ ـ مأخذ شماره ۴، ص۸.
۲۶ ـ مأخذ شماره ۴، ص۸.
۲۷ ـ روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۳/۹، ص۷.
۲۸ ـ روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۷.
۲۹ ـ مأخذ شماره ۴، ص۸.
۳۰ ـ مأخذ شماره ۲۸، ص۳.
۳۱ ـ مأخذ شماره ۲۰، ص۸.
۳۲ ـ مأخذ شماره ۲۰، ص۴.
۳۳ ـ مأخذ شماره ۲۰، ص۵.
۳۴ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۵۵ (تهران: نشر لانه)، ص‌ص ۶۵ ـ ۶۲.
۳۵ ـ مأخذ شماره ۲۸، ص۷.

روزشمار

چهارشنبه

۹ خرداد ۱۳۵۸

۴ رجب ۱۳۹۹

۳۰ مه ۱۹۷۹

۲۶۱

سرانجام به‌دنبال پافشاری روزافزون سازمان سیاسی و کانون فرهنگی خلق عرب بر خواسته‌هایشان، اقدام آنها در سنگربندی اطراف ساختمان‌ها، تقویت نیرو از طریق وارد کردن عناصر مسلح به شهر و وجود دیگر شواهد و قرائن و از سوی دیگر، عقیده و اصرار برخی از مسئولان دولتی و نیز بعضی اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر مبنی براین‌که قضیه خرمشهر سرانجام و تنها با درگیری مسلحانه حل خواهدشد، از سحرگاه روز چهارشنبه ۱۳۵۸/۳/۹ برخوردهای مسلحانه در خرمشهر آغاز شد. شرح واقعه براساس گزارش‌ها و اسناد و منابع مختلف چنین است:

مقارن ساعت ۴ بامداد یک اتومبیل پیکان سواری با چند سرنشین در شهر به حرکت درآمد و با شلیک‌های پیاپی آرامش شهر را بر هم زد تا جایی که صدای الله‌اکبر از بعضی خانه‌های شهر به‌گوش می‌رسید.[1] این اتومبیل به‌طرف مسجدجامع محل تحصن مخالفان جریان خلق عرب آمد و پس از شلیک تیر و پرتاب کوکتل متواری گشت.[2] صدای شلیک گلوله‌های پی‌درپی، مردمی راکه در مسجدجامع به خواب رفته‌بودند وحشت‌زده بیدار کرد.[3] به‌دنبال این تیراندازی بامدادی، برای مدت کوتاهی صدای گلوله شنیده نشد،[4] لیکن عناصر سازمان سیاسی خلق عرب به داخل شهر آمده و شروع به سنگربندی کردند.[5] به این ترتیب بار دوم تیراندازی‌ها بیشتر و بیشتر شد تا آن‌جاکه از ساعت ۶ بامداد شهر از صدای گلوله پر شد و این در حالی بود که افرادی از داخل رودخانه کارون به‌سوی شهربانی خرمشهر شلیک می‌کردند.[6] مهاجمان گوشه‌هایی از ساختمان شهربانی را به آتش کشیدند و از دو طرف به سمت آن حملات مسلحانه را شروع کردند.[7] سرانجام نیروهای کمکی و پاسداران وارد شهر شدند و پاسداری نقاط حساس شهر را به‌عهده گرفتند و تیراندازی‌های متقابل توسعه و ادامه یافت.[8]

با شروع درگیری‌ها، مدنی استاندار خوزستان ـ که شب گذشته در خرمشهر مانده‌بود ـ بامداد



درگیری در خرمشهر

امروز در این شهر حالت فوق‌العاده اعلام کرد و از مردم خواست حتی‌الامکان از خانه‌های خود خارج نشوند و آرامش و خونسردی خود را حفظ کنند.(۹)

در ساعت ۶ بامداد پاسداران انقلاب و کماندوها و تکاوران ارتش، ساختمان پانزده‌هزار متری سازمان سیاسی خلق عرب را از چهار طرف محاصره کردند و درگیری شدیدی بین دو طرف درگرفت. پس از نیم ساعت نیروهای دولتی از داخل ساختمان شهربانی به ساختمان سازمان سیاسی نفوذ کردند. در ساعت ۶:۳۰ حمله به اطراف ساختمان کشیده شد در حالی‌که [illegible] سیاسی خلق عرب از درون سنگرهای ساختمان و پشت‌بام بشدت می‌جنگیدند.

در ساعت ۶:۴۰ با رسیدن نیروهای کمکی ساختمان مرکز سیاسی خلق عرب سقوط کرد. در نتیجهٔ درگیری در ساختمان مذکور، از سازمان سیاسی خلق عرب ۳ نفر کشته، ۱۰ نفر مجروح و ۱۰ نفر دستگیر شدند و مقداری اسلحه به‌دست نیروهای ارتشی افتاد. همزمان با حمله به ساختمان سازمان سیاسی خلق عرب، کماندوها به ساختمان کانون فرهنگی خلق عرب در خیابان فردوسی حمله کردند این ساختمان سریعاً سقوط کرد و ۳۰ نفر از افراد کانون فرهنگی بازداشت شدند.

در ساعت ۷ صبح افراد سازمان سیاسی خلق عرب ساختمان فرمانداری خرمشهر را که مرکز [illegible] عملیات است از ناحیه پشت ساختمان مورد حمله قرار دادند که با مقاومت روبه‌رو [illegible] و مجبور به عقب‌نشینی شدند.

ساعت ۷:۴۵ ساختمان شهربانی بار دیگر مورد حمله قرارگرفت و در حالی که گوشه‌هایی از آن همچنان در آتش می‌سوخت، با رسیدن نیروهای کمکی از سقوط آن جلوگیری شد و مهاجمان عقب نشستند. ساختمان شهربانی تا ساعت ۱۱ صبح در آتش می‌سوخت و چند اتومبیل مستقر در شهربانی با کوکتل مولوتف به آتش کشیده شد و نیروهای پلیس مستقر ـ که صرفاً از ساختمان و موقعیت خود دفاع می‌کردند ـ موفق شدند از سقوط حتمی شهربانی جلوگیری نمایند.

همزمان با این زد و خوردها، در خیابان‌های مرکز شهر با راه‌بندان و آتش‌زدن اثاثیه، عبور و مرور قطع و حالت فوق‌العاده ایجاد شد. همچنین به پایگاه دریایی خرمشهر و پادگان "دژ" آماده‌باش داده شد.

به نوشته روزنامه اطلاعات، تا ساعت ۷:۴۵ صبح خبری از تلفات احتمالی و یا زخمی شدن کسی نرسید، لکن به‌گفته مسئولان بیش از ۳۰ تن از مهاجمین دستگیر شدند.

در ساعت ۸ صبح بین افراد سازمان‌های سیاسی خلق عرب و پاسداران در ناحیه "فعلیه" خرمشهر در نزدیکی گمرک درگیری شدیدی درگرفت. در این درگیری برتری با نیروهای خلق عرب بود و فرمانده پاسداران این منطقه چندین بار تقاضای کمک کرد.(۱۰)

در همین ساعت خبرنگار روزنامه کیهان طی گزارشی از خرمشهر اعلام کرد: «از ساعت ۳/۵ بامداد امروز تیراندازی شدیدی در شهر خرمشهر آغاز شده و صدای رگبار یک لحظه قطع نمی‌شود. کماندوهای دولتی، گروه‌های ضربت و پاسداران انقلاب‌اسلامی ایران ساختمان‌های متفرقه را محاصره نمودند. مدارس و بازار بکلی تعطیل است، وضع شهر غیرعادی می‌باشد. امروز صبح گروهی به ساختمان مخابرات حمله کردند و شیشه‌های آن را خرد نمودند و گروهی دیگر دستگاه‌های پمپ‌بنزین شهر را خرد کردند. تیراندازی همچنان ادامه دارد. آژیر آمبولانس به گوش می‌رسد، تعداد زخمی‌ها و کشته‌شدگان هنوز مشخص نیست. تا این لحظه کار کماندوها و پاسداران این است که خلق عرب را خلع‌سلاح نمایند و تا ۸ صبح دستور تخریب و شدت عمل نگرفته‌اند.(۱۱) این در حالی است که اکنون ساختمان‌های پست و تلگراف و ساختمان دخانیات و چندین مغازه به آتش کشیده شده‌اند و به‌علت آتش‌سوزی سیم‌های برق و تلفن، برق و ارتباطات تلفنی قسمتی از خرمشهر قطع گردیده‌است.(۱۲) تمام خیابان‌های شهر توسط افراد مسلح سازمان خلق عرب سنگربندی شده و صدای رگبار مسلسل لحظه‌ای قطع نمی‌شود. ارتباط شهر با فرمانداری و مرکز ستاد عملیات قطع شده‌است و اعراب در تمام خیابان‌های شهر مستقر شده‌اند.

در ساعت ۹ صبح حمله به کلانتری ۱ در کوت‌شیخ خرمشهر توسط افراد آن دفع گردید. در سه راه شلمچه در جاده مرزی ایران و عراق نیز اعراب قسمتی از تأسیسات غیرقابل استفاده ارتش را به آتش کشیدند.(۱۳)

تا ساعت ۱۰ صبح صدای تیراندازی در سرتاسر خرمشهر به گوش می‌رسید. صدها

فروشگاه بزرگ و کوچک به آتش کشیده‌شدند، دود غلیظی تمام شهر را دربر گرفته‌است. فروشگاه‌های مبل شیرازی، مبل حسان، سوپرمارکت ونک از جمله فروشگاه‌های بزرگی هستند که طعمه حریق شدند. انبار کابل شرکت برق، انبار شرکت نفت و انبار راه‌آهن به آتش کشیده شده‌است. به ادارات دولتی مانند مخابرات و دخانیات حمله شده و خساراتی به‌بار آمده‌است. در کنار ساختمان فرمانداری درگیری شدیدی بین دو طرف جریان دارد. بازارها و خیابان‌های شهر را مردم سنگربندی کرده‌اند. کلیه راه‌های ورودی شهر، جاده اهواز به خرمشهر و آبادان به خرمشهر بسته شده‌است.(۱۴)

در ساعت ۱۰:۳۰ افراد خلق عرب از طریق کارون و شط‌العرب با موتور لنج و دوبه به پایگاه نیروی دریایی خرمشهر حمله کردند که پایگاه به دفاع پرداخت. این حمله و دفاع به‌مدت سه ساعت ادامه داشت که در نتیجه با عقب‌نشینی نیروهای خلق عرب مرتفع شد.(۱۵)

در ساعت ۱۰:۵۵ نیروی‌دریایی جمهوری‌اسلامی در تلفنگرامی به ستاد ارتش جمهوری‌اسلامی ایران "آخرین وضعیت خرمشهر" را تا این ساعت چنین گزارش داد: ۱ـ مهاجمین از خیابان چهل‌متری تا مبل شیرازی کلیه (مغازه‌ها) را آتش می‌زنند. ۲ـ بیمارستان دکتر مصدق را آتش زدند. ۳ـ اطراف ژاندارمری خرمشهر را به آتش کشیده‌اند. ۴ـ کارخانه سازه‌سازی در اطراف خرمشهر را به آتش کشیده‌اند. ۵ـ نمایندگی شورلت ایران، منازل بلوار مهر واقع در جاده شلمچه، انبار برق و اداره پخش خرمشهر را آتش زده و مورد حمله قرار داده‌اند. ۶ـ برابر گزارش بیمارستان پایگاه نیروی‌دریایی تا ساعت ۱۰:۳۰ روز ۵۸/۳/۹ تعداد ۲ نفر از پرسنل این نیرو کشته و ۸ نفر زخمی گردیدند. ۷ـ برابر گزارش آقای دیده‌ور رئیس اداره بندر خرمشهر در ساعت ۱۰:۰۰ روز جاری به اداره مزبور حمله شده و مشغول تخریب و جاسازی‌گذاری با وسایل منفجره می‌باشند.(۱۶)

در ساعت ۱۱ صبح اداره بندر و انبارهای آن به آتش کشیده شدند و پاسگاه‌های ژاندارمری ـ پل بهمنشیر، دوربند و هریه مورد حمله قرارگرفتند اما مهاجمین نتوانستند پاسگاه‌ها را خلع‌سلاح نمایند.(۱۷) در همین هنگام، جایگاه پمپ بنزین خرمشهر، نمایندگی شرکت جنرال موتورز و بانک صادرات شعبه خیابان چهل‌متری به آتش کشیده شدند و ۳ فروند کشتی هزار تنی تجارتی نیز در آب‌های کارون جنب پل خرمشهر به آتش کشیده شده و کاملاً از بین رفتند.(۱۸)

مقارن ظهر کلانتری۳ خرمشهر که به تصرف عناصر خلق عرب درآمده بود از آنها بازپس گرفته شد.(۱۹)

براساس اطلاعیه دولت موقت، افراد سازمان‌های خلق عرب در ظهر چهارشنبه ۵۸/۳/۹، جاده خرمشهر ـ آبادان را اشغال کردند که به این ترتیب عبور و مرور کاملاً قطع گردید. همچنین گروهان ژاندارمری سرلشکر و پادگان نیروی‌دریایی در محاصره افراد مسلح قرارگرفت.(۲۰)

با تشدید درگیری‌ها، افراد گروهک خلق عرب در خرمشهر از سایر نیروهای خلق عرب



نمای عمومی بندر خرمشهر

تقاضای کمک کردند و این نیروها برای کمک به تدریج وارد خرمشهر شدند.(۲۱) علاوه بر این، عده‌ای از اهالی منطقه عرب‌نشین شادگان نیز پس از کسب اطلاع از زد و خورد و جنگ در خرمشهر اکثراً مسلح شده و به سوی این شهر سرازیر شدند. هرچند در بین راه قوای دولتی از حرکت آنان جلوگیری کردند لیکن بسیاری از این افراد از طریق بیابان‌ها خود را به خرمشهر رساندند.(۲۲)

از سوی دیگر، نیروهای کمکی از تهران، اهواز و دیگر شهرهای خوزستان وارد خرمشهر شدند. تعداد افراد اعزامی از سپاه‌پاسداران انقلاب تهران به خرمشهر در دو روز ۸ و ۹ خرداد به ۴۰۰ نفر رسید.(۲۳) ۱۳۰تن از پاسداران انقلاب‌اسلامی شهرستان دزفول نیز به وسیله دو فروند هلی‌کوپتر به‌کمک نیروهای انتظامی خرمشهر به این شهر اعزام شدند.(۲۴) (ضمیمه د ر د) اضافه بر این، احمد مدنی استاندار خوزستان طی تلفنگرامی به وزارت کشور خواستار تمایش ... نیروهای نظامی در خرمشهر شد. در این تلفنگرام آمده بود: «وضع خرمشهر آشفته‌تر شده‌است و بسیاری از نقاط شهر به‌وسیله عناصر آشوبگر وابسته به خلق عرب و غیره به آتش کشیده شده‌است. درخواست نیرو گردیده است که بیشتر از پاسداران می‌باشند ولی بـ ... نیروی هوایی دزفول برای نمایش قدرت، نیرویی به فرودگاه آبادان گسیل دارد.(۲۵) در پی این درخواست ۲ فروند هواپیمای جت بوئینگ نیروی‌هوایی در فرودگاه آبادان به زمین نشستند و ... کماندو را برای تقویت نیروهای مستقر در خرمشهر به آبادان منتقل کرد.(۲۶)

با ورود نیروهای کمکی سپاه و ارتش، از ساعت ۲ بعدازظهر تیراندازی‌ها تا حدودی فروکش کرد و مأموران انتظامی و نظامی و پاسداران شهر را در دست گرفتند و فقط گاه‌گاهی صدای رگبار و تک تیرها به گوش می‌رسید. اما از ساعت ۴ بعدازظهر درگیری بار دیگر شدت یافت و مجدداً تیراندازی‌ها بخصوص از قسمت "کوت شیخ" با اسلحه کالیبر ۵۰ تیربار آغاز گردید. تیراندازی از درون کشتی‌های کوچک تجارتی که در مقابل اداره شهربانی متوقف شده‌بودند آغاز و بیشتر به‌سمت ساختمان شهربانی و مأموران آن شلیک می‌شد به‌طوری‌که دیوارهای ساختمان گلوله‌باران شده است. ناوچه‌های مسلح نیروی‌دریایی خرمشهر به‌طور مداوم بر روی رودخانه مشغول گشت می‌باشند و عبور و مرور وسائط نقلیه آبی را به سختی زیر نظر دارند.[۲۷] براساس اطلاعیه دولت موقت، در ساعت ۵ بعدازظهر نخلستان و جنگل خسروآباد را عناصر خلق عرب به آتش کشیدند.[۲۸] با تشدید درگیری "مدنی" استاندار خوزستان با شرکت در جلسه شورای امنیت شهر خرمشهر دستور داد با تمام قدرت مهاجمین را سرکوب نمایند.[۲۹]

در ساعت ۹ شب شهر بکلی خلوت شد، چراغ‌ها در اغلب خیابان‌ها خاموش بود، رفت و آمد بکلی قطع گردید. جلسه شورای امنیت شهر از صبح به‌طور مداوم در فرمانداری ادامه داشت. از ساعت ۱۰ شب منع عبور و مرور در خرمشهر اعلام شد. هزاران نفر از جوانان و مردم مسلمان خرمشهر آمادگی خود را جهت گرفتن سلاح و مبارزه اعلام نمودند.[۳۰] در همین ساعت گروهی به پاسگاه‌های ژاندارمری در نوار مرزی به سختی حمله کردند، ولی مأمورین ژاندارم با شدت به آنها پاسخ داده از پاسگاه‌ها نگه‌داری می‌کنند.[۳۱] روزنامه اطلاعات دهم خرداد وضعیت خرمشهر را چنین توصیف کرده‌است: «دیشب خرمشهر در وحشت و التهاب می‌سوخت و آبستن حوادث بود اما در تمام مدت شب در سطح شهر زد و خورد قابل توجهی به وقوع نپیوست، تنها در ناحیه کوت شیخ خرمشهر در آن سوی کارون به‌طور پراکنده زد و خورد با افراد شهربانی همچنان ادامه داشت. تیراندازان [خلق] عرب از آن سوی کارون به شهربانی ـ که در این قسمت کارون قرار دارد ـ تیراندازی می‌کردند. در نخلستان‌های اطراف شهر به‌طور پراکنده جوانان خلق عرب با پاسداران و کماندوها به زد و خورد می‌پرداختند. در جریان زد و خورد شب گذشته ۵ نفر زخمی شدند و به گفته مسئولین کانون‌های سیاسی خلق عرب، ۳ نفر از عرب‌ها نیز کشته شده‌اند.[۳۲] روزنامه کیهان دهم خرداد نیز نوشت: دیشب خبر رسید که پاسداران انقلاب و نیروهای انتظامی کنترل کامل شهر را به‌دست دارند لیکن عناصر مخرب در گوشه و کنار شهر به‌سوی مردم و پاسداران تیراندازی می‌کنند و صدای تیراندازی در نقاط مختلف شهر به‌گوش می‌رسد.[۳۳]

در مورد تعداد زخمی‌ها و تلفات درگیری خرمشهر مطبوعات ارقام مختلفی را اعلام کردند. روزنامه کیهان ۵۸/۳/۱۰ ابتدا خبر داد در برخوردهای خشونت‌بار خرمشهر تا کنون ۲۱ کشته و ۷۶ تن مجروح شده‌اند. همین روزنامه در بخش دیگری به‌نقل از خبرگزاری پارس نوشت: در

برخوردهای دیروز خرمشهر ۴ نفر کشته و ۱۷ نفر زخمی شدند که از این تعداد ۱۳ نفر از زخمی‌شدگان از مهاجمین و ۴ نفر از پاسداران بودند. این روزنامه در گزارش دیگری به‌نقل از آمار بیمارستان دکتر مصدق اعلام کرد: تعداد کشته‌شدگانی که در سردخانه این بیمارستان می‌باشند تا عصر دیروز ۱۲ جسد بود ولی تعداد کشته‌شدگان از ۳۰ نفر نیز تجاوز می‌کند و تعداد زخمی‌ها از یک‌صد نفر متجاوز است. روزنامه کیهان در خبر دیگری افزود: تا ساعت ۹ دیشب جمعاً ۲۴ نفر زخمی در بیمارستان خصوصی شهیدی این شهرستان تحت مداوا قرار گرفتند و ۴ جنازه به این بیمارستان منتقل شد.[۳۴] روزنامه اطلاعات نیز به‌نقل از شخصی که از وی با عنوان "یکی از اعضای خلق عرب" نام برد نوشت که کشته‌شدگان بیش از ۱۵ نفر و مجروحین بین ۶۰ تا ۷۰ نفر هستند.[۳۵]

۲۶۲

همزمان با ادامه درگیری مسلحانه در خرمشهر، "آیت‌الله شبیرخاقانی" و سازمان‌های خلق عرب با استفاده از رسانه‌ها و خبرگزاری‌های خارجی و بعضاً داخلی اقدام به تبلیغ، تهدید و مظلوم‌نمایی می‌کنند. آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل‌شبیر در مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی دولت را متهم به کشتار اعراب نمود و تهدید به وخیم‌تر شدن اوضاع کرد. وی گفت: «ما خواهان تفاهم با دولت هستیم و اگر دولت تفاهم نشان ندهد، عواقب وخیم این وضع قابل پیش‌بینی نیست. من خواهان تغییر تیمسار مدنی هستم زیرا حضور او در خوزستان اوضاع منطقه را پرآشوبتر می‌کند.» وی نیروهای دولتی را به آغاز درگیری متهم کرد و گفت: پس از این‌که رؤسای عشایر عرب را متقاعد کردم که ساختمان‌های کانون فرهنگی و سیاسی خلق عرب را تخلیه نمایند و آنان پذیرفتند، سه تن از روحانیون را نزد تیمسار مدنی فرستادم و از ایشان تا پنجشنبه همین هفته مهلت خواستم تا ساختمان‌ها را تخلیه نمایند.

تیمسار مدنی نیز مهلت لازم را به‌ما داد اما سحرگاه روز بعد کانون فرهنگی و سیاسی خلق عرب مورد حمله قرارگرفت و حتی دوبار به‌طرف منزل من تیراندازی شد.»[۳۶]

علاوه بر این، آیت‌الله شبیرخاقانی اعلامیه‌ای انتشار داد که در آن آمده‌است: «ضمن اظهار تأسف شدید نسبت به وقایع خونین روز جاری خرمشهر که از ساعت ۴ بامداد آغاز گردیده و منجر به کشته و مجروح شدن ده‌ها تن از فرزندان عزیز گردیده‌است، در این موقعیت حساس لازم می‌داند به اطلاع فرزندان عزیز خود برساند طی مذاکرات مفصلی که در تاریخ سه‌شنبه ۱۳۵۸/۳/۸ از ساعت ۲۲ الی ۲ بامداد روز بعد در محل فرمانداری خرمشهر با حضور آقای مدنی استاندار خوزستان و آقای حقانی شهردار خرمشهر و نمایندگان این‌جانب آقایان حجج‌اسلام دیباجی، الیاسی و شیخ عیسی آل‌شبیرخاقانی در مورد خلع‌سلاح و تخلیه و تحویل کانون فرهنگی و دفتر سیاسی خلق عرب خوزستان به‌شرح زیر به‌عمل آمد: براساس نتیجه حاصله از مذاکراتی که روز سه‌شنبه ۱۳۵۸/۳/۸ با سران قبایل و عشایر در مورد خلع‌سلاح و تخلیه و تحویل سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان داشتم و طی آن سران قبایل و عشایر

انجام خواسته مذکور را تا روز پنجشنبه ۱۳۵۸/۳/۱۰ تقبل و تعهد نمودند، لذا نمایندگان این جانب صراحتاً اعلام داشتند انجام مورد گفت‌وگو نیاز به حداقل ۲۴ ساعت مهلت دارد که در غیر این‌صورت مسئولیت هرگونه پیش‌آمد و اتفاق احتمالی به‌عهده آقای مدنی خواهد بود و مردم مسئولیتی نخواهند داشت و لذا توافق گردید که تا روز پنجشنبه ۱۳۵۸/۳/۱۰ موضوع مورد بحث به نحو مسالمت‌آمیز به‌انجام رسد، لیکن علی‌رغم توافق فوق‌الذکر، حوادث خونین و ناگوار خرمشهر ۲ ساعت پس از جلسه مذکور با هجوم مسلحانه به کانون فرهنگی و دفتر سیاسی خلق عرب آغاز گردید.

اینک با اظهار تأسف مجدد و ابراز تسلیت به خانواده‌های داغدیده و به منظور جلوگیری از خونریزی بیشتر، از همه شما تقاضا می‌کنم در طول مدتی که به‌عنوان ساعت منع عبور و مرور اظهار شده، رعایت حزم و احتیاط کامل را نموده و از دست زدن به هرگونه اقدامی که بهانه‌ای به‌دست عوامل فرصت‌طلب و نفاق‌افکن بدهد جداً خودداری نمایید. مسلماً می‌بایست مسببین این حوادث و کشتار به مجازات قانونی و شرعی خود برسند.

در خاتمه یک‌بار دیگر از فرزندان عزیز تقاضا دارد صبر انقلابی خود را به‌کار برده تا خدای ناکرده عناصر ضدانقلاب فرصت اخلال در این منطقه حساس را به‌دست نیاورده و از احساسات پاک و انقلابی شما که در راه به‌ثمر رسانیدن انقلاب ایران نقش مؤثر داشته‌اید امکان سوءاستفاده را پیدا ننموده و از ادامه خون‌ریزی جلوگیری شود.»(۳۷)

اظهارات و متن اعلامیه شبیرخاقانی را رادیوها و خبرگزاری‌های خارجی بـا بـزرگ‌نمایی بارها تکرار کردند. در این باره رویتر به‌نقل از مصاحبه خبرنگار خود با خاقانی گزارش داد: «وی اخطار کرد که اوضاع می‌تواند بدتر شود. خاقانی نیروهای طرف‌دار دولت را که به سرپرستی دریادار مدنی استاندار موقت خوزستان در حال زد و خورد هستند، نکوهش کرد. وی افزود: تنها ۳۰ دقیقه پس از مذاکرات، نیروهای دریادار مدنی به مرکز فرهنگی اعراب و سازمان سیاسی اعراب حمله کردند. او گفت: اگر دولت در تهران به فکر متوقف ساختن کشتار باشد، من آماده از سر گرفتن مذاکرات هستم. باید به صلح دست یابیم، در غیر این صورت ممکن است کنترل اوضاع از دست برود و همه چیز وخیم‌تر از این گردد.»(۳۸)

رادیو لندن نیز گفت: شبیر خاقانی تهدید کرد اگر استاندار خوزستان برکنار نگردد، ممکن است اوضاع منطقه به حالت انفجار برسد.(۳۹)

از سوی دیگر، خبرگزاری فرانسه به‌نقل از فردی که وی را از منابع نـزدیک بـه شـیخ‌طاهر آل‌شبیرخاقانی خواند، گزارش داد: سازمان خلق عـرب در نـظر دارد بـه‌عنوان نـماینده اعـراب خوزستان از "کورت والدهایم" دبیرکل سازمان ملل متحد و کمیسیون بین‌المللی قضات که مرکز آن در لندن است بخواهد تا هرچه زودتر کمیسیونی برای تحقیق پیرامون حـوادث خـوزستان اعزام دارند.(۴۰)

در همین حال، به نوشته روزنامه اطلاعات ۱۰ خرداد ۱۳۵۸ اغلب سازمان‌های سیاسی و

فرهنگی خلق عرب شروع حمله و آغاز زد و خورد را متوجه مأمورین دولت کردند و پیشقدم بودن خود را در این وقایع تکذیب نمودند. در این ارتباط روزنـامه مـزبور بـه‌نقل از "عباس سعودی" که وی را یکی از اعضای اجرایی سازمان سیاسی خلق عرب خواند، نوشت که برای خاتمه دادن به درگیری‌ها هیچ مذاکره‌ای بین خلق عرب و مقامات دولتی صورت نگرفته و هنوز وحشت بر خرمشهر حکمفرماست. وی حمله اعراب به شهربانی خرمشهر را تکذیب کرد.(۴۱)

۲۶۳
همزمان با وقوع درگیری در خرمشهر، شهرهای اهواز و آبادان نیز دستخوش اغتشاش و ناآرامی شد. در اهواز گروهی در ارتباط با وقایع خرمشهر و به طرف‌داری از گروه‌های درگیر با دولت، در خیابان‌های امام‌خمینی و سی‌متری دست به تظاهرات زدند و شعارهایی در محکومیت واقعه خرمشهر دادند. با شروع این تظاهرات، مغازه‌ها تعطیل شد و گروه‌هایی از مردم اهواز به مقابله با تظاهرکنندگان پرداختند و زد و خوردی بین دو طرف به‌وجود آمد. بلافاصله مأموران و پاسداران انقلاب وارد عمل شدند و با تیراندازی‌های خود به زد و خورد پـایان دادنـد و تـظاهرکنندگان متفرق شدند.

از سوی دیگر، به‌دنبال وقایع خرمشهر، شهر اهواز با ورود نیروهای پاسدار و افراد داوطلب تقویت شد و چون احتمال حمله به مرکز رادیو تلویزیون در اهواز می‌رفت، ساختمان این محل به محاصره پاسداران درآمد و ۳ زره‌پوش در اطراف این محل مستقر شدند. در پی ناآرامی‌های اهواز، مدنی استاندار خوزستان که در این شهر بسر می‌برد، گفت: به‌دنبال آشوب مختصری که در اهواز روی داد، چند نفر از عناصر ضدانقلاب دستگیر شدند. دادگاه‌های انقلاب‌اسلامی در اهواز و سایر شهرهای خوزستان بدون هیچ‌گونه تبعیضی به محاکمه عناصر ضدانـقلاب خـواهـند پرداخت. دستور داده‌ام پس از اطمینان کامل از هویت عناصر ضدانـقلاب و کسـانی کـه عـلیه انقلاب ایران فعالیت می‌کنند، به دستگیری آنها اقدام کنند تا در این میان افراد بی‌گناه بی‌جهت مورد اتهام و دستگیری قرار نگیرند.(۴۲)

آبادان نیز در پی حوادث خرمشهر شاهد درگیری بود. در صبح نیروهای دولتی در ایستگاه۸ آبادان به سازمان فرهنگی خلق عرب نفوذ کردند و پس از درگیری، عده‌ای را دستگیر نمودند و ساختمان سازمان مذکور را به‌تصرف درآوردند. این نیروها سپس عازم سازمان سـیاسی خـلق عرب آبادان واقع در منطقه بهمنشیر شدند و این محل را نیز به‌تصرف درآوردند.(۴۳) از سـوی دیگر، با انتشار اخبار وقوع درگیری در خرمشهر از ساعات اولیه بامداد گروهی از اهالی آبادان به هواداری از مهاجمین خلق عرب درگیر در حوادث خرمشهر در محل ایستگاه۸ آبادان دست به تظاهرات زدند که با تیراندازی همراه بود. در این تظاهرات یک مینی‌بوس به آتش کشیده شد. پس از شروع تظاهرات، پاسداران انقلاب برای پراکنده کردن آنان وارد عمل شدند و در نتیجه دو طرف دست به تیراندازی زدند. بعدازظهر مأموران ژاندارمری به کمک پاسداران شـتافتند و در مقابل تظاهرکنندگان سنگربندی کردند. همچنین در محل ایستگاه۱۰ آبـادان نـیز ـ کـه در یک

کیلومتری محل حادثه و مجاور نخلستان‌های کنار رود بهمنشیر است ـ گروه‌های مختلف به طرف‌داری از افراد درگیر در خرمشهر و آبادان تظاهراتی انجام دادند و با شلیک گلوله، به ساختمان یکی از تأسیسات فرعی شرکت نفت خسارت‌هایی وارد شد. به نوشته روزنامه کیهان در ساعت یک بعدازظهر طی یک درگیری که در ایستگاه ۸ تا ۱۰ بین عده ۲۰۰ نفری از مهاجمان و پاسداران انقلاب اتفاق افتاد، سه نفر کشته و چهار نفر زخمی شدند. با وجود این درگیری‌ها، با فرا رسیدن شب آبادان آرامش خود را باز یافت و اوضاع به‌حال عادی بازگشت.(۴۴)

۲۶۴

یک گروه کمونیستی موسوم به "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" در گزارشی از حوادث این روز خوزستان، مطابق مشی و منافع سازمان خود، این چنین به تشریح حوادث می‌پردازد: سحرگاه روز چهارشنبه ۵۸/۳/۹ مردم خرمشهر براثر صدای رگبار گلوله وحشت‌زده از خواب برمی‌خیزند و توده‌های زحمتکش عرب ناحیه کوت‌شیخ در خیابان بایندر (سابق) که روبه‌روی کانون سیاسی خلق عرب است، جریان سرکوبی کانون سیاسی خلق عرب را مشاهده می‌کنند. خشم طبقاتی و ملی و کینهٔ ایشان نسبت به ارتش و سایر نیروهای مسلح مدافع سرمایه‌داران اوج می‌گیرد و درصدد کمک به سازمان سیاسی خلق عرب بر می‌آیند. ناوچه‌های نیروی‌دریایی پاسداران را از دو سوی روخانه کارون جابه‌جا می‌کنند. آمبولانس‌ها در خیابان‌ها برای حمل کشته و زخمی به بیمارستان آژیرکشان به حرکت درمی‌آیند. به‌وسیله تیربار ناوچه و پاسداران، دو طرف رودخانه بی‌هدف به گلوله بسته می‌شود. کوت‌شیخ به گلوله بسته می‌شود و جنگ داخلی در شهر شدت می‌گیرد. افراد مسلح بی‌شماری وارد خیابان‌ها می‌شوند، جدا کردن نیروهای در جنگ که هر یک به کدام جناح تعلق دارد کار دشواری است. عناصر تجزیه‌طلب که مورد حمایت عراق بودند، متشکل نبودند و پراکنده در جنگ شرکت کردند ولی نیروی قابل ملاحظه‌ای نبودند که تأثیر مهمی در جنگ داشته باشند. کشتار وحشیانه خلق عرب (در خرمشهر) مورد خشم و نفرت خلق عرب در سایر شهرها می‌گردد. در آبادان در منطقه ایستگاه ۸ بهار اعراب یک ماشین ارتشی را آتش می‌زنند و تظاهراتی با شعار مرگ بر مدنی برپا می‌کنند. در همین موقع از داخل ماشین شورلتی صف جلو تظاهرکنندگان به گلوله بسته می‌شود و ۳ نفر کشته می‌شوند، گویا رد آن شورلت را در کلانتری۲ بریم محل استقرار کمیته امام و پاسداران می‌بینند. اعراب خشمگین به اداره مهندسی حمله می‌کنند و یک ماشین شورلت را آتش می‌زنند و راه‌بندان ایجاد می‌کنند.

در خرمشهر اعراب محلهٔ چهل‌متری و کوت‌شیخ، خشم خود را با آتش‌زدن چند ماشین و ساختمان شورلت ایران و کوشش برای آتش‌زدن پمپ بنزین فرو می‌نشانند. اخبار کشتار خلق عرب به سرعت در روستاها پخش می‌شود و روستائیان برای حمایت از برادران شهری و هم‌طبقه خود به شهر می‌آیند. رادیو تلویزیون مرتب علیه خلق عرب تبلیغ می‌کند و آنها را ضدانقلاب می‌خواند. شایع می‌شود که به منزل آیت‌الله خاقانی حمله شده، اهالی شلمچه به

عنوان اعتراض قصد آمدن به شهر می‌کنند که به‌وسیله پاسداران و اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی مورد حمله قرار می‌گیرند. تعداد زیادی کشته و زخمی می‌گردند (۱۷ کشته و ۴۷ زخمی) تمام خیابان‌های شهر و ساختمان‌های چندطبقه به‌وسیله پاسداران و نیروهای ارتشی ـ که به لباس شخصی درآمده‌اند ـ سنگربندی شده. مهمترین صحنه‌های جنگ در چهل‌متری و کوت‌شیخ در خرمشهر و ایستگاه ۸ در آبادان می‌باشد. ساعت یک بعدازظهر چهارشنبه ۵۸/۳/۹ به‌وسیله کمیته امام آبادان پاسداران و افرادگارد صنعت نفت مسلحانه به سازمان سیاسی خلق عرب حمله‌ور می‌شوند و منجر به درگیری بین اعضای کانون که فقط سه نفر بودند با نیروهای مهاجم می‌شود که یک عرب از کانون زخمی می‌گردد. همان شب صدای رگبار گلوله از نخلستان‌های خرمشهر و آبادان قطع نمی‌شود.(۴۵)

۲۶۵

در نشریه کار ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق با عنوان "گزارش چگونگی وقایع خرمشهر" مندرج در شماره ۵۸/۳/۳۱ این نشریه، حوادث امروز خرمشهر با مشی این سازمان چنین توصیف شده‌است: شب گذشته در جلسه امنیت شهر که در فرمانداری تشکیل شد، ظاهراً برسر مسائل مورد اختلاف، با سه نفر از نمایندگان شیخ محمدطاهر که در ابتدا در جلسه حضور داشتند، توافق می‌شود. ولی بلافاصله پس از مذاکرات با آنان و اطمینان یافتن از گمراه شدن آنها، طرح تهیه شده قبلی به بحث و تبادل نظر در سطح محدودتر گذاشته می‌شود و از ساعتی بعد به مرحله اجرا درمی‌آید. این جلسه بعداً با حضور مدنی تا ساعت ۲ بامداد ادامه می‌یابد. در این جلسه مقدمات و طرح حمله به سازمان سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی عرب فراهم می‌شود. این طرح مشتمل بر چند قسمت است و به شرح زیر پیاده و اجرا می‌شود:

۱ـ مسلح ساختن افرادی که به‌عنوان اعتراض به حضور اعراب و عشایر مسلح در شهر و عدم مجازات مهاجمین به کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون خرمشهر و ستاد پاسداران انقلاب، در مسجدجامع تحصن اختیار کرده‌اند. متشکل ساختن تمام نیروهای شبه‌نظامی شهر، اعم از پاسداران، مأمورین کمیته‌ها و افراد کانون فرهنگی ـ نظامی، گروه النصر، گروه اباذر، گروه امل... و قرار دادن کلیه این نیروها تحت فرماندهی مسئولین نظامی کانون فرهنگی ـ نظامی (که در گذشته نیز نظارت بر کار پاسداران انقلاب از وظایف آنان بوده است.).

۲ ـ آماده ساختن این نیروها برای حمله به کانون فرهنگی عرب که عده‌ای قریب ۳۰ نفر به حالت تحصن در آن جمع شده‌بودند. این افراد که از نتیجه گزارش سفر شیخ محمدطاهر به قم بسیار خوشحال بودند و احتمال اعمال خشونت و قهر را تا حد زیادی منتفی می‌دانستند، بدون هیچ‌گونه آمادگی و نگهبانی مشغول استراحت بودند.

۳ ـ نقل و انتقال تعداد زیادی از پاسداران که در پایگاه نظامی دزفول تعلیمات می‌دیدند به‌وسیله هلی‌کوپتر و استقرار آنها در همان شهر در محوطه بندر و برخی نقاط حساس و اعزام بیش از ۴۰۰ نفر از سپاه پاسداران تهران به خرمشهر.

۴ ـ نقل و انتقال نیروهای ارتش بخصوص نیروهای زرهی ارتش از پادگان‌های امیرآباد (آبادان)، دژ (خرمشهر) و اهواز به طرف حومه شهر و بخصوص حومه غربی که مرز عراق را تشکیل می‌دهد.

۵ ـ اعلام آماده‌باش به نیروهای مستقر در پایگاه نیروی‌دریایی خرمشهر و مجهز ساختن ناوچه‌های نیروی‌دریایی برای مداخله فوری و نیز قطع جریان آمد و رفت از رودخانه و قطع ارتباط دو قسمت شهر.

۶ ـ بستن راه‌های ورود به شهر به‌وسیله نیروهای نظامی ارتش.

۷ ـ آماده ساختن نیروهای مسلح شهربانی که ساختمان آن در مجاورت سازمان سیاسی خلق عرب قرار دارد.

۸ ـ ضمناً برای جلوگیری از واکنش افکار عمومی و یا انعکاس نامطلوب خبر در سطح کشور، اتومبیلی را با چند سرنشین از چند خیابان عبور می‌دهند تا با شلیک تیرهای هوایی، وجود مهاجمین! را ثابت کنند و وانمود شود که طرح قبلی در کار نبوده و صرفاً دفاعی در مقابل عده‌ای مهاجم صورت گرفته است.(۴۶)

براساس این طرح در ساعت ۴ صبح حمله به کانون فرهنگی عرب و ستاد رزمندگان عرب (سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان) که دو ساختمان مجاور یکدیگرند،شروع می‌شود.در کانون فرهنگی عرب نزدیک به ۳۰ نفر در حال تحصن بودند که بدون مقاومت دستگیر می‌شوند.ولی افراد محافظ سازمان سیاسی خلق عرب که جمعاً بالغ بر ۱۰ نفر بودند،به مقاومت مسلحانه دست می‌زنند.این مقاومت از یک طرف با نیروهای شهربانی (از سمت شرقی) و از یک طرف با آتشبارهای ناوچه‌های نیروی‌دریایی (سمت جنوب) و از سمت دیگر با نیروهای متشکل از پاسداران و شبه‌نظامی‌هایی که اخیراً مسلح شده‌اند و کماندوهای اعزامی از پادگان‌های هوانیروز (نیروهای هوابرد) که در شهر به کماندوها و تکاوران معروف شده‌اند مواجه می‌شود.۸ نفر از محافظین سازمان سیاسی خلق عرب کشته شده و ۲ نفر دیگر پس از ۵ ـ ۴ ساعت مقاومت موفق به فرار می‌شوند.

به‌دنبال شنیده شدن صدای تیراندازی و انعکاس اخبار ماجرا در شهر، جوانان عرب دسته دسته، در حالی‌که با چوب و چماق و در مواردی با کوکتل‌مولوتف خود را مسلح کرده بودند دست به حملاتی انتقامی علیه برخی ساختمان‌های دولتی، من‌جمله پست و تلگراف و مخابرات، پمپ بنزین و انبارهای آب و برق و شرکت نفت می‌زنند. شیشه‌های بسیاری ساختمان‌ها شکسته می‌شود و در چند نقطه آتش‌سوزی‌هایی درمی‌گیرد (اغلب ساختمان‌های غیردولتی مورد هجوم متعلق به تجار و دلالان منفور محلی بوده است.).

تعداد کمی از افراد مسلح عرب در برخی نقاط شهر دست به مقاومت می‌زنند و اغلب پس از مدت کوتاهی به دلیل تمام شدن مهمات و یا پیشروی پاسداران و کماندوها مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند. موج خشم، اعراب ساکن شهر را فرا می‌گیرد، بسیاری فروشگاه‌ها را به

آتش می‌کشند و حتی در چند مورد به خانه‌های افراد غیرعرب که در محلات عرب‌نشین سکونت داشتند حمله می‌کنند و چند خانه را هم آتش می‌زنند و یکی دو نفر را نیز که قصد مقابله داشته‌اند به قتل می‌رسانند.

در همین احوال دستگیری عده زیادی از افراد ـ که قبلاً شناسایی شده بودند ـ در منازلشان آغاز می‌شود. در ساعات اول روز قریب دویست نفر که در میانشان افراد سرشناس نیز وجود داشته‌اند، دستگیر می‌شوند. منزل "آیت‌الله شیخ محمدطاهر" را ابتدا بازرسی می‌کنند و سلاح‌های موجود در آن ضبط می‌شود و سپس خانه به محاصره نیروهای مسلح درمی‌آید. شایعات ضد و نقیض شهر را پر می‌کند. وحشت میان خانواده‌های غیرعرب که در محلات تازه‌ساز شهر (محلاتی با ساکنین مختلط عرب و عجم و در مجاورت مناطق عرب‌نشین) سکونت دارند، بالا می‌گیرد، عده زیادی خود را برای خارج شدن از شهر آماده می‌کنند. در همین احوال نیروهای پاسداران با حمایت کماندوها، نواحی مرکزی شهر را قسمت به قسمت پاکسازی می‌کنند و مقاومت‌های پراکنده را خاتمه می‌بخشند.

تنها پل شهر که ارتباط با آبادان را هم برقرار می‌سازد، از سمت شمال در اختیار نیروهای دولتی و پاسداران و از سمت جنوب در اختیار عشایر مسلح قرار دارد و به همین جهت نیز برخوردهای بعدی عمدتاً پس از درهم شکستن مقاومت در ستاد سیاسی خلق عرب به این جبهه انتقال می‌یابد. درگیری به سرعت به نواحی حومه‌ای و روستاها و نخلستان‌های اطراف گسترش می‌یابد.(۴۷)

۲۶۶

همزمان با آغاز درگیری‌ها در خرمشهر، خبرهایی از تحرکات نظامی عراق در نزدیکی مرزهای مشترک با ایران و همچنین کمک‌های مادی و سیاسی آن کشور به جریان‌های قومی در خوزستان انتشار می‌یابد، از جمله به نوشته مطبوعات، تعداد زیادی سرباز عراقی از طرف دولت عراق در مقابل مرز خرمشهر روبه‌روی پاسگاه مرزی پیاده شدند. در صبح روز چهارشنبه (۸ خرداد ۵۸) نیز چهار هلی‌کوپتر عراقی بر فراز پایگاه‌های مرزی گروهان‌های ژاندارمری خسروآباد پرواز کردند.(۴۸)

در همین حال، دولت موقت با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه شهربانی آبادان اطلاع داد که طبق خبر رسیده، از آن طرف مرز به مهاجمین کمک می‌رسد.»(۴۹) مدنی استاندار خوزستان نیز خبر داد که از امروز (۵۸/۳/۹) شعارهایی از ۲ رادیوی خارجی (رادیو عراق و رادیو کویت) که پیام برای اهالی خوزستان می‌فرستند شنیده شده‌است و این رادیوها از خوزستان به‌نام عربستان نام می‌برند.(۵۰) وی در مصاحبه با خبرنگار روزنامه اطلاعات نیز گفت: «گفته می‌شود دست‌هایی در خارج از کشور با عناصر ضدانقلابی همکاری دارند که بعداً در این مورد به‌صورت آشکار، از این تلاش‌ها پرده‌برداری خواهدشد.»(۵۱)

در همین روز رادیو صوت‌الجماهیر عراق در اخبار بخش عربی خود خبر درگیری در

خرمشهر را این‌چنین پخش کرد: «نیروهای ارتش ایران سحرگاه امروز شهروندان عرب طرف‌دار سازمان سیاسی عربی و انجمن فرهنگی عربی را که در مراکز خود در خرمشهر تحصن اختیار کرده‌بودند مورد حمله قرار دادند. عده‌ای از شهروندان عرب در نتیجهٔ حمله ارتش به آنها کشته شده‌اند و این امر احساسات مردم را برانگیخته و دست به تظاهرات وسیعی در خیابان‌های شهر زده‌اند که با خشونت پاسداران انقلاب و نیروهای ارتش مواجه شده‌اند. کمک‌های نظامی و ... نیز به خرمشهر اعزام شده‌است.»[۵۲]

۲۶۷

... یک درگیری مسلحانه در روستای کوچک "نظرخانی" از توابع گنبدکاووس ۳ نفر کشته و ۲ نفر ... به سختی مجروح شدند. به نوشته روزنامه اطلاعات، این درگیری مسلحانه بین جمعی از ... اعضای کمیته انقلاب اسلامی خان‌ببین و ساکنان قریه نظرخانی روی داد. در پی این واقعه حجت‌الاسلام نورمفیدی نماینده امام خمینی و دکتر رسولی نمایندهٔ وزارت کشور، در محل ... حاضر شدند و پس از بررسی چگونگی واقعه، دستور بازداشت چند تن از اعضای کمیته ... خان‌ببین صادر شد.[۵۳]

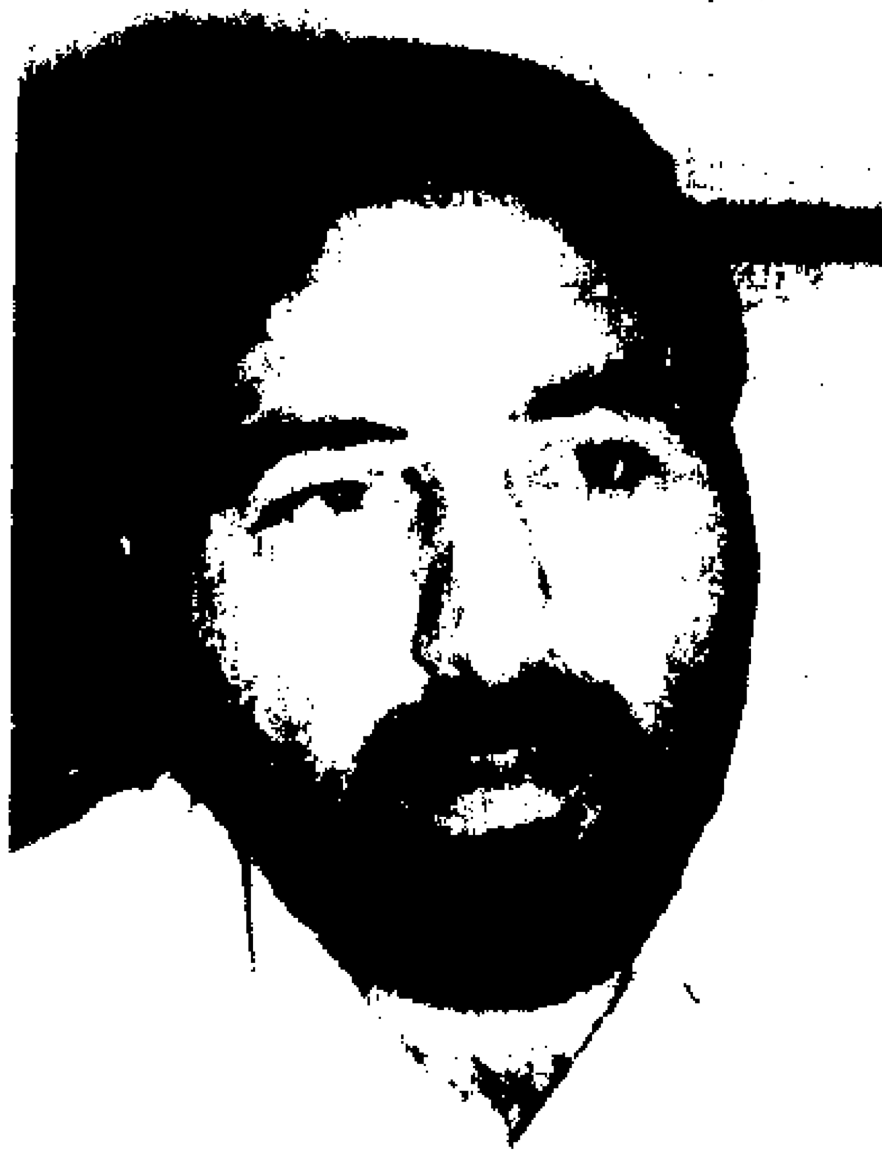
به‌دنبال این، کانون فرهنگی ـ سیاسی خلق ترکمن در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «کانون فرهنگی ـ ... خلق ترکمن ضمن محکوم کردن این قبیل جنایات که از طرف عناصر جنگ‌افروز تدارک ... می‌شود، امروز را عزای عمومی اعلام کرده و از مردم مبارز ترکمن‌صحرا تقاضا دارد با حفظ ... و متانت انقلابی خویش جلو دسایس و توطئه‌های عناصری که هر روز به عناوین ... در ایجاد برادرکشی و تحمیل جنگی ناجوانمردانه به خلق ستم‌دیده ترکمن سعی دارند را ... کنند.»[۵۴]

۲۶۸

... دوره آموزش سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی که در مرکز آموزش سپاه در پادگان سعدآباد ... شده‌بود، پایان یافت. روزنامه جمهوری‌اسلامی در گزارشی از مراسم پایانی این دوره به ... آموزش پاسداران انقلاب پرداخت و نوشت:

... آموزش سپاه‌پاسداران انقلاب در پادگان سعدآباد واقع است. تمامی افرادی‌که برای این ... منتخب می‌شوند پس از ثبت‌نام به این پادگان منتقل شده و یک دوره آموزشی بسیار ... را به‌مدت دو هفته آغاز می‌کنند. برادران پاسدار مدت چهار ساعت قبل‌ازظهر آموزش ... ایدئولوژیکی و سیاسی خواهند داشت و بعدازظهر چهار ساعت آموزش نظامی دارند. این ... نظامی شامل عملیات بسیار خشن و تاکتیک‌های عالی نظامی است. آنها پس از طی این ... دو هفته‌ای آموزش و آمادگی به سایر یگان‌ها اعزام و سپس وارد یک دوره سه‌ماهه آموزش ... خواهند شد.

... منصوری فرمانده سپاه پاسداران انقلاب در مراسم پایان دوره آموزش سپاه‌پاسداران سخنرانی مبسوطی اظهار کرد: آنان که به حق ایمان دارند بایستی بیدار باشند.



ما دشمنان زیادی داریم آنها به قدرت‌های خارجی وابستگی دارند اما واقعیت این است که این انقلاب منافع بسیاری از گروه‌های ارتجاعی، سرمایه‌داری، فرصت‌طلب و هواپرستان را به‌خطر انداخته است و در این راه به راحتی دست‌بردار نیستند.

حساسیت انقلاب در زمان ما، در زمانی‌که با شما سخن می‌گویم به‌مراتب بیش از دورانی است که ما با رژیم سرسپرده پهلوی می‌جنگیدیم. عناصر فرصت‌طلب و ضدانقلاب به راه‌های مختلف در راه از بین بردن این انقلاب تلاش می‌کنند و حتی حاضرند با شاه و ایادیش بسازند و دوباره رژیم گذشته را برگردانند، چون ماهیت آنها برای ملت ما آن‌طوری‌که باید، روشن نشده‌است. به راحتی می‌توانند در صفوف فشرده ملت مسلمان ما نفوذ کنند و ضربه‌های ضدانقلابی خود را وارد کنند.

رژیم پهلوی آنچنان چهره منفورش آشکار بود که تمام نیروهای مردمی ما را علیه خودش بسیج کرد اما این افراد، این گروه‌ها، این سازمان‌های مختلف هنوز هم گاهی رنگ مردمی به‌خود می‌گیرند و این‌جاست که وظیفه پاسداران انقلاب بی‌نهایت دشوار می‌شود. به همین دلیل است که در همین قدم‌های اول که پاسداران شکل می‌گیرند و در سطح ایران قدرت خود را نشان می‌دهند، بسیاری از آنها نیروهای خود را زیرزمینی می‌کنند و یا به فعالیت‌های انحرافی و فرصت‌طلبانه دست می‌زنند. من صریحاً می‌گویم که راه خطرناک و دشواری را در پیش دارید.

تمام نیروهای اصیل انقلابی این مملکت چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت گروهی امید آینده این انقلاب را به شما بسته‌اند. در این مرحله است که باید هرچه سریعتر در جهت سازندگی و تشکل و حرکت انقلابی علیه کلیه نیروهای ضدانقلاب اعم از چپ و راست حرکت کنیم.

اگر معتقد به خدایید و اگر به‌خاطر الله حرکت می‌کنید، باید در هر لحظه از ضوابط صادقانه و سلسله مراتب تشکیلاتی اطاعت کنید، نه کورکورانه و بی‌دلیل و نه ضداسلامی، باید امیال و هدف‌های فردیمان را کنترل کنیم. ما در آینده از وجود کلیه نیروهای اصیل انقلابی در ایران بی‌نیاز نخواهیم بود اما هر یک از نیروهای انقلابی بایستی توجه داشته باشند که حرکت منطقی و صحیح داشته باشند. حرکتی در جهت اسلام و خط رهبری امام‌خمینی.

۲۶۹

امروز امام‌خمینی در دیدار با جماعتی از مردم، در زمینه مسئولیت دست‌اندرکاران حکومت

به‌طوری که گزارش شد و به دلیل مشابهی استعفا نمود.

حتی در میان گروه خمینی عقیده در مورد ترتیبات صحیح برای ارائه یک قانون‌اساسی، به‌طور حادی متفرق است. عضوی از کمیته خمینی در نیاوران در مهمانی شامی که دو شخصیت برجستهٔ دیگر از ساخت سازمانی کمیته شمال نیز حضور داشتند، به مأمور سیاسی گفت که بیشتر نوگرایان جنبش از این می‌ترسند که گروه قم خود را برای تحمیل یک قانون‌اساسی متعلق به قرن هفتم که ممکن است حتی شامل ساخت پارلمانی ساده جدید نیز نباشد، آماده کنند. آشکار بود که چنین تحولی فشار داخلی شدیدی را برای افراد کمیته خمینی و همچنین تعداد زیاد دیگری که خمینی را تاکنون حمایت کرده‌اند، مطرح می‌نماید.

محصول فرعی مطالب فوق صحبت فزاینده ترمیم احتمالی کابینه یا به طور دیگر کودتایی برای ۵ ژوئن (۱۵ خرداد) یعنی شانزدهمین سالگرد سرکوبی شورش‌های مذهبی سال ۱۹۶۳ توسط نیروهای نظامی می‌باشد (وقایعی که منجر به تبعید خمینی گردید). تا آن جایی که ما می‌توانیم بگوییم، اینها فقط شایعه هستند ولی همان طور که مردم نمونه‌ای از اختلافاتی که در مورد مسئله قانون‌اساسی جدید ظاهر می‌شود را درمی‌یابند، آنها (شایعات) نیز افزایش پیدا می‌کنند.

نظریه: در این جا دیگ شروع به جوشیدن می‌کند، به‌طور فزاینده‌ای آشکار می‌گردد که بحث بر سر خود قانون‌اساسی و بر سر نحوه‌ای است که بایستی بررسی و تصویب شود. محتمل است که ملاقات (برخورد) سیاسی بین حامیان انقلاب که برای مدتی طولانی مخفی مانده‌بود را به میان آورد همچنان که این جریان آشکار می‌گردد. احتمال نمی‌رود که ایالات متحده از طرف توجه قرار گرفتن، فرار نماید، بویژه آن که گروه تندرو اسلامی تصمیم گرفته‌است که ایالات متحده را حداقل از طریق اتهامات مداخله در جریان سیاسی ایران جزیی از بحث و درگیری‌ها بنماید.[۵۷]

۲۷۱

"مانع سعیدالعتیبه" وزیر نفت امارات عربی متحده ضمن یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد که کشور متبوعش پیشنهاد شرکت‌های نفتی را مبنی‌بر اعلام آمادگی جهت خرید نفت در بازار آزاد تا بیش از دو برابر قیمت تعیین‌شده توسط اوپک را رد کرده است. وی گفت: «شرکت‌های نفتی پیشنهاد دادند نفت خام امارات عربی متحده را در بازار آزاد بشکه‌ای ۴۰ دلار خریداری کنند، لکن این پیشنهاد به‌دلیل آن که بر قیمت تعیین‌شده از طرف اوپک که کمتر از ۱۸ دلار برای هر بشکه است لطمه وارد می‌آورد، از طرف امارات عربی متحده رد شد. عتیبه خاطرنشان کرد که این برای نخستین بار است که یک فروشنده نفت از عرضه تولیدات خود در بازار به قیمتی به مراتب سودآورتر سرباز می‌زند.[۵۸]

ضمیمه خبر شماره ۲۶۱

سردار غلامعلی رشید معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح دراین باره چنین می‌گوید: علاوه بر نیروهای اعزامی از تهران به فرماندهی ناصر جبروتی، من ۱۳۰ نفر نیروی کمیته انقلاب و سپاهی دزفول را با دو فروند شنوک از پایگاه چهارم به خرمشهر بردم و در پادگان دژ پیاده شدیم. در لحظه ورود با شهید جهان‌آرا ملاقات کردم و حتی تفنگ خودم را به او دادم. او که سوار ماشین پیکان بود به سرعت به شهر رفت تا به بچه‌ها خبر دهد که ما به کمک آمده‌ایم.[۵۹]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۹

۱ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۹، ص۲.
۲ - سند شماره ۴۵۴/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: سلسله تحقیقات تاریخی جنگ - ۱، جنگ در خرمشهر، صفحه ۴۹.
۳ - مأخذ شماره ۲.
۴ - مأخذ شماره ۱، ص۲.
۵ - مأخذ شماره ۲.
۶ - مأخذ شماره ۱.
۷ - مأخذ شماره ۱.
۸ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۳.
۹ - پیشین.
۱۰ - مأخذ شماره ۱.
۱۱ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۹، ص۷.
۱۲ - مأخذ شماره ۱.
۱۳ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۹، ص۲ و روزنامه بامداد ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۲.
۱۴ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۹، ص۲.
۱۵ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۲ و روزنامه بامداد ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۲.
۱۶ - سند شماره ۷ - ۱۱۴۶۳۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به ستاد ارتش به شماره ۲/۵۱۰ / ۱۳۵۸/۳/۹
۱۷ - مأخذ شماره ۱۴.
۱۸ - مأخذ شماره ۱۵.
۱۹ - مأخذ شماره ۱۵.
۲۰ - روزنامه جمهوری‌اسلامی ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۲.
۲۱ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۹، ص۲.
۲۲ - روزنامه بامداد ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۳.
۲۳ - روزنامه آیندگان ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۲.
۲۴ - پیشین.
۲۵ - سند شماره ۸ - ۱۱۴۶۳۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام احمد مدنی استاندار خوزستان به وزارت کشور به شماره ۲/۱۳۹ / ۵۸/۳/۹
۲۶ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۲.
۲۷ - مأخذ شماره ۲۳.
۲۸ - مأخذ شماره ۲۰.
۲۹ - مأخذ شماره ۲۳.
۳۰ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۳.
۳۱ - همان، صفحه ۸.
۳۲ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۲.
۳۳ - مأخذ شماره ۳۰.
۳۴ - مأخذ شماره ۳۰.
۳۵ - مأخذ شماره ۳۲.
۳۶ - مأخذ شماره ۳۰.
۳۷ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۲.
۳۸ - خبرگزاری پارس، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۶۹، ۱۳۵۸/۳/۱۱، به‌نقل از رویتر، ص۱۰.
۳۹ - پیشین، رادیو لندن، ص۵.
۴۰ - مأخذ شماره ۳۸، ص۱۰.
۴۱ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۲.
۴۲ - مأخذ شماره ۳۲، ص۲.
۴۳ - مأخذ شماره ۳۲.
۴۴ - مأخذ شماره ۳۰.
۴۵ - رزمندگان آزادی طبقه کارگر، گزارش اوضاع اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خلق عرب (بی‌نا، بی‌تا) ص‌ص ۴۶ - ۴۲.

شریه کار ارگان سازمان چریک‌های فدایی شماره ۱۶، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۵.
شریه کار، شماره ۱۷، ۱۳۵۸/۴/۷، ص۵.
وزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۳.
أخذ شماره ۲۰، ص۲.
أخذ شماره ۲۲، ص۲.
وزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۲.
خبرگزاری پارس، گزارش‌های ویژه، نشریه اره ۶۸، ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص‌ص ۱۰ - ۹، بخش رادیو صوت‌الجماهیر.
وزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۲.
انون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن، زندگی و خلق ترکمن صحرا (گنبد کاووس، کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن، ۱۳۵۸) ص۷۵.

۵۵ - روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۸ و ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۸.

۵۶ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام‌خمینی، جلد۷ (وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱)، ص‌ص ۳۴ - ۳۱.

۵۷ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۷۶-۷۳.

۵۸ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۹، ص۸.

۵۹ - مهدی انصاری، محمد درودیان و هادی نخعی، خرمشهر در جنگ طولانی (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول، ۱۳۷۵) ص۸۴.

روزشمار

پنجشنبه
۱۰ خرداد ۱۳۵۸
۵ رجب ۱۳۹۹
۳۱ مه ۱۹۷۹

ناآرامی و درگیری مسلحانه در شهرهای خرمشهر و آبادان به‌طور پراکنده در سرتاسر شب و روز ۵۸/۳/۱۰ ادامه داشت. در خرمشهر از ساعت ۱ بامداد درگیری شدیدی از پایگاه واقع در خیابان روبه‌روی شط آغاز شد به‌طوری که تیراندازی و صدای رگبار و اسلحه‌های سنگین به مدت ۲۰ دقیقه ادامه داشت.(۱) به نوشته روزنامه اطلاعات، شب گذشته خرمشهر در وحشت و التهاب می‌سوخت و آبستن حوادث بود. در ناحیه کوت‌شیخ در آن سوی کارون به‌طور پراکنده زد و خورد با افراد شهربانی تا صبح ادامه داشت. تیراندازان عرب از آن سوی کارون به شهربانی که در این قسمت کارون قرار دارد، تیراندازی می‌کردند. در نخلستان‌های اطراف شهر به‌طور پراکنده جوانان خلق عرب با پاسداران و کماندوها به زد و خورد می‌پرداختند. در جریان این زد و خوردها پنج نفر زخمی شدند و به‌گفته مسئولان کانون‌های سیاسی خلق عرب ۳ نفر از عرب‌ها نیز کشته شده‌اند.(۲)

از ساعت ۵ صبح گروهی از قوای کمکی از جمله چندین دستگاه تانک برای برقراری آرامش شهر از دروازه خرمشهر وارد شهر شدند. با آغاز صبح آرامش نسبی در شهر حکمفرما گشت. به گفته فرمانداری خرمشهر از صبح شهر آرام و تحت کنترل و مراقبت سپاه‌پاسداران انقلاب و نیروهای انتظامی قرار گرفت و پاسداران انقلاب با همکاری فعالانه مردم اکثر مهاجمان را دستگیر و خلع‌سلاح کردند.(۳) اما این آرامش دوام زیادی نداشت، ساعت ۹:۳۰ صبح در ناحیه مسجدجامع به پاسداران حمله‌ای صورت گرفت که چند تن مجروح شدند.(۴) از ساعت ۱۱ تیراندازی‌های شدیدی در نقاط مختلف شهر آغاز شد. در این هنگام گروهی قصد حمله به کلانتری ۲ خرمشهر را داشتند که پاسداران و کماندوها حمله آنان را خنثی کردند. به نوشته روزنامه کیهان، از ساعت ۱۱ تا ۱۲ ظهر شش نفر زخمی شدند که آمبولانس‌ها آنان را به بیمارستان‌ها منتقل کردند. اتومبیل‌هایی با بلندگو به مردم اخطار می‌کنند به خانه‌های خود برگشته و از خانه خارج نشوند. از سوی دیگر، از بامداد امروز تانک‌های کوچک ارتشی که وارد

خرمشهر شده‌اند به‌وسیله چریک‌ها و کماندوها در شهر در حال حرکت هستند و نقاط حساس را زیر نظر دارند.[۵]

با پایان یافتن درگیری‌های رو در رو، حملات چریکی و درگیری‌های پراکنده که بیشتر جنبه غارت و آتش‌سوزی دارد، در محلات مختلف، آغاز گردید، بخصوص محلاتی که پاسداران کمتر بدانجا توجه کرده بودند؛ برای نمونه در خیابان مولوی حدود ساعت ۱۲ به ۳ پاسدار حمله شد که یکی از آنان با تیر بسختی مجروح گردید. در این حمله اسلحه پاسداران را مهاجمان با خود بردند. در همین ساعت در این قسمت از شهر با روشن کردن آتش و سوزاندن لاستیک، راه را مسدود نمودند ولی پاسداران کمکی با تیراندازی هوایی آنان را متفرق کردند.

هنگام ظهر شورای تأمین خرمشهر تشکیل جلسه داد و با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که گروهی چپاولگر به‌منظور غارت منازل مردم از این فرصت استفاده کرده‌اند و اقدام به تخریب، آتش‌سوزی و غارت اموال مردم نموده‌اند که بشدت سرکوب خواهند شد. در این اطلاعیه از مردم خواسته شد که "افراد ضدانقلاب" را به مقام‌های مسئول معرفی کنند تا دسیسه‌های استعماری با شکست مواجه شود.[۶]

بعدازظهر، دو پاسگاه ژاندارمری "هرته" و "خیّن" که در محله‌های عرب‌نشین قرار دارند، مرتب مورد حملات شدید مهاجمان قرارگرفته‌اند ولی مأموران بشدت به آنها پاسخ می‌دهند. پاسگاه‌های مذکور با بیسیم ضمن تقاضای کمک اعلام می‌کنند که هزاران گلوله از سمت روبه‌رو (خاک عراق) به‌طرف ما شلیک می‌شود، اما فرماندهان آنان را از تیراندازی متقابل و پاسخ‌گویی بازداشته‌اند.[۷] از سوی دیگر، با تشدید تیراندازی در نخلستان‌های اطراف پایگاه دریایی خرمشهر، ناویان دریایی به کمک پاسداران انقلاب‌اسلامی خرمشهر شتافتند و طی عملیاتی نخلستان‌های اطراف پایگاه دریایی را از وجود کسانی که به سوی پایگاه تیراندازی می‌کردند، پاکسازی نمودند. این درگیری‌ها به زخمی شدن ۱۵ ناوی و درجه‌دار پایگاه منجر شد که این عده به همراه عده‌ای از مجروحان عرب در بیمارستان نیروی‌دریایی بستری شدند.[۸]

در همین روز، روزنامه کیهان در صفحه اول خود نوشت: «آرامش در خرمشهر برقرار شد وارتش و پاسداران کنترل شهر را به‌دست گرفتند.»[۹] این روزنامه به‌نقل از احمدصدر حاج سیدجوادی وزیر کشور نوشت: عملیات تحریک‌آمیز عوامل ضدانقلاب و ساواک به‌صورت آتش زدن مغازه‌ها و تأسیسات گمرک و دولتی واقع شده، ناچار دولت بایستی در مقام جلوگیری و پیشگیری برمی‌آمد، به‌همین جهت تمام قوای دولتی، شهربانی و ژاندارمری بشدت مقاومت کرده‌اند. ارتش جمهوری‌اسلامی نیز وارد عمل شده‌است و از هر گونه کشتار و آتش‌سوزی درحال حاضر جلوگیری شده‌است و آرامش تقریباً در این شهر برقرار است. وزیر کشور افزود: در اطراف ژاندارمری و شهربانی خرمشهر متجاوز از سه‌هزار نفر افراد مسلح ضدانقلاب مستقر شده‌اند، اینها تحریک شدهٔ عوامل شاه سابق هستند.[۱۰] امیرانتظام سخن‌گوی دولت نیز گفت: حوادث اخیر خرمشهر تحریکاتی است که از سوی افراد ضدانقلاب و دشمنان استقلال ایران

انجام می‌شود، ولی دولت موقت جمهوری‌اسلامی با قاطعیت تمام در برابر آنها ایستاده است. وی افزود: در حال حاضر و تا آن‌جاکه من اطلاع دارم اوضاع خرمشهر آرام است و عده‌ای از افراد ضدانقلاب در خرمشهر به‌وسیله قوای انتظامی و پاسداران انقلاب دستگیر شده‌اند.[۱۱]

به هر ترتیب، از ساعت ۹ شب عبور و مرور به کلی در شهر قطع شد و پاسداران تمام خیابان‌ها و نقاط شهر را زیر کنترل شدید خود گرفتند و به بازرسی هر رفت و آمدی پرداختند.[۱۲]

۲۷۳

آبادان نیز امروز شاهد چند درگیری بود. در ساعت ۱۲ تشییع جنازه چندنفر از کشته‌شدگان حادثه روز چهارشنبه در آبادان برگزار گردید و جمعیتی در حدود دو هزار نفر مسافتی حدود ۲۰کیلومتر از بیمارستان آرین تا گورستان آبادان با پای پیاده جنازه‌ها را تشییع کردند. تشییع‌کنندگان شعارهایی بر علیه مدنی استاندار خوزستان می‌دادند.[۱۳] در نتیجه زد و خوردی روی داد که ۴ تن دیگر از اعراب کشته شدند.[۱۴]

با فرارسیدن شب، تعدادی مهاجم مسلح به سوی دژبان اسلامی آبادان یورش بردند و اقدام به تیراندازی کردند که نیروهای دژبان به آنها پاسخ متقابل دادند و بعد به‌سوی کلانتری۳ حمله کردند و یک پاسدار را مجروح نمودند. در همین حال روزنامه کیهان به‌نقل از قسمت آمار بیمارستان آرین آبادان نوشت: تا عصر پنجشنبه، ۱۲ جسد تحویل سردخانه این بیمارستان شده‌است و تعداد مجروحین در این بیمارستان زیاد است.[۱۵]

۲۷۴

عراق همزمان با تحرکات نظامی در مرزها به همراه کویت با انتشار اخبار تحریک‌آمیز در جهت تشجیع اعراب خوزستان تلاش می‌کند. عراق در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۱۰ گردان دوم توپخانه ساحلی مستقر در ام‌القصر را به فاو اعزام و در منطقه نهرالرأس و قشله (روبه‌روی دو پاسگاه شیر و ابطر گروهان خسروآباد) مستقر کرد و به حالت آماده‌باش درآورد.[۱۶] از سوی دیگر، تلویزیون بصره در بخش خبری ساعت ۱۱/۵ شب خود با پخش اعلامیه‌ای از طرف شبیرخاقانی که در آن نسبت به سیاست دولت موقت در خوزستان انتقاد شده‌بود، دخالت و کمک دولت عراق را به اعراب خرمشهر تکذیب نمود.[۱۷]

در این میان رادیو کویت نیز به نقل اخبار به گونه‌ای تحریک‌کننده اقدام می‌کند. این رادیو در اخبار بخش عربی مورخ ۱۳۵۸/۳/۱۰ گفت: اعراب ایران اعلام کردند که سلاح‌های خود را تحویل نخواهند داد مگر بعد از این که دولت خواسته‌های آنها در مورد خودمختاری را تأمین کند. نیروهای دولت از ناوچه نیروی دریایی برای تیراندازی به سوی بندر نزدیک پالایشگاه آبادان استفاده می‌کنند و ۲ فروند هواپیما و هلی‌کوپتر برفراز مواضعی که اعراب ایرانی در آن متحصن هستند، پرواز می‌کنند ولی تیراندازی نمی‌کنند.[۱۸]

کسان دیگری پشتیبانی کنیم، مانع از این کار نمی‌شود که ما نظرمان نسبت به همکاری با شریعتمداری این خواهد بود که این همکاری طریقه‌ای است مخفی برای اعمال نفوذ در این نهضت، تا هر اندازه که باشد و در ضمن آن نوع اطلاعاتی را هم که فقط در دسترس افراد فعال در مبارزه سیاسی می‌باشد، جمع‌آوری می‌کنیم. این نکته مهم خواهدبود که نگذاریم درموقعیتی واقع شویم که برای حزب تصمیم بگیریم.

اگر یک دو ملاقات اول با حسن مشمر ثمر بودند، شاید اقدام به نقل مکان ... به خارج از ایران به‌صلاح باشد. خیلی از کار بستگی خواهدداشت به حساب ما از ... کسب امنیت ... در ملاقات‌ها.(۲۳)*

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱۰

۱ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۸.
۲ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص۲.
۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص‌ص ۳ و ۸.
۴ ـ مأخذ شماره ۲.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱.
۶ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۸.
۷ ـ پیشین.
۸ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۲.
۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۲، ص۲.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۸، ص۲.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۶، ص۸.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۸، ص۲.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۶، ص۸.
۱۶ ـ سند شماره ۰۳۴۶۷۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۶، ص۸.
۱۸ ـ مهدی انصاری، محمد درودیان، هادی نخعی، خرمشهر در جنگ طولانی (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول، ۱۳۷۵ ص‌ص ۶۴ ـ ۶۳.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۲، ص۱۲.
۲۰ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱۵ (تهران: نشرلانه) ص۱۵، سند شماره ۱۸.
۲۱ ـ مأخذ شماره ۲۰، ص‌ص ۸۲ ـ ۷۷.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۲۰، ص‌ص ۸۹ ـ ۸۴.
۲۳ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۵۵ (تهران: نشرلانه) ص۶۹.

* قسمت‌های نقطه‌چین در اصل سند از بین رفته است.

روزشمار

یکشنبه
۱۱ خرداد ۱۳۵۸
۶ رجب ۱۳۹۹
۱ ژوئن ۱۹۷۹

۲۷۸
به دنبال استقرار نیروهای نظامی و پاسداران انقلاب در خرمشهر و آبادان، عناصر خلق عرب که توان درگیری رو در رو را با این نیروها در خود نمی‌بینند، در حومه شهرها به حملات پراکنده‌ای به مراکز دولتی می‌پردازند، ولی در شهر با حمایت "آیت‌الله شبیرخاقانی" به تحصن، راهپیمایی توأم با مظلوم‌نمایی دست می‌زنند. از جمله وقایع حومه شهر این که نیمه‌شب گروهی در اطراف پادگان دژ خرمشهر اقدام به تیراندازی کردند و درصدد حمله به پادگان برآمدند که با مراقبت مأموران و پاسداران خنثی گردید. در همین ساعات گروهی در منطقه خسروآباد یک انبار بزرگ خرما را به آتش کشیدند. از سوی دیگر، تعدادی مهاجم مسلح به سوی دژبان اسلامی آبادان یورش بردند و تیراندازی کردند که نیروهای دژبان به آنها پاسخ متقابل دادند. مهاجمان سپس با حمله به سوی کلانتری۳، یک پاسدار عرب به نام عوض آلبوغبیش را مجروح نمودند.(۱)

اما در شهرها، مطبوعات خبر از وجود آرامش می‌دهند. روزنامه اطلاعات ۵۸/۳/۱۲ در این‌باره نوشت: دیشب شهر خرمشهر آرام بود و گاهی صدای تک تیراندازی‌هایی به گوش می‌رسید. تنها در حومه شهر زد و خوردهای پراکنده‌ای روی داد. اوضاع آبادان نیز آرام بود و تنها در منطقه اطراف رودخانه بهمنشیر ـ که یک منطقه عرب‌نشین می‌باشد ـ صدای تیراندازی به گوش می‌رسید و اعراب منطقه مغازه‌های خود را به عنوان سوگواری تعطیل کرده‌اند.(۲) روزنامه کیهان نیز به نقل از رئیس شهربانی خرمشهر نوشت: اگرچه هنوز وضع شهر غیرعادی است، ولی دیروز و دیشب شهر آرام بود و وضع رو به آرامش می‌رود.(۳)

با وجود این، با فرارسیدن صبح و به دنبال دعوت سازمان سیاسی خلق عرب برای راهپیمایی، پاسداری و سنگربندی و مراقبت در خرمشهر شدت بیشتری یافت. مقارن ظهر گروهی از محله "کوت‌شیخ" به قصد راهپیمایی و اعلام خواسته‌های خود از پل خرمشهر عبور کردند و به طرف مسجد امام‌صادق(ع) و منزل "شیخ شبیر" روان شدند. راهپیمایان ابتدا تظاهراتی آرام داشتند ولی همین که به خیابان چهل‌متری رسیدند گروهی دیگر بدان‌ها پیوسته با



شعارهای تازه‌ای تشنج به وجود آوردند و به گروهی دیگر حمله‌ور شدند که به مداخله پاسداران انقلاب انجامید. در نتیجه این درگیری، ۱۲ نفر با ضربات داس و چاقو مجروح گردیدند و دو نفر با گلوله کشته شدند.[۴]

۲۷۹

"آیت‌الله شبیرخاقانی" درباره حوادث امروز آبادان و خرمشهر گفت: راهپیمایان به منظور تحصن در مسجد امام جعفرصادق(ع) در حرکت بودند و قصد حمله به جایی را نداشتند که اشتباهاً مورد حمله پاسداران قرار گرفته و سه نفر از آنان کشته شدند. این درگیری موجب ناراحتی همه شده و من نماینده‌ای به قم فرستادم و حضرت "آیت‌الله شریعتمداری" مسئله را دنبال می‌کنند. وی در مورد تعداد کشته‌شدگان گفت: مشغول جمع‌آوری آمار هستیم. وی درباره قطع درگیری‌ها اظهار کرد: اگر دولت بخواهد، مسئله به همین جا خاتمه خواهد یافت. ما هم خواستار پایان یافتن کشتار در منطقه می‌باشیم، ولی هنوز کسی با ما تماسی نگرفته‌است. من اعلام می‌کنم که این وضع عواقب خوبی به دنبال نخواهد داشت. "شبیرخاقانی" مدعی شد: تاکنون سه بار به منزل من حمله شده، من خود شاهد شکستن در و پنجره و زخمی شدن دو نفر در منزلم بودم. کنسول فرانسه از واقعه خرمشهر به سختی ناراحت هستند که مسلماً گزارش واقعه را به دولت داده‌اند.[۵]

در این حال خبرگزاری فرانسه گزارش داد که وی (شبیرخاقانی) از اعضای اقلیت عرب

خوزستان خواست در صورتی که تحریکات ادامه پیدا کند، از خود دفاع کنند. وی همچنین به نمایندگان مطبوعات خارجی گفت: بعضی از اعضای جامعه عرب از او تقاضا کرده‌اند علیه مقامات اعلام جهاد کند، ولی او حاضر نشده‌است این راه‌حل نهایی را بپذیرد. وی افزود: جامعه عرب می‌خواهد شخصاً خود را اداره کند.[۶]

رادیو کلن نیز در بخش فارسی خود گفت: شبیر خاقانی نیروی‌هوایی را متهم کرد که ۵ نقطه در حومه شهر خرمشهر را بمباران کرده‌است. این رادیو افزود: مقامات ارتش جمهوری‌اسلامی ایران اظهار داشتند از چنین حملات هوایی در مرز ایران و عراق اطلاعی ندارند.[۷]

۲۸۰

متحصنان مسجد امام‌صادق(ع) خرمشهر (مسجد آیت‌الله شبیرخاقانی) که از امروز تحصن خود را شروع کرده‌اند، در اولین روز تحصن خود، قطع‌نامه‌ای در ۱۲ ماده خطاب به دولت صادر کردند و ۴۸ ساعت برای اجرای آن فرصت دادند. مفاد قطع‌نامه عبارت بودند از: ۱ـ برکناری و محاکمه علنی آقای مدنی استاندار خوزستان که مسبب اصلی بروز کشتار خلق عرب مسلمان ایران است. ۲ـ شناسایی و محاکمه سایر مسئولین قتل‌عام مسلمانان عرب در ۳ روز اخیر خرمشهر و آبادان و حومه. ۳ـ ما حمله مسلحانه را به منزل مرجع عالی‌قدر "حضرت آیت‌الله‌العظمی شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی" را محکوم کرده و از دولت انقلابی خواستاریم نسبت به این موضوع مهم رسیدگی و مسببین را به کیفر عمل ضدانقلابی خود برساند. ۴ـ ما از دولت انقلابی موقت می‌خواهیم که در مقابل خانواده‌های شهدا و مجروحین ۳ روزه اخیر تعهد مادی و معنوی نمایند. ۵ـ از دولت خواستاریم هرچه زودتر نسبت به جمع‌آوری اسلحه‌هایی که در سه‌شنبه شب به دستور آقای مدنی و اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی و خوشنام فرمانده سابق پایگاه دریایی، در مسجدجامع بین افراد غیرمسئول توزیع گردید، اقدام فوری به عمل آید. ۶ـ اخبار ۳ روزه اخیر را که راجع به حوادث تأسف‌بار خرمشهر و آبادان بوده و به وسیله رادیو و تلویزیون به طور مغرضانه پخش گردید، تکذیب و خواستار رفع هرگونه سانسور از رادیو ـ تلویزیون و نشریات هستیم. ۷ـ ما از موضع محکم و برحق مرجع عالی‌قدر "حضرت آیت‌الله شبیرخاقانی" پشتیبانی نموده و تنها ایشان را رهبر مذهبی خوزستان می‌شناسیم. ۸ـ ما از مراجع عالی‌قدر جهان تشیع مُصراً خواستاریم که کشتار خلق مسلمان عرب را محکوم کرده و موضع خود را نسبت به حوادث اخیر این منطقه اعلام فرمایند. ۹ـ صدور هرگونه اعلامیه توهین‌آمیز به مرجع عالی‌قدرمان "حضرت آیت‌الله خاقانی" را محکوم کرده و از دولت خواستاریم از انتشار این چنین اعلامیه‌های نفاق‌افکنانه جلوگیری به عمل آورند. ۱۰ـ ما خلق مسلمان عرب ایران هرگونه اندیشه تجزیه‌طلبی و تبعیض را محکوم و خواهان وحدت کلمه در سراسر ایران بوده و هستیم. ۱۱ـ از دولت خواستاریم که نسبت به رفع تبعیض و برقراری عدالت و مساوات بین فارس و دیگر قومیت‌ها (ترک، کرد، لر، عرب، بلوچ و ترکمن) سریعاً اقدام و به جای دشمنی و نفاق، دوستی و برادری و اتحاد ایجاد نمایند. ۱۲ـ ما مُصراً از آقای بازرگان نخست‌وزیر موقت

جمهوری‌اسلامی خواستاریم نسبت به این کشتار وحشیانه در ظرف مدت ۴۸ ساعت رسیدگی و اقدام لازم به عمل آورد، در غیراین صورت خود مسئول حوادث ناگوار گذشته و آینده خواهدبود.»[۸]

۲۸۱
در حالی که عناصر موسوم به خلق عرب تمام همّ خود را متوجه جداسازی و تمایز قومی خوزستان کرده‌اند، انقلابیون مسلمان عرب و فارس که دولت بعثی عراق را در پشت ماجرای "خلق عرب" می‌بینند، با تکیه بر اسلام و انقلاب و جمهوری‌اسلامی، در جهت خنثی‌سازی تلاش‌های مشکوک عناصر ضدانقلاب، کوشش می‌کنند. در چارچوب این کوشش‌ها، ستاد عشایر مسلمان عرب آبادان اطلاعیه‌ای درباره حوادث خوزستان انتشار داد که در آن آمده‌است: آنچه در خرمشهر رخ داد، چیزی است که استعمار می‌خواسته‌است و برای انجام آن کسانی نقشه می‌کشیدند که می‌خواستند در میهن عزیز ستیزه‌های ناسیونالیستی درگیرد، میهنی که به لطف خداوند دولت اسلام و حکومت قرآن بر آن سایه افکنده است. در ادامه اطلاعیه، آثار و نتایج وخیم و عواقب دردناک این اختلافات و تفرقه‌اندازی‌های ناسیونالیستی، "به فرزندان ملت عرب"گوشزد شده و در آخر نکاتِ زیر آمده‌است: ۱ـ ما به حقوق مشروع ملت مسلمان عرب در این منطقه ایمان داریم ولی معتقدیم که این حقوق در سایه جمهوری اسلامی محفوظ خواهدبود. ۲ـ ما افراد فرصت‌طلب خائن را که می‌خواهند یگانگی اسلامی ما را با تعصب ناسیونالیستی میان عرب و فارس مشوب کنند، محکوم می‌نماییم و از مسئولین می‌خواهیم این افراد را دستگیر و محاکمه کنند، چه عرب و چه فارس باشند. ۳ـ ما از حکومت اسلامی خود می‌خواهیم سعی و کوشش کند که آرامش و امنیت را به این منطقه برگرداند تا هرچه زودتر مردم به زندگی روزمره خود بازگردند. ۴ـ همچنان از برادران مسلمان عرب و فارس می‌خواهیم خودداری و آرامش داشته باشند و از اختلافات ناسیونالیستی فاسد دوری و پرهیز کنید، زیرا که ما پرچم اسلام را به دست گرفته‌ایم و این بر ما ننگ است که بار دیگر به حالت جاهلیت و تفرقه برگردیم.[۹]

همچنین چند اعلامیه به زبان عربی از طرف ستاد عشایر خلق عرب آبادان و "حجت‌الاسلام طرفی" رهبر مذهبی عشایر آبادان در رادیو خوانده‌شد. این اعلامیه‌ها به عشایر خلق عرب خوزستان هشدار می‌داد که گول عوامل امپریالیسم را نخورند و صبر را پیشه خود نمایند و این که صهیونیسم و امپریالیسم در خرمشهر دست به خرابکاری زده، می‌خواهد از عرب و عجم بودن مردم سوءاستفاده نماید.[۱۰]

در اهواز نیز گروه کثیری از جوانان اهواز به کمیته امام مراجعه و آمادگی خود را برای خنثی کردن اعمال ضدانقلاب اعلام کردند. این اقدام درپی ناآرامی‌های شب گذشته انجام شد که گروهی در اهواز دست به تظاهرات زدند و ناراحتی‌هایی به وجود آوردند. ضدانقلابیون علاوه بر هجوم به چند اتومبیل و شکستن شیشه‌های آنها، یک پمپ بنزین را به طور مسلحانه مورد

حمله قرار دادند و تیرهایی به طرف پمپ‌های آن خالی کردند به طوری که این پمپ بنزین که در "امانیه" و مقابل اداره آموزش و پرورش قرار دارد از کار افتاده است.[۱۱]

۲۸۲
درباره تعداد تلفات انسانی حوادث اخیر خوزستان، روزنامه کیهان گزارش داد:

طبق یک آمار، تا عصر جمعه (۵۸/۳/۱۱) بیمارستان دکتر مصدق ۲۴ کشته و ۶۰ مجروح، بیمارستان شهیدی ۵ کشته و ۳۴ زخمی، بیمارستان آرین ۱۳ کشته و ۳۰ مجروح، بیمارستان مهر ۲ کشته و ۱۵ مجروح و بیمارستان پایگاه دریایی ۵ کشته و ۳۰ مجروح داشته است.[۱۲]

۲۸۳
"آیت‌الله طالقانی" به مناسبت حوادث خرمشهر و آبادان پیامی خطاب به مردم خوزستان از تلویزیون فرستادند. در این پیام آمده‌است: من بارها به برادران و فرزندان کرد، ترکمن، بلوچ و عربمان گفته‌ام که حقوق آنها در نظام جمهوری‌اسلامی تأمین خواهدشد و این مسئله‌ای است که همه رهبران انقلاب‌اسلامی بخصوص حضرت "آیت‌الله خمینی" بارها بر این مسئله تأکید کرده‌اند.[۱۰]

در وضع فعلی، آنها آیا چیزی کمتر دارند از مردم تهران، یزد، کاشان، مشهد؟ آن را بیان کنند. نسبت به آینده هم که ما بارها گفته‌ایم که نظام اسلامی نه به تبعیت از دمکراسی غربی، دروغ، بلکه با نظام اصیل اسلامی حقوق هر فرد و هر گروهی را تأمین خواهدکرد. در نظام اصیل اسلامی هیچ کس حقش نادیده گرفته نخواهدشد و اکنون هم که همه در تلاشیم برای این که این مرحله بعد از سرنگونی نظام سابق را بتوانیم به مراحل بالاتر و بالاتر پیش ببریم و هنوز مراحل مشکلی در پیش است، دسیسه‌ها [در پیش] است. من تعجب می‌کنم که برادران خوزستان ما چه مطلبی دارند، این چند روز تلفن‌هایی شد، در روزنامه خواندم، اساساً نفهمیدم جز این که بگوییم توطئه است و مسلماً هم هست، آن هم در منطقه خوزستان و در منطقه نفت و حساس سوق‌الجیشی.

من سفارش و پیامم به برادران و خواهران و فرزندان فارس و عرب خوزستان این است که خود اینها توطئه را خنثی کنند و عوامل را پی‌جویی کنند و نشان بدهند الان مسئله‌ای در بین نیست.

همان طور که در بحث قرآن گفتم، این قرآن است که عرب و عجم و کرد و تمام مسلمین را می‌تواند جمع کند و همین نقطه حساس، نگرانی دزدها و غارتگرها و دسیسه‌بازهای بین‌المللی شرق و غرب است و همه از انقلاب ما نگرانند که مبادا این قرآن پیش برود و از این جهت وقتی می‌گوییم نهضت اسلامی و قرآنی است، برادران عرب خوزستانی ما باید بیشتر مباهی باشند و افتخار کنند، چون قرآن زبان عرب است، زبانی است که هم عرب را جمع کرده و هم ملل اسلامی را به یاری خدا و به همت مسلمان‌های انقلابی اصیل پیش خواهدبرد.

بنابراین، باز من تکرار می‌کنم به برادران و خواهران خوزستانی ما مطالب حقه‌شان را به

دولت به رهبری و به ما اطلاع بدهند، اگر آن قدرکه در امکان شرایط و اوضاع فعلی بود، کوتاهی کردیم، آن وقت به این مسائل شروع کنند، ولی چه کوتاهی درباره آنها شده‌است و دیگران چه مزیت پیدا کردند و امیدواریم با تشکیل شوراهای محلی و ارائه قانون‌اساسی و پیاده کردن قانون‌اساسی، راه‌های نفوذ بیگانه و دسیسه‌کاری‌ها و شیاطینی که امروز از انقلاب ما فریادشان بلند شده، بسته شود و همان طوری که روز فتح مکه پیغمبر خدا فرمود ناله شیطان بلند شد، برای این که مرکز بت‌ها کوبیده شد، امروز هم که مرکز بت‌تراشی با توحید و قرآن کوبیده می‌شود و کوبیده شده، ناله شیطان‌های دنیا بلند است.[۱۳]

۲۸۴
درگیری‌های امروز در استان خوزستان بازتاب گسترده در رسانه‌های خارجی داشته است، از جمله:

رادیو امریکا در بخش فارسی خود گفت: امروز خوزستان مجدداً صحنه زد و خوردهای بیشتری بود. این زد و خوردها زمانی آغاز شد که پاسداران انقلاب بر روی هزاران تظاهرکننده ایرانی عرب‌زبان که خواستار اجساد کسانی بودند که در زد و خوردهای دو روز گذشته کشته‌شدند، آتش گشودند.[۱۴]

رادیو کلن نیز در بخش فارسی خود گزارش داد: تظاهرات سه‌هزار نفر از اقلیت عرب نژاد استان خوزستان در شهر خرمشهر انجام شد. تظاهرکنندگان با دادن شعارهایی خواهان تبدیل نام خوزستان به عربستان شدند. نمایندگان اقلیت عرب همچنین از دولت مرکزی ایران، ضرب‌العجل خواستند که احمد مدنی استاندار این منطقه را از مقام خود معزول کند.[۱۵]

رادیو بی.بی.سی نیز با انعکاس حوادث خوزستان به نقل از خبرنگار خود در تهران خبر داد که قرار است هیئتی از سیاسیون و حقوق‌دانان به خوزستان بروند و درباره خواست خودمختاری اعراب خوزستان تحقیق و مذاکره به عمل آورند. ظاهراً این کار با ابتکار عمل جبهه دمکراتیک ملی صورت می‌گیرد. سخنگویان جبهه مزبور می‌گویند فدائیان خلق و جبهه ملی و کانون وکلای دادگستری در این کار شرکت دارند. این رادیو افزود: مدنی (استاندار خوزستان) اظهار داشت لازم نمی‌بیند با شیخ شبیرخاقانی تماس حاصل نماید. در مورد این که ممکن است در دهکده‌های عرب‌نشین ایرانی نزدیک به مرز عراق آن گونه که شیخ خاقانی اعلام می‌کرد جنگ رواج داشته باشد. مدنی گفت که اطلاع دقیقی در این زمینه ندارد، ولی ممکن است چنین باشد.[۱۶]

۲۸۵
برخی از مقامات ایران، عراق را به دست داشتن در وقایع خوزستان متهم کردند. در همین زمینه مدنی استاندار خوزستان گفت: ما از دو کشور عراق و کویت گله داریم که حقوق ما را حفظ نمی‌کنند. اسلحه قاچاق از کشور عراق می‌آید و کویت علناً دعوت به طغیان علیه حکومت اسلامی ایران می‌کند.[۱۷] از سوی دیگر، آیت‌الله "سیدجلال طاهری" نیز در نماز جمعه تهران

اعلام کرد که در وقایع خوزستان دست ارتجاع، امپریالیسم غرب و شرق و حکومت عراق مشاهده می‌شود. عراق از این که انقلاب‌اسلامی ایران به مرزهایش سرایت کند، به وحشت افتاده و می‌خواهد با برپاکردن غائله عرب و عجم، مسیر انقلاب را عوض کرده، خود را مدافع دروغین اعراب و انقلاب‌اسلامی ایران را مخالف با اعراب معرفی نماید. وی به عراق هشدار داد و گفت: ملت ایران امتحان خود را داده و با ارتشی جان برکف منتظر اوامر امام است تا همه غائله‌ها را بخواباند. ملت ایران هرگز اجازه نخواهد داد که به یک وجب از خاک جمهوری‌اسلامی تجاوز شود.[۱۸]

رادیو رسمی ایران نیز اعلام کرد هلی‌کوپترهای ارتش عراق بر فراز مرز عراق که درست در آن سوی رودخانه شط‌العرب (اروندرود) در مقابل خرمشهر قرار دارد، پروازهای شناسایی انجام داده‌است.[۱۹] روزنامه اطلاعات نوشت: به موجب یک گزارش تأییدنشده، یک ناوچه عراقی در شط‌العرب مشغول گشت و شناسایی منطقه شده‌است.[۲۰] در خلال درگیری‌های چهارشنبه گذشته نیز مطبوعات ایران از استقرار تعداد زیادی سرباز عراقی در مرز(حوالی خرمشهر) خبر داده‌بودند.[۲۱]

از سوی دیگر، دولت عراق نیز با انتشار یک بیانیه کوتاه تمرکز قوای نظامی خود در مرزهای ایران را تکذیب کرد. رادیو بغداد دراین‌باره گفت: دولت عراق این گزارش ایران را که عراق در منطقه شط‌العرب (اروندرود) به تمرکز قوا پرداخته است، تکذیب کرده و آن را بی‌اساس می‌داند. در اعلامیه آمده‌است: دولت عراق گزارش‌های مربوط به این موضوع را که عراق نیروهای تازه‌نفس به مرزهای خود با ایران فرستاده است، تکذیب می‌کند. روزنامه‌های "القبس" و "الانبا" چاپ کویت نیز به نقل از یک مقام عراقی گزارش‌های مربوط به تجمع نیروهای عراقی در مرز این کشور با ایران را تکذیب کردند. "القبس" از قول این مقام عراقی نوشت: موضوع تجمع‌قوا در کار نبوده و هیچ‌گونه اقدام فوق‌العاده‌ای از جانب دولت عراق در این زمینه صورت نگرفته‌است.[۲۲] در همین حال "رادیو صوت‌الجماهیر" در گزارشی جانب‌دارانه از حوادث خرمشهر اعلام کرد: امروز در شهر خرمشهر تظاهرات وسیعی برپا شد که با گلوله‌های ارتش و پاسداران انقلاب مواجه گردید و زره‌پوش‌ها در تعقیب شهروندان عرب بوده و بر فراز سر آنها هلی‌کوپترها به پرواز درآمده‌اند. شهروندان عرب خواستار برکناری دریاسالار مدنی استاندار "الاحواز" [اهواز] شدند.[۲۳]

۲۸۶
علما و مسلمانان اهل تسنن کرمانشاه با امضای طوماری "حجت‌الاسلام ملامحمد ربیعی" امام جمعه شهر را به عنوان نماینده خود برای مذاکره درباره مفاد قانون‌اساسی با امام و مقامات اجرایی معرفی کردند. در این طومار آمده‌است: احتراماً به عرض می‌رساند، روز جمعه بیست‌وهشت اردیبهشت هنگام ادای فریضه جمعه در مسجدجامع مسلمانان سنی‌مذهب کرمانشاه، حاضرین به اتفاق‌آرا تصمیم گرفتند که "حجت‌الاسلام ملامحمد ربیعی" امام‌جمعه را

از طرف این جامعه جهت اعلام پشتیبانی از منویات امام و ارائه پیشنهادات مسلمانان سنی‌مذهب راجع به مواد قانون‌اساسی در خصوص قرار دادن اسلام به عنوان دین رسمی کشور بدون هیچ‌گونه امتیازی برای فرقه‌ای مخصوص و هر مطلب دیگر که مورد درخواست علامه مفتی‌زاده نیز می‌باشد، به عنوان مأمور و نماینده خود به قم اعزام نمایند و اکنون که ایشان این مأموریت را قبول و عزیمت فرموده‌اند ما امضاکنندگان زیر از طرف مسلمانان سنی‌مذهب کرمانشاه بدین‌وسیله اعلام می‌داریم که پیشنهادات جناب آقای امام‌جمعه کرمانشاه مورد تأیید می‌باشد و از محضر امام و شورای‌انقلاب انتظار داریم که با قبول درخواست‌های ما، ریشه اختلافات سنی و شیعه راکه از زمان صفویه موجب بدبختی مسلمانان جهان گردیده بخشکانند و اتحاد و اتفاق و همبستگی مسلمانان را مستحکم سازند.

"حاج‌سیدحسین مسعودی" پیشنماز مسجدجامع، "حاج‌ملاعبدالحکیم خسروی" پیشنماز مسجد زردوئی و هزاران امضای دیگر.(۲۴)

۲۸۷
دکتر "ابراهیم یزدی" وزیرامورخارجه جمهوری‌اسلامی ایران دیدگاه‌های دولت موقت را در مورد مداخله امریکا در امور ایران و سیاست دولت در قبال جزایر سه‌گانه و خلیج‌فارس عنوان کرد. وی در مورد مداخله امریکا گفت: آنهایی که در گذشته در امور کشور ما مداخله می‌کردند باید بدانند که آن دوران دیگر سپری شده‌است و ما حاضر نیستیم به امریکا یا هر قدرت دیگری اجازه دهیم بر سیاست‌های ما نفوذ کنند و اگر دست به چنین اقدامی بزنند، با تمام قوا با آنها خواهیم جنگید. اگر ایالات متحده امریکا به مداخله خود در امور ایران ادامه دهد و از شناسایی انقلاب ما خودداری کند، ما روابط خود را با امریکا قطع خواهیم‌کرد. یزدی در مورد سرنوشت جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی و این که آیا دولت ایران قصد دارد درخصوص آنها آن طور که شیخ‌صادق خلخالی گفته‌است مذاکرات تازه‌ای بکند، گفت: فکر نمی‌کنم آقای خلخالی چنین حرفی زده باشد. اگر خلخالی چنین حرفی زده باشد، خلاف مصلحت و خلاف نظر دولت ایران است. دولت ایران به هیچ‌وجه چنین چیزی را در نظر ندارد. وی در مورد تغییر نام خلیج‌فارس گفت: خلیج‌فارس، خلیج‌فارس است و این که ما بخواهیم اسم یک منطقه را عوض کنیم به عنوان این که یک تغییری باشد، این مطلقاً درست نیست. آن کسانی که به این بلوای تغییر نام خلیج دامن زده‌اند نظرشان این بود که با تغییر نام می‌توان محتوای روابط را تغییر داد. به نظر ما از زمانی که تاریخ به یاد دارد، این خلیج به نام خلیج فارس بوده و دریای عمان به نام دریای عمان بوده و بحر عربی به نام بحر عربی. ما نمی‌توانیم الان به خاطر این که بعضی ایراداتی می‌گیرند یا بعضی تحریکات وجود دارد، ما اسامی را تغییر دهیم. تغییر اسم هیچ تغییری در محتوای روابط ایجاد نمی‌کند. برای مقابله با تحریکات بایستی نظام ارزش‌هایمان را عوض کنیم نه اسامی را.(۲۵)

از سوی دیگر، "آیت‌الله خلخالی" در تماس تلفنی روزنامه کیهان با ایشان درباره خلیج‌فارس و جزایر سه‌گانه گفت: جزایر سه‌گانه متعلق به ایران است، ما در رسانه‌های گروهی و در

مصاحبه‌های مطبوعاتی این مطلب را گفته‌ایم. دشمنان جمهوری‌اسلامی به هر عنوانی شایعه‌پراکنی می‌کنند. بحمدالله بیداریم و همه توطئه‌ها را خنثی می‌کنیم و درباره خلیج‌فارس من آنچه گفته‌ام این بوده که خلیج‌فارس قبل از انقلاب‌اسلامی ایران نه خلیج‌فارس بوده و نه خلیج‌عرب، بلکه خلیج امریکا بود که همه منافع آن به جیب کارتل‌های نفتی و امپریالیزم و صهیونیزم ریخته می‌شد ولی الان پس از استقرار جمهوری در ایران، اسلامی می‌باشد، این عنوان غیر از تغییر اسم است؛ ما که می‌گوییم ایران کشور اسلامی است یا فلان کس مسلمان است درصدد آن نیستیم که اسم واقعی اشخاص و یا کشور را تغییر بدهیم، قبل از من هم بزرگان مسئله را عنوان کرده‌اند. باید ما متوجه باشیم تا توطئه‌ها را خنثی کنیم، مخصوصاً کارمندان محترم وزارت امورخارجه باید مسئله را دقیقاً مطالعه کرده‌باشند یا با خود این‌جانب تماس بگیرند تا حقیقت روشن شود.(۲۶)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱۱

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۸.
۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۲.
۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۶ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۱، ۱۳۵۸/۳/۱۳، ص۶، خبرگزاری فرانسه.
۷ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۰، ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۴، بخش فارسی رادیو کلن.
۸ ـ مأخذ شماره ۲، ص۲.
۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۷، ص۱۳، رادیو آمریکا.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۶، ص۹، بخش فارسی رادیو کلن.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۶، رادیو لندن.
۱۷ ـ روزنامه جمهوری‌اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۱۳، ص۳.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۱۴، ص۲، رویتر به نقل از رادیو ایران.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۲، ص۲.
۲۱ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۲، ص۱۲، امان، خبرگزاری رویتر، به نقل از رادیو بغداد.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۱۴، ص۴، رادیو صوت‌الجماهیر.
۲۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۲۵ ـ مأخذ شاره ۱، ص۵ و مأخذ شماره ۲، ص‌آخر.
۲۶ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.

روزشمار

شنبه

۱۲ خرداد ۱۳۵۸

۷ رجب ۱۳۹۹

۲ ژوئن ۱۹۷۹

۲۸۸
هرچند اوضاع در خرمشهر روبه آرامش گذاشته است، ولی تحریکات و تحرکات عوامل داخلی و خارجی در جهت تداوم بحران، به انحاء مختلف همچنان وجود دارد. "آیت‌الله شبیرخاقانی" در دیدار فرمانده لشکر۹۲ زرهی خوزستان ضمن تهدید دولت گفت: «روشی که دولت در خوزستان پیش گرفته، خطرناک و ناصحیح است. چنانچه روش دولت و اعمال آن بدین شدت ادامه یابد، عواقب وخیمی برای دولت و ملت دربر خواهدداشت.» وی همچنین در مورد قطع‌نامه متحصنان در مسجد امام‌صادق(ع)، گفت: «من قطع‌نامه دوازده ماده‌ای خلق عرب را به جز مواد یک و دوازده آن تأیید می‌کنم. من خواهان برکناری و محاکمه "تیمسار مدنی" نیستم ولی مدنی باید از خوزستان منتقل شود و جای خود را به شخص دیگری واگذارد. من همچنین به جای ۴۸ ساعت مهلت به دولت پنج روز مهلت می‌دهم تا آقای "بازرگان" خواست‌های خلق عرب را در فرصت کافی بررسی کند و نظر خود را اعلام نماید.»[۱]

از سوی دیگر، عناصر وابسته به جریان موسوم به "خلق عرب"، خط مشی برخورد عملی خشونت‌بار را نیز در پیش گرفته‌اند؛ از جمله اقدامات آنان، خرابکاری در خطوط راه‌آهن خوزستان است که ضمن آن، چند نقطه از خطوط اهواز - بندرشاهپور و اهواز - خرمشهر آسیب دید.[۲]

در این حال رادیو عراق نیز با نقل اخبار تحریک‌آمیز تلاش می‌کند تا بر اختلافات دامن بزند، با این هدف، رادیوی مذکور به نقل از "شبیر خاقانی" اعلام کرد: دولت ایران مردم خوزستان را به جرم عرب بودنشان می‌خواهد مجازات کند در حالی که اعراب حقوق مشروع و ملی خود را خواستارند.[۳]

۲۸۹
در خرمشهر امروز ادارات دولتی و مدارس، بازار و کلیه حرفه‌ها و مغازه‌ها وارد چهارمین روز تعطیلی خود شدند. در حال حاضر اوضاع آرام است و رفت و آمد در شهر تقریباً به صورت

عادی درآمده است. همچنین متحصنان مسجد امام‌جعفرصادق (مسجد آیت‌الله شبیرخاقانی) وارد دومین روز تحصن خود شدند. امروز برق قسمتی از شهر قطع گردید که بر اثر آن، تنها پمپ بنزین واقع در مدخل شهر از کار بازماند و صدها دستگاه اتومبیل که برای بنزین مراجعه کرده بودند، منتظر ماندند. کمبود بنزین به شدت محسوس است چون کلیه مراکز بنزین شهر ویران شده و یا آتش گرفته‌اند.[۴]

امروز صدای تیر به گوش نمی‌رسید و در چهار روز گذشته این آرام‌ترین روز خرمشهر بود،[۵] اما شب هنگام صدای تیراندازی‌های پراکنده‌ای در سطح شهر و نخلستان‌های اطراف، آرامش موجود را اندکی بر هم می‌زد. با وجود این که ادارات، مدارس و بازار - به جز چند مغازه میوه فروشی و نانوایی - تعطیل بود، رفت و آمد بیشتری در شهر به چشم می‌خورد. پاسداران و گروه‌های ضربت در هوای گرم از سنگرها مراقبت می‌کردند و رفت و آمدها را به دقت زیر نظر داشتند ولی کمتر به بازرسی می‌پرداختند؛ سعی می‌شد چهره شهر به حالت عادی باز گردد. در ۴۸ ساعت گذشته گروه دیگری دستگیر شده‌اند که نماینده دادستان انقلاب مشغول بازجویی از آنان است. در ساعت ۱۱ صبح گروهی به قصد راهپیمایی، از مسجد امام‌جعفرصادق(ع) به سمت فرمانداری روانه شدند که پاسداران و نگهبانان ساختمان فرمانداری برای مقابله با حمله احتمالی آنان، حالت آماده‌باش به خود گرفتند اما راهپیمایان قبل از رسیدن به فرمانداری، به سمت مسجد برگشتند.

با وجود آرامش در شهر، مردم کوچه و بازار از اعلامیه شب قبل متحصنان در مسجد امام جعفرصادق(ع) که ۴۸ ساعت در مورد خواسته‌هایشان به دولت موقت مهلت داده‌اند، سخن می‌گویند و اظهار نگرانی می‌کنند. بازرسی در مدخل شهر از اتومبیل‌ها و مسافران ورودی و خروجی به شدت ادامه دارد. پاسداران در این محل موفق شدند در ۲۴ ساعت گذشته تعدادی اسلحه گرم و سرد کشف نمایند. طبق یک اطلاع قرار است تعداد بسیاری اسلحه به خرمشهر وارد شود. پاسداران و مرزبانان در خشکی و مرزهای آبی به شدت مراقب اوضاع می‌باشند. کیهان به نقل از منبعی که آن را "یک مقام مطلع و مسئول" خواند خبر داد که گروهی تصمیم دارند به مسئله خرمشهر بُعد سیاسی داده، مردم را به تحصن در راهپیمایی‌ها دعوت نمایند ولی مردم خرمشهر از نزدیک شاهد واقعیات می‌باشند.[۶]

۲۹۰
با گذشت چند روز از درگیری‌های خرمشهر و وقایع خوزستان، در این باره که مسائل اخیر فی‌الواقع درگیری انقلاب و ضدانقلاب است نه درگیری عرب و عجم و نیز در توضیح چگونگی بروز واقعه و ماهیت عوامل آغازکنندهٔ آن از جمله نقش برخی گروه‌های سیاسی داخلی و نیز عراق، افراد مختلف مطالب تازه طرح و اعلام می‌کنند؛ از جمله "حجت‌الاسلام موسوی‌جزایری" از روحانیون سرشناس اهواز بدون این‌که به نام سازمان خاصی اشاره کند گفت که در میان تظاهرکنندگان شهرهای خوزستان چند نفر با لباس عربی دستگیر شده‌اند و در

بررسی‌های بعدی معلوم شد که آنها اصلاً زبان عربی نمی‌دانند و با پوشیدن لباس عربی به نام برادران عرب دست به تظاهرات و خرابکاری می‌زنند. وی افزود: براساس اطلاعاتی که داریم متأسفانه برخی از کشورهای همسایه با ایران رفتار دوستانه‌ای نشان نمی‌دهند، من جمله کشور عراق که طبق گزارش‌های واصله، از طریق مرزهای این کشور شب‌ها با استفاده از تاریکی در برخی نقاط اسلحه به رایگان و به طور هدیه توزیع می‌شود. از سوی دیگر، عراق در رسانه‌های گروهی خود خوزستان را "عربستان" نام می‌برد. ما از آنها می‌خواهیم که این کشور رفتار مغرضانه را کنار گذارد و با رعایت حسن‌همجواری با هم و در کنار هم زندگی کنیم.[۷]

ناخدا خوشنام نماینده استاندار و فرمانده پایگاه دریایی خرمشهر نیز در این باره گفت: مسئله عرب و عجم مسئله‌ای است که ضدانقلاب می‌خواهد از عنوان آن بهره‌گیری کند. سال‌هاست در کنار هم زندگی می‌کنیم، بیایید ببینید که امروز سخت‌ترین پاسداری‌ها را جوانان و برادران عرب ما در گوشه و کنار شهر به عهده گرفتند. در حمله و یورش به کانون فرهنگی و نظامی جوانان مسلمان خرمشهر در تاریخ ۵۸/۲/۲۳، سیزده گروگان از پاسداران گرفته شد که اکثر آنان عرب بوده‌اند. اگر حمله‌کنندگان به عنوان خلق عرب به کانون حمله‌ور شدند، چرا پاسداران عرب‌زبان را به گروگان گرفتند؟ چرا ما با مذاکرات فراوان و تلاش زیاد می‌بایست گروگان‌ها را آزاد کنیم؟ ما با ضدانقلاب سروکار داریم، با کسانی که گروهی را تحریک کرده‌اند و خود در خانه‌ها پنهان هستند. این افراد کسانی هستند که در زمان انقلاب هم چماق به دست افرادشان دادند، همان افراد دو روز بعد پشیمان و نادم به دست‌بوسی و پابوسی روحانیون شهر آمدند.[۸]

سرپرست شهربانی خرمشهر نیز با اشاره به حوادث خوزستان، در تشریح چگونگی حادثه و شدت برخوردها گفت: ما از همان اول تهاجم به شهربانی از پاسداران انقلاب و از کماندوهایی که به منظور حفظ امنیت به این منطقه آمده بودند کمک خواستیم که به شهربانی کمک برسانند زیراکه شهربانی چنین حمله‌ای را انتظار نداشت و ما توقع نداشتیم که شهربانی به این شکل و با این شدت و حدّت مورد تهاجم قرار بگیرد به صورتی که اکثر نقاط شهربانی در اثر تیراندازی شکسته‌شده و متأسفانه با پرتاب مواد آتش‌زا و کوکتل مولوتف، آتش‌سوزی در شهربانی ایجاد شد که خوشبختانه با مقاومت سرسخت برادران همکار من و کمک بجای پاسداران انقلاب و کماندوهای عزیز ما ـ که برای حفظ امنیت به منطقه آمده بودند ـ مشکلات برطرف شده و شهر به تدریج آرامش پیدا کرد.[۹]

همچنین به گزارش روزنامه کیهان، یک مقام مسئول در شورای تأمین شهر خرمشهر گفت: «ما با یاغیان و مرتجعین و گروهی بسیار قلیل تجزیه‌طلب درگیر می‌باشیم و مسلماً آنان را نابود و سرکوب خواهیم کرد.» وی افزود: عرب و عجم سال‌هاست برادروار کنار هم زندگی کرده و از این به بعد زندگی خواهندکرد. مشکل ما کسانی هستند که با انقلاب ایران مخالف بوده و سعی به غارت، آتش‌سوزی و چپاول منازل مردم را دارند؛ درگیری ما با این افراد است. گروهی سعی

دارند درگیری‌های سه روز گذشته را به مسئله عرب و عجم ارتباط دهند در صورتی که این مسئله به هیچ وجه صحت ندارد.[۱۰]

در همین حال، اخبار از وجود عناصر و گروه‌ها و جریان‌های مشکوک در منطقه و حتی دستگیری برخی از اعضا و فعالان آنها حکایت دارد؛ از جمله به نوشته روزنامه کیهان، هیئت اجرائیه یک گروه تروتسکیست موسوم به "حزب کارگران سوسیالیست" در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «طی چند روز گذشته حملات شدیدی علیه حزب کارگران سوسیالیست در اهواز آغاز شده‌است. مقامات کمیته‌ها، پاسداران و استانداری تاکنون حداقل ۹ نفر از رهبران و اعضای این حزب در اهواز را دستگیر کرده‌اند. جان همگی این مبارزین انقلابی در خطر است و از محل نگه‌داری و سرنوشت هیچ یک از این انقلابیون دربند خبری در دست نیست. این دستگیری‌ها و حملات بلافاصله پس از بروز تخاصمات در خرمشهر و حمله به خلق عرب در این شهر شروع شده و تاکنون منجر به دستگیری و ضرب و شتم تعداد زیادی از اعضای این حزب شده‌است.» در پایان این اطلاعیه خواسته شده است: مسئولین ضرب و شتم و دستگیری اعضای حزب کارگران سوسیالیست در اهواز را معرفی و مجازات کنید.[۱۱]

۲۹۱

برای پایان دادن به غائله خرمشهر و رسیدگی به اوضاع آن، اقدامات مختلفی را مقامات محلی و کشوری انجام داده‌اند؛ از جمله به منظور سرعت و سامان دادن و تمرکز کافی امور قضایی، "هادوی" دادستان کل انقلاب که به خوزستان آمده‌است ضمن انتصاب "ابوالقاسم ستاریان" به نمایندگی دادستان کل انقلاب در استان خوزستان، با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام‌کرد: از سپاه‌پاسداران و دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان خواسته شده‌است کسانی راکه علیه انقلاب‌اسلامی ملت ایران توطئه می‌کنند، سرکوب و تعقیب کرده و به دادگاه‌های انقلاب‌اسلامی تسلیم نمایند تا حکم خداوند درباره آنان اجرا شود و به مردم اطمینان می‌دهم که این توطئه در نطفه از بین رفته‌است.[۱۲]

از سوی دیگر، عبدالحمید زرگر دادستان دادگاه انقلاب‌اسلامی آبادان با شبیرخاقانی ملاقات و مذاکره کرد و قرار شد شیخ‌عیسی خاقانی برادر شبیرخاقانی به نمایندگی وی ظرف امروز با مدنی استاندار خوزستان ملاقات و گفت‌وگو کند.[۱۳]

از مسائل مورد توجه عموم، حضور غیرمنتظره آیت‌الله خلخالی از روز گذشته در اهواز است که با توجه به سوابق برخوردهای جریان‌های خلق عرب و نام‌برده و به طور کلی به دلیل نقش خاص وی در دادگاه‌های انقلاب، این حضور خواه‌ناخواه حاوی پیامی است که برای اقدام‌کنندگان به اعمال ضدانقلابی خشونت‌بار، نامفهوم نیست. خلخالی طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی در پاسخ به این سؤال که به چه منظور به خوزستان آمده‌اید؟ گفت: به دستور امام آمده‌ام و آن هم برای انجام کارها و رسیدگی به وضع دادگاه‌های انقلاب‌اسلامی این استان و جهت سبک کردن کارهای آن، اقدام به این سفر کرده‌ام.[۱۴]

از سوی دیگر، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با انتشار اعلامیه‌ای سخنان "آیت‌الله خلخالی" را تکذیب کرد. در این اعلامیه آمده است:

«بسمه تعالی. نظر به این که اخیراً روزنامه‌ها مطالبی از قول جناب آقای "شیخ‌صادق خلخالی" نقل کرده‌اند که به هیچ وجه با واقعیت تطبیق ندارد از قبیل این که «من به دستور امام به امارات متحده عربی رفتم» و «به دستور امام خمینی به خوزستان آمده‌ام و آن هم برای انجام کارها و رسیدگی به وضع دادگاه‌های انقلاب‌اسلامی و سبک کردن کار این دادگاه‌ها»، از این‌رو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم لازم می‌داند با صراحت هرچه تمام‌تر به اطلاع عموم برساند که نه مسافرت آقای خلخالی به امارات متحده عربی به دستور امام بوده است و نه مسافرتشان به خوزستان و دخالتشان در دادگاه انقلاب‌اسلامی به امر معظم‌له انجام گرفته‌است.»[۱۵]

اما به نوشته مطبوعات: آیت‌الله خلخالی حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب ایران به اتفاق آقای هادوی دادستان کل انقلاب و آقای کریمی رئیس انتظامات زندان قصر، قبل از ظهر روز جمعه (۵۸/۳/۱۱) با هواپیمای نظامی وارد اهواز شدند. این مأموریت از طرف رهبر انقلاب‌اسلامی ایران امام خمینی صورت گرفته است.[۱۶]

همچنین گزارش‌ها حاکی است: با ورود آیت‌الله خلخالی و همراهان به اهواز، دادگاه انقلاب‌اسلامی اهواز و مسجدسلیمان به ریاست آیت‌الله خلخالی و به دادستانی ابوالقاسم ستاریان از ساعت ۲ بعدازظهر جمعه (امروز) محاکمات خود را آغاز کرده که در نتیجه ۸ تن به اعدام محکوم شدند. محکومان عبارتند از:

«۱ ـ سرلشکر "غلامحسین شمس‌تبریزی"، ۲ ـ سرتیپ "هاشم هوشمندهمدانی"، ۳ ـ سرهنگ "مقدم حسینی"، ۴ ـ سرهنگ "حسین کاوه‌ای"، ۵ ـ سرهنگ "داود صادقی"، ۶ ـ استوار یکم "تقی افتخاری"، که به جرم سرکوبی و تعقیب افراد بی‌گناه و دستور تیراندازی مستقیم منجر به قتل و ضرب و جرح مردم اهواز و سرکوبی قهرآمیز تظاهرات حق‌طلبانه مردم مجاهد استان خوزستان و سلب آزادی و حقوق اولیه و طبیعی و شرعی آنان و محاربه با خدا و رسول خدا و امام زمان و ملت مسلمان، به اعدام محکوم شدند. حکم اعدام در ساعت ۵ و ۴۵ دقیقه بامداد امروز (شنبه ۵۸/۳/۱۲) در مورد نام بردگان اجرا شد. همچنین سرتیپ "غلامحسین علایی" به همان اتهامات محکوم به اعدام شد ولی چون محل وقوع جرائم مهم او در مسجدسلیمان بوده‌است، جهت اجرای حکم به مسجدسلیمان اعزام شد تا در آن محل حکم اعدام در مورد مشارالیه اجرا شود. همچنین استوار دوم "اللهوردی یعقوبی" نیز به اتهام جرائم مذکور محکوم به اعدام شد و حکم درباره وی نیز به اجرا درآمد.»[۱۷]

۲۹۲

به منظور مقابله با تلاش ضدانقلاب داخلی و خنثی کردن توطئه کشورهای همسایه و رسانه‌های خبری خارجی جهت ایجاد و گسترش شکاف عرب و فارس، طرفداران انقلاب و نظام در منطقه، اقداماتی را انجام می‌دهند، مانند عشایر عرب خوزستان که به انحاء مختلف وفاداری

خود را به انقلاب اسلامی و آمادگی خود را برای سرکوب ضدانقلاب اعلام می‌کنند، از جمله سران عشایر یک صد هزار نفری طایفه باوی برای دومین بار ظرف یک هفته با استاندار خوزستان دیدار و اعلام کردند: ما برای خودنمایی و مداهنه به این جا نیامده‌ایم، آمده‌ایم تا دستور بگیریم و از سرزمین خود دفاع کنیم تا اگر کسی بخواهد کج برود، به فرمان دولت او را به راه راست آوریم. ما در دوران انقلاب شهید دادیم و عرب ایرانی و عجم ایرانی را یکی می‌دانیم. دشمنان ما می‌خواهند با به راه‌اندازی داستان عرب و عجم برای ما بدنامی به وجود آورند و دیگر این برای ما قابل تحمل نیست و صبر ما لبریز شده‌است.

عشایر بوهرز نیز طی پیامی که به حجت‌الاسلام خزعلی، تسلیم شد اعلام کردند: «ما افراد عشیره مسلمان آل بوهرز همبستگی خود را به دولت جمهوری‌اسلامی به رهبری امام‌خمینی مجدداً اعلام می‌داریم و هر نوع خرابکاری و عمل ضدانقلابی از هر مقام و هر حزب را محکوم می‌کنیم و آماده دستور امام هستیم.» این عشایر اعلام کردند: «۱ ـ مسببین حوادث خرمشهر در هر لباس باید مجازات شوند. ۲ ـ ما خواهان حفظ همبستگی همه آحاد هستیم. ۳ ـ حکم دادگاه‌های انقلاب را تأیید می‌کنیم و هرگونه دخالت اجنبی را شدیداً محکوم می‌کنیم و آماده هر نوع فداکاری در راه اسلام هستیم.»

عشایر دشت‌آزادگان هم در اطلاعیه‌ای که حجت‌الاسلام علی کرمی آن را امضا و تأیید کرده است و در آن به آیه "ان اکرمکم عندالله اتقیکم" و حدیث نبوی "لافضل لعربی علی العجمی الا بالتقوی" استناد شده، تأکید کردند: ما اعراب و اقشار مختلف مسلمانان عرب منطقه دشت‌آزادگان با ایمان و اعتقاد کامل که به حقوق شرعی خود مانند دیگر افراد ملت ایران در سایه نظام جمهوری‌اسلامی به راهبری امام‌خمینی از راه مشروع به خواست خداوند متعال خواهیم رسید، کلیه توطئه‌های ارتجاعی امپریالیستی و ضدانقلابی و خلقی را در خوزستان مخصوصاً خرمشهر محکوم می‌کنیم. ما هرگونه تجزیه‌طلبی و اخلالگری را محکوم کرده، تا پای جان از نظام جمهوری‌اسلامی و وحدت کلمه و استاندار دفاع خواهیم کرد.[۱۸]

۲۹۳

سرلشکر فربد رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران در گزارشی به وزارت کشور اقدامات و فعالیت‌های نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی را در مقابله با تحرکات ضدانقلاب در خرمشهر از تاریخ ۱۳۵۸/۳/۸ تا ۱۳۵۸/۳/۱۱ به شرح زیر گزارش داده است.

الف) اقدامات نیروی زمینی از ساعت ۱۸:۰۰ روز ۱۳۵۸/۳/۸ تا ساعت ۱۲:۰۰ روز ۱۳۵۸/۳/۱۱ درباره رویدادهای خوزستان:

۱ـ ابلاغ آماده‌باش به لشکر ۹۲ زرهی خوزستان و احضار کلیه پرسنل لشکر و متوقف کردن فعالیت‌های آموزشی لشکر برای حضور احتمالی در مرزهای باختری و حضور نظامی در منطقه خرمشهر به صورت عامل بازدارنده بنابه دستور رئیس دولت.

۲ـ اعزام تیم‌های اطلاعاتی به مناطق مرزی و منطقه عمومی خرمشهر جهت گردآوری

اطلاعات.

۳ـ اعزام فرمانده لشکر به منطقه خرمشهر جهت بررسی اوضاع از نظر نظامی و تهیه طرح حضور نیروی نظامی بنابه دستور دولت.

۴ـ تهیه طرح محاصره خرمشهر و آبادان به منظور کنترل و تأمین منطقه و آمادگی اجرای طرح بنابه دستور رئیس دولت.

۵ـ اعزام ۵ دستگاه تانک و ۵ دستگاه سربازبر از اهواز به خرمشهر جهت تقویت روحیه پاسداران انقلاب و تضعیف روحیه ضدانقلابیون.

۶ـ گشت زنی مداوم ۲۴ ساعته در طول مرز از جنوب هورالعظیم تا پاسگاه خیّن به طول ۱۲۰ کیلومتر.

۷ـ تقویت پرسنل گردان دژ مستقر در خرمشهر و آمادگی گردان جهت کنترل و تأمین خرمشهر و احیاناً اشغال مناطق حساس به امر دولت.

۸ـ پذیرفتن ۲۰۰ نفر پاسداران اعزامی از تهران در گردان دژ خرمشهر و فراهم نمودن تسهیلات مأموریت آنان و حتی تعیین مأموریت آنان در شب هنگام و اشغال نقاط حساس خرمشهر.

۹ـ شرکت فرمانده لشکر در کمیته هماهنگی خرمشهر و فعالیت‌های فرمانده لشکر دائر به دعوت آیت‌الله موسوی از اهواز برای ایجاد تفاهم و سازش.

۱۰ـ تجهیزات مشروحه زیرین از نیروی زمینی به پاسداران انقلاب و فرماندهی خرمشهر واگذار گردیده است: ۱۶ دستگاه بی‌سیم، ۲۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین با راننده، ۳۰۰ قبضه تفنگ، ۷۵۰۰۰ تیر فشنگ، ۵۰۰ نارنجک و تعدادی تیربار و تجهیزات از انواع مختلف.

ب) اقدامات نیروی دریایی از تاریخ ۱۳۵۸/۳/۵ الی ساعت ۱۲:۰۰ روز ۱۳۵۸/۳/۱۱ به‌شرح زیر می‌باشد:

۱ـ اعزام ۴۵ نفر تکاوران نیروی دریایی به ساختمان مرکزی رزمندگان و کانون خلق عرب در خرمشهر و تخلیه ساختمان و تحویل آن به پاسداران انقلاب اسلامی ایران.

۲ـ پاکسازی اداره بندر خرمشهر از عوامل ضدانقلاب و استقرار ۵۰ نفر پاسداران انقلاب در این اداره.

۳ـ پاکسازی نقاط حساس شهر از عوامل ضدانقلاب که مسلحانه مقاومت می‌کردند و اماکن عمومی را به آتش می‌کشیدند.

۴ـ اعزام جمعاً ۱۶۷ نفر تکاوران نیروی دریایی با سلاح و تجهیزات مربوطه از بوشهر به پایگاه دریایی خرمشهر جهت پاکسازی منطقه آبادان ـ خرمشهر از عوامل ضدانقلاب.

۵ـ تأمین حفاظت ساختمان فرمانداری خرمشهر و بعضی از تأسیسات شرکت ملی نفت ایران در محل.

۶ـ انجام گشت در رودکارون و شط‌العرب (از خرمشهر تا آبادان) توسط ناوچه‌های ۶۵ پایی

و ۱۸ تنی که مجهز به سلاح‌های کالیبر ۵۰ و ۲۰ میلیمتری می‌باشند.

۷ـ سرکوبی لنج‌ها، دوبه‌ها و هرگونه شناورهایی که در اختیار عوامل ضدانقلاب بوده و از داخل رودکارون به سوی مردم و شهر خرمشهر تیراندازی می‌نمایند.

۸ـ پاکسازی جاده آبادان ـ خرمشهر و پل خرمشهر از عوامل ضدانقلاب.

۹ـ نقل و انتقال و استقرار پاسداران انقلاب ـ که از تهران اعزام گردیده‌اند ـ در تأسیسات شرکت ملی نفت ایران در منطقه.

۱۰ـ حمل دکتر، دارو، وسایل و تجهیزات و همچنین نفرات پاسداران انقلاب از تهران به آبادان توسط هواپیماهای فرندشیپ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

پ) فعالیت‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران تا ساعت ۱۲:۰۰ روز ۱۳۵۸/۳/۱۱:

۱ـ اعزام دو فروند هلی‌کوپتر به اهواز و خرمشهر.

۲ـ اعزام دو فروند هواپیمای سی‌ـ۱۳۰ از تهران به اهواز به منظور حمل پاسداران انقلاب.

۳ـ اعزام دو فروند هواپیمای سی‌ـ۱۳۰ از بوشهر به آبادان به منظور حمل پاسدار.

۴ـ اعزام یک فروند هواپیمای ۷۰۷ از تهران به آبادان به منظور اعزام نیرو.

۵ـ اعزام یک فروند هواپیمای سی‌ـ۱۳۰ از بوشهر به آبادان جهت حمل تکاوران دریایی.

۶ـ اعزام یک فروند هواپیمای سی‌ـ۱۳۰ از تهران به آبادان به منظور حمل تعداد ۱۰۰ نفر پاسدار.

۷ـ اعزام دو فروند هواپیمای اف‌ـ۵ به منظور شناسایی منطقه آبادان و خرمشهر.

۸ـ اعزام یک فروند هواپیمای اف‌ـ۲۷ از تهران به اهواز به منظور حمل دادستان انقلاب و همراهان.

۹ـ حمل ۹۱ نفر زندانی از خرمشهر به دزفول با یک فروند هواپیمای سی‌ـ۱۳۰.[19]

۲۹۴

به دنبال تحرکات ناوچه‌های عراقی در اروندرود، یکی از افسران ژاندارمری خرمشهر گفت: ناوچه‌های مسلح عراقی در رودخانه اروندرود روبه‌روی پایگاه و بندر به گشت پرداخته‌اند. با تماسی که با مرزبانان عراق به عمل آمد، گفتند: «ما مشغول پاسداری از مرزهای خود می‌باشیم.»[20] از سوی دیگر، در مرزهای خاکی نیز بعضاً وضعیت نسبتاً حساسی حاکم است؛ فی‌المثل خبرگزاری پارس گزارش داد که یک اتومبیل عراقی در حین فرار به خاک عراق به سوی گشتی‌های گروهان ژاندارمری "موسیان" آتش گشود که بر اثر آن یک درجه‌دار و یک سرباز ایرانی مجروح شدند.[21]

۲۹۵

در حالی که فضای شهر مهاباد به سبب تحصن بی‌کاران در فرمانداری و رکود کارها متشنج است، "عزالدین حسینی" با سخنان تحریک‌آمیز، بر تشنج دامن می‌زند. براساس گزارش مطبوعات،

سوریه و "طارق عزیز" عضو شورای انقلاب عراق در دمشق مذاکرات مهمی درباره مراحل مختلف طرح وحدت عراق و سوریه انجام دادند. خدام و عزیز از جانب دو کشور ریاست کمیته امور سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی عراق و سوریه را به عهده دارند. این کمیته پس از امضای معاهده وحدت عراق و سوریه در اکتبر ۱۹۷۸ بعد از بازدید حافظاسد رئیس‌جمهور سوریه از عراق تشکیل شد. مذاکرات امروز ۳ ساعت طول کشید و قرار است روز بعد ادامه یابد.[۲۹]

از سوی دیگر، روزنامه کویتی "السیاسه" نوشت: "حافظاسد" رئیس‌جمهوری سوریه احتمالاً طی روزهای آینده میان ایران و عراق میانجی‌گری خواهدکرد تا اختلافات موجود میان دو کشور را بهبود بخشد.[۳۰]

در این حال، صدام حسین معاون صدر شورای فرماندهی انقلاب عراق در اعلامیه‌ای که به مناسبت سالروز ملی شدن نفت این کشور منتشر کرد، درکنار اعلام مواضع ضدامریکایی و ضداسرائیلی به ابراز خصومت با انقلاب‌اسلامی پرداخت. وی از یک طرف امریکا را به ارعاب کشورهای عرب به منظورکشاندن آنها به معامله جداگانه با مصر و اسرائیل متهم‌کرد و از طرف دیگر، با اشاره به انقلاب اسلامی اذعان کرد: در حال حاضر تهدیدهایی علیه ملل عرب و کشورهای تولید کننده نفت برای تضعیف‌ساختن آنها در برابر توطئه امریکا و مصر و اسرائیل صورت می‌گیرد. صدام اخطار کرد در صورتی که امریکا به فکر تهاجم به یک کشور عربی و یا کشورهای صادر کننده نفت باشد، آنها تمام چاه‌های نفت را در منطقه به آتش خواهند کشید. صدام افزود: امپریالیسم جهانی و در رأس آن امریکا در حال حاضر از بحران نفتی جاری ـ که طبق نقشه کارتل‌های نفتی امریکا به وجود آمده است به سود خود بهره‌برداری کرده و از آن برای تهدید کشورهای عربی و صادرکننده نفت و تضعیف قدرت مخالف نسبت به توطئه امریکا، مصر و اسرائیل علیه مردم فلسطین استفاده می‌کند.[۳۱]

در همین حال، سعدون حمودی وزیر امورخارجه عراق نیز ادعا کرد: فعالیت‌های خرابکارانه‌ای از داخل خاک ایران بر علیه عراق انجام می‌شود که هدف آن ایجاد مشکلاتی در روند انقلابی این کشور و منحرف کردن توجه آن از وظایف ملی خویش در قبال توطئه‌های کارتر، سادات و بگین است.[۳۲]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱۲

۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۳، ص۲.
۲ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۱، ۱۳۵۸/۳/۱۳، ص۵.
۳ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۲، ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص۱۱، رادیو بغداد.
۴ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۸.
۵ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۳، ص۳.
۶ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳.
۷ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۸ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳.
۹ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۵، ص۷.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳.
۱۲ ـ مأخذ شمراه ۵، ص۳.

۱۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۵، ص۲.
۱۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص۱۳، خبرگزاری پارس.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۴، ص۲.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۴، ص۱.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳.
۱۹ ـ سند شماره ۱۳۴۳۵۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش رئیس ستاد ارتش به وزارت کشور.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۴، ص۸.
۲۱ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۲، ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص۱.
۲۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص۳.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۲۲، ص۳.
۲۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۲۵ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۳/۲۱، ص۲.
۲۶ ـ مأخذ شماره ۲۲، ص۸.
۲۷ ـ روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران، سال اول، شماره ۲۱، ۱۳۵۸/۳/۱۲، ضمیمه، ص۱.
۲۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۲۹ ـ مأخذ شماره ۵، ص۸، خبرگزاری فرانسه.
۳۰ ـ مأخذ شماره ۲۱، ص۶، خبرگزاری فرانسه.
۳۱ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۱۳، ص۸ و روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص۸، خبرگزاری فرانسه.
۳۲ ـ مأخذ شماره ۲۷، صفحه آخر، خبرگزاری فرانسه، رادیو بغداد.

روزشمار

یکشنبه

۱۳ خرداد ۱۳۵۸

۸ رجب ۱۳۹۹

۳ ژوئن ۱۹۷۹

۳۰
شهر امروز نیز کماکان آرام ولی مؤسسات و ادارات و بانک‌ها و مدارس و بازار همچنان طیل بود که این به‌دلیل آن است که وضع فوق‌العاده‌ای که در خرمشهر اعلام شده، هنوز ادامه د و لغو نشده‌است.[1] مدارس نیز حداقل تا شنبه ۱۹ خرداد تعطیل اعلام شده‌است.[2] اما در گذشته در سه نقطه شهر در کوی طالقانی، کلانتری راه‌آهن و پلیس‌راه خرمشهر درگیری‌هایی داد. در این سه نقطه افراد مسلح حمله و تیراندازی‌هایی انجام دادند. مهاجمان با تیراندازی نابل مأموران پلیس‌راه، مأموران کلانتری راه‌آهن و پاسداران در کوی طالقانی، عقب‌نشینی دند و موفق به فرار شدند. در این درگیری دو نفر کشته و مجروح شدند.

امروز پاسداران محلی سلاح خود را تحویل فرمانداری دادند. مرزهای خوزستان با کمک ش و پاسداران اعزامی وژاندارمری شدیداً کنترل می‌شود. روی هم رفته خرمشهر آرام‌تر از ز قبل بود و رفت و آمد بیشتری در خیابان‌ها به چشم می‌خورد. در این حال تحصن مسجد م‌صادق(ع) ادامه داشت و نیز یک راهپیمایی کوتاه را گروهی از عشایر عرب در ساعت ۱۰ بح انجام دادند.

کیهان به‌نقل از فرماندار خرمشهر نوشت: کنترل شهر خرمشهر کاملاً در دست پاسداران لاب است و نیاز به کمک دیگر هموطنان نیست. هیچ‌گونه خطری متوجه این منطقه نیست و زها در کنترل مأموران مربوطه است. وی آخرین رقم کشته‌شدگان خرمشهر را ۳۷ تن و تعداد جروحین را ۱۹۱ نفر اعلام کرد.[3] خبرگزاری پارس نیز طی گزارشی به‌نقل از اطلاعیه کمیته لاب‌اسلامی خرم‌آباد اعلام کرد که برای کمک به برقراری آرامش و نظم در مناطق خوزستان داد ۱۲۰ نفر از عشایر "بیرانوند" و دیگر طوایف لرستان به شهرستان اهواز عزیمت کرده‌اند. ن خبرگزاری اضافه کرد: به‌دستور تیمسار مدنی استاندار خوزستان افراد مستقر در استانداری به رمشهر اعزام و گروه کمکی استان لرستان در کاخ استانداری مستقر شدند.[4]

۳۰۳
در اجرای برنامه خلع‌سلاح عمومی در خرمشهر اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان و ستاد انتظامات مسجدجامع خرمشهر تصمیم گرفتند سلاح‌های گرم خود را تحویل مقامات مسئول بدهند. به‌دنبال این تصمیم، کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر اطلاعیه‌ای انتشار دارد که در آن آمده‌است: «ما اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر ضمن پشتیبانی قاطع از طرح بنیادی خلع‌سلاح عمومی و به منظور همکاری با دولت موقت انقلاب، سلاح‌های خود را به مقامات مسئول تحویل داده و انتظار داریم کلیه گروه‌ها و برادران در اجرای این امر نهایت همکاری را بنمایند.» در اطلاعیهٔ دوم، اعضای ستاد انتظامات مسجدجامع خرمشهر نیز ضمن پشتیبانی از خلع‌سلاح عمومی خواستار فوریت دراجرای این امر مهم شدند. آنها پس از انتشار این اطلاعیه سلاح خود را تحویل دادند. یکی از اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان گفت: بعد از واقعه ۲۳ اردیبهشت ماه و حمله به کانون، این امر خواست اصلی دولت و استاندار خوزستان بود. ما این امر را پذیرفتیم و اگر دیگران هم قبول می‌کردند، در خرمشهر خونی از دماغی جاری نمی‌شد. ما سلاح را برای حفظ آرامش و پاسداری از مردم مسلمان شهرمان می‌خواهیم. وقتی امنیت باشد، وقتی نیروی پاسدار مسئول در شهر باشد، اسلحه در دست آنان برازنده‌تر است. ما چون هدفی و نیتی جز پشتیبانی از حکومت انقلاب‌اسلامی نداشته و نداریم، همان‌گونه که نشان دادیم از خون هم دریغ نخواهیم کرد. اکنون چنانچه گروه‌های دیگر نیز از این امر مهم پیروی کنند، خرمشهر و مردم مسلمان آن به زندگی عادی خود بازخواهند گشت.[5]

۳۰۴
متحصنان مسجد امام‌صادق(ع) خرمشهر با صرف‌نظر کردن از مهلت ۴۸ ساعته که قبلاً اعلام شده‌بود، سه روز دیگر تحصن خود را تمدید کردند. این عده اعلام کرده‌بودند در صورت عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان طی مهلت مزبور، مسئولیت رخداد ناگوار پس از آن به‌عهده دولت خواهدبود. درباره این اولتیماتوم روزنامه کیهان نوشت: «اولتیماتوم متحصنین و تعیین ۴۸ ساعت وقت برای دولت، التهابی برای مردم شهر به‌وجود آورد.» به‌دنبال آن، مذاکراتی بین سرهنگ "حقیقی" فرمانده لشکر خوزستان و "شبیرخاقانی" به‌عمل آمد و قرار شد فرصت بیشتری برای این مذاکرات تعیین شود. در این باره نیز روزنامه کیهان نوشت: با اولین دور مذاکرات، "شبیرخاقانی" از خود نرمش نشان داد.[6]

۳۰۵
آیت‌الله شبیرخاقانی، در مصاحبه‌ای با خبرنگاران داخلی و خارجی باردیگر ضمن حمایت از عناصر خلق عرب اعلام کرد: «اگر دولت حسن‌نیت نشان دهد، دستور پایان تحصن اعراب متحصن در مسجد امام‌صادق(ع) خرمشهر را خواهم داد.» وی افزود: بعد از انقلاب، جوانان روشنفکر عرب دو ساختمان خالی‌را اشغال و در یکی سازمان سیاسی و در دیگری کانون

فرهنگی تشکیل و شروع به فعالیت آزاد می‌نمودند ولی نمی‌دانم چرا مقامات دولتی آنها را تحت فشار می‌گذارند که این افراد باید ساختمان‌ها را تخلیه کنند که قبل از سفر به قم به مقامات دولت اطمینان دادم که این ساختمان‌ها تخلیه و تحویل می‌شود.[۷]

شبیرخاقانی ضمن حمله شدید به کمیته‌ها گفت: «از آنجایی‌که کمیته‌ها باعث کشتار مردم بی‌گناه شده‌اند و خشم همگی را برانگیخته‌اند، ما خواهان انحلال کمیته‌ها و کانون‌ها و خلع‌سلاح آنها هستیم باید به طور کلّی کلیه افراد مسلح خلع‌سلاح شوند و اگر کانونی مجدداً خواست تشکیل شود باید با مشارکت وهمکاری و مسئولیت افراد بومی و محلی فارس و عرب باشد و مسئولیت و انتظامات آن به انتخاب مردم شهر محول گردد.»[۸] وی درباره استاندار خوزستان گفت: «آقای مدنی خطاهای بسیار بزرگی در منطقه مرتکب شده‌اند تا جایی که باعث شد جمعیت کثیری از مردم استان نسبت به ایشان حساسیت نشان داده و از نظر آنان وی فردی غیرمسئول است.[۹] من با مدنی هیچ‌گونه کینه و عداوت شخصی ندارم. اگر تحصن صورت گرفته، دلیل بر کشتار وحشتناک در خرمشهر است که بدون دلیل و قوانین شرعی صورت گرفته‌است. من کلیه عاملین این کشتار را محکوم می‌کنم زیرا با این کشتار وحشیانه، در منطقه نطفه کینه را می‌خواهند بروز دهند. من ناگزیر هستم مسئله‌ای را مطرح نمایم: من در استان از زمان جدم خدمات شایانی انجام داده‌ام که یکی از آنها وادار کردن کارگران شرکت نفت به تحصن برای سرنگونی رژیم پهلوی و مقاومت‌هایی که من در مقابل رژیم داشته‌ام. آیا این مسئله درست است که به منزل من حمله کنند؟ حال نه به منزل من بلکه به منزل هر مسلمان دیگر؟ این درحالی است که گفته‌شده مراجع تقلید از تعرض مصون باشند، ولی شما شاهد بودید که در جریانات اخیر خرمشهر سه بار به منزل من حمله کردند و دو پاسدار از منزل من را زخمی کردند.» وی در بخش دیگری از سخنان خود افزود:

«جلوی خون‌ریزی در منطقه باید گرفته‌شود زیرا اگر از هر گروهی که باشند کشته شوند، از لحاظ وجدان همه مسئول هستیم ...باید به این کشتار که در این منطقه دامن زده شده، پایان داده شود. تبعیضات قومی و نژادی به‌طور کلی باید از بین برود.»[۱۰] وی گفت: در صورتی‌که دولت حسن‌نیت نشان دهد و مأموران دولت تفاهم داشته باشند، برای پایان دادن به مشکلات موجود در منطقه حاضر به همکاری هستم. امروز دولت نباید دست روی دست بگذارد باید درصدد جبران این وقایع و اصلاح وسازش گروه‌های ساکن در خرمشهر برآید.[۱۱]

۳۰۶
به گزارش روزنامه اطلاعات، به منظور بررسی وقایع اخیر خرمشهر هیئتی مرکب از نمایندگان مطبوعات، جبهه دمکراتیک ملی ایران، جمعیت حقوق‌دانان، کانون وکلا و چند گروه سیاسی دیگر از تهران راهی خوزستان شدند.[۱۲]

۳۰۷
درباره تحریکات بیگانه و نقش عوامل خارجی در ناآرامی‌های ایران، مدنی استاندار خوزستان

گفت:

«از آنجایی که ما مرز بسته‌ای نداریم، از شلمچه و دیگر نقاطی که در اطراف شط‌العرب وجود دارد قاچاق بی‌رویه اسلحه انجام می‌گیرد و عده‌ای ـ که از عاملین اصلی قاچاق اسلحه هستند ـ با بلم به آن سوی شط‌العرب می‌روند و اکنون نیز در بصره مستقر هستند.» وی اضافه کرد: «تا کنون "جرج حبش" دو بار به منطقه شادگان آمده‌است و با افرادی ملاقات‌هایی داشته‌است. خبر داریم همین افراد با نماینده "اردشیر زاهدی" تماس دارند و ده میلیون تومان پول گرفته‌اند تا در آن‌جا آشوب‌هایی بپا کنند. تا آنجاکه به‌من اطلاع رسیده شاه سابق یک میلیارد تومان برای این کار سرمایه گذاری کرده‌است.» وی فاش کرد: «راجع به همکاری عراقی‌ها با عاملان "جرج حبش" و عاملان کویتی، تا دو سه روز قبل نخواستم روابط را به‌هم بزنم، خواستم عواملی را که از جاهای دیگر خوراک می‌گیرند بشناسم. حتی گزارشی که به وزارت امورخارجه دادم، گفتم که در چند سال گذشته "جبهه التحریر" در ارتباط مستقیم با جرج حبش بوده‌است و افراد این جبهه نزد جرج حبش تعلیم دیده‌اند.» مدنی درباره فعالیت رادیو کویت گفت: تا چند روز قبل این تحریک‌ها این گونه آشکار نبود ولی روز شنبه ۵۸/۳/۱۲ رادیو کویت ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر برنامه بسیار بدی علیه ایران و در حمایت از جدائی‌طلبی خوزستان پخش کرد.[۱۳]

درباره نقش عراق همچنین روزنامه کیهان مورخه ۵۸/۳/۱۴ گزارش داد: «در ساعت ۱۲ ظهر دیروز یک گروه ۲۰ نفری که مسلح بودند قصد داشتند از مرز خاکی شلمچه وارد ایران شوند که با آتش تکاوران نور روبه‌رو گردیدند و پا به‌فرار گذاشتند ولی یک نفر از آنان با یک قبضه مسلسل روسی دستگیر شد.» این روزنامه به‌نقل از خبرنگار خود نوشت: امروز از مرز شلمچه بازدید کردیم، مرز آرام است. یکی از مرزبانان می‌گفت گاهی به‌طرف ما شلیک می‌شود که به آنها پاسخ می‌دهیم.[۱۴]

روزنامه جمهوری اسلامی نیز به‌نقل از خبرنگار خود خبر داد: در دهکدهٔ مرزی بنام "سرو" حدفاصل ارومیه کردستان اسلحه زیادی وجود دارد که از مرز عراق به داخل ایران وارد می‌شود و بر روی گاری‌هایی به‌فروش می‌رسد.[۱۵]

از سوی دیگر، دولت کویت اظهارات دریادار مدنی استاندار خوزستان را دایر بر آن که کویت اعراب ایران را به مخالفت با انقلاب‌اسلامی ایران تحریک می‌کند، رسماً تکذیب کرد. وزارت امورخارجه کویت به کاردار سفارت ایران در کویت مأموریت داده است تا این مطلب را که کویت مایل است با همه همسایگان از جمله ایران روابط حسن‌همجواری داشته باشد، به آگاهی دولت متبوع خود برساند.[۱۶]

۳۰۸
گروهی تحت عنوان "حزب اتحادالمسلمین" در زاهدان اجتماع کردند و با انتشار قطع‌نامه‌ای خواسته‌های خود را اعلام کردند. در این قطع‌نامه آمده‌است: حکومت واقعی مستضعفین جامعه زمانی تحقق می‌پذیرد که خود، آگاهانه در کارهای اجرایی مشارکت داشته باشند و مسئولان و

مجلس ملی قریب‌التأسیس.

۳ ـ برخورداری ارتشیان از همه حقوق داده‌شده به غیر ارتشیان ایرانی؛ شرکت در انتخابات، اجتماعات، کار و تحصیل در اوقات غیراداری و غیره ...

۴ ـ الغای اصل "وحدت فرماندهی" ایجاد اصل "شورای فرماندهی" بـه جـای آن، از رده گردان به بالا و تفویض همه اختیارات قانونی فرماندهان به‌این شوراها.

۵ ـ انـحلال کـامل اداره دوم و اطـلاعات و ضـداطـلاعات و ایـجاد یک سـازمان فـقط "ضدجاسوسی" و به دادگاه‌های انقلاب اسلامی سپردن آن دسته از پرسنل این دو سازمان که در هر پستی غیر از ضدجاسوسی کار می‌کردند.

۶ ـ بالا بردن هرچه بیشتر سطح معلومات سیاسی، اجتماعی، اسلامی پرسنل تا آن جا که همه کارکنان به سلاح ایدئولوژی اسلامی مسلح شوند.

۷ ـ همطراز نگاه‌داشتن مزایای مادی و معنوی پرسنل ارتش در میان خود و با غیر ارتشیان و کوشش در راه به‌هم نزدیک کردن هرچه بیشتر آنان.

۸ ـ متعادل کردن پرسنل و تجهیزات ارتش از نظر کمی و کیفی با نـیاز واقـعی کشـور در چهارچوب دفاع از استقلال میهن، تمامیت ارضی کشور و حاکمیت ملی و در خـدمت مـلت گذاشتن این پرسنل و تجهیزات به هنگام صلح.

۹ ـ الغای استثمار فرد از فرد و گماردن یک فرد ارتشی در مشاغلی مانند گماشتگی، رانندگی شخصی، دربانی و امثال اینها.

۱۰ ـ از بین بردن تشریفات، تظاهر، تجمل، در همه شئون ارتش و گرایش به درون‌نگری، سادگی و پیرایش.

۱۱ ـ پاکسازی کامل ارتش از پرسنل غیرمتعهد به انقلاب‌اسلامی و جمهوری‌اسلامی ایران.

۱۲ ـ اعطای درجات نظامی مخصوصاً در مراتب بالا و گـماردن اشـخاص در پست‌هـای حساس نظامی در اختیار مجلس ملی قریب‌التأسیس یا شورای انقلاب‌اسلامی باشد.

۱۳ ـ ارتش، پلیس، ژاندارمری و دیگر نیروهای مسلح کشور کاملاً از یکدیگر جدا باشند و هیچ‌وقت تحت سرپرستی فرد یا گروهی واحد قرار نگیرند.

۱۴ ـ نیاز به وجود مستشار یا متخصص غیر ایرانی با تقاضا و تأیید کارشناسان ایرانی همان تخصص باشد و این قبیل اشخاص در هر شرایطی تحت سرپرستی و کنترل ایـرانـیان بـه‌کـار مشغول شوند.

۱۵ ـ شرکت ارتش جمهوری‌اسلامی ایران ـ در صورت داشتن امکانات ـ در امـر دفـاع از اسلام و مسلمانان و همه آزادی‌خواهان و حق‌طلبان جهان.

۱۶ ـ پرسنل غیرنظامی ارتش بدون استفاده از اونیفورم و درجه تحت عنوان همردیف با توجه به بند یک این قطع‌نامه در سیستم واحد سلسله مراتب ارتش قرار گیرند.

۱۷ ـ پرسنل وظیفه ارتش با در نظر گرفتن شرایط مندرج در بند یک این قطع‌نامه به‌اخـذ

درجه‌ای نائل و از همه مزایای مربوطه مادام که در خدمت ارتشند، برخوردار شوند.

۱۸ ـ پرسنل هر سربازخانه حتی‌الامکان از کارکنان بومی محل آن سربازخانه باشند.

۱۹ ـ تجدیدنظر عاجل در اوضاع مـادی و مـعنوی درجـه‌داران بـازنشسته فـعلی ارتش و رساندن سطح زندگی آنان به سطح زندگی همردیفان غیرارتشی خود.[۲۲]

۳۱۴

در پی رواج اخباری مبنی بر میانجیگری کویت فی‌مابین ایران و عراق، دولت این کشور اعلام کرد که در نظر ندارد برای رفع اختلافات بین عراق و ایران میانجیگری کند. "عبدالعزیزحسین" وزیر کشور کویت در این باره گفت: «من نشانه‌ای از ابتکاری که هدف آن حل مسائل مرزی بین دو کشور ایران و عراق باشد، در افق نمی‌بینم.» وی افزود که دولت متبوع او متوجه مشکلاتی است که هر کشور عربی را از میانجیگری برای حل آنها بین دو کشور همسایه نفت‌خیز مأیوس می‌کند.[۲۳]

منابع ومآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱۳

۱ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص ۱.
۲ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص ۳.
۳ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۴ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳، خبرگزاری پارس.
۵ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۶ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص ۲.
۸ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳
۹ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۲.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۲.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۲.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۲.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۳.
۱۵ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص ۸.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۸، خبرگزاری فرانسه.
۱۷ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۳، ص ۵.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۲.
۱۹ ـ سند شماره ۱۳۱۳۳۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: متن نامه نمایندگان پاسداران انقلاب‌اسلامی سنندج به امام‌خمینی.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۳ و مأخذ شماره ۲، ص ۲.
۲۱ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۷.
۲۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۳، ص ۱۰.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۸، آسوشیتدپرس.

روزشمار

دوشنبه

۱۴ خرداد ۱۳۵۸

۹ رجب ۱۳۹۹

۴ ژوئن ۱۹۷۹

۳۱۵
در حالی که بحران در خرمشهر تا حد زیادی فروکش کرده و چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای پدیدار شده است، سازمان چریک‌های فدایی خلق طی بیانیه‌ای دولت موقت را به محافظه‌کاری در "به‌رسمیت شناختن حقوق خلق‌ها" متهم کرد. در این بیانیه ضمن تأکید بر "ضرورت وجود یک دولت قاطع و مصمم برای پاسخ‌گویی بـه نـیازهای دمکـراتیک خـلق‌های ایـران" آمـده‌است: «کسانی‌که با محافظه‌کاری و سنگ‌اندازی‌های خود مانع به‌رسمیت شـناختن حـقوق خـلق‌ها می‌گردند و مستقیم و غیرمستقیم به وحدت خلق‌های ایران آسیب مـی‌رسانند خـود حـامیان ضدانقلابند ... بدون تأمین کامل حقوق زحمتکشان و رفع ستم ملی از خلق‌های محروم، برای انقلاب همیشه زمینه تحریک و آشوب وجود خواهد داشت. سرکوب خلق‌ها به بهانه ایـن‌که ضدانقلاب توطئه می‌کند، بدون این‌که گامی در جهت حل معضلات آنها برداشته شود، جز به‌نفع ارتجاع و امپریالیسم تمام نخواهد شد... دولت موظف است جلو تحریکات عناصر مرتجع و ناآگاه و حمله مکرر آنها به نیروهای مترقی و دمکراتیـک جـامعه را بگـیرد.» در پـایان بـیانیه آمده‌است: بدون تأمین حقوق توده‌ها که ضامن پیروزی انقلاب و حفظ دست‌آوردهای آن است، خرمشهر پایان کار ارتجاع نخواهد بود.(۱)

۳۱۶
رسانه‌های خارجی امروز نیز به تحلیل وقایع خوزستان ایران پرداختند. از جمله رادیو لندن به نقل از دیلی تلگراف گفت: عرب‌زبانان ایران علاقه چندانی به خودمختاری ندارند، بلکه خواهان سهم بیشتری از پول نفت هستند. عرب‌زبانان ایران مانند سایر اقلیت‌هایی که پس از انقلاب زبان به شکوه گشوده‌اند، خواهان به‌دست آوردن حقوقی از قبیل کاربرد زبان خود، کنترل بیشتر بـر حکومت محلی و از همه مهمتر کنترل بر درآمـد مـی‌باشند، ولی تـمایلات خـودمختاری در خوزستان از آن جهت با سایر مناطق تفاوت دارد که در این منطقه تولیدات منطقه را به مخاطره می‌اندازد.(۲)

رادیو امان نیز طی تحلیلی گفت: محافل سیاسی در پایتخت‌های عربی و همچنین تـهران تأکید می‌کنند که حوادث اخیر خوزستان با تشویق برخی طرف‌های خارجی که در خفا سعی دارند روابط ایران با کشورهای عربی را تیره سازند، صورت گرفته‌است.(۳)

۳۱۷
امروز، علی‌رغم وجود آرامش در خرمشهر و عدم تحرک جدی ضدانقلابی در داخل، گزارش‌های رسیده حاکی از ادامه تکاپوی عراق درجهت تقویت انگیزه‌ها و تحرکات ضدانقلابی قومی است. براساس نامه ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور، در تاریخ ۵۸/۳/۱۴ نیروی دریـایی عـراق تعدادی قایق‌های گشتی مجهز به مسلسل جهت کـنترل نـوارمـرزی بـه آب‌هـای شـط‌العـرب (اروندرود) اعزام نموده‌است. ضمناً مأموران مستقر در این قایق‌های گشتی، ضمن کنترل نـوار مرزی به اعرابی که با آنها تماس بگیرند و شناسنامه خود را به آنها واگذار نمایند، یک قـبضه اسلحه کلاشینکف و ۱۰۰۰ تیر فشنگ مربوطه تحویل می‌دهند.(۴)

۳۱۸
بنا به اطلاعیه دفتر نخست‌وزیری، ساعت ۱۴ چهاردهم خردادماه، چهار فروند هواپیمای عراقی از نوع سوخو، قراء گوره‌شیر، کائین‌زر، سالاری و منطقه سردشت را مورد حمله قرار دادند که بر اثر تیراندازی و بمباران این هواپیماها، شش تن از جمله چهارتن از اعضای یک خانواده کشته شدند. در این عملیات چهار تن نیز مجروح شدند و در حدود دو میلیون تومان خسـارت بـه روستاییان وارد شد.(۵)

"عباسی" استاندار آذربایجان غربی در این باره گفت: ساعت ۲ بعدازظهر دوشنبه ۵۸/۳/۱۴ هواپیماهای عراقی در دو نوبت چند روستای اطراف سردشت را بمباران کردند که در اثر آن ۶ نفر کشته و ۴ نفر مجروح شدند. این حمله بیش از ۲۰ میلیون ریـال خسـارت بـه هـمراه داشت. فرماندار سردشت نیز اعلام کرد: ۴ فروند هواپیمای جنگی عراق با بمب ناپالم شش روستای مرزی سردشت را بمباران کردند. این روستاها عبارتند از : ۱ـ روستای گوره شیر، در این روستا چهار بمب ناپالم بر روی خانه‌های روستانشینان ریخته‌شده که در نتیجه ۶ کشته و چهار زخمی به‌جای مانده‌است و از ۱۳ خـانواده روسـتایی بـا آغـل‌ها و انـبارها و مـتعلقات مـربوطه بـه دامداریشان فقط سه خانه سالم باقی مانده‌است. ۲ ـ روستای کائین زر که یک زخـمی داشـته است. ۳ ـ روستای توزل (هواپیماهای عراقی علاوه بر بمباران کائین زر و توزل، فاصله این دو روستا را به رگبار بسته و اکثر احشام و دام‌های آنان را تلف کـردند.) ۴ ـ روسـتای نـوکان؛ ۵ ـ روستای هلیشه؛ ۶ ـ روستای داودآباد سالاره.(۶)

روزنامه اطلاعات ۵۸/۳/۱۶ نیز گزارش داد: هواپیماهای عراقی روستاهای تـوزال، گـوره شیر، مانی زرد و نیوه‌رنگ در اطراف سردشت را بمباران کردند که در اثر این حمله روستاها با خاک یکسان شد و گروه کثیری از روستاییان زیر آوار ماندند و هزاران رأس گاو و گوسفند تلف شد.(۷)

عنوان مخالفت رسمی دولت عربستان با اعمال یک تحریم نفتی دیگر علیه غرب تلقی شده‌است. ماه پیش عراق و جبهه خلق برای آزاد کردن فلسطین خواستار چنین تحریمی شده‌بودند.(۱۵)

۳۲۳
رادیو مسکو درگفتاری به‌نقل از هفته‌نامهٔ "عصرجدید" (چاپ مسکو) گفت عناصر ضدانقلاب سعی دارند مسیر ضدامپریالیستی انقلاب ایران را منحرف سازند. عصرجدید با اشاره به تظاهرات ضدامریکایی در ایران می‌نویسد: تظاهرکنندگان خواستار مقاومت شدید در برابر سوءقصد امپریالیسم و عمال محلی آن به‌حق حاکمیت جمهوری ایران و دفع قطعی حملات مخالفان استقلال ملی ایران شدند. محافل اجتماعی دمکراتیک کشور درک می‌کنند که باید هوشیاری بیشتر ازخود نشان دهند و بخصوص که نیروهای ارتجاعی اکنون خود راکاملاً مخفی کرده‌اند و در بعضی موارد در لفافه شعارهای معروف اسلامی عمل می‌کنند و حتی از توسل به ترور علنی سیاسی نیز فروگذار نیستند. به‌دنبال قتل "سرلشکر قرنی" و "آیت‌الله مطهری" که از همرزمان نزدیک "آیت‌الله خمینی" بودند، در پایان ماه مه به‌جان "آیت‌الله رفسنجانی" یکی دیگر از رهبران بزرگ مذهبی مسلمانان سوءقصد شد. این عملیات جنایتکارانه به‌دست سازمان تندرو و تروریستی فرقان انجام می‌گیرد که اعلام کرده است در آینده نیز بدین‌وسیله اقدام خواهدشد.

هفته‌نامه مذکور اضافه کرد: حقایق دیگری هم هست که نشان می‌دهد خطر واقعی برای دست‌آوردهای انقلاب ایران که درنتیجه مبارزات بسیار دشوار به‌دست آمده، از کجا سرچشمه می‌گیرد. این انقلاب اکنون مرحله بسیار پیچیده و پرمسئولیتی را در راه استقرار خود می‌پیماید. از قرار معلوم همان عناصر ضدانقلاب هوادار امپریالیسم از دستگاه رژیم سرنگون شده، تلاش می‌کنند جنبش ایران را از مسیر ضدامپریالیستی آن منحرف سازند و هدف‌های جعلی را به این جنبش تحمیل کنند.(۱۶)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱۴

۱ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص ۸.
۲ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۳، ۱۳۵۸/۳/۱۵، ص‌ص ۸ ـ ۷، رادیو لندن، دیلی تلگراف.
۳ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۴، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص‌ص ۱۸ ـ ۱۷، رادیو امان.
۴ ـ سند شماره ۳۴۶۷۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور.
۵ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص۲.
۶ ـ مأخذ شماره ۵، ص۲.
۷ ـ مأخذ شماره ۵، ص۲.
۸ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص۲.
۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۵، ص۲.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱۲، آسوشیتدپرس.

۱۳ ـ مأخذ شماره ۸، ص ۱، آسوشیتدپرس.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱۲، یونایتدپرس.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸، ریاض، آسوشیتدپرس و روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص ۱.
۱۶ ـ روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص۸، رادیو مسکو، به نقل از هفته نامه "عصر جدید".

روزشمار

سه شنبه

۱۵ خرداد ۱۳۵۸

۱۰ رجب ۱۳۹۹

۵ ژوئن ۱۹۷۹

۳۲۴
امروز علی‌رغم اعلام فرمانداری خرمشهر مبنی بر پایان حالت فوق‌العاده در این شهرستان، دبستان‌ها، دبیرستان‌ها، بانک‌ها و ادارات دولتی برای هفتمین روز متوالی کماکان تعطیل است. در صبح امروز گروهی حدود هزار نفر از شهرستان‌های آبادان، جزیره مینو و شادگان عازم خرمشهر شدند و پس از راهپیمایی آرام، به متحصنان مسجد امام‌صادق(ع) پیوستند. مقارن ظهر با پایان گرفتن مهلت ۵ روزه متحصنان به دولت، این مهلت ۴۸ ساعت دیگر تمدید شد و گفته شد که به‌دنبال تمدید مهلت، یک هیئت بلندپایه دولتی به دستور نخست‌وزیر به خرمشهر خواهد آمد.

دفتر آیت‌الله شبیرخاقانی اسامی عده‌ای از کشته‌شدگان عرب خرمشهر در زد و خوردهای اخیر این شهر را اعلام کرد. در این حال ستاریان دادستان خوزستان اعلام کرد: دادسرای خوزستان در رابطه با وقایع خرمشهر اقدامات گسترده‌ای را به منظور دستگیری عناصر تجزیه‌طلب و ضدانقلابی که وقایع خرمشهر را دامن زدند، آغاز کرده و تاکنون ۱۲۰ نفر را در ارتباط با درگیری‌های این شهر دستگیر کرده‌است.[1]

دربارهٔ آخرین وضعیت خرمشهر روزنامه کیهان نوشت: اوضاع خرمشهر کاملاً آرام است و پاسداران انقلاب کنترل کامل شهر را در اختیار دارند. از ابتدای ناآرامی‌های خرمشهر، پاسداران انقلاب در شهر مستقر هستند و مسئولیت حفظ نظم را به‌عهده گرفته‌اند. همان‌گونه که رئیس ستاد ارتش اعلام کرده است وظیفه ارتش رویارویی با مردم نیست و به همین لحاظ قوای نظامی تاکنون در جریان ناآرامی‌های خرمشهر دخالت نداشته‌اند. در عین حال قوای نظامی در پادگان‌ها برای جلوگیری از هرگونه اعمال نفوذ و ایجاد شورش از خارج، در آمادگی کامل بسر می‌برند و هرگونه توطئه‌ای را بشدت سرکوب خواهند کرد.[2]

۳۲۵
یک هیئت اعزامی از تهران مرکب از نمایندگان جبهه ملی، جبهه دمکراتیک، کانون نویسندگان،

کانون وکلا، حزب جمهوری اسلامی، حزب جمهوری خلق مسلمان ایران، حقوقدانان، دانشگاهیان و خبرنگاران[3] با عده‌ای از مقامات محلی خرمشهر از جمله فرمانده نیروهای انتظامی، پایگاه دریایی، بازرسی ویژه استانداری و رؤسای شهربانی و پاسداران انقلاب در ساختمان فرمانداری این شهر در خصوص آخرین وضعیت خرمشهر به مذاکره پرداختند. در این جلسه ابتدا فرماندار خرمشهر در تشریح چگونگی و علل حوادث این شهر گفت: بعد از انقلاب در خرمشهر ساختمان‌های زیادی به‌تصرف درآمد، این مسئله ما را آزار می‌داد، زیرا تصرف ساختمان‌های دولتی صحیح نبود.

وی در مورد شروع حوادث خشونت‌بار اخیر گفت: در بیست و سوم اردیبهشت‌ماه واقعه‌ای به این صورت رخ داد که برادران انقلابی عضو کانون فرهنگی و نظامی در ائتلاف با همه طبقات شهر یک اعلامیه صادر کردند و نسبت به دخالت پاره‌ای عناصر ناآگاه اعتراض کردند. این اعلامیه به مذاق عده‌ای خوش نیامد و نیز تعدادی به‌طرفداری از آیت‌الله شبیرخاقانی دست به راهپیمایی زدند و در برابر کانون فرهنگی نبردی درگرفت که هشت نفر زخمی و شانزده نفر دستگیر شدند و این مسئله با اعتراض مردم و آیات عظام روبه‌رو شد که گفته شد اگر مسئله عرب و عجم و جمع‌آوری اسلحه حل نشود، ما کوچ می‌کنیم. شورای تأمین شهر بلافاصله تشکیل جلسه داد و مسائل را بررسی کرد. طی نشست‌های متعددی سه اطلاعیه صادر کردیم که در این اعلامیه‌ها از کلیه گروه‌ها خواسته‌شد سلاح‌های خود را تحویل دهند، ساختمان‌ها را تخلیه کنند و در امور انتظامی شهر دخالت نکنند. لیکن سازمان سیاسی، کانون فرهنگی و کمیته مجاهدین خلق عرب خرمشهر در برابر این اعلامیه‌ها واکنش نشان دادند. پس از تمدید مهلت مقرر شد سلاح‌هایی که از شهربانی در جریان انقلاب به‌دست مردم افتاده، تحویل دهند و سلاح‌هایی را که مردم برای مقابله با طاغوت خریداری کرده‌اند با دریافت وجه خرید تحویل دهند، لیکن این بار نیز هر سه سازمان تعمداً از انجام این کار خودداری کردند. مسئله با توجه به بافت شهر پیچیده‌تر شد و ما را در یک بن‌بست قرار داد. فرماندار خرمشهر در مورد ماهیت سازمان‌های یادشده گفت: بنابه مدارکی که در دست داریم، در سازمان‌های یادشده عناصر نامطلوب فعالیت می‌کنند. وی هشدار داد: توطئه‌ای در کار است و باید از گسترش آن جلوگیری کرد.

سپس علی حقانی شهردار خرمشهر و داماد شبیرخاقانی شروع به صحبت کرد و ضمن حمایت از سازمان‌های خلق عرب و برخلاف نظر فرماندار گفت: ماجرا از حمله به شهربانی خرمشهر آغاز شد و این حمله به‌دنبال تهاجم گروهی به کانون فرهنگی خلق عرب که عده‌ای در آن متحصن بودند، صورت گرفت. روز سه‌شنبه که اعلام شد دو نفر در فعلیه بندر خرمشهر به‌قتل رسیدند، حادثه را به شکلی جلوه دادند که برادران عرب ما را متهم قلمداد کنند. سپس با نوعی صحنه‌سازی چنین وانمود کردند که یک ماشین پیکان که چند سرنشین داشت مبادرت به تیراندازی هوایی کرده. در این‌جا این سؤال پیش می‌آید که آیا چرا سرنشینان اتومبیل تعقیب

نشدند تا عاملین شناسایی شوند. مقامات مسئول می‌گویند موقعیت از دست ما خارج شد. اما من این مسئله را محکوم می‌کنم. عاملین در هر لباسی و از هر ملیت که هستند باید شناسایی و مجازات شوند، خواه عجم باشد خواه عرب.

پس از آن حجت‌الاسلام دیباجی گفت: ابتدا باید عوامل را شناسایی کنیم و موضوع را از قتل دو پاسدار در بندر خرمشهر آغاز کنیم، زیرا تشنجات بعدی ناشی از قتل این دو پاسدار بود.(۴)

پس از جلسه فرمانداری خرمشهر، هیئت اعزامی با متحصنین خلق عرب در مسجد امام‌صادق(ع)، شبیرخاقانی و سایر گروه‌ها دیدار کردند(۵) و از بیمارستان دکتر مصدق، اماکن آسیب‌دیده منطقه کوت شیخ، کانون‌های فرهنگی ـ سیاسی و شهربانی خرمشهر دیدن کردند و با شهود عینی به گفت‌وگو پرداختند. بعد از آن، دکتر سلامتیان سرپرست هیأت و نماینده جبهه ملی به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: آنچه که تابه‌حال کردیم و طی ملاقات با استاندار خوزستان، گفت‌وگو با متحصنین در مسجدجامع و گفت‌وگو با مسئولان فرمانداری، سپاه پاسداران، مسئولین انتظامی و بعضی از افراد کانون فرهنگی ـ نظامی متوجه پیچیده بودن چه از نقطه‌نظر منطقه‌ای و چه از سطح کلی کشور شدیم. نتایجی که تابه‌حال گرفته شده عبارتند از: خوزستان با توجه به اهمیت حیاتی که از نظر نفت و گمرکات دارد، در عین حال یاری دهنده خود کشور و کنترل‌کننده مجاری تغذیه کنونی کشور است. همچنین از جهت ترکیب اجتماعی و قومی و وضع اقتصادی و از نظر موقعیت جغرافیایی که در کنار خلیج‌فارس قرار دارد و هم‌مرز با عراق است به‌عنوان حساس‌ترین نقطه ایران می‌تواند هدف سیاست‌های امپریالیستی برای مقابله با انقلاب‌اسلامی ایران باشد و به‌عنوان مرکز توطئه‌گری علیه انقلاب انتخاب شود.(۶)

غلامحسین ساعدی نماینده کانون نویسندگان نیز گفت: احساس می‌کنم که توطئه‌ای در کار است و دلایلی که هر طرف می‌آورد، قانع‌کننده نیست. علت اصلی مسئله کاملاً سیاستمدارانه صورت گرفته‌است و احساس می‌شود هدف در برخوردهای متعدد کوبیدن نیروهای چپ است. به‌تصور من ممکن است این غائله خاتمه پیدا نکند.(۷)

هیئت اعزامی همچنین برای دومین بار با مدنی استاندار خوزستان دیدار کرد. مدنی در این دیدار گفت: ۳۰ نفر از دستگیرشدگان حوادث اخیر بتدریج آزاد می‌شوند و فقط ۱۰ تا ۱۵ نفر که مرتکب قتل یا فتنه‌انگیزی شده‌اند، همچنان زندانی خواهندبود و تحت تعقیب قانونی قرارمی‌گیرند. استاندار خوزستان در مورد "پان‌عربیسم" در خوزستان گفت: احساس عربیت فقط در خرمشهر نیست بلکه در تمام خوزستان است. خوزستان یک میلیون نفر عرب دارد، حادثه در خرمشهر اتفاق افتاده‌است ولی احساس عربیت در تمام خوزستان است. "جبهه التحریر" خوزستان از مدت‌ها پیش تشکیل شد و می‌خواستند خوزستان را از ایران جدا کنند ولی مرحوم شیخ خزعل نگذاشت. ولی پسرش الان آدم بدی است. شیخ راشد نمایندهٔ نوه شیخ خزعل در خوزستان پول تقسیم کرده‌است. مدنی افزود: مسئله خوزستان در "برون مرزی" در درازمدت

حل نخواهد شد آنچه را "درون‌مرزی" است، من حل می‌کنم. وی در مورد شیخ شبیرخاقانی گفت: من نمایندگان مردم عشایر را می‌پذیرم. شیخ طاهر هم نماینده تمام عربها نیست بلکه نماینده گروهی است... خلق عرب ایرانی محدود به هزار و دویست نفری که در مسجد امام‌صادق(ع) خرمشهر متحصن شده‌اند، نیست، نهصدهزار نفر عرب ایرانی در دیگر نقاط این استان سه میلیون و پانصد هزار نفری زندگی می‌کنند.(۸)

۳۲۶
کانون فرهنگی خلق عرب خرمشهر اعلامیه شماره ۱۴ خود را به حوادث روز چهارشنبه ۵۸/۳/۹ این شهر اختصاص داده است. متن کامل اعلامیه به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. بالاخره دشمنان خلق عرب توطئه‌ای را که برای سرکوبی خلق قهرمان ما در سر می‌پروراندند، بامداد روز چهارشنبه ۵۸/۳/۹ به اجرا درآوردند و فرزندان ما را به خاک و خون کشیدند. ما در این‌جا قصد نداریم که به شرح کامل واقعه و حوادث قبل از آن بپردازیم، چون در نظر داریم در اعلامیه‌های بعدی حقایق را مفصلاً به‌اطلاع مردم رزمنده ایران برسانیم. هدف از انتشار این اعلامیه توضیح و ردیابی بعضی از نکات و حرف‌های مغلوط عده‌ای از سردمداران است.

نخست از عامل اجرای توطئه شروع می‌کنیم. تیمسار مدنی کیست؟ چطور در زمان رژیم پهلوی به درجه تیمساری رسید؟ آیا حائز تمامی شرایط لازم برای وصول به این درجه در زمان حاکم قبلی بود؟ چه کسی تیمسار مدنی را به وزارت دفاع منصوب کرد؟ و چرا و چه کسی بعد از مدت کوتاهی او را از این شغل برکنار کرد؟ چرا این شخص... ارتشی را به استانداری خوزستان انتخاب کردند در حالی‌که هنوز پست فرماندهی نیروی دریایی را با خود یدک می‌کشید.

چرا تیمسار مدنی بلاانقطاع خلق عرب را به تجزیه‌طلبی متهم می‌کند؟ آیا همه خلق عرب تجزیه‌طلب است؟ اگر جواب مثبت است، چرا؟ و اگر نیست، پس چه کسی تجزیه‌طلب است؟ چرا مدنی تجزیه‌طلبان را معرفی و یا دستگیر نمی‌کند؟ دلایل و مدارک مدنی چیست؟ چرا آنها را رد نمی‌کند؟ و باز تیمسار مدنی همه اعضای سازمان‌ها و کانون‌های سیاسی خلق عرب را تجزیه‌طلب، اخلالگر، ضدانقلابی می‌داند یا خیر؟ باز اگر جواب مثبت است، دلیل او چیست و اگر منفی است، چرا دستور انحلال همه آنها را صادر کرد؟

مدنی ادعا می‌کند که عده‌ای از پشت مرزها وارد شده و به پاسداران و گارد گمرک محمره (خرمشهر) حلمه کرده‌اند. چرا این خارجی‌ها را دستگیر نمی‌کند؟ اینها کجا هستند؟ چرا رسماً به کشورهای خارجی اعتراضی نمی‌کند؟ اگر مدنی از مقابله با آنها عاجز است، اولاً چرا به دولت گزارش نمی‌دهد که دولت از راه دیپلماتیک و یا سازمان‌ملل متحد اقدام کند؛ ثانیاً قادر به مقابله با خارجیان نیست، پس چرا به قتل‌عام خلق عرب می‌پردازد!؟

و اما مگر این کشور دولت ندارد!؟ چرا مقامات بلندپایه پاسخگوی دولت در این باره چیزی نمی‌گویند؟ آخر این تیمسار مدنی چکاره است؟ واقعاً این مدنی چکاره است که هرچه دلش

می‌خواهد انجام می‌دهد و هرچه بر زبانش می‌آید می‌گوید و هیچ‌کس جلودارش نیست؟! این شخص که با مرتجع‌ترین اشخاص مثل کرمی و شیخ عیسی طرفی یعنی همدستان شاه خائن و ساواک بهترین رابطه‌ها را دارد، این شخص که با سرمایه‌داران و چپاولگران و فئودال‌ها و رؤسای دوران پهلوی رابطه بسیار محکم و حسنه دارد، این شخص که با سلیمانی‌ها، هدایتی‌ها، مطوف‌ها، کازرونی‌ها، زارع‌ها، نجارزاده‌ها و دیگر بازاریان استثمارگر و دشمنان خلق عرب روابطی بسیار نزدیک و صمیمی دارد و روحانی‌نماهایی همچون نوری، موسوی، محمدی و غیره را وسیله اجرای اغراض خود قرار می‌دهد، چکاره است؟ برای چه به خوزستان آمده‌است؟

و اما درباره حادثه بامداد چهارشنبه ۵۸/۳/۹، آقای مدنی می‌گوید که نیمه‌های شب یک پیکان سفید رنگ شروع به تیراندازی در خیابان‌های شهر می‌کند. ما می‌پرسیم این پیکان متعلق به چه کسی بود؟ اگر مال شما بود دیگر چرا حرف می‌زنید! اگر از آن خلق عرب بود، آخر چه دلیلی داشت که در خیابان‌های شهر به تیراندازی بپردازد، لابد می‌خواست گارد و کماندوهای شما را پیدا کند! و اصولاً شما که این همه متکی به خود هستید و قدرت کشت و کشتار و دستگیری و تفتیش خانه‌ها و غیره را دارید، چرا ماشین مذکور را متوقف نکردید و سرنشینان آن‌را دستگیر نکردید؟

شما که در یک لحظه! بندر محمره (خرمشهر) و پالایشگاه آبادان را پر از گارد و کماندو و پاسدار کردید، شما که تمام راه‌های روستایی منتهی به شهرهای عبادان [آبادان] و محمره [خرمشهر] را بسته بودید، شما که در یک چشم به‌هم زدن تمام کوچه‌ها و معابر را به بهترین شکل سنگربندی کردید! راستی این ضدانقلابیون چه کسانی هستند که در تمام شهرها و روستاهای عرب‌نشین خوزستان تظاهرات ده‌ها هزار نفری علیه شما و علیه قتل‌عام خلق عرب به راه می‌اندازند؟ حتماً این تظاهرکنندگان خارجی‌اند! حتماً از عراق و کویت و اروپا آمده‌اند!

آقای مدنی شب حادثه به محمره [خرمشهر] می‌آیند و تا ساعت ۲ بامداد روزچهارشنبه با نمایندگان آیت‌الله خاقانی مذاکره میکند. در این نشست مدنی قبول میکند که جهت تخلیه محل سازمان سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی عرب تا روز پنج‌شنبه مهلت بدهند. حال که مدنی قول می‌دهد چرا زیر قولش می‌زند؟ و یکی دو ساعت بعد با تمام وجود حمله می‌کند.

چرا متحصنین کانون فرهنگی عرب را که نه اسلحه داشتند و نه نگهبان مسلح، دستگیر می‌کند و بعد آنها را در رادیو و تلویزیون اخلالگر و ضدانقلابی معرفی می‌کند؟ چرا با مسلسل های سنگین و نارنجک و وسایل دیگر به سازمان سیاسی خلق عرب حمله می‌کند و خون ده‌ها تن از جوانان عرب را سنگفرش خیابان می‌سازد؟ چرا به عوامل خود دستور می‌دهد که در هر جای شهر یکی از افراد عرب اعم از زن، بچه، پیر و جوان را دیدند بلافاصله او را با سرب داغ نقش به‌زمین سازند؟ حتماً ضدانقلابی‌اند!

چرا افراد مدنی به کانون فرهنگی عرب عبادان حمله میکنند و چند جوان عرب را در آن جا می‌کشند و بقیه را زخمی روانه بیمارستان‌ها می‌کنند؟ چرا به خانه‌های مردم عرب حمله می‌کنند

و به دستگیری فرزندان آنها و تفتیش خانه‌هایشان می‌پردازند؟

چرا با جنگ روانی و تهدید و ارعاب به‌وسیله "دادگاه انقلاب" درصدد تخریب روحیه خلق عرب برمی‌آیند؟ آیا می‌شود خلقی را به این شکل تسلیم کرد؟ تاریخ خلاف این را به‌ما ثابت کرده‌است.

و اما اهداف طراحان حمله مزبور را می‌توان این چنین خلاصه کرد:

۱ ـ ایجاد نفاق و اختلاف میان عرب و عجم و در نتیجه از بین بردن وحدت خلق‌ها و تضعیف و تخریب انقلاب. ۲ ـ ایراد ضربه محکم و قاطع بر خلق عرب تا بدین‌وسیله روحیه خلق عرب تضعیف گشته و از حقوق خویش یعنی خودمختاری چشم‌پوشی کنند و تنها به اصلاحات جزیی قناعت ورزد. ۳ ـ تا به دیگر خلق‌ها و نیروهای مترقی و کارگران مخصوصاً کارگران اعتصابی خوزستان فهمانده شود که دولت از به‌کار بدن هیچ وسیله‌ای برای سرکوبی آنها ابا ندارد. ۴ ـ روحیه ارتش و نیروهای انتظامی را تقویت کنند. ۵ ـ نیروهای قلع و قمع و سرکوب خود را بیازمایند و میزان وفاداری نیروهای ناآگاه و قشری را نسبت به خودشان ارزیابی کنند. ۶ ـ تا نشان دهند که از مخالفت و اعتراض روحانیون و آیات عظام واهمه‌ای ندارند. ۷ ـ با تهمت زدن به کشورهای عرب، خلق‌های ایران را نسبت به همه خلق‌ها و کشورهای عرب مخصوصاً خلق مبارز فلسطین بدبین کنند.

"کانون فرهنگی عرب محمره"[۹]

۳۲۷

امروز در یکی از خانه‌های شهر اهواز مقدار زیادی دینار عراقی (معادل ۴۰۰ هزار تومان) راگروه استحفاظی سپاه‌پاسداران انقلاب به‌دست آورد.[۱۰] در همین روز افرادی که از مرز عراق اسلحه قاچاق وارد ایران می‌کردند، با مقاومت مأموران ایرانی مواجه شده و ضمن تیراندازی متقابل، دو قبضه اسلحه کلاشینکف که مورد استفاده قرارنگرفته بود به‌دست مأموران افتاد و افراد خاطی به‌طرف مرز عراق گریختند.[۱۱] در این حال مدنی استاندار خوزستان نیز در مورد نقش عراق در حوادث خوزستان خبر داد که برادرِ صدام‌حسین در قاچاق اسلحه به ایران دست دارد و سیل اسلحه از سوی او به ایران جاری است. مؤمنی نیز که پیشکار زاهدی بود و سرلشکر بدیعی و دیگر عوامل ساواک که در کویت و عراق مستقر هستند با پولی که شاه در اختیار آنان گذاشته، از طریق برادر صدام حسین و دیگر عوامل، اسلحه وارد ایران می‌کنند.[۱۲]

استاندار خوزستان همچنین در تلفنگرامی به وزیر کشور خبر داد:

برادرِ صدام‌حسین در مجلس ختمی که به‌مناسبت اعدام خراب‌کار معروف حامد زویدات که هفته گذشته به حکم دادگاه انقلاب خرمشهر و آبادان انجام شد و در بصره برگزار بود، شرکت جست و ضمن دلجویی از فرزندان و بستگان خراب‌کار معدوم ـ که یکی از فرزندانش به‌نام علی نیز به‌مناسبت خرابکاری اعدام شد وعده‌های همه‌گونه همکاری‌های انتقام‌جویانه و مساعدت لازم در این راه را داده‌است.[۱۳]

خاموشی بگراید، کی می‌تواند دیگر اسم اسلام را بیاورد؟ اگر ما امروز قوانین اسلام را اجرا نکنیم، کی اجرا بکنیم؟ آقایانی که می‌گویید نمی‌شود. پس کی می‌شود؟ پس بگویید هیچ‌وقت اسلام نه. بگویید نهضت منهای اسلام. اگر با این نهضت اسلام را متحقق نکنید و احکام اسلام را مو به مو جاری نکنید، مأیوس باشید، دیگر نخواهدشد. آنهایی که به اسلام عقیده دارند، آنهایی که دلشان برای قرآن می‌تپد، امروز باید فعالیت کنند.

... آقایان توجه کنید به گفته‌های خودتان، توجه کنید به نوشته‌های خودتان، توجه کنید که شما را اسلام از قید و بند آزاد کرد، توجه کنید که شما را اسلام از خارج بلاد به داخل کشاند، توجه کنید که اسلام شما را از زاویه‌ها بیرون کشید، از کنج خانه‌ها بیرون کشید، توجه کنید که اسلام قلم شما را آزاد کرد، توجه کنید که اسلام بیان شما را آزاد کرد، اسلام آزاد کرد، حالا بر ضد اسلام!؟

... هی دم از غرب چقدر می‌زنید! چقدر میان تهی شدید! باید احکام اسلام را با احکام غرب بسنجیم! چه غلطی است... من به شما اخطار می‌کنم که به اسلام وفادار باشید. من شما را نصیحت می‌کنم، من در همین مدرسه شاه را نصیحت کردم و نشنید، شما که چیزی نیستید... با روحانیون مخالفت نکنید، برای دنیایتان خوب است. اینها هستند، این قشر روحانی متعهد، این قشر روحانی که توی حجره‌های کوچک دو تا، سه تا زندگی می‌کنند که بیرونشان کردند. این جمعیت زاغه‌نشین‌های اطراف شهرها که هر هفت نفر، هشت نفر آنها در یک سوراخی زندگی می‌کنند، اینها حقوق بشر را بهتر از ما می‌دانند؛ اینها جمعیت دلسوزی برای بشرند؛ اینها جمعیت حقوق بشرند، نه من و شما. بیایید برای اینها فکری بکنید، برای اینها دولت و ملت فکر کنند، اینها حق دارند، حق اینها را اداکنید و همین‌ها حق بشر را دارند ادا می‌کنند.

من به شما جمعیت‌ها، جمعیت، که هرچند روز دور هم می‌نشینید، نصیحت می‌کنم... مسیر خودتان را از اسلام جدا نکنید، مسیر خود را از روحانیت جدا نکنید، این قدرت الهی را، این قدرت روحانیت را که یک قدرت الهی است، از دست ندهید؛ اگر این قدرت از دست برود، شما هیچ خواهید بود. این قدرت روحانی است که مردم را به کوچه‌ها می‌کشد، قدرت اسلام است که از حلقوم روحانیت بیرون می‌آید، اینها را نشکنید.(۱۵)

۳۳۰
در حالی‌که مطبوعات غربی راجع به تحولات ایران از نگرانی عراق خبر می‌دهند، سفیر جدید آن کشور در تهران منصوب شد. به نوشته روزنامه اطلاعات دولت موقت اسلامی ایران با انتصاب آقای احمد حسین السامرائی به عنوان سفیر جدید جمهوری عراق در تهران موافقت کرد. سفیر جدید عراق قبلاً به‌عنوان سفیر دولت متبوع خود در رومانی، بلغارستان و اسپانیا خدمت کرده است.(۱۶)

در همین حال، آسوشیتدپرس گزارش داد: دیپلمات‌ها اظهار می‌دارند عراق از آن بیم دارد که اگر کردهای ایران در مذاکراتشان با دولت ایران در زمینه خودمختاری محلی به موفقیت برسند، ناآرامی در میان کردهای عراق بروز نماید.(۱۷)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱۵

۱ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص۲.
۲ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص۸.
۳ - مأخذ شماره ۲، ص۸.
۴ - مأخذ شماره ۲، ص۸
۵ - مأخذ شماره ۲، ص۸.
۶ - مأخذ شماره ۲، ص۸.
۷ - روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص۳.
۸ - مأخذ شماره ۱، ص۱.
۹ - سند شماره ۲۰۹۹۳۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اعلامیه شماره ۱۴، کانون فرهنگی عرب، خرمشهر، ۱۳۵۸/۳/۱۵.
۱۰ - مأخذ شماره ۱، ص۲.
۱۱ - مأخذ شماره ۲، ص۸.
۱۲ - مأخذ شماره ۱، ص۱.
۱۳ - سند شماره ۵ - ۱۱۲۵۳۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام استاندار خوزستان به وزیر کشور.
۱۴ - مأخذ شماره ۲، ص۲.
۱۵ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۷ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص ص ۵۸ - ۵۳.
۱۶ - مأخذ شماره ۱، ص۲.
۱۷ - خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۵، ۱۳۵۸/۳/۱۷، آسوشیتدپرس.

روزشمار

چهارشنبه

۱۶ خرداد ۱۳۵۸
۱۱ رجب ۱۳۹۹
۶ ژوئن ۱۹۷۹

۳۳۱
در پی مذاکرات مدنی استاندار خوزستان و شبیرخاقانی توافق‌نامه‌ای در ۸ ماده در خصوص حل مسائل خوزستان علی‌الخصوص خرمشهر به امضاء رسید. دربارهٔ این توافق‌نامه، آیت‌الله شبیرخاقانی، محمدرضا علوی فرماندار خرمشهر و مهندس اصغر ابراهیمی فرماندار اهواز اعلامیه‌ای به شرح زیر انتشار دادند:

بسمه‌تعالی؛ در ارتباط با رویدادهای اخیر خوزستان و به منظور بررسی و حل مشکلات استان مذکور ملاقاتی در ساعت ۲۳:۳۰ روز سه‌شنبه ۱۵ خرداد فیمابین حضرت آیت‌الله محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی و جناب آقای دکتر سیداحمد مدنی استاندار خوزستان صورت گرفت. این ملاقات که با حضور حضرت آیت‌الله سیدمحمدجعفر مروج و حجت‌الاسلام شیخ‌عیسی خاقانی و سایر حجج‌اسلام آقایان سیدجواد الیاسی و آیت‌الله‌زاده مروج و همچنین سرهنگ محمدحسین حقیقی فرمانده لشکر خوزستان و آقای سیدمحمدرضا علوی فرماندار و آقای زرگر دادستان انقلاب انجام گرفت، در ساعت ۲ بامداد روز چهارشنبه ۱۶ خردادماه ۱۳۵۸ پایان یافت و در طی آن، مسائل و مشکلات خوزستان مورد بررسی قرارگرفت و موارد زیر به اتفاق آرا تصویب گردید:

۱ـ به مصداق آیه شریفه "اناکرمکم عندالله اتقیکم" باید انتخاب و انتصاب افراد در مشاغل سازمان‌های دولتی بر مبنای ملاک‌های اسلامی و معیار شایستگی و صلاحیت و ایمان و اعتقاد به ضوابط انقلاب اسلامی ملت ایران از برادران عرب و غیرعرب باشد.

۲ـ تحقیق و شناسایی و دستگیری فوری مسببین و محرکین حوادث اخیر و محاکمهٔ آنها اعم از مأمورین دولتی و غیردولتی و آقای دادستان انقلاب تکلیف دارد بلافاصله اجرای این بند را عملی نماید.

۳ـ رسیدگی به خانواده‌های شهدا و مقتولین و مجروحین حادثهٔ اخیر خرمشهر و آبادان، و کسانی که سرپرست خانواده خود را از دست داده‌اند تحت حمایت دولت قرار گیرند.

۴ـ برقراری امنیت و حفظ انتظامات شهر و روستا زیر نظر شهربانی و ژاندارمری منطقه انجام پذیرد و کلیه شوراها، کمیته‌ها و کانون‌ها و سایر سازمان‌ها و جبهه‌های انتظامی بومی منحل و امور انتظامی از طریق سازمان‌های مسئول فوق انجام گیرد و در صورت نیاز از پاسداران غیربومی استفاده گردد.

۵ـ به عملیات عمرانی شهر و روستا در منطقه توجه خاص مبذول گردد و در این زمینه با توجه به امکانات موجود، یک سلسله برنامه‌های عمرانی به فوریت در سراسر منطقه پیاده گردد.

۶ـ کلیه فعالیت‌های فرهنگی که در چارچوب اهداف و ضوابط انقلاب‌اسلامی ملت ایران صورت می‌گیرد تأیید می‌شود و این قبیل فعالیت‌ها بایستی با داشتن اساسنامه‌ای که با انقلاب‌اسلامی ملت ایران منطبق باشد صورت پذیرد.

۷ـ ضمن اظهار تأسف از حمله‌ای که به منزل حضرت آیت‌الله‌العظمی شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی صورت گرفته، مقرر گردید که موضوع بررسی و تعقیب شود و عاملان تحت پی‌گرد قانونی قرارگیرند.

۸ـ همان طور که تاکنون تعداد ۴۶ نفر از دستگیرشدگان آزاد شده‌اند، به وضع بقیه نیز رسیدگی فوری به عمل آید.

این توافق‌نامه توسط شبیرخاقانی و سیدمحمدرضا علوی فرماندار خرمشهر و مهندس اصغرابراهیمی فرماندار اهواز از طرف مدنی استاندار خوزستان امضا شده‌بود.[1]

پس از امضای توافق‌نامه قرارشد مواد مورد توافق در جمع متحصنان مسجد امام‌جعفرصادق(ع) قرائت شود. به نوشته مطبوعات: متحصنین ضمن اعتراض به مفاد توافق‌نامه، گفتند: «زمانی دست از تحصن برمی‌داریم که ابتدا دولت اسرای عرب را آزاد نماید و پاسداران انقلاب از خرمشهر بیرون رانده شوند و نیز عاملان کشتار اعراب دستگیر و محاکمه شوند.» اعرابی که در مسجد امام جعفرصادق(ع) خرمشهر دست به تحصن زده‌اند، در پایان گفتند: «چنانچه خواست‌های ما مورد قبول واقع شود دست از تحصن برخواهیم داشت.» این عده در ابتدای تحصن خود ۴۸ ساعت به دولت فرصت داده بودند که بعداً به مهلت پنج روزه تبدیل شد و سپس ۴۸ ساعت دیگر تمدید گردید که تا ظهر ۵۸/۳/۱۸ تمام می‌شود.[2]

۳۳۲
مدنی استاندار خوزستان، عراق را به همکاری با عناصر سلطنت‌طلب در ارسال سلاح برای عناصر تجزیه‌طلب در خوزستان، متهم کرد. وی در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی گفت: براساس مطالعاتی که به دست آمد و پس از تشخیص نوع اسلحه‌هایی که به دست آمده بود، متوجه شدیم که این اسلحه‌ها از مرز عراق به ایران وارد می‌شود. پس از اطلاع از این امر هیئتی مأمور بررسی شدند که نتیجه بررسی‌ها چنین نشان می‌دهد که شاه مخلوع حدود یک میلیارد دلار در اختیار یک گروه ویژه به سرپرستی اردشیر زاهدی قرار داده است که وی و دیگر همراهانش براساس اطلاعات به دست آمده به طور مرتب در رفت و آمد به عراق هستند. این عده با

استخدام مزدور، اسلحه قاچاق از مرزهای جنوبی کشور وارد ایران می‌کنند و برنامه تشنج در منطقه قبلاً توسط این عده طرح‌ریزی شده و به اجرا درآمد.[۳]

۳۳۳
در اقدامی غیرمستقیم علیه عناصر مشکوک خلق عرب، "ابوالقاسم ستاریان" دادستان انقلاب اسلامی استان خوزستان" طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد:

به کلیه اعضا و همکاران ساواک منحله استان خوزستان اخطار می‌شود از تاریخ طبع و نشر این آگاهی ظرف ۴۸ ساعت با مراجعه به ادارات و سازمان‌های مربوطه اعلام استعفا نمایند تا در تعیین مجازات آنان تخفیف داده‌شود، در غیر این صورت علاوه بر این که از کار اخراج می‌شوند، تحت تعقیب قرارگرفته و هیچ ارفاقی نسبت به آنان منظور نمی‌شود و شدیداً مجازات خواهندشد.[۴]

۳۳۴
روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران طی تحلیلی از اوضاع خوزستان نوشت: امپریالیسم و ارتجاع، محرک رویدادهای خونین خوزستانند. تا عمال امپریالیسم، صهیونیزم، ساواکی‌ها و بازرگانان رژیم پهلوی سرکوب نشوند، آرامش واقعی برقرار نخواهدشد. تا خودمختاری اداری و فرهنگی برای خلق عرب در چهارچوب حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران تأمین نگردد، زمینه برای توطئه و تحریک وجود خواهد داشت. مردم عرب مثل همه ملت‌های دیگر ساکن میهن ما حق دارند به تساوی با سایر خلق‌ها در میهن خود ایران با برخورداری ازتمام حقوق و خودمختاری‌هایی که شوراهای پیشنهادی عرضه می‌دارد، زندگی کنند.

مسئله‌ای که در خوزستان می‌گذرد باید توسط انقلاب ایران و به خاطر انقلاب ایران حل شود وگرنه دشمنان انقلاب و امپریالیست‌ها از آن بر ضد خود انقلاب سوءاستفاده خواهندکرد.

... در همین جریاناتی که خرمشهر و آبادان را به آتش و خون کشید، انگشت امپریالیسم و دست ساواکی‌ها و شیوخ مرتجع محلی و عناصر مشکوک در رهبری و تدارک انجام و آشوب به خوبی پیدا بود. این عواملی بودند که از حق‌طلبی کاملاً بجا و راستین خلق عرب و از وضع بسیار ناهنجار و دشوار زندگی آنان نهایت سوءاستفاده راکردند و دست به تحریک زدند.[۵]

۳۳۵
امروز در سقز جلسه‌ای تشکیل شد که در آن نمایندگان یه کیه‌تی جوتیاران (اتحادیه دهقانان)، شورای انقلاب سقز، جمعیت زحمتکشان و حزب دمکرات کردستان، هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق، شورای هماهنگی روحانیون مناطق سقز، تکاب، دیوان‌دره و شاهین‌دژ و کمیته انتظامات اسلامی سقز، و رؤسای دادگستری و سایر ادارات دولتی شرکت داشتند و پس از بحث و گفت‌وگو در خصوص موارد زیر به توافق رسیدند:

۱ـ به محمد صدیق جاف که فعلاً با تفنگ‌چی‌های خود در منطقه سرشید (بسطام و دگاگا) برای مردم منطقه مزاحمت و دردسر فراهم نموده و به کمک عناصر ژاندارمری و فئودال‌ها و

مرتجعین ضد کرد اسلحه‌های گروهان بسطام را غصب و ضبط نموده است اخطار می‌شود که ظرف ده روز اسلحه‌ها را به شورای انقلاب سقز تحویل نماید و اگر ژاندارمری با مردم است، دست از همکاری با مشارالیه کنده و نارضایتی خود را از اعمال ایشان اعلام نماید.

۲ـ تمام گروه‌های مذکور و مترقی سقز باید مقدمات انتخابات شورای ۱۱ نفری شهرستان سقز را هر چه زودتر تهیه و به مرحله عمل در آورد، بعد از آن درباره کمیت و کیفیت استقرار ژاندارمری در شهر و روستاهای سقز اتخاذ تصمیم خواهد نمود و در مورد شهربانی نیز تصمیم خود را اتخاذ می‌نماید. بدیهی است تا انتخابات شورای ۱۱ نفری شهرستان، مسئولین ژاندارمری و شهربانی از هرگونه تصمیمی خودداری نمایند.

۳ـ هیچ نیروی خارجی به هیچ عنوانی حق مداخله در امور داخلی ایران و کردستان عزیز را ندارد زیرا خودمختاری کردستان ایران مربوط به کردهای ایران و برادران ایرانی است، دیگر کردهای عراقی باید در عراق خود دنبال خودمختاری کردستان عراق بروند و نباید بهانه تجزیه‌طلبی را به دست استثمارگران بدهند.

۴ـ انحلال کمیسیون پنج نفری انتصابی که در دادگستری مشغول کار شده‌اند و باید اعضا به انتخاب واقعی مردم باشند.[۶]

۳۳۶
به دنبال بروز ناآرامی در روستاهای گنبدکاووس و جلوگیری گروهی از برداشت محصول و نیز در جهت برقراری حاکمیت دولت و به دست گرفتن ابتکار عمل در تشکیل شوراها و مقابله با تحریکات خودسرانه کانون‌های وابسته به گروه‌های چپ غیرمذهبی در منطقه ترکمن‌صحرا، نماینده وزیر کشور دو اطلاعیه انتشار داد. در اطلاعیه نخست آمده‌است: پیرو اهداف مترقیانه دولت موقت جمهوری‌اسلامی مبنی‌بر واگذاری کار روستا به روستاییان، اقدامات لازم برای تشکیل شوراهای روستایی در منطقه گنبدکاووس و گرگان شروع شده‌است. بدیهی است که نمایندگان و مسئولان واقعی دولت برای کارهای عمرانی و آبادانی در روستاها، همین شوراها خواهدبود. به همین منظور نمایندگانی از طرف مسئولان برای نظارت بر حسن انتخابات شوراها تعیین خواهدشد و یادآور می‌شود که از هرگونه عکس‌العمل ارتجاعی و ضدانقلابی که مانع انجام این مهم شود جلوگیری خواهد شد و در این مورد از روستاییان درخواست می‌شود هوشیاری خود را حفظ کرده و هر گونه تحریک و تشنج از طرف ضدانقلابیون را به سرعت شناسایی و مقامات مسئول را مطلع کنند.

اطلاعیه دوم نیز تأکید دارد اخیراً مشاهده شده که عده‌ای سودجو به عناوین مختلف در منطقه گنبدکاووس از برداشت محصول جلوگیری می‌کنند، بدین وسیله به کلیه افراد فوق‌الذکر اخطار می‌شود که این گونه اعمال خلاف شرع بوده و از عمل آنها شدیداً جلوگیری خواهدشد و در صورت ارتکاب به این عمل، ضدانقلاب محسوب می‌شوند. در صورتی که اختلافی در مورد محصول و یا زمین بین زارع و مالک وجود داشته‌باشد می‌توانند جهت حل اختلاف به مراجع

واشنگتن غالباً از "جرج بال" به عنوان سازمان‌ده گروه خود ویژه آتش‌نشانی برای رفع اوضاع بسیار بحرانی استفاده می‌کند که گاه‌گاهی سیاست امریکا دچار آن می‌شود، البته وی این مأموریت‌های خود را با موفقیت انجام نمی‌دهد. وقتی که سال گذشته مردم ایران علیه استبداد به پا خاستند، جرج بال و گروه تحت سرپرستی وی مأموریت یافتند نقشه‌هایی برای نگه‌داری شاه مخلوع در مسند حکومت و در درجه اول برای حفظ مواضع غارتگری انحصارهای امریکایی - که جرج بال از منافع آنها دفاع می‌کند - تنظیم نماید، اما این نقشه‌ها با شکست مواجه شد. تلاش اخیر سنای امریکا که قطع‌نامه ضدایرانی صادر کرده، به نتیجه مطلوب واشنگتن نرسید. رویدادهای هفته گذشته از جمله تظاهرات ضدامریکایی نشان داد که مردم ایران عزم راسخ دارند زیر امر و نهی امریکا نروند. ابراهیم یزدی وزیر امورخارجه صریحاً گفت اگر مداخله ایالات متحده ادامه یابد ایران تمام مناسبات خود را با آن قطع خواهد کرد. در این اوضاع و احوال باز هم جرج بال به صحنه آمد و در روزنامه نیویورک تایمز پیش‌بینی کرد که رژیم موجود حتماً سقوط خواهد کرد چون که قادر به اداره امور اقتصادی کشور نیست. حل مسائل اقتصادی که ایران با آنها رو به روست کاری است واقعاً بسیار دشوار، اما این دشواری‌ها - که جرج بال درباره آنها سکوت می‌کند - نتیجه سال‌ها فعالیت انحصاری امپریالیستی و سلسله پهلوی است که کمر خدمت آنها را بسته بود... اما درباره رهبران کنونی ایران می‌باید گفت که آنها در برابر مشکلات تسلیم نمی‌شوند و در مقابل امپریالیست‌ها پا به عقب نمی‌گذارند.(۱۹)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱۶

۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص۲؛ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص۳.
۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص۲.
۳ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص۱.
۴ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص۸.
۵ ـ روزنامه مردم (ارگان حزب توده ایران)، شماره ۲۳، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص‌ص ۱ و ۵.
۶ ـ سند شماره ۱۳۱۲۵۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: صورت جلسه نشست مشترک گروه‌های ذکر شده در خبر.
۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص۳.
۸ ـ مأخذ شماره ۴، ص۳.
۹ ـ مأخذ شماره ۴، ص۳.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۴، ص۸.
۱۱ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۶، ۱۳۵۸/۳/۱۸، ص۶، رادیو لندن.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۳، ص۱، خبرگزاری فرانسه.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۱۱، ص۱، خبرگزاری فرانسه.
۱۴ ـ سازمان مجاهدین خلق، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی مجاهدین خلق ایران(۲) (تهران: سازمان مجاهدین خلق، ۱۳۵۹) ص‌ص ۱۸-۱۶.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۴، ص۸.
۱۶ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۵۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۷۴-۷۲.
۱۷ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی امریکا، جلد ۲۸ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۶۱-۵۸.
۱۸ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص۸.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۱۸، ص۸.

روزشمار

پنجشنبه
۱۷ خرداد ۱۳۵۸
۲۲ رجب ۱۳۹۹
۷ ژوئن ۱۹۷۹

۳۴۵
در خرمشهر فعالیت روزمره شهری کم و بیش شروع شده‌است ولی همچنان تعدادی از مغازه‌های شهر تعطیل است، اداره بندر و گمرک خرمشهر نیز تعطیل است، مدارس نیز قرار است از شنبه ۱۹ خرداد شروع به کار کنند. نیمه‌شب برای چند دقیقه ناشناسی در محوطه اداره بندر خرمشهر تیراندازی کرد که بلافاصله پاسداران به آن پاسخ دادند.(۱)

در تیراندازی نیمه‌شب دیشب در خیابان میلانیان، یکی از پاسداران انقلاب مورد اصابت گلوله قرار گرفت که در همان ساعت به بیمارستان دکتر مصدق خرمشهر منتقل گردید. گلوله گویا از منازل اطراف محل پاسداری نامبرده شلیک شده‌بود. هرچند دیشب در چند نقطه شهر صدای تیر به‌گوش می‌رسید، اما به‌طور کلی وضع شهر آرام‌تر است و حفاظت شهر به‌عهده پاسداران انقلاب و عده‌ای از جوانان شهر می‌باشد.(۲)

۳۴۶
جبهه ملی تشکیلات خوزستان طی اطلاعیه‌ای درباره حوادث اخیر خوزستان، اعلام کرد: «اکنون در خوزستان چند گروه به‌صورت ابزار امپریالیسم مشغول کارند:

۱ ـ ثروتمندان مزدور رژیم گذشته که خود با مردمشان دارای تضاد طبقاتی بودند و هستند و تا قبل از پیروزی انقلاب به‌دلیل ماهیت استثمارگرانه خود به رژیم فاسد گذشته خدمت می‌کردند.

۲ ـ عناصر تجزیه‌طلبی که در رؤیا و اوهام بسر می‌برند و سر نخ آنها همیشه به‌دست کهنه نوکران استعمار بوده‌است و اکنون فرصت بازگشت به کشور و شروع به فعالیت مخرب و تفرقه‌افکنانه یافته‌اند (این عناصر مستقیماً با دو کشور خارجی در ارتباطند).

۳ ـ عناصر به‌ظاهر روشنفکر که مأمورین دولت‌های بیگانه در بین آنها نفوذ کرده‌اند و احساس گزافه‌خواهی و افراطی‌گری در بین آنها به‌وجود آورده‌اند.

۴ ـ مردم ساده‌لوح و خوش‌باوری که تنها تحت تأثیر احساس و عاطفه و هم به‌واسطه

کمبود درک و دانش تاریخی، فریب تغییر نام‌ها را خورده‌اند و لجام خود را به‌دست گروه‌های بالا سپرده‌اند.»

در ادامه اطلاعیه آمده است: «در این بین متأسفانه غیبت یک تصمیم‌گیری قاطعانه که حق مشروع مردم عرب ما (مانند آزادی‌های فرهنگی، حق شرکت در شوراهای شهرستان‌ها و آزادی‌های دمکراتیکی از این قبیل) را تأمین نماید مزید بر علت شده و زمینه‌ای مساعد را برای نفوذ عناصر مخرب و جاسوس فراهم نموده و موضوعی را که به راحتی در پشت میز مذاکره قابل حل است، به‌صورت کلاف سردرگم درآورده است. تیراندازی‌هایی که در چند روز گذشته از طرف عناصر تحریک‌شده ـ ولی اغلب ساده‌لوح و آلت فعل ـ صورت گرفت و باعث زخمی شدن ۱۵ نفر و کشتار دو نفر گردید و بالاخره مقامات محلی را ناچار نمود که برای تأمین امنیت تمام مردم اعم از عرب و عجم اقدام به خلع‌سلاح نمایند، نتیجه شکیبایی بیجایی بود که متأسفانه در مرکز وجود داشت. شکیبایی دولت در مقابل این اغتشاشات باعث شد که جاسوسان امپریالیسم و اسرائیل آن را در بین افراطیون به‌صورت ضعف دولت معرفی نمایند و به اصطلاح به آنها بگویند: چه وقتی بهتر از حالا؟»

جبهه ملی در این جا به طرح انتقادات خود از حاکمیت کنونی می‌پردازد و نظرگاه‌های خود را به‌صورت زیر مطرح می‌کند: «بر این که شرایط موجود کشور مورد سوءاستفاده قرارگرفته، جای شکی نیست. کار به آن‌جا کشیده که حتی "جرج حبش"، رهبر سازمان کمونیستی "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" به‌طور محرمانه وارد منطقه شده و در پاره‌ای از نقاط که شناسایی شده‌اند، اقداماتی را علیه انقلاب ایران شروع کرده‌است و لابد این به‌تلافی همه خوبی‌هایی است که تاکنون ما به نهضت فلسطین عرضه کرده‌ایم! به‌هرحال دولت باید وضع خودش را با مردم و مملکت روشن کند، باید به مردم بگوید که ما اکنون در کجای تاریخ ایستاده‌ایم؟ از یک‌طرف روابطمان را با بخشی از دنیا تیره می‌سازیم تا در مجموع به دنیای عرب و بالاخص نهضت فلسطین کمک کنیم، از طرف دیگر همین‌ها که می‌بایستی صمیمانه دست دوستی ما را بفشارند، معلم تربیت چریک به میهن ما گسیل می‌کنند و سیل اسلحه به داخل کشورمان روانه می‌دارند! اکنون هرچه بیشتر می‌گذرد علت استعفای تاریخی رهبر ما دکتر سنجابی برای توده‌های مردم ما روشن‌تر می‌شود. اکنون دیگر مردم ما این جمله رهبر ما را روی پوست و گوشت و استخوان خود احساس می‌کنند که گفت: علت استعفای من مخالفت با دولت نیست بلکه مخالفت با بی‌دولتی است.»(۳)

۳۴۷
نشریه‌ای موسوم به "رزم خونین" ارگان کارگران مارکسیست ـ لنینیست جنوب در هفتمین شماره خود در گزارشی جانب‌دارانه تحت عنوان "پیرامون فاجعه به‌خون کشیدن خلق عرب در خوزستان" به بررسی حوادث خرمشهر پرداخت. در بخشی از این گزارش آخرین وضعیت این شهر به نحو زیر ترسیم شده‌است:

در روز جمعه ۵۸/۳/۱۱ راهپیمایی عظیمی از آبادان به مقصد خرمشهر صورت می‌گیرد، در این راهپیمایی شعارهایی بر علیه مدنی مانند «مدنی نابود است، خلق عرب پیروز است؛ مرگ بر مدنی، عرب عجم برادرند؛ مرگ بر مدنی، جوانان عرب همه فدائی‌اند» و... داده می‌شود. این راهپیمایی در اعتراض به قتل چهار جوان عرب در آبادان و همچنین در اعتراض به کشتار خلق عرب در خرمشهر صورت می‌گیرد. راهپیمایان نرسیده به پل خرمشهر با تیراندازی پاسداران و در خیابان چهل متری نیز با تیراندازی روبه‌رو شده و چهار نفر شهید می‌شوند ولی راهپیمایان به مسیر خود ادامه می‌دهند و در مسجد امام جعفرصادق (ع) در خیابان چهل‌متری خرمشهر قطع‌نامه خود را خوانده و تحصن اختیار می‌کنند. در این قطع‌نامه خواستار برکناری و محاکمه علنی مدنی، لغو سانسور و پخش اخبار صحیح از رادیو و تلویزیون شده و از دولت می‌خواهند که به خواسته‌های آنها رسیدگی کند. آنها همچنین حملات مکرر به خانه آیت‌الله شبیرخاقانی را که به‌وسیله کماندوها و پاسداران انقلاب صورت می‌گیرد، محکوم می‌کنند و خواستار مجازات مسببین این اعمال می‌گردند که تا به‌حال (پنجشنبه ۵۸/۳/۱۷) جوابی به آنها داده نشده‌است و آقای ابراهیمی فرماندار موقت خرمشهر مدعی است که چون اینان حمله را زودتر شروع کرده‌اند، باید آنها برای مذاکره با ما بیایند، نه ما پیش آنها برویم. درباره رقم کشته‌شدگان ارقام متنوعی ذکر می‌شود، شیر و خورشید آن‌را ۳۷ نفر، دولت در ابتدا ۴ بعد ۱۸ سپس ۲۳ و ... ارقامی که به‌دست آمده حاکی از ۱۲۶ تن کشته، ۱۹۱ تن مجروح، ۱۰ تن مفقود و ۱۱۰ تن بازداشت که ۶۰ نفر آنها آزاد و ۵۰ نفر دیگر هنوز در بازداشت هستند. نشریه رزم خونین در ادامهٔ گزارش خود ادعا کرده است که یکی از پاسداران می‌گفت در حادثه خرمشهر ۲۷۰ نفر از خلق عرب و ۱۵ نفر از پاسداران به شهادت رسیده‌اند.(۴)

۳۴۸
علامه احمد مفتی‌زاده با انتشار اطلاعیه‌ای یک بار دیگر از صاحب‌نظران دعوت کرد که برای مذاکره درباره چارچوب خودمختاری کردستان در کنفرانس ۲۰ خرداد در سنندج شرکت کنند. در این اطلاعیه آمده است: «اکنون که قیام با عظمت ملت‌های مسلمان ایران به ثمر رسیده و به‌جای نظام ستمگر شاهنشاهی، نظام دادگستر جمهوری‌اسلامی استقرار یافته و مسئولان مملکت در برابر خواسته‌های ملت کرد از جمله حق مشروع خودمختاری حسن‌نیت نشان می‌دهند، هر انسان آگاه و دلسوز ملت کرد مکلف است آخرین امکانات خود را در راه استفاده صحیح از موقعیت و به‌خاطر سعادت و تأمین آینده ملت به‌کار گیرد. برای تأمین این منظور حیاتی و تشکیل چنین اجتماعی یک‌بار در سقز و بار دیگر در کرمانشاه کوشش شد که متأسفانه حوادثی موجب نرسیدن به نتیجه نهایی گردید. اما به‌هرحال نمی‌توان به‌خاطر بعضی حوادث از آنچه مایه رستگاری و سعادت ملت کرد است چشم پوشید و ناچار بار دیگر از عموم صاحب‌نظران دلسوز کرد طی قطع‌نامه‌ای دعوت شده‌که در روز بیستم خردادماه جاری در سنندج حضور به‌هم رسانند و پس از مذاکرات و بررسی نظرات گوناگون و انتخاب بهترین آنها، عده‌ای به نمایندگی

مأمور عمل در منطقه خلیج شده است. تاکنون چهل‌هزار تن از افراد این نیرو آموزش جنگ‌های صحرایی را دیده‌اند.(۱۴)

در همین حال "فرانک ماسترون" سفیر امریکا در کویت در مورد گزارش‌های مطبوعات راجع به دخالت امریکا در کشورهای منطقه گفت: «گزارش‌های اغراق‌آمیز مطبوعات خیلی دور از اساس سیاست امریکا نسبت به منطقه خلیج‌فارس است. این گزارش‌ها چنان اغراق‌آمیز است که فقط به درد جنجالگران مطبوعاتی می‌خورد.» وی گفت: «یکی از اصول سیاست امریکا گسترش راه‌های کمک به کشورهای منطقه به منظور تحکیم وسایل دفاعی خودشان است.» ماسترون در این ارتباط به یک هیئت نظامی امریکا به سرپرستی آلفرد وتیل اشاره کرد که ماه پیش برای بررسی امکانات اعطای کمک‌های آموزشی به نیروی‌دریایی کویت به خلیج‌فارس سفر کرده‌بود.(۱۵)

۳۵۷

درباره حوادث داخل عراق برخی روزنامه‌های کشور ضمن تأکید و با اهمیت شمردن این حوادث، پاسخ به جنگ تبلیغاتی شدید رسانه‌های تبلیغی عراق را نیز فراموش نمی‌کنند و برخی نیز متناسب با مشی گردانندگان آن، اخبار را در چارچوب گرایش‌های سیاسی خاصی ارائه می‌دهند. مطالب امروز روزنامه‌های جمهوری‌اسلامی و آیندگان درباره مسائل داخل عراق نمونه‌هایی از دوگونه برخورد ذکر شده‌است؛ از جمله روزنامه جمهوری‌اسلامی در شماره امروزه خود نوشت:

دیروز اوضاع عراق به‌شدت متشنج شد و تظاهرات دامنه‌داری در اعتراض به روش خصمانهٔ دولت بعثی عراق در مقابل نهضت بالنده و رشدیابنده اسلام در منطقه و بمباران دهکده‌های ایران صورت گرفت و در شهرهای نجف، کاظمین و کوفه و سایر شهرستان‌ها مردم به خیابان‌ها ریختند و به طرف‌داری از حکومت قرآن و ارزش‌های اسلامی و اعتراض به شیوهٔ رژیم حاکم بر عراق شعار می‌دادند. این تظاهرات به‌عنوان محکوم کردن حملهٔ عراق و اظهار همبستگی با ملت مسلمان ایران صورت گرفت. یک منبع عراقی اظهار داشت: تظاهرکنندگان از طبقهٔ دانشجو و روحانی بودند و پلیس در پاره‌ای از مناطق به مقابله با تظاهرکنندگان پرداخت و آنها را به‌شدت متفرق کرد. اخبار رسیده از عراق حکایت از شدت یافتن اختناق و سانسور در عراق دارد.

ناظران سیاسی تحولات داخلی عراق را شبیه به آغاز انقلاب‌اسلامی در ایران می‌دانند و معتقدند که رژیم عراق مانند آخرین روزهای رژیم شاه در وضع سختی قرار گرفته‌است و پیشنهاد پیمان امنیت خلیج‌فارس را هم با وحشت رژیم عراق از قیام ملت عراق بی‌ربط نمی‌دانند. امروز شخصیت‌های روحانی نجف در کانون توجه و علاقه همه نیروهای ملی و مردمی قرار گرفته‌اند و این‌طور به‌نظر می‌رسد که عراق آبستن حوادث جدیدی است. روش خصمانه عراق نسبت به مردم انقلابی ایران بی‌شک در آینده بازتاب‌های گسترده‌تری خواهد داشت.(۱۶)

روزنامه آیندگان نیز در گزارشی که متناسب با مشی فعلی گروه‌های ضدنظام داخلی، در جانب‌داری از طالبانی‌ها و کوبیدن بارزانی‌ها تنظیم شده‌است، نوشت: فعالیت جناح‌های مختلف سیاسی عراق و مخالفان رژیم بعث این کشور برای تشکیل جبهه ملی مخالف دولت کنونی عراق ادامه دارد. یک سخن‌گوی شورشی کرد عراق ضمن اعلام این مطلب، دولت عراق را متهم به دیکتاتوری و کوچ اجباری کردهای عراق از نواحی مرزی کرد. وی گفت: سیاست‌های حکومت باعث شد که تشکیل یک جبهه ملی از مخالفان کنونی رژیم بعث عراق ضرورت پیدا کند.

تاکنون سه جلسه مذاکره بین جناح‌های مختلف سیاسی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی تشکیل شده‌است. جناح‌های مختلف عبارتند از: جنبش سوسیالیستی کردستان، اتحاد میهنی کردستان (به رهبری طالبانی)، کمیته تدارکاتی حزب دمکرات عراق تجمع وطنی (احزاب عربی مخالف دولت عراق مثل جناح منشعب از حزب بعث طرف‌دار سوریه و کمونیست‌های قیاده مرکزی). اخیراً گروهی از مخالفان حزب کمونیست عراق (طرف‌دار شوروی) به رهبری احمد بانی خیلانی به شورشیان کرد ملحق شده‌اند و این به‌دنبال اختلافی بود که حزب کمونیست عراق بر سر مسئله عزیمت آیت‌الله خمینی، مسئله کردستان و سیاست نزدیکی به غرب دولت عراق، با حزب بعث پیدا کرد. هم اکنون گروهی از کمونیست‌های عراق در کنار شورشیان کرد مسلحانه فعالیت می‌کنند.

قیاده موقت (طرف‌داران ملامصطفی بارزانی) نیز تهدید کرده بودند که به مذاکرات جاری برای تشکیل جبهه ملی مخالف رژیم بعث عراق ملحق شوند، ولی شورشیان کرد عراق تنها به این شرط حاضر شدند آنها را بپذیرند که به ارتباط خود با سازمان "سیا"ی امریکا، موساد "اسرائیل" و "ساواک منحله" ایران پایان دهند. شرط دیگر پذیرفتن قیاده موقت در این مذاکرات، آزادی رهبران سیاسی و نظامی شورشیان کرد عراق است که در جریان درگیری‌های مسلحانه در مرز ایران، عراق و ترکیه به‌دست افراد قیاده دستگیر شدند.(۱۷)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱۷

۱ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص۲.
۲ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص۳.
۳ـ مأخذ شماره ۲، ص۸.
۴ـ نشریه رزم خونین (ارگان کارگران مارکسیست ـ لنینیست جنوب)، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص‌ص ۲ تا ۳.
۵ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۶ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۷ـ سازمان مجاهدین خلق، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی مجاهدین خلق‌ایران، (۲) (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق، چاپ اول، بهار ۱۳۵۹)، ص‌ص ۱۸ تا ۲۱.
۸ـ مأخذ شماره ۲، ص۲.
۹ـ سند شماره ۱۰۵۱۲۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامه شماره ۲۴۵۱/۵۸/۳/۱۷ دفتر هماهنگی استان‌ها به فرمانده سپاه پاسداران انقلاب.
۱۰ـ مأخذ شماره ۲، ص۲.
۱۱ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۱۰۳-۱۰۰

ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی یکا، جلد ۵۵ (تهران: نشر لانه، شماره ۵۵، بی‌تا) ص ۷۸ ـ ۷۵.

ـ نشریه کار، ارگان سازمان چریک‌های فدایی ـلق، شماره ۱۴، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص ۱۱، شبتدپرس.

۱۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۲، آسوشیتدپرس، روزنامه القبس.

۱۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۲، آسوشیتدپرس.

۱۶ ـ روزنامه جمهوری‌اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص ۱.

۱۷ ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص‌ص ۱ و ۲.

روزشمار

جمعه

۱۸ خرداد ۱۳۵۸
۱۳ رجب ۱۳۹۹
۸ ژوئن ۱۹۷۹

۳۵۸
ظهر امروز پایان مهلت متحصنان مسجد امام‌صادق(ع) خرمشهر برای تحقق خواسته‌های اعلام‌شده، فرارسید، اما طبیعی است که با وجود توافق شبیر ـ مدنی، فضای سیاسی برای واکنش‌های تند و تهدیدآمیز و اقدام جدی عناصر خلق عرب وجود ندارد، با این همه پافشاری بر خواسته‌ها و عدم‌تمکین بر وضع جدید، تا حدی ابراز می‌شود.

به هرحال نهایتاً در ساعت ۸ شب در پی سخنرانی حجت‌الاسلام غلامرضا گلسرخی نماینده آیت‌الله شریعتمداری که جمعیت را به اتحاد و آرامش دعوت نمود، این تحصن هفت روزه پایان یافت.[(۱)]

۳۵۹
آیت‌الله شبیرخاقانی و فرماندار خرمشهر در ادامه توافق انجام‌شده بین شبیر و مدنی در جهت بهبود اوضاع، طی اطلاعیه‌های جداگانه‌ای، دربارهٔ اقدامات عناصر تفرقه‌افکن در خرمشهر هشدار دادند. در اطلاعیه آیت‌الله شبیرخاقانی آمده‌است: بر هر مرد و زن ایرانی مسلمان واجب است که در حفظ اتحاد و برادری کوشا باشد. خداوند متعال امر به وحدت و یگانگی فرموده و مسلمانان باید در برابر قانون اسلامی تسلیم باشند، زیرا قانون اسلامی حقوق تمام بشریت را حفظ نموده‌است. در برابر قانون اسلامی، زن و مرد و تمام اقلیت‌های مذهبی حقوق برابر و مساوی دارند، پس در نگه‌داری وحدت و یگانگی خود در زیر پرچم عدل اسلامی و قانون قرآنی بکوشید و بر ماست که در صف واحد خود منحرفین و فرصت‌طلبان را راه ندهیم و آگاه باشیم که زمانی روی سعادت را خواهیم دید که قانون عدل اسلامی در جامعه ما برقرار گردد. ما به شهادت و دادن خون فرزندان خود برای برقراری قانون عدل اسلامی کوشش نمودیم و خدای نکرده اگر دچار اختلال گردیم، نمی‌توانیم نظام عادلانه اسلام و جمهوری‌اسلامی را برقرار نماییم و این امید بزرگ به سراب تبدیل می‌گردد. بر دولت اسلامی واجب است که با مهربانی و عدالت رفتار نماید و با عفو عمومی تمام آحاد ملت را به طرف نظام عدل اسلامی جلب نماید. همان‌گونه که

ایادی بیگانه در سایر نقاط فعالیت دارند، در این منطقه نیز بنابر شایعات به کار مشغول هستند. وظیفه خطیر مسلمانان در این لحظات حساس این است که در برابر کسانی که می‌خواهند به وحدت ملت خللی وارد نمایند مقاومت کنند و در برقراری جمهوری‌اسلامی و عدل قرآنی کوشا باشند. مسلمانان باید بدانند که اگر در راه برقراری عدل و احسان گام بردارند خدای عزوجل با آنان خواهدبود.

محمدرضا علوی فرماندار خرمشهر نیز در اطلاعیهٔ خود اعلام کرد: اینک که خوشبختانه به دنبال صدور توافق نامه حضرت آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی و تیمسار دکتر سیداحمد مدنی فرمانده نیروی‌دریایی و استاندار خوزستان و همکاری وسیع و همه‌جانبهٔ مردم، خرمشهر به آرامش دوباره دست می‌یابد و حرکت زندگی‌ساز شهر آغاز شده‌است، متأسفانه شایعاتی بروز نموده که مطلقاً نمی‌تواند مورد تأیید باشد. اخیراً عده‌ای از عناصر ضدانقلاب ـ که تلاش‌های خشونت‌آمیز آنان با شکست قطعی مواجه و در برابر افکار عمومی کارشان به رسوایی کشیده شده‌است ـ در لباس دولت، مشاور و دلسوز، به وسیله تلفن و مکاتبات جعلی اخباری را به دروغ پخش و به اطلاع عامه می‌رسانند که هدف این ضدانقلابیون صرفاً تضعیف روحیه و مخدوش نمودن تفاهمات موجود است.(۲)

۳۶۰
ریادار مدنی استاندار خوزستان در یک مصاحبهٔ تلویزیونی به سئوالات خبرنگار تلویزیون جمهوری‌اسلامی ایران پاسخ داد. وی در پاسخ سؤال مربوط به اوضاع خوزستان در حال حاضر چگونگی حل مشکل خوزستان، گفت: «مسائل خوزستان از مسائل درون مرزی و برون مرزی رچشمه می‌گیرد و بدیهی است ما این جا آثار استعمار بین‌المللی را خیلی آشکار می‌بینیم و م آثاری از دخالت‌هایی که عوامل وابسته به نظام سابق در این جاها دارند و هم گاهی حریکاتی که از گوشه و کنار مرزهایمان انجام می‌گیرد. ... اگر یک قسمت از حل این مسائل را از ون مرز، ما بررسی می‌کنیم من فکر نمی‌کنم مشکل نیست.

مسائلی که زائیده برون‌مرزی و استعمار بین‌المللی است، حل این مسائل را باز من مشکل ی‌بینم برای این که ما دیدیم ظرف یک سال گذشته ملت ایران با استعمار بین‌المللی و هم تبداد در خدمت استعمار بین‌المللی جنگید و با پشتیبانی خودش و با اتکا بر نیروی رزمنده دش و نیروی ملی و انقلابی خودش در همه موارد پیروز شده، به پیروزی رسیدیم و حتم م که نگاه‌داری این پیروزی هم برای ملت ایران مشکل نباشد. مسائل خوزستان را من مطمئن تم همان طور که تابه حال با اتکا ملت ایران فیصله دادیم، از این پس هم با اتکا به ملت ایران خصوص مردم خوزستان حل خواهیم کرد.»

خبرنگار پرسید: خوزستان همواره از نقطه‌نظرهای سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت ویژه‌ای ه زیرا منطقه نفت‌خیز است، آیا ممکن است پاسخ دهید که اهمیت این استان هنوز به خاطر ، است یا همجواری با کشورهای عرب منطقه؟

استاندار خوزستان در پاسخ گفت: «خوزستان تنها به لحاظ منابع زیرزمینی نفت و گاز نیست که امروز اهمیت دارد، خوزستان مهمترین منطقه کشاورزی و دامداری ایران و در سرتاسر طول تاریخ بوده و در روزگارانی که خلیج‌فارس شاهراه جهان بازرگانی و سیاسی جهان بود خوزستان اهمیت فوق‌العاده داشت و امروز هم که به لحاظ اهمیت خلیج‌فارس و به لحاظ منابع زیرزمینی علی‌الخصوص نفت و گاز و به‌لحاظ همسایگی با همسایگانی که اینها در عرصه بین‌المللی سیاستی مؤثر دارند و با ما ارتباطات نزدیک دارند و ما نیز خود را از این منطقه حساس خاورمیانه جدا نمی‌بینیم و هم به لحاظ اهمیت گذشته‌ای که داشت یعنی احیای مجدد کشاورزی و دامداری و صنعتی اصیل، بی‌گمان اهمیت فوق‌العاده داشته و خواهد داشت. ما از دید اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ـ که هم امروز و هم فردا خواهد بود ـ برای خوزستان اهمیت فوق‌العاده‌ای قائلیم و به همین مناسبت هم برای همیشه در کنار ایران و با ایران خواهد بود.»

تیمسار مدنی درباره دخالت عراق و حمله هواپیماهای عراقی به مرزهای ایران گفت: «البته این دخالت عراق را من خیلی جدی نمی‌بینم. عراق احتمالاً درگیر مسائلی است از درون و هر وقت که این مسائل گسترش پیدا می‌کند توجه را به کرانه‌ها و اطراف مرز سیر می‌دهد تا مسائل دیگری پیش بیاید تا افکار درون تا حدودی منعطف بشود و این نظر و داوری خود من است و احتمال می‌دهم از این دید باشد و مسائل طوری است که نمی‌تواند دخالت در امر دیگری را جدی انجام بدهد و همین اندازه که هست من این کار را بر خلاف شرایط حسن‌همجواری و همسایگی می‌دانم و همان‌گونه که گفتم گله‌مندیم از همسایگانی که نباید کاری بکنند و می‌کنند؛ اما جدی تلقی نمی‌کنیم.

ولی ما نیروی کافی داریم و توان مقابله کردن با هر چیز که انقلاب ملت ایران و تمامیت ارضی ایران را به خطر بیندازد کاملاً می‌توانیم مقابله کنیم. امروز ملت ایران است که پاسدار انقلاب است، نیروی ملت است که این کشور را حفظ خواهد کرد و فقط یک ارتش تنها نیست بلکه سرتاسر ملت ایران است، ما هیچ واهمه‌ای نداریم.»

استاندار خوزستان در مورد تعداد کشته‌شدگان و مجروحان حوادث خوزستان گفت: «مجموعاً یک رقم تقریبی ۳۷ نفر کشته و حدود ۷۵ نفر زخمی و ۱۰۵ نفر بازداشت هستند. بازداشتی‌ها را داریم مرخص می‌کنیم که ۴۵ نفرشان را آزاد کردیم که مقصر نبودند یا تقصیرشان کم بود و از باقی‌مانده‌ها هم به توافق رسیدیم که بررسی کنیم. بسیاری از این عده طی دو سه روز آینده آزاد خواهند شد، فقط عده کمی خواهند ماند که بیش از چند نفر نیستند که دست اندرکار این شورش بودند که محاکمه آنها آغاز خواهد شد و بسیار محدود هستند.»

استاندار خوزستان در مورد دخالت ارتش در خوزستان و این که از سلاح‌های سنگین استفاده شده‌است، گفت: «اطلاعاتی که در روزنامه‌ها و یا دستگاه‌های خبرپراکنی در جهان منعکس شد و به ویژه در کشورهای عربی، این اطلاعات درست نبود. همان طور که می‌دانید نفرات معدودی به پایگاه دریایی آمدند که در حدود ۲۰۰ نفر با سلاح‌های سبک آمدند که اینها

در حالت عادی هم می‌آیند و در حدود ۴۵۰ نفر از پاسداران انقلاب به آن جا آمدند. این مجموع کادری بود که ما آوردیم و این در یک شورش خیلی کوچک هم فکر می‌کنم در هر جای جهان این تعداد افراد برای پیش‌گیری از هجوم و گسترش، صورت می‌گیرد و این را هم گفته باشم که داستان به عکس آنچه که در جهان منتشر شد داستان عرب و عجم نیست، داستان انقلابیون و ضدانقلابیون بود. انقلابیون هم برادران و خواهران عرب ایرانی ما، فارس و بلوچ ما هرچه هست ایرانی می‌باشند، و در سوی حرکت ضدانقلابی هم از قشرهای مختلف معدود هستند.»

مدنی در پایان گفت: این انقلاب به نتیجه خواهد رسید، برای این که ما مصمم هستیم و قطعاً انقلاب ملت ایران به نتیجه خواهد رسید. ولی این تشکر را از همه دولت‌های جهان خواهم داشت که آفتی فراراه ما و سنگی جلو راه ما نیندازند، اگر این کار را نکردند، متشکریم و اگر سنگی انداختند، آن سنگ را برمی‌داریم ولی آن تشکر از بین می‌رود.[۳]

۳۶۱
به نوشته کیهان، ۴۰ تن از سران و نمایندگان عشایر آل بوقبیش بنی‌کعب ماهشهر و هندیجان در محل فرمانداری این شهر ضمن محکوم کردن عاملان حوادث اخیر خرمشهر و درخواست دست‌گیری آنها، یک بار دیگر همبستگی خود را با جمهوری‌اسلامی به رهبری امام‌خمینی اعلام و پشتیبانی خود را از تیمسار مدنی استاندار خوزستان ابراز کردند. سران عشایر آل بوقبیش ماهشهر و هندیجان قطع‌نامه‌ای در ۶ ماده تنظیم و قرائت کردند: ۱ ـ ما عشایر مسلمان بنی‌کعب ماهشهر و حومه در خوزستان، خواستار تعقیب مسببان وقایع اخیر خرمشهر و مجازات آنان هستیم. ۲ ـ ما عشایر مسلمان بنی‌کعب ماهشهر ضمن خواستار شدن حقوق شرعی خود، با آگاهی از این که هیچ حقوقی به جز زیر لوای اسلام و جمهوری‌اسلامی برآورده نخواهد شد، پشتیبانی کامل خود را از جمهوری‌اسلامی به رهبری امام‌خمینی اعلام می‌داریم. ۳ ـ ما آمادگی کامل خود را جهت خدمت در روستاها و به ویژه مرزها با کسب تکلیف شرعی از رهبر انقلاب‌اسلامی ایران اعلام می‌داریم. ۴ ـ ما عشایر مسلمان بنی‌کعب خواستار معرفی عاملین وقایع اخیر خرمشهر هستیم. ۵ ـ ما هر نوع تجزیه‌طلبی و نفاق‌افکنی را محکوم می‌کنیم. ۶ ـ ما با آگاهی از نیات خیرخواهانه رهبر عالی‌قدر انقلاب‌اسلامی، معتقدیم که رهبر انقلاب مقامات ذی‌صلاح انتخاب می‌فرمایند، بنابراین قویاً مراتب پشتیبانی خود را از تیمسار دریادار دکتر مدنی استاندار خوزستان ـ که یکی از افراد شایسته و مؤمن به انقلاب است ـ اعلام می‌داریم.[۴]

۳۶۲
فرماندار خرمشهر اعلام کرد که مرزبانان عراقی بر روی پاسداران یک پاسگاه در دهکده مرزی شلمچه واقع در ۱۵ کیلومتری خرمشهر آتش گشودند. وی افزود: «پاسداران به این اقدام پاسخ ندادند و در این تیراندازی به کسی آسیب نرسیده‌است.»[۵] فرماندار خرمشهر در این‌باره گفت: «هنگام پاسداری مأمورین و پاسداران مرزی، از آن طرف مرز توسط نیروهای عراقی به پاسداران تیراندازی شد که مأمورین با حفظ خون سردی مانع درگیری جدی گردیدند. همچنین شب

چهارشنبه ۵۸/۳/۱۵ و شب پنج‌شنبه ۵۸/۳/۱۶ از آن سوی مرز، اداره بندر و نخلستان فعلیه زیر رگبار گرفته شده و خمپاره‌اندازی شد که مراتب بلافاصله به اطلاع دولت رسید.»[۵]

رادیو لندن با اعلام خبر تجاوز هوایی و تیراندازی نیروهای عراقی به سوی مرزبانان ایران گفت: در منطقه مرزی ایران و عراق نشانه‌های دیگری که بر وجود تشنج دلالت دارد، مشاهده شده‌است.[۶]

در همین حال یونسی استاندار کردستان طی تلفنگرامی به وزیر کشور اعلام کرد: گزارش فرمانداری مریوان حاکیست که نیروهای عراقی در مرز تقویت شده و روز هیجدهم خرداد نیز هفت رأس دام بر اثر تیراندازی نیروهای عراقی کشته شده است.[۷]

امروز همچنین در ساعت ۷ بامداد یک فروند هواپیمای عراقی و شب هنگام نیز یک فروند هواپیمای دیگر به حریم فضایی ایران (در غرب کشور) تجاوز کردند. پرواز این دو هواپیما بر فراز شهر پاوه موجب نگرانی‌هایی در مردم این شهر شد. فرماندار اورامانات تجاوز هواپیماهای عراقی را به فضای هوایی ایران تأیید کرد. فرمانده ناحیه ژاندارمری کرمانشاه و مرزبانی نوسود واقع در نوار مرزی عراق و ایران نیز پرواز هواپیماهای عراقی را تأیید کردند.[۸]

۳۶۳
در پی حوادث خرمشهر و اعلام خبر ارسال سلاح از رژیم بعث عراق برای ضدانقلابیون این شهر و انتشار خبر بمباران دهکده‌های مرزی در حملهٔ جنگنده‌های عراقی، موجی از احساسات ضدبعثی کشور را فراگرفت؛ از جمله در تهران هزاران نفر به دعوت سازمان مجاهدین انقلاب‌اسلامی در مقابل مسجد دانشگاه تهران اجتماع کردند و سپس به طرف سفارت عراق راهپیمایی نمودند. راهپیمایان پس از رسیدن به جلو سفارت عراق شعارهایی علیه رهبران عراق سر دادند و در پایان قطع‌نامه‌ای در ۴ ماده قرائت شد: ۱ ـ ما توطئه امپریالیست بر علیه انقلاب‌اسلامی ایران را رسوا کرده و اعلام می‌کنیم دست‌های خونین و خائن سلطه‌گران بین‌المللی در هر چهره و شکلی که باشد می‌بینیم. ۲ ـ ما توطئه‌ها و تجاوزات و کارشکنی‌های پی‌درپی عراق در خوزستان و کردستان را محکوم می‌نماییم. ۳ ـ ما حمایت بی‌دریغ خود را از جنبش اسلامی عراق اعلام می‌کنیم. ۴ ـ ما ضمن ابراز انزجار از تجاوز عراق، موضع همیشگی عراق را در برابر انقلاب‌اسلامی محکوم می‌کنیم.[۹]

یونایتدپرس در گزارش خود از تظاهرات مذکور اعلام کرد: نزدیک به ۸ هزار نفر ایرانی در یک راهپیمایی در برابر سفارت عراق در تهران، حمله هوایی عراق به روستاهای غرب ایران را نکوهش کردند. تظاهرکنندگان شعارهایی علیه حسن‌البکر می‌دادند، عراق را به دخالت غیرمنطقی در مسئله خوزستان متهم کردند و از مخالفت شیعه‌های عراقی با رژیم بغداد حمایت نمودند.[۱۰]

۳۶۴
گروهی با عنوان "سازمان اتحاد رنجبران کردستان ایران" اعلامیه‌ای دربارهٔ حملات عراق به

امریکا را افزایش داده است. این عکس‌العمل‌ها از زمان تصمیم ۱۷ ماه مه سنای امریکا (محکوم کردن اعدام‌های دادگاه انقلاب) شروع شد و سپس با تظاهرات در مقابل سفارت امریکا در تاریخ ۲۴ و ۲۶ ماه مه (۳۱ اردیبهشت و ۲ خرداد) و آن‌گاه نظرات یزدی درباره "کاتلر" در مطبوعات و حمله شدید رسانه‌های گروهی اوج گرفت. این عمل موقعیت ما را به طور قابل ملاحظه‌ای متزلزل کرده است، حتی بدتر از اوایل انقلاب.»[۱۵]

۳۶۷

به دنبال قتل یک استاد دانشگاه عراقی در عدن، روابط عراق و یمن جنوبی رو به تیرگی گذاشت. یمن جنوبی عراق را متهم ساخت که به سفارت‌خانه آن کشور در بغداد حمله کرده و کاردار سفارت (عبدالواحد رافی) را در منزل مسکونی خود بازداشت کرده است. این اتهامات در پس ادعاهای متناقض بغداد و عدن در مورد دست‌گیری اتباع عراقی در پایتخت یمن جنوبی به دنبال کشته شدن یک استاد دانشگاه عراقی در روز شنبه گذشته انتشار می‌یابد.

دولت مارکسیستی یمن جنوبی اعلام کرد که مأموران امنیتی سفارت عراق در عدن "توفیق رشدی" استاد عراقی را کشته و سپس به داخل ساختمان سفارت عراق پناهنده شده‌اند.

در این حال خبرگزاری عدن گزارش داد که پنج نفر نگهبانان امنیتی سفارت عراق که عامل کشتن رشدی هستند پس از مدتی خود را تسلیم مقامات انتظامی عدن کرده و هم‌اکنون تحت بازجویی قرارگرفته‌اند. درگزارش همین خبرگزاری آمده است که به موجب شواهد به دست آمده، اتومبیل حامل این پنج نفر متهم به قتل استاد رشدی متعلق به کنسول سفارت عراق می‌باشند. در همین حال افراد انتظامی عراق که لباس غیرنظامی به تن داشتند محوطه اطراف سفارت عدن در بغداد را محاصره کرده و افراد متفرقه را از آن محل دور کردند.

از سوی دیگر، در بیانیه‌ای که وزارت امورخارجه عراق انتشار داد، آمده است که دولت عدن سفارت عراق در آن کشور را به وسیله قوای نظامی محاصره کرده و تهدید کرده‌اند در صورتی که سفیر عراق متهمان به قتل توفیق رشدی را تحویل ندهد، ساختمان سفارت را مورد حمله قرار خواهند داد. عراق سپس اعلام کرد که سفارت عدن در آن کشور مورد حمله واقع شده و گروهی از کارمندان آن سفارت به نقطه نامعلومی برده شده‌اند.

به دنبال گزارش اشغال سفارت یمن جنوبی در عراق، وزیر امورخارجه یمن جنوبی در مورد هر حادثه‌ای که برای دیپلمات‌های این کشور در عراق رخ دهد به دولت عراق هشدار داد و از آن دولت خواست که هرچه زودتر به محاصره سفارت عدن پایان داده شود. به موجب گزارش خبرگزاری عدن، به دنبال تسلیم مأموران امنیتی عراق، به سفیر آن کشور و کارمندان سفارت عراق اجازه داده شده آزادانه به موجب مقررات دیپلماتیک آمد و شد نمایند.

یک مقام وزارت امورخارجه عدن به سفیر عراق در آن کشور گفته است که کشور متبوع وی مایل است با عراق روابط حسنه و برادرانه داشته باشند. روابط بین دو کشور عراق و یمن جنوبی تا قبل از این جریان بسیار صمیمانه بود.[۱۶]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱۸

۱ - روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۳/۱۹، ص‌ص ۱ و ۳.

۲ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۹، ص ۲.

۳ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۹، ص ۵.

۴ - روزنامه کیهان فوق‌العاده، ۱۳۵۸/۳/۱۸، ص ۲.

۵ - روزنامه جمهوری‌اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۱۹، ص ۳ و روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص ۱.

۶ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص ۱.

۷ - سند شماره ۲۰۲۱۳۰۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام استاندار کردستان به وزیر کشور به شماره ۴۱۷/م / ۵۸/۳/۲۰

۸ - مأخذ شماره ۶، ص ۱.

۹ - مأخذ شماره ۳، ص ۵.

۱۰ - خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۸، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص ۵، یونایتدپرس.

۱۱ - سند شماره ۲۰۹۹۳۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اطلاعیه سازمان اتحاد رنجبران کردستان ایران، ۱۳۵۸/۳/۱۸.

۱۲ - مأخذ شماره ۳، ص ۳.

۱۳ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۳۴ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص ۱۲۶ - ۱۲۳.

۱۴ - مأخذ شماره ۱۳، ص ۱۲۲ - ۱۲۰.

۱۵ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۶ - ۱ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص ۱۱۴.

۱۶ - مأخذ شماره ۴، ص ۲، رویتر به نقل از خبرگزاری عدن.

روزشمار
شنبه
۱۹ خرداد ۱۳۵۸
۱۴ رجب ۱۳۹۹
۹ ژوئن ۱۹۷۹

۳۶۸
به دنبال افشای آنچه در مطبوعات "دخالت‌های عراق در استان‌های مرزی ایران به ویژه استان خوزستان" خوانده شد، گروه‌های مختلف مردم اهواز با راهپیمایی در خیابان‌ها این "توطئه‌ها" را محکوم کردند. در این باره روزنامه کیهان نوشت: «راهپیمایان با دادن شعارهایی به زبان‌های عربی و فارسی ضمن پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران، انزجار خود را از حکام جابر عراق ابراز داشتند. راهپیمایان پس از گذشتن از خیابان طالقانی وارد خیابان (امام)خمینی شدند و با دادن شعارهای مختلفی از جمله: "صدام حسین تکریتی اعدام باید گردد؛ غائله خوزستان توطئه عراق و ساواک است" به راهپیمایی خود خاتمه دادند.»[۱] روزنامه اطلاعات نیز در این باره گزارش داد: گروه‌های مختلف مردم اهواز پس از شرکت در راهپیمایی، قطع‌نامه‌ای قرائت کردند که در آن آمده‌است: «ما برنامه‌های امپریالیسم شرق و غرب را برای توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران محکوم کرده، با هوشیاری انقلابی و اتحاد اجازه نفاق‌افکنی و تفرقه‌اندازی به آنها را نخواهیم داد. تجاوزات و کارشکنی‌های دولت مزدور عراق را در خوزستان و کردستان شدیداً محکوم کرده و دست صدام حسین را همانند شاه مخلوع از کشورهای اسلامی قطع خواهیم کرد. ما پشتیبانی کامل خود را از مبارزات حق‌طلبانه برادران و خواهران عراقی اعلام داشته و به آنها بشارت می‌دهیم که زیر پرچم "الله" با اتحاد به مبارزات خویش ادامه دهند.» در پایان قطع‌نامه از دادستان انقلاب اسلامی خوزستان خواسته شده‌است که هرچه زودتر عوامل توطئه در شهرهای خوزستان را شناسایی و به مجازات برساند.[۲]

۳۶۹
آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی‌الانبا در پاسخ به این سؤال خبرنگار که نظر شما در خصوص حوادث خوزستان چیست؟ گفت: از رویدادهای اخیر آن جا به شدت متأسفیم و هنوز هم نگرانی و اضطراب داریم. پس از این که از درگیری‌های خرمشهر مطلع شدیم، چندین بار با بعضی از وزرا تماس گرفتیم و تأکید کردیم که اولاً سعی شود که قضایا با

مسالمت حل شود و ثانیاً ترتیبی دهند که تلفن منزل آیت‌الله شبیرخاقانی را وصل کنند و عواملی که منزل ایشان را محاصره کرده‌اند کنار بروند و پاسداران از منزل ایشان حفاظت و پاسداری کنند و نگذارند عوامل ناشناسی به حریم روحانیت تجاوز کنند. و البته عقیده دولت بر این است که به طور وضوح دست‌های خارجی در ایجاد بلوای خرمشهر وجود داشته، تحریکات از ناحیه آنان صورت گرفته و می‌گیرد. از طرف دیگر، اطلاع دادند که آیت‌الله شبیر تصمیم گرفته‌اند خرمشهر را ترک کنند. به ایشان پیغام دادیم که در شرایط کنونی مصلحت نیست مسافرت کنند زیرا ممکن است نبودن ایشان و یا مسافرتشان موجب گسترده شدن بحران در خرمشهر شود و این کار را بگذارند پس از آرامش منطقه انجام دهند و بعداً مسافرت کنند.[۳]

۳۷۰
روزنامه "مردم ایران" ارگان جاما (گروه دکتر سامی) در تحلیلی از وقایع خوزستان نوشت: «حوادث خوزستان قسمتی از توطئه ننگین استعمار و عوامل آن در منطقه است. این حوادث دنباله حوادث ناگواری است که در سنندج و گنبدکاووس و نقده روی داد. این بار استعمار شانس خود را در خوزستان می‌آزماید. این بار اتحادهای نامقدس در کناره‌های شط‌العرب و کارون تشکیل شده‌است؛ در آن، همه عوامل ضدانقلاب صمیمانه و فعالانه مشارکت دارند. چهره‌های بعث را هم می‌بینیم شتابزده در یک توطئه ناموفق شرکت جسته‌اند؛ "جرج حبش" سر از خوزستان درآورده؛ فئودال‌های محلی با نماینده "اردشیر زاهدی" ملاقات می‌کنند و بالاخره شاه یک میلیارد تومان برای پیروزی ضدانقلاب در خوزستان سرمایه‌گذاری کرده‌است.»

در ادامه مقاله آمده است:

ضدانقلاب می‌داند که عشایر عمده خوزستان مانند بنی‌طرف در اطراف اهواز و دشت آزادگان، محبین و ادریس و نصار در اطراف خرمشهر و کعب در آبادان و شادگان عمیقاً به جمهوری اسلامی ایمان دارند؛ آنان امید خود را به فئودال‌های این عشایر بسته‌اند که برای حفظ موجودیت، برای استثمار هرچه بیشتر قبیله خود به نیرو و قدرت نظامی پهلوی متکی بوده‌اند.

ضدانقلاب امید خود را به جوانانی بسته است که در سال‌های اختناق در اثر ستم روزافزون خوانین و ژاندارم‌ها راهی عراق و سوریه شدند و تحت تأثیر تبلیغات ناسیونالیستی بعث قرار گرفتند. این افراد که پس از انقلاب به خوزستان بازگشته‌اند، کمترین آگاهی از انقلاب اسلامی ندارند و آگاهانه ابزار مقاصد شوم ضدانقلاب شده‌اند.

ضدانقلاب بازوی سیاسی و نظامی خود را در جبهةالتحریر اهواز جستجو می‌کند. این گروه که از طرف لیبی پشتیبانی می‌شوند و از این کشور پول دریافت می‌داشتند و در عراق و عدن و لیبی مستقر بودند، بعد از انقلاب به ایران بازگشتند. پس از آن که دو بار رهبران این گروه با جرج حبش در آبادان و خرمشهر ملاقات کردند، فعالیت تخریبی خود را تحت عنوان گروه‌های فرهنگی عشایر عرب‌زبان در اهواز و خرمشهر آغاز کردند.

همه مبارزان و انقلابیون جنبش اسلامی از آیت‌الله شبیرخاقانی انتظار دارند که قاطعانه به

فرصت‌طلبان اجازه هیچ گونه مجال خودنمایی ندهند. مگر نه این است که وقتی شیخ خزعل بنابه پیشنهاد انگلستان استقلال خوزستان را اعلام کرد آیت‌الله شیخ‌عیسی خاقانی جدّ بـزرگ ایشان گفت: «ما عرب و عجم نداریم حکومت ما اسلامی است و اگر کسی قصد تجزیه داشته باشد عمامه‌ام را کنار گذاشته و کفن‌پوش در شهر راه می‌افتم.»(۴)

۳۷۱
احمد مفتی‌زاده که در تدارک راه‌اندازی یک جریان مستقل از ائتلاف عزالدین حسینی و گروه‌های غیرمذهبی و مارکسیستی کردستان با مرکزیت سنندج است و در این راه از حمایت برخی محافل داخلی نظام اسلامی نیز برخوردار می‌باشد، امروز طی مصاحبه‌ای، مجدداً بر ضرورت تشکیل کنفرانس سنندج برای تأمین خواسته‌های ملت کرد از جمله حق مشروع خودمختاری تأکید کرد. وی در مورد شرکت نکردن عزالدّین حسینی در این کنفرانس، گفت: از این خبر دچـار تـعجب شده‌است، زیرا موضوع و هدف اجتماع بیستم خرداد در قطع‌نامه‌ای منتشرشده که ماده سوم آن روی برطرف کردن فاصله‌های طبقاتی و محرومیت در جامعه تکیه شـده‌است و ایـن هـمان جانب‌داری از محرومان است که در اظهارات منتسب به آقای حسینی به آن اشاره شـده‌است. مفتی‌زاده در مورد این پرسش که آیا مفاد این کنفرانس با مواد قطع‌نامه ۸ ماده‌ای سیدعزالدین حسینی که قبلاً مطرح کرده‌بود، یکسان است؟ پاسخ داد: «قاطعانه می‌گویم من در ملاقات‌های مکرر با مسئولان امور مطرح کرده‌ام و موافقتی که در سطح عالی نیز تأمین شده، برای ملت کرد به مراتب مهمتر از مفاد قطع‌نامه ۸ ماده‌ای است.»

وی دربارهٔ شایعاتی در این خصوص که کنفرانس سنندج توطئه‌ای علیه خلق کرد است و نیز پولی از طرف دولت در اختیار شما قرار گرفته که بین مردم توزیع شود، گفت: «کنفرانس مطلقاً جنبه مادی ندارد.»

در خصوص شرکت نکردن عزالدین حسینی نیز گفت: «شخصاً طی تلگرامی از ایشان برای شرکت در کنفرانس دعوت کردم اما ایشان اظهار داشتند که به هیچ وجه به سنندج نخواهد آمد.»

در مورد شرکت حزب دمکرات کـردستان در کـنفرانس سـنندج، گـفت: «حـزب دمـکرات کردستان در میان همه احزاب و گروه‌های سیاسی فعال کردستان در پی‌گیری خواست‌های مردم سابقه‌ای طولانی دارد و تصور می‌کنم همراه با سایر گروه‌های سیاسی درکنفرانس شرکت خواهد کرد و دکتر قاسملو از دعوت من استقبال کرد.»

دربارهٔ نیروهای غیرمذهبی فعال در حزب دمکرات کردستان، چنین اظهار نظر کرد: حزب دمکرات کردستان وارث حزبی است که تقریباً در سال ۱۳۲۰ به نام کومله دمکرات کـردستان تأسیس شد. جهان‌بینی و اهداف این حزب اسلامی بود و در رابطه با احقاق حقوق غصب‌شده کردها تلاش می‌کرد. پس از شکست جمهوری خودمختار کردستان و تحولاتی چند، این حزب توسط آقای دکتر عبدالحسین قاسملو شکل تازه‌ای یافت به طوری که در مقایسه مرام‌نامه کنونی حزب با مرام‌نامه اصلی کمی انحراف مشاهده می‌شود... اضافهٔ بر این حزب، احزاب و گروه‌های

دیگری نیز در کردستان فعالیت دارند که همگی مارکسیستی هستند ولی حزب دمکرات کردستان بیش از بقیه آن گروه‌ها در کردستان نفوذ و اعتبار دارد، دلیلش این است که در مرام‌نامه حزب تأمین تمامی خواست‌های ملت کرد پیش‌بینی شده‌است. بقیه احزاب و گروه‌ها در این استان موفقیت چندانی نخواهند داشت.»

مفتی‌زاده در مورد شایعه فعالیت "قیاده موقت" در کردستان با همکاری سیا، ساواک و موساد گفت: «دلیلی برای صحت این شایعات ندیده‌ام. درکردستان در ایام تحصنی که در رابطه با نارضایی مردم از انتخابات شورای شهر صورت گرفته بود، مسلمان‌ها مرکز رادیو تلویزیون و اداره پلیس‌راه را که در تصرف چپی‌ها بود از دست آنها بیرون آوردند، همان روزها اعلامیه‌های متعددی منتشر کردند که افراد قیاده موقت رادیو تلویزیون و پلیس‌راه را به زور تصرف کرده‌اند، در حالی که این افراد از سرشناس‌ترین مردم سنندج بودند. اگر تمام حرف‌هایی که در مورد قیاده موقت گفته می‌شود مانند همان اعلامیه‌ها باشد، یقین دارم هیچ کدام واقعیت ندارد.»

وی دربارهٔ قدرت اجرایی دولت موقت گفت: متأسفانه باید عرض کنم که در حال حاضر هیچ دستگاهی را در کشور انقلابی نمی‌بینم؛ نه شورای ما انقلابی است، نه هیئت روحانیت و نه دولت. تنها چیزی که اذعان می‌کنم و مجبورم اقرار کنم این است که در رأس دستگاه رهـبری، امام‌خمینی انسانی است انقلابی با فهمی کاملاً اسلامی و هستند افراد دیگری که دارای چـنین خصالی هستند ولی متأسفانه به دلیل زودرس بودن انقلاب، چهره‌های انقلابی کافی برای اداره کشور پرورش نیافته‌اند و در دستگاه رهبری، افراد انقلابی بسیار کم هستند. من درک کرده‌ام که رهبری انقلاب از جهات مختلف در فشار است و این فشارها به دلیل نبودن خصایل انقلابی در دستگاه‌ها و هیئت‌های رهبری است.(۵)

۳۷۲
گروه مائوئیستی "سازمان انقلابی - بخش کردستان" با انتشار اطلاعیه‌ای با حمله شدید به قیاده موقت خواستار اخراج آنان از منطقه شد. در اطلاعیه مزبور چنین آمده است:

«مرگ بر قیاده موقت عامل امپریالیسم و صهیونیسم. همشهریان مبارز سنندج! اخیراً بـر دیوارهای شهر سنندج شعارهایی دربارهٔ پشتیبانی و به نفع "قیاده موقت" به چشم می‌خورد. ما معتقدیم که نیروهای مبارز و استقلال‌طلب ماهیت این نوکران امپریالیسم و صهیونیسم را بـه خوبی می‌شناسند. هیچ کرد وطن‌پرستی خیانت‌های ننگین ملامصطفی بارزانی را از یاد نخواهد برد. همه می‌دانند که این دار و دسته چطور به عنوان وسیله‌ای در دست سازمان سیا، موساد و ساواک برای سرکوب مبارزین کرد قرار داشتند. همه می‌دانند که اینها قاتل انقلابیون بی‌شماری از خلق کرد و سایر خلق‌های منطقه هستند. همه می‌دانند که این نوکران جیره‌خوار قاتل رفیق ما بشیر خسروی از اعضای سازمان انقلابی می‌باشند. تاریخچه ننگین این دار و دسته بسیار روشن است و تمام مردم زحمت‌کش شهر و روستای ملیت کرد از این خائنین نفرتی عمیق دارند و هیچ نیروی خلقی تحت هیچ نامی نمی‌تواند این همه خیانت را نادیده بگیرد. ما معتقدیم که خلق‌های

عنوان اعضای رسمی در جنبش کشورهای غیرمتعهد تصویب کرد.[۱۱] به این ترتیب جمهوری‌اسلامی ایران به عضویت جنبش عدم‌تعهد پذیرفته شد و در اجلاس آتی جنبش هاوانا شرکت خواهد کرد.

۳۷۷
محمدالجاسم سفیر تازه کویت در ایران در مصاحبه‌ای با روزنامه القبس گفت: دولت متبوع وی در اوضاع ایران دخالتی نکرده و در آینده هم این کار را نخواهد کرد. به گزارش یونایتدپرس، سفیر تازه کویت در ایران به این اتهام اشاره می‌کرد که عراق و کویت حوادث اخیر خوزستان را تشویق و ترغیب می‌کنند. وی گفت: کویت انقلاب ایران را یک تجربه پیشگام تلقی می‌کند و معتقد به این اصل است که این انقلاب به تحکیم روابط دو کشور کمک خواهد کرد.[۱۲]

۳۷۸
خبرگزاری تاس، امریکا را متهم به افزایش حضور نظامی خود در اقیانوس هند کرد و گفت: امریکا پس از قطع مذاکرات خود با شوروی پیرامون فعالیت در این منطقه در فوریه سال ۱۹۷۸، اینک حضور نظامی خود را در اقیانوس هند افزایش داده است. خبرگزاری مذکور افزود: بعضی از محافل واشنگتن نه خواستار مذاکره و نه خواستار عقد پیمان‌هایی هستند که امکانات آنها را به تهدید امنیت کشورهای ثالث و قبل از همه امنیت اتحاد جماهیر شوروی از طریق اقیانوس هند محدود خواهد ساخت.[۱۳]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۱۹

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۱، ص۱.
۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۱، ص۲.
۳ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۹، ص۸.
۴ ـ روزنامه مردم ایران (ارگان جاما)، ۱۳۵۸/۳/۱۹، ص‌ص ۱ و ۶.
۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۹، ص‌ص ۳ تا ۵.
۶ ـ سند شماره ۲۰۹۹۳۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اطلاعیه سازمان انقلابی ـ بخش کردستان، ۱۳۵۸/۳/۱۹.
۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص۳.
۸ ـ مأخذ شماره ۷، ص۳.
۹ ـ سند شماره ۱۰۳۳۶۴۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام رئیس شهربانی کل کشور به وزارت کشور به شماره ۲۳ـ۳ـ۵۵ـ۲ / ۵۸/۳/۱۹
۱۰ ـ مأخذ شماره ۷، ص۱۲.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۵، ص۸، خبرگزاری فرانسه.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۵، ص۸، یونایتدپرس.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۳، ص۸، خبرگزاری تاس.

روزشمار

یکشنبه

۲۰ خرداد ۱۳۵۸

۱۵ رجب ۱۳۹۹

۱۰ ژوئن ۱۹۷۹

۳۷۹
علی‌رغم امضای توافق‌نامه مدنی ـ شبیرخاقانی و پایان تحصن مسجد امام‌صادق(ع)، حادثه‌ای رخ داد که خودبه‌خود اقدامی در مخالفت با وضع موجود و به معنای اعلام مخالفت با روند مسالمت‌آمیز جاری تلقی گردید. خبر این بود: گروهی ناشناس قسمتی از خط آهن خرمشهر ـ اهواز را در ۱۶ کیلومتری خرمشهر منفجر نمودند. روزنامه اطلاعات در این باره نوشت: این اولین خرابکاری است که در طول ۱۰ روز اخیر در خطوط راه‌آهن خرمشهر انجام گردیده است.[۱]

۳۸۰
کنفرانس بررسی طرح مسئله خودمختاری کردستان کار خود را در سنندج آغاز کرد. به گزارش مطبوعات، در این کنفرانس که به دعوت علامه احمد مفتی‌زاده تشکیل گردید، بیش از ۱۵۰۰ نفر نماینده از شهرستان‌های مختلف کردنشین در استان‌های کردستان، کرمانشاهان و آذربایجان‌غربی و نمایندگان انجمن‌های سیاسی و اسلامی و احزاب در آن شرکت کردند. در نخستین جلسهٔ این کنفرانس ابتدا علامه احمد مفتی‌زاده طی سخنان مشروحی گفت: «مسئولان کشوری برای تأمین خواست خلق کرد به طرحی نیاز داشتند که تهیه آن جز با همکاری ملت کرد مقدور نبود. تنها راه معقول برای دست یازیدن به چنین طرحی دعوت از نمایندگان اقشار خلق کرد بود تا در یک گردهمایی به حل معضلات موجود و تهیه طرح خودمختاری نایل آید. به رغم انتظار ما، متأسفانه عده‌ای از برادران کرد که می‌توانستند در این جهت یاری‌مان دهند، به ما نپیوستند و این شگفت‌انگیز نیست، زیرا که تاکنون تمام افراد کرد نتوانسته‌اند در یک جا گرد آیند و اتخاذ تصمیم مشترک کنند.»

وی سپس گفت: «هدف، تبلیغ مکتب یا ایدئولوژی خاصی نیست، بلکه بحث بر سر تأمین خواسته‌های خلق کرد بود.» وی آنگاه گفت که با مطالعهٔ سه نوع خودمختاری مختلف به این نتیجه رسیده است که خودمختاری اسلامی برتری ویژه‌ای دارد، زیرا انتقال قدرت در

وضع سابق، در صورتی‌که ما می‌خواهیم ارتش، یک ارتش ملی باشد، نه در کنار مردم. البته ممکن است که در یک وقت مخصوصی یا با یک امور بخصوصی ارتباط ارتش صلاح نباشد که آن را در موقعش می‌گویند، اما این به‌طور کلی که حتی مساجد هم نتوانند بروند، در احزاب هم نتوانند وارد بشوند و در کارهای دیگر هم نباشند، این هم به‌نظر ما هم صحیح نیست و هم خودشان برای من نامه نوشته‌اند، رؤسای ارتش برای من نامه نوشته‌اند و خیلی شکایت و داد و بیداد کرده‌اند و حتی مطالبه جواب هم کرده‌اند. البته خواهند گفت که ارتش انضباطی لازم دارد. البته انضباط باید محفوظ باشد ولی ارتشی محروم هم نباید باشد، این به معنای محرومیت است. خلاصه این‌که ارتش نباید در حاشیه و کنار مردم باشد بلکه باید با مردم و در متن مردم باشد.[۸]

۳۸۴
قرارگاه سیا در تهران در تلفنگرامی به رئیس سیا در واشنگتن با طبقه‌بندی سری، آخرین اقدامات انجام شده در ارتباط با آیت‌الله شریعتمداری را گزارش کرد. بخش‌های اصلی این گزارش به شرح زیر است:

۱ ـ مطابق قرار قبلی در تاریخ ۱۹ خرداد با اس.دی.جانوس / ۱۳ (نام اصلی، سرتیپ یا سرلشکر فرزیان)[۹] تماس تلفنی حاصل شد. گلگروف توضیح داد که ما حاضر نیستیم به شریعتمداری برای پشتیبانی از او تضمین بدهیم. موضع ما این است که ابتدا باید اطلاعات بیشتری دربارهٔ اوضاع ایران و نیروهای در صحنه به‌دست آورد. و افزود که چون شریعتمداری می‌خواهد این‌قدر زود بداند که آیا ما حاضریم برای او پول فراهم کنیم، رؤسای گلگروف ناچار بودند که قاطعانه پاسخ منفی دهند. وارد شدن در این عملیات، تنها موقعی ممکن است که طرح‌ریزی دقیق به عمل آمده و دربارهٔ هدف‌ها توافق کامل حاصل شده باشد.

۲ ـ ج / ۱۳ گفت: این پیام را توسط مرتضی موسوی به شریعتمداری خواهد رساند. او گفت: اهداف شریعتمداری در این مورد کاملاً روشن است و نیازی به صرف وقت بیشتری برای درک آنها وجود ندارد؛ هدف شروع سازمان‌دهی جدی است. گلگروف پرسید: سازمان‌دهی برای چه؟ اگر انتخاباتی قرار است صورت بگیرد، بدون شک نیاز (به سازمان‌دهی) خواهد بود، اما حالا چه کسی می‌تواند بگوید که انتخاباتی در کار خواهد بود؟ ج / ۱۳ گفت: ما باید درک کنیم که چون شریعتمداری یک چهرهٔ برجستهٔ مذهبی است از طرف مراجعه مردم برای راهنمایی و کمک قرار دارد. شریعتمداری برای به‌دست آوردن پیروان بیشتر نیاز به پول دارد (از این لحاظ که موقعیت و اهمیت مراجع شیعه بستگی به تعداد پیروان آنها دارد). شریعتمداری ... وجوهات را بین افراد محترم تقسیم خواهد کرد و بدین‌وسیله وفاداری آنها را به‌دست خواهد آورد... این وجوهات همچنین برای تأمین مخارج اضافی حزب استفاده خواهد شد. ج/۱۳ بار دیگر تأکید کرد که شریعتمداری می‌خواهد هرچه زودتر در آذربایجان و سایر شهرستان‌ها شروع کند. ج/۱۳ گفت: شریعتمداری... فکر نمی‌کند الآن زمان به نفع او باشد. ج / ۱۳ گلگروف را به‌خاطر ... او به

نظر خود، در مصرف نهایی هر دلار سرزنش کرد. ج / ۱۳ گفت ... باید پی ببرد (یا ببریم ـ م) که بسیار به نفع ماست که شریعتمداری به‌قدر کافی احساس ...کند تا با نظریاتی به میدان بیاید که خمینی را به مبارزه بطلبد. [نقطه چین‌ها، جا افتادگی ناشی از انهدام اسناد است.]

۳ ـ ج/۱۳ دربارهٔ تمایل ما برای در جریان نگه‌داشتن شریعتمداری از حقیقت اوضاعی که در مناسبات ایران و امریکا تأثیر دارند (پاراگراف ۷ تلگراف مرجع) سؤال کرد. گلگروف گفت که "ما از اطلاع دادن خبرها به شریعتمداری خوشحال خواهیم شد ولی با این‌حال هنوز خیلی مانده تا کم و کیف کار مشخص شود." در جریان ارائه خلاصه‌ای از اوضاع از نظر ما، گلگروف این امکان را مطرح کرد که دولت ایران شاید جداً علاقه‌مند باشد روابط دیپلماتیک را قطع کند. بسیار ضروری است که بهانه‌ای برای این‌کار، مثل اتهام دست داشتن با شریعتمداری، به آنها داده نشود. ج / ۱۳ گفت که این پیام را خواهد رساند.

۴ ـ برای آن‌که کانال ج/ ۱۳ به شریعتمداری را مدتی بیشتر فعال نگاه داریم، به ج /۱۳ گفتیم که سؤالاتی درباره اوضاع سیاسی محلی برای او خواهیم داشت که به مرتضی موسوی و شریعتمداری برساند. گلگروف به ج/۱۳ گفت که ما هنوز منتظر نظریات ستاد هستیم. قرار شده که تماس تلفنی بعدی با ج/۱۳ در ۲۶ خرداد صورت پذیرد که در طی آن، سؤالات بیشتری را رد خواهیم کرد.[۱۰]

۳۸۵
علی آگاه کاردار سفارت ایران در واشنگتن با اشاره به تیرگی روابط ایران و امریکا، در مورد نحوه رفع این تیرگی گفت: «هرگونه تحولی در این روابط به سوی بهبودی، به‌طور کلی منوط است به این‌که امریکا سعی کند در التیام بخشیدن روابط در منطقه خلیج‌فارس به ما کمک کند.» وی خاطرنشان کرد که مایل است با مردم امریکا روابط بهتری برقرار کند اگرچه مناسبات بین دو کشور خدشه‌دار شده است. آگاه گفت: ما می‌خواهیم سوسیالیزه بشویم. ما هرچه بیشتر به سوسیالیسم ـ روی خواهیم آورد، ما ایران تازه‌ای را خواهیم شناساند.[۱۱]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲۰

۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص۱.
۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۱، ص۳.
۳ ـ مأخذ شماره ۲، ص۸.
۴ ـ مأخذ شماره ۲، ص۳.
۵ ـ سند شماره ۰۰۰۰۱۱ ـ ۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامه استاندار کردستان به وزارت کشور به شماره ۴۲۷/م / ۵۸/۳/۲۰.
۶ ـ سند شماره ۰۲۱۳۰۰ ـ ۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام استاندار کردستان به وزیر کشور به شماره ۴۱۷/م / ۵۸/۳/۲۰.
۷ ـ سند شماره ۰۳۳۶۴۵ ـ ۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور به شماره ۵۰۱/۰۳/۱۹/۱۴ / ۵۸/۳/۲۰.
۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۱.
۹ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۵۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص۱۴.
۱۰ ـ پیشین، ص‌ص ۸۱ ـ ۷۹.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۲.

۲۴ ـ در جریان جنگ داخلی لبنان مزدوران بعث سعی داشتند امام‌موسی صدر را ترور کنند ولی توطئه آنها خنثی گردید.

۲۵ ـ در جریان جنگ سرد میان عراق و سوریه، ۳۶ شخصیت سیاسی سوری را ترور نمود.

۲۶ ـ ترور یکی از اعضای شورای فرماندهی انقلاب الجزایر به‌نام عبدالکریم عاشور.

۲۷ ـ شروع همکاری صمیمانه با ساواک در مسائل امنیت داخلی و سرکوبی جنبش‌های اسلامی و انقلابی درکشور و تعقیب رهبران فلسطینی در جهان.

۲۸ ـ محکوم کردن سیدباقر حکیم فرزند آیت‌الله سیدمحسن حکیم به ۱۰ سال زندان و محکوم کردن ۱۰ نفر از رهبران مذهبی داخلی عراق.

سال ۱۳۵۶ / ۱۹۷۷

۲۹ ـ ترور سه نفر از رهبران فلسطینی: ۱ ـ سعید حمامی در لندن ۲ ـ علی یاسین در کویت ۳ ـ عزالدین قلق در پاریس.

۳۰ ـ کشتن صالح مهدی عماش بر اثر اختلافات وسیع در میان کادر رهبری حزب.

۳۱ ـ ترور عبدالرزاق النایف (اولین نخست‌وزیر رژیم بعث) در لندن.

سال ۱۳۵۷ / ۱۹۷۸

۳۲ ـ شرکت فعالانه در ترور حجت‌الاسلام آقای سیدمصطفی خمینی در نجف اشرف.

۳۳ ـ کوشش‌های مذبوحانه برای ترور شخصیت‌های کرد عراق، برای خنثی کردن مبارزات آنها.

۳۴ ـ کوشش مذبوحانه برای ترور نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در سودان.

۳۵ ـ صدور حکم اعدام به‌طور سری برای امام‌خمینی و طرح ترور ایشان و سپس نسبت دادن آن به دستگاه‌های جاسوسی خارجی.

۳۶ ـ مشارکت فعال در توطئه مخفی شدن امام موسی صدر که هدفش ادامه دادن توطئه‌های صهیونیستی در منطقه و خصوصاً در جنوب لبنان بود.

۳۷ ـ مشارکت فعال با ساواک ایران در توطئه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان که قربانی آن حدود ۷۰۰ نفر بود تا جنبش انقلابی‌اسلامی را لکه‌دار کند و نام بردن از شخصی به‌نام عبدالرضا عاشور.

۳۸ ـ همکاری با رژیم شاه و ایجاد محدودیت‌هایی برای امام‌خمینی در نجف و سپس تبعید ایشان از عراق.

سال ۱۳۵۸ / ۱۹۷۹

۳۹ ـ اعدام دوازده افسر عالی‌رتبه نیروی‌هوایی عراق بعد از پیروزی انقلاب‌اسلامی ایران.

۴۰ ـ در پرونده‌های سفارت اسرائیل در تهران کشف شد که ۱۶۰ نفر از مأموران عراقی با موساد اسرائیل همکاری می‌کنند.

۴۱ ـ طرح توطئه و جنگ داخلی و آشوب در سنندج و نقده به نفع استعمار و امپریالیسم.

۴۲ ـ دخالت مستقیم در برانگیختن آشوب‌های خونین در خوزستان و به‌ویژه در خرمشهر.

سازمان امت اسلامی از همه ملت مسلمان ایران و همه گروه‌های سیاسی می‌خواهد که رژیم بعث عراق را بهتر شناسایی کرده و از ملت مسلمان به‌پاخاسته عراق حمایت کند تا رژیم پوشالی او هرچه زودتر سرنگون شود.[۱۰]

۳۹۴

سفارت امریکا در کویت در نامه‌ای به وزارت امورخارجه کشور خود با طبقه‌بندی خیلی‌محرمانه و با موضوع "روابط ایران و عراق و روابط ایران و کویت" به بررسی مناسبات کشورهای مذکور پرداخته است. در این گزارش آمده است: در تاریخ ۱۰ ژوئن در گفت‌وگو با مشاور حقوقی وزارت خارجه کویت طارق رازوقی، مقام سیاسی سفارت در مورد روابط ایران با کشورهای همجوار عربی و این که عراق در حال ایجاد آشوب در خوزستان است سؤال نمود. با گفتن این مطلب که حکومت عراق یک حکومت غیرمذهبی و تحت تسلط اقلیت سنی است رازوقی گفت رهبریت عراق فکر می‌کند که "حکومت شیعی ایران" ممکن است در میان شیعیان عراق آشوب و اغتشاش به‌پا سازد. و درگیری‌های عراق در خوزستان را نیز چندان جدی نگرفته است.

رازوقی گزارش داد که کاردار ایران گل‌شریفی هفته گذشته به وزیر امورخارجه کویت صباح‌الاحمد و دیگر مقامات وزارت خارجه در مورد حمایت کویت از اعراب خوزستان طبق گزارش مطبوعات، شکایت کرد. گل‌شریفی به‌خصوص نگرانی خود را در مورد استفاده از کلمه "عربستان" در کویت ابراز داشته است و این کلمه حتی در رادیوی کویت نیز به‌کار رفته بود.

وزیر امورخارجه و دیگر مقامات گفتند که مداخله در خوزستان را مغایر با سیاست عدم‌مداخله در امور دیگر کشورها می‌دانند. زمانی‌که سؤال شد که دلیل این شکایت چه بوده است، رازوقی گفت: از گل‌شریفی خواسته شده‌بود که به وزارت خارجه آمده، در مورد اتهامات مدنی استاندار خوزستان که گفته بود "دولت کویت به تحریک و اغتشاش در ایران پرداخته است"، پاسخ گوید. گل‌شریفی گفته بود که احتمالاً استفاده از کلمهٔ "عربستان" در مطبوعات کویت دلیل اصلی بیانیه استاندار بوده است و طرف صحبت کویتی گفته بود که مطبوعات منعکس‌سازنده نظریات دولت نمی‌باشند.

علاوه‌براین، وزیر امورخارجه قول داد که به این داستان‌های مشکل‌برانگیز خاتمه داده و تکرار کلمه اعتراض‌آمیز "عربستان" را نیز مانع شود. با مطلع شدن از حال غیرخصمانه کویت در این باره و نیز بیانیه دوستانه‌ای که اخیراً توسط شیخ صباح الاحمد درباره ایران منتشر شده بود، مقام سیاسی پرسید که آیا کویت در نظر دارد از عراق بخواهد که دست از اعمال خود در خوزستان بردارد یا خیر؟ رازوقی در پاسخ گفت: بعید به نظر می‌رسد.[۱۱]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲۱

۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۲، ص۳.

۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.

۳ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۱، ص۳.

۴ ـ مأخذ شماره ۳، ص۸.

۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۱، ص۵.

۶ ـ سند شماره ۰۰۰۰۱۳ ـ ۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام گروهان ژاندارمری مریوان به وزارت کشور.

۷ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۲، ص۳.

۸ ـ مأخذ شماره ۷، ص۲.

۹ ـ مأخذ شماره ۳، ص‌ص ۱ و ۲.

۱۰ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص۸.

۱۱ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد۴ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۱۱ تا ۱۲.

روزشمار

سه‌شنبه

۲۲ خرداد ۱۳۵۸

۱۷ رجب ۱۳۹۹

۱۲ ژوئن ۱۹۷۹

۳۹۵

مدنی استاندار خوزستان و فرمانده نیروی دریایی در دیدار با عشایر عرب این استان اعلام کرد که تقسیم عادلانه اراضی در خوزستان صورت می‌گیرد. وی در این باره گفت: «در خوزستان در اراضی تقسیم‌شده تجدیدنظر به عمل خواهد آمد. این تجدیدنظر، شرکت‌های کشت و صنعت و شرکت‌های سهامی زراعی را شامل خواهد شد و به‌خصوص از اجرای آن، کسانی برخوردار می‌شوند که اراضی آنها در رژیم گذشته غیرعادلانه گرفته شده است.» وی این مطلب را شب گذشته در ملاقاتی با نمایندگان عشایر طایفه‌های سعدی، آل‌کثیر و بنی‌کعب که در اطراف شهرستان‌های شوشتر و دزفول اسکان دارند اعلام کرد.

در این ملاقات که به منظور تجدید همبستگی عشایر با جمهوری‌اسلامی صورت گرفت، استاندار خوزستان گفت: «در جمهوری اسلامی به‌طور عادلانه کار خواهد شد و سعی بر این است که ستم‌های گذشته نیز که به عده‌ای شده است جبران شود و از برنامه‌ها، توده مردم نصیب داشته باشند.» تیمسار مدنی افزود: «با برنامه دولت در این استان، امیدواریم کشاورزی منطقه به‌طور عادلانه گسترش پیدا کند و زمین از دست زمین‌خواران بزرگ در طول زمان خارج شود.»

مدنی در قسمتی دیگر از سخنانش گفت: «امر به معروف و نهی از منکر از وظایف ماست، پس شما اگر می‌بینید کسانی در خدمت انقلاب نیستند، آنها را پیدا کنید و توجه داشته باشید تنها وفاداری خودمان به جمهوری اسلامی کافی نیست، بلکه آگاهی دادن به دیگران نیز ضروری است؛ مثلاً اگر دیدید کسی اسلحه قاچاق وارد می‌کند، او را از این کار منع کنید و در صورت لزوم وی را معرفی نمایید و این یک مسئولیت شرعی است و اجتماعی.»

تیمسار مدنی در مورد خلع‌سلاح گفت: «پاسداران از این امر مستثنی هستند و هر کس مؤمن به انقلاب باشد، بدون شک پاسدار آن نیز خواهد بود.»

در این‌جا چند تن از نمایندگان عشایر با اعلام پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران، گفتند: «هر موقع و در هر زمان که دولت اعلام کند ما بدون درنگ سلاح‌های خود را تسلیم خواهیم کرد،

…ون ما به‌عنوان پاسدار انقلاب در خدمت انقلاب خواهیم بود. ما اسلحه را به امر امام برای قلاب خریداری کردیم و اکنون نیز آماده تحویل آن هستیم.»

این عشایر همچنین اعلام کردند: «ما به جز ایران و به جز جمهوری اسلامی ایران به چیز یگری فکر نمی‌کنیم و دین و کشورمان را به چیز دیگری نمی‌فروشیم.» در پایان این ملاقات یازمندی‌های عشایر این مناطق مورد بررسی قرار گرفت.(۱)

۳۹۶

پنجمین و ششمین دور مذاکرات کنفرانس خودمختاری کردستان در سنندج امروز برگزار شد. به گزارش مطبوعات اولین سخنران عبدالکریم رسول‌آبادی از پاوه بود که با توصیه به عدم پراکندگی مفتی‌زاده و شیخ عزالدین و مسائل خودمختاری، افزود: ما خواهان شرکت کردها در کابینه دولت هستیم و انتظار داریم مذهب تسنن رسمیت یابد.

محمدشهید پیرخفران از بخش "کوماسی" اورامانات دربارهٔ وحدت صحبت کرد. سپس عبدالکریم کریمی از "بوکان" با اشاره به این‌که مسئله خودمختاری کردستان در سایه جمهوری‌اسلامی باید تحقق یابد، افزود: انتظار دارم نتایج این کنفرانس به دولت ابلاغ شود و در قانون‌اساسی مذهب رسمی اسلام باشد و لاغیر.

بهاءالدین ربانی حقوق‌دان و وکیل دادگستری طی سخنانی گفت: طرح خودمختاری آقای مفتی‌زاده، کامل‌ترین طرح پیشنهادی است.

یوسف اردلان عضو شورای شهر سنندج در ادامهٔ کنفرانس طی سخنان مبسوطی گفت: می‌بایست از شورا برای شرکت در کنفرانس رسماً دعوت به‌عمل می‌آمد. ما به‌عنوان شورای شهر نیامدیم بلکه به مثابه عضوی از این شورا به کنفرانس آمده‌ایم و به میهمانی ناخوانده می‌مانیم. وی افزود: خودمختاری بدون این‌که رنجبران بتوانند از امکانات فرهنگی و رفاهی بهره‌مند شوند بی‌فایده است. مسئله زبان مطرح است. بعضی‌ها نوکری دستگاه را قبول کردند و خلق کرد را فروختند تا خود حاکم بر ملت خود باشند؛ مثلاً همان بلایی که ملا مصطفی بارزانی ... [اعتراض جمعیت] طبیعی است که شما با این حرف من مخالفت می‌کنید ولی این نظر شخص من است نه شورای شهر. اردلان افزود: خودمختاری فقط استقلال اقتصادی و فرهنگی نیست و ما آن نوع خودمختاری را که امریکا، اسرائیل و ساواک می‌دهد نمی‌خواهیم.

سپس مفتی‌زاده در پاسخ به یکی از شرکت‌کنندگان کنفرانس که گفته بود به حزب دمکرات توهین شده است گفت: حزب دمکرات از جمله احزابی است که هدف ملی و مردمی دارد و حرکتش در جهت احقاق حقوق کردهاست و با گروه‌های کوچک و بزرگی که چپ‌روی می‌کنند به‌هیچ وجه قابل مقایسه نیست.

آن‌گاه دکتر سیدالشهدایی به‌عنوان نماینده گروهی از مردم سنندج به بیان طرح خودمختاری پرداخت و در بخشی از سخنان خود گفت: «به‌نظر شما عامل شکست بارزانی چه بود؟ مخالفینش همان کاری راکردند که او کرد. یک روز بارزانی به بعث پناهنده می‌شد و روز دیگر

جلال طالبانی. ننگ است اگر رهبری شکست خورد پیروانش او را ترک کنند. زندگی بارزانی روشن است و در این‌که چند سال از عمر خود را در آغوش ساواک سپری کرد شکی نیست، اما برادران من منطقی و بی‌غرض تجزیه و تحلیل کنند؛ کاری که او کرد آیا طرف مقابلش هم نکرد؟»

آخرین سخنران این کنفرانس عبدالکریم سردوشی از مریوان بود که در مورد چگونگی خودمختاری و جنبه‌های مختلف آن سخن گفت.

ملاشیخ عبدالله سوری از بخش "شوش"، ملاشریف جوانبخت از "دشتسال" و ملاسید محمدجلال حسینی از بخش "پهلویدژ" از توابع شهرستان بانه که در کنفرانس سنندج شرکت کردند، این خبر را که همه روحانیان بانه کنفرانس را تحریم کرده‌اند، تکذیب و اعلام کردند که امضاءکنندگان تحریم‌نامه به‌جز یک یا دو نفر، عضو شورای روحانیون منطقه بانه نیستند و اساساً این شورا منحل است و قادر به انجام وظیفه نمی‌باشد.(۲)

سرانجام پس از ساعت‌ها بحث و مذاکره و سخنرانی، طرح تصویبی اولین کنفرانس هماهنگی کردستان دربارهٔ خودمختاری، در ۱۵ ماده اعلام شد تا به نظرخواهی سایر گروه‌ها نیز گذاشته شود.(۳) در مقدمه قطع‌نامه کنفرانس آمده‌است:

«نتیجه کلی ده‌ها طرح و پیشنهاد شفاهی و کتبی مطرح‌شده در مدت برگزاری اجتماعات و با توجه به همهٔ طرح‌ها و قطع‌نامه‌های گذشته، و خلاصه صدها ماده و تبصره بزرگ و کوچک، در این قطع‌نامه به‌عنوان دستورکار و خطوط اصلی اهداف ملت کرد و محصول تلاش کنفرانس خلاصه می‌شود و به‌تصویب شفاهی هزاران نفر شرکت‌کننده و امضای نمایندگان منتخب آنان می‌رسد، و سپس چند نفر مورد اعتماد مردم از نقاط مختلف کردستان به‌عنوان نمایندگان صادق انتخاب می‌شوند تا طرح تفصیلی و فنی خودمختاری کردستان در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران را با همکاری و مشورت کارشناسان رشته‌های گوناگون تهیه و برای تحقق آن و سایر اهداف مهم مردم کردستان، وارد اقدام شوند. این طرح می‌تواند نمونه و الگویی برای دیگر ملت‌های ایران باشد.»

مهمترین مواد این قطع‌نامه، مواد ۲، ۵، ۱۰، ۱۳ و ۱۴ آن بود که متن کامل آنها به قرار زیر است:

ماده ۲ ـ اقلیت مذهبی برابر قوانین اسلام برای دیانت‌های غیراسلامی اطلاق می‌شود، اما تسنن و تشیع دو شاخه از اسلامند که در بین آن دو تعبیر اقلیت و اکثریت ما صدق اسلامی ندارد، بنابراین هر دو مذهب در کنار هم در کار تدوین قانون‌اساسی و وضع قوانین مختلف مملکتی و در اداره امور کشور بدون امتیاز فعالیت خواهند داشت.

ماده ۵ ـ چون حکومت در اسلام عبارت است از شورا یا قوهٔ مقننه، طریقه معقول تأمین خودمختاری برای ملت‌های مسلمان ایرانی، به‌وجود آمدن شوراهای خودمختار است که هر یک از این شوراها در هر نقطه قوه مجریه (دولت)، قوه قضائیه و قوه مالیه را جدا از هم تأسیس خواهد کرد و سپس نمایندگان این شوراها به نسبتی معقول (به نسبت اهلیت یا جمعیت)،

در نجف را عاری از حقیقت دانست و گفت چنانچه این اتهام غلط از طرف دولت ایران وارد آید، در واقع مداخله عمده در امور داخلی عراق محسوب‌شده و ما می‌دانیم که چگونه عکس‌العمل نشان دهیم.[۲۳]



احمد حسن البکر
رئیس جمهور عراق

۴۰۷
رویتر گزارش داد: انتظار می‌رود حافظ اسد رئیس‌جمهوری سوریه و احمد حسن البکر رئیس‌جمهوری عراق روز شنبه (۵۸/۳/۲۶) به منظور مذاکره پیرامون تصویب فرمول قانون‌اساسی برای طرح اتحاد دو کشور، در بغداد ملاقات نمایند. کمیته عالی متشکل از رهبران دو کشور و مشاوران آنها در پی آشتی دو کشور که توسط احزاب رقیب بعث سوسیالیست اداره می‌شود، اواخر سال گذشته به‌وجود آمد. آشتی بین دو کشور تقریباً یک هفته قبل از تشکیل کنفرانس سران عرب در نوامبر گذشته در بغداد و نیز در پی اقدامات صلح خاورمیانه توسط انور سادات پیش آمد. بنابر شایعات، پس از مذاکرات روز شنبه که عبدالحلیم خدام معاون نخست‌وزیر سوریه و صدام حسین معاون فرماندهی انقلاب عراق نیز حضور دارند، اعلامیه‌ای مبنی بر گام مهم اتحاد دو کشور انتشار خواهد یافت. روزنامه الرأی در امان نوشت که پس از دیدار روز شنبه احتمالاً تشکیل یک دولت کوچک مرکزی متشکل از وزرای دفاع، خارجه و اطلاعات اعلام خواهد شد.[۲۴]

۴۰۸
وزارت‌خارجه امریکا اعلام کرد که امریکا و عربستان‌سعودی در مورد مذاکرات صلح خاورمیانه اختلافاتی دارند اما روابط استوار و دوجانبه خود را حفظ خواهند کرد. هودینگ کارتر گفت: "ما به کار مشترک خود با عربستان برای ساختن یک پایگاه استوار و قوی ادامه خواهیم داد. این چیزی [است] که ما می‌خواهیم و عربستان نیز همین را می‌خواهد." به گزارش آسوشیتدپرس، در بیانیه‌ای که در واشنگتن‌پست انتشار یافت، آمده است که امریکا فشار خود را بر عربستان برای حمایت از پیمان صلح مصر و اسرائیل متوقف ساخته و به‌جای آن به تلاش برای بهبود روابط خود با عربستان پرداخته است.[۲۵] در این حال بنابه گزارش یونایتدپرس، سخنگوی وزارت امورخارجه امریکا گفته است: امریکا و عربستان‌سعودی دارای آن چنان هدف‌های مشترک هستند که برتر از اختلاف‌های آنها بر سر پیمان صلح مصر و اسرائیل است. با رهبران عربستان سعودی آشکارا درباره این پیمان سخن گفته‌ایم و غالباً بین ما سری وجود نداشته است که مانع عدم‌تفاهم بشود.[۲۶]

منابع ومآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲۲

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص ۳
۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص ۳
۳ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۴، ص ۳.
۴ ـ سند شماره ۲۰۹۹۳۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، متن قطع‌نامه کنفرانس خودمختاری کردستان در سنندج، ۱۳۵۸/۳/۲۲.
۵ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۲، ص ۲
۶ ـ سند شماره ۱۱۳۵۱۹، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: احکام اعضای ستاد فرماندهی سپاه اهواز صادره از ستاد مرکزی.
۷ ـ سند شماره ۱۳۱۱۱۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: متن صورت‌جلسه شورای فرماندهی اهواز.
۸ ـ سند شماره ۱۱۳۵۳۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: احکام اعضای ستاد سپاه آبادان صادره از ستاد مرکزی.
۹ ـ مآخذ شماره ۱، ص ۴.
۱۰ ـ مآخذ شماره ۵، ص ۲
۱۱ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۷ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، سال ۶۱)، ص‌ص ۸۵ تا ۱۱
۱۲ ـ مآخذ شماره ۱۱، ص‌ص ۹۰ تا ۹۱.
۱۳ ـ مآخذ شماره ۱، ص ۳.
۱۴ ـ مآخذ شماره ۱، ص ۱
۱۵ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش های ویژه"، نشریه شماره ۸۱، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص‌ص ۵ و ۴، یونایتدپرس.
۱۶ ـ مآخذ شماره ۱، ص ۳.
۱۷ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش های ویژه"، نشریه شماره ۸۱، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص ۸.
۱۸ ـ مآخذ شماره ۵، ص ۲.
۱۹ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۲، ص ۱۲.
۲۰ ـ مآخذ شماره ۱، ص ۳.
۲۱ ـ مآخذ شماره ۱۵، ص ۱۲، رادیو لندن
۲۲ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش های ویژه"، نشریه شماره ۸۳، ۱۳۵۸/۳/۲۵، ص ۲۳، رویتر.
۲۳ ـ مآخذ شماره ۱۵، ص ۱ تا ۸.
۲۴ ـ مآخذ شماره ۵، ص ۹، رویتر
۲۵ ـ مآخذ شماره ۱، ص ۸، آسوشیتدپرس.
۲۶ ـ مآخذ شماره ۲، ص ۹، یونایتدپرس.

روزشمار

چهارشنبه

۲۳ خرداد ۱۳۵۸

۱۸ رجب ۱۳۹۹

۱۳ ژوئن ۱۹۷۹

۴۰۹
قامات اجرایی، قضایی و نیروهای کمیته و پاسداران انقلاب تلاش گسترده‌ای برای مبارزه با وامل ضدانقلاب در خوزستان آغاز کرده‌اند؛ از جمله به‌دنبال حادثه انفجار خطوط آهن در رمشهر گروهی از پاسداران کمیته که منطقه را به‌شدت زیر نظر گرفته بودند، چند تن از افراد ظنون را دستگیر کردند که در بازرسی از آنها دو قبضه کلاشینکف، تعدادی فشنگ و کاردی شته به خون بدست آمد. به نوشته روزنامه کیهان، بنابه اظهار یکی از پاسداران، این افراد در رد کردن و توزیع نمودن اسلحه در این منطقه دست داشته‌اند.(۱)

در همین حال، عبدالمجید زرگر دادستان انقلاب‌اسلامی آبادان و خرمشهر در مورد حدودیت عبور و مرور در جاده‌های مرزی، اطلاعیه‌ای منتشر کرد که متن آن چنین است: «اخیراً ماهده شده‌است که عده‌ای از افراد سودجو و فرصت‌طلب شب هنگام در نوار مرزی و خطوط اصلاتی مرزی مبادرت به اعمال ضدانقلابی می‌کنند. برای شناسایی آنان و تفکیک از برادران خواهران مرزنشین که معتقد و مؤمن به انقلاب‌اسلامی ایران هستند به‌اطلاع عموم عشایر ر مرزنشین می‌رساند که از ساعت ۲۱ الی ۶ صبح عبور و مرور در کلیه جاده‌هایی که به مرز هی می‌شود، ممنوع است. بدیهی است چنانچه اشخاصی در ساعات ممنوع دستگیر شوند دادگاه‌های انقلاب معرفی خواهند شد. براساس دستوری که به مأمورین مسئول و پاسداران اب اسلامی ابلاغ شده‌است، از تاریخ جمعه ۲۵ خردادماه جاری این حکم به اجرا درمی‌آید. به منظور پاسداری انقلاب و تحکیم جمهوری‌اسلامی ایران انتظار دارد مرزنشینان عزیز ضوع را مدنظر قرار داده و همکاری لازم را با مأمورین مربوطه معمول دارند و در صورت ورد با اشخاصی که برخلاف این اطلاعیه رفتار کنند، مراتب را بی‌درنگ به نزدیک‌ترین گاه انتظامی اطلاع دهند.»(۲)

علاوه بر این، دادستان انقلاب‌اسلامی آبادان و خرمشهر اطلاعیه دیگری در مورد صدور انه حمل سلاح در منطقه صادر کرد. متن اطلاعیه چنین است:

بسمه تعالی؛ قابل توجه هم‌میهنان عزیز ساکن خرمشهر، آبادان، ماهشهر، خارک، خسروآباد، شادگان و قراء و قصبات تابعه

با توجه به مذاکراتی که به‌عمل آمده، تصمیم گرفته شد به دارندگان سلاح (اعم از جنگی و شکاری) که مؤمن و معتقد به انقلاب‌اسلامی هستند، پروانه حمل سلاح داده شود. بدین‌وسیله به اطلاع عموم می‌رساند از تاریخ ۲۵ خردادماه الی پنجم تیرماه سال جاری به دارندگان انواع سلاح‌ها مهلت داده می‌شود که با در دست داشتن عین شناسنامه و ۶ قطعه عکس ۴ × ۶ به شهربانی یا کلانتری یا گروهان ژاندارمری یا پاسگاه ژاندارمری محل خدمت خود مراجعه و مشخصات سلاح خود را اعلام دارند تا اقدامات مقدماتی صدور پروانه حمل سلاح انجام شود. اشخاصی که دارای سلاح بوده و برای اخذ پروانه در مهلت مقرر مراجعه نکنند، سلاح آنان غیرمجاز تشخیص [داده می‌شود] و به نفع دولت جمهوری‌اسلامی ایران ضبط و صاحبان سلاح تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

در اطلاعیه دادستان انقلاب‌اسلامی آبادان و خرمشهر همچنین آمده است: هنگام مراجعه اولیه نیاز به همراه آوردن سلاح نیست فقط مشخصات سلاح کافی است. تاریخ دقیق مراجعه برای اخذ پروانه حمل سلاح، پس از خاتمه مهلت تعیین‌شده و چاپ فرم آن، متعاقباً اعلام خواهد شد.(۳)

۴۱۰
به گزارش مطبوعات، امروز حجت‌الاسلام شیخ‌عیسی خاقانی برادر آیت‌الله شبیرخاقانی و حجت‌الاسلام حاج سیدجواد الیاسی به اهواز عزیمت و با استاندار خوزستان مذاکره کردند. طبق درخواست حجت‌الاسلام عیسی خاقانی، استاندار خوزستان دستور آزادی زندانیان عرب را که در وقایع خرمشهر بازداشت شده بودند و در زندان‌های دزفول بسر می‌بردند، صادر کرد. استاندار در این دستور تأکید کرد که به فوریت و در کمال مهربانی زندانیان در یک دستگاه اتوبوس به خرمشهر اعزام و تحویل منازلشان گردند.(۴)

۴۱۱
حجت‌الاسلام شیخ‌عیسی خاقانی در مصاحبه‌ای با خبرنگاران مطبوعات و رادیو تلویزیون شرکت کرد. وی که روزنامه کیهان او را "مؤسس حزب جمهوری اسلامی ایران در قطر و جزایر اطراف" معرفی کرد، در سخنانش گفت:

«من بعد از یک ماه که از انقلاب گذشته بود همراه گروهی جهت دیدار امام‌خمینی و نخست‌وزیر به ایران آمدم. من بارها به امام گفتم که در منطقه خوزستان خطری وجود دارد و افرادی هستند که دسیسه‌کاری می‌نمایند. از زمانی که به ایران آمده‌ام در حدود ۳۸ سخنرانی کرده‌ام و مردم را به وحدت کلمه و رفع سوءتفاهم بین عرب و عجم ـ که در اسلام هیچ‌گاه مطرح نبوده ـ آشنا کرده‌ام؛ همان‌طور که پیامبر اسلام ابولهب را که یکی از نزدیکان خود بود طرد کرد و سلمان فارسی را پذیرفت.

من خود خادم اسلام هستم و همه سربازان این جامعه هستیم و وظیفه همه است که برای این مرز و بوم خون بدهیم و جان خود را فدا نماییم. اگر کسی در فکر تجزیه باشد بداند که چه عرب و چه عجم باشد او را محکوم می‌نماییم و حکم اعدام او را صادر خواهیم کرد. بارها شده‌بود که من بعضی از شعارها را که وضعیت منطقه را به خطر می‌انداخت ممنوع کردم و همچنین بعضی از نشریات که درب [در] مسجد فروخته می‌شد، به آنها گفتم کسی آنها را نخرد. بیشتر گله من از مطبوعات و رادیو تلویزیون است، زیرا در بعضی از مطبوعات دروغ‌هایی نسبت به خانواده آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی گفته‌اند، از جمله از قول آقای مدنی؛ من کلیه خبرها را تک‌تک تکذیب می‌کنم. همچنین گفته‌هایی که دربارهٔ آقای استاندار در روزنامه‌ها گفته بودند، از نظر ما هیچ مورد قبول نیست، زیرا آقای مدنی یک مرد شریف و مؤمن می‌باشند و مورد تأیید همه ماست.

درباره خلیج‌فارس باید بگویم اسم خلیج ما خلیج‌فارس است؛ تاریخ شرق و غرب این را ثابت می‌کند. نمی‌دانم چرا بعضی‌ها می‌خواهند نام او را عوض نمایند! آنهایی که می‌خواهند این‌کار را انجام دهند، مسلماً در هدفشان شک داریم. چرا هیچ‌کس نمی‌خواهد اسم اقیانوس هند را که از وسط آفریقا گذشته است، عوض نماید. اسم خلیج توسط یک روزنامه اروپایی از گذشته به سر زبان‌ها افتاده. بارها می‌گویم خلیج ما خلیج‌فارس است و هیچ نامی را به‌جز این نام نمی‌پذیریم.

درباره حوادث خرمشهر، من با کمک فرماندار خرمشهر و دیگر افراد مؤمن شهر کمیته‌هایی تشکیل داده‌ایم: یک کمیته شش نفری متشکل از سه عرب و سه عجم که وضع مجروحین حوادث اخیر خرمشهر را مورد بررسی قرار می‌دهد تا در اسرع وقت به آنها کمک شود. دومین کمیته، هشت نفری می‌باشد و متشکل از ۵ عرب و ۳ نفر عجم است، وضعیت مستضعفین را مورد بررسی قرار می‌دهد، مخصوصاً کپرنشین‌های خرمشهر را و از طرف دولت کمک‌های غیرنقدی، پوشاک، خوراک و غیره به آنها می‌رسانند. یک کمیته چهارنفری نیز از افراد صالح، دو نفر عرب و دو نفر عجم تشکیل شده‌است که وضع مسببین واقعهٔ اخیر خرمشهر و دستگیرشدگان را مورد بررسی قرار می‌دهد تا اگر محکوم شوند، به مجازات برسند.

تشکیل مجدد کانون فرهنگی عرب که در چارچوب جمهوری‌اسلامی باشد، بزرگ‌ترین مسئله‌ای بود که بین فرماندار و بیت آیت‌الله شبیرخاقانی در میان گذاشته شد و فرماندار تهیه وسایل کانون و مکان آن را تعهد کرد سعی می‌نماییم کانون فرهنگی عرب را با اساس‌نامه جدیدی تشکیل دهیم. این کانون متعلق به کلیه برادران عرب و عجم خواهد بود و حتی بانوان و خواهران عزیز می‌توانند در آن کانون عضویت داشته باشند. برنامه کانون شامل برگزاری کلاس‌های اقتصادی، علوم اجتماعی، فن بیان و منبر و تبلیغات اسلامی و انتشار یک روزنامه و یک مجله به زبان عربی خواهدبود. دو شرط برای عضویت در این کانون وجود دارد: اول مسلمان باشند، دوم وطن‌دوست.

در کانون، زبان فارسی و انگلیسی، عربی، فقه و اصول نیز تدریس می‌شود.

فرماندار که شخصی امین و مؤمن است و می‌دانیم که اگر وی در زمان این جریانات اخیر خرمشهر در بستر بیماری نبود، صددرصد در منطقه آشوبی به پا نمی‌شد که منجر به این همه خسارات شود. آقای علوی فرماندار که یکی از افراد متدین و شخص با تدبیری برای این شهر بوده و مورد تأیید عرب و عجم است و بودن او در این منطقه ضروری به نظر می‌رسد. ما به کمک فرماندار و با کمک‌های مادی و معنوی دولت، امکانات تشکیل چنین کانونی را فراهم خواهیم نمود.»

از حجت‌الاسلام شیخ‌عیسی خاقانی سؤال شد: شما چه کار مهمی در منطقه قطر انجام دادید که به نفع ایرانیان باشد؟ وی گفت: «بعد از انقلاب لنج‌های فراوانی به سوی جزایر اطراف روانه شدند که اکثر آنها ساواکی و فراریان ایران بودند که به قطر آمده‌بودند که ما آنها را دستگیر نمودیم و این مسئله را با وزارت‌خارجه در میان گذاشتیم و یکی از این اشخاص به‌نام علی کریمی که از فروشندگان اسلحه در مرز آبی بود را دستگیر کرده و تسلیم مقامات دولت نمودیم. و همچنین افرادی متشکل از ساواکی‌ها و افراد شاه‌دوست یک حزب مخفی به‌نام حزب نجات ایران در قطر تشکیل داده بودند و اینها هر هفته سه نشریه منتشر می‌کردند و این نشریه‌ها را مستقیماً به صندوق پستی افراد می‌فرستادند. این عده ۱۴ نفر بودند که عده‌ای از آنها دستگیر و بقیه شناسایی شدند. علاوه بر قطر که از آن‌جا اسلحه به ایران می‌آورند، افرادی از دوبی نیز اسلحه می‌آورند و در وسط آب دریا به لنج‌های ماهی‌گیری می‌دهند. آنها اسلحه‌ها را زیر ماهی‌ها پنهان می‌کنند و به ایران می‌آورند. ما از این مسئله اطلاع پیدا کردیم و آنها را دستگیر نمودیم.»

وی درباره تعداد اعضای حزب جمهوری اسلامی در قطر، گفت: «ما در قطر بیش از ۶ هزار نفر عضو داریم که همه آنها به جمهوری‌اسلامی ایمان کامل دارند.» او مجدداً از رادیوتلویزیون و مطبوعات گله کرد: مطبوعات باید در راه اسلام قلم بزنند و رادیو و تلویزیون زبان ملت است ولی نمی‌دانم چرا آنها رسالت خود را انجام نمی‌دهند.»

شیخ عیسی‌خاقانی درباره زندانیان خرمشهر گفت: آنهایی که در خرمشهر بودند همه آزاد شدند به‌جز دو نفر که باید درباره آنها مطالعه شود و آنهایی که در دزفول هستند به خرمشهر آورده می‌شوند که افراد بی‌گناه آزاد شوند و مسببین اصلی به مجازات برسند.(۵)

۴۱۲

عده‌ای از نمایندگان عشایر خوزستان به اتفاق حجت‌الاسلام شیخ‌عیسی طرفی و همچنین هیئتی از ترکمن‌صحرا به حضور امام رسیدند و ضمن اعلام مجدد همبستگی و محکوم کردن اعمال ضدانقلابی در خوزستان و سایر نقاط کشور، آمادگی خود را جهت سرکوب ضدانقلاب ابراز داشتند.(۶) امام‌خمینی در پاسخ گفتند:

خوب است که در یک مکان برادرهای اهل سنت ما و برادران اهل تشیع حاضرند و هر دو

دسته از وضع سابق نگرانند و ظلم‌هایی که به اینها شده‌است ذکر می‌کنند و این مسئله این نیست که فقط شماها تحت فشار و ظلم بودید یا آقایان اعراب تحت فشار و ظلم بودند، این یک ظلم عمومی بود به تمام این کشور، همه تحت فشار بودند...

ما تاکنون نتوانستیم جمهوری اسلامی را به آن محتوایی که باید داشته باشد، متحقق کنیم؛ ما در بین راه الان هستیم. ما الان آن‌قدری که انجام دادیم، ملت ما انجام داده است، این است که دست جنایت‌کارها را تا یک حدودی قطع کرده‌است و البته ریشه‌هایی هم از آنهاست الان و همین ریشه‌ها هستند که در بین آقایان اعراب می‌روند و به آنها تزریق می‌کنند که اینها می‌خواهند بین عرب و عجم فرق بگذارند؛ در بین شما می‌آیند و می‌گویند بین برادرهای سنی و شیعه می‌خواهند فرق بگذارند؛ در هرجا یک نغمه‌ای سرمی‌کنند...

در زمان سابق به واسطه فشارهایی که سابق آوردند، اکثر اهل این مملکت ناراضی بودند و تحت فشار بودند و این ناراضی‌ها از سابق هستند، جمهوری‌اسلامی هیچ نارضایتی درست نکرده‌است... جمهوری‌اسلامی آمده‌است برای این معنا که اصلاح کند امور را، آمده ترمیم کند آن خرابی‌ها را و باید همه کمک کنیم به این جمهوری‌اسلامی که نگذاریم اینهایی که می‌خواهند اخلال بکنند، به نتیجه برسند، اگر خدای نخواسته این اخلالگرها بتوانند یک کاری انجام بدهند و ما نتوانیم جلو آنها را بگیریم و آنها روبه رشد بروند، اگر به‌واسطه اختلافات که در بین‌مان ایجاد بشود، روبه ضعف برویم، خوف این است که دوباره یک مسائلی شبیه به آن مسائل سابق پیش بیاید یا بدتر از آن.[۷]

امام‌خمینی امروز همچنین در دیدار با عده‌ای از نظامیان یگان‌های تبریز، ضمن سخنانی ‌رایطی را که لازم است ارتشیان اسلام داشته باشند و نیز درباره رابطه ایشان و آیت‌الله ‌ریعتمداری مطالبی عنوان کردند. امام درباره ارتش اسلام تأکید کردند:

«ارتش‌های صدر اسلام وضعش این بوده: رئیس ارتش، امام‌جماعت بود؛ یعنی انتخاب که ‌ی‌شد این رئیس ارتش که برود کجا، امام جماعت هم انتخاب می‌شد. مالک اشتر را وقتی ‌ی‌فرستادنش کجا، همان مالک اشتر رئیس ارتش بوده و استاندار فلان جا هم بوده است و ‌ام‌جماعت و امام‌جمعه هم بوده‌است، برای این‌که وضع ارتش در اسلام با وضع ارتش در سایر ‌یم‌ها فرق داشته‌است.

ارتش باید وقتی ارتش اسلامی شد، رئیس ارتشش جوری باشد که دیگران به او اقتدا بکنند. ‌اد ارتش طوری باشند که مردم وقتی که وارد شدند در یک جلسه‌ای، مردم از آنها استقبال ‌نند، گل برسرشان بریزند... اگر بنا باشد که ارتش جوری باشد که مردم از آن بترسند و پشت به بکنند، برای این ارتش، خودش بد است. ارتش باید خدمت به ملت بکند، باید خدمت به ‌ور بکند، همان‌طوری که در صدر اسلام بوده‌است که ارتش اسلام مردم از آنها خوفی ‌نتند... قدرت نظامی در مقابل غیر می‌ایستد تا آن وقتی که کشته بشود (شهادت). نظامی ‌م شهادت را برای خودش زندگی می‌داند، کسی که شهادت را زندگی دانست برای خودش،

زندگی ابدی دانست برای خودش، این در مقابل غیر می‌ایستد و آخر نفس را می‌کشد و شهادت طلب می‌کند.»

امام خطاب به نظامیان تأکید کردند: «شما باید همان دستور قرآن را عمل کنید که بین خودتان با سایر ملت روابط دوستی داشته باشید که وقتی شما می‌آیید توی مردم، مردم شما را بپذیرند، شما را دوست داشته باشند برای این که شما حامی آنها هستید، آدم حامی خودش را دوست دارد. اما در مقابل غیر، محکم بایستید و شهادت را برای خودتان فوز بدانید؛ این سرباز اسلام است و حالا شما سرباز اسلام هستید.»

امام‌خمینی در پایان به مسائل مطروحه اخیر دربارهٔ اختلافات آیت‌الله شریعتمداری و ایشان که با نیرنگ جریان‌هایی طرح شده و دامن زده می‌شود، به نحو زیر اشاره کردند: من امیدوارم که این حرف‌هایی که در تبریز یا آذربایجان یک اشخاص مفسدی حرف‌های نامربوط این‌جا می‌زنند، امیدوارم نباشد این مسائل. من خدمت‌گزار همه هستم. خدمت‌گزار شماها هستم، خدمت‌گزار روحانیت هستم. این مسائل نیست، این مسائل را مفسده‌جوها و اشخاصی که می‌خواهند فساد بکنند اینها طرح می‌کنند و الاّ دو تا مسلمان، دو تا انسان که نمی‌توانند با هم مخالف باشند. ما نسبت به همه شما و نسبت به همه قشر ملت، خدمت‌گزار هستیم و من امیدوارم به این خدمت بتوانیم تا به آخر برویم و همه خدمت‌گزار اسلام باشیم.»[۸]

۴۱۳

حجت‌الاسلام محمدی رئیس حزب جمهوری‌اسلامی خلق مسلمان ایران در تشکیلات آذربایجان، در یک مصاحبه مطبوعاتی علل انصراف از راهپیمایی روز جمعه را تشریح کرد. وی با بیان این مطلب که سانسور و اختناق در کشور وجود دارد، در توجیه اقدام حزب در برپایی راهپیمایی گفت: «پرواضح است اگر انتقاد به موقع انجام نگیرد، دست‌اندرکاران و گردانندگان مملکت تصور می‌کنند که به ملت آزادی داده‌شده است و این خطرناک‌ترین کار در شرایط انقلاب است، از این رو بود که ما وظیفه داشتیم به‌وجود این فشار و اختناق در مملکت با انجام راهپیمایی بزرگ اعتراض کنیم و حتی عمق و بعد اختناق را هم عملاً نشان دهیم. بدان جهت از همه گروه‌ها و آزادی‌خواهان برای شرکت در این راهپیمایی دعوت شد و طرف‌داران راستین آزادی با ما اعلام همبستگی کردند که فقط گوشه‌ای از این اعلام همبستگی‌ها در جراید منعکس شد، در حالی که اگر روز جمعه راهپیمایی صورت می‌گرفت، ابهت و عظمت کار ما عملاً مشخص می‌شد.» رئیس حزب گفت: «هرچند راهپیمایی انجام نمی‌گیرد ولی همبستگی گروه‌های سیاسی با حزب جمهوری‌اسلامی خلق مسلمان ایران جلوه‌گر شد.» وی در توجیه علل لغو راهپیمایی گفت: «برای ما گزارشاتی رسیده بود که عده معدودی قصد برهم زدن نظم را دارند و کافی بود که یک تیر شلیک شود و غوغایی برپا گردد مخصوصاً در شهری مانند تبریز، به همین جهت حزب ما با تشکر از گروه‌های سیاسی دیگر، این راهپیمایی را به بعد موکول کرد، و انتظار ما بر این است که بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و پیام‌ها و همبستگی گروه‌های سیاسی با یکدیگ

تأثیرگذاری نهضت ایران در عراق گشته است، ما را متهم می‌کنند. بعضی‌ها سخن‌گوی چه کسانی هستند و اینها که خلق مسلمان ایران را همطراز و هم‌آواز صهیونیزم قلمداد می‌کنند، کیانند؟ اینها دیروز علمای بزرگ اسلام را بازداشت می‌کنند و امروز با ددمنش‌ترین روش، تظاهرات وسیع مردم را درهم می‌شکنند. رژیمی که با توسل به اعدام، ترور، قتل و سرکوبی وحشیانه بر آن است که حاکمیت خود را حفظ کند، خوب است سری به همسنگر خود، رژیم دست‌نشانده پهلوی بزند و آن وقت بگوید چه کسی با آتش بازی می‌کند.

رژیم بعثی تا دیروز با شاه ایران می‌لاسید و هم‌آهنگ بودند و حرفی نداشتند، اکنون چه متضحانه به دست‌آویزهای نامشروع چنگ می‌اندازند و نغمه ناموزون بازگرداندن جزایر به اعراب را ساز می‌کنند که گویا تشنج ایجاد کرده و برای رشد انقلاب ما سد راهی ایجاد کند. ما دولت عراق را هشدار می‌دهیم که... ایران کانون بزرگ آتشی است که آماده است تا هر خصم اهریمنی را در خود بسوزاند و این دقیقاً دولت عراق است که باید حساب کار خودش را بکند تا مبادا این خشم عظیم گریبانش را بگیرد... دولت عراق چه خیال خامی در سر پرورانده است؟ اگر فکر مقابله با انقلاب ایران را در سردارد، ملت ایران یکپارچه و متحد چون ارتشی ۳۰ میلیونی آماده است که هر عصیانگر پلیدی را که بخواهد سد راه انقلابش گردد، درهم شکنند. دولت عراق خوب است کمی به خود اندیشد و ماهیت ضدمردمی‌اش را دریابد. اکنون ملت برادر و مسلمان عراقی‌مان به‌پاخاسته، می‌رود تا چونان نهضتی که در ایران بر رژیم دست‌نشانده شورید و نابودش کرد، آنان نیز دست‌نشاندگان ضدخلقی بعثی را روانه همان گورستان سازند.[۱۶]

۴۱۸

نشریه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران در تحلیلی با عنوان "سیاست خطرناک دولت عراق" به تجزیه و تحلیل مواضع و اقدامات بغداد علیه ایران و نیز وظایف دولت ایران در این‌باره، پرداخت. در این مقاله آمده است: تجاوز مسلحانه و تحریکات دولت عراق علیه کشور ما با گستاخی هرچه تمام‌تر ادامه دارد. تاکنون چهار بار جنگنده ـ بمب‌افکن‌های عراق دهکده‌های مرزی ایران را در کردستان (گوره شیر، کائین دژ، توژال، نوکان، هلیشه، یاوه‌سی، تین بانیکان...) مورد حمله قرار داده‌اند و برخی از آنها را ـ نظیر گوره شیر در سردشت ـ با خاک یک‌سان کرده‌اند! تعداد هم‌میهنان کشته و زخمی ما به چندین ده نفر و تعداد روستاییانی که بی‌خانمان شده‌اند، به صدها نفر می‌رسد!

در غائله ضدانقلابی خوزستان نیز دست دولت عراق در کار بود. ارسال اسلحه قاچاق از عراق به خوزستان همچنان ادامه دارد و تبلیغات عراقی یک‌نفس خوزستان را "عربستان" می‌نامد و به طبل ادعای مسخره الحاق "عربستان" به "وطن عربی" می‌کوبد.

اعتراض دولت ایران به دولت عراق از طرف دولت عراق بی‌پاسخ مانده و این سکوت، خود دلیل بارزی است برقصد دولت عراق به ادامه مداخلات تجاوزی خود علیه ایران و برضدانقلاب ایران.

موضع‌گیری خصمانه دولت عراق نسبت به ایران بخشی از سیاست این دولت در منطقه خلیج‌فارس است که این دولت را عملاً درکنار نیروهای ارتجاعی قرارمی دهد. این سیاست را از جمله در آیینه مناسبات عراق با جمهوری دمکراتیک خلق یمن(یمن جنوبی) می‌توان به‌وضوح دید: دولت عراق سفارت خود را در عدن به لانه آدم‌کشان حرفه‌ای اعزامی از بغداد و به‌انبار اسلحه قاچاق بدل کرد و به قتل آزادی‌خواهانی که از عراق به یمن دمکراتیک پناه برده‌اند پرداخته‌است. دولت عراق در برابر اعتراض دولت یمن دمکراتیک، سفارت این کشور را نیز در بغداد مورد تهاجم تروریست‌های خود قرار داده‌است.

تجاوز و مداخلات دولت عراق برضد تمامیت‌ارضی و برضد انقلاب ایران و نیز خصومت دولت عراق با یمن دمکراتیک نمایش خارجی سیاست داخلی دولت عراق است، چراکه سیاست خارجی هر دولت در واقع ادامه سیاست داخلی در مناسبت با دیگر کشورها است.

دولت عراق اختناق را در کشور عراق به حد اعلا رسانده است. این دولت، از زمانی که با دولت شاه مخلوع ایران به‌اصطلاح "آشتی"کرد، چهره‌ای ارتجاعی از خود نشان داده که روزبه‌روز آشکارتر می‌شود. دولت عراق به پی‌گرد و کشتار کمونیست‌ها و سایر آزادی‌خواهان عراقی پرداخته، خودمختاری کردستان عراق را که تقبل کرده بود، به بوته فراموشی انداخته و پلیس سیاسی را به‌جان مردم انداخته است.

این سیاست داخلی دولت عراق اینک باعث شده که در کشور پایگاه اجتماعی خود را از دست بدهد، در برابر خلق عراق قرار گیرد، خود را سست و لرزان احساس کند و از نفوذ معنوی انقلاب آزادی‌بخش ایران بترسد و این سستی و ترس را بخواهد با تجاوز مسلح و مداخلات تجاوزی نسبت به ایران، به خیال خود از انظار مردم عراق مستور دارد. ولی این راهی است خطرناک، هم برای مردم عراق و هم برای همسایگان عراق. دولت عراق اگر به آن سیاست داخلی و این سیاست خارجی ادامه دهد، بی‌هیچ تردید ریشه خود را خواهد کند. مبارزات مردم عراق علیه سیاست ضددمکراتیک دولت عراق هم‌اکنون به‌سرعت در حال گسترش است و تجربه همه کشورها نشان داده است که هرگاه خلقی در راه استقلال و آزادی و شرف خود به‌پاخیزد، هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از پیروزی وی نخواهد بود.

اما آنچه در مناسبات ایران و عراق برعهده دولت جمهوری‌اسلامی ایران است، قاطعیت در قطع دست متجاوز دولت عراق در خاک ایران است. دولت ایران در حفظ امنیت ارضی و پاسداری و تأمین امنیت مرزهای ایران از پشتیبانی تمام مردم ایران، تمام خلق‌های ساکن کشور ما برخوردار است و بنابراین قادر است و وظیفه‌دار است که با شدت دست متجاوز عراق را قطع کند.[۱۷]

۴۱۹

روزنامه کویتی "الهدف" در تفسیری با اشاره به ناآرامی‌های خوزستان ایران، نوشت: در این روزهای بحرانی که جهان عرب با اوضاع دشواری در خاورمیانه مواجه است و در حالی‌که

انقلاب ایران از آرمان‌های مردم فلسطین جانب‌داری می‌کند، اعراب ایرانی دست به اقداماتی زده‌اند که به هیچ‌وجه به‌سود منطقه نبوده و این سؤال را پیش می‌آورد که این تحریکات ـ به‌ویژه در این اوضاع و احوال ـ به‌سود کیست؟ تحریکاتی که موجب بروز حوادث در خوزستان و زد و خورد خیابانی و ایجاد خراب‌کاری و آتش‌سوزی می‌گردد، به هیچ‌وجه به منافع عالیه ایران و جهان عرب خدمت نمی‌کند.(۱۸)

۴۲۰
عراق امروز اعلام کرد که سفیر خود را از "یمن جنوبی" فرا خوانده است. خبرگزاری عراق ضمن اعلام این خبر گزارش داد که این تصمیم برای اعتراض به سیاست خشونت‌آمیز دولت عدن در برابر مقامات عراقی در یمن جنوبی اتخاذ شده است. همین خبرگزاری به نقل از یک سخن‌گوی دولتی گزارش داد که سفارت عراق در عدن مورد حمله واقع شده و تعدادی از عراقی‌ها دست‌گیر شده‌اند.(۱۹)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲۳

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۴، ص۲.
۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱.
۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.
۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۵ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص۸.
۶ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۷ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد۷ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص‌ص ۹۹ ـ ۹۸.
۸ ـ مأخذ شماره ۷، ص‌ص ۹۷ ـ ۹۵.
۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱.
۱۰ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص۷.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳.
۱۲ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد۲۸ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۷۱ ـ ۶۸.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۱۰، ص‌ص ۲ ـ ۱.
۱۵ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۸۳، ۱۳۵۸/۳/۲۵، ص‌ص ۱ و ۴، یونایتدپرس.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۵، ص‌ص ۱ و ۲.
۱۷ ـ روزنامه مردم (ارگان حزب توده ایران)، دوره هشتم، سال اول، شماره ۲۶، مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص‌ص ۴ ـ ۱.
۱۸ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص۸.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۵، ص۸، بغداد، رویتر.

روزشمار

پنجشنبه

۲۴ خرداد ۱۳۵۸

۱۹ رجب ۱۳۹۹

۱۴ ژوئن ۱۹۷۹

۴۲۱
روزنامه الثوره ارگان حزب بعث عراق در مقاله‌ای تحت عنوان "معذور است آن‌که هشدار داد" درباره حوادث خوزستان مطالبی نوشت که با توجه به عبارات و مفاهیم مندرج در آن، در واقع تا این زمان صریح‌ترین اعلام مواضع و علنی‌ترین ابراز مطامع رژیم عراق محسوب می‌شود. در این مقاله آمده است:

هنگامی که انقلاب ایران صورت گرفت، طبیعی بود که تمام ملل ایران که در خلال دوران شاه مورد ستم قرارگرفته بودند، قیام‌کنند و خواستار آزادی و حقوق خود شوند. کردها، ترکمن‌ها و بلوچ‌ها قیام کردند و سپس نوبت اعراب شد. آنچه اعراب در "عربستان" خواستار شدند، از حقوق فرهنگی و اداری تجاوز نکرده‌است و بسیار کمتر از آن بود که سایر اقلیت‌ها خواستار شدند. روش‌های آنها در بازگو کردن خواسته‌های خود مسالمت‌آمیز بود در حالی‌که دیگران اسلحه به‌دست گرفتند و عصیان کردند ولی شگفت‌آور است که مقامات ایرانی خواسته‌های ساده و مشروع اعراب و همچنین روش‌های مسالمت‌آمیز آنها را با خشونت و حمام خون و تعصب‌نژادی و برافروختگی پاسخ دادند و صدها تن راکشته و مجروح ساختند و هرگونه حقی از حقوقی که خواستار آن شدند، انکار کردند.

تعجب‌آور آن است که ارتکاب به چنین کشتارهای وحشیانه‌ای و چنین تعصب‌نژادی در رفتار با اعراب در پیش گرفته می‌شود بدون آن‌که صدایی از افراد دینی حاکم علیه مقامات محلی در "عربستان" برخیزد و موضوع طبیعی و مطلوب به‌نظر برسد. این امر در سایهٔ انقلابی به‌وقوع پیوسته که صبح و شب می‌گوید که بخاطر عدالت و احقاق حق و برابری میان مسلمانان به‌وجود آمده است.

طبیعی است که عراق از نظر فکری و سیاسی با ملت عرب "عربستان" همدردی کند؛ آنها برادران و صاحبان مسئله عادلانه‌ای هستند و در معرض خشونت و ظلم قرارگرفته‌اند. ما با این روش، خود به‌نحوی منطقی رفتار می‌کنیم که با اصول و تجارب ما هماهنگی دارد. اضافه بر

رابطهٔ قومی که ما را به ملت عرب عربستان پیوند می‌دهد، دیدگاه‌های ویژه‌ای دربارهٔ مسئله اقلیت‌ها در چارچوب میهن واحد داریم و بالفعل آن را به مرحله اجراگذارده‌ایم. انقلاب عراق به ملت کرد خودمختاری اعطا نمود و به سایر اقلیت‌ها نیز حقوق فرهنگی داده‌است و بدین‌وسیله نمونهٔ راستین و چگونگی حل مسئله اقلیت‌ها را با روح عدالت و انسانی و نه با روح تعصب و کینه ارائه داده‌است. ما در این‌جا سیاست دو رو در پیش نمی‌گیریم، بلکه از یک روش اصولی هماهنگ پیروی می‌کنیم و اگر حکام ایران طعمه کینه و غرور پوچ نمی‌شدند، اولین بار به همسایه خود، عراق رو می‌آوردند تا از تجارب آن در این زمینه استفاده کنند.

برخی از هیئت‌های عربی برای تبریک انقلاب جدید، به صف رهسپار ایران شدند ولی به‌نظر می‌رسد که مدح و ثنایی که رهبران ایرانی آنها را از برخی محافل عربی شنیده‌اند، به عللی که نمی‌خواهیم هم اکنون وارد آن شویم غرور آنها را افزایش داده و بر آنها کاخ‌هایی از شن ساختند، لذا می‌بینیم که آنها پیش از آنکه حداقل شرایط بقا و دفاع از خود را تأمین کنند، به سوی سربه‌سر گذاردن اعراب نزدیک روی می‌آورند و این غرور محض است.

ارتشی که به‌دست امپراتور و مستشاران امریکایی و یهودی پرورش یافته، نمی‌تواند بدون مقدمه در صحنه بیاید، آن است که یک دشمن خیالی برای آن بوجود آورده شود و صبح و شب با تمام وسایل بر آن تکیه شود؛ به‌نظر می‌رسد که این دشمن خیالی از میان تمام همسایه‌های ایران، عراق انتخاب شده‌است و با این ترتیب با یک سنگ چند گنجشک می‌زنند. آنها مقدمات وارد ساختن ارتش به صحنه سیاست ایران را به بهانهٔ دفاع از وحدت و مرزها و ثروت‌های کشور فراهم می‌سازند و چیزی که باید رخ کند، رخ می‌دهد: "عراق را مشغول و نقش قومی آن را در رویارویی با صهیونیسم و امپریالیسم متوقف می‌سازند." و این طرحی است که جز امریکایی‌ها و یهود و آنهایی که کینه سیاه به اعراب دارند، از آن استفاده نمی‌کنند. به تحریک برخی عقده‌های شخصی نزد عده‌ای از رهبران ایرانی چیز دیگری اضافه نمی‌کنیم.

محافل حاکم در ایران نیروهای نظامی ایران را در حمله به شهروندان عرب به‌کار برده‌اند و پاسدار کشور در منطقه، مرد روحانی و سیاستمدار نبوده بلکه از افراد ارتش بوده.

امروز به حاکمان ایران هم در خصوص تکرار بازی شاه و ماجراجویی‌های وی علیه عراق، هشدار و نصیحت و حتی اخطار می‌کنیم که هر کس این چنین بازی کند، حتماً بهای سنگینی را پرداخت خواهد کرد، زیرا انقلاب عراق بازوی نیرومندتر و درازتر از آنچه فکر می‌کنید و منافقان برای آنها تصور می‌کنند، دارد، با وجود این هنوز آن شکیبایی وجود دارد تا به برخی محافل ایرانی فرصت دیگری برای تدبیر امور داده شود.[1]

۴۲۲
در حالی که جنگ تبلیغاتی و روانی شدیدی بین ایران و عراق درگرفته است، روزنامه آیندگان - که سخن‌گوی طیفی از گروه‌های سیاسی مدعی و مخالف حاکمیت جدید است - ضمن تفسیری که در آن تلویحاً به محکومیت سیاست‌های جناح انقلابی نظام جدید پرداخته است، نوشت: با

همه سردرگمی خبری که پیرامون اوضاع داخلی عراق و درگیری‌های مرزی هست، می‌توان انتظار داشت که عراق بکوشد هر خطری از جانب ایران را با ایجاد آشوبی در داخل آن کاهش دهد. اگرچه تاکنون مدرکی قاطع بر دخالت عراق در جنوب و غرب ایران به‌دست نیامده است اما مسائلی که روحانیون شیعه ایرانی ساکن عراق با دولت بعث آن کشور دارند، در نهایت می‌تواند برای توجیه ضربهٔ عراق کافی باشد.[2]

اما هفته نامه سروش اقدامات خصمانه دولت عراق علیه انقلاب اسلامی را با استناد به واقعیت‌ها، به گونه‌ای دیگر تحلیل کرده است: مقامات عراقی هرگز از تلاش‌ها و مبارزات اسلامی ما برای رسیدن به پیروزی خشنود نبوده و حتی در بررسی نتایج پیروزی بزرگی که به‌دست آورده‌ایم با نوعی بدبینی و بی‌انصافی و دشمنانه نظر داده‌اند؛ به‌عنوان مثال چندی پیش در گردهمایی رهبران عرب، آقای صدام حسین معاون رئیس‌جمهور عراق درباره انقلاب ما چنین اظهار نظر کرد: «دولت عراق قیام ملت مسلمان ایران را تأیید نمی‌کند.»[3]

۴۲۳
آقای "میان طفیل محمد" رئیس "جماعت اسلامی پاکستان" با انتشار بیانیه‌ای در بارهٔ حوادث خوزستان که در روزنامه‌های پاکستانی "وفاق"، "مغربی پاکستان" و روزنامه اردو زبان "امروز" به چاپ رسید، اعلام کرد: این خبر برای هر مسلمان حساس، اسفناک است که در خرمشهر عرب‌های ایرانی علیه حکومت ایرانی تظاهرات برپا کرده‌اند و حدود ۵۰ نفر در این اغتشاش کشته شده‌اند. گرچه بعد از انقلاب در برخی نقاط ایران اطلاعات ناگوار و غیرموثق شنیده می‌شود لیکن ممکن است شورش‌های خرمشهر در نتیجه توطئه‌چینی دقیق و ترسناک باشد و بی‌تردید از هنگامی که انقلاب‌اسلامی ایران به ثمر رسیده‌است، دشمنان اسلام در ناکامی آن تلاش می‌کنند و با برانگیختن تعصبات مذهبی و منطقه‌ای درصدد خراب کردن اوضاع و احوال بر می‌آیند و با استفاده از تعصبات زبان و نژاد مردم خرمشهر، به اغتشاش و اخلال دامن می‌زنند.

ما از برادران اصیل ایرانی خود، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب و غیره درخواست می‌کنیم که مواظب دسیسه دشمنان خود باشند. شما برای مدت مدیدی آماجگاه ظلم و ستم حکومت مستبدانه بوده‌اید، خداوند متعال به‌شما حکومت‌اسلامی عطا کرده‌است که در سایه نظام اسلامی به مظلومان کمک شود، حکومت‌اسلامی ایران فقط با همکاری مردم ایران می‌تواند به‌این مقصود نائل گردد. بنابراین وظیفه هر ایرانی است که با حکومت همکاری کند تا دشمنان اسلام با برانگیختن تعصبات جاهلانه موفق به اجرای نیت مذموم تجزیه ایران نگردند.[4]

۴۲۴
به گزارش یونایتدپرس، تعدادی از روزنامه‌های عربی از رهبران کشورهای عربی خواستند اقدامی فوری در راه جلوگیری از ادامه مناقشات ایران و عراق به‌عمل آورند. این روزنامه‌ها در عین حال نوشتند: «ایران در اشتباه است اگر می‌اندیشد که مناقشه این کشور با عراق دیگر کشورهای عربی را نگران و مضطرب نمی‌کند.» این خبرگزاری ذکر می‌کند که روزنامه الوحده

منعقد نماید! آیا این همان سیاست تشتت و تفرقه نیست؟

۳ ـ بین معاهده صلح "الحدیبیه" که در مارس ۶۲۸ پیامبر اسلام(ص) آن را با دشمنان خود منعقد نمود و معاهده تسلیم شدن سادات در برابر اسرائیل فرق از زمین تا آسمان است. زیرا در نتیجه معاهده صلح "الحدیبیه" صفوف لشکریان اسلام یک‌دل و یک جان و با رهبری واحد به‌طور مسالمت‌آمیز سرتاسر شبه جزیرةالعرب را در نوردیدند، در حالی‌که معاهده کمپ‌دیوید که سادات با دشمن اسرائیل منعقد ساخت یک‌جانبه و به‌حساب تمام کشورهای اسلامی است و نتیجه آن، این شد که اسرائیل در تمام شئون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مصر رخنه کرد. به‌علاوه نمی‌توان اقدام سادات را از موضع قدرت تلقی نمود.

البته خداوند فرموده است: «هرگاه دشمنان خواهان صلح شدند با آنان از در مسالمت وارد شوید.» همچنین خداوند فرموده است: «شما را از صلح کردن با آنان‌که با دین شما مبارزه نکرده‌اند و شما را از سرزمین‌هایتان خارج نساختند منع نمی‌کند و می‌توانید با آنها به نیکی و عدل رفتار نمایید.»

ولی حضرات علمای الازهر! اگر به بیانات نخست‌وزیر اسرائیل چه هنگام عقد معاهده صلح و چه قبل و یا بعد از آن گوش فرا می‌دادید، درمی‌یافتید که اسرائیل هرگز خواهان صلح نبوده‌است و فقط از شکافی که سادات برای آن [اسرائیل] در صفوف اعراب و مسلمین بوجود آورد به قلب جهان عرب رخنه کرد.

با کمال تأسف، نه حرمت الازهر و نه وقار لباس علم که به‌تن کرده‌اند علمای الازهر را از تعلق و تأیید باطل و پشتیبانی از فرمانروایی خودکامه و خیره‌سر باز نداشته است! پیامبر اسلام(ص) فرمود «اللهم انی اعوذبک من علم لاینفع» (پروردگارا به تو پناه می‌برم از دانشی که سودی نمی‌بخشد).

درباره مصر امروز گروهی معتقدند مصر یک کشور عربی ـ اسلامی است و گروه دیگر را عقیده بر آن است که مصر دارای تمدن کهن وابسته به پیش از اسلام است و قطعه‌ای از اروپا می‌باشد که این سوی دریای مدیترانه قرارگرفته است. این گروه که سردمداران آن طه حسین و توفیق الحکیم و تنی چند از نویسندگان مصری هستند مدعی است که با احیای تمدن فرعونی می‌توان شکوه دیرینه مصر را باز گردانید! بدیهی است استعمار غرب نیز یاوه‌سرایی‌های این مزدوران را تبلیغ می‌کند.

جنبش صهیونیستی، جنبشی سیاسی و دنیوی است که فقط در حد بسیار محدودی با دیانت یهودی در ارتباط است و اگرچه تأسیس اسرائیل در قلب جهان عرب به‌ظاهر به‌منظور ایجاد میهنی برای یهودیان جهان است، ولی در واقع هدف بزرگتر از تشکیل این دولت ساختگی، نگهبانی از منافع امپریالیسم بین‌المللی در این منطقه ثروتمند است و اکنون اقدام آینده امپریالیسم این است که با جدا ساختن مصر از جهان عرب و جهان اسلام و احیای تمدن پوسیده و در اعماق تاریخ فراموش‌شده فرعونی در آن کشور و سپس ایجاد همبستگی بین دو

تمدن به‌اصطلاح دیرینه شرق (مصر و اسرائیل)، جبهه‌ای علیه اسلام و ناسیونالیسم عرب به‌وجود آورد. این است نتیجه درخشانی که معاهدهٔ سادات با اسرائیل به ارمغان آورد! آیا علمای الازهر واقعاً این جنایت را در حق اسلام می‌پذیرند؟

ما از کلیه استادان آزادهٔ الازهر می‌خواهیم فریاد خود را علیه رؤسای دست‌نشاندهٔ دانشکده‌ها که بنام آنان این بیانیه ننگین را صادر کرده و حفظ مقام اداری را برحرمت دین و مسئولیت تاریخی خود مقدم داشته‌اند، با صدای رسا به‌گوش همگان برسانند. ما اطمینان داریم که آزادی‌خواهان مصر نه جدایی مصر را از اسلام و اعراب تحمل می‌کنند و نه قبول می‌کنند ارتش مصر برای حفظ منافع امپریالیسم در آفریقا و حتی جهان عرب، با برادران آفریقایی و عرب خود وارد جنگ شود.(۳۱)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲۴

۱ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۸۳، ۱۳۵۸/۳/۲۵، ص‌ص ۱۳ ـ ۸ رادیو صوت‌الجماهیر.
۲ ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۳/۲۴، ص۲.
۳ ـ هفته‌نامه سروش، سال اول شماره ۷، تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۴، ص۱۸.
۴ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۴، ص۳.
۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۵۸/۳/۲۴، ص۱۲، کویت، یونایتدپرس.
۶ ـ مأخذ شماره ۵، خبرگزاری فرانسه.
۷ ـ مأخذ شماره ۴، ص۸.
۸ ـ مأخذ شماره ۴، ص۱.
۹ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱.
۱۰ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص۲.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳.
۱۲ ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص۳.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۴، ص۷.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۷، ص۲.
۱۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص۸.
۱۶ ـ نشریه "کار" (ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق)، شماره ۱۵، ۱۳۵۸/۳/۲۴، ص۶.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۱۶، ص۶.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۱۶، ص۱.
۱۹ ـ اطلاعیه شماره ۱۸، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۵۸/۳/۲۴.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۷، ص۲.
۲۱ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص۱۲.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۱۹، ص‌ص ۲۳ ـ ۱۷.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۱۹، ص۴۱.
۲۴ ـ هفته‌نامه "امت" (ارگان جنبش مسلمانان مبارز، سال اول)، شماره ۶، ۱۳۵۸/۳/۲، ص‌ص ۱ و ۳.
۲۵ ـ مأخذ شماره ۵، ص۲.
۲۶ ـ مأخذ شماره ۵، ص۲.
۲۷ ـ مأخذ شماره ۷، ص۱.
۲۸ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱۲، خبرگزاری فرانسه.
۲۹ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۶ ـ ۱ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۲۳۱ ـ ۲۳۱.
۳۰ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۴، یونایتدپرس.
۳۱ ـ مأخذ شماره ۴، ص۶.

روزشمار

جمعه

۲۵ خرداد ۱۳۵۸
۲۰ رجب ۱۳۹۹
۱۵ ژوئن ۱۹۷۹

۴۳۹
جریان‌های قومی و ضدانقلاب در استان خوزستان که پس از درگیری‌های خرمشهر و آبادان تمرکز تشکیلاتی خود را از دست داده و خط‌مشی ایجاد رعب و وحشت و بمب‌گذاری را درپیش گرفته‌اند، امروز نیز اقدام به چنین تحرکاتی کردند؛ از جمله، نیمه‌شب ۵۸/۳/۲۵ با شلیک چند تیر آرامش شبانه در ناحیه "بوارده جنوبی" در شهر آبادان برهم خورد. به گزارش خبرگزاری پارس، این تیراندازی در حوالی بوارده جنوبی و در مقابل مرز ایران و عراق صورت گرفته‌است. همچنین در خرمشهر عده‌ای ناشناس یک شیشه محتوی بنزین را در سینما اتحاد واقع در خیابان بهارستان پرتاب کردند که به‌علت خالی بودن سینما به کسی آسیبی نرسید لکن خساراتی به‌بار آمد. در انبار ضدعفونی خرمشهر نیز شیشه مشابهی پرتاب شد که آتش‌سوزی در انبار را در پی داشت.[۱] در اداره بندر خرمشهر نیز انفجار مشکوکی انجام شد. این انفجار در ساعت ۸:۱۰ صبح در طبقه اول و در قسمت توالت ساختمان رخ داد و براثر آن، قسمتی از دیوارهای توالت خراب و شیشه‌های اداره بندر خرد شد.[۲]

درپی این انفجارات، رادیو ریاض خبر داد که امروز انفجار دو بمب، یکی در ساختمان دولتی بندر خرمشهر و دیگری در یک مرکز بازرگانی در شهر آبادان، خسارت‌های سنگینی وارد ساخته‌است.[۳]

از سوی دیگر، در جهت تداوم فضای گفت و گو و مسالمت و به‌منظور از بین رفتن تدریجی و کامل جو بدبینی موجود، امروز عده‌ای از مقامات دولتی استان خوزستان و خرمشهر برای ملاقات با آیت‌الله شبیرخاقانی به منزل وی رفتند. به نوشته مطبوعات، این عده عبارت بودند از: مدنی استاندار خوزستان، سیدرضا علوی فرماندار خرمشهر، فرماندار آبادان، سرهنگ گهربار فرمانده پایگاه دریایی بندر ماهشهر، ناخدانوایی فرمانده پایگاه نیروی دریایی ماهشهر، سرهنگ حقیقی فرمانده لشکر خوزستان، سرهنگ حجازی رئیس شهربانی خرمشهر، سروان حسینی فرمانده ژاندارمری خرمشهر، قائم مقام استاندار، آقای فهیمی رابط استان و پاسداران انقلاب

تهران، آقای زرگر دادستان انقلاب آبادان و خرمشهر، دکتر غیاویان رئیس دانشگاه جندی شاپور شاخه خلیج‌فارس خرمشهر، آقای شاعری مسئول امور سیاسی و انتظامی فرمانداری خرمشهر، آقای رضایی گارد استاندار، میرزا سیفی مسئول عشایر. در این جمع، حجت‌الاسلام شیخ‌عیسی خاقانی و حجت‌الاسلام الیاسی نیز حضور داشتند. به گزارش کیهان: آقای مدنی استاندار و همراهان که جهت تسلیت‌گویی به آیت‌الله خاقانی به‌خاطر درگذشت مرحوم خواهرشان به منزل آیت‌الله رفته بودند، شام را در منزل آیت‌الله صرف کردند و همچنین پیرامون مسائل موجود کشور با آیت‌الله شبیرخاقانی گفت و گوهایی داشتند.[۴]

امروز همچنین دریادار مدنی استاندار خوزستان در مصاحبه‌ای با روزنامه "تهران‌تایمز" گفت که مقدار زیادی اسلحه و مهمات که از مرز عراق به ایران آورده بودند، توقیف شده‌است. مدنی افزود که کشور عراق به مخالفان رژیم کنونی ایران پناه داده‌است.[۵]

۴۴۰
امروز در پایان اخبار تلویزیون بغداد، طی تفسیری ـ که ۱۵ دقیقه پخش آن طول کشید ـ از خوزستان و خرمشهر با نام‌های "عربستان" و "محمره" یاد شد و گزارش تحریک‌کننده‌ای از روند کنونی حوادث خوزستان بیان گردید؛ فی‌المثل گفته شد: «رزمندگان جوان عرب ایران یک انبار مهمات را در پایگاه دریایی محمره منفجر کرده و سلامت به پایگاه‌های خود بازگشتند.» علاوه بر این، در قالب تفسیر مزبور مطالب زیر که حاکی از مواضع و مطامع رژیم عراق است، عنوان شد:

تمام خلق عرب عربستان [خوزستان] از لحاظ اجتماعی و قومی در فشارند و حتی اگر عده‌ای از اعراب بخواهند شرکت یا تجارت‌خانه‌ای بازکنند، به آنها اجازه داده نخواهد شد و بیشتر مناصب بالای شرکت نفت در دست افراد غیرعرب است حال آنکه اعراب در روی دریایی از نفت که متعلق به خودشان است بسر می‌برند.

چگونه حکومتی که خود را حامی اسلام و مسلمانان می‌داند و ظاهراً از هدف‌های اسلامی پشتیبانی می‌کند نسبت به لغت عرب حساسیت و مخالفت دارد، حال آن‌که قرآن و نهج‌البلاغه و فقه اسلام و حدیث پیامبر به زبان عربی است. حال آن که اشتباه است که همان برنامه‌های شاه سابق در عربستان [خوزستان] اجرا شود زیرا منظور از بین بردن فرهنگ معرب است. جنبش اعراب عربستان [خوزستان] نشان‌دهنده قیام آنان علیه استبداد، ظلم و محروم بودن از کوچک‌ترین حقوق اجتماعی و بشری است و این جنبش تا به‌دست آوردن کلیه خواسته‌های مشروع خلق عرب ادامه خواهد داشت.[۶]

امروز همچنین در تفسیر رادیو صوت‌الجماهیر به نقل از روزنامه کویتی الرأی‌العام گفته شد:
مسئله اعراب در الاحواز [اهواز]، مسئله عادلانه‌ای است که تمام اعراب با آن همدردی می‌کنند و با روح انقلابی که خواستار حق و عدالت و مساوات شده، توافق دارد.

رژیم جدید ایران باید موازین عدالت را برقرار [کند] و دیدگاه آن نسبت به مسئله آزادی که

اعراب در الاحواز [اهواز] خواستار آن هستند با خواسته‌های اقلیت‌های دیگر که آنها را به‌دست آورده‌اند و به‌خاطر آنها اسلحه به‌دست گرفته‌اند، موازی باشد. خودداری رژیم جدید ایران از تثبیت اوضاع در داخل در مرحله کنونی و سرگرم شدن آن در بحران ساختگی خارجی با همسایه‌ها در پرتو حوادث الاحواز [اهواز]، به هیچ وجه صلاح نیست.(۷)

از سوی دیگر، روزنامه کیهان خبر داد که تظاهرات عظیمی در اکثر شهرهای عراق از جمله در نجف‌اشرف، بغداد، موصل، کربلا، بصره، کاظمین و کوت صورت گرفته است. پلیس در تمام شهرها مردم بی‌گناه و حق‌طلب شرکت‌کننده در تظاهرات را به رگبار بست و چند تن شهید و مجروح برجای گذاشت.

این گزارش می‌افزاید: در نجف اکثر افرادی راکه در رابطه با آیت‌الله صدر بوده‌اند، به‌ویژه طلاب ایرانی و نیز نمایندگان ایشان در سایر شهرهای عراق را بازداشت نموده‌اند و منزل ایشان تحت محاصره مأموران سازمان امنیت عراق قرار دارد و ارتباط با آن قطع شده‌است. در تظاهرات بصره نیز تظاهرکنندگان پشتیبانی خود را از رهبر انقلاب اسلامی عراق حضرت آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر اعلام داشتند و به دخالت‌های نامشروع دولت عراق در منطقه خوزستان و تجاوز عراق به حریم هوایی ایران اعتراض کردند.(۸)

۴۴۱
آیت‌الله حاج‌سیدصادق روحانی طی مصاحبه‌ای با تنی چند از روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی اعلام کرد: چنانچه تحریکات و ادعای اعراب برای بازگرداندن جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی ادامه یابد، ایران ادعای ارضی خود را بر بحرین دنبال خواهد کرد. بحرین قهراً جزو یکی از استان‌های ایران بود که ادعای ارضی خود را نسبت به آن، همین طور اراضی مرزی که برپایه روابط شاه مخلوع و صدام حسین به عراق واگذار شد، دنبال خواهیم کرد.

وی در مورد اراضی استان خوزستان که به عراق واگذار شده بود، گفت: «چند سال قبل، بعد از اینکه [با] صلح صدام حسین و محمدرضا پهلوی مقداری از اراضی خوزستان بنابه رسم و تعارف به عراق واگذار شد، که متأسفانه مجلس رستاخیزی و غیرقانونی هم آن را تصویب کرد، براساس این تصویب‌نامه بنابه گفته‌ای در خوزستان عراقی‌ها تا ۱۵ کیلومتر در خاک کشور ما پیشروی کردند و آن را در تملک خود گرفتند که ما هم اکنون ادعای آن زمین‌ها را داریم.» وی تأکید کرد: ما برای این ادعاهای خود باکسی دعوا و نزاع نمی‌کنیم زیرا معتقدیم که این ادعاها باید در مجلس شورای ملی که حکومت اسلامی تشکیل می‌دهد مطرح و بررسی شود و در آن جاست که درباره آن تصمیم می‌گیریم.(۹)

۴۴۲
به‌دنبال دست‌گیری محمدرضا سعادتی به اتهام جاسوسی، سازمان مجاهدین خلق به تلاش گسترده‌ای برای آزادی و مسکوت ماندن اتهامات وی دست زد؛ از جمله به‌جای پاسخ‌گویی به موارد اصلی اتهام، دست‌گیرکنندگان سعادتی را متهم به شکنجه‌دادن وی کرد و به تبلیغ این اتهام

پرداخت؛ چیزی که در نامه سعادتی به دادستان حداکثر تحت عنوان فضای نامناسب به لحاظ روحی ذکر شده بود. امروز نیز سازمان تلگرافی به مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر، شورای انقلاب و وزیر دادگستری فرستاد که به زندانی شدن سعادتی به شدت اعتراض و علیه دست‌اندرکاران این ماجرا اعلام جرم کرد. در این تلگراف ادعا شده‌است:

«در حالی که یکی از اعضای سازمان دوازدهمین روز اعتصاب غذای اعتراضی خود را در زندان اوین از سرمی‌گذراند، به اطلاع می‌رساند: پنجاه و یک روز قبل برادر اسیر ما به‌وسیله یک گروه از پاسداران دست‌گیر و شدیداً تحت شکنجه قرارگرفت... تحقیقات بعد از دست‌گیری اخیر او جای شکی برای ما باقی نگذاشت که یک توطئه ضدانقلابی با شرکت عوامل سازمان سیا و بقایای ساواک برای بی‌اعتبار کردن مجاهد دست‌گیرشده سازمان مجاهدین خلق ایران در کار می‌باشد.»

سازمان مذکور در مورد انتشار اسناد مربوط به وجود ارتباط جاسوسی بین سعادتی و دبیر اول سفارت شوروی شدیداً اعتراض نموده و هدف آن را "عوام‌فریبی و مشوب کردن افکار عمومی" دانست و "علیه دست‌اندرکاران آن اعلام جرم و تقاضای رسیدگی فوری" کرد.

سازمان در این تلگراف همچنین از مهندس بازرگان تقاضا کرد: به تأکید خواستار آنیم که در قبال سفارش مبنی‌بر متشنج نکردن اوضاع، وضعیت مجاهدین خلق ایران را در این رابطه روشن نموده و پاسخ فرمایید که آیا باز هم باید همچنان مهر سکوت بر لب زنیم و یا مجازیم که جزئیات توطئه و شکنجه وکلیه اطلاعات مربوط به ماهیت دست‌اندرکاران آن‌را چنان که از نظر نمایندگان دولت و شورای انقلاب نیز گذرانده‌ایم، جهت روشن شدن افکار عمومی منتشر سازیم؟(۱۰)

۴۴۳
تدوین و تصویب قانون‌اساسی جدید در مجلس مؤسسان یا مجلس خبرگان، به موضوع اختلاف روز جریان‌های مذهبی ـ انقلابی با جریان‌های مخالف نظام و طرف‌دار تشکیل مجلس مؤسسان [در روزشمار روزهای قبل آمده‌است] تبدیل شده‌است. به منظور روشن‌تر شدن مستندات و استدلال‌های حامیان تشکیل مجلس خبرگان، مقامات مختلف سیاسی ـ مذهبی، امروز به اظهارنظر در این‌باره پرداختند؛ از جمله: آیت‌الله دکتر بهشتی در یک مصاحبه تلویزیونی به اظهارنظر درباره قانون اساسی و تشکیل مجلس خبرگان پرداخت:

«در آغاز کار نظر این بود که برای تصویب قانون‌اساسی، مجلس مؤسسان تشکیل شود حتی خود من شخصاً طرف‌دار این نظر بودم، ولی در قرن اخیر در دنیا نسبت به تشکیل مجالس مؤسسان برای تصویب قانون‌اساسی مسائل و مشکلاتی پیش آمده که در برخی از کشورها برای تصویب قانون‌اساسی جدید نتوانستند از طریقه معروف و سابقه‌دار مجلس مؤسسان استفاده کنند.

یکی این‌که مجلس مؤسسان در صورتی واقعاً مجلس بسیار جالب و ارزنده‌ای است که

... من امروز ملت را آگاه کردم که طرح مجلس مؤسسان به آن معنایی که از غرب طرح شده است و الهام از شیاطین گرفته شده‌است، موجب تعویق می‌شود و موجب فساد...

... آنهایی که سابقاً رفراندوم را تحریم کردند حالا هم دارند می‌گویند: "ما شرکت نمی‌کنیم." تا مجلس مؤسسان پیدا بشود. ببینید چه اشخاصی هستند آنها؛ آنهایی که از آن طرف مملکت می‌گویند: "ما شرکت نمی‌کنیم." از آن جایی که مرکز توطئه است. از کردستان که مرکز توطئه است. آنهایی که می‌گویند: "ما شرکت نمی‌کنیم." چه نظر دارند؟ آنهایی که تبع کمونیست‌ها هستند، چه نظر دارند؟...

تعویق در تصویب قانون‌اساسی و گذاشتن آن را در نظر یک مجلس بزرگ مؤسسان که مناقش آنها و تأسیس آن شش ماه طول می‌کشد و مناقشات آن معلوم نیست یکی دو سال، سه سال طول بکشد، خطر است برای اسلام، خطر است برای رسول‌الله. تأسیس مجلس مؤسسان به آن‌طوری که غربی‌ها الهام کردند، خطر است برای اسلام، خطر است، خطر است برای کشور اسلامی، خطر است برای امام زمان. آنهایی که در اشتباه هستند، برگردند و بدانند توطئه در کار است.»[۱۴]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲۵

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۷، ص۱.

۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۷.

۳ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۸۳، ۱۳۵۸/۳/۲۵، ص۲۷، رادیو ریاض.

۴ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص۴.

۵ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۸۴، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص۱۱.

۶ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص۲.

۷ ـ مأخذ شماره ۳، ص‌ص ۱۳ و ۱۴، رادیو صوت‌الجماهیر به نقل از روزنامه کویتی الرأی العام.

۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.

۹ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۸۵، ۱۳۵۸/۳/۲۷، ص‌ص ۱ تا ۳.

۱۰ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی مجاهدین خلق ایران، جلد ۱ (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، چاپ اول، ۱۳۵۸/۱۱/۲۲) ص‌ص ۱۶۴ تا ۱۶۵.

۱۱ ـ مأخذ شماره ۴، ص۳.

۱۲ ـ مأخذ شماره ۴، ص۳، تهران تایمز، ۱۳۵۸/۳/۲۵.

۱۳ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، جلد ۷، ۱۳۵۸/۳/۲۵) ص‌ص ۱۲۱ تا ۱۲۲.

۱۴ ـ مأخذ شماره ۱۳، ص‌ص ۱۱۴ تا ۱۱۶.

روزشمار

شنبه

۲۶ خرداد ۱۳۵۸

۲۱ رجب ۱۳۹۹

۱۶ ژوئن ۱۹۷۹

۴۴۴

آیت‌الله شبیرخاقانی با صدور اعلامیه‌ای از مردم خواست: «برای نیل به آرمان‌های مترقیانه اسلام، صفوف خود را بیش از پیش مستحکم‌تر کرده و صرفاً در راه اسلام و صرف نظر از مصالح شخصی گام برداریم.» در این اعلامیه آمده‌است: چون اسلام واقعی ضامن حقوق تمام خلق‌ها و اقلیت‌هاست، بر تمام مسلمانان واجب است که برای اتحاد اقشار ملت کوشش نمایند و منافقین را که موجبات تشنج جامعه و از هم گسیختگی آن شده و می‌شوند، از صفوف خود طرد کنند. ملت ایران با کوشش خستگی‌ناپذیر و اراده پولادین توانست رژیم طاغوتی را از میان بردارد، باید در راه اعتلای کلمه توحید و تحقق عدالت اسلام واقعی و نیز برقراری جمهوری‌اسلامی، بیشتر مجاهدت نمایید.

وی در بخش دیگری از اعلامیه خود نوشت: از سنهٔ ۴۲ که مبارزات ملت شریف ایران در مقابل بیدادگری رژیم منحط پهلوی آغاز گردید، این‌جانب به عنوان یک مرجع دینی مجاهدت‌های فراوانی در جهت برانداختن کاخ ظلم معمول داشته و بدبختی‌ها و مشقت‌های فراوانی جهت به ثمر رسانیدن انقلاب‌اسلامی ایران متحمل گردیده‌ام و پس از پیروزی انقلاب برای سوق دادن مسلمانان به سوی یک جامعه توحیدی، آرا و نظریات خود را از طریق رسانه‌های گروهی ابراز نمودم تا بدین‌وسیله دین خود را نسبت به اسلام ادا نموده و تکلیف شرعی متوجه خود ملت گردد.[۱]

۴۴۵

در تداوم تلاش برای ایجاد فضای برخوردار از تفاهم و مسالمت، به گزارش مطبوعات، حجت‌الاسلام شیخ‌عیسی خاقانی طی ملاقاتی با مدنی استاندار خوزستان دربارهٔ مسائل عمرانی خرمشهر مذاکره کردند.

به گزارش کیهان، در این ملاقات استاندار خوزستان دربارهٔ پل دوم خرمشهر گفت: این پل از همه چیز برای شهرستان مهمتر است، زیرا می‌دانیم پل فلزی خرمشهر به علت رفت و آمدهای

زیاد وفشار بی‌حد کامیون‌های سنگین، نمی‌تواند دوام زیادی داشته باشد و همچنین ترافیک سنگینی در شهر ایجاد شده‌است. ما سعی می‌نماییم برای بهبود این اوضاع و رفاه حال خرمشهری‌های عزیز، این پل را احداث نماییم. همچنین من درباره این پل با امام صحبت‌هایی کرده‌ام و بودجه آن برای ساختن آماده است. سعی خواهیم کرد، در اولین فرصت ممکن پل دوم را بر کارون و مقابل کوت شیخ بنا کنیم.

استاندار دربارهٔ اوضاع زندانیان گفت: در این مورد بیش از ۴۲ زندانی در دزفول نیست که امروز ۲۰ نفر را با اتوبوس روانه منزل‌هایشان خواهیم کرد و بقیه را به خرمشهر می‌فرستیم تا دادستان انقلاب درباره پرونده آنها رسیدگی نماید. امیدواریم آنها را تا پس فردا آزاد نماییم.

حجت‌الاسلام خاقانی نیز گفت: ناگفته نماند که شهرستان خرمشهر که یکی از بزرگترین بنادر موجود کشور می‌باشد و این شهر با سالی ۴۵۰ میلیون تومان درآمد خالص از بارگیری و تخلیه بندر، هنوز یک پل که یکی از واجب‌ترین کارهای این شهر می‌باشد، نتوانسته است بسازد و در زمان گذشته هر روز به یک عنوان این مسئله به عقب می‌افتاد، یا نقشه آن آماده نیست، یا مهندسین نیامده‌اند. زیرا پل موجود غیرممکن است بتواند با این همه فشاری که از کامیون‌های سنگین که بیش از هزاران تن وسایل کارخانجات سنگین این مملکت را جابه‌جا نمایند، حتی یک روز را با این فشار سنگین دیگر نمی‌تواند به سر رساند. خرمشهر نه پل بلکه هیچ چیز از خود ندارد، در صورتی که این شهر به علت گرمای طاقت‌فرسایی که در آن موجود است و همچنین میزبان بزرگترین کشتی‌های دنیا می‌باشد، لااقل باید خیابانی آسفالت شده و سر و وضع مرتب داشته باشد. استاندار قول داده‌اند که شهرمان را بسازند و ما هم منتظر قول استاندار خوزستان خواهیم بود. من می‌دانم با فرماندار دلسوزی که خرمشهر نصیبش شده حتماً بعد از انقلاب گامی به جلو خواهیم گذاشت. تا این جا که با رشادت آن مرد بزرگ گذاشته‌ایم و به امید شهردار جوان و فعال شهرمان، زیرا آقای علوی فرماندار و حقانی شهردار هر دو از زحمت‌کشان خرمشهر می‌باشند و تنها امید ما به این دو است.[۲]

۴۴۶

سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی خوزستان در گزارشی به سپاه مرکز تحت عنوان "ورود اسلحه و عوامل دولت عراق به خاک ایران" نوشت:

طی گزارش‌های رسیده از شیوخی که طرف‌دار دولت بازرگان می‌باشند و طی تعهدنامه‌ای که بر روی قرآن مجید نوشته شده و به امضای آنان رسیده، حفظ قسمت‌هایی از مرزهای خوزستان[در] منطقه شوش، با دخالت و کنترل مستقیم فرماندار دزفول به آنان واگذار شده و همچنین به آنان اسلحه و مهمات داده شده تا بتوانند مرز محوله را کنترل نمایند. نتیجه خیلی موفقیت‌آمیز بوده است؛ از جمله [اطلاعات مهم حاصله از این فعالیت جدید به قرار زیر است]:

۱ـ تعداد اسلحه‌هایی که به این منطقه از طریق دولت عراق وارد شده و پخش شده حدود ۳۰ هزار قبضه کلاشینکف روسی نو با مهمات می‌باشد.

۲ـ عده‌ای از افسران عراقی به خاک ایران آمده و افراد مسلح‌شده را تعلیم نظامی می‌دهند.

۳ـ شیوخ و عوامل وابسته به ساواک منحله و افرادشان دارای اردوگاه نظامی مخفی می‌باشند که در حال حاضر نیروهای ما مشغول کشف آن می‌باشند.

۴ـ دولت عراق به شیوخ گفته است تا تعداد ۱۰ هزار قبضه اسلحه را اگر کمیته‌ها کشف کردند، دولت عراق آنها را تأمین خواهد نمود.

۵ـ به علت باز بودن مرزها و نداشتن کنترل، شیوخ و عوامل ساواکی هر چند یک بار با اتومبیل سواری به خاک عراق رفته و کسب دستور می‌نمایند.[۳] (خبر ضمیمه دارد)

۴۴۷

رکن دوم ژاندارمری کل کشور در گزارشی به وزارت کشور اعلام کرد: سپهبد پالیزبان با تعداد ۴۰۰ نفر چریک ایرانی و عراقی در "هلاله" عراق مجاور مرز ایران متمرکز و به منظور خرابکاری و اغتشاش به ایران وارد شده‌است. براساس این گزارش، تقویت و پشتیبانی و حقوق و مزایای آنها را سازمان سیا و شاه سابق به وسیله ارتشبد اویسی فراری پرداخت می‌کند.

در ضمیمه این گزارش آمده است: در ارتفاعات "بمو" در مرز قصرشیرین، در حدود ۱۵۰۰ نفر مسلح که طبق شایعات از افراد سپهبد پالیزبان* می‌باشند، مستقر شده و از طرف یکی از احزاب عراق پشتیبانی می‌شوند.[۴]

۴۴۸

شیخ‌عزالدین حسینی امام‌جمعه مهاباد از ریاست شورای انقلاب شهرستان مهاباد استعفا کرد و دلیل استعفا را اشتغال به کارهای سیاسی و شخصی ذکر نمود. پس از این استعفا، حجت‌الاسلام ملارحیم عباسی ریاست و حجت‌الاسلام ماورانی نیابت ریاست شورای انقلاب مهاباد را به عهده گرفتند. "غنی بلوریان" نیز سمت مشاور شورا را به عهده گرفت.[۵]

عزالدین‌حسینی در یک گفت‌وگوی تلفنی با خبرگزاری فرانسه از توطئه احتمالی ایران، ترکیه و عراق علیه مردم کُرد اظهار نگرانی کرد و گفت: من همواره نسبت به بعضی از ملاقات‌ها نظیر ملاقاتی که وزیر امورخارجه ترکیه با مقامات ایران انجام داد، مشکوک بوده‌ام. چنین ملاقات‌هایی ممکن است توطئه‌هایی علیه ملت کرد درپی داشته‌باشد.[۶]

۴۹۹

گروهی که مطبوعات آنها را "اعضای هیئت حسن‌نیت ترکمن‌صحرا" خوانده‌اند، با امام‌خمینی در قم و وزیر کشور در تهران ملاقات کردند. "ولی‌محمد ارزانش" عضو هیئت پس از بازگشت به منطقه در اجتماع گروهی در گنبد این سفر را بسیار سودمند خواند و متذکر شد که در این سفر سوءتفاهمات مرتفع گردید و مسائل و مشکلات روستاییان و بخصوص اراضی غصب‌شده بررسی گردید. وی افزود: برای دولت مسلم گردید که ستاد مرکزی و شوراهای دهقانی منطقه نه تنها هیچ‌گونه تضاد با سیاست دولت ندارد بلکه برای به ثمر رساندن اهداف انقلاب ایران بسیار سودمند نیز است.[۷]

پس از تصویب؟

جواب: پس از این که مجلس خبرگان تصویب نمود، امام و شوارى انقلاب نظر نهایى را واهند داد و سپس به آراى عمومى گذاشته مى‌شود.[۲۰]

۴۵

روز متن قانون‌اساسى جدید را به طور رسمى دفتر دکتر سحابى وزیر مشاور در طرح‌هاى لاب، در اختیار مطبوعات قرار داد. این متن در ۱۲ فصل و ۱۵۱ ماده تنظیم شده است. به شته مطبوعات، متن قانون‌اساسى از امروز به مدت یک ماه به نظرخواهى عمومى گذاشته ى‌شود.[۲۱] دکتر سحابى در این‌باره گفت: امام جهت احترام گذاشتن به رأى مردم، در جریان یک هه بررسى قانون‌اساسى قرار خواهند گرفت.[۲۲] (خبر ضمیمه دارد)

میمه خبر شماره ۴۴۶

باره ورود غیرقانونى اسلحه عراقى به داخل خاک ایران در اولین ماه‌هاى پس از پیروزى انقلاب‌اسلامى در ى از اسناد مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ به نقل از برادر غلامعلى رشید مسئول وقت اطلاعات و ملیات سپاه دزفول چنین آمده است: این‌جانب سرتیپ پاسدار غلامعلى رشید در این ایام (اوایل سال ۱۳۵) مسئول عملیات و مسئول اطلاعات (دو واحد از واحدهاى ۷ گانه هر سپاه) سپاه دزفول بودم و اهد و ناظر بودم که در منطقه تحت مسئولیت سپاه دزفول و شوش و اندیمشک در مرز مشترک ایران و اق در پاسگاه‌هاى فکّه و ربوط عراقى‌ها تریلى کانکس‌دار آورده بودند که پر از اسلحه، مهمات و نارنجک بود و به سران شیوخ عرب مى‌گفتند هر شیخ هر چند نفر را که مى‌تواند مسلح کند، بیاید اسلحه بگیرد. یلى‌ها رفتند و در روز روشن با وانت اسلحه آوردند. تعدادى از سران شیوخ عرب آمدند و اسلحه‌هایشان به سپاه دزفول تحویل دادند. حتّى خود من یک نفر را که معروف بود فرستادم و رفت یک وانت پر از لحه آورد. به هر حال در سال ۵۸ ما خیلى سلاح جمع کردیم و بسیارى از آنها را به سپاه مرکزى و وشریف (فرمانده سپاه مرکز) دادیم و به مهدى هاشمى معدوم که به مصرف "نهضت‌ها" برساند.[۲۳]

میمه خبر شماره ۴۵۸

ر ۲۹ خرداد روزنامه انقلاب‌اسلامى متنى را با توضیح زیر منتشر کرد: متن زیر پیش‌نویس کامل نون‌اساسى جمهورى‌اسلامى ایران و مقدمه آن است که به حضور رهبر عالى‌قدر انقلاب‌اسلامى ایران ضرت آیت‌الله‌العظمى امام‌خمینى تقدیم شده‌است. این متن با متون منتشره در روزنامه‌هاى دیگر اوت‌هایى دارد و صورت نهایى آن است.

دو تفاوت عمده متن منتشره در روزنامه انقلاب‌اسلامى با سایر متن‌ها عبارت بود از:

۱ـ مقدمه ایدئولوژیک مفصل با مضامین و محتواى نزدیک به بینش بنى‌صدر

۲ـ حذف اصل ۱۰۹ در خصوص مسئولیت وزرا در برابر مجلس[۲۴]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲٦

۱ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص ۱۰.
۲ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص ۲.
۳ـ سند شماره ۰۹۰۲۹۹، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش سپاه خوزستان به ستاد مرکز.
۴ـ سند شماره ۰۳۳۶۴۶ ـ ۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش رکن دوم ژاندارمرى کل کشور به وزارت کشور.
۵ـ مأخذ شماره ۱، ص ۳.
۶ـ خبرگزارى پارس، "گزارش‌هاى ویژه" نشریه شماره ۸۵، ۱۳۵۸/۳/۲۷، ص ۱۵، خبرگزارى فرانسه.
۷ـ مأخذ شماره ۱، ص ۳.
۸ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۷، ص ۱۱.
۹ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۱۰ـ مأخذ شماره ۱، ص ۴.
۱۱ـ مأخذ شماره ۲، ص ۵.
۱۲ـ مأخذ شماره ۲، ص ۵. خبرگزارى پارس.
۱۳ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۷، ص‌ص ۲ تا ۳.
۱۴ـ مأخذ شماره ۸، ص ۲.
۱۵ـ مأخذ شماره ۶، ص ۴، آسوشیتدپرس.
۱۶ـ مأخذ شماره ۶، ص ۵، رادیو صوت‌الجماهیر.
۱۷ـ مأخذ شماره ۶، رویتر.
۱۸ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص ۱۲، یونایتدپرس از کویت.
۱۹ـ خبرگزارى پارس، "گزارش‌هاى ویژه"، نشریه شماره ۸۵، ۱۳۵۸/۳/۲۷، ص ۱۲. یونایتدپرس.
۲۰ـ مأخذ شماره ۸، ص ۳.
۲۱ـ مأخذ شماره ۲، ص ۶.
۲۲ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص ۱.
۲۳ـ سند شماره ۴۵۰۸۰۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، توضیحات سردار غلامعلى رشید (معاون اطلاعات‌عملیات فرماندهى کل قوا).
۲۴ـ روزنامه انقلاب‌اسلامى، ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص ۵.

روزشمار

یکشنبه

۲۷ خرداد ۱۳۵۸
۲۲ رجب ۱۳۹۹
۱۷ ژوئن ۱۹۷۹

۴۵۹
اخبار مربوط به بحران موسوم به "خلق عرب" در خوزستان که ظاهراً یک پدیده قومی داخلی است، به‌تدریج جنبه دیگری که پررنگ‌تر شدن مداوم نقش دخالت‌ها و مطامع عراق است را به خود می‌گیرد. البته تیرگی روابط ایران و عراق، تنها در ماجرای خوزستان نمود نمی‌یابد و مسائل مختلفی را دربر می‌گیرد، اما به هرصورت این یکی از محورهای عمده درگیری دو کشور محسوب می‌شود. آنچه مسلم است این که اخبار دو مسئلهٔ بحران خوزستان و تیرگی روابط ایران و عراق به‌تدریج به صورت مطلبی واحد یا لااقل مطالبی مکمل یکدیگر درمی‌آیند و غالباً نمی‌توان آنها را در دو مقوله اساساً متفاوت دسته‌بندی کرد. با توجه به آنچه ذکر شد، نمونه‌هایی از عمده‌ترین خبرها و تحلیل‌های مطروحه در این باب که امروز رسانه‌های گروهی منتشر کردند، به قرار زیر می‌باشد:

مخبر روزنامه القبس در گزارشی که از واشنگتن به نقل از مقامات امریکایی فرستاد، متذکر گردیده است که به نظر می‌رسد عراق برای حمایت از خواسته اعراب ساکن ایران یعنی گرفتن خودمختاری از رژیم آیت‌الله خمینی، دست به اقدام نظامی علیه ایران زده و در استان خوزستان مداخله کرده‌است.[1] رویتر نیز اعلام کرد: عراق نیروهای خود را در امتداد مرز با خوزستان تقویت کرده‌است و واحدهای زرهی به آن‌جا گسیل داشته‌است.[2]

همچنین خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از القبس گزارش داد که ایران و عراق به بسیج سربازان در طول مرزهای خود پرداخته و عراق دست به نقل و انتقالات نیروهای نظامی زده است.[3]

در این حال، روزنامه‌ها و منابع خبری عراق جنگ تبلیغاتی شدیدی را علیه ایران ادامه می‌دهند؛ از جمله، روزنامه دولتی الجمهوریه نوشت: «طرز فکر فلاکت‌بار امپریالیستی که در زمان شاه بر سیاست‌های ایران حکم‌فرما بود، در رژیم جدید نیز وجود دارد. روشی که رهبران جدید ایران و کسانی که آنها را راهنمایی می‌کنند در پیش گرفته‌اند در واقع سیاست تهاجمی و

توسعه‌طلبانه رژیم شاه است و نشانه بارز آن یک گستاخی بی‌مانند است.»[4] روزنامه الثوره ارگان حزب بعث نیز نوشت: «اظهارات و تحریکات رهبران ایران علیه بعضی از کشورهای عربی در منطقه خلیج [فارس] به طور تعجب‌آوری یادآور اوضاعی است که در دوران شاه در این منطقه برقرار بود. روش رهبران جدید ایران ماهرانه‌تر و خطرناک‌تر از روش رژیم قدیم است.» این روزنامه هشدار داد: رهبران ایران را یادآوری می‌کنیم که بازی با آتش خطرناک است و هر نوع تلاش برای لطمه وارد کردن به ملل عرب، بسیار گران تمام خواهد شد.[5] خبرگزاری عراق نیز عنوان کرد: اظهارات اخیر مسئولان ایران درباره ضرورت پیمان‌های اقتصادی جدید میان کشورهای منطقه، به هیچ‌وجه با سیاست شاه در این زمینه تفاوت ندارد.[6]

۴۶۰
یونایتدپرس به نقل از خبرگزاری عراق اعلام کرد که حافظ اسد رئیس‌جمهوری سوریه و احمد حسن‌البکر رئیس‌جمهوری عراق مذاکرات خود را برای تحکیم وحدت دو کشور آغاز کردند. به گزارش یونایتدپرس، رئیس‌جمهوری سوریه کوشش خواهد کرد که بین عراق و ایران میانجیگری کند. دولت عراق نیروهای نظامی خود را در سراسر مرزهای خود با ایران خاصه در نوار مرزی خوزستان تقویت کرده است. سفر رهبر سوریه به عراق با بروز بحران شدید در روابط ایران و عراق مواجه شده است. هفته‌نامه النهار که مرکز آن در پاریس است نوشت که بروز این بحران ممکن است سرعت پیشرفت مذاکرات در زمینه همکاری‌های نظامی بین سوریه و عراق را کُند کند.[7]

۴۶۱
سعدقاسم حمودی وزیر اطلاعات عراق گفت: «هر ادعایی از طرف ایران در مورد مالکیت بر بحرین نشان دهنده یک طرز فکر توسعه‌طلبانه و وطن‌پرستی افراطی خواهد بود.» به گزارش خبرگزاری عراق، حمودی گفت: «بحرین عربی است و هیچ ادعایی در مورد آن وارد نیست. طرز تفکرهای متعصبانه و توسعه‌طلبانه گاهی حقایق را وارونه جلوه می‌دهد.» وی افزود: عراق درصدد است هویت عربی سراسر نواحی عربی را حفظ کند.[8]

ابراز این گونه بهانه‌جویی‌ها و فرصت‌طلبی‌های عراق در حالی است که به دنبال اظهارنظر آیت‌الله سیدصادق روحانی در خصوص از سرگرفتن دعاوی ارضی ایران بر بحرین، وزارت امورخارجه دولت موقت با انتشار بیانیه‌ای صراحتاً مواضع ایران را در این باره به شرح زیر اعلام کرده است:

«وزارت امورخارجه دولت موقت جمهوری‌اسلامی ایران در رابطه با اظهاراتی که به نام حضرت آیت‌الله روحانی ناظر بر احتمال از سرگرفتن دعاوی ارضی ایران بر بحرین و عراق در مطبوعات به چاپ رسید لازم به توضیح می‌داند که آیت‌الله روحانی دارای سمتی رسمی در دولت موقت جمهوری اسلامی نمی‌باشد و از این رو اگر انتساب بیانات مذکور به نحوی که عنوان شده‌است، درست باشد، در حکم اظهار عقیده آزاد و خصوصی هر فرد است که در پرتو

آزادی عقیده و بیان موجود در ایران، عنوان گردیده‌است. بدیهی است که با توجه به تحولات آتی، هرگاه که اعلام موضع رسمی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در باب یا موضوعی مشابه و مبتلا به سیاست خارجی ایران لازم تشخیص داده شود این مهم از طریق سخنگوی رسمی دولت و یا سخنگوی این وزارت انجام خواهد شد.»(۹)

۴۶۲
به دعوت جوانان مسلمان نهضت‌آباد (لشکرآباد سابق) اهواز، سیدمحمد کیاوش مدیر کل آموزش و پرورش خوزستان برای ایراد سخنرانی در حول و حوش حوادث اخیر خوزستان و نیز موقعیت حساس و کنونی این استان سخن گفت. به نوشته روزنامه کیهان، وی درباره انقلاب اسلامی ایران و اثرهای آن در کشورهای همجوار و نیز در جهان صحبت کرد و این حرکت دشمنانه را که در داخل مملکت عوامل ضدانقلاب و ایادی بیگانه و ضدخلق به عناوین مختلف نقشه و توطئه علیه این نهضت و قیام بزرگ اسلامی برپا می‌کنند، به شدت محکوم کرد و از جوانان غیور عرب مسلمان و فارسی‌زبان نهضت‌آباد در اهواز خواست که با بیداری و هوشیاری انقلابی خود که از آغاز انقلاب تاکنون از آن مراقبت و مواظبت نموده‌اند، همچنان در حفظ و حراست این قیام عظیم اسلامی در این گوشه از خاک وطن یعنی خوزستان کوشا باشند.

در پایان سخنرانی، جوانان مسلمان نهضت‌آباد و دیگر طبقات جنوب شهر اهواز تظاهرات و راهپیمایی با شکوهی انجام دادند. راهپیمایان ضمن محکوم کردن اعمال ننگین حزب بعث عراق و نیز پشتیبانی شدید خود از رهبر انقلاب اسلامی "امام‌خمینی" و دولت جمهوری‌اسلامی و همچنین اعلام حمایت و پشتیبانی از برادران مسلمان عراقی و تأیید دادستان انقلاب‌اسلامی خوزستان "ابوالقاسم ستاریان" و نیز احکام این دادگاه در مورد محکوم نمودن مجرمان رژیم طاغوتی و انزجار شدید از اعمال دولت و حزب بعث عراق در بمباران اخیر روستاهای ایران و با شعار مکرر "مرگ بر صدام حسین" به راهپیمایی خود پایان دادند.(۱۰)

۴۶۳
امروز ترجمه پیامی از آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر رهبر شیعیان عراق که چند ماه پیش در گرماگرم پیروزی انقلاب‌اسلامی برای ملت ایران فرستاده شده‌بود، در روزنامه کیهان به چاپ رسید. در این پیام ضمن اشاره به مبارزات ملت ایران با استبداد و استعمار در نهضت تنباکو، مشروطه و انقلاب‌اسلامی، آمده است: در تمام این حماسه‌ها این روحیه مذهبی است که برای نهضت همچون چشمه‌ای زاینده به شمار می‌آید و این شعارهای بزرگ اسلامی است که در صحنه مبارزه خودنمایی می‌کند و این مرجعیت و رهبری خردمندانه مذهبی است که توده‌های مؤمن خلق به دور آن جمع گشته و در پایداری و پیکار خویش از آن الهام می‌گیرند... هیچ ملتی هویت اسلامی خود را همچون ملت مسلمان ایران که هویت اسلامی خود را در تمام مبارزات شرافت‌مندانه خویش تثبیت کرد، جلوه‌گر نساخته است... نهضت برپا شده کنونی ملت ایران از

نظر گسترش روزافزون و وسعت فداکاری‌ها و ایستادگی مردم خود، جالب‌ترین جلوه این هویت مبارزه‌گرانه است.

در ادامه این پیام، پیروی مردم از رهبری مذهبی عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی دانسته شده و در این باره آمده است: از حقایق مسلمه این است که ملت ایران همیشه پیروزی خود را در مبارزه به اندازه همبستگی خود با رهبری روحانیت و مرجعیت خردمندانه مذهبی و به نسبت این همبستگی تحقق بخشیده است؛ بدین معنی که هر وقت بر این حقیقت آگاه بوده و کاملاً با رهبری مذهبی و مرجعیت آگاه دینی همراهی و همدلی داشته، توانسته است حرف خود را به کرسی بنشاند و بعکس هر وقت این ملت مجاهد از این حقیقت غفلت نموده یا او را به غفلت انداخته‌اند، با شکست و توطئه مواجه شده‌است. بنابراین باید گفت رهبری مذهبی و مرجعیت آگاه دینی، خود دژ مستحکمی است که ملتی را از شکست‌ها و انحراف‌ها مصون و محفوظ می‌دارد.(۱۱)

۴۶۴
"حرکت انقلاب اسلامی عراق" با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «انتشار خبر پیروزی انقلاب‌اسلامی ایران به رهبری امام‌خمینی حکام بعثی عراق را سخت پریشان‌خاطر ساخت. آنها نمی‌توانستند بپذیرند انقلاب ایران انقلاب اسلامی است و به دست توانای یک روحانی انجام شده‌است. اسلامی بودن انقلاب ایران جا داشت آنها را نگران کند زیرا غالب ویژگی‌های ایران از ستمکاری و ضدمردمی بودن حکومت تا مبارزه با اسلام و مردم، در حکومت عراق نیز موجود است. هراس از این معنی صدام حسین را بر آن داشت که چهره انقلاب اسلامی ایران را به گونه دیگری برای کادرهای حزب بعث ترسیم نماید، بدین منظور یک اعلامیه احمقانه‌ای با عنوان "آنچه که یک بعثی باید بداند." را منتشر کردند که در آن آمده است:

«۱ - انقلاب خمینی حرکتی است غیراسلامی و هیچ‌گونه ارتباطی با اسلام ندارد. این انقلاب به خاطر انتقام‌جویی از خون فرزندش مصطفی خمینی که به دست عمال ساواک به طرز مرموزی کشته شد، صورت گرفته‌است. به حزب وفادار باشید و هرگز فریب این انقلاب را نخورید. ۲ - باید جوانان مسلمان و دانشجویان را از علما و رهبران دینی دور کنید و از هرگونه تماس بین آنها جلوگیری کنید. ۳ - رفتار جوانان اسلامی و فعالیت آنها را در مساجد و تکایا کاملاً زیر نظر بگیرید و مرتباً به مقامات امنیتی گزارش دهید. ۴ - بدانید ملت ایران مردمی وحشی و هرج و مرج‌طلب و مخالف هرگونه نظم و قانون می‌باشند. ۵ - مردم ایران ارتجاعی و پای‌بند به خدا و دین و اسلام به شکل ارتجاعی آن هستند.»(۱۲)

۴۶۵
حزب دمکرات کردستان عراق (قیاده موقت) با انتشار اطلاعیه‌ای - که متن کامل آن در روزنامه کیهان به چاپ رسید - از اوجگیری مبارزات در کردستان عراق خبر داد. در این اطلاعیه گزارش مفصل از درگیری‌های این گروه با رژیم عراق از ۴/۲۱ تا ۱۹۷۹/۵/۲۹ (۲/۱ تا ۱۳۵۸/۳/۵) داده

سرمایه‌داری را تهدید می‌کند و دستگاه‌های تبلیغاتی غرب گناه آن را به گردن اوپک می‌اندازند و کشورهای عضو اوپک را متهم می‌کنند که قصد دارند تمدن غرب را به نابودی بکشانند.»[۲۸]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲۷

۱ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۸۶، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص۳، آسوشیتدپرس.
۲ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص۱۱، رویتر.
۳ـ مأخذ شماره ۱، ص۳، آسوشیتدپرس.
۴ـ مأخذ شماره ۱، ص۲، رویتر.
۵ـ مأخذ شماره ۱، ص۲، خبرگزاری فرانسه.
۶ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۸۷، ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص۳، خبرگزاری فرانسه به نقل از خبرگزاری عراق.
۷ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۷، ص۱۶، یونایتدپرس.
۸ـ مأخذ شماره ۱، ص۴، رویتر.
۹ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص۲.
۱۰ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۷، ص۷.
۱۱ـ مأخذ شماره ۱۰، ص۸.
۱۲ـ مأخذ شماره ۱۰، ص۲.
۱۳ـ مأخذ شماره ۱۰، ص۱۰.
۱۴ـ مأخذ شماره ۹ ص۲.
۱۵ـ مأخذ شماره ۶، ص‌ص ۱۴ ـ ۱۳، رادیو لندن.
۱۶ـ مأخذ شماره ۱۰، ص۱۱.
۱۷ـ مأخذ شماره ۱۰، ص۱.
۱۸ـ مأخذ شماره ۱۰، ص۸.
۱۹ـ مأخذ شماره ۷، ص۱۶.
۲۰ـ مأخذ شماره ۷، ص۱۶.
۲۱ـ مأخذ شماره ۷، ص۲.
۲۲ـ مأخذ شماره ۷، ص۱۲.
۲۳ـ نهضت آزادی ایران، تاریخ معاصر ایران، اعلامیه‌ها و تحلیل‌های سیاسی ۱۳۵۹ـ۱۳۵۷، جلد۱۱ (تهران: نهضت آزادی ایران، چاپ اول، ۱۳۶۴)، ص‌ص ۱۴۹ـ۹۴.
۲۴ـ سند شماره ۴۵۰۸۰۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲۵ـ مرکز تدارک فرهنگی انقلاب‌اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام، جلد۷ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی)، ص‌ص ۱۳۸ـ۱۳۷.
۲۶ـ مأخذ شماره ۷، ص۱۶.
۲۷ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۴، رادیو امان.
۲۸ـ مأخذ شماره ۱۰، ص۱۲.

روزشمار

دوشنبه

۲۸ خرداد ۱۳۵۸
۲۳ رجب ۱۳۹۹
۱۸ ژوئن ۱۹۷۹

۴۷۷
سیدمحمدرضا علوی فرماندار خرمشهر در نامه‌ای که برای شیخ‌عیسی خاقانی ارسال کرد در مورد تشکیل کانون‌های جدید در خرمشهر پس از تخلیه کانون‌های گذشته، نوشت:

حضرت حجت‌الاسلام شیخ‌عیسی خاقانی ـ دامة‌برکاته ـ جناب آقای استاندار فرمودند: «در اجرای نظریات حضرت مستطاب‌عالی فوراً کانون نشر فرهنگی اسلامی در خرمشهر زیر نظر یکی از آیات عظام تشکیل شود. به شرط تأیید آیت‌الله شیخ محمدطاهرآل‌شبیرخاقانی فوراً کار خود را شروع نمایند و به عنوان میمنت و تبرک بعد از چاپ یک قرآن مجید، یک دوره از کتاب‌هایی که تا کنون از طرف آیت‌الله شیخ‌محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی چاپ و منتشر شده، مجدداً چاپ و منتشر شود و به تعداد کافی در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد و دورهٔ کاملی از کتاب‌های منتشرهٔ فوق به طور رایگان برای کتابخانه‌های بزرگ ایران و جهان ارسال گردد. هزینه و بودجه تأمین است و فرصت مغتنم می‌داند، شخصاً حضورتان ادای احترام کنم.»[۱]

۴۷۸
گروهی از مردم خرمشهر ضمن مراجعه به دفتر نمایندگی روزنامه کیهان خدمات سیدمحمدرضا علوی فرماندار خرمشهر را ستودند و تقاضای تشویق نام‌برده را از مقام محترم وزیر کشور و استاندار محترم خوزستان داشتند. آنها مدعی بودند: «اگر فرماندار بیمار نمی‌شد، در خرمشهر خونی ریخته نمی‌گردید ما دیدیم روزهای قبل از واقعه راکه چگونه طی جلسات چند و چندین ساعته با همه گروه‌ها چه عرب و چه عجم برادروار به گفت‌وگو نشست و با صبر و تحمل حتی سخنان درشت و ناروا را با صبر شنید و با سیاست پاسخ داد: علوی در بدو ورودش به خرمشهر با مشکلات بزرگی روبه‌رو بود که از جمله آنها، اعتصاب‌کارگران بندر استیودورینگ، فرار کارفرمایان از پرداخت حقوق کارگران زحمت‌کش و انحلال شرکت‌هایی را که صاحبانش می‌دیدند دیگر زمان چپاول به پایان رسیده است را می‌توان نام برد. علوی در یک گفت وگوی کوتاه ولی انقلابی به کارفرمایان انقلاب را تفهیم نمود.»

مراجعه کنندگان افزودند: «اعتصاب‌ها با زور و قلدری شکسته نشد بلکه به اعتصاب‌کنندگان گفته شد که ضدانقلاب از اعتصاب شما کارگران بهره می‌برد. و چون گفته‌ها صادقانه بود، اعتصابیون نیز پذیرا شدند و خلاصه خرمشهر ـ بندر بزرگ ایران ـ بار دیگر فعالیت شبانه‌روزی خود را از سرگرفت و بیش از ده هزار کارگر به کار مشغول شدند.» علوی خود عقیده دارد که هنوز نتوانسته حتی یک قدم برای مردم بردارد. وی می‌گوید: «با کمک مسئولان، به خصوص تیمسار مدنی استاندار محبوب خوزستان، به زودی کارهای عمرانی و اساسی را در این شهر آغاز خواهیم کرد؛ تا آن جا که خرمشهر همچون اسمش واقعاً خرم شود.»[۲]

۴۷۹
روزنامه کیهان گزارش داد مدارک مستندی در اهواز به معرض نمایش گذاشته‌شده‌است که نشان‌دهنده دخالت عوامل حکومت بعثی عراق، ساواک منحله و چپ‌ها در حوادث اخیر خوزستان می‌باشد. در این نمایش، مسلسل‌های ساخت عراق به همراه فشنگ‌هایی با آرم ارتش این کشور به معرض نمایش گذاشته شده‌است.[۳] روزنامه اطلاعات نیز در این‌باره نوشت: «نمونه‌هایی از اسلحه‌هایی که دولت عراق در ایران توزیع می‌کند و نیز اسناد و مدارک مربوط به توطئه علیه انقلاب‌اسلامی ایران در مرکز فرهنگی اهواز نشان داده شده‌است.» براساس این گزارش، چند تن از جوانان عضو مرکز فرهنگی اسلامی فاش ساختند که سیل اسلحه همچنان از سوی عراق به ایران سرازیر است و از طریق مرزهای آبی و زمینی در نواحی مرزی ایران ـ بیشتر در نقاط خرمشهر، سوسنگرد، بستان و هویزه ـ به صورت رایگان در اختیار مردم قرار می‌گیرد که در کار توزیع اسلحه، افسران عراقی نیز شرکت دارند و اغلب مردم مرزنشین مراجعه می‌کنند و می‌گویند که عراقی‌ها ضمن سخن‌رانی آنان را به شورش علیه حکومت جمهوری‌اسلامی ایران دعوت می‌کنند و برای تجزیهٔ خوزستان ـ یا به قول عراقی‌ها "عربستان" ـ آموزش‌هایی می‌دهند. این گزارش می‌افزاید: گروهی از مرزنشینان وفادار به جمهوری اسلامی ایران اسلحه‌هایی را که عراقی‌ها به آنها داده‌اند در اختیار مقامات ایرانی گذاشته‌اند. در این مورد چندین نمونه کلاشینکف، سیمونوف و نمونه‌هایی از فشنگ‌هایی که آرم ارتش عراق بر آن حک شده به بازدیدکنندگان نشان داده‌شد. اعضای مرکز فرهنگی اسلامی اهواز فاش کردند که گروهی از مرزنشینان چند بار جرج حبش و نیز فرستادهٔ صدام‌حسین، معاون رئیس‌جمهوری عراق را به هنگام توزیع پول و اسلحه بین مردم مرزنشین ایران دیده‌اند.[۴]

۴۸۰
دکتر صادق طباطبایی معاون سیاسی وزارت‌کشور، در مصاحبه مطبوعاتی امروز خود به مسئله خوزستان اشاره کرد و گفت: «در خوزستان گروه‌هایی بودند که به تعبیر خود مردم خوزستان و آیت‌الله شبیرخاقانی و تیمسار مدنی، جنبه‌های ملی ندارند و گروه‌های ضدانقلابی هستند. منفجرکردن ریل آهن و یا منفجرکردن پالایشگاه آبادان یا انفجار و آتش‌سوزی در بندر گمرک خرمشهر، طبیعی است توسط کسانی صورت می‌گیرد که انگیزه‌های ضدانقلابی دارند. آنان بلوا و

ناامنی را در منطقه ایجاد می‌کنند و از آن طرف نیز اسلحه‌های عراقی وارد ایران می‌شوند و خلاصه تمام اقدامات در جهت تضعیف دولت مرکزی صورت می‌گیرد و این را هر کسی خوب می‌داند که تضعیف دولت مرکزی و ایجاد درگیری روزمره برای دولت مرکزی مانع از آن می‌شود که دولت بتواند فرصت یا امکانی داشته‌باشد تا امکانات خود را برای طرح‌های درازمدت بسیج کند.» معاون وزارت‌کشور به همکاری عراق با عناصر رژیم گذشته، نقش عراق در تجهیز و سازمان‌دهی و تعلیمات افرادی که در نوار مرزی علیه ایران فعالیت تخریبی می‌کنند، استقرار نیرو در مرزها و دیگر اقدامات تحریک‌آمیز عراق علیه دولت ایران اشاره کرد و گفت: «تحریکات دیگری نیز از طریق رادیوهای خارجی صورت می‌گیرد؛ رادیو بی.بی.سی نوعی خبر تحریک‌آمیز پخش می‌کند و رادیو کویت نیز تبلیغات تحریک‌آمیزی دارد.»

طباطبایی افزود: «این که هنوز رادیو کویت تحریکاتی را علیه ایران می‌کند یا نمی‌کند، در این یکی دو روز گذشته اطلاعی ندارم، ولی از قرار تماس‌هایی از طریق وزارت امورخارجه با دولت کویت گرفته شده که آنان دست از این تحریکات بردارند و از چاپ مطالبی که در روزنامه‌های کویت نوشته می‌شود و تحریک‌آمیز است خودداری کنند. البته در کویت روزنامه‌هایی منتشر می‌شود که از خارج از کویت سرچشمه می‌گیرد، یعنی مخارج آنان از خارج از کویت تأمین و تضمین می‌شود و تا آن جا که من اطلاع دارم تماس‌هایی با وزارت‌خارجه کویت گرفته شده تا از این گونه تحریکات جلوگیری شود.»[۵]

۴۸۱
نشریه پیکار، ارگان سازمان "پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"، در گزارشی کاملاً جانبدارانه از جریان‌های قومی در خوزستان نوشت: خلق عرب همانند خلق‌های کرد، ترکمن، بلوچ و ... در رژیم شاه خائن تحت استثمار و ستم دوگانه سرمایه‌داران و فئودال‌ها و ... قرار داشتند ... روز چهارشنبه ۱۳۵۸/۳/۹ نیروهای ارتجاعی به کمک پاسداران به اصطلاح انقلاب و کماندوهای ارتش هجوم خود را به خلق عرب و از جمله به کانون فرهنگی‌عرب در خرمشهر شروع کردند و مردم بی‌گناه را هدف رگبارهای خود قرار دادند و صدها تن از مردم بی‌گناه (و به قول خودشان تجزیه‌طلب) را از زن و مرد و کودک و پیر کشته و مجروح و یا دستگیر کردند. ما ضمن این که کشتار وحشیانه خلق عرب را شدیداً محکوم می‌کنیم و خواستار محاکمه و مجازات مسببین کشتار وحشیانهٔ خلق عرب و در رأس آن ژنرال مدنی هستیم، پشتیبانی کامل خود را از توده‌های زحمت‌کش خلق عرب اعلام می‌داریم.[۶]

۴۸۲
شیخ‌عزالدین حسینی با ارسال نامهٔ سرگشاده‌ای به مطبوعات، گزارش آیت‌الله ربانی‌شیرازی را در مورد کردستان غرض‌ورزانه خوانده. در این نامه آمده‌است: پس از انقلاب شکوهمند، مخصوصاً پس از اعلام اسلامی بودن آن، خلق‌های تحت ستم ایران انتظار داشتند که صداقت و عدالت اسلام، بار سنگین و انگ ننگین رژیم‌های طاغوتی را از دوش آنها بردارد. اما بیم آن

ما منتظر گزارش‌ها و نظریات شما در مورد راه‌هایی که بتوانیم از آن راه‌ها موقعیت امریکا را در ایران در طول هفته‌هایی که سفارت تحت نظر شما است تقویت کنیم، هستیم.[۲۶]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲۸

۱ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص ۴.
۲ـ مأخذ شماره ۱، س ۷.
۳ـ مأخذ شماره ۱، ص ۷.
۴ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص ۲.
۵ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص ۴.
۶ـ نشریه "پیکار"، ارگان سازمان "پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"، شماره ۸، تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص ۳.
۷ـ مأخذ شماره ۴، ص ۸.
۸ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۸.
۹ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱۲.
۱۰ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سازمان مجاهدین خلق ایران (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق، ۱۳۵۸/۱۱/۲۲)، ص ۱۶۶.
۱۱ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۷ (تهران وزارت ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۶۱) ص‌ص ۱۳۹ـ۱۴۰.
۱۲ـ مأخذ شماره ۱۱، ص ۱۴۶.
۱۳ـ مأخذ شماره ۱۱، ص ۱۵۰.
۱۴ـ مأخذ شماره ۴، ص ۵.
۱۵ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۷، ص‌ص ۱ و ۲.
۱۶ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص ۲.
۱۷ـ مأخذ شماره ۴، ص ۲.
۱۸ـ مأخذ شماره ۵، ص ۴.
۱۹ـ مأخذ شماره ۵، ص ۱۰.
۲۰ـ سند شماره ۴۳۱۸۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامه استانداری کردستان به شمارهٔ ۰۲/۵۰۴، مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۸.
۲۱ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱.
۲۲ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱.
۲۳ـ مأخذ شماره ۵، ص ۴.
۲۴ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۵ (تهران: نشر لانه، بی تا) ص ص ۱۱۸ تا ۱۲۰.
۲۵ـ مأخذ شماره ۴، ص ۲.
۲۶ـ مأخذ شماره ۲۴، ص‌ص ۱۱۵ تا ۱۱۷.

روزشمار

سه‌شنبه

۲۹ خرداد ۱۳۵۸

۲۴ رجب ۱۳۹۹

۱۹ ژوئن ۱۹۷۹

۴۹۳

در خوزستان علی‌رغم پیدا شدن چشم‌انداز تفاهم در سران و بزرگان جریان‌های سیاسی مهم، تحرکات خشونت‌بار همچنان خود را به عنوان یک تهدید نشان می‌دهد. امروز در آبادان دو قبضه نارنجک گاز اشک‌آور را مهاجمانی که بر اتومبیل آریای سفید سوار بودند، به طرف شهربانی و بازارکویتی‌ها، پرتاب کردند و قبل از هرگونه اقدام برای شناسایی و دست‌گیری آنان، متواری شدند.[۱]

۴۹۴

در پی‌اظهارات عزالدین حسینی علیه آیت‌الله ربانی‌شیرازی (در روز شماره ۵۸/۳/۲۸ درج شده است)، حزب دمکرات کردستان نیز طی اعلامیه‌ای اظهارات وی را درباره وقایع کردستان به شدت محکوم کرد. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: همه می‌دانند طبق درخواست حزب ما آیت‌الله ربانی‌شیرازی جهت تحقیق در مورد رویداد نقده و ایجاد راه حلی برای مشکل آوارگان به این منطقه اعزام شده‌بود، اما آیت‌الله ربانی به‌جای این‌که مستقیماً به میان آوارگان برود و از نزدیک با وضع رقت‌بار آنان آشنا شود و آن را مورد رسیدگی قرار دهد قبلاً به شهرهای ارومیه، خوی، سردشت، اشنویه و پیرانشهر رفته و آنچه برای ایشان اهمیت نداشت وضعیت یک‌هزار نفر آواره‌کرد بود که ارتش و ژاندارمری و افراد مسلح به اصطلاح مجاهد ارومیه آنان را بی‌خانمان کرده‌اند. در اعلامیه همچنین ضمن اشاره به سخنان آیت‌الله ربانی درباره پادگان مهاباد اضافه شده است: نماینده امام هنوز هم اعتقاد ندارد که انقلاب تا حدودی پیروز شده و مردم زحمتکش و استثمارشده ضد رژیم شاهنشاهی بپاخاسته‌اند و علیه ارتش ضدخلقی سلاح بدست گرفته‌اند و آن را از هم متلاشی نموده و تسلیحات ارتش را تصاحب کرده‌اند. آیا جناب آیت‌الله ربانی‌شیرازی و کسان دیگری نظیر ایشان که می‌خواهند رفتار ضدانقلابی مرتجعین و ساواکی‌هایی که خود را در کمیته‌ها جا زده‌اند، را زیر پوشش غارت پادگان مهاباد نادیده بگیرند. ممکن است بگویند پادگان‌های تهران و شهرهای دیگر دچار چه وضعی شده‌اند؟ ... آقای

خویش را خواهیم نمود که با توجه به این که ما اختلاف عمده‌ای در خط مشی نداریم، جریان را عادی کنیم.

او از من راجع به طرح‌هایمان برای سفیر سؤال کرد. من در جواب با صراحت گفتم که عدم قبول کاتلر به عنوان سفیر از طرف دولت ایران، مسائلی را در واشنگتن به وجود آورده که فعلاً باید حل شود، بنابراین امکان جایگزینی فوری برای وی وجود ندارد. در هر صورت من اضافه کردم که انتصاب و تأیید آن، جریانی نسبتاً طولانی است لذا دولت ایران باید صبور باشد و بیان داشتم که نباید انتظار پیشرفت مهمی تا پاییز داشته باشد. در حالی که به وضوح تمایلی جهت جایگزینی سفیر داشت ولی به نظر می‌رسید که انتظام مشکلات را درک می‌کند.

در طول گفت‌وگوهایمان (که رئوس گوناگونی را که در تلگراف‌های ماه سپتامبر ذکر شده، شامل می‌شد) انتظام با موضعی که در مقابل من گرفت نشان داد که او و بقیهٔ اعضای دولت از ناراحتی‌هایی که در رابطه با سیستم دوگانه دولت برایشان پیش آمده، رنج می‌برند. او چندین بار بیان داشت که وقتی که افراد غیرمسئول ولی سیاسی‌کار، اظهارات عجولانه‌ای می‌کنند، کار دولت را سخت‌تر می‌کنند. (او گفت بعد از سال‌ها دیکتاتوری، مردم آزاد شده‌اند، آنها فکر می‌کنند حق دارند هر چه می‌خواهند بگویند و هر کس می‌خواهد یک رهبر باشد).

از او در مورد انتصابش به سفارت ایران در سوئد پرسیدم. جواب داد این برای ما ساده‌تر است تا با یکدیگر در استکهلم صحبت کنیم. مقدمتاً فکر می‌کردیم که بیشتر از چند ماه به طول نخواهد انجامید تا مسائلمان را حل کنیم ولی این مردم دخالت‌هایشان را ادامه می‌دهند. ما امیدواریم که فرصت داشته باشیم که مسائلمان را حل کنیم. ما در این جهت به کمک‌های شما نیاز داریم. ما باید صبر کنیم، هر چند ممکن است یکی دو سال به طول بینجامد.

در حالی که انتظام ظاهراً خالصانه کوشش‌هایش را در جهت بهبود رابطه با ما نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد مانند تعداد کمی از ایرانیان اهمیت روابط ایران و امریکا را در این روزها درک می‌کند، وقتی که یادآور شدم (به او و خودم) که ایران یک انقلاب سیاسی خیلی شدید را تجربه کرده و این، زمان و صبر فراوانی می‌خواهد تا اوضاع دوباره مرتب شود، ناامیدی‌اش راجع به عدم پیشرفت فقط مقداری تقلیل پیدا کرد.(۲۴)

۵۰۹

وزارت امورخارجه، وزارت دفاع و شرکت‌های سازنده هواپیماهای نظامی امریکا مراجعت ۴۰ کارشناس نظامی امریکا به ایران را رسماً تکذیب کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، مقامات امریکایی اذعان دارند که هنوز هفتاد تن دیگر از مستشاران نظامی سابق در محل سفارت امریکا در تهران سکونت دارندولی کوچک‌ترین دخالت آنها را در امر تعمیر و سرویس وسایل نظامی و کوچک‌ترین شرکت آنها را در همکاری نظامی با ایران تکذیب می‌کنند. مقامات وزارت دفاع امریکا نیز یادآور شدند که دولت جدید ایران چندی قبل اظهار علاقه کرده بود که قسمتی از اسکادران‌های اف-۱۴ و موشک‌های مدرن فونیکس را که مربوط به این بمب‌افکن‌هاست، به

دولت امریکا بفروشند زیرا دولت ایران دیگر به این نوع وسایل جنگی نیازی ندارد ولی هنوز هیچ‌گونه تصمیمی در این مورد اتخاذ نشده و مذاکراتی نیز صورت نگرفته است.(۲۵)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۲۹

۱ - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۱۱.
۲ - روزنامه آیندگان ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص ۴.
۳ - سند شماره ۲۱۳۰۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش ژاندارمری مریوان ۱۳۵۸/۳/۲۹.
۴ - مأخذ شماره ۲، ص ۱۲.
۵ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص ۴.
۶ - مأخذ شماره ۵، ص ۲.
۷ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۸.
۸ - روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص‌ص ۱ تا ۱۲.
۹ - مأخذ شماره ۷، ص ۲.
۱۰ - مأخذ شماره ۷، ص ۷.
۱۱ - مأخذ شماره ۷، ص ۳.
۱۲ - روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص ۱۱.
۱۳ - مأخذ شماره ۷، ص ۲.
۱۴ - روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص ۱.
۱۵ - خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۸۸، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۲.
۱۶ - سند شماره ۳۳۶۴۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش ستاد کل ارتش جمهوری‌اسلامی به نخست‌وزیری ۱۳۵۸/۳/۲۹.
۱۷ - مأخذ شماره ۵، ص ۲.
۱۸- روزنامه جمهوری‌اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص ۲.
۱۹ - مأخذ شماره ۱۵، ص ۱۴، رادیو قاهره.
۲۰ - مأخذ شماره ۱۵، ص‌ص ۵ تا ۶، رادیو بغداد.
۲۱ - مأخذ شماره ۱۵، ص ۱۱، رادیو لندن.
۲۲ - مأخذ شماره ۷.
۲۳ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی امریکا، جلد ۱۰ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص ۷۰.
۲۴ - مأخذ شماره ۲۳، ص‌ص ۶۷ تا ۶۹
۲۵ - مأخذ شماره ۷، ص ۸.

روزشمار

چهارشنبه

۳۰ خرداد ۱۳۵۸

۲۵ رجب ۱۳۹۹

۲۰ ژوئن ۱۹۷۹

۵۱۰

امروز در خرمشهر این خبر پخش شد که حجت‌الاسلام خلخالی در مصاحبه‌ای گفته است: «مجازات خائنین و تجزیه‌طلبان مرگ است و اگر شبیرخاقانی نیز به بازی‌های تجزیه‌طلبانه ادامه دهد و خائن شناخته شود، مصداق همین حرف خواهد بود.» در پی انتشار این خبر، جریان‌های موسوم به "خلق عرب خرّمشهر" با صدور اعلامیه‌ای مردم را دعوت به راهپیمایی کردند. در پی این اعلامیه ضمن محکوم کردن اظهارات آیت‌الله خلخالی در مصاحبه با مجله فردوسی، از مردم خرمشهر خواسته‌شده به دلیل اسائه ادب به آیت‌الله شبیرخاقانی، در راهپیمایی شرکت کنند. به‌گزارش روزنامه اطلاعات، گروه‌های فرهنگی و مذهبی و عشایر عرب خوزستان هرگونه اتهام و اهانت به شیخ شبیرخاقانی را محکوم کردند و انتقاد کردند که تنها چند روز پس از توافق‌نامه خرمشهر، آیت‌الله خلخالی با اظهاراتش در مورد شیخ شبیرخاقانی باعث بروز تشنج در منطقه شده‌است.(۱)

شورای تأمین شهر خرمشهر امروز با انتشار اطلاعیه‌ای در این باره، اعلام کرد: «اخیراً مصاحبه‌هایی به عمل آمده و طی آن نسبت به حضرت آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی مطالبی ایرادگردیده که مسئولیت مسائل عنوان‌شده منحصراً متوجه گوینده و اظهارکننده مطلب بوده و شورای تأمین خرمشهر وظیفه خود می‌داند توجه عموم را به این موضوع معطوف نماید که دولت، کلیه عوامل محلی سعی بلیغ دارند با توجه به مصالح و مقتضیات منطقه، مفاد مواد قطعنامه تنظیمی فی‌مابین آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی و تیمسار دکترمدنی استاندار خوزستان قویاً به مرحله اجرا نهاده و روح تفاهم موجود تداوم یابد. شورا ضمن تجلیل از مقام علمی و روحانی آیت‌الله شبیرخاقانی و در اجرای سیاست دولت و انجام‌دادن قطعی مفاد موافقت‌نامه فوق‌الذکر را مجدداً مورد تأکید قرار داده و از کلیه خرمشهری‌های عزیز که تا کنون نقش مؤثر و اساسی خود را در تحقق اهداف انقلابی به ظهور رسانیده‌اند تقاضا می‌نماید کماکان دولت را در حفظ آرامش و اجرای برنامه‌های سازندگی و عمرانی یاری و مساعدت

فرمایند.»(۲)

۵۱۱

در کنار تحرکات سیاسی ـ اجتماعی جاری خرمشهر، اقدامات خشونت‌بار نیز هرچند به‌طور متناوب، اما به‌گونه‌ای جدّی جریان دارد؛ از جمله گروهی هنگام شب به انبار مخابرات خرمشهر واقع در پنج کیلومتری این شهر حمله کردند و آن را به آتش کشیدند.(۳) در جریان این آتش‌سوزی ده‌ها قرقره کابل طعمه حریق شد. این گروه سپس به خانه‌های پیش‌ساخته متعلق به اداره کل بندر و کشتیرانی خرمشهر حمله کردندو این محل را نیز به آتش کشیدند.(۳) علاوه بر این، چندین نارنجک و بمب دستی به داخل خانه‌های بعضی شهروندان خرمشهری پرتاب شد. درباره وقوع چنین حوادثی فرمانده پایگاه دریایی خرمشهر گفت: «عوامل ضدانقلاب و ضدمردمی در شب‌های گذشته نیز با پرتاب مواد منفجره در منازل، موجبات وحشت اهالی را فراهم کرده‌اند. از این لحاظ از کلیه مردم خرمشهر دعوت می‌شود برای شناسایی این افراد با مأموران انتظامی و پاسداران انقلاب همکاری کنند. وی تأکید کرد: عوامل ضدانقلاب کوشش می‌کنند خرمشهر را به شهر وحشت تبدیل کنند.»(۴)

۵۱۲

مدنی استاندار خوزستان در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی "الانبا" در مورد عوامل حوادث خوزستان گفت: «سه گروه در این حوادث دخیل هستند: اول افراد ساده‌لوحی که تابع احساس خود هستند و از احساس آنان سوءاستفاده می‌شود. دوم ساواکی‌ها و عوامل وابسته به نظام فاسد پیشین. سوم پادوهای استعمار بین‌المللی. این عوامل دست به دست هم دادند و مسائلی را در خوزستان پدید آوردند.

استاندار خوزستان وجود نقار و کدورت با آل‌شبیرخاقانی را رد کرد و با ذکر این‌که گاهی اشخاصی هستند که می‌خواهند آب را گل‌آلود کنند، گفت: این تلاش‌ها عبث بوده و ایشان در راه خیر و صلاح ملت ایران هستند و در حال حاضر تفاهم کامل بین ما حکم‌فرماست.

مدنی در مورد مناسبات با کشورهای همسایه گفت: اگر ما گله‌ای از بعضی از همسایگان داریم برای این است که در برابر اخلاص و صمیمیتی که ما عرضه می‌کنیم، چرا آنها خریدار این محبت نیستند و در برابر، بی‌محبتی نشان می‌دهند. از برادران عراقی و کویتی گله دوستانه و برادرانه کردیم که چرا دوستی و اخلاصی را که ما عرضه کردیم آنها به ما عرضه نمی‌کنند. خوب بود دولت کویت سیاست خود را اعلام می‌کرد و به‌موقع می‌گفت مطالب روزنامه‌ها نظرات شخصی است و با سیاست دولت ربطی ندارد و این انتظار ما از دولت همسایه و مسلمان کویت بود.(۵)

۵۱۳

حجت‌الاسلام سیدجلال‌الدین حسینی امام‌جمعه بانه، برادر و متّحد شیخ‌عزالدین حسینی، در مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات دیدگاه‌های خود را درباره کنفرانس سنندج اعلام کرد. این

شعارهای انقلابی هیچ چیز تغییر نکرده‌است. ایران هنوز اسیر صدها قرارداد مخفی نظامی با امریکا است؛ هنوز یک نیروی پلیس برای حفظ منافع نفتی امپریالیست‌ها در منطقه است و هنوز شدیدترین تهدید برای هویت عربی خلیج و مبارزه جبهه شرقی اعراب علیه اسرائیل به‌شمار می‌آید.[۱۸]

۵۲۱
آسوشیتدپرس گزارش داد که احمد حسن‌البکر و حافظ اسد رؤسای جمهوری عراق و سوریه گفت‌وگوهای محرمانه خود را درباره ادغام دو کشور از سر گرفتند. در گفت‌وگوهای امروز، صدام‌حسین معاون رئیس جمهوری عراق نیز حضور داشت. انتظار می‌رود رهبران عراق و سوریه موضوع وخامت روابط عراق و ایران را نیز مورد بررسی قرار دهند.[۱۹]

براساس این گزارش، عراق و سوریه با تشکیل یک فرماندهی سیاسی مشترک موافقت کردند. همچنین حافظ اسد و احمد حسن‌البکر یک بیانیه سیاسی را برای ایجاد این فرماندهی امضا کردند. این فرماندهی که ریاست آن بر عهده اسد و البکر خواهد بود وظیفه دارد سیاست‌های خارجی، عربی، دفاعی و اقتصادی دو کشور را هماهنگ کند. این موافقت‌نامه در پی پنج دور مذاکره بین رهبران عراق و سوریه در مورد پیشنهادهای مربوط به ادغام دو کشور به‌دست آمده و در این بین حافظ اسد و البکر متفقند که این فرماندهی مشترک برای وحدت کامل اعراب و همچنین حقوق از دست رفته آنهاست.[۲۰]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۳۰

۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۳.
۲ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۴ و روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۳.
۳ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۲.
۴ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص۱.
۵ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص۳.
۶ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص۵.
۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۱۲.
۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۲.
۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۲.
۱۰ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۶، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۱۲.
۱۱ ـ هفته‌نامه امت، ارگان جنبش مسلمان مبارز، سال اول، شماره ۱۰، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص‌ص ۱ و ۵.
۱۲ ـ سند شماره ۱۰۵۱۵۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامه شماره ۱۷۰۱/۲۹/۰۲/۱۴۱۲ / ۱۳۵۸/۳/۳۰ سرلشکر فربد رئیس ستاد کل ارتش جمهوری‌اسلامی ایران به نخست‌وزیر.
۱۳ ـ سند شماره ۱۱۳۵۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: حکم شماره ۲۵۹۱ / ۵۸/۳/۳۰ ستاد مرکزی سپاه.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۳، ص۲.
۱۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص۲.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱۱، خبرگزاری فرانسه.
۱۸ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۸۹، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۹، خبرگزاری یونایتدپرس.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱۱، خبرگزاری آسوشیتدپرس.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۶، ص۸، خبرگزاری آسوشیتدپرس.

روزشمار

پنجشنبه

۳۱ خرداد ۱۳۵۸
۲۶ رجب ۱۳۹۹
۲۱ ژوئن ۱۹۷۹

۵۲۲
تحرکات ایذایی خشونت‌بار ضدانقلابی در خرمشهر روبه گسترش است و روز به روز فضای تفاهم‌آمیزی که برای ایجاد آن کوشش بسیاری شده است را بیشتر تهدید می‌کند. امروز روزنامه انقلاب‌اسلامی خبر داد: عوامل ضدانقلاب در دو روزگذشته در خرمشهر آشوب به‌پا کردند و با نارنجک جنگی و کوکتل‌مولوتف و مسلسل یوزی و کلاشینکف چند تن را کشتند، ساختمان مخابرات را به آتش کشیدند وانبار چوب پشت مخابرات را با سیصدمیلیون ریال الوار سوزاندند.[۱] روزنامه اطلاعات نیز دربارهٔ وقایع امروز خرمشهر نوشت: برای دومین بار گروهی ناشناس به انبار مخابرات واقع در ۵ کیلومتری جاده خرمشهر ـ اهواز حمله کردند و با پرتاب کوکتل‌مولوتف و مواد آتش‌زای دیگر، انبار کابل مخابرات را به آتش کشیدند. این عده سپس به محوطه منازل پیش‌ساختهٔ مجاور انبار رفته و پس از به آتش کشیدن آنها، گریختند.[۲]

درکنار اقداماتی نظیر حوادث یادشده، تحرکات تکمیل‌کننده‌ای نیز در پوشش اعتراضات و تجمعات مسالمت‌آمیز در جریان است. امروز در خرمشهر در پی اعلام قبلی و برنامه‌ریزی سازمان‌های موسوم به "خلق عرب" عده‌ای از اعراب به‌عنوان اعتراض به اظهارات آیت‌الله خلخالی در مورد آیت‌الله شبیرخاقانی، دست به راهپیمایی زدند. به گزارش روزنامه اطلاعات، در پیشاپیش راهپیمایان موتورسواران عرب حرکت می‌کردند و در مقابل راهپیمایان پلاکاردهایی حمل می‌شد که به زبان‌های فارسی و انگلیسی روی آن نوشته شده بود: «خلق به‌خون خفته عرب تا رسیدن به هدف‌های شرعی راهش را ادامه می‌دهد و هرگونه دخالت بیگانگان در امور داخلی ما محکوم است.»[۳] در قطع‌نامه راهپیمایان آمده است:

۱ ـ خلق عرب با قاطعیت هرچه تمامتر پشتیبانی و حمایت کامل خود را از رهبر عظیم‌الشأن و مرجع عالی‌قدر آیت‌الله‌العظمی شیخ‌محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی اعلام کرده و آمادگی خود را در جهت هرگونه جان‌فشانی در برابر هرگونه توطئه علیه ایشان ابراز می‌داریم.

۲ ـ یاوه‌گویی‌هایی که از طرف روحانی‌نمایی به‌نام صادق خلخالی نسبت به آیت‌الله

خاقانی شده را محکوم کرده و از رهبر انقلاب اسلامی ایران خواهان عزل و مجازات ایشان می‌باشیم.

۳ ـ موافقت‌نامه‌ای‌که مابین آیت‌الله خاقانی و دریادار مدنی امضا شده، مواد آن نقض گردیده است.

۴ ـ آزادی بدون قید و شرط و عدم آزار و شکنجه زندانیان خلق عرب و بازگشت آنان را از تبعید خواهانیم.

۵ ـ ما خواستار محاکمه و مجازات پاسداران غیرمسئول محلی مانند اسماعیل زمانی‌ها، جهان‌آراها، کازرونی‌ها، امام‌زاده‌ها، شوشتری‌ها، عبودزاده‌ها، عبود سعیدها، نعمت‌زاده‌ها، فروزنده‌ها و روحانی‌نماهایی مثل سید محمدتقی موسوی، ابوالحسن نوری، عبدالله محمدی و بازاری‌هایی نظیر احمدزاده‌ها، سلیمانی‌ها، نجارزاده‌ها، زارع‌ها، مطرف‌ها، و غیره... که سبب کشتار وحشیانه خلق‌عرب بوده‌اند، می‌باشیم.

درود بر شهدای راه آزادی، درود بر شهدای خلق عرب
هواداران آیت‌الله العظمی شیخ محمدطاهر آل شبیرخاقانی (۴)

در همین حال، شیخ شبیرخاقانی در مورد نقض توافق‌نامه مذکور گفت: «منتظرم تا تمام مواد موافقت‌نامه موبه مو اجرا شود. بعضی از مواد اجرا شد و یا در دست اجرا می‌باشد و در حال حاضر دقیقاً نمی‌توانم بگویم که مواد توافق‌نامه به‌طور کامل اجرا شده است یا نه. وی افزود: من به این لحاظ تن به امضای موافقت‌نامه دادم که جلو خون‌ریزی برادران مسلمان گرفته شود و اوضاع به‌حال عادی بازگردد و منظورم تأمین حقوق طرفین بوده، بعد از این، دولت مسئولیت اجرای کامل مفاد توافق‌نامه را به‌عهده دارد و امیدوارم این توافق‌نامه برای دولت و مردم ضامن خیر و صلاح باشد.»

براساس همین گزارش، یک مقام دولتی در خرمشهر ضمن تکذیب شکنجه اعراب دست‌گیرشده، گفت: «با آنان همانند زندانیان عادی رفتار می‌شود. هیچ‌یک از آنان نیز تبعید نیستند و دست‌گیرشدگان به مرور آزاد خواهند شد.» وی تأکید کرد که توافق‌نامه آیت‌الله خاقانی و دریادار مدنی نقض نشده و مفاد آن موبه‌مو در حال اجراست.(۵)

۵۲۳

نُه نفر از روحانیون خرمشهر با انتشار اعلامیه‌ای زندگی در خرمشهر را در وضعیت کنونی غیرممکن دانستند و آماده ترک این شهر شدند. متن کامل اعلامیه روحانیون خرمشهر چنین است:

«بسمه تعالی. بدین‌وسیله به اطلاع عموم اهالی شهرستان خرمشهر می‌رساند: آن‌که زیست و زندگی در محیط و مجتمعی که از مزایای اتحاد و اخوت و برادری و دوستی برخوردار نیست، بسیار دشوار و آن محیط جهنم سوزان خواهد بود، لذا وضع فعلی این منطقه برای این‌جانبان ناگوار و ناراحت‌کننده است، زیراکه جز نفاق و اختلاف و اتهام چیز دیگری از فضایل و اخلاق

حسنه وجود ندارد. چون دست‌های مرموز اجانب نمی‌گذارند که روح اخوت و برادری در میان اجتماع تقویت شود، بلکه به‌علل گوناگون و عدم توجه مسئولین امر و مردم شهرستان خرمشهر، فعالیت‌های دینی و مذهبی و اسلامی که مصالح مملکت و ملت را تأمین می‌نماید انجام نمی‌شود، از این نظر وظیفه شرعی خودمان را چنین تشخیص داده که اعتراضاً از این شهر هجرت نموده، زیرا ماندن در شهری که مجاهدین و انقلابیون آن مهتوک و ضدانقلابِ توطئه‌گر آن‌که با خارج ارتباط داشته و دارند تا این حوادث ناگوار را به‌وجود آورند، در رفاه و اوج غرور می‌باشند، سزاوار نیست.

الاحقر سیدمحمدتقی موسوی، الاحقر عبدالله محمدی، الاحقر میرهاشم علامه، الاحقر سیدکاظم سجادی، الاحقر سیدمحمد علوی، الاحقر سیدمظلوم تقوی، الاحقر عبدالرسول صداقت، الاحقر محمدتقی کرمانی و...»(۶)

شرایط حادّ موجود و روند روبه افزایش همراهی آیت‌الله شبیرخاقانی با ضدانقلابیون مخالف نظام و تجزیه‌طلبان که به تدریج صورت تهدیدکننده‌ای می‌یابد، از عوامل اصلی نارضایتی روحانیون مزبور محسوب می‌گردد.(۷) اما روزنامه اطلاعات نوشت: ناراحتی این گروه بیشتر از مادهٔ ۵ اعلامیه راهپیمایان عرب ناشی شده‌است که آنها با بردن اسامی برخی از روحانیون خرمشهر، اتهاماتی به آنان نسبت داده‌اند.(۸)

۵۲۴

استانداری کردستان در نامه‌ای به نخست‌وزیر و وزیر کشور نوشت: فرماندهی گروهان مریوان گزارش می‌دهد که در نبودن شهربانی و با ضعف ژاندارمری و فشار گروه‌های سیاسی که مدام کشاورزان مسلح را تحریک به تجاوز به اموال دیگران یا آنها را برای گرفتن وام بی‌کاری به فرمانداری و سایر ادارات می‌کشانند و آنها را تشویق به اشغال ادارات می‌کنند، هر لحظه بیم آن می‌رود که در شهر برخورد روی دهد. حدود یک ماه است که ناحیه ژاندارمری استان با مرکز مکاتبه می‌کند تا شش نفربر راکه در سنندج دارد و نیاز به تعمیر دارند، با اعزام مکانیسین و راننده به‌کار اندازند و در مریوان و سایر جاها مستقر کنند و در اجرای احکام کمیسیون پنج نفری از آنها استفاده کند، اما مرکز هنوز در این‌باره تصمیمی نگرفته و پاسخی نداده است. در مورد تقویت پادگان مریوان هم بارها تلفنی به وزارت دفاع و ستاد ارتش متوسل شده‌ام، اما نتیجه‌ای نگرفتم. اینک وضع مریوان جداً بحرانی است و تنها راه ممکن این است که یک گردان زرهی از سپاه کرمانشاهان به مریوان اعزام گردد تا ضمن تقویت مریوان با استقرار عناصری از آن در شهر، آرامش مردم تأمین شود.(۹)

۵۲۵

یک عده پنج نفری که به‌عنوان نمایندگان آوارگان کرد نقده به تهران آمده‌اند اعلام کردند: چنانچه تا روز یکشنبه سوم تیر (۱۳۵۸) دولت به خواسته‌های ۱۲ هزار آواره کرد نقده توجهی نکند، همه آوارگان به یکی از کشورهای همسایه پناهنده خواهند شد. به گزارش روزنامه اطلاعات،

اعضای ساواک در این توطئه‌چینی شرکت دارند.[۲۵]

خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داد: «طرف‌داران شاه سابق برای سرنگون‌کردن رژیم تازه ایران توطئه کرده‌اند و ارتشبد معزول "اویسی" فرماندار نظامی پیشین تهران که پس از سقوط شاه سابق به خارج پناهنده شده با همدستی ۳۰ تن از ژنرال‌های رژیم پیشین و اعضای ساواک مقدمات یک ضدانقلاب را در ایران فراهم کرده است.» براساس این گزارش، در حال حاضر گروهی نظامی ایرانی برای تبعیت از این جنبش آماده‌اند و به محض صدور فرمان شاه سابق، وارد عملیات خواهند شد. در همین حال به گزارش روزنامه اطلاعات، یکی از نزدیکان آیت‌الله صدر رهبر شیعیان عراق اطلاع داد که ظرف ده روز گذشته طبق اخبار موثقی که به نجف‌اشرف رسیده، شاه مخلوع ایران حدود هشت‌میلیون دینار عراقی که حدود ۱۶۰ میلیون تومان می‌شود برای توطئه در ایران و نیز ادامه تحریک و آزار علیه آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر و یارانش در اختیار دولت بعثی عراق گذاشته است.[۲۶]

به گزارش روزنامه اطلاعات، به‌دنبال پخش خبرهای آشکار و پنهانی که از تکوین توطئه‌های گوناگون علیه انقلاب ایران حکایت می‌کند، برخی از رهبران این توطئه، در محافل دیپلماتیک معرفی شدند. این رهبران که عموماً سرسپردگان رژیم شاه مخلوع هستند، عبارتند از: اشرف پهلوی، اردشیر زاهدی، غلامعلی اویسی(ارتشبد معزول)، ازهاری، پالیزبان، سرتیپ رزمی(رئیس شهربانی پیشین آبادان و مسئول فاجعه سینمارکس این شهر)، سرتیپ محرری، شریف امامی، عبدالعظیم ولیان و سپهبد هاشمی‌نژاد. گروهی از عوامل ساواک که از مرز گریخته‌اند نیز به رهبری پرویز ثابتی که گفته می‌شود با یک عمل جراحی پلاستیک در اسرائیل تغییر قیافه داده، شبکه توطئه علیه انقلاب ایران را پشتیبانی می‌کنند.[۲۷]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۳۱

۱ - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۱۲.
۲ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۳.
۳ - مأخذ شماره ۲، ص۳.
۴ - سند شماره ۲۰۹۹۱۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: قطع‌نامه هواداران آیت‌الله‌العظمی شیخ محمدطاهر ال‌شبیرخاقانی.
۵ - مأخذ شماره ۲، ص۲.
۶ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۴، ص۳.
۷ - سند شماره ۱۸۷۱۳ / پ.ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: مصاحبه با حجت‌الاسلام سیدابوالحسن نوری، امام‌جمعه خرمشهر (خرمشهر: ۱۳۷۲/۶/۷، نوار ۳۱۳۶۶)، ص۹.
۸ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۳، ص۲.
۹ - سند شماره ۰۰۸۲۴۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامه استاندارکردستان به نخست‌وزیر و وزیر کشور مورخه ۱۳۵۸/۳/۳۱.
۱۰ - مأخذ شماره ۲، ص۲.
۱۱ - روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۶، ۱۳۵۸/۴/۴، ص۱۲.
۱۲ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۸.
۱۳ - نشریه رنجبران، ارگان حزب رنجبران، شماره ۱۳، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۳.
۱۴ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۲.
۱۵ - نشریه کار، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، شماره ۱۶، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص‌ص ۱ و ۱۱.
۱۶ - مأخذ شماره ۱۴، ص۲.

۱۷ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۲.
۱۸ - روزنامه انقلاب، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۱۲.
۱۹ - خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۹۰، ۱۳۵۸/۴/۱، ص۱۴، رادیو بغداد.
۲۰ - مأخذ شماره ۱۹، ص۱۵، رادیو بغداد.
۲۱ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۸، خبرگزاری وفا.
۲۲ - خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۹۰، ۱۳۵۸/۴/۱، ص‌ص ۱۷ و ۱۸، رادیو امان.
۲۳ - مأخذ شماره ۱۷، ص۸، خبرگزاری فرانسه.
۲۴ - مأخذ شماره ۲، ص۲، رادیو مسکو.
۲۵ - مأخذ شماره ۲، ص۲، هفته‌نامه الرأی چاپ قطر.
۲۶ - مأخذ شماره ۲، ص۲. خبرگزاری فرانسه.
۲۷ - مأخذ شماره ۲، ص۲.

روزشمار

جمعه

۱ تیر ۱۳۵۸

۲۷ رجب ۱۳۹۹

۲۲ ژوئن ۱۹۷۹

۵۳۵
در ادامه ناآرامی‌های خرمشهر، باانفجار مین در محل تقاطع جاده خاکی و جاده آسفالته این شهر سه تن کشته شدند. از سوی دیگر، در پی قاچاق گسترده سلاح از عراق به داخل خاک ایران و پی‌گیری نیروهای انقلاب، "حاج محمد ناصری" قاچاقچی اسلحه راپاسداران انقلاب اسلامی آبادان در منزلش دستگیر کردند.

همچنین پاسداران انقلاب‌اسلامی اهواز شخصی به‌نام "عزیز صابری" را به علت رفتار مشکوکش در راه‌آهن دستگیر کردند. بنابر اظهارات دادستان انقلاب اسلامی اهواز درکارتن‌هایی که وی همراه داشت، تعدادی جزوه تحت عنوان "آنچه در خرمشهر گذشت" به‌دست آمد. فرد مزبور خود را عضو "سازمان انقلابی"* معرفی کرد.[1]

۵۳۶
بعدازظهر امروز در اهواز تظاهراتی برپا شد. به گزارش کیهان در این تظاهرات دو گروه در موافقت و مخالفت با استاندار خوزستان شعار می‌دادند. این تظاهرات که به‌دنبال انتشار مطالبی به نقل از آقای خلخالی در یکی از مجلات تهران علیه آیت‌الله شبیرخاقانی صورت گرفت، سرانجام بدون برخورد شدید پایان یافت. براساس همین گزارش، در جریان این تظاهرات شیشه‌های مطب یک پزشک شکسته شد.[2]

روزنامه اطلاعات نیز در این باره گزارش داد: گروهی در اعتراض به مصاحبه آیت‌الله خلخالی، در خیابان‌های اهواز دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند. راهپیمایان پس از اجتماع در مقابل ورزشگاه تختی، از مسیر خیابان‌های امانیه، پل چهارم، امام‌خمینی به‌راه افتادند و در حالی که شعارهایی علیه آیت‌الله خلخالی و استاندار خوزستان می‌دادند در مقابل حسینیه اعظم

* سازمان انقلابی، یک گروه مائوئیستی منشعب از حزب توده است که محور اصلی حزب جدیدالتأسیس رنجبران می‌باشد.

اجتماع کردند. در همین حال گروهی دیگر از مردم اهواز نیز به طرف‌داری از تیمسار مدنی استاندار خوزستان شروع به دادن شعار کردند. پاسداران انقلاب بلافاصله وارد عمل شدند و با تیراندازی هوایی از برخورد دو گروه جلوگیری کردند. یک مقام مسئول نیز اعلام کرد که یک اتومبیل حامل سلاح با سه سرنشین مسلح در رابطه با این تظاهرات شناسایی و بازداشت شده‌اند.[3]

ماجرای سخنان آیت‌الله خلخالی علیه آیت‌الله شبیرخاقانی از این قرار بوده است که هفته‌نامه فردوسی در شماره ۳۲ خود مصاحبهٔ اختصاصی مفصلی را با آیت‌الله خلخالی به‌عنوان رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی درج کرد که در آن درباره مسائل مختلف روز از جمله وضعیت دادگاه‌های انقلاب، محاکمات و اعدام‌های انجام‌شده، ارتش، سپاه‌پاسداران انقلاب، کمیته‌ها، صدور انقلاب، اوضاع کردستان، خوزستان و گنبد و نیز عدم قاطعیت دولت موقت در برخورد با جریان‌های قومی سخن رفته بود.

آیت‌الله خلخالی در بخش‌هایی از سخنان خود با اشاره‌به این‌که "مشکلاتی از قبیل جریانات کردستان، خوزستان یاگنبد بر اثر عدم قاطعیت دولت بوده و اگر دولت قاطع بود این کارها پیش نمی‌آمد"، به‌عنوان شاهد مثال برای قاطعیت دادگاه‌های انقلاب و شخص خود گفته بود: کمااین‌که به مجرد ورود من به خوزستان به شبیرخاقانی پیغام دادم که من نه کار به حضرت امام دارم، نه کار به بازرگان دارم، نه کار به مدنی دارم، نه کار به شریعتمداری دارم، من وقتی ببینم تو می‌خواهی،... خلاصه افراط کنی و بازی در بیاوری و خلق عرب و نمی‌دانم مسئله تجزیه درست کنی، به والله می‌گذارمت پای دیوار و ده‌گلوله به مغزت خالی می‌کنم. و همین حرکت من باعث شد که این شیخ دست و پایش را جمع کرد. این را می‌گویند حرکت انقلابی، اگر این‌جور نباشد که نمی‌شود مملکت را اداره کرد؛ هی بنشین مذاکره و از این بازی‌ها!...[4]

۵۳۷
روزنامه انقلاب اسلامی نوشت: گروه‌های اسلامی سنندج طی تلگرامی به وزارت کشور خواستار برکناری فوری "یونسی" استاندار کردستان شدند. در این تلگرام با اشاره به این‌که "آقای یونسی برای یک‌بار هم کار مردمی انجام نداده"، آمده است: او سمبلی از استاندارهای دورهٔ طاغوتی است و تأثرآور است که بهره ما در دوره انقلاب وجود چنین شخصی باشد. در پایان تلگرام ضمن تعیین ضرب‌العجل تا روز یکشنبه ۵۸/۴/۳ برای برکناری استاندار، تهدید شده است اگر تا این تاریخ وی برکنار نشود و باز هم نسبت به کردستان بی‌توجهی شود، دست به اعتصاب عمومی خواهند زد.[5]

در این‌باره علامه "احمد مفتی‌زاده" در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی گفت: از روز اولی که یونسی به عنوان استاندار به سنندج آمده است غیر دروغ برای مردم کاری انجام نداده است. سوابق موجود هم از این امر حکایت می‌کند. در ایام انتخابات که گروه‌های اسلامی در مسجدجامع متحصن شدند، رفتار و دروغ‌های ناروای استاندار مردم را عصبانی کرد

می‌بایست تمام ارتباطات خودمان را با خارج قطع می‌کردیم، تمام مرزها را می‌بستیم، تمام مؤسسات کنونی را منحل می‌کردیم و ارتباط خود را برای چندین سال با تمام دنیا قطع می‌کردیم و تمام مردم را درکار کشاورزی بسیج می‌کردیم تا در سطوح مختلف این وابستگی به غرب را به‌کلی از بین ببریم و این راه قطع وابستگی‌های غرب بود.

وزیر امورخارجه در پایان عدم لغو بعضی از قراردادها را چنین تشریح کرد: تمام موجودی ایران از طریق نفت به‌دست می‌آید و این به‌صورت سپرده‌های ارزی در بانک‌های خارجی در گروگان [درگرو] بعضی از قراردادهای خارجی است و بنابراین باید جوانب را در نظر گرفت و انتخاب کرد که آیا به از بین رفتن چندین میلیارد دلار سرمایه رضایت بدهیم یا این‌که گذشتن از مرحله انتقالی کنونی به استقلال کامل اقتصادی، سیاسی، کشاورزی و صنعتی را در یک مرحله مدت‌دار بپذیریم.[۱۴]

۵۴۳
عباس امیرانتظام که به‌عنوان سفیرایران درسوئد انتخاب شده‌است در یک مصاحبه مطبوعاتی به توضیح نظریه‌های دولت ایران دربارهٔ روابط ایران و عراق و روابط ایران و امریکا پرداخت و نیز سیاست ایران در قبال تسلیحات و کارشناسان امریکایی را تشریح کرد.

وی دربارهٔ رابطه با عراق گفت: ما ... امیدواریم... دولت دوست و برادر ما عراق در روابط خود آن‌طوری که قول داده است تجدیدنظر کند و پایه‌های دوستی و مودّت را بین دولت‌های عراق و ایران و همچنین کویت و ایران و سایر کشورهای خلیج‌فارس مستحکم‌تر نماییم و آرامش را در منطقه ایجاد کنیم.

امیرانتظام در مورد رابطه با امریکا و تغییر سفیر امریکا در تهران گفت: هنوز امریکا تصمیم بر انتخاب سفیر جدید نگرفته است ولی امیدواریم آنچه که فعلاً بر روابط بین ایران و امریکا تأثیر گذارده، از بین برود و روابط دو کشور به حالت عادی بازگردد.[۱۵] وی افزود: بارها مسئولین وزارت‌خارجه و دولت امریکا اظهار علاقه کرده‌اند که روابطشان با دولت ایران عادی شود و بارها تأکید کرده‌اند که در امور داخلی ایران دخالت نخواهند کرد.

وی دربارهٔ فروش هواپیماهای جنگنده اف ۱۴ و موشک‌های فوق مدرن به امریکا، گفت: دولت به هیچ‌وجه این تصمیم را نداشته و فکر نمی‌کنم که در آینده هم چنین تصمیمی اتخاذ کند. اینها سلاح‌هایی هستند که برای دفاع از مرزهای ایران مورد نیاز دولت و ارتش اسلامی است.

امیرانتظام در مورد آمدن کارشناسان خارجی به ایران به منظور نگه‌داری از تسلیحات جنگی گفت: هنوز چنین تصمیمی نگرفته‌ایم، ولی ملت ما باید توجه داشته باشد که ما در گذشته قراردادهای زیادی را با دولت امریکا داشته‌ایم. آنچه که مورد اعتراض ملت و دولت است دخالت‌های امریکا در امور داخلی ایران است اما سرمایه‌گذاری‌هایی که ما در چند سال گذشته به‌خصوص در مورد سلاح‌ها کرده‌ایم در حدود چهل میلیارد دلار است و ملت ایران به هیچ‌وجه اجازه نخواهد داد که این سلاح‌ها به‌دور ریخته شود و به‌شرط عدم مداخله امریکا و به‌شرط نشان

دادن علاقه آنها به‌داشتن روابط دوستانه با دولت جمهوری اسلامی ایران ـ که خودشان هم بارها اعلام کرده‌اند ـ از تکنسین‌ها و متخصصین آنها برای استفاده از چهل میلیارد دلار سرمایه‌گذاری ملت ایران استفاده خواهیم کرد[۱۶] و نه تنها از کارشناسان امریکایی بلکه از متخصصین فنی همه دنیا که درکارهایی که جنبه تکنیکی دارد و ما متخصص کافی در آن رشته نداریم استفاده خواهیم کرد.[۱۷]

۵۴۴
کنگره امریکا اقدام خود را درباره لایحه دفاعی دو میلیارد دلاری که ۱/۳ میلیارد دلار آن مربوط به خرید چهار ناوشکن که بنابر سفارش شاه مخلوع ایران ساخته شده‌بود، پایان داد و آن را تصویب کرد. به گزارش آسوشیتدپرس مجلس نمایندگان امریکا این لایحه را قبلاً تصویب کرده و برای پرزیدنت کارتر فرستاده بود. مجلس نمایندگان به صورتی این لایحه را تصویب کرده‌بود که قرار بود دو واحد از این ناوشکن‌های موشک‌انداز در سال میلادی جاری و دو واحد دیگر در سال آینده خریداری شود، اما سنای امریکا خرید هر چهار ناوشکن را برای نیروی دریایی امریکا در سال جاری اعلام کرد و کنگره امریکا هم همین نظر را پذیرفت.[۱۸]

ارزانی قیمت ناوشکن‌ها در مقایسه با قیمت روز و نیز کینه‌توزی و دشمنی شدید سنای امریکا با نظام جدید ایران از عوامل اصلی اختصاص این درصد قابل توجه از بودجه لایحه دفاعی مزبور بوده‌است. ضمناً بد نیست یادآوری شود که یک فروند از این ناوشکن‌ها با بعدها با نام "رزمناو" کید در جنگ تحمیلی امریکا در خلیج‌فارس علیه جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفت که شرح آن درکتاب هجدهم روزشمار جنگ تحت عنوان "جنگ محدود ایران و امریکا در خلیج فارس" آمده است.*

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۱

۱ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۱۱.
۲ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۳.
۳ ـ روزنامه‌اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۳، ص۳.
۴ ـ هفته‌نامه فردوسی، دوره جدید، شماره ۳۲، سه شنبه ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص۲۹.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۱.
۶ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۱.
۷ ـ مأخذ شماره ۳، ص۷.
۸ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی مجاهدین خلق (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق، چاپ اول، ۱۳۵۸)، ص۱۵۷.
۹ ـ روزنامه‌اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲، ص‌ص ۱ و ۲.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۳، ص۱.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۹، ص۲.
۱۲ ـ خبرگزاری پارس "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۹۲، ۱۳۵۸/۴/۳، ص‌ص ۴و۵، رادیو لندن.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۹، ص۴.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۳، ص۲.
۱۵ ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۳.
۱۶ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۲، ص۱۲.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۲، ص۳.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۹، ص۱۲.

* این کتاب در حال آماده‌سازی است و در آینده نزدیک زیر چاپ خواهد رفت.

روزشمار

شنبه

۲ تیر ۱۳۵۸

۲۸ رجب ۱۳۹۹

۲۳ ژوئن ۱۹۷۹

۵۴۵
در تداوم عملیات خرابکارانه گروه‌های موسوم به خلق عرب در خوزستان، ساعت ۹:۵۰ شب دوم تیرماه انبار برق خرمشهر طعمه حریق گردید که این آتش‌سوزی در حدود ۱۰ ساعت به طول انجامید. آتش‌نشانی و شهرداری بندر خرمشهر بعد از ساعت‌ها تلاش توانستند در ساعت ۶:۳۰ صبح آتش را مهار کنند.[۱] به نوشته روزنامه بامداد، طی این اقدام خرابکارانه صدها نخل، تیرهای چوبی و صدها صندوق حاوی لوازم برق متعلق به سازمان آب و برق خوزستان را گروهی ناشناس با مواد آتش‌زا سوزاندند. محل حادثه جنب ایستگاه برق در منطقه شاه‌عباس سابق خرمشهر گزارش شده‌است. این روزنامه افزود: در پنج روز اخیر این سومین بار است که انبار و وسایل شرکت مخابرات ایران و سازمان آب و برق به آتش کشیده می‌شود.[۲]

در همین حال به گزارش مطبوعات، "غریبی" رئیس انبار مخابرات خرمشهر به اتهام آتش‌زدن انبار مخابرات که در هفته گذشته انجام گرفت، دست‌گیر به دستور دادستان انقلاب آبادان با قرار بازداشت موقت زندانی شد. همچنین یک نفر به نام شعبان علیگی که شبانه از مرز عراق به‌طور غیرمجاز وارد خاک ایران شده‌بود دست‌گیر و دو نفر دیگر نیز به اسامی حسن و جمال سعودی به اتهام نگه‌داری اسلحه و مهمات، با قرار بازداشت موقت زندانی شدند.[۳]

در بخش عربی رادیو ریاض درباره حوادث اخیر خرمشهر گفته شد: چند نفر مسلح به مسلسل و بمب‌های دستی، یک مرکز پلیس در بندر خرمشهر را مورد حمله قرار دادند که براثر آن زیان‌های سنگینی به ساختمان وارد شد، اما این حمله تلفات جانی نداشت.[۴]

امروز همچنین دادستان انقلاب اسلامی خوزستان اعلام کرد که شش نفر از جاسوس‌های عراقی را که برای انجام دادن عملیات ضدانقلابی به خوزستان آمده بودند، سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی اهواز در جاده خرمشهر ـ اهواز دست‌گیر کرد. از افراد دست‌گیر شده که درارتباط با وقایع خوزستان فعالیت‌هایی نیز داشته‌اند اطلاعاتی به‌دست آمده که روشن می‌سازد برنامه بعدی ضدانقلابیون ایجاد آشوب و اغتشاش در آبادان و جزیره مینو بوده است، به‌ویژه در آینده

خرابکاری متعددی برای شهر آبادان تدارک دیده بودند.[۵]

۵۴۶
به‌دنبال درج مطالبی که در یکی از هفته‌نامه‌های کشور علیه آیت‌الله شبیرخاقانی و راهپیمائی اعراب خوزستان در اعتراض به این‌گونه مطالب، آیت‌الله خاقانی از مردم خوزستان و به ویژه خرمشهر خواست از هرگونه ابراز احساسات و واکنش در این‌مورد خودداری کنند و دست به عملی نزنند که خدای ناکرده موجبات تشنج در منطقه را فراهم سازد. وی گفت: من شخصاً این‌گونه مطالب را مهم نمی‌دانم و از مردم خوزستان می‌خواهم آرامش خود را حفظ کنند.[۶]

در این باره در گزارش تفسیری رادیو لندن آمده است: «از آیت‌الله خلخالی نقل می‌شود که گفته است "مرگ" مجازات خائنان در ایران است و اگر "آیت‌الله شبیرخاقانی" خائن شناخته شود، مرگ سرنوشت او نیز خواهدبود.» این رادیو افزود: یک جمعیت چندین هزار نفری روز پنج‌شنبه در خرمشهر و در اهواز به راهپیمایی پرداختند و به اظهارات آیت‌الله خلخالی اعتراض کردند، اما به نظر می‌رسد که مهمترین سرچشمه نارضایتی آن است که ادعا می‌شود توافق بین آیت‌الله شبیرخاقانی ودریادار "مدنی" که هدفش رفع اختلاف بین اعراب ایرانی و سایر اهالی خوزستان بوده، حاصل نشده‌است. آیت‌الله شبیرخاقانی همچنین شکایت کرده است که از مسائل مورد توافق بین آنها نامی در پیش‌نویس قانون اساسی نیامده است.[۷]

از سوی دیگر، آیت‌الله شیخ محمدصادق خلخالی در یک مصاحبهٔ تلفنی با خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی درباره اوضاع خوزستان گفت: «آنچه امروز پیرامون ما مطرح می‌باشد توطئه و غرض‌هایی است که هر روز به نحوی به آن دامن زده می‌شود؛ از جمله در مورد مطلبی که حدود بیست روز پیش در مسافرت به خوزستان عنوان کردم و گفتم هر کس در هر مقامی به فکر تجزیه‌طلبی در ایران باشد، از نظر ملت ایران محکوم به اعدام است، خواه این فرد در خوزستان باشد یا در کردستان یا تهران و من این پیغام را شفاهاً به اطلاع "آیت‌الله آل‌شبیرخاقانی" رساندم.

منظور ما شخص آیت‌الله نبود، چراکه آیت‌الله خاقانی خود بارها گفته‌اند ما خود مخالف تجزیه‌طلبی هستیم و حتی ایشان در یک مصاحبه مطبوعاتی گفته‌اند تجزیه‌طلب محکوم به اعدام است. پس آنچه ما مطرح کردیم یک قضیه مشروط بود.»

آقای خلخالی در ادامه دربارهٔ جنبه‌های دیگر ماجرای خوزستان گفت: «از خارج از مرزهای ایران اسلحه وارد ایران می‌شود و این مسلم است ولیکن شایعه ورود "جرج حبش" به ایران را تأیید نمی‌کنم، همچنین از فعالیت فلسطینی‌ها در خوزستان اطلاعی ندارم.» آقای خلخالی در مورد تظاهراتی که علیه او صورت گرفته، گفت: «تظاهراتی هم به نفع من بوده است.» و افزود: مخالفین بیشتر همان قوم و خویش‌های کسانی هستند که من حکم اعدام آنهارا داده‌ام و یا آنهایی که با ما مخالف هستند و منافعشان به خطر افتاده است. به هرحال من از طرف‌دارانم می‌خواهم به نفع من هیچ تظاهراتی راه نیندازند.[۸]

۵۴۷
صبح امروز آیت‌الله شبیرخاقانی در مسجد امام‌جعفرصادق(ع) خرمشهر دربارهٔ برادری و حفظ حقوق اسلامی به سخن‌رانی پرداخت. وی گفت: «مردم باید قوانین و حقوق اسلام و دولت را حفظ نمایند و دولت هم حقوق مردم را متقابلاً حفظ کنند، زیرا دیگر مسئله عرب و عجم مطرح نیست، این مسئله، مسئله کسانی بود که می‌خواستند در منطقه آشوب به‌پا کنند، ولی ما دارای دینی هستیم که به تمام دین‌ها و حقوق مردم احترام می‌گذارد، دین اسلام برای دنیا شناخته شده‌است و لازم به یادآوری نیست. اگر روزی مسببین اخیر حادثه خرمشهر آمدند و از شما طلب عفو نمودند، آنها را ببخشید زیرا من آنها را خواهم بخشید. من این‌جا تنها از حقوق مظلومان دفاع خواهم کرد و نمی‌گذارم حقوق آنها در این منطقه پای‌مال شود، حتی من در رژیم سابق بارها شده که درباره این مسئله درگیری‌هایی پیدا کردم ولی به‌طور کلی چه فرد عرب و عجم و فارس و ترک و بلوچ و غیره یا از هر اقلیتی باشد من از حقوقش دفاع خواهم کرد. تمام مردم باید دست یکدیگر را بفشارند و به تمام اقلیت‌ها احترام بگذارند.»(۹)

۵۴۸
آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی در گفت‌وگویی با فرستاده ویژه روزنامه الانباء چاپ کویت به تشریح ویژگی‌های انقلاب‌اسلامی و حوادث خرمشهر پرداخت و به سؤالهای متعدد خبر نگار الانباء پاسخ داد. خبرنگار در مورد حوادث اخیرخرمشهر سؤال کرد، آیت‌الله ضمن اظهار تأسف به تشریح کیفیت وقوع حوادث خرمشهر پرداخت و هشدار داد که باید از إعمال خشونت در شهرهایی که جامعه آن بر حول محور چند بعدی و نظام‌های چندگانه می‌چرخند اجتناب ورزید.

سؤال شد آیا حوادث اخیر خرمشهر را ناشی از دخالت کشورهای ابرقدرت می‌دانید؟ آیت‌الله پاسخ داد که در شرایط فعلی اظهارنظر در این خصوص مشکل است و دولت باید جنبه‌های سیاسی آن‌را ترسیم کند.

سؤال شد: پس مسببان حوادث اخیر چه کسانی هستند؟ پاسخ داده شد که مسببان کسانی بودند که حمله را ابتدا به ساکن آغاز کردند.

خبرنگار در مورد ملاقات آیت‌الله شبیرخاقانی با امام‌خمینی و دیگر مراجع مذهبی قم و محور مذاکرات آنان سؤال کرد، پاسخ گفته شد که اساس مذاکرات ما بر مبنای تأکید بر ضرورت حفظ وحدت عقیدتی، انتخاب سریع رئیس‌جمهور که دارای صلاحیت مذهبی و سیاسی باشد، انتخاب و انتصاب دولت‌مردان و حفظ احترام مراجع تقلید و رفع تبعیض بین خلق‌ها بود.

خبرنگار درمورد مذاکرات نمایندگان عرب خوزستان با دولت و حقوق آنها سؤال کرد، آیت‌الله شبیرخاقانی گفت: پاسخ ضمنی مهندس بازرگان امیدوار کننده بود و گذشته از این در نامه‌ای که به رئیس دولت ارسال داشتم، حقوق شرعی و قانونی همه خلق‌ها را مورد تأکید قرار دادم.

سؤال شد: آیا پیش‌بینی می‌کنید که حوادث دیگری در انتظار کردستان، بلوچستان، ترکمن و خوزستان باشد. پاسخ داده شد: اگر دولت موازین اسلامی و قوانین فقهی اسلام را به‌کار بندد، البته حوادثی بروز نخواهد کرد و در غیر این صورت باید از نواحی عوامل ضدانقلاب منتظر فجایع دیگری بود.

سؤال شد: اخیراً دولت کویت به دخالت در حوادث خوزستان متهم شده، آیا چنین اتهامی از نظر شما قابل تأیید است؟ آیت‌الله آل‌شبیرخاقانی پاسخ داد: من هیچ دولتی به‌ویژه دول‌اسلامی را به دخالت در سیاست داخلی کشور متهم نمی‌کنم، زیرا ما یک کشور اسلامی هستیم و انقلاب ما یک انقلاب صرفاً اسلامی است، بنابراین ما اهداف هیچ کشور اسلامی همجوار تناقضی ندارد و دلیلی هم ندارد که یک کشور اسلامی بخواهد انقلاب ما را خدشه‌دار سازد زیرا اسلام دارای اهداف سازندگی و اصلاح است. باید کوشید تابا اجرای موازین شرعی و قوانین جاری اسلام افکار عمومی به ویژه جوامع شرق و غرب را به‌سوی جامعیت کلی و ماهیت اسلاسی اسلام جلب کنیم، زیرا در اسلام تفوق فردبه‌فرد محلی ندارد.

درباره مجلس مؤسسان و قانون‌اساسی سؤال شد؛ آیت‌الله آل‌شبیرخاقانی گفت: اگر ۷۵ نفری که مقرر است از سوی ملت به عنوان تصویب کنندگان قانون دارای صلاحیت کافی باشند و نیز گرایش فکری خاصی نداشته باشند، مسئله جنبه قانونی دارد.

درباره عفو عمومی سؤال شد و آیت‌الله آل‌شبیرخاقانی پاسخ داد: من بارها نقطه‌نظرهای خود را درباره عفو عمومی اعلام کرده‌ام. من معتقدم اسلام دین رأفت، شفقت ومهربانی است نه دین انتقام‌جویی و قصاص خواهی. باید آنهایی که جرایم کمتری دارند و از نظر ملت قابل اغماض هستند، عفو شوند. من شخصاً موافق عفو مجرمین درجه یک نیستم.(۱۰)

۵۴۹
در بخشی از مقاله مندرج در روزنامه کیهان امروز با امضای "مشتاق فرزانه" ـ که قاعدتاً نام مستعار است ـ وقایع گذشته خرمشهر چنین گزارش شده است: «با پیروزی انقلاب، در خرمشهر گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی آغاز به‌کار کردند و اولین گروه، کانون فرهنگی ـ نظامی متشکل از هزاران دختر و پسر مسلمان خرمشهری بود که فعالیت خود را در محل ساختمان مسکونی رئیس ساواک خرمشهر آغاز کرد. کار این گروه بیشتر جنبه فرهنگی داشت تا نظامی. در این زمان گروه دیگری فعالیت تازه‌ای را به‌نام "جبهه رزمندگان عرب" در خرمشهر آغاز نمودند. محل این جبهه ساختمان سابق کنسولگری امریکا در فاصله ۱۰ متری کانون فرهنگی ـ نظامی و همسایه شهربانی خرمشهر بود. جلو درب ورودی ساختمان نگهبانان در حالی‌که اسلحه شکاری در دست داشتند به پاسداری مشغول بودند. رفت و آمد در ساختمان فراوان بود و عجیب این‌که همه سعی داشتند با دستمال‌های مخصوص به‌نام "چفیه" حتی صورت خود را هم بپوشانند. تأسیس این جبهه آن هم در خیابان اصلی شهر و تبدیل سلاح‌های شکاری نگهبانان به تفنگ‌های جنگی مانند برنو و غیره رهگذران را به دلهره وامی‌داشت. شاید این ابتدایی‌ترین نقطه آغاز

جدایی قومیت‌ها در خرمشهر بود، زیرا کانون فرهنگی ـ نظامی خرمشهر کلمه‌ای به‌نام عرب یا عجم نداشت، آن‌چنانکه گروه‌های بی‌شماری از جوانان عرب نیز در آن فعالیت داشتند که در آتش‌سوزی کانون و گروگان‌گیری، از ۱۶ گروگان کانون ۱۰ نفر عرب‌زبان بودند و باز این فرماندار فارس و روحانیون عرب‌زبان بودند که برای آزادی آنان اقدام کردند و هزاران نفر مردم به‌خاطر آزادی جوانان عرب عضو کانون فرهنگی ـ نظامی جوانان مسلمان خرمشهر در فرمانداری متحصن شدند. گویا ضدانقلاب در یک برنامه‌ریزی دقیق موفق شده بود، گروهی به‌وجود آورد که خود را عرب می‌دانست و حالا می‌بایست از این گروه بهره‌برداری می‌کرد.»

در ادامه مقاله، گزارش حوادث خرمشهر تا تاریخ ۱۳۵۸/۳/۸ داده شده و سپس با اشاره به این روز چنین آمده است: آن روز و روزهای بعد، خرمشهر را به قبرستانی سرد و پرکینه تبدیل کردند. در این روزها صدایی جز رگبار مرگبار مسلسل‌ها و تفنگ‌ها و آژیر آمبولانس‌ها به گوش نمی‌رسید. راستی در ماجرای خرمشهر چه کسی و یا کدامین گروه از مردم مقصر بودند؟ عرب‌ها که صدها جوانشان دوش‌به‌دوش پاسداران اعزامی از مرکز شب‌و روز در پشت سنگرها به‌پاسداری و نگهبانی خانه و کاشانه مردم پرداخته بودند؟ هدف آنها کی بود؟ آنهایی که از درون موتور لنج‌ها و کشتی‌های کوچک متوقف در ساحل کارون ساختمان شهربانی را زیر رگبار گرفته بودند، که بودند و چه می‌خواستند؟ در صبح آن چهارشنبه شوم چه گروهی حمله را آغاز کردند؟ ماجرای سقوط شهربانی وگریه سرهنگ حجازی رئیس شهربانی که شهربانی را در آستانه سقوط می‌دید، چه بود؟ گروه‌هایی که در چهارشنبه سیاه در مدت دو ساعت میلیون‌ها تومان اموال مردم را به آتش کشیدند در چه زمانی متشکل شده و یا چگونه آن‌روز را پیش‌بینی نموده بودند؟ آنها با کدامین مواد آتش‌زا این چنین ساختمان‌ها و نمایشگاه‌ها را به ویرانه‌ای تبدیل ساخته بودند؟ آنها چه کسانی بودند؟ عرب‌ها یا عجم‌ها؟ هیچ کدام، فقط ضدانقلابیون و همگی آنهایی که اگر اسلام در ایران ریشه بگیرد، در آن خسران خود را می‌یابند.[۱۱]

۵۵۰
به نوشته مطبوعات به نقل از سخن‌گوی کمیته منطقه ۴ تهران، یک انبار بزرگ مهمات و اسلحه متعلق به سازمان چریک‌های فدایی خلق در یکی از خانه‌های مجیدیه تهران کشف و ضبط شد و سه نفر در این رابطه در همان خانه دستگیر شدند. سخن‌گوی کمیته به خبرنگار روزنامه اطلاعات گفت: در این خانه ۲۴۰ قبضه اسلحه کلاشینکف، ۴۰ هزار فشنگ کلاشینکف، یک جعبه محتوی کلت، مقداری زیادی نارنجک و دینامیت، دو میلیون تومان پول نقد، سه‌هزار دلار امریکایی، چندین کارتن اسناد و کتب و چندین کارتن جزوه با آرم سازمان چریک‌های فدایی خلق به‌دست آمد.[۱۲]

دفتر دادستانی انقلاب‌اسلامی تهران نیز درباره تعداد و نوع سلاح‌های موجود در انبار مزبور در تماس با صدای جمهوری اسلامی ایران گفت: اسلحه کمری ۱۵ قبضه، اسلحه گاز اشک‌آور ۲ قبضه، تفنگ «ژ-۳» ۱۶ قبضه، کلاشینکف ۵ قبضه، شکاری یک قبضه، تیربار «ژ - ۳» ۷ قبضه،

مسلسل یک قبضه، مسلسل ام.ام.پی ۶ قبضه، یوزی ۵ قبضه، تفنگ «ام - ۱» ۲ قبضه، پرتاب‌کن گاز اشک‌آور یک قبضه، نارنجک ۶۸ عدد، بمب‌دستی یک جعبه، خشاب‌تفنگ «ژ-۳» ۳ گونی، خشاب کلاشینکف یک گونی، فشنگ «ژ-۳» ۲ گونی، جعبه تعمیر اسلحه یک‌دستگاه، بی‌سیم دستی و نمایشی بزرگ و کوچک ۵ دستگاه.

در پی انتشار این خبر، سخن‌گوی سازمان چریک‌های فدایی گفت: خبر مندرج در روزنامه‌ها درمورد تعداد سلاح‌های کشف‌شده و پول‌های موجود در یکی از خانه‌های متعلق به سازمان در مجیدیه، اغراق‌آمیز و تحریک‌کننده بوده و به هیچ‌وجه با واقعیت منطبق نیست. در خانه مزبور تعداد ۲۰ قبضه سلاح کلاشینکف، یوزی و ژ - ۳ موجود بوده و همان‌گونه که تمام مردم ایران می‌دانند سازمان ما یک سازمان سیاسی ـ نظامی است و ما داشتن سلاح را حق مسلم خود می‌دانیم و به ضبط سلاح‌ها شدیداً اعتراض داریم و خواستار آزادی رفقای خود و استرداد سلاح‌های خود هستیم.

۵۵۱
سازمان مجاهدین خلق ایران با انتشار اطلاعیه‌ای تحت عنوان "اخطار مجاهدین خلق ایران درباره احتمال صرف‌نظرکردن دادگاه انقلاب از اعدام دو تن از جلادان ساواک"، تلویحاً چنین نتیجه‌گیری کرد که نظام جدید درصدد است "تهرانی" و "آرش" دو تن از مأموران ساواک را که اخیراً محاکمه آنها از تلویزیون پخش می‌شود مورد بخشش قرار دهد و از آنان برای ایجاد دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی جدید استفاده نماید. متن این اخطاریه به شرح زیر است:

به نام خداوند و به نام خلق قهرمان ایران طولانی شدن غیرمنتظرهٔ مدت شور دادگاهی که مسئول رسیدگی به جنایات ضدانقلابی دو تن از جلادان ساواک به نام‌های "تهرانی" و "آرش" می‌باشد شایعاتی را در افواه عموم موجب شده‌است؛ شایعاتی مبنی‌بر احتمال بخشش جنایتکاران مزبور به بهانه این‌که در نظام اطلاعاتی و امنیتی آینده کشور مورد استفاده قرار گیرند.

بدیهی است که نفس رواج شایعات نمی‌تواند چندان قابل اعتنا بوده و موضع‌گیری شخصی را از جانب ما برانگیزد، لکن وجود نمونه‌های مشکوکی از قبیل غیبت دو هفته‌ای تهرانی که به حق مورد توجه هوشیارانهٔ "انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه صنعتی شریف" واقع شده بود، همچنین صحنه تلویزیونی محاکمه اخیر "تهرانی" که بیشتر به محاکمه انقلابیون و اعضای جنبش انقلابی مسلمان اختصاص داشت تا ضدانقلابیون رژیم آریامهری و همچنین رفتار بسیار ناپسند اختناق‌آمیزی که در محوطه دادگاه با برخی از خانواده‌های شهدا اعمال گردید، "مجاهدین خلق ایران" را برآن می‌دارد که ضمن تحسین هوشیاری انقلابی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف اعلام نمایند:

صرف‌نظر کردن از مجازات عناصری از این چنین جنایتکار برخلاف خروش یک‌پارچه و رعدآسای خلق قهرمان در روز چهارم خرداد چیزی نیست جز میدان دادن به ضدانقلاب و نادیده گرفتن ده‌ها شهید جان برکفی که به وسیله همین مزدوران به قتل رسیدند. بنابراین سازمان

۵۶۳
رادیو مسکو در تفسیری درباره متن پیش‌نویس قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران، تلویحاً رضایت و مواضع تأییدآمیز دولت شوروی را از محتویات و مطالب پیش‌نویس منتشره به نحو زیر اعلام کرد:

شکی نیست که انتشار پیش‌نویس قانون‌اساسی جدید گام مهمی در راه تقویت دست‌آوردهای انقلاب ایران است. در پیش‌نویس قانون‌اساسی بیش از هرچیز نام جمهوری در ایران به چشم می‌خورد. آن مواد قانون‌اساسی که حقوق افراد ایران را تأمین می‌کند حائز اهمیت فراوان است.

در پیش‌نویس قانون‌اساسی برابری همه ملت‌های جمهوری اسلامی و برابری عموم افراد در برابر قانون و آزادی بیان و قلم و تشکیل احزاب و گروه‌ها و انجمن‌های مذهبی و سیاسی و سندیکایی و آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌هایی صلح‌جویانه اعلام شده‌است. در پیش‌نویس قانون‌اساسی گفته شده حقوق اجتماعی افراد از جمله کار و آموزش و حمایت مادر و کودک اعلام شده‌است.

در قانون‌اساسی پیشین ایران این حقوق پیش‌بینی نشده و در پیش‌نویس قانون‌اساسی جدید گفته می‌شود مالکیت خصوصی که از راه مشروع به دست آمده، مورد احترام است. در عین حال در پیش‌نویس، برخی تدابیر جهت جلوگیری از زیاده‌روی‌های ناشی از کارفرمایی اصول سرمایه‌داری، پیش‌بینی گردیده‌است. ثانیاً در پیش‌نویس منظور شده است که مالکیت خصوصی در صنایع کشاورزی و بازرگانی در صورتی که به منافع جامعه لطمه بزند، ممکن است لغو شود.

مواد پیش‌نویس قانون‌اساسی جدید که مربوط به سیاست خارجی است به ویژه مورد توجه است. این مواد بیانگر آن است که ایران نوین حاضر نیست اجازه بدهد خاک آن به پایگاهی جهت تدارک نظامی بیگانگان علیه همسایگان ایران مبدل شود.

در پیش‌نویس گفته شده‌است ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی حتی برای مقاصد صلح‌جویانه ممنوع است.(۳۱)

ضمیمه خبر شماره ۵۵۱

جلسات علنی محاکمه بهمن نادری‌پور معروف به تهرانی و فریدون توانگری معروف به آرش از تلویزیون پخش شد. در این محاکمات، نام‌بردگان ـ به خصوص تهرانی ـ مفصلاً به تشریح و توصیف جنایات خود علیه زندانیان سیاسی رژیم گذشته پرداختند و ضمن توصیف حوادث به برخی نکات که مطلوب و یا به نفع گروه‌هایی چون مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق نبود نیز در خلال گفتار خویش اشاره می‌کردند. طولانی شدن محاکمه و پخش تلویزیونی مستمر آن و ذکر نکات یادشده در سخنان نام‌بردگان، باعث شد که سازمان مجاهدین خلق تحلیل وتفسیر مذکور را بنویسد و منتشر کند. در واقع این سازمان همواره در مناسبت‌های مختلف در پی بهانه‌ها و محمل‌هایی بود تا انقلابی بودن خود و ضدانقلابی و ارتجاعی بودن

جریان مذهبی حاکم را با مهارت در افکار هواداران خود ترویج و القا کند. در مورد سرانجام قضیّه بد نیست یادآوری شود که دو فرد نام‌برده طبق روش دادگاه‌های انقلاب وقت در مدت زمان کوتاهی پس از خاتمه محاکمه و صدور حکم، جلو جوخه اعدام قرار گرفتند و تیرباران شدند. سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی که از نظر کادرهای ورزیده و دارای سابقه انقلابی، غنی بود، نه تنها به لحاظ ایدئولوژیک بلکه از نظر مدیریت و سازمان نیز کوچک‌ترین اعتنایی به امثال نام‌بردگان نداشت و در همان حال مشغول پی‌ریزی نظام اطلاعاتی و ضدجاسوسی جمهوری‌اسلامی بود. سازمان مجاهدین خلق از این مطلب اطلاع کامل داشت اما در تبلیغات وانمود می‌کرد که خطر تشکیل سازمان‌های اطلاعاتی فاسد، آن هم در حدی که از عناصر ساواک استفاده کند، جدی است و باید با آن مقابله شود و تلویحاً خاطرنشان می‌کرد که تنها راه مقابله نیز تقویت بنیه تشکیلاتی و نظامی گروه‌هایی چون سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق می‌باشد!

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۲

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۴.
۲ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۲.
۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۴.
۴ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه" نشریهٔ شماره ۹۳، ۱۳۵۸/۴/۴، ص ۹، رادیو ریاض (بخش عربی).
۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۲.
۶ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۳.
۷ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۹۲، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۴، رادیو لندن.
۸ ـ روزنامه انقلاب‌اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۱۱.
۹ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۴.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۸.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۶.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۶، ص ۱۰.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۵، ص ۱۰.
۱۴ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اعلامیه‌ها و موضعگیری‌های سازمان مجاهدین خلق ایران ـ ۱ (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۳۵۸) ص ۱۷۶.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۵، ص ۱۱.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۱۴، ص ۱۸۳.
۱۷ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۱.
۱۸ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب‌اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام‌خمینی، جلد ۷ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی)، ص ۱۸۲.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۵، ص ۱۱.
۲۰ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۸ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۱۷۶-۱۷۷.
۲۱ ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۴/۲، ص‌ص ۱ و ۲، آسوشیتدپرس.
۲۲ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۱۲.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۵، ص ۱۲، آسوشیتدپرس.
۲۴ ـ مأخذ شماره ۵، ص ۱۱.
۲۵ ـ مأخذ شماره ۶، ص ۲.
۲۶ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۲.
۲۷ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۱، رویتر، به نقل از مجلهٔ "الاسبوع العربی".
۲۸ ـ مأخذ شماره ۶، ص ۹.
۲۹ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۶.
۳۰ ـ مأخذ شماره ۴، ص‌ص ۱ و ۲، قاهره، یونایتدپرس.
۳۱ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۸، رادیو مسکو.

روزشمار

یکشنبه

۳ تیر ۱۳۵۸

۲۹ رجب ۱۳۹۹

۲۴ ژوئن ۱۹۷۹

۵۶۴
عصر امروز حجت‌الاسلام شیخ‌عیسی خاقانی به ملاقات آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران رفت. در این ملاقات آقای خاقانی دربارهٔ مسائل و مشکلات خوزستان به تفصیل صحبت کرد. وی ضمن محکوم کردن هر نوع توطئه و دسیسه و نفاق‌افکنی، خواستار آزادی زندانیان حوادث اخیر و همکاری مستقیم بین روحانیت و مقامات مسئول مملکتی شد. همچنین شرایط رئیس‌جمهور مورد گفت‌وگو قرار گرفت و آقای خاقانی خواستار شد که رئیس‌جمهور حتماً باید شیعه اثنی‌عشری باشد.

سپس مسئله ارسال نفت ایران به فیلیپین مورد بررسی قرارگرفت. آقای خاقانی گفت: این موضوع بسیار ناشایسته بلکه قبیح است که مابه کشوری که در حال جنگ با مسلمانان است، نفت بفروشیم. ما جداً خواستار قطع صدور نفت به این کشور هستیم. ارتش "مارکوس" به‌دختران مسلمان تجاوز می‌کند و مردم مسلمان این کشور سالیان سال است مبارزه کرده و تا کنون حدود یک‌صد هزار کشته داده‌اند.

آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر قول مساعد داد که مسئله قطع صدورنفت مورد بررسی جدی قرار خواهد گرفت.(۱)

۵۶۵
تیمسار دکتر مدنی استاندار خوزستان پس از بازدیدی چند ساعته از کیهان، درباره مسائل مختلف مربوط به اوضاع خوزستان در پاسخ به سؤالات کیهان مفصلاً صحبت کرد؛ از جمله در مورد آرامش و امنیت خوزستان‌گفت: به‌طور نسبی آن‌جا آرام شده و احساس امنیت نسبی می‌شود ولی باید بدانیم که ایادی استعمار و استبداد در خدمت استعمار می‌کوشند تا باز نفاق‌افکنی و آشوب به‌پاکنند ودیدیم که در [این] دو سه روزه هم خرابکاری‌هایی انجام گرفت.

در مورد امضای توافقی با شیخ‌شبیرخاقانی: به‌طور کلی حسن‌تفاهم از هر دو سوی کاملاً ... می‌خواهم این لغت دو سوی را هم حذف کنم و کلمه یک‌سو به‌جای

آن بگذارم، فقط مسائلی است که با حسن‌تفاهم می‌بایست روشن شود و این‌هم مرحله به مرحله در حال انجام پذیرفتن است و ما روی وعدهٔ خودمان ایستاده‌ایم و آرامش و نظم منطقه حتی تا آن‌جا که بتوانیم چه موادی که تعهد شده و چه موادی که تعهد نشده ولی باید انجام بگیرد، انجام خواهد گرفت.

در مورد خلع سلاح منطقه: کارگزاران عراق با همکاری مزدوران نظام فاسد سابق و با پول محمدرضاخان ـ که خود آن پول نیز متعلق به ملت ایران بوده و هست ـ سلاح به اصطلاح رایگان را به مرزها وارد کردند و بین پاره‌ای از مرزنشینان تقسیم می‌کنند... به‌دستیاری مزدوران و کارگزاران عراق سیل اسلحه قاچاق به جانب ایران روان است. با این‌حال، خلع‌سلاح در خوزستان حل‌ناشدنی نخواهد ماند و از هم‌اکنون با تدابیر دانسته به این مهم پرداخته‌ایم و تاکنون نزدیک به هزار قبضه تفنگ از نوع کلاشینکف جمع‌آوری شده‌است و تلاش همچنان ادامه دارد تا سلاح از دست مردم نامتعهد و غیرمسئول درآید و در دست مردم متعهد، مسئول و مؤمن به انقلاب قرار گیرد.

در مورد تحرکات عراق؛ عراق طبق روش جاری‌اش گاه‌به‌گاه نمایشات مرزی داشته و گاهی نمایش مرزی‌اش به تجاوز مرزی محدود هم انجامیده است؛ در دو ماهه اخیر از این تجاوزها مشاهده گردیده. ابتدا سعی بر این بوده که از طریق دیپلماسی اعتراض شود، به همین دلیل تجاوزات عراق را به تهران منعکس کردیم و اعتراض دیپلماسی انجام گرفت. فکر می‌کنم اگر این اعتراض سیاسی به نتیجه نرسد بایستی عکس‌العمل شدید نشان داد.

در مورد مقابله با تحرکات عراق سیاست دولت ایران این است که روابط دوستانه و صمیمانه با همسایگانش داشته باشد و خلق و خوی ما ایرانیان چنین است که معتقد هستیم گره‌ای که می‌شود با دست باز کرد با دندان باز نکنیم. به موجب همین روش روا نمی‌داریم با همسایگان به ستیز برخیزیم و بیشتر ترجیح می‌دهیم روابط ما با همسایگان دوستانه باشد، به‌دنبال این طرز تفکر است که کمتر مشاهده شده‌است که از سوی ایران نسبت به همسایگانش تهاجمی انجام پذیرد.(۲)

۵۶۶
رکن سوم دایره امور مرزی ژاندارمری کل کشور در نامه‌ای به نخست‌وزیری تحت موضوع "بهبود وضع زندگی اهالی مرزنشین"، "برابر گزارش مرزبانی خرمشهر" نوشت:

در تاریخ ۵۸/۴/۳ ضمن گردهم‌آیی رؤسای عشایر و معتمدین محلی ساکن حوزه استحفاظی گروهان ژاندارمری خسروآباد در حضور مرزبان خرمشهر و فرمانده گارد ساحلی و همچنین فرمانده گروهان خسروآباد به‌منظور بهبود وضع زندگی اهالی مرزنشین تقاضاهایی به‌شرح زیر داشته‌اند:

۱ ـ به‌علت گرانی خواربار به‌ویژه مواد غذایی نظیر آرد و برنج، از طریق دولت ایران مواد در اختیار اهالی قرار گیرد.

۲ ـ محدودیتی که فعلاً برای صید ماهی موجود است برداشته شود و مدت بیشتری به‌آنها وقت داده شود که با وسایل خود در خلیج‌فارس به صید ماهی بپردازند.

۳ ـ مانند سایر نقاط از مبادلات مرزی برخوردار شوند، چون در تمام ساحل خلیج‌فارس و دریای عمان فقط بخش اروندکنار از مبادلات مرزی محروم هستند.

۴ ـ اجازه داده شود محصولات خود را از قبیل یونجه و خرما به امارات خلیج‌فارس و دریای عمان حمل و بازار فروش را خودشان پیداکنند، چون خرما در ایران بازار فروش ندارد.

۵ ـ نسبت به تأمین آب و برق و جاده اقدام شود.

۶ ـ نسبت به خرید عادلانه ماهی از صیادان اقدام شود.

مرزبان درگزارش خود افزوده است: موارد فوق نیز درکمیسیون شهر آبادان به‌اطلاع مقامات مسئول محلی رسانیده که از آن طریق اقدام لازم به‌عمل آورند، لیکن اقدام سریع در این‌مورد از طریق نخست‌وزیری امکان‌پذیر خواهد بود. استدعا می‌شود مقرر فرمایید از صدور اوامری که نسبت به‌رفع مشکلات موجود به متصدیان امر صادر می‌فرمایند، ژاندارمری کشور را نیز در جریان اقدام قرار دهند.(۳)

۵۶۷

روزنامه انقلاب‌اسلامی درگزارشی تحت عنوان "یک‌بار دیگر کردستان" به بررسی اوضاع جاری سنندج و اختلافات پیش‌آمده بین استاندار با علامه مفتی‌زاده و اهالی سنندج پرداخت. در این گزارش که حاوی اطلاعات جالبی درباره آخرین وضعیت سنندج می‌باشد چنین آمده است:

در حالی‌که اوضاع سنندج به سرعت رو به ناآرامی می‌رود و موج عظیمی از نارضایتی و خشم کردهای مسلمان علیه "یونسی" استاندار کردستان برخاسته، دولت هنوز هیچ‌گونه تصمیمی مبنی‌بر برآوردن خواسته‌های مردم این منطقه اتخاذ نکرده‌است و استاندار نیز این گروه بزرگ را تنها عده‌ای در حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر می‌داند!

روز دهم اردیبهشت‌ماه: مسلمانان کردستان در پی قتل دو روستایی به‌وسیله ایادی "حبیب‌خان مرادی" و فرار عده‌ای از روستاییان از آبادی، وی راکه از زمین‌داران بزرگ منطقه به‌شمار می‌رود، دستگیر و تحویل لشکر ۲۸ کردستان در سنندج می‌دهند، اما چند روز بعد یونسی استاندار کردستان بدون هیچ مجوزی و حتی بدون گرفتن تعهدنامه از متهم، دستور آزادی او را صادر می‌کند.

به‌دنبال آزادی مرادی، مردم چند بار به استانداری مراجعه و خواستار دستگیری مجدد وی می‌شوند، یونسی استاندارکردستان در مقابل این اعتراضات، تنها سکوت اختیار می‌کند.

روز بیست‌وهشت خردادماه: گروه‌ها، انجمن‌های مختلف اسلامی، روحانیون و بازاریان با صدور قطع‌نامه‌ای در پنج ماده استاندار را ضدمردمی و ضدانقلابی خوانده و وی را متهم به توطئه علیه انقلاب‌اسلامی ایران می‌نمایند و به دولت موقت جمهوری اسلامی مدت پنج روز فرصت می‌دهند تا یونسی را ازکار برکنار و با مشورت مردم استاندار جدیدی به‌کارگمارد. علامه

مفتی‌زاده رهبر کردهای سنندج نیز به‌دفعات در سخنرانی‌های خود خواستار برکناری یونسی از سمت استانداری کردستان شده است.

امروز صبح با پایان یافتن مهلت پنج روزه، مردم بازارها را تعطیل و در مقابل استانداری به دادن شعار مشغول شدند که در این‌موقع یکی از سخن‌گویان استانداری در مورد استعفای استاندار به تظاهرکنندگان گفته است که ایشان تا سه‌شنبه سنندج را ترک خواهد کرد.

ناظران آگاه معتقدند که باکنار رفتن "حاج‌سیدجوادی" از مقام وزارت کشور، یونسی نیز از استانداری کردستان در آینده نزدیکی برکنار خواهد شد. یونسی بعدازظهر یکشنبه در مصاحبه تلفنی با خبرنگار ما درباره مسائل مختلف کردستان و از جمله اختلاف خود با مفتی‌زاده و خواسته‌های روحانیون سنندج مبنی‌بر استعفایش توضیحاتی داد. وی ابتدا درباره علامه مفتی‌زاده گفت: «ما در کردستان علامه‌ای نداریم! مفتی‌زاده تصدیق کلاس ششم را هم ندارد. من به ایشان به نظر یک آدم معمولی نگاه می‌کنم و کاملاً نسبت به ایشان بی‌غرضانه رفتار می‌کنم. ایشان اگر گرفتاری داشته‌باشند می‌توانند بیایند تا من کمکشان کنم.» وی همچنین درباره گروه‌های مسلمان مخالف خود گفت: اینها یک جمع ۱۵۰ یا ۲۰۰ نفری هستند که حتی روحانی هم نیستند.

وی در مورد استفاده از هلی‌کوپترهای ارتش برای برقراری امنیت در منطقه، گفت: کردستان منطقه‌ای کوهستانی است و قاچاق اسلحه در سراسر آن آزادانه جریان دارد. ما ناچاریم برای رسیدن سریع به مناطق مختلف و احتمالاً پیاده‌کردن قوا در این مناطق از هلی‌کوپتر استفاده‌کنیم.

روزنامه انقلاب‌اسلامی در ادامه افزود: آیا این بار هم کردستان آماده انفجار دیگری است؟ چشم یک قوم به درهای استانداری دوخته شده‌است تا چه زمان دولت به این همه دردها برسد و کبریت را از کنار باروت بردارد...(۴)

۵۶۸

نهضت آزادی ایران با انتشار بیانیه‌ای، سازمان مجاهدین خلق رابه دلیل تحریف اظهارات مهندس عزت‌الله سحابی درباره شکنجه محمدرضا سعادتی (در روزشمار ۵۸/۳/۳۰ آمده است.) به شدت مورد اعتراض قرار داد و روش‌های این سازمان را در برخورد با مسئله سعادتی محکوم کرد. این نهضت همچنین انتشار پروندهٔ سعادتی را ـ که سازمان مجاهدین انقلاب‌اسلامی انجام داده است ـ به‌عنوان اقدامی نادرست و یک‌طرفه مورد نکوهش قرار داد. جزئیات و نکات متعدد این تکذیبیه، بخش عمده‌ای از آن را خواندنی کرده که متن کامل آن چنین است:

«میان حق و باطل به‌اندازه مویی فاصله است و این هم همیشه به‌هم می‌آمیزد. در میان این مردم بی‌تردید افراد و گروه‌هایی که تلخی استبداد و استثمار را طی سال‌ها مبارزه دریافته‌اند، این وظیفه و این حق را برعهده دارند که در میان طوفان درگیری حق و باطل، مبین راستین حقیقت و پیام‌آور عدالت باشند نه آنکه با مخالفت‌های افراطی و پیش‌داوری‌های گروهی و کینه‌توزی دور از تقوی و صبر انقلابی، سرگردانی و نفاق را برای این مردم باقی بگذارند.» سپس در خصوص

۱۹۵۱ نمی‌توانند قدرت را در دست گیرند؛ ازآن‌جایی‌که روحانیت نیز کادر لازم و راه‌حلی هم برای مسائل اقتصادی و اجتماعی یک جامعه مدرن ندارد، بنابراین تنها ارتش است که می‌تواند این گروه کور را باز کند.

اگر فرضیه یک کودتا در درازمدت یا کوتاه‌مدت را قبول کنیم متوجه می‌شویم دو نوع گرایش در حال حاضر در قلب ارتش وجود دارد: مسلمانان رادیکال طبقه سومی وطرف‌داران رژیم سابق که هنوز پاکسازی نشده‌اند. اگر گروه اول به کمک بخشی از روحانیت و خرده بورژوازی تهران پیروز شوند، ایران در صدر خود یک سرهنگ قذاقی خواهد یافت؛ اگر مذهبی‌های قشری دست راستی ببرند، آن وقت دوران یک پینوشه در ایران آغاز می‌شود. بنابراین نه انقلاب خواهد بود و نه نوسازی، بلکه تجدید حیات فاشیسم خواهد بود که‌بسیاری از روشن‌فکران ایران طلیعه‌اش را در افق می‌بینند.(۲۷)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۳

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۴ ص۲.
۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۶.
۳ ـ سند شماره ۱۱۴۶۶۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام شماره ۱۱۱۷۵/۴۰۱/۷۷/۱۰۵ / ۱۳۵۸/۴/۱۳ ژاندارمری کل کشور به نخست‌وزیری.
۴ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۶، ۱۳۵۸/۴/۴، ص۱۱.
۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۵، ص۱۲.
۶ ـ روزنامه کیهان،۱۳۵۸/۴/۳، ص۶.
۷ ـ مأخذ شماره ۶، ص۲.
۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳، ارومیه، خبرگزاری پارس.
۹ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۳، ص۸.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۹، ص۸.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۹، ص۱۲،
۱۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸، ایلام، خبرگزاری پارس.
۱۳ ـ سند شماره ۳۴۶۸۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۹، ص۲.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۶، ص۳.
۱۶ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۴، ص۲.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۶، ص۶.
۱۸ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره۹۳، ۱۳۵۸/۴/۴، ص‌ص ۴ تا ۶، امان، خبرگزاری رویتر.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۹، ص۲.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۶، ص۳.
۲۱ ـ مأخذ شماره ۶ ص۸.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۹، ص۲.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۴، ص۱.
۲۴ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۳۴ (تهران: نشرلانه، بی‌تا) ص‌ص ۱۳۷ـ۱۳۹.
۲۵ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۶۳ (تهران: نشرلانه، بی‌تا) ص ۱۲۴.
۲۶ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۰ (تهران: نشرلانه، بی‌تا) ص‌ص ۷۱ و ۷۲.
۲۷ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۳، ص۵.

روزشمار

دوشنبه
۴ تیر ۱۳۵۸
۳۰ رجب ۱۳۹۹
۲۵ ژوئن ۱۹۷۹

۵۸۶
در پی طرح و انتشار مسئله مهاجرت ۹ تن از روحانیون خرمشهر، فرمانداری این شهر درباره مهاجرت روحانیون و اقداماتی که برای حل این مسئله انجام شده‌است، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که این امر به مدت پنج روز به‌تأخیر افتاده‌است. در این اطلاعیه بعد از هشدار به مردم که عناصر ضدانقلاب می‌کوشند تا با ایجاد رعب و وحشت کاذب امنیت فکری را از جامعه خرمشهر سلب و با اسائه ادب به حریم مقدس روحانیت وحدت ما را متزلزل کنند، اعلام شده‌است: حضرت حجت‌الاسلام سیدابوالقاسم دیباجی نماینده اعزامی ستاد امام‌خمینی در خوزستان به خرمشهر وارد و در جلسه‌ای که با حضور ایشان و علمایی که قصد مهاجرت داشتند و نمایندگان طبقات مختلف تشکیل گردید، مقرر شد به فوریت و به طریق مقتضی از جامعه روحانیت خرمشهر رفع نگرانی به عمل آید و مذاکرات تا حصول نتیجه قطعی ادامه یابد و لذا مهاجرت آقایان محترم، برای ادامه مذاکره پنج روز به تأخیر افتاد و اطمینان بلا تردید دارد که هم شیوه‌های فرقه‌گرایانه و نفاق‌افکنانه رسوایان شناخته‌شده ضدانقلابی به‌زودی خنثی خواهد شد و هم مبارزان راه حق و حقیقت در سنگرهای امن و ایمن خود به جهاد بزرگ خویش ادامه خواهند داد.(۱)

۵۸۷
دادستان انقلاب خرمشهر و آبادان اعلام کرد: ۲۰۰ نفر از بازداشت‌شدگان عرب که در جریان حوادث اخیر خرمشهر دست‌گیر شده بودند، آزاد شده‌اند و فقط پرونده تعدادی از آنها تحت بررسی است وی افزود: «در بین دست‌گیر شدگان عرب خرمشهری چند نفر مشکوک به ملیت عراقی بودند که پروندهٔ آنان نیز تحت مطالعه است.»(۲) از سوی دیگر، برای دومین شب پیاپی گروهی ناشناس مسلح ضمن حمله به پاسگاه "دوربند" خرمشهر آن پاسگاه را به رگبار مسلسل بستند که با مقابله پاسداران انقلاب، تهاجم آنها دفع شد و در نخلستان‌ها ناپدید شدند. علاوه بر این، در ساعت ۱۲ شب از نخلستان‌های خرمشهر گلوله آر.پی. جی. ۷ به‌طرف پاسگاه دریایی

خرمشهر شلیک شد.[۳] سحرگاه امروز عده‌ای ناشناس نارنجکی به سوی منزل حضرت حجت‌الاسلام غلامحسین جمی (یکی از روحانیون مبارز آبادان) واقع در ایستگاه۲ این شهر پرتاپ کردند. بنا به اظهار فرزند ایشان این انفجار که خارج از منزل صورت گرفت تنها به در حیاط آسیب رساند. بامداد امروز نیز کتاب‌فروشی ارانی واقع در خیابان امیری آبادان به دست عده‌ای ناشناس به آتش کشیده شد و تعدادی از کتاب‌های موجود طعمه حریق شد.[۴]

۵۸۸
امروز گروهی از اعراب آبادان به‌طرف‌داری از شبیرخاقانی و علیه مدنی استاندار خوزستان و آیت‌الله خلخالی دست به تظاهرات زدند. به نوشته روزنامه بامداد، در پیشاپیش جمعیت عکس‌هایی از آیت‌الله شبیرخاقانی و آیت‌الله شریعتمداری و در پشت‌سر آنان عکس‌های اعرابی که در وقایع اخیر آبادان و خرمشهر کشته شده‌اند حمل می‌گردید. تظاهرکنندگان با صدور قطع‌نامه‌ای ۹ ماده‌ای خواستار رعایت حقوق قومیت‌ها در قانون اساسی، آزادی زندانیان عرب، شناسایی و مجازات مسببان وقایع خرمشهر و رفع سانسور از مطبوعات و رادیو و تلویزیون شدند. در قطع‌نامه همچنین تأکید شده‌است: اگر قانون اساسی ضامن حقوق قومیت و حق خودمختاری نباشد، مورد تأیید خلق مسلمان عرب نخواهد بود.[۵] سازمان کمونیستی "رزمندگان آزادی طبقه کارگر" با استفاده از موقعیت و با توجه به مشی خویش، قطع‌نامه مزبور را چنین گزارش کرده‌است:

«ما تظاهرکنندگان خلق مبارز عرب دشمنی و ستیز با امپریالیسم و استبداد را از نیاکان و پدران خود آموخته و با قیام‌ها و نهضت‌ها و قربانی‌دادن‌های بی‌شمار سهم بسزایی در برانداختن رژیم‌های جبار و سفاک داشته‌ایم و داریم. بعد از سقوط رژیم سرسپرده پهلوی انتظار داشتیم که جمهوری‌اسلامی حقوق خلق عرب و دیگر خلق‌های ایران را با میل و بدون هیچ تأخیر و تعللی به آنها اعطا نماید اما متأسفانه دولت اسلامی نه تنها تاکنون هیچ توجهی به خواسته‌های مشروع انسانی خلق عرب ننموده بلکه حتی از اعتراف به موجودیت خلق عرب ایران خودداری کرده و این خلق‌ها را ایرانی عرب‌زبان می‌نامد.» در ادامه آمده است: متأسفانه دولت درصدد است که از تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین و تصویب قانون‌اساسی به‌دست نمایندگان واقعی مردم ایران و من‌جمله خلق عرب که دربردارنده حقوق حقه آنها باشد جلوگیری کند و این امر را به‌وسیله افراد خود و خبرگان دست‌آموز خویش به انجام رساند. به این علل و جهات، ما تظاهرکنندگان خلق عرب خواسته‌های خویش را به این شرح اعلام می‌داریم:

۱ ـ آزادی بدون قید و شرط کلیه فرزندان بازداشت‌شده خلق عرب. چنانچه تا روز یکشنبه ۵۸/۴/۱۰ از بند آزاد نشوند دست به اعتصاب و تحصن گسترده‌ای خواهیم زد. ۲ ـ به رسمیت شناختن حق خودمختاری همه خلق‌های ایران و من‌جمله خلق عرب. ۳ ـ رفع سانسور از رادیو و تلویزیون و مطبوعات، و از تشویش افکار عمومی در مورد خلق عرب و اوضاع منطقه خودداری شود. ۴ ـ پیش‌نویس قانون‌اساسی ارائه‌شده از طرف دولت موقت سند محکومیت

دوباره خلق‌های ما است، بدین‌وسیله آن‌را رد می‌کنیم و خواستار تشکیل مجلس مؤسسان جهت تصویب قانون‌اساسی که ضامن حقوق خلق‌های ستم‌دیده ما است می‌باشیم. ۵ ـ محکوم کردن سایر دسیسه‌های امپریالیسم و وابستگان داخلی و خارجی‌اش جهت ملوث کردن خواسته‌های خلق عرب. ۶ ـ برگزیدن افراد بومی و محلی جهت تصدی مقامات اداری منطقه و محاکمه مسببان کشتار اخیر خلق ما و سایر جیره‌خواران و سرمایه‌داران وابسته به رژیم منفور پهلوی هستیم. ۷ ـ از همه سازمان‌ها، گروه‌ها، جمعیت‌ها و کانون‌های مترقی ایرانی که از حقوق ما دفاع می‌کنند پشتیبانی می‌کنیم. ۸ ـ از موضع مترقیانه حضرت آیت‌الله‌العظمی شیخ محمدطاهرآل شبیرخاقانی پشتیبانی می‌نمائیم و هر گونه اهانت به شخص آن حضرت را شدیداً محکوم می‌نمائیم.[۶]

در بازتاب تظاهرات آبادان، آسوشیتدپرس طی گزارشی اعلام کرد: هزاران عرب ایرانی که خواستار خودمختاری هستند در خیابان‌های آبادان تظاهرات شدید برپا کردند. این عده خواستار خودمختاری سیاسی و فرهنگی و پایان دادن به سانسور در رادیو و تلویزیون دولتی ایران شدند و به دولت هشدار دادند اگر خواسته‌های اعراب نادیده گرفته شود باید با عواقب ناخوشایند آن روبه‌رو گردد.[۷]

۵۸۹
گروهی تحت عنوان "هواداران کانون فرهنگی خلق عرب خرمشهر" با انتشار اعلامیه‌ای در ۷ ماده "ظلم‌هایی را که بر خلق عرب رفته" بر شمردند و خواستار توجه دولت به آرمان‌های اعراب ایرانی شدند. آنان ضمن محکوم کردن نامیدن افراد عرب به عناوین خرابکار، اخلالگر و نظایر آن، تقاضا کردند ساختمان‌های آنها باز پس داده شود.[۸]

در همین حال، رادیو لندن گفت: شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی نامه‌ای به مهندس بازرگان نخست‌وزیر ایران نوشت که اعراب ایرانی اعتماد خود را نسبت به دولت مرکزی از دست داده‌اند. وی گفته است به‌عنوان یک عمل مبتنی‌بر حسن‌نیت باید تمام کسانی را که در زدوخوردهای اخیر دستگیر شده‌اند، آزاد شوند و به مردم محلی اجازه داده شود که اداراتی را که مربوط به امور محلی هستند، اداره کنند. وی هشدار داد که خوزستان در لبهٔ پرتگاه انفجار است.[۹]

۵۹۰
به گزارش روزنامه اطلاعات، در سنندج گروهی به مخالفت با استاندار دست به تظاهرات زدند که این تظاهرات با راهپیمایی گروه‌های دیگری از مردم به پشتیبانی از یونسی استاندار، مواجه گردید. بر اساس همین گزارش، تعدادی از مغازه‌های بازار سنندج به نشانهٔ مخالفت با استاندار تعطیل شد ولی بیشتر مغازه‌ها همچنان باز بود. لازم به ذکر است که از دو روز قبل استاندار کردستان استعفای خود را به وزیر کشور تسلیم کرده‌است ولی با این استعفا هنوز اعلام موافقت نشده است.[۱۰]

در گزارش روزنامه کیهان استعفای یونسی به‌دلیل اختلاف با شورای شهر ـ به‌دنبال

صرف‌نظر از گفته‌هایی که در سوریه دربارهٔ ما بیان شد و هم در بغداد دربارهٔ برادران سوری گفتیم، رابطه تازه‌ای باید برقرار شود و از آن‌جا که خطر رویارویی حرکت نوین اسلام با احزاب و گروه‌هایی چون بعث که محوری غیراسلامی دارند برای جهان عرب وجود دارد، هر دو کشور سوریه و عراق برای تقویت ناسیونالیسم عرب، خواهان اتحاد دو حزب بعث هستند....» صدام افزود: وحدت میان دو کشور، اگر دو حزب یکی نشوند، جنبهٔ تاکتیکی دارد.(۳۱)

۶۰۱
"حرکت انقلاب‌اسلامی عراق" با انتشار اعلامیه‌ای خطاب به ملت عراق ـ که در مطبوعات امروز ایران درج شد ـ خواستار قیام بر ضد حکومت آن کشور برای آزادسازی آیت‌الله صدر شد. متن کامل این اعلامیه چنین است: بسم‌الله‌الرحمن الرحیم قَاتِلُوهُمْ حَتّی لاتَکونَ فِتْنَةٌ وَ یَکونَ‌الدینُ کُلُّهُ لِلّه

ملت اسلامی، ملت مسلمان عراق، مبارزات اسلامی شما در این قرن اخیر در صفحات تاریخ نقش بسته است و هنوز پهن‌دشت زرخیز بین‌النهرین مقاومت‌ها و قهرمانی‌های دلیرانه شما را در انقلاب‌اسلامی ۱۹۲۰ که نیروهای استعمار بریتانیا را در هم شکسته، از یاد نبرده است و هنوز فریادهای خشمگین‌تان را که در اربعین حسین ۱۹۷۶ برآوردید و با مرگ بر خائن، رژیم صدام حسین و اطرافیان او را محکوم کردید، از یاد نبرده است. ملت مسلمان و مبارز عراق، هم‌اکنون رهبر مجاهد آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر در محاصره سخت تکریتی مزدور قرار گرفته و حتی آذوقه را از ایشان ربوده‌اند، بیایید تا برای در هم شکستن این نقشه استعماری و آزاد ساختن رهبر انقلاب خود از این زندان طاقت‌فرسا، به‌پاخیزیم و با خشم انقلابی و اسلامی خود کاخ این ستمگران و خون‌خواران را در هم بکوبیم که خدا یار و پشتیبان مؤمنان است.(۳۲)

۶۰۲
سعدقاسم حمودی وزیر اطلاعات عراق گفت: «فعالیت‌های خرابکارانه‌ای از داخل خاک ایران علیه عراق انجام می‌شود که هدف آن ایجاد مشکلاتی در روند انقلابی این کشور و منحرف کردن توجه آن از وظایف ملی خویش در قبال توطئه‌های کارتر، سادات و بگین است.» وی افزود: هیچ عربی نمی‌تواند ادعاهای ایران را مبنی بر مالکیت بحرین و سه جزیره عربی خلیج‌عرب بپذیرد.(۳۳)

۶۰۳
وزارت کشور جمهوری‌اسلامی ایران در نامه‌ای به وزارت امورخارجه اعلام کرد: طبق اعلام استانداری کردستان مستند به گزارش ناحیه ژاندارمری آن استان، شیخ عثمان علاءالدین از اهالی سیریه عراق که در حال حاضر مقیم سلیمانیه است از جانب صدام حسین احضار شده تا حدود چهارهزار دینار عراقی در اختیارش قرارداده شود که با استفاده از این مبلغ افراد مخالف انقلاب‌اسلامی ایران را وادار به خرابکاری در خاک ایران کند.(۳۴)

۶۰۴
در ادامهٔ اقدام رژیم عراق به دستگیری‌ها و بازداشت‌ها و ایجاد محدودیت برای علما جهت مقابله با نهضت اسلامی این کشور، گزارش‌ها از بازداشت آیت‌الله سیدعباس خاتم و شمار بسیاری از طلاب و جوانان مذهبی حکایت می‌کند. همچنین به‌دنبال بازداشت و دستگیری نماینده امام، آیت‌الله رضوانی، وی را مجبور به ترک عراق کردند که نام‌برده وارد ایران شد.(۳۵)

به گزارش مطبوعات، جنبش اسلامی کردستان عراق طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: ما ملت مسلمان کردستان عراق رهبری و قیادت امام‌خمینی را در جنبش اسلامی جهان بر ضد استعمارگران و استثمارگران، حرمت و عزیز می‌داریم و جنبش مسلمانان متعهد کردستان عراق رفتار حکومت شیطانی عراق را در برابر انقلاب‌اسلامی محکوم می‌نماید.(۳۶)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۴

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۱.
۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۴، ص ۳.
۳ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۳.
۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۵ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۲.
۶ ـ رزمندگان آزادی طبقه کارگر، گزارش از اوضاع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خلق عرب ایران (بی تا، بی نا) ص‌ص ۸۴ تا ۸۶.
۷ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شمارهٔ ۹۵، ۱۳۵۸/۴/۶، ص ۲، آسوشیتدپرس.
۸ ـ مأخذ شماره ۳.
۹ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۱۰، رادیولندن.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۳.
۱۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۶، ص ۲.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۵.
۱۳ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۴، ص ۳.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۱۱، ص ۱.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۱۲.
۱۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۶، ص ۳.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۲.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۸.
۲۰ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۷، ص ۳.
۲۱ ـ مأخذ شماره ۱۳، ص ۲.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۲۰.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۲۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۸.
۲۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۴.
۲۶ ـ مأخذ شماره ۱۱، ص ۳.
۲۷ ـ سند شماره ۱۱۳۶۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامهٔ شماره ۲۶۷۶/۵۸/۴/۴ ستاد مرکزی سپاه به نخست‌وزیری.
۲۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۳.
۲۹ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۹۴، ۱۳۵۸/۴/۵، ص‌ص ۳ ـ ۱، رادیو بغداد.
۳۰ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۹۶، ۱۳۵۸/۴/۷، ص‌ص ۵ تا ۶، رادیو بغداد، الثوره.
۳۱ ـ روزنامه انقلاب‌اسلامی، سال اول، شماره ۶، ۱۳۵۸/۴/۴، ص ۴.
۳۲ ـ مأخذ شماره ۳۱، ص‌ص ۱ تا ۴.
۳۳ ـ مأخذ شماره ۵، ص ۸.
۳۴ ـ سند شماره ۰۳۴۶۷۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نامه مورخ ۱۳۵۸/۴/۴ وزارت کشور جمهوری اسلامی به وزارت امورخارجه.
۳۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱.
۳۶ ـ همان.

روزشمار

سه‌شنبه

۵ تیر ۱۳۵۸
۱ شعبان ۱۳۹۹
۲۶ ژوئن ۱۹۷۹

۶۰۵
عده‌ای ناشناس مسلح امروز ساعت ۴ بامداد از طرف نخلستان جزیره مینو به فرودگاه آبادان حمله کردند.[۱]

مهاجمان پس از حدود ۴۵ دقیقه تیراندازی به سوی قسمت‌های مختلف فرودگاه و پیشروی تا حدود یک‌صد متری ساختمان فنی آن، با حمله متقابل افرادکمیته و پاسداران مستقر در برج مراقبت فرودگاه مواجه و با استفاده از تاریکی شب متواری شدند.[۲] به نوشته روزنامه انقلاب اسلامی تعداد مهاجمان هفت نفر بوده که در دو تیم سه نفری تقسیم شده بودند و نفر هفتم رهبری گروه را به عهده داشت.[۳]

۶۰۶
به نوشته روزنامه کیهان، هزاران تن از اهالی بخش مرزی "شادگان" در اعتراض به دخالت بیگانگان به ویژه حکومت بعث عراق در سیاست‌های داخلی ایران دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایان در حالی که به پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران و رد دخالت بیگانگان شعار می‌دادند پس از طی مسیر چند خیابان در محل مدرسه بیست‌ودوم بهمن اجتماع کردند. در این اجتماع که گروهی از سران عشایر شادگان نیز شرکت داشتند حجت‌الاسلام "سیدابوالقاسم دیباجی" نماینده اعزامی از ستاد عملیاتی امام‌خمینی طی سخنانی گفت: «اگر در ایران شخصی فکری غیر از جمهوری اسلامی داشته باشد و فکر تجزیه‌طلبی و مسئله جدایی یک میلی‌متر از خاک وطن مطرح باشد، نهراسید چون ملت ایران در مقابل این‌گونه دسائس ایستادگی می‌کند... شما مرزنشینان هوشیار باشید وهر حرکت ضدانقلابی را در نطفه خفه کنید.» وی از عشایر خواست اجازه ندهند که عوامل ضدانقلاب و بیگانه در صفوف متشکل آنها رخنه کنند و میان عرب ایران و عجم جدایی بیندازند.[۴]

۶۰۷
"عبدالرحمن قاسملو" دبیرکل حزب دمکرات کردستان با ارسال پیامی به سمینار جمعیت

حقوق‌دانان ایران، درباره "خواسته‌های مردم از قانون‌اساسی" نظر خود را مبتنی بر لزوم تصریح حقوق خلق‌های ایران به شکل خودمختاری و یا فدراتیو و آزادی‌های فردی و اجتماعی اعم از آزادی اندیشه، بیان، قلم، اجتماعات، مطبوعات، احزاب و سازمان‌های سیاسی و نیز رعایت حقوق و منافع مادی و معنوی زحمت‌کشان در قانون‌اساسی، اعلام و تأکید کرد: تشکیل مجلس مؤسسان مرکب از نمایندگان کلیه خلق‌های ایران ضرورت تاریخی دارد. مردم کردستان به‌طور اعم و حزب دمکرات کردستان به‌طور اخص طرف‌دار آن چنان قانونی است که حاوی اصول و موازین فوق الذکر بوده و در مجلس مؤسسان مورد بحث و گفت‌وگوی نمایندگان راستین همه خلق‌های ایران قرار گرفته و به تصویب نهایی برسد.

در این سمینار "جلیل گارانی" از همان حزب با تأکید بر خودمختاری خلق کرد گفت: «در پیش‌نویس قانون‌اساسی نحوه کاربرد زبان محلی مشخص نشده و به‌طورکلی تعیین نگردیده که روش استفاده از زبان‌های محلی در چه سطحی و چگونه خواهد بود.» وی ادعا کرد: بدون تشکیل مجلس مؤسسان و بررسی یک‌ایک نکات قانون‌اساسی هرگز نمی‌توان از قانون‌اساسی‌ایی برخوردار شد که حافظ منافع خلق‌های ایران باشد.[۵]

در این حال، آسوشیتدپرس در گزارشی، از تعطیلی مغازه‌های سقز خبر داد. در این گزارش آمده است: کردهایی که خواستار خودمختاری هستند، در شهر سقز مغازه‌های خود را در اعتراض به ماده ۱۳ قانون‌اساسی جدید ایران بستند. در ماده ۱۳ عنوان شده‌است که شیعه، مذهب اکثریت ایرانیان است. کردها که اکثر آنها سنی هستند اظهار می‌دارند در قانون‌اساسی باید گفته شود که اسلام مذهب رسمی ایران است.[۶]

۶۰۸
روزنامه انقلاب اسلامی در مقاله‌ای تحت عنوان "آیا سعادتی جاسوس است؟" مصاحبه خبرنگاران خود با "مجاهدین انقلاب اسلامی" و مهندس "عزت‌الله سحابی" در خصوص جریان محمدرضا سعادتی را درج کرده است. این مقاله که نکات تازه‌ای از ماجرای سعادتی را در بردارد، تا اندازه‌ای غیرحرفه‌ای تهیه شده‌است با این حال برخی نکات مهم آن آورده می‌شود: «گزارشی از مصاحبه خبرنگاران روزنامه انقلاب‌اسلامی ۵۸/۳/۲۹ با مجاهدین انقلاب اسلامی در رابطه باجریان آقای محمدرضا سعادتی: بنابر اطلاعاتی که سپاه پاسداران از منابع مختلف کسب کرده بود وجود یک رابطه جاسوسی (با)شوروی محرز می‌گردد که در اثر تعقیب و پی‌گیری به شناسایی و دست‌گیری سعادتی منجر می‌شود. برای اثبات روسی بودن "فنسینکو" این دلایل ذکر شد: شناسایی فرد مذکور به موجب اطلاعات به دست آمده؛ معرفی خود فنسینکو به عنوان یک نفر روسی طبق اظهارات سعادتی و مهم‌تر از همه، خواستن پرونده سرلشکر "مقربی" که فقط به درد روس‌ها می‌خورد. در مورد پرونده‌های "مقربی"، بازجوهای زندان قصر برای بازجویی "برنجیان" و "مقدم" نیاز به پرونده مقربی پیداکردند و اکبر طریقتی از طرف زندان قصر این‌ها را از اداره دوم ارتش می‌گیرد. در زندان قصر سعادتی این پرونده‌ها را مطالعه می‌کند ولی

نه به دلیل غیردمکراتیک بودن رژیم ایران، که به دلیل عدم صداقت خبرنگاران خارجی می‌باشد.(۱۳)

۶۱۴
هارولد براون وزیر دفاع امریکا هشدار داد: «خاورمیانه یک منطقه بی‌ثبات است و امریکا ممکن است در یک درگیری آینده دراین منطقه مداخله کند.» به گزارش آسوشیتدپرس، براون افزود: «وابستگی کشورهای صنعتی غرب به واردات نفتی یک مسئله بسیار حاد امنیتی به وجود آورده‌است.» او گفت اوضاع به شدت وخیم شده است زیرا ما و متحدان ما به نفت خاورمیانه وابستگی شدیدی پیدا کرده‌ایم و این منطقه برای ما جنبه حیاتی پیدا کرده است. براون اضافه کرد: ۱۱۰۰۰۰ سرباز هوایی، دریایی و زمینی آماده‌اند در هر موقعیتی و در هرجا مداخله کنند. این نیرو دارای چندین لشکر است که همواره آمادگی جنگی دارد و احتمالاً از این نیرو در خاورمیانه استفاده خواهد شد.(۱۴)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۵

۱ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۱۱.
۲ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص ۷.
۳ ـ مأخذ شماره ۱.
۴ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۶، ص ۷.
۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۶، ص ۱۲.
۶ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه" نشریه شماره ۹۵، ص ۲، تهران، آسوشیتدپرس، به نقل از روزنامه آیندگان.
۷ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱۲، و روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۹، ص ۳.
۸ ـ اطلاعیه شماه ۲۳، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۵.
۹ ـ مأخذ شماره ۴، ص ۸.
۱۰ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۹، ص ۳.
۱۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۱۰.
۱۲ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۷ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱)، ص ۲۱۴.
۱۳ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۶.
۱۴ ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۲، آسوشیتدپرس.

روزشمار

چهارشنبه

۶ تیر ۱۳۵۸

۲ شعبان ۱۳۹۹

۲۷ ژوئن ۱۹۷۹

۶۱۵
درپی یک عملیات خرابکارانه در ایستگاه تقویتی برق خرمشهر ـ آبادان، برق خرمشهر به کلی قطع شد. علی‌رغم کوشش‌های مأموران برق، قسمت‌های مهمی از شهر در خاموشی فرو رفت. همزمان با خاموشی خرمشهر گروهی از مهاجمان در نخلستان‌های "کوت شیخ" مبادرت به تیراندازی‌هایی کردند و درپی آن، یک دستگاه یدک‌کش در آب‌های کارون به آتش کشیده شد.(۱)

۶۱۶
حجت‌الاسلام "شیخ‌عیسی خاقانی" طی مصاحبه‌ای اختصاصی با روزنامه کیهان درباره مسائل جاری مملکتی و حوادث خوزستان مطالبی گفت که متن کامل آن چنین است:

س: اوضاع فعلی منطقه را چگونه می‌بینید؟

ج: متأسفانه وضع کنونی نامساعد بوده و احتمال خطراتی نیز هست. علت اصلی وضع کنونی را من بی‌توجهی دولت مرکزی نسبت به اوضاع منطقه می‌دانم.

س: توافق‌نامه اخیر آیا اجرا شده‌است و چه نتایجی داشته؟

ج: توافق‌نامه شامل هشت ماده است که سه ماده آن در حال اجرا است: یکی بررسی اوضاع مجروحین و مقتولین می‌باشد که جهت آن کمیته‌ای مرکب از سه نفر عرب و سه نفر عجم تشکیل شده و کار رسیدگی به پرداخت خون‌بها و تأمین حقوق بازماندگان آنان را شروع کرده. کمیته دیگری جهت بررسی وضع مستضعفین مرکب از سه نفر عرب و دو نفر عجم تشکیل و مشغول به‌کار شده‌است. متأسفانه مهمترین اصل قرارداد که تشکیل دادگاه جهت محاکمه مسببین حادثه اخیر می‌باشد، تاکنون اقدامی نشده و این خود باعث تشنج و تظاهرات اخیر گشته‌است.

س: شما علت اصلی نگرانی مردم را فقط عدم تشکیل دادگاه می‌دانید؟

ج: خیر، وضع عمران و آبادانی منطقه هم مهم است که آقای مدنی اخیراً در ملاقاتی با امام سئله ساختمان پل دوم خرمشهر را مطرح کردند و بودجه آن تأمین و اکنون در حال اجرا است. ‌ی عامل اصلی جریان همان محاکمه مسببین بوده و در ثانی مسئله ...

شبیرخاقانی از طریق آقای خلخالی و عدم ذکر حقوق عرب در قانون‌اساسی نیز از عوامل مهم است.

س: نقطه ضعف قانون‌اساسی در قبال حقوق عرب و عجم کدام است؟

ج: قبلاً ما رئوس خواسته‌هایمان را در دوازده ماده به نخست‌وزیر ارسال [کردیم] و مورد تأیید نخست‌وزیر قرار گرفت و قول رسیدگی داده شد. مسئله مهم مورد تقاضا، خودمختاری است؛ به این معنی که از زبان عربی در مدارس و رادیو تلویزیون استفاده شود. شما می‌دانید که اهالی منطقه از رسانه‌های گروهی کشورهای عربی می‌توانند استفاده کنند ولی اینها خواستار برنامه به زبان عربی از صدا و سیمای جمهوری‌اسلامی هستند، روزنامه و مجله عربی می‌خواهند، دادگاه بایستی به زبان عربی باشد و ضمناً شرکت عرب‌ها در سازمان‌های دولتی مخصوصاً ارتش که در رژیم سابق نبود، خواست عرب‌ها می‌باشد و بایستی در قانون‌اساسی منعکس شود.

س: تحریکات خارجی و نقش عراق را چگونه می‌یابید؟

ج: تا حدی که من اطلاع دارم اجانب نقشی نداشته‌اند و به‌طور عمده عناصری بی‌مسئولیت از عرب و عجم این جریان را به‌وجود آوردند، ولی اخیراً عراق در فرستادن سلاح نقشی نداشت و ما نمونه‌ای ندیدیم. [ایشان تحریکات عناصر خارجی را انکار نمود و از دولت در این مورد خواستار روشن نمودن نقش خارجی‌ها شد.]

س: نقش عناصر تحریک‌شده چگونه است؟

ج: افرادی داخلی هستند که خرمشهری‌الاصل هم نبوده‌اند و در این جریانات نقش اساسی داشتند ولی این را هم بگویم که این جریان بعد از ورود اسلحه به‌وسیله اعراب مرزنشین از عراق بوده‌است.

س: گروه‌های داخلی هم نقشی داشته‌اند؟

ج: یقیناً ضدانقلاب و گروه‌های چپ در این جریان سهیم بوده‌اند.

س: خلع‌سلاح اکنون در چه مرحله‌ای است؟

ج: در حال اجرا است و کانون فرهنگی ـ نظامی که متشکل از عرب و عجم است اعلام کرده‌اند که خلع‌سلاح شده‌اند. ولی متأسفانه افرادی از آنها هنوز مسلح می‌باشند. حکومت نظامی در مرز برقرار [است] و از ساعت ۸ شب دقیقاً بازرسی به‌عمل می‌آید. در جزیره "سلبوح" و منطقه "شادگان" و مرز خرمشهر مراقبت دقیق به عمل می‌آید. دولت اعلام نموده مالکین اسلحه می‌توانند جواز بگیرند ولی اسلحه‌های دولتی باید مسترد شود.

س: تحریکات را چگونه می‌توان خنثی نمود؟

ج: رسیدگی به وضع مستضعفین و محرومین و لغو هر نوع تبعیض نژادی بین عرب و عجم و تشکیل دادگاه جهت رسیدگی به جرائم مسببین حوادث اخیر، کمک زیادی خواهد کرد.

س: شما شخصاً تیمسار مدنی را تأیید می‌کنید و نظر اهالی منطقه راجع به ایشان چگونه

است؟

ج: عده‌ای چون ایشان منصوب امام هستند تأییدشان می‌کنند و عده‌ای مخالف سرسخت می‌باشند. تا دیروز تمام دیوارها پوشیده از شعار بر علیه ایشان بود و عده‌ای معتقدند ولو این‌که ایشان منصوب امام هستند چون‌که نظامی می‌باشند، نباید استاندار باشند چون دو حساسیت به‌وجود آمده: یکی این‌که این بدبینی را به‌وجود آورده که نکند دولت نسبت به منطقه حساسیت خاصی دارد که فردی نظامی را به آن‌جا گمارده است و در ثانی یک عنصر نظامی شایستگی سیاسی ندارد. ولی من شخصاً ایشان را ذاتاً آدم خوبی می‌دانم ضمن این‌که ایشان خشن بوده و از این بابت گلایه دارم. قبل از وقوع حادثه خرمشهر با هم بودیم و قول دادند که مسئله مسالمت‌آمیز حل شود ولی ساعتی بعد از پایان مذاکره، درگیری مسلحانه شروع شد البته ایشان گفتند: "من در جریان این عمل نبوده‌ام." ولی ما می‌دانیم که این عمل نتیجه فشار بازاری‌ها بوده و اکنون هم همان افرادی که دست به سرکوب مسلحانه زدند، بر شهر حکومت می‌کنند. من به آقای مدنی امید دارم و ایشان هم به تشخیص ناصحیح خود از وضع منطقه اعتراف دارند. به افراد پاسدار گفته شده‌بود اینها عراقی، ساواکی و ضدانقلاب هستند و در نتیجه، در کشته شدن پیرزن‌ها، اطفال، جوانان، آقای مدنی هم مسئول هستند. البته این را هم بگویم که طرف‌داران آقای "محمد کرمی" هم از ایشان حمایت می‌کنند.[۲]

۶۱۷
ماجرای درگیری‌های ارضی در مناطق کردنشین، همچنان بخشی از اخبار این مناطق را تشکیل می‌دهد؛ از جمله، زد و خورد مسلحانه‌ای در قریه "آمد" واقع در پانزده کیلومتری مهاباد روی داد که برخی مقامات محلی و مطبوعات، آن را "زد و خورد مسلحانه کشاورزان و مالکین" نامیدند. در این زد و خورد که به‌طور متناوب چند روز ادامه داشت، به نوشته اطلاعات، دو پیش‌مرگ به اسامی "ملا قادر عباسی" و "سید قادر" کشته و چند نفر آسیب دیدند. براساس همین گزارش، هیئتی با عضویت "حجت‌الاسلام ملارحیم عباسی" رئیس شورای انقلاب مهاباد" و "باباطاهری" فرماندار این شهر به قریه "آمد" رفته و با طرف‌های مخاصمه مذاکره کردند. حجت‌الاسلام عباسی در یک گفت‌وگوی تلفنی با اطلاعات، گفت: مسئله در "آمد" فیصله داده شده و قرار شد که مالکین "منگور" سلاح‌هایی را که اخیراً گرفته‌اند، تحویل دهند.[۳]

در این‌باره باباطاهری فرماندار مهاباد نیز گفت: «اخیراً از طریق یک کمیته مقدار زیادی اسلحه در اختیار فئودال‌های منطقه گذاشته‌شده تا آنان با استفاده از زور اسلحه، روستاییان را سرکوب کنند و بدین ترتیب امتیازات از دست‌رفته خود را دوباره به‌دست آورند، ولی روستاییان به خواسته‌های آنان توجه نکردند تا این‌که برخورد مسلحانه بین دهقانان و مالکان روی داد که منجر به کشته‌شدن و جراحت چند نفر شده‌است.» وی خاطر نشان کرد: مردم کرد منطقه از دولت خودمختاری می‌خواهند و برخلاف بعضی اظهارنظرها، نه با خارجی در تماس هستند و نه **تجزیه‌طلبند**، بلکه می‌خواهند در تعیین سرنوشت خود دخالت نمایند.[۴]

من امیدوارم کنفرانس ما قطع‌نامه‌ای صادر کند که مورد تحسین دیگران قرار گیرد. ما در اوپک به اهمیت کالایی که تولید و صادر می‌کنیم وقوف کامل داریم. و همواره با آغوشی باز از برقراری روابطی دوستانه با جهان خارج براساس عدالت و رفتار برابر استقبال می‌کنیم.

پس از سخنان عتیبه، کنفرانس رسماً کار خود را در پشت درهای بسته آغاز کرد. "عزالدین مبروک" وزیر نفت لیبی قبل از ورود به سالن کنفرانس به خبرنگاران گفت که کشور متبوعش خواهان تعیین قیمتی واحد به میزان ۲۷ دلار برای هر بشکه است.

از طرفی "شیخ احمد زکی یمانی" وزیر نفت عربستان نیز به خبرنگاران گفت وی قیمت پایه ۱۹ دلار برای هر بشکه نفت خام را به دلیل زیاد بودن آن نخواهد پذیرفت.

رادیو لندن در گزارشی درباره کنفرانس اوپک گفت: بازار نفت جهان در هرج و مرج به‌سر می‌برد، قیمت‌هایی که کشورهای عضو اوپک مطالبه می‌کنند، خیلی بیشتر از قیمت تعیین‌شده بشکه‌ای ۱۴/۵ دلار می‌باشد. از اینها گذشته بازاری به‌نام "فروش آنی" و به‌صورت مزایده در محل توزیع وجود دارد که نفت خام برای تحویل آنی به مقادیر کم خرید و فروش می‌شود. در این بازار قیمت‌ها از بشکه‌ای ۳۰ دلار به بالا می‌باشد. از این‌رو بعضی از وزرایی که در ژنو حضور به هم رسانده‌اند اظهار می‌دارند که در کنفرانس ژنو تعیین دوباره یک قیمت واحد برای نفت به مراتب با اهمیت‌تر از مذاکره در مورد افزایش قیمت نفت می‌باشد. آنها همچنین مخالف با فروش از راه مزایده یا فروش آنی در محل توزیع هستند.

خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داد: دیروز قبل از شروع جلسه، "خلیفه آل‌ثانی" وزیر نفت قطر و شیخ "خلیفه الصباح" وزیر نفت کویت در مصاحبه‌ای که با حضور ۴۰۰ خبرنگار در محوطه بیرون جلسه برگزار شد، خاطرنشان ساخته که قطر و کویت با افزایش قیمت نفت به بشکه‌ای ۲۰ دلار موافق بوده و در حالی که ایران قیمت را با بشکه‌ای ۲۲ تا ۲۳ دلار پیشنهاد کرده است، عربستان سعودی با هرگونه افزایش قیمتی بالای ۱۶ یا ۱۷ دلار برای هر بشکه مخالف است.

مانع العتیبه رئیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت در مورد تثبیت قیمت نفت در کنفرانس جاری اوپک، گفت که کشورهای عضو را تشویق خواهد کرد تا بر سر یک قیمت واحد به توافق برسند زیرا بدون چنین تصمیمی، رسیدن به ثبات امکان ندارد. وی گفت که پیشنهاد می‌کند قیمت ۲۰ دلار برای هر بشکه یعنی ۳۷/۵ درصد بیشتر از قیمت پایه فعلی ۱۴/۵۵ دلار برای هر بشکه، ملاک قرار گیرد.

العتیبه افزود که کشورهای صنعتی در کمبود بین‌المللی نفت مقصرند زیرا آنها برای ایجاد انبارهای استراتژیک، روزانه ۱/۵ میلیون بشکه نفت از بازار جهانی به‌سوی خود جذب می‌نمایند. وقتی این مقدار نفت از بازارهای جهانی گرفته شود، کمبود به‌وجود می‌آید. وی سپس درخواست کرد که بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گفت‌وگو به‌عمل آید و افزود: ما به سهم خود سعی خواهیم کرد کنترل دقیقی به‌عنوان تولیدکننده به‌عمل آوریم و برای یافتن راه‌حلی با کشورهای صنعتی غرب باید به مذاکره بنشینیم.[14]

۶۲۵

امروز یک گروه ۱۶ نفری از روحانیان و علمای حوزه علمیه نجف که رژیم بعث عراق آنان را از این کشور اخراج کرده‌است، وارد خاک ایران شدند. خبرنگار کیهان در کرمانشاه با "محی‌الدین مازندرانی" از همراهان آیت‌الله حاج "سیدعباس خاتم‌یزدی" یکی از اعضای هیئت استفتائیه امام‌خمینی در نجف، مصاحبه‌ای انجام داد، نام‌برده در این مصاحبه گفت: «بعد از مسافرت امام‌خمینی و ترک حوزه علمیه نجف‌اشرف، دولت بعث عراق فشار خود را متوجه علما و روحانیون کرد و چندی پیش عمال بعث عراق به منازل آقایان علما یورش برده و آنها را بازداشت کردند. درپی بازداشت حضرت آیت‌الله صدر و تظاهراتی که منجر به آزادی ایشان شد، حضرت آیت‌الله حاج سیدعباس خاتم‌یزدی را نیز در حالی‌که زیرپوش بر تن داشت، بازداشت کردند و پس از شش روز بازداشت به همراه گروه ۱۶ نفری همراهان ـ که قبلاً بازداشت شده بودند ـ به مرز خانقین آورده و آنها را وادار به ترک خاک عراق نمودند.

فشار حکومت بعث عراق تنها متوجه ایرانیان مقیم آن کشور نیست، بلکه آنها به مسلمانان افغانی و پاکستانی و هندی نیز حمله کرده و آنها را بازداشت و وادار به ترک خاک این کشور می‌کنند.»

وی با اشاره به وضع متشنج عراق گفت: در عراق ۶۰٪ مردم شیعه مذهب و سایر برادران مسلمان عراقی از خفقان نگران هستند و هم‌اکنون وضع اکثر شهرهای این کشور متشنج است. هم‌اکنون در زندان خانقین صدها نفر بازداشت هستند. مقامات دولت بعثی در مقابل اعتراض ما تنها گفتند: چون شما ایرانی هستید، ما شما را بازداشت می‌کنیم.[15]

از سوی دیگر، آیت‌الله "شیخ غلامرضا رضوانی" نماینده امام‌خمینی در نجف‌اشرف، درباره علت بازگشت خود به ایران، گفت: مقامات عراقی از بودن من در عراق احساس نگرانی کردند به گمان این‌که من در اوضاع عراق دخالت دارم. روحانیون در عراق ناراحت هستند و به‌جز عده معدودی، بقیه در فشار و ناراحتی به‌سر می‌برند. تضییقات دولت عراق اختصاص به شیعیان ندارد. تحت عنوان حریت، از طرف مقامات عراق حریتی مشاهده نمی‌شود.

وی در مورد برخورد حکام عراق با انقلاب‌اسلامی، گفت: از ابتدای انقلاب ایران اینها به‌طور ظاهری روی خوش نشان می‌دادند و می‌خواستند در لفافه کار خودشان را بکنند.[16]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۶

۱ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۷، ص۳.
۲ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۶، ص۵.
۳ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص۳.
۴ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۷، ص۲.
۵ـ مآخذ شماره ۲، ص۱.
۶ـ روزنامه انقلاب‌اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۶، ص۱۱.
۷ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۴/۷، ص۱.
۸ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه،" نشریه شماره ۹۶، ۱۳۵۸/۴/۷، ص۱۱، رادیو صدای آمریکا، ص۱۱ ـ ۱۲، رادیو لندن.
۹ـ مآخذ شماره ۲، ص۴.

۱۰ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۶، ص ۷.

۱۱ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اعلامیه‌ها و موضعگیری‌های سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران، (۱) (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، چاپ اول، ۱۳۵۸) ص ۱۸۲.

۱۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱.

۱۳ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی امریکا، جلد ۲۸ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۷۵ ـ ۷۶.

۱۴ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۸.

۱۵ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۷، ص ۷.

۱۶ ـ مأخذ شماره ۱۵، ص ۲.

روزشمار

پنجشنبه

۷ تیر ۱۳۵۸

۳ شعبان ۱۳۹۹

۲۸ ژوئن ۱۹۷۹

۶۲۶

در آبادان نیمه شب صدای تیرکلاشینکف و ژ ـ ۳ تداوم تحرکات ضدانقلابی خشونت‌بار را بار دیگر تداعی می‌کند. به نوشته مطبوعات، در نتیجه مقابله پاسداران، چند نفر که با شلیک تیرهوایی آرامش شبانه را برهم زده بودند، به نخلستان‌های منطقه گریختند.[۱]

محمدرضا علوی فرماندار خرمشهر در مصاحبهٔ مطبوعاتی در مورد حوادثی که اخیراً اتفاق می‌افتد گفت: در خرمشهر اکثریت مردم از انقلاب خود پاسداری می‌کنند و عده قلیلی هم بر ضد آنها در تلاشند. در خرمشهر دونوع آماده‌باش داده‌ایم: یکی به منظور دفاع از انقلاب و دیگری جهادسازندگی. در چند شب گذشته ضدانقلاب انبار مخابرات و انبار برق ما را به آتش کشید و در تاریکی شب به سوی پاسداران و مردم رگبار آتش گشودند که خوشبختانه تلفات جانی نداشتیم و برادران پاسدار ما شبانه‌روز از شهر مراقبت می‌کنند.

فرماندار خرمشهر افزود: «چندی پیش رادیو عراق خبری مبنی بر دستگیری آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی پخش نمود که عاری از حقیقت می‌باشد. آیت‌الله در منزلشان هستند و ایشان مورد احترام همه ما می‌باشند.» وی در مورد مسئله عرب و عجم گفت: «برادران عرب عامل این پیش‌آمدها نیستند، آنها سال‌ها در کنار برادران عجم خود زندگی کرده‌اند. این عملیات کار ضدانقلاب است.»

همچنین برادر " ناصر جبروتی" سرپرست پاسداران انقلاب اعزامی از تهران به خرمشهر، گفت: در خرمشهر مسئله‌ای به نام عرب و عجم وجود ندارد. ما در مدتی که در خرمشهر هستیم، فهمیدیم این مسئله راکسانی مطرح می‌کنند که می‌خواهند سودی ببرند. بارها شده برادران عرب ما که حتی زبان فارسی نمی‌دانستند، اطلاعات دقیقی در اختیار ما قرار داده که بسیار سودمند بوده‌است.[۲]

۶۲۷

براساس اعلام هنگ ژاندارمری ایلام، عراق پاسگاه‌های مرزی خود در مرز با ایران را تقویت

می‌کنند.

در این گزارش آمده است: تعداد چهار دستگاه خودروی نظامی که حامل افراد نظامی بودند از طریق زرباطیه به طرف پاسگاه مقابل گمرک و فرح‌آباد حرکت [کردند] و پاسگاه‌های مزبور تقویت شد.[۳]

امروز همچنین در شادگان یک فروند هلی‌کوپتر عراقی به حریم هوایی ایران تجاوز کرد ولی بر اثر روبه‌رو شدن با عکس‌العمل و تیراندازی پاسداران انقلاب، از منطقه گریخت.[۴] در همین حال، وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به دولت موقت نوشت: عطف به نامه مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۹رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران به جناب‌عالی در خصوص ایجاد شبکه جاده و احداث پاسگاه‌های جدید در مناطق مجاور مرز ایران و عراق توسط دولت عراق، نظرات ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران مبنی بر لزوم ایجاد جاده‌های همسیاتی و افزایش تعداد پاسگاه‌های مرزی ایران (حداقل به تعداد پاسگاه‌های عراق) به منظور مقابله با اقدام احتمالی دولت عراق و جلوگیری از ترددهای غیر مجاز در نوار مرزی، مورد تایید کارشناسان امور مرزی وزارت امور خارجه می‌باشد. علی‌هذاپیشنهاد می‌شودکه به منظور تبادل نظر درباره پیشنهادات ستاد کل ارتش، کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های ذیربط، در وزارت امورخارجه تشکیل گردد.[۵]

۶۲۸
مراسم روز پاسدار همزمان با سراسر کشور در میدان امام‌حسین (ع) تهران برگزار شد. این مراسم امروز (سوم شعبان، که از طرف امام‌خمینی رهبر انقلاب روز پاسدار نامیده شده‌است) از ساعت ۳ بعدازظهر آغاز گردید. ده‌ها هزار پاسدار کمیته‌های مناطق چهارده‌گانه و سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی به‌طور منظم و در حال رژه عازم میدان امام‌حسین(ع) شدند. پاسداران مسلح پیاده یا سوار بر خودرو از مقابل مردم می‌گذشتند و در حالی‌که با شعارهایی نظیر "ما همه سرباز توایم خمینی، گوش به فرمان توایم خمینی" پایمردی خود را در اجرای فرمان‌های الهی رهبر انقلاب اعلام می‌کردند، مورد استقبال و تشویق پرشور مردم قرار گرفتند. جمعیت حاضر در صحنه نیز در پاسخ پاسداران شعار می‌دادند. در این مراسم که جمعی از روحانیان و "هانی‌الحسن" نماینده جنبش آزادی‌بخش فلسطین، گروهی از افسران و درجه‌داران شهربانی، همچنین گروه‌های مختلف مردم شرکت داشتند، بعد از تلاوت قرآن، پیام‌های "امام‌خمینی"، "مهندس بازرگان" و شورای انقلاب قرائت شد.[۶] متن کامل پیام امام خمینی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم. روز مبارک سوم شعبان‌المعظم را که روز طلیعه پاسدار و پاسداری از مکتب مترقی اسلام است به عموم هم‌میهنان و به خصوص پاسداران انقلاب اسلامی تبریک عرض [می‌کنم] و به حق باید این روز معظم را روز پاسدار بنامیم.

روز ولادت باسعادت بزرگ پاسدار قرآن کریم و اسلام عزیز است؛ پاسداری که هر چه داشت در راه هدف اهدا کرد و اسلام عزیز را از پرتگاه انحراف رژیم طاغوتی بنی‌امیه نجات داد.



رژه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران به مناسبت روز پاسدار

رژیم منحط بنی‌امیه می‌رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی و بنیان‌گذار اسلام را برخلاف آنچه بوده معرفی کند. معاویه و فرزند ستمکارش به اسم خلیفهٔ رسول‌الله با اسلام آن کرد که چنگیز با ایران و اساس مکتب وحی را تبدیل به رژیم شیطانی نمود. اگر فداکاری پاسدار عظیم‌الشأن اسلام و شهادت جوان‌مردانه پاسداران و اصحاب فداکار او نبود، اسلام در خفقان بنی‌امیه و رژیم ظالمانه آنان وارونه معرفی می‌شد و زحمات نبی‌اکرم(ص) و اصحاب فداکارش هدر می‌رفت. هان ای پاسداران عصر حاضر و انقلاب اسلامی، به امام امت و پاسدار قرآن کریم و اسلام عزیز اقتدا نموده، حق پاسداری از انقلاب اسلامی را به خوبی ادا کنید و از این منصب بزرگ که منصب انبیاء عظام و اولیاء خداوند تعالی است به خوبی حفاظت کنید. نکند خدای نخواسته کاری کنید که مقام پاسداری لکه‌دار شود و مبادا در لباس پاسداری از شما عملی صادر شود که موجب سرشکستگی اسلام باشد و خدای نخواسته گفته شود پاسداران اسلام چون مأموران سازمان هستند.

اکیدا از شما جوانان خواستارم که عناصر ناپاک را از خود دور کنید، که عمل خلاف یک نفر ممکن است گروهی را بدنام کند. ما امروز مواجه هستیم با گروه‌هایی که در کمین نشسته و می‌خواهند اسلام و انقلاب شکوهمند اسلام را برخلاف آنچه‌هست معرفی کنند و به قشرهای مختلف اسلامی خرده گیرند و آنچه در افراد غیرمسئول می‌گذرد به حساب نهضت و اسلام بیاورند. لهذا لازم است علمای اعلام ـ که راهنمای جامعه هستند ـ و کمیته‌ها و دادگاه‌ها و

بعضی از دول خلیج چیست؟

قذافی: در مجموع انقلاب ایران نعمتی از جانب خداست که فقط به خلق‌های ایران اعطا نشده بلکه متعلق به تمام اعراب است. شاه مرکز اضطراب وترس در قبال آرزوی امت عرب و قضیه فلسطین بود و اکنون انقلاب ایران ترس بزرگی است در قبال آرزوی صهیونیسم واستعمار. بر ما ملت عرب است که عراقی و غیرعراقی در کنار انقلاب ایران بایستیم و به آن کمک نماییم. ما باید بدانیم که دشمنی ورزیدن با انقلاب ایران خدمتی به مشکل اعراب واسلام نبوده بلکه در خدمت مصالح صهیونیسم و امپریالیسم است.

المستقبل: من چند روز پیش عراق بودم و از مسئولین عراقی شنیدم که موضوع در رابطه با عربی‌بودن خوزستان است وحقوق خلق عرب، زیراکه این خلق عرب ستم بسیاری کشیده است. نظر شما چیست؟

قذافی: انقلاب ایران، انقلابی فارسی نبود بلکه انقلابی بود اسلامی و بسیار دور از نزاع‌های منطقه‌ای. من مطمئنم که ایرانی‌ها به‌خصوص رهبری انقلاب راضی به هیچ ستمی بر ضد هیچ‌گروهی براساس مذهب و نژاد نیستند، این مسئله‌ای است که از این کشور رخت بربسته. علاوه برآن، در ایران مناطق دیگری هم غیر از عربستان (خوزستان) وجود دارند که فارس نمی‌باشند، ولکن مذاکره با انقلاب ایران تنها راهی است که عدالت را برای همگان به ارمغان می‌آورد.(۱۷)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۷

۱ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۹، ص۲.
۲ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۹، ص۵.
۳ ـ سند شماره ۳۳۶۵۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش هنگ ژاندارمری ایلام به ژاندارمری کل کشور.
۴ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۹، ص۱۱.
۵ ـ سند شماره ۰۳۳۶۵۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامه مورخ ۱۳۵۸/۴/۷، وزارت امورخارجه به نخست وزیر.
۶ ـ مأخذ شماره ۴، ص۱۰.
۷ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب‌اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام‌خمینی، جلد۷ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص‌ص ۲۳۶ و ۲۳۷.
۸ ـ دفتر نهضت آزادی ایران، مشکلات ومسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان (تهران: دفتر نهضت آزادی ایران، چاپ دوم، بهار ۱۳۶۲) ص‌ص ۴۴ و ۴۵.
۹ ـ مأخذ شماره ۴، ص۱۰.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۱، ص۷.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۴، ص۱۰.
۱۲ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۷، ص۸.
۱۳ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۹، ص۲ و روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۴/۹، ص۱ و روزنامه انقلاب اسلامی ۱۳۵۸/۴/۹، ص۴.
۱۴ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۷، ص۳.
۱۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۷، ص۱۲.
۱۶ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا (تهران: نشر لانه، شماره ۱۵، بی‌تا) ص۱۲۸.
۱۷ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص۶.

روزشمار
جمعه
۸ تیر ۱۳۵۸
۴ شعبان ۱۳۹۹
۲۹ ژوئن ۱۹۷۹

۶۳۵
مدنی استاندار خوزستان که در جمع روحانیون، سران و نمایندگان عشایر و گروه‌های مردم در سومین رژه عمومی یگان‌های نمونه لشکر ۹۲ اهواز، ژاندارمری و شهربانی خوزستان و دومین برنامه بازدید مردم از پادگان پس از پیروزی انقلاب، در پادگان اهواز سخن می‌گفت اعلام کرد: «بی‌تردید خلع سلاح (عمومی در خوزستان) عملی خواهدشد و تا این برنامه به‌طور کامل عمل نشود، از کوشش در این راه باز نمی‌مانیم.» وی افزود: برنامه خلع سلاح پاسداران انقلاب را در بر نمی‌گیرد و بلکه آنها را تقویت خواهیم کرد و به کسانی‌که دارای سلاح شکاری هستند پروانه استفاده از سلاح داده می‌شود.

مدنی در مورد تحریکات کشورهای همسایه گفت: همسایگان ما فکر می‌کنند می‌توانند با همکاری ایادی رانده‌شده از سوی ملت ایران و دشمنان انقلاب اسلامی، در مرز ایران فعالیت‌هایی را علیه ما آغاز کنند ولی باید بدانند که با مشت محکم این ملت روبه‌رو خواهند شد.

استاندار خوزستان در مورد نقش ارتش در آشوب منطقه، گفت: در آشوب خوزستان می‌خواستیم ارتش شرکت نکند، چون به‌نظر ما این نیرو برای مسائل جدی‌تر خواهد بود اما بعضی گمان بردند که آمادگی وجود ندارد و غافل از آنکه ارتش امروز بیش از هر زمان آماده جانبازی است و برای هرگونه برابری و مقاومت، ارتش را همه ملت ایرانی یاری می‌دهند که این سوای قدرت ارتش خواهد بود و ارتشیان همیشه آماده ایثار خون برای وطن هستند. پس در این‌جا به همه آنهایی که این خیال را در سر می‌پرورانند می‌گویم و دولت‌های دیگر نیز بدانند که هر گونه مقابله با ملت و انقلاب اسلامی ملت ایران خنثی خواهد شد؛ همان‌طور که نظام فاسد پهلوی را به زباله‌دان تاریخ انداختیم، هر کس را نیز که به این انقلاب خیانت کند و در صدد مقابله با آن باشد، در هم می‌کوبیم.[1]

۶۳۶
گروه‌هایی از مردم بخش شادگان خوزستان در خیابان‌های این بخش به راه افتادند و علیه تیمسار مدنی استاندار خوزستان شعار دادند، گروه‌هایی دیگر نیز به‌طرف‌داری از تیمسار مدنی دست به تظاهرات زدند و در نتیجه برخورد دو گروه، چند نفر زخمی شدند. در پی این حادثه، گروهی از مردم شادگان نیز به‌عنوان اعتراض به این وضع و تقاضای تأمین امنیت، وارد اهواز شدند و در محوطه استانداری خوزستان اجتماع کردند.(۲)

۶۳۷
آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی با ارسال تلگرافی خطاب به حجت‌الاسلام حاج محمدتقی موسوی از علمای خرمشهر، با اشاره به قصد مهاجرت علما از این شهر، تذکر دادند: در این موقعیت حساس و سرنوشت‌ساز که چشم جهانیان به این انقلاب‌اسلامی شکوهمند ما دوخته شده، در تصمیم خود تجدیدنظر فرموده، کمافی‌السابق برادران دینی و مؤمنین را ارشاد نمایید و بدانید که به هیچ‌وجه حرکت آقایان صلاح نیست، به‌خصوص که عوامل ضدانقلاب در این ایام از گوشه و کنار مملکت به‌ویژه در خوزستان عزیز دست به تحریکاتی زده و با اعمال شوم خود باعث نگرانی اهالی آن سامان می‌شوند.(۳)

۶۳۸
درباره درگیری‌های منطقه کردستان برسر اراضی کشاورزی، روزنامه بامداد نوشت: نبرد بین فئودال‌ها و دهقانان روستاهای اطراف مهاباد و پیرانشهر پایان گرفت. حدود ۲۵ نفر از فئودال‌ها و همکاران سابق آنان در منطقه تسلیم و دستگیر شدند و پایگاه آنان نیز به‌دست دهقانان سقوط کرده است. در حال حاضر اوضاع در مهاباد و اطراف آن کاملاً آرام است و اتحادیه عشایری فئودال‌ها از بین رفته است.(۴)


هاشم صباغیان
وزیر کشور دولت موقت

۶۳۹
خبرگزاری رویتر از قول هاشم صباغیان وزیر کشور دولت موقت گزارش داد: از سوی ایران نیروهای تقویتی به نقاط مرزی ۱۲۰۰ کیلومتری ایران و عراق اعزام شده‌است. بنابه گفته وزیر کشور، این اقدام در رابطه با گزارش‌هایی است مبنی‌بر این که گروهی از سرسپردگان شاه مخلوع ایران در نقاط مرزی بین

ایران و عراق اقدام به اجیرکردن و آموزش گروهی برای خرابکاری در نقاط مرزی کرده‌اند.(۵)

۶۴۰
سازمان مجاهدین خلق با انتشار اطلاعیه‌ای تحت عنوان "تذکر مجاهدین خلق ایران به دولت آقای مهندس بازرگان دربارهٔ ترورهای اخیر" ضمن محکوم کردن مجدد این ترورها از جهت شرایط و آثار آن و نه نفس عمل و اهداف اصلی آن، خواستار روشن شدن نتایج تحقیقات برای افکار عمومی شد. متن کامل این اطلاعیه بدین شرح است:

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

چنان‌که عموم مردم قهرمان، مطلعند به دنبال ترور سرلشکر قرنی و آقایان مطهری و هاشمی‌رفسنجانی گزارشاتی مبنی‌بر پیدا شدن سرنخ و دستگیری افرادی در رابطه با این ترورها در مطبوعات منتشر شد. براساس این گزارشات گمان می‌رفت که عوامل دست‌اندرکار این ترورها شناخته‌شده و به زودی معرفی خواهند گردید، به‌خصوص که در تاریخ دوشنبه ۲۸ خرداد ماه یکی دو روزنامهٔ مشخص نیز مدعی شدند که یکی از مهره‌های حساس این ترورها که تحت تعقیب قرار گرفته ... با یکی از سازمان‌های نظامی ـ سیاسی مشهور از نزدیک همکاری داشته است...

البته بدیهی است از آن‌جا که این ترورها امنیت و سلامت محیط سیاسی را در جهت غلبهٔ خفقان و اختناق از بین می‌برد، طبعاً اتخاذ چنین شیوه‌هایی برای حل تضادهای این چنینی معقول هیچ نیروی آگاه و اصیلی نیست، به همین دلیل ترورهای مزبور از جانب همهٔ نیروهای مسئول و مردمی، من جمله "مجاهدین خلق ایران" بلادرنگ تقبیح و محکوم گردید، مخصوصاً که هیچ نیروی انقلابی و مبارز حاضر نیست که بدین وسیله دستاویزی برای نفاق و جدایی نیروها و سوءاستفادهٔ امپریالیست‌ها فراهم گردد. لیکن متأسفانه تا این تاریخ هیچ اطلاع رسمی و موثقی از ادامهٔ تحقیقات دربارهٔ ترورهای فوق‌الذکر به مردم داده نشده و مسئله همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده‌است.

بنابراین با جلب‌نظر دولت به اهمیت این تحقیقات، خاطرنشان می‌کنیم که تنها با پی‌گیری و ریشه‌یابی جدی موضوع می‌توان از وقوع هر حادثهٔ ناگوار احتمالی دیگر و مخاطرات سیاسی و اجتماعی ناشی از آن ممانعت نمود. بنابراین "مجاهدین خلق ایران" وظیفهٔ خود می‌دانند که به خاطر روشن شدن افکار عمومی و مراعات حداکثر پیش‌بینی‌های لازم، به دولت متذکر گردند نتایج تحقیقات را تا آن‌جا که ممکن بوده و در اختیار دولت است، در معرض اطلاع عموم قرار دهند.(۶)

۶۴۱
دادستان کل انقلاب اسلامی اطلاعیه‌ای در مورد علت تأخیر دادرسی محمدرضا سعادتی انتشار داد که در آن آمده است: در روزنامه‌ها شرحی در مورد محمدرضا سعادتی مرقوم داشته‌اند که لزوماً متذکر می‌شود: محمدرضا سعادتی پاسخگویی به سئوالات را موکول به حضور نماینده

ترقی و تمدن به آن بستگی دارد بلکه عامل اصلی برقراری صلح محسوب می‌شود.[۱۰]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۸

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۹، ص۵.
۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۹، ص۳.
۳ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص۳.
۴ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۹، ص۱.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱، به نقل از خبرگزاری رویتر.
۶ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه‌اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی مجاهدین خلق (۱) (تهران: سازمان مجاهدین خلق، ۱۳۵۸) ص۱۸۶.
۷ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۸ ـ مأخذ شماره ۲، ص۱۲.
۹ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفهٔ نور، مجموعه رهنمودهای امام‌خمینی جلد۷ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص۲۳۵.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸، رادیو لندن و خبرگزاری فرانسه.

روزشمار

شنبه

۹ تیر ۱۳۵۸

۵ شعبان ۱۳۹۹

۳۰ ژوئن ۱۹۷۹

۶۴۵

فرودگاه آبادان برای دومین‌بار مورد حمله افراد مسلح قرارگرفت که این امر انعکاس خبری متفاوتی داشت. به نوشته روزنامه انقلاب اسلامی، مهاجمان با پرتاب نارنجک، به هواپیمای دو موتوره‌ای آسیب رسانیدند. همزمان با این حادثه، عده‌ای دیگر به قسمت "ایرسرویس" حمله کردند.[۱]

اما به نوشته کیهان، یک سخن‌گوی پاسداران کمیته فرودگاه آبادان گزارش داد: «حمله‌ای که روز شنبه شب در ساعت ۱۰/۵ روی داده به این صورت بوده که ظاهراً یک نفر موتورسوار موتور خود راکنار نرده‌های دیواره ضلع شمالی فرودگاه در مقابل ساختمان و آشیان ایرسرویس متوقف می‌کند و ظاهراً به بهانه قضای حاجت به نرده‌ها نزدیک شده و سپس با پرتاب بمب‌دستی متواری می‌شود که در اثر این انفجار، مأمور گارد حفاظت از ساختمان و آشیانه به‌سوی او تیراندازی می‌کند، ولی با رفت‌و آمد اتومبیل‌ها از ادامه تیراندازی خودداری می‌کند و مهاجمان نیز متواری می‌شوند.

این انفجار خوشبختانه آسیب جانی و مالی نداشت، فقط در اثر پرتاب مواد، قسمتی از در آشیانه، بدنه یک فروند هواپیما و بدنه یک مینی‌بوس و شیشه‌های ورودی ساختمان ایرسرویس صدمات جزئی می‌بینند و به کسی آسیب نمی‌رسد.» این سخن‌گو اطمینان داد: مأموران کمیته (پاسداران) و مأموران شهربانی در حفاظت و حراست از فرودگاه کمال هوشیاری را دارند و در اوقات شبانه نیز نیروهای کمکی از طرف پاسداران انقلاب آبادان و خرمشهر فرودگاه را شدیداً تحت نظر دارند.[۲]

۶۴۶

گروهی تحت عنوان "فداییان سازمان عرب عربستان" با انتشار اخطاریه‌ای تهدید به انجام عملیات نظامی علیه نیروها و تأسیسات دولتی کردند. متن این اخطاریه چنین است: اخطار... اخطار...

ما فدائیان سازمان سیاسی خلق عرب عربستان، به نژادپرستان رژیم مزدور و منفور خمینی اخطار می‌دهیم که اگر دست از اقدامات وحشیانه و شکنجه‌های غیرانسانی خود بر ضد جوانان خلق عرب برندارند، دست به عملیات انتقامی در معابر عمومی و تجمع آنها در هر مکان خواهیم زد... در این عملیات به هیچ‌کس از فاشیست‌های نژادپرست حتی به زن و مرد، کوچک و بزرگ رحم نخواهد شد.

فدائیان سازمان سیاسی عرب عربستان[۳]

۶۴۷

به‌دنبال انتشار خبر دستگیری فردی به نام "عزیز صابری" به هنگام تحویل‌گرفتن کارتن‌های حاوی جزوهٔ "آنچه در خرمشهر گذشت" از انتشارات سازمان انقلابی در ایستگاه راه‌آهن خرمشهر که دادستان انقلاب اهواز او را از اعضای "سازمان انقلابی" و یکی از عاملان وقایع خرمشهر معرفی کرد(مندرج در روزشمار ۱۳۵۸/۴/۱)، "علی حجت" مسئول نشریه "رنجبر" ارگان مرکزی سازمان انقلابی طی نامه‌ای به روزنامه انقلاب اسلامی ضمن تکذیب وابستگی فرد مذکور به سازمان انقلابی، اعلام کرد:

«۱ ـ آقای عزیز صابری عضو سازمان انقلابی نیست. ۲ ـ وی تا روز قبل از دستگیری عضو کمیته انقلاب راه‌آهن بوده است و به علت اشکالات و روابط ناصحیحی که در کمیته مشاهده نموده، از کمیته استعفا داده است. ۳ ـ ایشان را نه به علت رفتار مشکوک بلکه هنگام مراجعه به قسمت انبار و تحویل کالا، افراد کمیته راه‌آهن دستگیر کرده‌اند. ۴ ـ خط مشی سازمان انقلابی و جزوه فوق‌الذکر کاملاً روشن است، ما پشتیبان جمهوری اسلامی و مدافع یک‌پارچگی کشورمان هستیم و در این چارچوب از منافع کلیه خلق‌های کشورمان من‌جمله خلق عرب خوزستان دفاع می‌کنیم. جای تأسف است که افرادی بدون خواندن مطالب جزوهٔ "آنچه در خرمشهر گذشت" آن را ضبط می‌کنند و حامل آن را دستگیر و به دروغ عامل وقایع خرمشهر معرفی می‌کنند. ۵ـ ناصر صابری برادر عزیز که روز بعد برای دریافت جزوه‌ها به راه‌آهن مراجعه می‌کند نیز توسط مأمورین کمیته دستگیر و هر دو برادر بدون ارائه کوچک‌ترین دلیلی هنوز در بازداشت به سر می‌برند. ۶ ـ رفتار ناشایست کمیته در راه‌آهن و تهمت‌های کذب دادستان انقلاب اسلامی اهواز موجب تأسف شدید سازمان انقلابی است و مصراً درخواست داریم هرچه زودتر این دو نفر بی‌گناه را آزاد و بی‌گناهی آنها اعلام شود و از آنها پوزش خواسته شود و یا این‌که دادگاه علنی رسیدگی به قضیه این‌دو تشکیل گردد تا همه بدانند واقعیت چیست.»

در پاسخ به این نامه، آقای زرگر دادستان انقلاب اسلامی خوزستان نامه‌ای را در اختیار روزنامه انقلاب اسلامی قرارداد که به‌این شرح است:

توطئه‌هایی که هر لحظه استقلال وطن را در مخاطره قرار می‌دهد، ما را وادار می‌کند تا در مورد نوشته‌های مسئول روزنامهٔ رنجبر، آقای علی حجت، مطالبی را در میان بگذاریم. در اولین مرحله خوب است که نظری به جزوه این نفاق‌افکنان بیفکنیم:

در وهله اول، این جمله ما را متوجه به خود می‌کند: "زنده باد دوستی و تفاهم خلق عرب با جمهوری اسلامی" یا ما سواد نداریم یا حضرات خیلی پررو تشریف دارند! این جمله در زیر عکس امام و شیخ‌محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی نوشته شده است.

خلق عرب و جمهوری اسلامی، به تعبیری دیگر خرمشهر و ایران و به تعبیری دیگر عربستان وایران، آیا این تجزیه نیست؟ این اختلاف وحدت کلمه نیست؟ جالب است بدانید که این جمله و جملاتی نظیر "زنده باد وحدت خلق‌های ایران"که من نمی‌دانم از کی جدا بودیم و از کی غیر از کلمه مسلمان ایرانی کلمه دیگری به کار برده‌ایم، که اکنون به‌دنبال این زنده‌باد وحدت‌ها باشیم! مگر ما جدا بودیم؟! آیا این خود نمایانگر این نیست که با کلمه فریبنده "زنده‌باد وحدت خلق‌ها" (که با حروف درشت در جزوه مزبور نوشته شده است) می‌خواهند امت واحد اسلامی ما را از هم جدا کنند؟

در مورد وقایع به زودی چگونگی امر به وسیله دادستان خوزستان در اختیار اربابان جراید قرارخواهد گرفت. مابه یک نکته اشاره می‌کنیم که این حمله‌کنندگان به خرمشهر از کجا سلاح "آر.پی.جی.۷" به دست آورده‌اند که هر روز یکی از آن را نثار اداره‌های دولتی خرمشهر می‌کنند؟

در مورد این که آقای عزیز صابری عضو سازمان انقلابی هست یا نیست، البته پرواضح است که حضرات همیشه عضویت خود را تکذیب و خود را به عنوان هوادار می‌خوانند، همان‌طور که خود را مسلمان هم خوانده‌اند! جالب این که آقای ناصرصابری، ضمن این که خود را مسلمان خوانده‌است، می‌گوید:"من هوادار سازمان انقلابی و مارکسیست ـ لنینیست می‌باشم." و در مقابل این‌که چند کتاب از مارکس و لنین خوانده‌اید؟ می‌فرماید:"مادر" و "دانشکده‌های من". خداوندا آخر و عاقبت ما را به خیر کن!که این دایه‌های دلسوزتر از مادر که کتاب مادر خوانده‌اند، مارکسیست شده‌اند؛ "رنجبر" را خوانده‌اند، هوادار سازمان انقلابی شده‌اند! و در حالی که عرب یا عرب‌زبانان، نهضت خلق عرب به‌پا می‌کنند، فردا است که خوابی برای این مملکت خواهند دید.

ثانیاً می‌گویند رفتار ایشان مشکوک نبوده. من نمی‌دانم آیا افراد کمیته علم غیب داشتند یا سابقه دشمنی که از میان چند هزارنفر به دنبال آقای صابری می‌گشتند!

در مورد خط مشی این سازمان، ما با توجه به اصول آزادی اسلامی، هر سازمانی را با هر خط مشی مجاز می‌دانیم که تشکیل بشود، ولی از اقدامات نفاق‌افکنانه و ضدمردمی هر سازمان و هر شخص حتی اگر اسم اسلام هم به خود زده باشد، جلوگیری می‌کنیم.

ما اعلام می‌کنیم اگر اصول و موازین آزادی که آقای علی‌حجت معتقد به آن هستند، پخش جزوات تحریک‌آمیز برای قلب واقعیت‌ها باشد تا در پوشش آن، میدانی برای فعالیت جاسوسان بیگانه و دلالان اسلحه به وجود آید، مابه هر وسیله ممکن جلو چنین اعمالی را خواهیم گرفت. نه تنها اعتصاب غذای حضرات که به وفور در بیشتر نقاط مملکت دیده می‌شود در تصمیم ما خللی وارد نخواهد کرد، بلکه به آقایان اطمینان می‌دهیم که غذای کافی و آمبولانس مجهز و شیشه‌های سرم در اختیار آنهاست که هر وقت احتیاجی پیدا کردند، می‌توانند استفاده کنند.[۴]

۶۴۸
دادستان دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان در مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی اعلام کرد: صدنفر در ماهشهر دستگیر شدند. این عده قصد خروج از ایران را داشتند. با تحقیقاتی که از این عده صورت گرفت به نظر می‌رسد که این صد نفر ـ که شانزده تا بیست ساله ـ هستند قرار بوده نخست به کویت و سپس به عراق اعزام شوند تا با دیدن آموزش نظامی و سیاسی و تعلیمات آشوبگری به ایران بازگشته و دست به اغتشاش و اخلالگری بزنند.(۵)

فرمانده سپاه خرمشهر نیز خبر داد: طی چند روز گذشته عواملی را دستگیر کرده‌ایم که از مرز عراق وارد ایران شده‌اند و اخیراً به دو اتومبیل برخورد کردیم که ده سرنشین عراقی داشت و وارد خرمشهر شدند که ما آنها را بازداشت کردیم. بر اساس اعترافاتی که دستگیر شدگان کرده‌اند، عوامل عراق وارد مرز ایران شده و اسلحه‌هایی راتقسیم کرده‌اند.(۶)

در همین حال "غلامعلی کیانی" فرماندار دزفول گفت: به منظور جلوگیری از رخنه عوامل مزدور عراقی و دلالان رژیم پهلوی، مرز زمینی ایران و عراق در ناحیه شمال خوزستان در ناحیه موسیان تا فکّه به وسیله پاسداران انقلاب اسلامی دزفول و عشایر و مرزنشینان غیور و افراد پاسگاه‌ها به شدت کنترل می‌شود و اسلحه‌هایی که به وسیله مزدوران عراقی در مرز پخش شده بود، جمع آوری می‌گردد و هرگونه تحریکات و دسیسه‌های عوامل بعثی عراق به شدت خنثی و سرکوب می‌گردد.

فرماندار دزفول افزود: در گذشته مأموران عراقی و حتی بعضی از افسران این دولت از ضعف پاسگاه‌های مرزی استفاده کرده و تحریکاتی را در بین اهالی مرزنشین فراهم ساخته و سپس به کشور خود مراجعت می‌نمودند، ولی پس از انقلاب، عظمت و یکپارچگی مردم در راه جمهوری اسلامی به‌خصوص اعلام وفاداری اهالی مرزنشین و آمادگی آنها برای هر نوع فداکاری،[راه] هرگونه دسیسه و توطئه بسته شده و به خاطر پاسداری شبانه‌روزی از مرز، تحریکات درنطفه قطع می‌شود.(۷)

۶۴۹
استانداری خوزستان در تلگرافی به وزارت‌کشور به استناد اعلام فرمانداری و گزارش مرزبانی درجه یک خرمشهر، از تحرکات خودروهای عراقی در داخل خاک ایران خبر داد. در این تلگراف آمده است: در کیلومتر بیست و پنج پاسگاه کوشک در مناطق میله ۷/۶ آثار متعدد عبور خودرو به مرز ایران مشاهده گردید که این آثار مورد نظر همچنان باقی مانده‌است. بدین سبب مرزبانی خرمشهر از فرماندار ومرزبان بصره دعوت و در ساعت ۳:۰۹ دقیقه روز ۱۳۵۸/۴/۹ به اتفاق به محل آثار عبور خودروهای عراقی وهمچنین آثار فشار وارد بر دستک‌ها و محل پارگی سیم‌خاردار در بین میله ۷/۶ و ۷/۷ عزیمت نموده و این بررسی عینی وحضوری صورت جلسه شد، لیکن مرزبان بصره از امضای آن خودداری کرد و اظهار داشت مراتب فوق را به مقامات خود ارجاع خواهد کرد.(۸)

۶۵۰
"طاهر توفیق" عضو رهبری ملی حزب بعث عراق ادعا کرد: «ایران سیاست ضدنژادی و تجاوزکارانه در قبال عراق در پیش گرفته که به‌وسیله ملت‌های عرب مورد نکوهش قرار خواهد گرفت.» به گزارش رویتر، وی افزود: «سیاست تجاوزکارانه ایران معرف یک معارضه جدی علیه احساسات ملت‌های عرب است وتهدیدی جدی در روابط دو کشور محسوب می‌شود.» طاهر توفیق هشدار داد: ملت‌های عرب در برابر تهدیدهای ایران ساکت نخواهند نشست.(۹)

رادیو صوت‌الجماهیر نیز گزارش داد: سازمان‌ها و اتحادیه‌های حزبی و حرفه‌ای و محافل مذهبی عراق طی تلگراف‌هایی به مهندس بازرگان نخست‌وزیر ایران، ادعاها و اظهارات بعضی مقامات ایرانی در مورد این‌که سه جزیره عربی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی و بحرین متعلق به ایران است، مورد نکوهش قرار داده و تأکید کردند که تلاش‌های نژادپرستانه ایران برای لوث عربیّت این جزیره‌ها با همه افراد امت عرب روبه‌رو خواهد شد.(۱۰)

۶۵۱
آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر رهبر شیعیان عراق در یک گفت‌وگوی کوتاه تلفنی از نجف‌اشرف با کیهان، درباره جنبش اسلامی عراق توضیحاتی داد و گفت: «روز جمعه گذشته در سراسر عراق حالت اعتصاب عمومی برقرار بوده‌است.» وی در مورد وضع مزاجی خود گفت: وضع من اصلاً مهم نیست و نگران احوال علمای اخراج‌شده از عراق هستم.

آیت‌الله صدر در مورد تلگراف‌هایی که علما و دیگر طبقات مردم ایران به حضورشان ارسال می‌کنند، گفت: «هیچ‌کدام از این تلگراف‌ها به دست من نمی‌رسد.» وی افزود که تنها دو تلگراف امام‌خمینی و حضرت‌آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی را از طریق رادیو شنیده است. در پایان این مصاحبه آیت‌الله صدر درپاسخ تلگراف امام‌خمینی وآیت‌الله گلپایگانی پیام‌های جداگانه‌ای به این شرح فرستاد:

حضرت آیت‌الله‌العظمی امام مجاهد خمینی ـ دامت ظله

تلگرام شما راکه حاکی از تفقد پدرانه‌تان نسبت به من بود شنیدم و من از آن‌جاکه به اجبار در خانه گوشه‌نشین شدم و نه کسی می‌تواند مرا ببیند و نه می‌توانم کسی راملاقات کنم، نمی‌توانم جواب پیام جناب‌عالی را با تلگرام مخابره کنم و هیچ چاره‌ای ندارم جز این‌که از خداوند متعال مسئلت کنم که سایه شما را به عنوان پرتوافشان جهان اسلام بر سر ما مستدام بدارد و دین حنیف را با مرجعیت و رهبری شما حفظ کند. از خداوند متعال می‌خواهم که زحمات ما را در راهش بپذیرد و ما را در راه حفظ عقیده امت وارزش‌های والایش توفیق بخشد. ارزش زندگی هر انسان به اندازه‌ای است که از وجود زندگی و فکر خود به امت فایده برساند وشما با زندگی و فکر خود آن‌چنان به مسلمانان فایده رسانیده‌اید که در طول تاریخ الگوی ارزنده برای تمام مجاهدین باقی خواهد ماند. والسلام علیکم و رحمة‌الله وبرکاته.

نجف‌اشرف پنجم شعبان ۱۳۹۹ ـ محمد باقر صدر

لندن نیز گفت: به گزارش مطبوعات، در امریکا چهل‌هزار نظامی در رشته عملیات جنگی در صحرا و در زمینه عملیات مربوط به اشغال معادن نفت آموزش ویژه دیده‌اند. آموزش آنها قسمتی از نقشه تشکیل نیروهای صدوده هزار نفری ویژه از سوی وزارت جنگ امریکا [است] که می‌خواهد از آنها در نقاط مختلف جهان استفاده کند.

این نقشه‌ها در کشورهای عرب شدیداً مورد انتقاد قرارگرفته است؛[۲۴] از جمله، شیخ سالم‌الصباح وزیر دفاع کویت به امریکا اخطار داد که سعی نکند برای تسخیر چاه‌های نفت کشورهای عربی از نیروهای نظامی استفاده نماید. وزیر دفاع کویت که پس از حضور در مانور نیروهای نظامی عربستان سعودی به کویت بازگشته، به خبرنگاران گفت: «چنین اشغالی تنها با عبور از روی اجساد ما امکان‌پذیر خواهد بود.» وی افزود ایالات متحده باید از ویتنام درس عبرت بگیرد. این گزارش می‌افزاید: «در عین حال "روزنامه کویتی الرأی العام" ایالات متحده را متهم کرد که در اعتراض به استفاده اسرائیل از جنگنده‌های اف ـ ۱۵ در جنگ هوایی با میگ‌های سوری بر فراز لبنان، صادق نیست.» این روزنامه می‌افزاید: تهدیدهای روز افزون امریکا و ایجاد نیروی ضربتی ویژه برای استفاده احتمالی در نواحی نفتی نشان می‌دهد که اعراب هدف اصلی چنین حمله‌ای هستند.[۲۵]

از سوی دیگر، پادشاه عربستان سعودی نیز خاطرنشان کرد هرگونه دخالت نظامی در منطقه به جای تضمین ثبات، ایجاد آشوب و ناامنی می‌نماید. به گزارش خبرگزاری فرانسه، ملک خالد پادشاه عربستان سعودی در یک مصاحبه با روزنامه السیاسه چاپ کویت اعلام کرد که میان عربستان‌سعودی و ایالات‌متحده امریکا بر سر معاهده صلح مصر و اسرائیل و چگونگی رفع بحران خاورمیانه اختلاف عقیده وجود دارد. وی تصریح کرد مع‌هذا باید در نظر داشت که این اختلاف عقیده به هیچ‌وجه در دوستی و منافع متقابل میان دو کشور تأثیری ندارد. ملک‌خالد از سوی دیگر این گزارش‌ها را که واشنگتن به عربستان‌سعودی فشار می‌آورد تا این کشور را وادار سازد تحریم اعراب علیه مصر را کاهش دهد، تکذیب کرد و افزود که کشورش به طور کامل با تصمیماتی که در این زمینه در کنفرانس سران عرب در بغداد اتخاذ شده، موافق است. ملک‌خالد دربارهٔ مناسبات کشورش با اتحاد شوروی تأکید کرد که در این مناسبات هیچ‌گونه تغییری داده نشده و عربستان‌سعودی همیشه در صدد است تا با تمام کشورهای جهان در پرتو اصول شناخته شده‌اش دارای روابط حسنه باشد.[۲۶]

همچنین به گزارش خبرگزاری امارات عربی متحده، شیخ زایدبن سلطان آل‌نهیان رئیس امارات عربی متحده در مورد تهدیدهای امریکا مبنی بر حمله به خلیج فارس و تحت کنترل درآوردن منابع نفتی گفت: هیچ‌کس حق ندارد صلح و امنیت این منطقه را مورد تهدید قرار دهد. وی افزود: «مادام که ما راه صحیح و حقه خود را می‌پیماییم، این تهدیدها باعث وحشت ما نمی‌شود. ما در صورتی‌که کسی قصد آسیب رساندن به ما را داشته باشد، از ملل خود دفاع خواهیم کرد و این حق ماست.»

رئیس امارات متحده در مصاحبه‌ای با روزنامه "البلاد" چاپ عربستان‌سعودی ـ که امروز انتشار یافت ـ خشنودی خود را از نتایج ملاقات‌های اخیری که میان رهبران اعراب شبه‌جزیره عرب و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در عربستان‌سعودی صورت گرفت، بیان داشت. در این دیدار مسئله حفظ ثبات ونیک‌بختی مردم این منطقه مورد بحث قرار گرفت و رهبران این کشورها اظهار کردند از مسئولیت‌های تاریخی که در قبال این مسئله دارند به خوبی آگاهند.

رئیس امارات‌عربی‌متحده در مورد روابط کنونی کشورش با ایران، گفت: «آنها از قدرت زیادی برخوردارند. ما دو کشور مسلمان و همسایه هستیم.» وی در پایان گفت: موضع ایران در قبال بیت‌المقدس و آرمان بحق اعراب، منعکس‌کننده روابط اعراب و ایران است.[۲۷]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۹

۱ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص ۱۱.
۲ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص ۷.
۳ ـ سند شماره ۵ ـ ۱۱۴۶۳۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اخطاریه فداییان سازمان سیاسی عربی، ۱۳۵۸/۴/۹.
۴ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۹، شماره ۹، ص ۱۱.
۵ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۹، ص ۳.
۶ ـ مأخذ شماره ۴، ص ۱۲.
۷ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۹، ص ۴.
۸ ـ سند شماره ۳۳۶۵۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلگراف استانداری خوزستان به وزارت کشور.
۹ ـ روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص ۱۲، خبرگزاری رویتر.
۱۰ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۹۹، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص ۲۱، رادیو صوت‌الجماهیر.
۱۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص ۱.
۱۲ ـ سند شماره ۹۲۱۳۱۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش ژاندارمری ایلام به وزارت کشور، ۱۳۵۸/۴/۱۰.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۱۰، ص ۵، رادیو لندن.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۴، ص‌ص ۱ و ۱۱.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۴، ص ۱۱.
۱۶ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی مجاهدین خلق ـ ۱ (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق، ۱۳۵۸) ص‌ص ۱۸۷ تا ۱۹۱.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۸.
۱۸ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص ۳.
۱۹ ـ اداره کل تنقیح و تدوین قوانین و مقررات، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و لوایح مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۹، ص ۱۰۷.
۲۰ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص ۲؛ و ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص ۱؛ و ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص ۲؛ و ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص ۲؛ و ـ روزنامه بامداد. ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص ۳؛ و ـ روزنامه جمهوری اسلامی. ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص ۱.
۲۱ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۴، یونایتدپرس.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۸، رادیوکلن.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۸، رادیو لندن.
۲۴ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۸، رادیو مسکو.
۲۵ ـ مأخذ شماره ۷، ص ۸، آسوشیتدپرس.
۲۶ ـ مأخذ شماره ۱۸، ص ۱، خبرگزاری فرانسه.
۲۷ ـ مأخذ شماره ۱۸، ص ۱، خبرگزاری امارات عربی متحده.

روزشمار

یکشنبه

۱۰ تیر ۱۳۵۸

۶ شعبان ۱۳۹۹

۱ ژوئیه ۱۹۷۹

۶۶۰

امروز از جانب مرز عراق یک گلوله آر.پی.جی. به‌سوی کامیون حامل دو تن از پاسداران مرزی شلیک شد. فرماندار خرمشهر در این‌باره گفت: کامیون حامل پاسداران که در نزدیک پاسگاه مرزی در بند شلمچه در حرکت بود، بر اثر حادثه مختصر خساراتی دید.(۱)

از سوی دیگر، روزنامه اطلاعات نوشت: «هنگامی که یک خودروی نظامی ارتش جمهوری‌اسلامی ایران در نزدیکی مرز ایران و عراق در حرکت بود، توسط اشخاص ناشناس و از نقطه نامعلومی، یک‌دست "راکت" از موشک‌انداز "آر.پی.جی.۷" به‌سوی خودروی نظامی شلیک شد که در نتیجه خودرو خسارت دید و دو نفر از سربازان بر اثر سقوط از وسیله نقلیه مجروح شدند.»(۲)

۶۶۱

روزنامه کیهان تحت عنوان "نامه سرگشاده به دادستان انقلاب اسلامی"، اقدام به درج نامه‌ای کرد که در آن پدری از موضع دفاع از انقلاب‌اسلامی علیه فرزندش شهادت می‌داد، فرزندی که به اتهام دست داشتن در ماجراهای ضدانقلابی اخیر خوزستان دستگیر شده‌است. متن کامل نامه بدین‌شرح است: «انقلاب بزرگ اسلامی ایران که ثمره خون شهیدانی است که در زیر سنگین‌ترین آتش رگبارهای مسلسل با فریادهای الله‌اکبر جهت اعتلای اسلام به استقبال شهادت شتافتند. این بزرگ‌ترین انقلاب تاریخی جهان که فقط به منظور رسیدن به اهداف عالیه اسلامی شکل گرفته، دست‌آورد خون ده‌ها هزار شهید مسلمان است که ما اکنون وارث آن می‌باشیم و تعهد بار سنگین و رسالت اسلامی حفظ آن بر دوشمان نهاده شده‌است و هرگونه سهل‌انگاری و بی‌توجهی در چنین رابطه‌ای غیربخشودنی و خیانت خواهد بود و من اکنون دقیقاً در این رابطه و در جواب به تعهد وجدانی‌ام در قبال رسالت اسلامی، خود را موظف می‌بینم در مورد نقش ضدانقلابیون در ضربه زدن به انقلاب‌اسلامی در خوزستان افشاگری کنم و الا خود را خطاکار می‌یابم.

فرزند بنده سیدمصطفی سیف‌آبادی‌مختاری که دوران جوانی‌اش فردی معتقد و مؤمن به

مبانی اسلامی بود، جهت ادامه تحصیل رهسپار امریکا گشت و پس از پیروزی انقلاب بدون به اتمام رسانیدن تحصیلاتش به وطن مراجعت کرد. پس از بازگشت وی دریافتم که معتقد به مبانی مارکسیسم می‌باشد. فعالیت‌های مشکوک و تحرک زیادش مرا بر آن داشت که مراقب اعمالش گردم. در این مراقبت‌ها بود که دریافتم نام‌برده عضو حزب کارگران سوسیالیست بوده و با حمید شهرام از رهبران محلی این حزب در تماس دائم می‌باشد و در پی‌گیری بیشتر، ردپای او را در بسیاری از جریان‌های ضدانقلابی یافتم؛ از جمله: تشویق و تحریص تاکسی‌رانان آبادان به اعتصاب.

این جریان ادامه داشت تا در وقایع اخیر خرمشهر که من به چشم خود شاهد تلاش وسیع او و همردیفانش در شکل‌دهی واقعه اخیر بودم و بدین‌سان بود که در رابطه با این امر دستگیر شد و اکنون بازداشت می‌باشد.

من چون در جریان مسائل اخیر در رابطه با فرزندم قرار داشته‌ام، ضمن هشدار به دولت به وقایع ضدانقلابی که به‌طور عمده محرک اصلی آنها عناصر جناح چپ و وابستگانشان می‌باشند، خواستارم که اگر فرزندم جداً دست از اعمال خود برندارد و کتباً متعهد نشود که کارهای ضدانقلابی را ترک کند، شدیداً مجازات گردد چون به خوبی این را دریافته‌ام که دست‌آورد انقلاب‌اسلامی به‌وسیله این فریب‌خوردگان چپ و شاید چپ‌های امریکایی و سایر نیروهای ضدانقلابی اکنون دچار تهاجم شده‌است و هیچ راهی جهت حفظ آن به‌جز سرکوبی شدید این ضدانقلابیون نبوده و نمی‌باشد. من به‌عنوان ادای سهم خود در قبال انقلاب‌اسلامی خواستار مجازات فرزندم بوده و از دولت می‌خواهم که این مسئله را جدی تلقی نموده و قاطعانه با آن برخورد نماید و با قاطعیت اعلام می‌دارم به‌عنوان رسالت اسلامی خود حاضرم در دادگاه حضور یافته و در زمینه حوادث اخیر خرمشهر در رابطه با فرزندم و جریانهای ضدانقلابی شهادت دهم. من در این زمینه اطلاعات کافی دارم که همه را در اختیار می‌گذارم.

سید محمدباقر سیف‌آبادی(۳)

۶۶۲

مدنی استاندار خوزستان در مصاحبه‌ای اختصاصی با روزنامه اطلاعات در تهران، در پاسخ به این سؤال که "اوضاع کنونی خوزستان چگونه است؟ "گفت: سرانجام خوزستان آرام خواهد شد و من اطمینان می‌دهم هیچ خطر جدی خوزستان را تهدید نمی‌کند. من صریحاً می‌گویم خرابکاری در خوزستان از طرف عوامل رژیم گذشته کم و بیش وجود دارد، ولی اوضاع از سابق بهتر شده و ما عوامل خرابکار را شناسایی کرده‌ایم. آنچه که موجب نفوذ عوامل خرابکار در میان برخی مردم شده، نارضایتی مردم از امور اقتصادی و رفاهی است که با کوشش فراوان درصدد رفع آن هستیم.(۴)

در این حال رادیو امریکا خبر داد: «شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی به خبرگزاری رویتر گفته است که پاسداران انقلاب تظاهرات آرام ایرانیان عرب‌زبان را در اهواز برهم زده‌اند.» به گفته این

رادیو، این تظاهرات به منظور آزادی زندانیان سیاسی برپا شده بود.[۵]

تلویزیون بغداد نیز گزارش داد: اخبار وارده از الاحواز(اهواز) حاکی‌است که در هفته‌های گذشته تظاهرات بسیار دامنه‌داری در شهر محمره(خرمشهر) به‌راه افتاد که طی آن درگیری‌هایی با پاسداران خمینی به‌وقوع پیوست. در آن هنگام نیز هزاران تن از تظاهرکنندگان اعلامیه‌هایی به زبان فارسی توزیع می‌کردند که در آنها تأکید شده‌بود که شهروندان عرب همچنان مبارزه خود را ادامه خواهند داد تا خواسته‌هایشان که عبارت از به‌دست آوردن حکومت خودمختاری است، تحقق یابد. همچنین آزادی بدون قید و شرط بازداشت‌شدگان و نیز محاکمه کسانی که مسئول حمله به سازمان خلق عرب بوده‌اند را خواستار شدند.[۶]

همچنین رادیو بغداد ادعا کرد: عده‌ای از آیات‌عظام و پیشوایان مذهبی و رجال دینی و امامان مساجد بغداد و کاظمین و کربلا تلگرام‌هایی به آیت‌الله‌خمینی ارسال داشتند مبنی‌بر این‌که از شما می‌خواهیم تا از کشتار دست‌جمعی جلوگیری کنید و زندانیان عرب مسلمان اهواز را که در معرض انواع شکنجه و ظلم و تصفیه جدی قرار گرفته‌اند را رد کنید. ما نیز آزادی مرجع تقلید شیخ محمدطاهر خاقانی و بازگشت ایشان را به شهر و خانه و کاشانه‌شان خواستاریم. هم‌چنین از شما می‌خواهیم که از مطالبه آنچه که مالک آن نیستید، یعنی سه جزیره و دولت مستقل بحرین، دست بردارید، چه مردم دیگر میان دوران حکم‌رانی شما و دوران شاه مخلوع هیچ‌گونه تفاوتی قائل نیستند و این امری است که دشمنان خواهانند.[۷]

۶۶۳
صدام‌حسین معاون ریاست‌جمهوری عراق برای گفت‌وگو با ملک‌حسین امروز وارد امان شد. اهداف اصلی و نیز موضوعات مورد گفت‌وگو روشن نیست، اما به گزارش آسوشیتدپرس، به موجب اطلاعیه‌ای که انتشار یافت، صدام حسین مشکلات جاری خاورمیانه و نیز تهدیدهای اسرائیل در مورد کشورهای عرب و نیز موضع متحد اعراب علیه تجاوز احتمالی اسرائیل را با ملک‌حسین مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد.[۸]

۶۶۴
به گزارش مطبوعات، جمعی از مسلمانان بخش کامیاران در مسجد جامع این شهر اجتماع کردند و ضمن اعتراض به ماده ۱۳ پیش‌نویس قانون‌اساسی، اعلام کردند که این ماده موجب تفرقه بین برادران تسنن و تشیع شده‌است. در پایان این اجتماع قطع‌نامه‌ای در پنج ماده به این شرح صادر گردید: ۱ـ ما مسلمانان منطقه کامیاران انقلاب‌اسلامی را به رهبری امام‌خمینی مجدداً تأیید می‌کنیم. ۲ـ ما خواهان حذف کلمه مذهب جعفری در ماده ۱۳ پیش‌نویس قانون‌اساسی می‌باشیم و به مفاد آیه "ان الدین عندالله الاسلام" در قانون اساسی جمهوری‌اسلامی باید دین رسمی کشور اسلام و همچنین تمام موارد آن مبنی‌بر احکام قرآن باشد تا ان‌شاءالله الگویی برای تمام مسلمانان جهان شود. ۳ـ طبق آیه‌های "...و لاتفرقو..."، "واعتصمو بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا" هرگونه تفرقه‌اندازی را به شدت مردود و محکوم می‌کنیم. ۴ـ ما خواستاریم که حقوق طبیعی و مشروع ملت‌های ایران و به‌ویژه ملت کرد آن‌طور که اسلام می‌شناسد، در قانون اساسی به روشنی قید گردد. ۵ ـ ما خواهانیم که فاصله‌های طبقاتی به‌طورکلی از بین برود و به‌دنبال ملی‌شدن بانک‌ها، کارخانه‌ها و املاک بزرگ نیز ملی اعلام شود.[۹]

۶۶۵
گروهی تحت عنوان جبهه اتحاد اسلامی کردستان، مرکز پیرانشهر با صدور اعلامیه‌ای اعلام کرد: با توجه به مسئله خودمختاری و سایر خواسته‌های خلق کرد که هنوز مشخص و تعیین نشده‌است، کردستان حالت بحرانی و ناآرامی را می‌گذراند و با توجه به عوامل بیگانه‌پرست و ساواک و ضدانقلاب که به شدت در منطقه فعالیت دارند و هیچ‌گونه محدودیت برای آنها وجود ندارد و حتی در بسیاری از مسئولیت‌ها و گروه‌ها نقش حساسی دارند و نیز با توجه به این‌که وجود گروه‌های مختلف سیاسی و فکری غیرقابل اجتناب است، بنابراین به علت نبودن امنیت، هر لحظه امکان برخوردهای غیرقابل پیش‌بینی در مناطق کردستان می‌رود... ما از دولت موقت خواستاریم که با تسریع در امر مسئله خودمختاری خلق کرد، امنیت منطقه را فراهم نموده و با ایجاد محیطی امن، شورای منتخب موقت را برای امورات شهری برگزینند.[۱۰]

۶۶۶
به نوشته روزنامه اطلاعات، دژبان مرکز اعلام کرده‌است که از این پس نظامیانی را که نظم و انضباط ظاهری نظامی را رعایت نکنند، براساس مقررات تنبیه انضباطی خواهد کرد. امروز یک مقام در دژبان مرکز گفت: بازداشت نظامیانی که ریش و موی سرشان را کوتاه نکنند درپی لزوم رعایت نظم و حفظ شئون نظامی صورت خواهد گرفت، به‌ویژه آن‌که در حال حاضر معدودی از آنان به جای خدمت در واحد موظف در جاهای دل‌خواه خدمت می‌کنند.

این مقام اضافه کرد: امروز مأموران در اماکن و خیابان‌های تهران نظامیانی را که دارای وضع ظاهری مرتبی نیستند و یا برگ‌مرخصی ندارند، جلب می‌کنند و در صورت تخلف، تنبیه انضباطی خواهند شد. این افراد، در صورت مقاومت در مقابل جلب و بازداشت خود، نسبت به توقیف و تنبیه انضباطی آنان براساس مقررات موجود رفتار خواهد شد و در غیراین‌صورت بلافاصله ضمن ترمیم ظاهر آنها، به واحدهای مربوط تحویل می‌شوند.

وی افزود: اماکن ارتشی که اکنون در اختیار احزاب و دسته‌جات سیاسی است، پس گرفته می‌شود و دستورات لازم و مربوط به آن صادر شده‌است. به همراه این دستور، وسایل موتوری و اموال ارتش که در روزهای انقلاب از پادگان‌ها خارج شده و اکنون در دست افراد غیرنظامی و کمیته‌هاست نیز پس گرفته می‌شود.

این مقام همچنین گفت: پادگان دژبان مرکز از امروز آمادگی پذیرش افسران متهم را که در جریان دادرسی دادگاه‌های انقلاب هستند، دارد. ظرفیت این پادگان حدود ۷۰۰ نفر است.[۱۱]

۶۶۷
آیت‌الله صدوقی نماینده امام در یزد که روزنامه کیهان وی را "یکی از برجسته‌ترین چهره‌های

میلیارد ریال کسری دارد و باید این کسری از سیستم بانکی تأمین گردد.

از مجموع اعتبارات فوق، ۸۸۰ میلیارد ریال برای طرح‌ها در نظر گرفته شده و ۶۰۲ میلیارد ریال از این اعتبارات جذب امور اقتصادی می‌شود، بقیه این اعتبارات عبارت است از ۳۰/۵ میلیارد ریال که به امور عمومی اختصاص دارد و ۱۸۴ میلیارد ریال دیگر که صرف امور اجتماعی می‌شود. البته ۶۳ میلیارد ریال از مجموع ۸۸۰ میلیارد ریال جهت هزینه‌های عمرانی متفرقه پیش‌بینی شده‌است.»

معین‌فر گفت: «بودجه سال ۱۳۵۸ گرچه از حیث رقم کمتر از بودجه عمومی ۲۹۳۵ میلیارد ریالی سال ۵۷ می‌باشد ولی باید توجه داشت بودجه سال قبل ۱۱۰۰ میلیارد ریال کسری داشت. به علاوه اغلب اعتبارات در طرحها و برنامه به مصرف نرسید.»

معین‌فر در مورد بودجه دفاعی کشور خاطرنشان ساخت: هزینه‌های ارتش در بودجه سال ۵۸ به‌استثنای تعهدات وزارت جنگ، چیزی در حدود ۳۰۰ میلیارد ریال یعنی ۴۰۰ میلیارد ریال کمتر از سال گذشته خواهد بود.

البته همان‌طور که گفته شد این رقم غیر از تعهداتی است که وزارت جنگ قبلاً به عمل آورده‌است. تعهدات وزارت جنگ نزدیک به ۷۰ میلیارد ریال برآورده شده‌است.[۱۴]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۱۰

۱ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص۲.
۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۲، ص۱.
۳ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص۳.
۴ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص۱۰.
۵ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۰، ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص۱۶، رادیو آمریکا.
۶ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص۵، خبرگزاری پارس، تلویزیون بغداد.
۷ ـ مأخذ شماره ۵، ص‌ص ۶و۷، رادیو بغداد.
۸ ـ مأخذ شماره ۳، ص۸، آسوشیتدپرس.
۹ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۲، ص۱۱.
۱۰ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص‌ص ۲ و ۱.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۴، ص۱.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۳، ص۶.
۱۳ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد۷، (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص‌ص ۲۴۰ تا ۲۴۲.
۱۴ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص۲.

روزشمار

دوشنبه

۱۱ تیر ۱۳۵۸

۷ شعبان ۱۳۹۹

۲ ژوئنیه ۱۹۷۹

۶۷۰
دادسرای انقلاب‌اسلامی خوزستان، قسمت امور مرزی، اطلاعیه‌ای صادر کرد که در آن آمده است: بدین‌وسیله به عناصری که در دشت‌آزادگان (دشت میشان سابق) با داشتن اسلحه غیرمجاز و با اقدام به تیراندازی باعث حوادث ناگوار و سلب آسایش اهالی می‌شوند، اخطار می‌گردد که عمل آنها ضدانقلابی [است] و در صورت مشاهده بلافاصله دستگیر و تحویل دادگاه انقلاب‌اسلامی خواهند شد.[۱]

در این حال اخبار و گزارش‌ها و اظهارات مقامات محلی خوزستان حاکی از دخالت و ارتباط قضایای خوزستان با عراق است؛ از جمله: قائم‌مقام فرمانده پاسگاه مرزی خرمشهر در مصاحبه با رویتر گفت: «موشک‌اندازهای آر.پی.جی.۷ ساخت شوروی از عراق به ایران قاچاق شده‌است و در اختیار جدایی‌طلبان عرب قرارگرفته‌است.» وی افزود: سلاح‌های سبک ضدتانک نیز از جمله سلاح‌های زیادی است که به ایران قاچاق شده‌است.[۲]

به نوشته روزنامه بامداد، جانشین مرزبان خرمشهر اضافه کرد: «تاکنون سلاح‌هایی از قبیل مسلسل‌های کلاشینکف، اسلحه کمری، موشک‌اندازهای آر.پی.جی.۷ ـ که ضد تانک و سنگرهای بتونی می‌باشد ـ توسط عوامل شناخته‌شده و ضدانقلاب وارد خوزستان شده‌است.» وی تصریح نمود: عراقی‌ها به‌منظور انحراف ملت خودکه به پشتیبانی انقلاب ایران برخاسته‌اند، دست به تحریکاتی علیه انقلاب ایران زده و برای این منظور علاوه بر حمایت بی‌دریغ و کمک به جبهه به‌اصطلاح تحریر خوزستان، فداییان عرب راکه وابسته به همین جبهه هستند در پایگاه‌های نظامی بصره تعلیم و آموزش داده و سپس برای خرابکاری به ایران اعزام می‌کنند. متأسفانه هنوز کنترل مرزها به‌خوبی صورت نمی‌گیرد و در این مورد باید اقدامات قاطعی انجام گیرد تا از ورود سیل اسلحه و افراد ضدانقلاب جلوگیری به‌عمل آید.[۳]

فرماندار خرمشهر نیز گفت: دوازده نفر جاسوس عراقی را دستگیر کردیم و با تشکیل پرونده به اهواز فرستادیم و یکی از این جاسوسان اصرار داشت خود را مصری معرفی کند.[۴]

مدیریت اطلاعات نیروی دریایی طی نامه‌ای به وزارت کشور اعلام کرد که صدام‌حسین و برادرش جهت تقسیم پول و سلاح در مناطق مرزی دهلران و موسیان بین مرزنشینان این منطقه حاضر شده‌اند.[۵]

از سوی دیگر، روزنامه کیهان در مقاله‌ای تحت عنوان "عراق بر دریایی از خون و اشک" درباره تأثیر انقلاب‌اسلامی ایران در عراق نوشت: شورش‌های اخیر که اکثر شهرهای عراق را فرا گرفته، از جمله شهرهای موصل و کرکوک که شیعیان در اقلیت هستند را نیز شامل می‌شود، زائیده عوامل زیر است:

۱ـ تأثیر مستقیم انقلاب‌اسلامی ایران. ۲ـ ازدیاد عملیات نظامی و مقاومت مسلحانه کردهای عراق. ۳ـ گرایش تمامی اقشار مسلمان به وحدت و یکپارچگی که زائیده اقدامات شوونیستی نژادپرستانه حاکمیت بعثی و ضمناً سرکوب خشن آنها می‌باشد، اما مهم‌ترین سهم تعیین‌کننده را انقلاب ایران و تأثیرات آن داشته‌است که عامل عمده اتکا به تعیین و از میان رفتن وحشت از قدرت در میان مسلمانان عراق بوده‌است. پیروزی انقلاب‌اسلامی ایران امید و نوید برای ملت عراق آورد و اوج‌گیری معارضه خلقی کنونی با رژیم نوید این تأثیربخشی است.

پس از بیست‌سال رکود سیاسی اکنون تظاهرات وسیع مردمی در عراق اوج می‌گیرد، درست به همان شکلی که در ایران پس از یک دوران رکود شکل گرفت و رژیم شاه را سرنگون نمود. درست همزمان با شروع تظاهرات ایران، در "کیبوتص" مهجور در کردستان عراق هم بیش از ۴۰۰ قریه کردنشین را در طول مرز ایران و عراق از سکنه و کشاورزان بومی آن خالی کرده‌است و به‌جای آن واحدهای نظامی مستقر نموده‌است.[۶]

۶۷۱

جنگ تبلیغاتی رسانه‌های گروهی دو کشور ایران و عراق همچنان ادامه دارد. بخش فارسی رادیو بغداد گفت: سازمان‌های توده‌ای عربی و سازمان‌های شرقی بین‌المللی اعتراض و انزجار خود را علیه اقدامات ظلم و ستمی که مقامات ایرانی ضدخلق‌های ایرانی مخصوصاً علیه مردم عرب در الاحواز (اهواز) اعمال می‌دارند، ادامه می‌دهند. سازمان‌های شرقی بین‌المللی طی یادداشتی که برای مهدی بازرگان نخست‌وزیر فرستادند، تأسف خود را از شیوه‌های مقامات ایرانی و فشارشان برضد حقوق مشروع مردم عرب اعلام نمودند.[۷]

روزنامه "الثوره" ارگان دولت عراق ادعا کرد: خبرهای وارده حاکی‌است که یک هیئت اعزامی نظامی امریکایی از ایران دیدن کرد و بدین ترتیب فوراً رژیم ایران به مناسبات امریکایی دوران پیش از سرنگونی شاه عقب‌گرد کرد. بدون‌شک هدف دیدار هیئت نظامی امریکا از ایران به معنی مرحله نوین خطیری از هماهنگی و همکاری میان رژیم تازه ایران و ایالت متحده امریکاست.[۸]

۶۷۲

گروه مائوئیستی و خط سومی "رزمندگان طبقه کارگر" درگزارشی که از اوضاع اقتصادی، سیاسی

و فرهنگی خوزستان تهیه کردند، از اطلاعیه مورخ ۵۸/۴/۱۱ سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان ذکری به میان آورده است که بخش‌های مهم این اطلاعیه مفصل چنین است: ... اردوی ضدانقلاب داخلی و خارجی با وجود ضربه‌های سهمگینی که از پتک گران انقلاب توده‌های میلیونی مردم میهن ما دریافت کرده‌است، با استفاده از ناپی‌گیری دولت موقت و نقش ترمزکننده بورژوازی لیبرال و بی‌راهه‌گرایی گروه‌های افراطی چپ‌نما و راست، توانسته است به رهبری سازمان‌های جاسوسی سیا، موساد و ساواک تجدید سازمان کند و در پاره‌ای نقاط، از جمله خوزستان عزیزما، با سفاکی‌ها و خرابکاری‌هایی که در خرمشهر پیش آورده و می‌آورد، حتی به انجام تعرض‌های خرابکارانه‌ای توفیق یابد.

در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده‌است: ... دولت عراق برخلاف مصالح ملی و ضدامپریالیستی خلق‌های عراق و ایران، خود را به توطئه خیانتکارانه برضدِ انقلابِ ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران آلوده کرده‌است. دولت عراق که از تعقیب، شکنجه، حبس و کشتار مبارزان دمکرات و کمونیست و مسلمانان مبارز عراقی فروگذار نمی‌کند و اختناق هولناکی را در کشور عراق برقرار کرده‌است، برای عطف توجه مردم عراق به خارج کشور، در اقداماتی شرکت می‌کند که به زیان جنبش انقلابی ایران و همه جنبش‌های ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی منطقه است.[۹]

۶۷۳

در ادامه نابسامانی‌های مسئله ارضی درکردستان و فقدان مشی مشخص قابل دفاع در این‌باره، در ادامه بهره‌برداری جریان‌های سیاسی از مسئله ارضی در جهت افزایش نفوذ، امروز نیز به‌گزارش روزنامه اطلاعات، شیخ عزالدین حسینی امام‌جمعه مهاباد در یک تماس تلفنی با خبرگزاری پارس در ارومیه، پخش خبری از رادیو تلویزیون جمهوری‌اسلامی مبنی‌بر طرف‌داری فئودال‌ها از حکومت جمهوری‌اسلامی را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «این خبر توهینی است به حکومت جمهوری‌اسلامی، چون فئودال‌ها هیچ‌وقت طرف‌دار جمهوری‌اسلامی نبوده‌اند و طرف‌داران جمهوری‌اسلامی توده مردم و روحانیون مترقی هستند که سال‌هاست به رهبری امام‌خمینی و زیر پرچم اسلام و برای به‌دست آوردن آزادی جنگیده‌اند.» وی خاطرنشان کرد: «فئودال‌ها همیشه دشمن دین و دشمن اسلام بوده‌اند و همیشه خواسته‌اند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند.» عزالدین حسینی افزود: «پریروز در مهاباد دو نفر به اسامی "سیدقادر سیدی" و "کشاورزی" به‌وسیله ضدانقلابیون کشته شدند.» وی تأکید کرد که هم‌اکنون اوضاع مهاباد کاملاً آرام است و مردم به‌کار روزمره خود مشغول هستند.[۱۰]

۶۷۴

به‌دنبال انتشار اطلاعیه روز گذشته سازمان مجاهدین خلق در توضیح چگونگی ارتباط سعادتی با روس‌ها (مندرج در روزشمار ۵۸/۴/۱۰)، سازمان مجاهدین انقلاب‌اسلامی همان روز با ترتیب‌دادن یک مصاحبه مطبوعاتی به سؤالات مختلفی درباره سعادتی و نیز حمادشیبانی

است لازم است انجمن‌های اسلامی نیروهای مزبور توسط دفتر تبلیغات امام در تهران، جنب مجلس شورای ملی، مدرسه‌عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) برنامه‌های مذهبی خود را تنظیم نمایند تا افراد ذی‌صلاح انتخاب شوند و فرهنگ اصیل اسلامی را تشریح کنند و عوامل چپ و راست نتوانند در پوشش اسلام در داخل پادگان‌ها نفوذ نمایند. توفیق و نصرت تمام نیروهای مسلح زمینی، هوایی و دریایی و پلیس و ژاندارمری را در راه تحقق بخشیدن به استقرار جمهوری‌اسلامی و حفظ و حراست مملکت، از خداوند قادر مسئلت دارد.(۱۳)

۶۷۷

روزنامه المستقبل چاپ پاریس در مقاله‌ای به قلم "احمد بهاءالدین" با اشاره به سیاست امریکا در "ایجاد اختلاف بین ایران و اعراب" نوشت: «آیت‌الله خمینی خود را نه فقط یک رهبر ایرانی بلکه یک رهبر "اسلامی" می‌دانند و به همین جهت تلاش دارند تا عواطف مسلمانان خارج از ایران راکسب کنند، در حالی‌که بعضی از رجال ایرانی که با امام‌خمینی کار می‌کنند، فقط "ایرانی" فکر می‌کنند و بعضی از آنها چنان در "ناسیونالیسم ایران" افراطی هستند که می‌توان از آن به آسانی علیه اعراب استفاده کرد.

به نظر امریکا به‌طور اخص و عرب به‌طور اعم، از دست رفتن ایران خطرناک‌تر از برپایی یک پیمان و دوستی میان ایران و اعراب نیست که این رویه از مهم‌ترین شیوه‌های حکومت شاه و یکی از مهم‌ترین جنبه‌های نقشه خاورمیانه است. هم‌اکنون بعضی از آیات عظام و تنی چند از وزرای کابینه همین روش را دارند و اندیشه ناسیونالیسم ایران و تعصب ضدعربی بر آنها غلبه دارد و این موضوع را به‌خوبی در به‌وجودآوردن مشکلات با اعراب و اعلام نظرهایی علیه عراق و علیه عربیت بحرین به‌خوبی دیدیم. امام‌خمینی این کهنسال راهیه به‌خوبی می‌دانند که در اطراف ایشان چه می‌گذرد. امام‌خمینی فرستاده مخصوصی نزد تعدادی از رهبران عرب فرستادند و به آنها با قاطعیت پیام دادند: "به اظهاراتی که گفته می‌شود و رفتارهای خودسرانه‌ای که می‌شود، توجه نکنید، زیرا اوضاع هنوز استقرار نیافته است." امام‌خمینی از رهبران عرب خواسته‌است تا در هر مشکل حساسی با ایشان تماس بگیرند.» المستقبل در پایان تأکید کرد: بهترین کاری که اعراب می‌توانند بکنند این است که آرامش خود را حفظ کنند و در تحریکات طراحی‌شده افراط ننمایند و گفته‌های امام‌خمینی را به آنها، مدنظر قرار دهند.(۱۴)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۱۱

۱ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص۷.
۲ - روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص۳.
۳ - روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص۲.
۴ - مأخذ شماره ۲، ص۱.
۵ - سند شماره ۳۴۶۷۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تلفنگرام شماره $\frac{\text{۵۰۱ - ۰۱/۷۰}}{\text{۱۳۵۸/۴/۱۱}}$، مدیریت اطلاعات نیروی دریایی جمهوری‌اسلامی ایران به وزیر کشور.

۶ - مأخذ شماره ۱، ص۶.
۷ - خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۱۰۱، ۱۳۵۸/۴/۱۲، ص۹، رادیو بغداد.
۸ - مأخذ شماره ۷، ص۱۱، رادیو بغداد.
۹ - رزمندگان طبقه کارگر، گزارشی از اوضاع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خلق عرب (بی‌جا، بی‌نا و بی‌تا) ص‌ص ۹۱ تا ۹۵
۱۰ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص۳.
۱۱ - مأخذ شماره ۱، ص۸.
۱۲ - مأخذ شماره ۱، ص۱.
۱۳ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۲، ص۱.
۱۴ - مأخذ شماره ۱۰، ص۴.

روزشمار

سه‌شنبه

۱۲ تیر ۱۳۵۸

۸ شعبان ۱۳۹۹

۳ ژوئیه ۱۹۷۹

۶۷۸
سازمان سیاسی خلق عرب در«تلگرافی از کورت والدهایم دبیرکل سازمان ملل درخواست کمک کرد. در این تلگراف آمده‌است: «به نام خلق عرب از شما می‌خواهیم با اعزام نمایندگان خود به این منطقه، به دستگیری بی‌گناهان پایان دهید و زندانیان سیاسی را که به خاطر عرب‌بودنشان و نه به دلیل ارتکاب جرمی، زندانی شده‌اند، آزاد سازید.» به گزارش رویتر، سازمان سیاسی خلق عرب با اعلام این مطلب که "مقامات دولتی از انجام تعهد خود سرباز زده‌اند" ادعا کرد: اعراب ایران، ضدانقلابی، تجزیه‌طلب و ساواکی نامیده شده‌اند تا این امکان وجود داشته باشد که آنها را از حقوقشان محروم نمایند.(۱)

۶۷۹
ستاد مرکزی سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی در نامه‌ای به فرمانده لشکر۹۲ زرهی اهواز خواستار تأمین نیازهای واحدهای سپاه آن منطقه برای مقابله با تحرکات ضدانقلاب شد. متن این نامه به این شرح است: برادر سرهنگ زرکش؛ محترماً به لشکر۹۲ زرهی اهواز و نیروی دریایی پایگاه خرمشهر دستور فرمایید به علت حساسیت منطقه خوزستان، نیازمندی‌های سپاه‌پاسداران آبادان را هرچه زودتر تأمین نمایند.(۲)

۶۸۰
در رادیو امریکا، طی تفسیری به نقل از افرادی که آنها را "منابع موثق" خواند، از افشای نامه‌ای از "هادوی" دادستان کل انقلاب به مهندس بازرگان خبر داده شد و مضمون آن اعلام گردید. مطلب رادیو امریکا در این‌باره چنین است:

گزارش شده‌است که به دولت موقت اسلامی ایران درباره امکان بروز ناآرامی‌های مجدد در استان خوزستان هشدارهای تازه‌ای داده شده‌است. خبرنگار صدای امریکا در تهران گزارشی در این‌باره فرستاده و می‌نویسد: گفته می‌شود که مهدی هادوی دادستان کل دادگاه‌های انقلابی به مهندس بازرگان نخست‌وزیر نامه‌ای نوشته‌است و طی آن هشدار داده‌است که اگر دولت اقدامات

سریعی انجام ندهد، خرمشهر و آبادان صحنه زدوخورد و ناآرامی‌های تازه‌ای خواهد بود.

بنابر گزارش منابع موثق، هادوی در نامه خود به نخست‌وزیر یادآور شده‌است که دولت موقت انقلاب‌اسلامی نباید تصور کند مشکلات استان خوزستان پایان پذیرفته، زیرا ریشه مسائل موجود در آن استان عمیق بوده و عدم توجه دولت به این امر، ممکن است موجب شود اوضاع از کنترل خارج شود. دادستان کل دادگاه‌های انقلابی در نامه خود به نخست‌وزیر توصیه کرده‌است هرچه زودتر هیئتی را مأمور خوزستان نموده، برای یافتن راه‌حل مشکلات و رفع تشنجات موجود، با اهالی محلی و مقامات رسمی دولت تبادل نظر و مذاکره کند.

اخیراً یک هیئت خوزستان به ریاست شیخ عیسی خاقانی به قم و تهران رفت و با حضرت آیت‌الله خمینی و نخست‌وزیر، بازرگان ملاقات و مذاکره کرد. پیرو این مسافرت، شیخ عیسی خاقانی هشدار داد که اگر دولت ایران به تعهدات ماه قبل خود که پیرو آن، نظم و آرامش در خوزستان برقرار شده، عمل نکند، مسئول عواقب آن خواهد بود.

بنابه اظهار منابع موثقی که خبر ارسال نامه آقای هادوی دادستان کل دادگاه‌های انقلابی به نخست‌وزیر را افشا کرده‌اند، دولت ایران در نظر دارد تقریباً یک هیئت عالی‌رتبه بازرسی به استان خوزستان اعزام دارد.(۳)

۶۸۱
درپی بروز زدوخورد در اطراف جلدیان، روزنامه اطلاعات به نقل از منبعی که وی را "مقام آگاه در ارومیه" نامید، نوشت: در آبادی جلدیان حزب دمکرات کردستان دفتر دایر کرده و تمامی اعضای آن مسلح هستند. چون آنها رفت و آمد در منطقه را کنترل می‌کردند روستاییان نگران شده و از پادگان جلدیان کمک خواستند، وقتی که افراد پادگان عازم جلدیان شدند، افراد حزب به سوی آنها تیراندازی کردند و در نتیجه یک جوان‌مرد به ضرب گلوله مجروح شد.

استاندار آذربایجان‌غربی درباره این مسئله گفت: «از چند روز پیش عده‌ای از اعضای حزب دمکرات کردستان طبق نقشه قبلی در اطراف قریه جلدیان مستقر شده و آن‌جا را محاصره کردند، در پی این جریان یک واحد ارتشی برای بررسی اوضاع به منطقه اعزام می‌شوند، ولی این عده به نیروی ارتش حمله می‌کنند که در اثر تیراندازی، یکی از مجاهدین زخمی می‌شود.» وی افزود: هم‌اکنون وضع در منطقه آرام است و افراد ارتشی به پادگان‌های خود باز گشته‌اند.

از سوی دیگر، حزب دمکرات کردستان با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: حمله به سوی آبادی مذکور در ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه (۱۳۵۸/۴/۱۱) از سوی عناصر مرتجع پادگان جلدیان با سلاح‌های سنگین صورت گرفته که در این حمله عده‌ای کشته و زخمی گردیده‌اند و تعدادی را نیز به گروگان گرفته و به داخل پادگان جلدیان برده‌اند. این اطلاعیه می‌افزاید: این چهارمین بار است که از طرف عناصر مرتجع داخل پادگان جلدیان به مردم بی‌سلاح آبادی‌های اطراف حمله شده و هر بار نیز تلگرافی یا تلفنی به مقامات دولتی اطلاع داده شده و به عنوان اعتراض میتینگ‌ها و راهپیمایی‌های وسیعی برپا شده ولی با کمال تأسف مقامات مسئول کمترین

طرفین کمتر گفته شود، بهتر است. یزدی به سرعت سؤال کرد که آیا ما قصد داریم شخص جدیدی را منصوب کنیم یا خیر. من به او گفتم به سابقه مراجعه کند، ولی در ضمن من افزودم که ما دربارهٔ این مسئله کار می‌کنیم و پیشنهاد کردم که فعلاً بهترین راه این است که خونسرد باشند. یزدی بار دیگر پاسخ داد که دولت موقت ایران می‌کوشد خونسرد باشد و افزود که به دولت موقت ایران اطمینان‌هایی داده شده‌است که ما هرچه زودتر شخص دیگری را منصوب خواهیم کرد که به‌جای کاتلر سفیر امریکا در ایران شود و این‌که دولت موقت می‌خواهد که ما چنین رفتار کنیم.

در حالی‌که به این ملاقات پایان می‌دادیم یزدی گفت که او میل دارد در جلسه بعدی دربارهٔ اوضاع و احوال پیامدهای اظهارات ژنرال راجرز دربارهٔ "نیروهای ویژه" در منطقه خلیج‌فارس، صحبت کند. من پاسخ دادم که هر لحظه می‌توانم وقت خود را در اختیار او بگذارم ولی این‌که به‌طور خلاصه اظهارات ژنرال راجرز منعکس‌کنندهٔ نگرانی‌های جهانی ما و برداشت از لزوم دفاع از منافع جهانی ما است. من تأکید کردم ژنرال راجرز تنها به برنامه‌ریزی‌های احتمالی و پیش‌بینی‌شده اشاره کرده‌است و آنگاه او را به گزارش‌های مطبوعاتی اخیر در ایران توجه دادم مبنی‌بر این‌که ایالات متحده به نحوی از انحا می‌کوشد خوزستان را از بقیه ایران جدا سازد و آن‌گاه گفتم که چنین اتهاماتی با هرگونه منطقی تضاد دارد. من گفتم منابع عمدهٔ ما در این قسمت از جهان با نیاز جریان بدون وقفه نفت از این منطقه وابسته است و ما ثبات و عدم تشنج را در میان کشورهای این منطقه بهترین ضامن این منافع سیاسی می‌دانیم و اینکه هیئت نمایندگی ما در عراق همین موضوع را دربارهٔ مناسبات ایران و عراق مطرح کرده‌است. یزدی پاسخ داد گزارش‌های مطبوعات دربارهٔ مداخلات ایالات متحده در خوزستان باید در چهارچوب اظهارات ژنرال راجرز مورد توجه قرار گیرد. من بار دیگر تأکید کردم ژنرال راجرز به برنامه‌ریزی‌های مربوط به وقایع احتمالی اشاره کرده‌است و این‌که ما به هیچ وجه در پی آن نیستیم که اوضاع این‌جا را به بی‌ثباتی بکشانیم.

یزدی گفت: «آری ولی نیروهای ویژه چگونه می‌توانند در این ارتباط کمک کنند؟»

این سؤال که ما به دفعات آن‌را می‌شنویم و همراه با ناباوری‌هایی است که با چنین برنامه‌ریزی‌هایی به هر صورت مچ ما باز خواهد شد.[۱۲]

ضمیمه خبر شماره ۶۸۳

تقی شهرام، عضو مرکزیت کنونی (در زمان دستگیری) "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"، در سال ۱۳۴۷ به عضویت سازمان مجاهدین خلق ایران درآمد. در سال ۱۳۵۰ به همراه عده زیادی از اعضای رهبری دستگیر و به ده سال زندان محکوم گردید و برای طی این مدت به زندان ساری منتقل شد. در زندان ساری به همراه "عزتی" یکی دیگر از اعضای سازمان و جلب نظر سروان احمدیان (معاون زندان ساری) در اردیبهشت ۱۳۵۲ از زندان فرار کرد.[۱۳] وی پس از فرار از زندان به سازمان پیوست و با استفاده از

غیبت بنیان‌گذاران و رهبران سازمان، به عضویت کادر مرکزی درآمد و به کمک "بهرام آرام" و "وحید افروخته" و "محسن خاموشی" و دیگران طرح تغییر مواضع ایدئولوژیکی سازمان مجاهدین خلق ایران و تصفیه اعضای آن را به اجرا درآورد.[۱۴] آنها در مهر ۱۳۵۴ با انتشار بیانیه‌ای تحت عنوان "تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران" مارکسیست‌شدن این سازمان را اعلام کردند و تصفیه ۵۰٪ از عناصر مذهبی سازمان از جمله شهید مجید شریف‌واقفی و مرتضی صمدیه‌لباف را به عنوان خائنان شماره ۱ و ۲، آغاز کردند.[۱۵] به این ترتیب، این گروه با همین مشی و ایدئولوژی تا سال ۱۳۵۷ رهبری سازمان مجاهدین خلق را در دست داشتند. در این سال پس از آزادی زندانیان سابق سازمان مجاهدین، نام خود را به "سازمان پیکار برای آزادی طبقه کارگر" تغییر دادند.[۱۶] البته قبل از این مدتی را نیز با عنوان شاخه مارکسیستی ـ لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران سپری کردند. رهبری جدید سازمان مجاهدین خلق (رجوی، خیابانی و...) هیچ‌گاه حاضر به موضع‌گیری عقیدتی با ملاک‌های مذهبی علیه سازمان پیکار و حتی شخص شهرام نشدند و تنها به مشی و شیوه برخورد آنان تحت عنوان "اپورتونیسم چپ‌نما" انتقاد کردند.

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۱۲

۱ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۲، ۱۳۵۸/۴/۱۳، ص ۲، خبرگزاری رویتر.
۲ ـ سند شماره ۱۱۳۶۳۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامه شماره $\frac{۲۷۹۰}{۵۸/۴/۱۲}$ ستاد مرکزی سپاه‌پاسداران به فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز.
۳ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۲، ص ۸.
۴ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۳، ص‌ص ۳ و ۱۲.
۵ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۳، ص‌ص ۱ و ۸.
۶ ـ مأخذ شماره ۴، ص ۱۲.
۷ ـ مأخذ شماره ۳، ص ۲.
۸ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۶۳، (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص ۱۱۲، اسناد لاتین.
۹ ـ مأخذ شماره ۸، ص‌ص ۱۲۸ تا ۱۳۱.
۱۰ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۲، ص ۱۲.
۱۱ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی امریکا، جلد ۳۴ (تهران: نشر لانه جاسوسی، بی‌تا) ص‌ص ۱۴۴ تا ۱۴۸.
۱۲ ـ پیشین، ص‌ص ۱۴۹ تا ۱۵۳.
۱۳ ـ نشریه پیکار، ارگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، شماره ۱۱، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص ۴.
۱۴ ـ روزنامه انقلاب‌اسلامی، سال اول، شماره ۱۲، ۱۳۵۸/۴/۱۲، ص‌ص ۱ تا ۱۲.
۱۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۱۵، ص ۴.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۱۲.

روزشمار

چهارشنبه

۱۳ تیر ۱۳۵۸

۹ شعبان ۱۳۹۹

۴ ژوئیه ۱۹۷۹

۶۸۷
امروز فرودگاه اهواز در ساعت ۲۳ با خمپاره مورد حمله قرار گرفت. به گفته والی (رئیس هواپیمایی کشور) انفجار این خمپاره ۱۸ تا ۲۰ شیشه زیر برج مراقبت را شکست.(۱)

۶۸۸
ژاندارمری کل کشور در تلگرافی به وزارت کشور اعلام کرد: «در تاریخ ۵۸/۴/۱۳ سازمان خلق عربستان در عراق حدود ۱۶۰ نفر ایرانی عرب‌زبان را به پادگان محمدقاسم برای آموزش اسلحه‌شناسی و مواد منفجره اعزام نموده‌است. این افراد تحت نظر سازمان امنیت بصره می‌باشند و به‌وسیله افسران عراقی آموزش داده می‌شوند.»(۲)

۶۸۹
سرلشکر فربد رئیس ستاد ارتش جمهوری‌اسلامی ایران گفت: «لشکر اهواز با یک کمیت و استعداد بالا و آمادگی رزمی ممتاز مجدداً موجودیت خودش را باز یافته و پرسنل مربوطه با توجه به وقایعی که اخیراً در حوزه آنها رخ داده‌است و بالقوه وجود دارد، آمادگی خود را برای مقابله با هرگونه ناامنی درونی و برونی اعلام کردند.» وی در مورد وضعیت ارتش در خطوط مرزی جنوب گفت: «ارتش ایران در این منطقه موضع واقعی خودش را مجدداً به‌دست آورده‌است.» رئیس ستاد ارتش در مورد عراق گفت: «عراق به‌عنوان یک کشور همسایه با ما دوست و هم‌کیش است و حادثه حمله هواپیماهای عراقی به کردستان صرفاً تصادفی بوده و دولت عراق تاکنون تصمیماتی که مغایر با روابط حسن‌همجواری با ما باشد اتخاذ نکرده‌است.»(۳)

۶۹۰
افشاگری درباره مسائل پشت پرده خوزستان مطلبی است که روزنامه اطلاعات تحت عنوان "مرزبان خرمشهر فاش می‌کند" اقدام به درج آن کرده‌است. سروان "حشمت‌الله آزادی" مرزبان خرمشهر در این مصاحبه به عوامل دست‌اندرکار در حوادث خوزستان اشاره کرد و گفت: «نوار

مرزی ما در طول ساحل خلیج‌فارس و شط‌العرب (اروندرود) و همچنین مرزهای خشکی خوزستان به هیچ‌وجه کنترل نمی‌شود و در نتیجه سیل اسلحه قاچاق از این طریق به سوی ایران سرازیر است. قاعدتاً بعد از انقلاب می‌بایستی ارتش در نوار مرزی مستقر شده و کنترل و حفاظت مرزها را دقیقاً به عهده گیرد، ولی متأسفانه چنین اقدامی صورت نگرفته‌است و در حال حاضر قسمتی از مرزهای خشکی ما در ناحیه خرمشهر به صورت اتوبان بزرگی از عراق به سوی ایران درآمده و از این طریق نه تنها افراد آزادانه تردد می‌کنند، بلکه سیل اسلحه قاچاق نیز به طرف ایران روان است.»

سروان آزادی در پاسخ این پرسش که در حال حاضر وضع مرزهای ایران و مرزبانی چگونه است؟ گفت: «برابر آیین‌نامه مرزبانی که مصوبات آن در سال ۱۳۳۷ از تصویب مجلسین گذشته، حفاظت از مرزها به عهده ارتش است، اما متأسفانه در زمان گذشته امرای ارتش برای درجه گرفتن حتی نسبت به مرزها بی‌توجه بوده و مرزبانی را به ژاندارمری سپردند و تاکنون هیچ‌گونه آیین‌نامه‌ای از طرف ژاندارمری در این مورد تصویب و به مرحله اجراگذارده نشده‌است.

اغلب کشورهای همسایه ما مرزهای خود را به‌وسیله تلویزیون مدار بسته و امکانات و پرسنل کافی اداره می‌کنند، در صورتی که در بعضی از نقاط مرزی ایران در فاصله ۵۰ کیلومتری فقط یک پاسگاه با حداکثر هشت نفر پرسنل، بدون داشتن وسایل و امکانات کافی وجود دارد. با چهره‌ای که از مرزها برای شما ترسیم کردم می‌توانید حدس بزنید که در شرایط کنونی در آن سوی مرزها به منظور ایجاد اغتشاش در داخل ایران چه توطئه‌های بزرگی صورت می‌گیرد و سیل اسلحه، بدون دریافت دیناری وجه، به سوی بعضی از مرزنشینان سرازیر است و می‌بینیم که بدین ترتیب عراق بعثی عملاً قراردادهای منعقده در مورد امنیت مرزها را "کان لم یکن" تلقی کرده‌است. روی این اصل ملت باید در جریان اوضاع قرار گیرد تا بتواند به کمک بشتابد. هر کسی این مسائل را از مرد پنهان کند، یقیناً به مردم خیانت کرده‌است.»

سروان آزادی در مورد توطئه‌ای که به آن اشاره کرده‌بود، گفت: «در فاصله سال‌های ۴۵ تا ۴۷ در اوج بحران روابط ایران و عراق، دولت بعثی عراق محرمانه در میان بعضی از برادران عرب ایرانی ما نفوذ کرده و با چاپ کتاب‌هایی در مورد خوزستان با نام مجعول "عربستان" جبهه‌ای به‌اصطلاح به نام "جبهه تحریر خوزستان" تشکیل داد که بعضی از کشورهای عربی مانند لیبی از این جبهه به کمک عراقی‌ها در استان خوزستان و در شهرهای اهواز، خرمشهر و آبادان کانون‌هایی تشکیل داد که حتی اعضای این جبهه چند درگیری با مأموران ساواک من‌جمله در مناطق قریه "فیاضیه" آبادان و قسمتی از "کوت شیخ" خرمشهر داشتند. عده‌ای از افراد این جبهه کشته شدند و عده‌ای نیز به عراق گریختند. اکنون پس از پیروزی انقلاب این ریشه‌های گندیده و نوکران استعمار به منظور ایجاد اغتشاش در ایران با حمایت دولت عراق در خرمشهر و سایر شهرهای خوزستان دست به خرابکاری زده‌اند. به نظر من جلوگیری از این خرابکاری‌ها ممکن نیست، مگر به‌وسیله کنترل شدید مرزها، آن هم به‌وسیله ارتش، نه به‌وسیله ژاندارمری. جبهه

تحریر خوزستان با کمک و همکاری دولت عراق سلاح‌های بی‌شماری، از جمله مواد منفجره بین اعراب ایرانی ناآگاه توزیع کرده‌است که حتی بیشتر این مردم از طرز به کار بردن انبوه این سلاح‌ها بی‌اطلاعند.

تعدادی از عرب‌ها به نام "فداییان عرب" فعالیت می‌کنند که در اردوگاه‌های نظامی عراق در بندر بصره آموزش‌های لازم را می‌بینند و سپس روانه ایران شده و تخم مرگ می‌کارند. البته فدائیان عرب و سایر اعضای جبهه آزادی‌بخش خوزستان به صورت‌های چپ‌نما، با توجه به حس انترناسیونالیستی ظاهراً عمل می‌کنند و نوع سلاح‌هایی که در دست این افراد دیده شده عبارت است از مسلسل‌های کلاشینکف، نارنجک، کلت‌های بلژیکی و موشک‌اندازهای آر.پی.جی.۷ که این اسلحه ضد سنگ، بتون آرمه و ضدتانک بوده و ساخت شوروی است.»

مرزبان خرمشهر در مورد تمرکز نیروهای عراق در مرز ایران، گفت: «بعد از انقلاب ایران عراقی‌ها در طول مرز دست به نقل و انتقالات نظامی زدند ولی در یکی دو هفته اخیر، بر خلاف تکذیب‌های مکرر، عراقی‌ها در طول نوار مرزی، از خرمشهر تا آبادان، در چند نقطه دست به تمرکز قوای نظامی زده‌اند. برابر اطلاعاتی که به ما رسیده، بعضی از عرب‌ها که از سوی بعضی از شیوخ عرب ایرانی معرفی شدند، با ارائه شناسنامه خود، بدون پرداخت پول، از عراقی‌ها سلاح‌های مجانی دریافت می‌کنند. اخیراً عراقی‌ها سلاح‌های خطرناکی مانند موشک‌انداز آر.پی.جی.۷ در اختیار ضدانقلاب گذاشته‌اند.»

مرزبان خرمشهر اضافه کرد: در بیست روز اخیر سیم‌های خاردار به طرف پاسگاه "کوشک" در نوار مرزی خرمشهر بریده شده و به‌دنبال بریده شدن سیمهای خاردار، از کیلومتر دوازده پاسگاه "شلمچه" خرمشهر، ردهایی به نشانه عبور وسایط نقلیه موتوری از خاک عراق به داخل خاک ایران دیده شده‌است.[۴]

۶۹۱

در ادامه جنگ تبلیغاتی مطبوعات عراق علیه ایران، مجله دولتی "الفباء" چاپ بغداد نوشت: اعراب عادت کرده‌اند که عراق در برابر یورش تاتارها در قرن دهم و قرن بیستم ایستادگی کند ونیروهای سلجوقیان و عیلامیان را در قرن بیستم متوقف کند تا آنها در پی هم فرو شکنند. عادت کرده‌اند که عراق نگهبان منطقه شرقی جهان عرب که در تیررس دشمن است باشد، تا آن‌جا که مرزهای این منطقه ادامه یابد و همراه با آن، آرزوها و رویاهای عیلام و فرومایگی سلجوقیان و کینه‌توزی تاتارها ادامه یابد. در عین حال جسدهای سربازان نیز بر هم انباشته می‌شود تا زرهی از زره‌های امت را بسازند.

سرباز عراقی در مرز شرقی نگهبان منطقه‌ای است که آماج گلوله‌ها است و عراق به آنان که تاریخ نخوانده‌اند می‌گوید: از پنج‌هزار سال پیش تاکنون در خط اول نبرد، گامی استوار و با ثبات در مرزهای شرقی و بازویی پرتحرک در غرب این مرزها بوده‌است و این را بخت‌النصر و حکام عیلام و بیش از آنان "حتیٌ‌ها" درک کرده‌اند.[۵]

الثوره ارگان حزب بعث عراق نیز نوشت: «دولت ایران دیگر نمی‌تواند نیات ستیزه‌جویانه و توسعه‌طلبانه خود را پنهان کند. دولت ایران با بازگرداندن اوضاع به وضعی که در گذشته بود، به میل و خواسته امریکا عمل می‌کند. همدستی رژیم کنونی با امپریالیسم موجب وخامت اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور شده‌است.»[۶]

۶۹۲

صدام‌حسین معاون رئیس‌جمهوری عراق در مصاحبه‌ای با مجله آلمانی اشپیگل، مواضع عراق را درباره انقلاب‌اسلامی ایران، روابط دو کشور و... چنین اعلام کرد:

صداقت سیاست ایران در قبال فلسطین و اعراب با دور شدن از سیاست توسعه‌طلبانه و سیاست آزاررساندن به اعراب و پرداختن به مسائل گذشته، با همین روحیه ثابت می‌شود. برای اینکه از این امر مطمئن شویم حکام ایران باید سرزمین‌های غصب‌شده را به صاحبان آن مسترد دارد.[۷]

صدام‌حسین در پاسخ این سؤال که آیا دولت عراق از وقوع انقلابی مانند انقلاب ایران در این کشور بیم ندارد، گفت: «انجام [شدن] چنین انقلابی در عراق ممکن نیست برای این‌که در رأس این کشور شاه خودکامه‌ای مانند شاه سابق ایران قرار ندارد.» وی افزود: مانند رژیم سابق در ایران مردم عراق را زیر فشار مذهبی و اقتصادی قرار نمی‌دهیم. ایرانی‌ها می‌بایستی به مذهب متوسل می‌شدند تا شر این جبار را از سر خود کم کنند.

صدام اضافه کرد: رهبران جدید ایران قصد دارند روابط ایران با کشورهای عربی را بهبود بخشند و به اسلام روح و توان تازه‌ای بدهند.[۸]

وی گفت: ما خواهان مناسبات متکی بر سیاست حُسن‌همجواری با ایران هستیم اما به‌خاطر آن گدایی نمی‌کنیم. سیاست ما این است: ما رهبران تازه ایران را متوجه اشتباهاتشان می‌کنیم بدون این‌که دچار دست‌پاچگی شویم؛ ما عاقل‌تر و فهمیده‌تر هستیم[!] ما در اینجا ثبات داریم، چون بیشتر از آنها بر سر قدرت هستیم؛ ما فقط یک حزب داریم و آنها چندین گروه سیاسی؛ ما یک رهبر داریم و آنها چند تا؛ انقلاب ما همگون، سازمان‌دیده و منضبط است؛ انقلاب آنها بدون انضباط و آشوب‌زده است.

سؤال: شما با ایران در چند مورد اختلاف نظر دارید، شما خواهان سه جزیره واقع در تنگه هرمز هستید، ایران نسبت به بحرین ادعای ارضی دارد، آیا این می‌تواند برای عراق دلیلی برای جنگ باشد؟

جواب: تا این‌جا دیگر من پیش نمی‌روم، ما معتقدیم که رهبران تازه ایران نباید به سیاست شاه ادامه بدهند. اگر طالب دوستی با اعراب هستند، صاحبان تازه قدرت باید از زیان‌آوردن به اعراب دست بردارند. ما از لحن خصمانه ایران آن‌هم درست حالا، حیرت کرده‌ایم. اما در مورد ادعای ارضی ایران نسبت به بحرین باید بگوییم که اگر آدم بخواهد خود را از زیر نفوذ بیگانه نجات دهد، نباید خودش به یک سیاست توسعه‌طلبانه دست بزند.

کار تصویب قوانین عمومی و تجدید سیاست بین‌المللی اسلامی و اداره ارتش و تقسیم درآمد عمومی را به نسبت احتیاج، به عهده گیرد.

... تأمین صریح و قاطعانه این اصل می‌تواند به قانون‌اساسی ما رنگ انقلابی اسلامی ببخشد، اما اگر قانون ما در این زمینه قاطع نباشد، محافظه‌کارانه و ارتجاعی خواهد بود... امروز ما دو کلمه "دین" و "مذهب" داریم،ر منظورمان از دین یا مذاهب، همان مجموعه ایدئولوژی و برنامه‌هایی است که پذیرفته‌ایم.

در مورد آرای گوناگون مذاهب اسلامی در ماورای قانون‌اساسی، ما فعلاً با اکتفا به‌دین اسلام در قانون‌اساسی، راه قانون وحدت را باز می‌کنیم و بعداً عملاً نیز به‌سوی وحدت نهایی حرکت خواهیم کرد و این امر بدون تردید بزرگ‌ترین اقدام انقلابی در تاریخ اسلام خواهد بود که راه را به‌سوی وحدت همه‌جانبه تمام مسلمانان در کره زمین و تشکیل بزرگ‌ترین نیروی ضدامپریالیستی و ضداستثمار و استبداد باز خواهد کرد.

در مورد پیش‌نویس منتشرشده قانون‌اساسی و اصول آن، ایرادهای فراوان وجود دارد. این پیش‌نویس در مورد خودمختاری‌ها و رفع فواصل طبقاتی اشاراتی ضعیف دارد، اما در مورد مذهب آنچه گفته، درست مخالف است با آنچه بارها و بارها اعلام و بر آن توافق شده است.[40]

سپس خانم اعظم طالقانی از سازمان زنان اسلامی (جامعه زنان انقلاب اسلامی) سخنانی ایراد کرد و به اصول ۴۰ تا ۴۷ مربوط به مالکیت اشاره کرد و وضع مالکیت را در این قانون مبهم دانست و گفت: حدود مالکیت بایستی کاملاً رعایت گردد تا باعث تکاثر و استثمار نگردد. در ضمن مشخص نشده که ابزار تولید در رابطه با مالکیت در جمهوری اسلامی چه موقعیتی دارد و موقعیت زکات و خمس کجاست.[41]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۱۳

- هفته‌نامه بامشاد، سال اول، شماره ۲ (۲۳ تا ۳۰ تیر) ص۵.
- سند شماره ۳۴۶۸۲۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلگراف ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور.
- روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص۱ و اطلاعات ۱۳۵۸/۴/۱، ص۲.
- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۳، ص۶.
- ستاد تبلیغات جنگ، شورای‌عالی دفاع جمهوری اسلامی، ستیز یا صلح (تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶) ص۳۲.
- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۲، ۱۳۵۸/۴/۱۳، ص۱، خبرگزاری فرانسه، روزنامه الثوره.
- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه" ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص۱۵، رادیو صوت‌الجماهیر، مجله اشپیگل.
۸ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۳، ص۲.
۹ - مأخذ شماره ۷.
۱۰ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۴/۲۰، ص۲.
۱۱ - مأخذ شماره ۴، ص۳.
۱۲ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۴.
۱۳ - مأخذ شماره ۴، ص۹.
۱۴ - سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سازمان مجاهدین خلق ایران (تهران، چاپ اول، ۱۳۵۸) ص‌ص ۱۹۸ تا ۲۰۰.
۱۵ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص۲.
۱۶ - مأخذ شماره ۴، ص۱۲.
۱۷ - مأخذ شماره ۴، ص۱۲.

۱۸ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص۲.
۱۹ - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص‌ص ۱ تا ۳.
۲۰ - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص۱۲.
۲۱ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۷ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱) ص‌ص ۲۸۴ تا ۲۸۶.
۲۲ - مأخذ شماره ۱۸، ص۱۲، خبرگزاری‌ها و مأخذ شماره ۷، ص۱، آسوشیتدپرس.
۲۳ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۴، ص۴.
۲۴ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص۱.
۲۵ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۷، ص۱۶.
۲۶ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص۲.
۲۷ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص۱۲.
۲۸ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۴، ص۹.
۲۹ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۶، ص۱۲.
۳۰ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۷، ص۲.
۳۱ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۵، ص۱.
۳۲ - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۶، ص۲.
۳۳ - مأخذ شماره ۳۲.
۳۴ - مأخذ شماره ۳۴، ص۲.
۳۵ - مأخذ شماره ۳۲.
۳۶ - مأخذ شماره ۳۲.
۳۷ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۰، ص‌ص ۱ و ۲.
۳۸ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۲، ص۱.
۳۹ - روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۱۲، ۱۳۵۸/۴/۱۲، ص۲.
۴۰ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص۶.
۴۱ - مأخذ شماره ۴۱.

روزشمار

پنجشنبه

۱۴ تیر ۱۳۵۸

۱۰ شعبان ۱۳۹۹

۵ ژوئیه ۱۹۷۹

۷۰۴
در ساعت ۲۲:۳۰ مهاجمان دو بمب دستی به داخل سالن انتظار فرودگاه اهواز پرتاپ کردند که براثر انفجار آن، کلیه شیشه‌های در و پنجره‌های سالن فرودگاه شکسته شد. به گزارش کیهان، این سومین بار است که مهاجمانی ناشناس به فرودگاه اهواز حمله می‌کنند، البته هر سه بار با هوشیاری پاسداران انقلاب مستقر در فرودگاه، خنثی گردیده‌است. این بار نیز پس از انفجار شدید بمب‌ها، پاسداران انقلاب مستقر در فرودگاه بلافاصله از اطاق نگهبانی بیرون آمده و به سوی مهاجمان که از روبه‌روی در اصلی فرودگاه شلیک می‌کردند، آتش گشودند و حدود پانزده دقیقه تیراندازی شدید بین پاسداران و مهاجمان به طول انجامید. مهاجمان با سه اتومبیل سواری که همراه داشتند، بلافاصله پس از رسیدن نیروی کمکی از کمیته فرمانداری اهواز، با استفاده از تاریکی شب گریختند.

بر اثر این حمله و شلیک مسلسل‌های مهاجمان، منازل اطراف فرودگاه که متعلق به پلیس و فرودگاه بود و در تیررس قرار داشت، خسارات سنگینی دیدند، اما هیچ‌گونه خسارت جانی به دو طرف وارد نشد.(۱)

مهندس ابراهیمی فرماندار اهواز گفت که هدف مهاجمان انهدام هواپیمای حامل سرلشکر فربد بوده است که با اقدام پاسداران این توطئه نافرجام ماند.(۲)

از سوی دیگر، عده‌ای از کارکنان فرودگاه آبادان در اعتراض به صدای جمهوری‌اسلامی ایران که خبر حملات به این فرودگاه را تکذیب کرده بود، از خبرنگار کیهان دعوت کردند تا گزارشی از این وقایع تهیه کند. روزنامه کیهان در گزارش خود نوشت: در مراجعه به فرودگاه سخن‌گوی پاسداران کمیته فرودگاه آبادان حمله را تأیید کرد. همچنین صحت این حمله‌ها را رئیس کلانتری فرودگاه آبادان ضمن تماس تلفنی تأیید کرد و گفت: "مسئولیت پاسداران و افراد کمیته بسیار حساس و زیاد است اما با نداشتن مأمور به اندازه کافی، فقط از ترمینال و ساختمان آن و خود کلانتری فرودگاه حفاظت می‌کنیم و حفاظت اصلی اطراف و حتی داخل و بازرسی و ورود و

خروج کلاً با مأموران کمیته است که به نحو احسن عمل می‌کنند."

آقای شکری یکی از افراد مسئول و با ایمان که در حساب‌داری فرودگاه کار می‌کنند نیز ضمن تأیید حمله‌های فوق، نسبت به تکذیب خبر حمله به فرودگاه آبادان که از قول رئیس روابط عمومی هواپیمایی کشوری (آقای محمدعلی شریف) در روزنامه انقلاب‌اسلامی نوشته شده بود، اعتراض داشت و ضمن تأیید این حادثه‌ها، گفت: به عقیده من نباید این وقایع تکذیب شود و باید مردم در جریان امر قرار گیرند تا آمادهٔ هرگونه همکاری با برادران پاسدار و مأموران باشند تا ضدانقلاب فرصت جنبیدن پیدا نکند.(۳)

۷۰۵
اعضای خانوادهٔ دست‌گیرشدگان حزب سوسیالیست کارگران در اهواز، بار دیگر در محل دادگستری اهواز تحصن کردند. آنها در جریان تحصن، اعلامیه شماره۳ خود را تحت عنوان "نامه سرگشاده به دادستان دادسرای شهرستان اهواز" منتشر کردند. در این اعلامیه آمده است: آزادی فوری و بدون قید و شرط پانزده نفر از فرزندان عزیز ما خواست مبرم ما است. در ضمن از آقای دادستان خواستاریم که امنیت جانی ما را در طول تحصن در ساختمان دادگستری تأمین نماید.(۴)

۷۰۶
ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به نخست‌وزیری دربارهٔ فعالیت‌های دولت عراق علیه انقلاب‌اسلامی، اخباری را به این شرح گزارش کرده است:

در ۵۸/۴/۱۴ نوهٔ شیخ خزعل، جرج‌حبش، رئیس استخبارات ارتش‌عراق، رئیس شرطه و فرماندهٔ لشکر۵ بصره به‌همراه تعدادی از افسران فراری ایرانی از نوار مرزی ایران و عراق و شط‌العرب [اروندرود] بازدید و شناسایی به عمل آورده و پس از عکس‌برداری از نقاط مورد نظر، به بصره مراجعت نموده‌اند.

اخیراً تعدادی سرباز عراقی با توپ، مسلسل و تجهیزات جنگی (به‌استعداد یک هنگ) به فاو وارد و در جنوب شلمچه مستقر شده‌اند.

دولت عراق دستور داده‌است اتباع آن کشور نبایستی از اخبار تلویزیون ایران استفاده نمایند به همین علت، شانزده نفر را در ناحیه البحار و فاو دست‌گیر و بازداشت نموده‌اند.

اخیراً در کشور عراق عملیات و فعالیت‌هایی علیه روحانیون و مسلمین آن کشور انجام می‌گیرد. اخیراً دوازده نفر افسر و سرباز جمعی لشکر التاجی به‌علت اقامهٔ نمازجماعت دست‌گیر و زندانی شده‌اند. مأمورین سازمان امن‌العام بصره دانشجویانی راکه خواستار عدم صدور اسلحه قاچاق به ایران بوده‌اند، دست‌گیر و گروهی از آنان را بازداشت نموده‌اند.(۵)

۷۰۷
در حالی که در حوادث نگران‌کننده خوزستان عموماً ردپای عراق مشهود است و اخبار حوادث منطقه با اخبار عراق مکمل هم محسوب می‌شود و نیز تیرگی روابط ایران و عراق روزافزون است، لرد کارینگتون وزیر امورخارجه انگلستان در رأس یک هیئت سیاسی وارد عراق شد.(۶)

هر چند از مأموریت اصلی و مذاکرات این هیئت در عراق خبری دقیق منتشر نشده‌است اما به گفته رادیو ریاض، در مذاکرات وزیرخارجه انگلیس با سعدون حمادی، درباره کشمکش اعراب و صهیونیسم و روابط دوجانبه تبادل‌نظر شده و توافق به عمل آمده‌است که تماس در سطوح مختلف و مبادله هیئت‌ها میان دو کشور ادامه یابد.[۷]

۷۰۸
اخبار مربوط به اوضاع داخلی عراق را هر روز مطبوعات داخلی پی‌گیری می‌کنند و بعضاً گفته‌های منابع مختلف غیررسمی از موضع جانب‌داری از حرکت‌های اسلامی در عراق، منعکس می‌گردد؛ از جمله روزنامه کیهان به نقل از منابعی که آنان را "منابع مطلع در عراق خواند" خبرداد: «تعداد دستگیرشدگان در این کشور رو به افزایش گذاشته است.» این روزنامه افزود: براساس گزارش این منابع، حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای "سیدقاسم شبر" امام‌جماعت منطقه "النعمانیه"که چند هفته پیش دستگیر شده‌بود، زیر شکنجه جان خود را از دست داده‌است.

در آخرین نمازجماعتی که وی چند هفته پیش در مسجد النعمانیه برگزار کرد، مأموران امنیتی عراق به مسجد حمله بردند که این حمله با مقاومت مردم روبه‌رو شد. نمازگزاران پس از متواری کردن مأموران امنیتی عراق، دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند که حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدقاسم شبر در صف مقدم این تظاهرات حضور داشت. تظاهرکنندگان پس از این‌که وی را تا منزلش همراهی کردند، متفرق شدند، اما شب همان روز مأموران امنیتی به خانه حجت‌الاسلام شبر حمله برده و با تیراندازی و تخریب، اعضای خانواده وی را متوحش کرده و خود او را نیز دستگیر کردند. در پی دستگیری او، مردم النعمانیه و مناطق مجاور آن طی تظاهراتی خواستار آزادی وی شدند. ایشان در بازداشت تحت شکنجه قرارگرفت و بالاخره شربت شهادت نوشید.

از سوی دیگر، "سازمان" امت اسلامی عراق "با انتشار اطلاعیه‌ای تشکیل مراسم بزرگداشت شهدای جنبش اسلامی عراق را اعلام داشت. در این اطلاعیه آمده است: «جنبش اسلامی مردم عراق هر روز با خون شهیدّ تازه‌ای آبیاری می‌شود و با دادن هر شهید، قدمی در راه پیروزی بر می‌دارد. سازمان امت اسلامی برای بزرگ‌داشت برادران شهید عراقی خودکه در زیر شکنجه و بر اثر درگیری با عمال رژیم خون‌خوار بعث عراق در چند روز گذشته شهید شدند، مراسم بزرگداشتی در "مسجد ارک" برگزار می‌کند.

سازمان یادشده در اطلاعیه خود از کلیه طبقات مردم دعوت کرد که برای بزرگداشت یاد شهیدان در این مراسم شرکت کرده و با حضور خود پشتیبانی خود را از مبارزات حق‌طلبانه ملت مسلمان عراق در برابر رژیم دیکتاتور و سفاک حزب بعث اعلام کنند.[۸]

روزنامه انقلاب‌اسلامی نیز خبرداد: «یک گروه ۳۱ نفری دیگر از علما و روحانیون از طریق مرز خسروی وارد خاک ایران شدند. گفته می‌شود در میان این گروه فرزند حضرت آیت‌الله شیرازی نیز دیده شده‌است. از چندی پیش عمال حکومت بعث عراق مشکلاتی برای روحانیون

حوزه‌های علمیه این کشور پدید آورده و آنان را بویژه ایرانیان را به‌ترک خاک عراق مجبور می‌کنند.[۹]

۷۰۹
دایره اطلاعات ژاندارمری کل کشور، رکن دوم، در گزارشی به وزارت کشور با موضوع اخبار برون‌مرزی نوشت: در مورخ ۵۸/۴/۱۴ در نزدیکی "خالوه" پنج کیلومتری دربندیخان، بین افراد پیش‌مرگه جلال طالبانی با افراد ارتش عراق برخورد پیش‌آمد که پس از چند ساعت زدوخورد، حدود پنج نفر از افراد ارتش عراق اعم از سرباز، درجه‌دار، افسر کشته‌شده و تعداد دو دستگاه خودرو نظامی به آتش کشیده‌شده و سه قبضه خمپاره‌انداز و سه دستگاه بی‌سیم و چندین قبضه اسلحه کلاشینکف توسط پیش‌مرگه‌ها به غنیمت گرفته شده، یکی از پیش‌مرگه‌ها به قتل رسیده و یک نفر دیگر نیز توسط افراد ارتش عراق دستگیر شده‌است.[۱۰]

۷۱۰
در هم آمیختگی درگیری‌های ارضی و سیاسی، تصفیه‌حساب‌های محلی و تعیین حوزه نفوذ گروه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای، حوادث مختلفی را در سراسر مناطق کردنشین ایران در پی دارد؛ از جمله روزنامه کیهان درگزارشی با عنوان "حمله وحشیانه به ایل منگور" خبرداد که این ایل در دو نوبت مورد هجوم عناصر ضدانقلابی قرار گرفته‌است. براساس این گزارش تحقیقی: ایل‌منگور یکی از ایلات مسلمان و شدیداً وفادار به‌اصل تمامیت ارضی ایران است. این ایل که یکی از دو عشیرهٔ بزرگ اطراف مهاباد می‌باشد، دارای صداقت، ایمان و سلحشوری فوق‌العاده‌ای است، از این‌رو افرادی از جوانان این ایل جهت حفاظت مرزها و پاسگاه‌ها انتخاب شده‌اند و تعداد ۳۰۰ قبضه تفنگ از طریق ژاندارمری به ایشان تحویل داده شده‌است. این جوان‌مردان که خود نیز مقداری اسلحه در اختیار داشته‌اند، به دفاع از مرزهای کشور پرداخته‌اند.

به خاطر فداکاری‌ها و ایستادگی در مقابل ضدانقلاب، ایل منگور در چند روز گذشته در دو نوبت مورد هجوم قرار گرفت: اولین حمله در تاریخ ۱۳۵۸/۴/۴ توسط عناصر ضدانقلاب تدارک دیده شد. در این حمله که در اطراف پیرانشهر صورت گرفت بیش از ۳۰۰۰ نفر حمله کردند در حالی‌که کلیه افراد مسلح ایل منگور از ۶۰۰ تن تجاوز نمی‌کرد ولی علی‌رغم زیادی مهاجمین، ایل منگور با دادن چند کشته، مهاجمین را عقب زدند و حمله را عقیم نمودند.

روز بعد مهاجمین چپ‌نما و دست‌نشانده به خاطر جبران شکست روز قبل، با به کاربردن حیله ناجوان‌مردانه‌ای موفق به وارد ساختن ضربه مهلکی به این ایل می‌گردند؛ روشی که این مهاجمین به کار بردند به شرح زیر است:

تعدادی از زنان و فرزندان خردسال ایل منگور را از اطراف به اسارت می‌گیرند و آنها را روی تانک‌ها می‌نشانند و سپس با همین تانک‌ها به سوی ایل منگور حمله‌ور می‌شوند. مبارزان ایل منگور که نمی‌توانستند با وجود زنان و کودکان خود به تانک‌ها حمله کنند، در برابر این شیوه ناجوان‌مردانه، عقب‌نشینی کرده و تعدادی کشته و ۲۳ نفر اسیر می‌گردند. پس از این مرحله،

وزیر فعلی انرژی، قبلاً در گیرودار جنگ اکتبر این مسئله را پیش کشیده بودند.

"هارولد براون" وزیر دفاع کنونی اندکی پس از انتصاب بدین سمت در سال ۱۹۷۷ برای اولین بار به برقراری یک نیروی غیرثابت برای وارد عمل شدن در نواحی نفت‌خیز خاورمیانه اشاره کرد.

دفاع از ذخایر نفت امریکا اصطلاح مبهمی است که از آن تعبیرات گوناگونی می‌توان به عمل آورد؛ خطرناک‌ترین تعبیری که می‌توان از آن کرد، حمله شوروی به مناطق نفت‌خیز می‌باشد. استراتژیست‌های غربی از روزهای نخستین جنگ سرد، در مورد این مسئله ابراز نگرانی کردند، ولی چنین حمله‌ای بسیار بعید به‌نظر می‌رسد زیرا خطر بزرگ درگیری ابرقدرتها را پیش می‌آورد. ولی اگر خطر اصلی از جانب شوروی نباشد، پس از جانب چه کشوری است؟ جواب این سؤال به نظر می‌رسد که این باشد که خطر واقعی از جانب وقایع منطقه‌ای خاورمیانه است. امکان دارد که آنگونه که "شیخ یمانی" وزیر نفت عربستان‌سعودی روز گذشته اشاره کرد فلسطینی‌ها تنگه هرمز را ببندند و سپس امکان این مسئله وجود دارد که در یکی از کشورهای تولیدکنندهٔ عمدهٔ نفت کودتا شود و از عربستان‌سعودی در ارتباط با این موضوع نام برده شده‌است.

سرانجام ممکن است که دولت‌ها تصمیم بگیرند صدور نفت را متوقف سازند؛ حال این‌که امریکایی‌ها چه عکس‌العملی از خود نشان خواهند داد، کاملا بستگی به چگونگی اوضاع خواهد داشت.

گشایش تنگه هرمز در وهلهٔ اول نیاز به نیروی دریایی دارد و احتمالا حمایت نیروی زمینی برای کنترل خشکی مجاور نیز لازم خواهد بود. از جمله احتمالات دیگری که باید برآنها تأکید کرد، پاسخ به درخواست دولت محلی است و یا حتی دخالت در جهت سرنگونی یک دولت جدید انقلابی، به عنوان مثال: دولت ایران می‌باشد که دردرجه اول به نیروی زمینی با برخورداری از نیروهای هوایی و دریایی احتیاج دارد.

ولی امریکایی‌ها نیروی لازم را در اختیار دارند و در صورت لزوم، به چه سرعتی می‌توانند این نیروها را به محل مورد نظر گسیل دارند؟ یکی از مشکلات جدی، عدم وجود پایگاه است که بتواند در اطراف خلیج‌فارس به طور دائم مستقر گردد، در حالی‌که بسیاری از دول منطقه خلیج‌فارس از حمایت امریکا در صورت احتیاج، استقبال می‌کنند، هیچ‌یک از دول به استثنای عمان مایل نیستند که نیروی نظامی امریکا در منطقه آشکارا افزایش یابد.[۲۰]

در رادیو مسکو نیز این موضوع چنین تحلیل شد: «به گزارش مجله "فورچن" وزارت دفاع امریکا برای تشکیل نیروهای ویژه در منطقه خلیج‌فارس جهت دفاع از منافع امریکا، تدارک به عمل می‌آورد. قرار است تعداد این نیروها صدوده‌هزار نفر باشد؛ لشکر چترباز شماره ۷۰۳ و لشکر هوابرد شماره ۱۰۱ ـ که در اعمال تجاوزکارانه در ویتنام شرکت کردند ـ جزو این نیروها می‌باشند، همچنین هواپیماهای نظامی و ناوهای جنگی هواپیمابر و کشتی‌های نیروبر جزو این

نیروها هستند. به گزارش روزنامه نیویورک‌تایمز در ایالات متحده امریکا تصمیماتی درباره تشدید حضور نظامی امریکا در اقیانوس هند از جمله ایجاد ناوگان پنجم امریکا در این منطقه گرفته شده‌است.»

در تفسیر رادیو مسکو تأکید شد: «کاملاً روشن است که این جریان نمی‌تواند باعث نگرانی در کشورهای منطقه خلیج‌فارس و از جمله ایران نباشد.» با وجود این، افزوده شد: «خبرهای رسیده از ایران حاکی است که گرایش به تجدیدنظر در مناسبات نابرابر و تبعیض‌آمیز با ایالات متحده امریکا تقویت می‌شود.»[۲۱]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۱۴

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۷.
۲ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.
۳ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص۷.
۴ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۱۰۴، ۱۳۵۸/۴/۱۵، ص‌ص ۱ و ۲.
۵ ـ سند شمارهٔ ۰۳۴۶۷۹، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران به نخست‌وزیری.
۶ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص۸، خبرگزاری فرانسه از بغداد.
۷ ـ خبرگزاری پارس "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۱۰۳، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص۱۷، رادیو ریاض.
۸ ـ مأخذ شماره ۳، ص۸.
۹ ـ روزنامه انقلاب‌اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص۱.
۱۰ ـ سند شماره، ۰۳۳۶۵۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامهٔ دایرهٔ اطلاعات رکن دوم ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۳، ص‌ص ۱ و ۲.
۱۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص۶.
۱۳ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۱۴، ص‌ص ۱ و ۹.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۳، ص۲.
۱۵ ـ بهرام ولدبیگی، تاریخ سیاسی و اجتماعی پاوه، اورامانات (تهران: انتشارات پیام، ۱۳۶۹) ص‌ص ۱۲۳ تا ۱۲۵.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۴، ص۱، خبرگزاری پارس.
۱۷ ـ نهضت آزادی ایران، صفحاتی از تاریخ معاصر ایران، اسناد نهضت آزادی ایران (تهران: نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲) ص‌ص۱۶۷ تا ۱۷۱.
۱۸ ـ نهضت آزادی ایران، مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان (تهران: نهضت آزادی ایران، چاپ دوم، بهار ۱۳۶۲) ص‌ص ۱۸۵ تا ۱۸۸.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۳، ص۴، خبرگزاری پارس.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۳، ص۸، رادیو لندن.
۲۱ ـ مأخذ شماره ۷، ص۱۲، رادیو مسکو.

روزشمار
جمعه
۱۵ تیر ۱۳۵۸
۱۱ شعبان ۱۳۹۹
٦ ژوئیه ۱۹۷۹

۷۱۸
به دعوت جامعه روحانیت و بازاریان اهواز صبح امروز این شهر شاهد یک راهپیمایی عظیم علیه "تحریکات عراق و اعمال منافقین و ضدانقلابیون داخلی" بود.

در این راهپیمایی که هزاران نفر شرکت داشتند، شعارهایی علیه تجاوزات مرزی اخیر عراق داده می‌شد و نیز اعمال منافقین و ضدانقلابیونی که به توطئه و نفاق در نقاط مختلف کشور به ویژه خوزستان دامن می‌زنند، محکوم گردید.

تظاهرکنندگان ابتدا در جلو مسجد آذربایجانی‌ها اجتماع کردند و سپس در حالی‌که عکس‌هایی از امام‌خمینی و دیگر آیات عظام و پلاکاردها و شعارهای پارچه‌ای با خود حمل می‌کردند، شعار می‌دادند: «رهبری خمینی اساس وحدت ماست»؛ «عرب و عجم برادرند با یکدیگر برابرند». آنها همچنین در پشتیبانی از تیمسار مدنی استاندار خوزستان و ابوالقاسم ستاریان دادستان دادسرای انقلاب اسلامی در خوزستان، شعار می‌دادند و نیز پشتیبانی کامل خود را از احکام دادگاه‌های انقلاب اعلام کردند.

راهپیمایان پس از عبور از خیابان‌های مختلف شهر، به طرف حسینیه اعظم در خیابان طالقانی رفتند و در آن‌جا پس از سخن‌رانی، قطع‌نامه‌ای در دوازده ماده قرائت گردید.

امروز به همین جهت تمام بازار اهواز تعطیل بود.(۱)

۷۱۹
رادیو لندن ضمن تفسیری به نقل از روزنامهٔ گاردین اعلام کرد: «کسی که خوزستان غنی از نفت را کنترل کند، کلید موفقیت اقتصادی ایران را در دست خواهد داشت و این مطلبی است که فعالیت‌های ایرانیان عرب‌زبان را برای به دست آوردن خودمختاری، به صورت خاصی درمی‌آورد.» رادیوی مزبور اضافه کرد: تنها نکته‌ای که دولت مرکزی و اعراب درباره آن هم‌عقیده می‌باشند آن است که هزاران قبضه اسلحه از طریق مرز عراق به طور قاچاق وارد ایران می‌شود.(۲)

در تفسیر رادیو کلن نیز گفته شد: عراق نگران است که روح انقلاب ایران در میان شیعیان این کشور نفوذ کرده و آنها را به جنبش و مخالفت با دولت وادارد. به همین جهت عراق هم برای مقابله، قبل از خطر دست به کار شده‌است. اخطار مبنی‌بر پیکارهای مکرر در بخش کردنشین و حمله هوایی به خوزستان ناشی از این بیم و هراس عراق است.(۳)

۷۲۰
دادسرای انقلاب اسلامی اهواز ضمن انتشار اطلاعیه‌ای یادآور شده‌است: با توجه به پیروزی انقلاب، احتیاج به کار بیشتر و سازندگی فرا رسیده‌است. ضمن یادآوری به کلیه خواهران و برادران خوزستانی به اطلاع می‌رساند هرگونه کم‌کاری در محل ادارات دولتی به خصوص آموزش و پرورش، فرمانداری‌ها و شهرداری‌ها و دادگستری و دادسرای انقلاب اسلامی که هر روز مورد احتیاج مردم هستند، ممنوع می‌باشد و متخلفین مجرم محسوب شده و تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.(۴)

۷۲۱
دانشگاه تبریز صحنه زد و خوردی شدید بین هواداران گروه‌های مختلف بود که تا نیمه شب ادامه داشت. به نوشته روزنامه اطلاعات، این زد و خورد در پی تشکیل جلسه سخن‌رانی دانشجویان هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق شاخه تبریز (دانشجویان پیشگام) شروع شد. در این جلسه عده‌ای از اعضا و طرف‌داران حزب کارگران سوسیالیست و سازمان چریک‌های فدایی خلق شرکت داشتند. به هنگام سخن‌رانی سخن‌گوی سازمان چریک‌های فدایی خلق، عده‌ای از دانشجویان و گروه‌های دیگر در حالی‌که تکبیر می‌گفتند در اعتراض به تشکیل جلسه وارد سالن شدند، سپس نزاع شدیدی بین دو طرف درگرفت. در این زد و خورد شمار بسیاری از دانشجویان مجروح شدند و به بیمارستان‌ها و منازلشان انتقال یافتند.(۵)

۷۲۲
در نامه امروز سازمان مجاهدین خلق به امام‌خمینی، در ترکیبی از مظلوم‌نمایی و تهدید تلویحی، چنین اظهار نگرانی گردید: "تحریکات گسترده‌ای علیه مجاهدین خلق در سراسر کشور در جریان است." در این نامه اضافه شده‌است: دشمنان خدا و خلق چنین در نظر دارند که تصفیه حساب با انقلاب ایران را در نخستین قدم از "مجاهدین خلق" آغاز کنند، برادرکشی راه بیندازند و "لبنان" دیگری بیافرینند تا دست‌آخر زمینه برای کودتایی از قبیل آنچه در بسیاری از کشورها اتفاق افتاده فراهم شود.

... بی‌تردید حضرت آیت‌الله، چنانچه خود شما نیز معتقدید، یک مجاهد واقعی راه خدا و خلق، جز بر اجر و پاداش اخروی نظر نداشته و نبایستی داشته باشد، بنا براین غرض از عرض این مطالب طرح این نکته است که آیا دولت حاضر، فعالیت سیاسی رسمی و علنی ما را در یک محیط آزاد و فارغ از اختناق می‌پذیرد و یا باید به اشکال غیررسمی از فعالیت روبیاوریم؟ و آیا انقلاب ما که شما در مقام رهبری آن قرار دارید، نمی‌خواهد هیچ تغییری در وضعیت و کیفیت

... دانشگاهی‌ها با ما برادرند، ما خدمتگزار آنها هستیم. برادران دانشگاهی، توجه کنید که شما را جدا نکنند از روحانیون. برادران روحانی، توجه کنید که شما را جدا نکنند از دانشگاهی‌ها. همین چند روز در اصفهان، در مشهد، در تهران اساس یک خلاف را دارند طرح‌ریزی می‌کنند که دانشگاه را از روحانی جدا کنند. بعضی منبری‌های نادان و بعضی دانشگاهی‌های نادان می‌خواهند این دو قشر را از هم جدا کنند.(۸)

۷۲۵
امام‌خمینی در جمع صاحبان صنایع و بازاریان تهران طی بیاناتی خواستار رعایت حقوق کارگران و پیش‌گیری از انفجار عمومی شدند. ایشان فرمودند: باید صاحبان کارخانه‌ها توجه به این داشته باشند که با کارگرها نظیر سابق عمل نکنند، با اینها برادر و دوست باشند. و تا آن حدودی که آنها می‌خواهند ـ کارگرها هم چنین نیست که خیلی بلندپرواز باشند ـ اینها یک زندگی می‌خواهند؛ آقایان کاری بکنند که یک زندگی برای اینها حاصل بشود و جلوگیری بشود از یک انفجاری که قابل کنترل نیست، عرض کردم انفجار، اگر یأس از حکومت اسلامی باشد و انفجار پیدا بشود، هیچ چیز نمی‌تواند جلویش را بگیرد به خلاف آن‌جایی که انفجار حاصل بشود و پناه به اسلام بخواهند بیاورند، آن قابل کنترل است اما اگر یک مملکتی اسلامی شد و باز بساط، همان بساط سابق باشد که لفظ، لفظ اسلامی است، عمل، عمل طاغوتی باشد و خدای نخواسته انفجار حاصل بشود، با این همه تحریکاتی که می‌بینید الان هست، توطئه‌هایی که الان هست، اگر انفجار بشود، انفجار برضد اسلام است.

... مسئله این است که اینها ببینند که در یک جمهوری اسلامی، این کارگرها ببینند که این اشخاصی که در رأس هستند و کارفرما آن‌وقت به آنها می‌گفتند اینها بنا دارند که با اینها یک جور دیگری رفتار کنند، آنچه که کمونیست‌ها یا اشخاص منحرف تبلیغ می‌کنند، این‌جور نیست، بنابراین است که با اینها یک طرز بهتری رفتار بشود، به زندگی آنها رسیدگی بشود، به احتیاجات آنها رسیدگی بشود. این معنا امروز دیگر عملی نیست که یک دسته‌ای آن بالاها باشند و همه آن چیزهایی راکه بخواهند به طور اصلی تحقق پیدا بکنند، پارک‌ها و اتومبیل‌ها و بساط؛ یک دسته هم این زاغه‌نشین‌ها باشند که اطراف تهرانند و می‌بینند آنها را، این نمی‌شود، این نه منطق اسلامی دارد، نه منطق انصافی دارد، نه صحیح است و اگر خدای نخواسته اینها صدایشان درآید، دیگر قابل خاموشی نیست؛ شماها باید یک فکری بکنید برای اینها.(۹)

۷۲۶
"هارولد براون" وزیر دفاع امریکا در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: «ما نسبت به افزایش حضور نیروهای امنیتی‌مان در منطقه خلیج‌فارس و اقیانوس هند نهایت توجه را داریم ... ما بدین نتیجه رسیده‌ایم که افزایش بیشتری در نیروهای نظامی یادشده لازم است.» وزیر دفاع امریکا تصریح کرد: آن‌جاکه پای منافع حیاتی امریکا در میان است ما به نیروهای مسلح متوسل خواهیم شد و در صورت لزوم، ما نیروهای نظامی را به سرعت حرکت خواهیم داد و وقتی که به منطقه مورد

نظر رسیدند، خواهند جنگید.

وی گفت: تعدادی از هواپیماهای ما می‌توانند طی دو یا سه روز پس از صدور دستور عزیمت، به منطقه خلیج‌فارس برسند و رزمناوهای ما می‌توانند به فاصله ده روز پس از صدور دستور، خود را به این منطقه برسانند؛ نیروهای زمینی سبک ما هم می‌توانند با سرعتی قابل ملاحظه به این منطقه اعزام شوند.

براون اضافه کرد: استقرار یک نیروی ۱۱۰ هزار نفری در منطقه خلیج‌فارس فقط یک طرح است. البته ما درباره ایجاد یک نیروی نظامی تازه، صحبت کرده‌ایم که نیروهای نظامی‌مان را به سرعت علاوه بر اروپای غربی به هر منطقه بحرانی در سراسر جهان بفرستیم.

با این‌حال "تام رستون" سخن‌گوی وزارت امور خارجه امریکا در یک مصاحبه تلویزیونی با تکذیب خبر مبنی‌بر قصد ایالات متحده به اعزام یک نیروی ۱۱۰ هزار نفری به خلیج‌فارس، بیانیه دولت امریکا را در این‌باره قرائت کرد که در آن خاطرنشان شده بود: کاملاً واضح است که ایالات متحده دارای منافعی در منطقه می‌باشد و تصمیم دارد استقلال و تمامیت کشورهای خلیج‌فارس را حفظ کند، به همین منظور دولت امریکا با این کشورها گفت‌وگوهای خود را حفظ خواهد کرد تا ثبات در این منطقه را تضمین کند.(۱۰)

منابع و مآخذ روزشمار جنگ ۱۳۵۸/۴/۱۵

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۸.
۲ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۱۰۵، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۸، رادیو لندن.
۳ ـ مأخذ شماره ۲، ص۱۱، رادیو کلن.
۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص۷.
۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۱.
۶ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران (۱) (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۳۵۸) ص‌ص ۲۱۰ و ۲۱۱.
۷ ـ مأخذ شماره ۱، ص۳.
۸ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۸ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱) ص‌ص ۴۰ تا ۴۳.
۹ ـ مأخذ شماره ۸، ص‌ص ۳۵ تا ۳۹.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱۲، خبرگزاری آسوشیتدپرس، واشنگتن.

روزشمار
شنبه
۱۶ تیر ۱۳۵۸
۱۲ شعبان ۱۳۹۹
۷ ژوئیه ۱۹۷۹

۷۲۷
...رش مطبوعات، در ادامه انفجارهای خوزستان، در ساعت ۱۳:۵۰ امروز در لوله‌های نفت ... در پنج کیلومتری سربندر(بندر ماهشهر) انفجار مهیبی رخ داد که دامنه آتش حدود ۱۰۰ متر ... شعله کشید. شدت انفجار و حرارت آتش به حدی بود که هیچ‌کس جرأت نزدیک شدن ... فاصله ۲۰۰ متری انفجار را نداشت. پس از انفجار، بلافاصله شهردار بندر امام‌خمینی واقعه را به ... اطلاع فرماندار ماهشهر و کلیه مقامات مسئول در استان رساند و کلیه



انفجار لوله‌های [illegible] در خوزستان

اتومبیل‌های آتش‌نشانی از شهرستان‌های اطراف به خصوص متخصصان آتش‌نشانی پالایشگاه آبادان به طرف بندر امام‌خمینی رفتند ولی بر اثر حرارت زیاد آتش، هیچ‌کدام از اتومبیل‌ها نتوانستند به آتش نزدیک شوند. براساس این گزارش، در حال حاضر خطوط نفت امیدیه ـ آغاجاری قطع و مقدار زیادی از تصفیه نفت پالایشگاه آبادان دچار رکود شده‌است. همچنین ارتباط شاهراه‌های اصلی خوزستان از طریق بندر امام‌خمینی(شاهپور) قطع است که پلیس‌راه با همکاری شهرداری در حال احداث جاده‌های فرعی هستند، که هرچه زودتر وسایل نقلیه بتوانند از این منطقه عبور نمایند.[۱]

در این حال، طبق گزارش تلگرافی ژاندارمری کل کشور به نخست‌وزیری، در ساعت ۳:۴۵ بامداد امروز نیز با شلیک موشک‌انداز ار.پی.جی.۷ به پاسگاه مرزی ژاندارمری به نام سعیدیه، جمعی گروهان بکان، ساختمان این پاسگاه منهدم شد؛ سپس با سلاح‌های کالیبر کوچک به پاسگاه تیراندازی شد که به گزارش هنگ ژاندارمری سوسنگرد، مأموران متقابلا تیراندازی کردند و عوامل مخرب با استفاده از تاریکی و اشجار اطراف پاسگاه، گریختند. در همین گزارش آمده‌است که بر اثر این حمله، تعدادی از پرسنل پاسگاه مجروح شدند که به بیمارستان سوسنگرد انتقال یافتند.[۲]

۷۲۸
خبرگزاری پارس گزارش داد: به دنبال مراجعه نماینده اهالی ده سیدخلف در اهواز به دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان و اعلام این‌که اکثر اهالی این روستا داوطلبانه حاضرند اسلحه‌هایی را که عوامل بعثی تحویل آنها داده‌اند، تسلیم این دادسرا نمایند و در مقابل عده‌ای دیگر به این کار حاضر نیستند، اکثریت قریب به اتفاق مردم روستای سیدخلف اسلحه‌های خود را به طور داوطلبانه تحویل دادند و پاسداران نیز آن عده را که از دادن اسلحه خودداری نمودند، خلع سلاح کردند.[۳]

۷۲۹
در جلسه کمیته برنامه‌ریزی استان خوزستان که با حضور استاندار و دیگر مسئولان اجرایی استان تشکیل گردید، تیمسار مدنی استاندار خوزستان خواستار اجرای قاطعانه خلع‌سلاح عمومی شد. وی گفت: «همگان باید تابع نظم و مقررات جاری جامعه باشند. با افرادی که بی‌نظمی به بار آورند، قاطعانه رفتار خواهد شد و ریشه بی‌نظمی را قطع خواهیم کرد. زیرا پیش‌برد جامعه بستگی به نظم و انضباط دارد و به لحاظ همین است که باید آنها که اسلحه غیرمجاز در اختیار دارند، تحویل دهند، در غیراین‌صورت با آنها قاطعانه عمل خواهد شد.» استاندار خوزستان افزود: امروز باید انقلابی کار کرد به شکلی که از حداقل امکانات حداکثر استفاده را برد، زیرا ما به مردم قول داده‌ایم که در عرض یک‌سال چهره خوزستان را عوض کنیم و این مقدور نیست مگر این‌که همه با هم خدمت صادقانه و انقلابی انجام دهیم.[۴]

خوب است لکن یک دولت متزلزل انتقالی است. نه قانون اساسی ـ که اساس هر کشوری هست ـ الان داریم و نه یک رئیس‌جمهور داریم و نه یک مجلس شورا داریم که اینها اساس یک حکومت است و همه اینها باید باشد. آن‌قدری که ما تا حالا به آن رسیدیم این است که با رأی و رفراندوم عمومی، آن رژیم از بین رفت و به جای او جمهوری اسلامی آمد؛ الان ایران به عنوان جمهوری اسلامی در دنیا شناخته شده‌است، اما جمهوری اسلامی که فقط ما به آن رأی دادیم، اما مجلس نداریم، رئیس‌جمهور نداریم، قانون اساسی نداریم، اینها را باید درست بکنیم. پس ما بین راهیم، مثل یک لشکر فاتح می‌ماند که زده و رفته و یک جایی را گرفته است، لکن معلوم [است که] اینها همه جهت داشت برای این‌که من دیدم همین کاری که عراق دارد می‌کند و همین کاری که کویت می‌کند نمی‌گذارد ما از این طرف شهر برویم، آن طرف شهر سوار طیاره بشویم و برویم، این‌قدر هم مانع شدند، گفتند از همان جاکه آمدید به همان جا برگردید. این برای این بود که همه اینها طرف‌دار بودند با آن رژیم، آن وقت آن قدرت‌های بزرگ هم همه پشت سرش بودند؛ بعضی‌ها صریح می‌گفتند مثل امریکا و انگلستان، بعضی‌ها هم صریح نمی‌گفتند، لکن بودند، برای این‌که منافع خودشان را به وجود او می‌دانستند و متأسف بودند از رفتن او.

امام در ادامه بر وحدت کلمه به عنوان رمز پیروزی یاد کردند و افزودند: آنچه که باید بکنیم این است که همین رمز را، همین دو تا کلمه را حفظ کنیم: یکی جدا نشویم از هم و الان دست‌هایی در کار است که می‌خواهند این رمز را از ما بگیرند، دست‌های زیاد، دست‌هایی که مع‌الاسف اغفال کرده‌اند دوستان ما را، نه همان دشمن‌ها، دوستان را هم اغفال کرده‌اند و دارند بذر نفاق و جدایی را در این مملکت پخش می‌کنند.

... فهمیدند آنهایی که می‌خواهند غارت کنند ما را که رمز پیروزی ما این وحدت کلمه بود و مقصد؛ یک مقصد بودن، هرکس یک طرف نمی‌کشید، همه یک چیز می‌گفتند، همه می‌گفتند: "جمهوری اسلامی"، حالایی که ما رسیده‌ایم به این‌جا، الان آنهایی که این معنا را لمس کردند که این وحدت کلمه و وحدت مقصد، همه با هم و همه با هم اسلام، این پیروز کرده ما را، می‌خواهند این را از ما بگیرند، همه را بگیرند، اسلامش را هم بگیرند؛ این دو تا کلمه‌ای که اساس پیروزی شما بود، الان شیاطین درصددند که از شما این رمز را بگیرند...

الان شما ببینید در تهران از قراری که روزنامه‌ها می‌نویسند قریب صد گروه پیدا شده‌اند، اظهار وجود کرده‌اند، گروه، گروه، ولو چیزی نیستند اینها، در مقابل ملت اینها چیزی نیستند لکن این زنگ خطر است، این زنگ خطر برای این‌که آن رمز پیروزی که اجتماع بود، از ما بگیرند. آن وقت ما گروه گروه‌ها را به هم پیوند دادیم، ملت، گروه، گروه‌ها را به هم پیوند داد، حالا در مقابل و بعد از این‌که به این حد رسیدید، دارد پیوندها از هم گسسته می‌شود و گروه گروه می‌شوند. این نیست؟ بسیارش هم اسم اسلام رویش هست، اما غفلت از این‌که حالا تکه‌تکه کردن صحیح نیست، محله محله کردن، گروه گروه کردن الان صحیح نیست. ما در یک حالی الان هستیم که باید این مراحل را طی کنیم تا بتوانیم بگوییم ما حالا پیروز شده‌ایم. آن وقت هم باید حفظش

بکنیم، همیشه باید حفظش بکنیم. اما حالا نیمه پیروزی است، نه پیروزی.[۲۰]

۷۴۰

به گزارش مطبوعات، نیروگاه‌های اتمی بوشهر و اهواز به علت پرداخت نشدن بودجه و خروج کارشناسان خارجی از کشور، تعطیل شد. مهندس تاج وزیر نیرو امروز ضمن اشاره به تعطیلی نیروگاه‌های اتمی توسط پیمانکاران، گفت: «نیروگاه‌های اتمی بوشهر و اهواز به علت عدم پرداخت به حالت تعلیق درآمده‌اند و کارشناسان خارجی این نیروگاه‌ها مدتی است که ایران را ترک کرده‌اند.» وی گفت: «هم‌اکنون مکاتباتی بین سازمان انرژی اتمی و پیمانکاران در جریان است و شورای انرژی اتمی نیز نظریات کارشناسان ایرانی را مورد بررسی قرار داده و به زودی تصمیم خود را اعلام خواهد کرد.»

مهندس سحابی سرپرست سازمان انرژی اتمی ایران به دنبال متوقف شدن کار نیروگاه‌های اتمی گفت: سازمان انرژی اتمی به ناچار تعدادی از کارشناسان و متخصصین خود را برای حفظ لوازم و طرح‌ریزی جهت نگه‌داری درازمدت این نیروگاه‌ها به محل اعزام داشت و کارشناسان اعزامی هم‌اکنون در حال مطالعه و بررسی هستند که اولاً به چه صورت می‌توان آنها را حفظ نمود و در ثانی بهترین استفاده ممکن از آنها چگونه خواهد بود.

وی افزود: «البته این نیروگاه‌ها به‌دلیل بزرگی ظرفیتشان قابل تبدیل به نیروگاه‌های برق عادی نیستند و فقط قابلیت تبدیل به نیروگاه اتمی را خواهند داشت.» سحابی در مورد تماس با پیمانکاران و کار شورای انرژی اتمی گفت: هم‌اکنون مکاتبات بین سازمان انرژی اتمی و دفتر نمایندگی این پیمانکاران در ایران در جریان است و شورای انرژی اتمی مقام مسئول و تصمیم‌گیرنده در مقابل مسائل مربوط به سازمان انرژی اتمی است و بعد از اظهارنظر گروه‌های مختلف علمی و تخصصی، مسئله توقف یا ادامه کار نیروگاه‌ها در شورای انرژی برحسب امکانات و روش‌های سیاسی و اقتصادی مملکت تصمیم‌گیری خواهد شد و برمبنای این تصمیم، با دولت‌های طرف قرارداد وارد مذاکره و تبادل‌نظر خواهد شد.

سحابی در پایان اضافه کرد: برنامه آینده سازمان انرژی اتمی ایران بر مبنای امور تحقیقاتی و اکتشافی متمرکز خواهد شد و با این برنامه و اختصاری که در کار پرسنل این سازمان به‌وجود خواهد آمد، خواه ناخواه بودجه این سازمان به مقدار زیادی کاهش خواهد یافت.[۲۱]

منابع و مآخذ روز شمار جنگ ۱۳۵۸/۴/۱۶

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص۱ و ۲.
۲ ـ سند شمارهٔ ۰۰۰۰۱۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلگرام مورخ ۱۳۵۸/۴/۱۶ ژاندارمری کل کشور به نخست‌وزیری.
۳ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۲، خبرگزاری پارس.
۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص۵.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸، خبرگزاری فرانسه به نقل از خبرگزاری عراق.
۶ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۱۰۵، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۲۰، رادیو ریاض.

ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۳، پیرانشهر

ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۱، ص۲

ـ مأخذ شماره ۳، ص۲.

ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.

۱۰ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۶.

۱۱ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اطلاعیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران (۱) (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۳۵۸) ص‌ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص۲.

ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.

ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص۱۶.

۱۶ ـ هفته‌نامه بامشاد، سال اول، شماره ۲، ۲۳ تا ۳۰ تیرماه ۱۳۵۸، ص۷.

۱۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص۲.

۱۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص۲.

۱۹ ـ دفتر نهضت آزادی ایران، مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان (تهران: انتشارات دفتر نهضت آزادی ایران، چاپ دوم، ۱۳۶۲) ص۴۶.

۲۰ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۸ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص‌ص ۵۳ ـ ۵۷.

۲۱ ـ مأخذ شماره ۱۱، ص۸.

روزشمار

یکشنبه

۱۷ تیر ۱۳۵۸

۱۳ شعبان ۱۳۹۹

۸ ژوئیه ۱۹۷۹

۷۴۱

در پی حریقی که دیروز در دو لوله نفت و گاز در ناحیه سربندر (بندر ماهشهر) ایجاد شده بود، امروز کسب اطلاع شد که هفت لوله نیز که گاز و نفت را از آغاجاری خارج می‌کنند بر اثر حرارت فوق‌العاده حریق ذوب شده‌اند. یکی از این لوله‌ها مخصوص انتقال گاز و شش لوله دیگر مخصوص انتقال نفت بوده است. گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس حاکی است که تا زمان مخابره این خبر یعنی ساعت ۸ صبح، آتش‌سوزی ادامه داشته و به گفته یک مقام آگاه، تا کنون



ادامه آتش‌سوزی در لوله‌های انتقال نفت و گاز ـ خوزستان

ذخیره گاز در لوله ذوب شده، آتش خاموش نخواهد شد. برای تسریع در مهار آتش، شیر لوله‌های نفت و گاز از آغاجاری بسته شده‌است. هم‌اکنون قسمت وسیعی از اراضی اطراف این لوله‌ها نیز بر اثر پخش مواد نفتی در حال اشتعال است.

شرکت ملی نفت ایران دربارهٔ انفجار لوله‌های نفت و گاز در آغاجاری، با انتشار اطلاعیه‌ای بدون اشاره به عاملان این حادثه اعلام کرد:

در ساعت ۲:۱۵ بعدازظهر دیروز لوله گاز آغاجاری و لوله نفت خام منطقه مذکور به آبادان - ماهشهر منفجر [شده] و ایجاد آتش‌سوزی کرده‌است. علت این انفجار هنوز معلوم نیست. از طرف مقامات مسئول پالایشگاه آبادان بی‌درنگ جریان نفت و گاز در این لوله‌ها و سایر لوله‌هایی که از کنار آنها می‌گذرد قطع و عملیات اطفاءحریق به وسیله واحد آتش‌نشانی پالایشگاه آغاز گردید و این حریق در فاصله یک ساعت تحت کنترل درآمد و هیچ صدمه جانی نداشت.

مسئولان آتش‌نشانی پالایشگاه در حال حاضر برای آن‌که مسیر لوله از وجود مواد نفتی پاک شود، طبق برنامه‌ای باقی‌ماندهٔ نفتی را که در بیابان ریخته شده، می‌سوزانند.[۱]

۷۴۲

در پی حادثه دشت‌آزادگان، روزنامه اطلاعات نوشت: در حمله به پاسگاه مرزی سعیدیه سه پاسدار انقلاب و چهار نظامی زخمی شدند و مهاجمان که از خاک عراق وارد ایران شده‌بودند پس از تیراندازی به سوی پاسگاه مرزی ایران و زخمی کردن هفت تن، گریختند.

از سوی دیگر، دادسرای انقلاب اسلامی اهواز اعلام کرد: دوازده قاچاقچی اسلحه توسط پاسداران انقلاب اسلامی در مرز ایران و عراق دستگیر شده‌اند که این گروه از طریق دشت‌آزادگان اسلحه قاچاق از عراق وارد ایران می‌کردند.[۲]

روزنامه بامداد نیز خبر داد: چهار نفر از عاملین اصلی وارد کردن اسلحه قاچاق به ایران هنگامی‌که می‌خواستند برای آوردن اسلحه از مرز ایران خارج شوند و به عراق بروند، به وسیله مأموران گشت مستقر در پاسگاه طلائیه جدید از توابع دشت‌آزادگان، در حین گشت‌زنی در سه راه شط‌علی دست‌گیر شدند.[۳]

۷۴۳

در خرمشهر شب‌هنگام عده‌ای ناشناس از روی پل فلزی خرمشهر یک بمب دست‌ساز (سه‌راهی) به طرف پایین پرتاب کردند که باعث زخمی شدن سه پاسدار شد. جراحات وارده سطحی و حال هر سه تن رضایت‌بخش اعلام شد.[۴]

از سوی دیگر، "ابوالقاسم ستاریان" دادستان دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: به کلیه کسانی که اسلحه قاچاق دارند اخطار می‌شود صرف‌نظر از این‌که داشتن اسلحه قاچاق جرم مستقلی است، چنانچه مبادرت به تظاهرات مسلحانه نمایند، تعدد جرم محسوب [می‌شود] و تحت تعقیب قرار گرفته و شدیداً مجازات خواهند شد. بدین تصریح

که تظاهرات مسلحانه از طرف هر گروه که باشد ممنوع بوده و ضمن جلوگیری از آن متخلفین مجازات خواهند شد.[۵]

۷۴۴

به‌دنبال اعلام مهاجرت ۹ تن از روحانیون خرمشهر و متعاقب آن، تلگراف آیت‌الله‌العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی‌نجفی خطاب به آنان مبنی‌بر انصراف از مهاجرت، امروز این تلگراف را روحانیون مذکور برای آیت‌الله مرعشی ارسال کردند:

از خرمشهر به قم؛ محضر مبارک حضرت مستطاب مرجع عالی‌قدر آیت‌الله‌العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی‌نجفی مدظله، قم.

پس از تقدیم سلام و تحیات، اوامر آن مرجع عالی‌قدر مبنی‌بر عدم هجرت این‌جانبان واصل و امتثال اوامر حضرت‌عالی از وظایف شرعی بدون قید و شرط بوده و می‌باشد. امیدواریم خداوند توفیق دهد که در راه به‌ثمر نهایی رسیدن انقلاب اسلامی کمافی‌السابق فداکاری نموده و در پیش‌برد اهداف مقدسه جمهوری اسلامی انجام وظیفه بنماییم.

الاحقر محمدتقی موسوی،الاحقر عبدالله‌محمدی،الاحقر سید هاشم علامه، الاحقر سیدکاظم سجادی، الاحقر سیدمحمدعلوی،الاحقرعبدالرسول‌صداقت،الحقرحسین بحرانی، الاحقر سیدمحمدتقی کرمانی، الاحقر سید مظلوم.[۶]

۷۴۵

درباره وضعیت بندر خرمشهر، طباطبایی معاون مدیر کل ادارهٔ بندر در یک گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار روزنامه کیهان گفت: «در حال حاضر بندر وضعیت سابق خود را به دست آورده است، زیرا ما توانستیم بارگیری خود را به ۹۰۰۰ تن در روز برسانیم و اجناس وارداتی را توسط کامیون از بندرخرمشهر به سایر نقاط کشور بفرستیم. در مورد تخلیه کشتی‌ها روزانه حدود شش هزار تن بار از کشتی‌ها تخلیه می‌کنیم و در حال حاضر شش کشتی برای تخلیه محصولات خود در اسکله‌ها پهلو گرفته‌اند و دو کشتی نیز در راه است.

بندر پس از ماه‌ها سکوت، تازه جان گرفته و فعالیت خود را آغاز کرده‌است و ما مشغول تنظیم برنامه برای توسعه فعالیت‌های بندرخرمشهر هستیم.» وی در مورد کالاهای موجود در محوطه بندر گفت: کالاهایی که بیش از چهار ماه در بندر بماند، پس از اخطار، به‌وسیله مأموران گمرک آن را حراج می‌کنند، ولی ما در حال حاضر آمادگی خود را برای هرگونه همکاری با بازرگانان و تجار اعلام می‌کنیم.[۷]

۷۴۶

یک سخن‌گوی حزب دمکرات کردستان عراق (قیاده موقت - بارزانی‌ها) در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی خط‌مشی حزب را در قبال دولت بعثی عراق و انقلاب اسلامی ایران اعلام کرد. وی گفت که تلاشی وسیع جهت وحدت و هم‌آهنگی تمام نیروهای ضد حزب حاکم بعث را شروع کرده است. این اتحاد متشکل از تمام کردها و عرب‌هایی که زیر فشار عمال بعثی قرار گرفته‌اند،

عواقب این انقلاب این بوده است که هر کسی خود را صدای ملت بپندارد. او گفت در این مورد حتی بین افراد دولت نیز اختلاف نظر وجود دارد. روش ایران همیشه داشتن روابط مناسب با همه کشورها به خصوص همسایگانش می‌باشد. ولی در همان روز صادق طباطبایی سخن‌گوی دولت بر خلاف روش و سیاست دولت، در مورد عراق اظهاراتی می‌کند و همین مسئله نیز در رادیو و تلویزیون به وسیله صادق قطب‌زاده مطرح و تکرار می‌شود. بودجه صدا و سیما را دولت می‌پردازد ولی عملاً هیچ کنترلی در پخش برنامه‌های آن ندارد.

انتظام گفت که بلافاصله بعد از انقلاب، دولت موقت به این نتیجه رسید که همه از امام گرفته تا کمیته‌ها و پاسداران انقلاب و دادگاه‌های انقلاب در صدر دولت موقت کار می‌کنند. نخست‌وزیر و کابینه صدها بار با خمینی تماس گرفته ولی تا دو هفته قبل که دولت موقت تصمیم به اتخاذ یک موضع قاطع گرفت، نتیجه مطلوبی حاصل نشد. او افزود که دولت موقت می‌خواهد اوضاع را سریعاً به وضع عادی بازگرداند و پیش‌بینی کرد که در عرض یک یا دو هفته سیاست و تشکیلات کلی دولت برای عموم اعلان می‌شود و این نتیجه ملاقات و توافق اخیر با رهبر انقلاب بوده‌است.

او در جواب سؤال من گفت که بازرگان مصمم است که وظیفه‌اش را به نحو احسن تا پایان (به طور موفقیت‌آمیز) انجام دهد. او بازرگان را شخص ایده‌آلی برای این کار توصیف کرد و گفت که او تنها کسی است که غیرعملی بودن برنامه‌ای که به‌وسیله عوامل مذهبی ارتجاعی پیشنهاد شده‌است را تشخیص می‌دهد، چراکه آنها می‌خواهند زمان را هزار سال به عقب برگردانند، ولی با وجود این تسلیم چپ‌گرایان نخواهند شد.

انتظام خوشبین بود که سفرش به سوئد باعث این نخواهد شد که وظیفه‌اش به عنوان کانال ارتباطی بین دولت ایران و امریکا قطع شود. او حتی گفت ارتباط ساده‌تر نیز خواهد شد، در آن‌جا بهتر از واشنگتن و تهران می‌توانیم حرف‌های خود را بزنیم. به علاوه او به طور منظم، دو ماه یک‌بار به ایران خواهد آمد. وقتی از او در مورد تعیین سفیر برای امریکا سؤال شد، گفت که ممکن است یکی دو ماه طول بکشد و خوشبین بود که خودش نامزد این مقام خواهد شد.

انتظام سپس از من جویای اطلاعاتی درباره کشورهای همسایه ایران شد و من هم نظر کلی خود را در مورد برداشت عراق از روابط با ایران (براساس مرجع D) بیان کردم.[۲۳]

۷۵۸

یونایتدپرس به نقل از خبرگزاری امارات متحده عربی اعلام کرد: «با توجه به این مسئله که امریکا در نظر دارد در خلیج فارس به مداخله نظامی متوسل شود، یک رزمناو امریکا به منظور دیدار تشریفاتی سه‌روزه وارد آب‌های ابوظبی شده‌است.» براساس این گزارش، یک ناو پاکستانی به نام "جهانگیر" نیز قرار است دیدار سه روزه‌ای از ابوظبی به عمل آورد. شیخ "زایدبن سلطان آل نهیان" حاکم امارات متحده عربی قبلاً گفته بود: اگرچه امریکا ممکن است در حمله احتمالی، یکی دو کشور عرب را به تصرف خود درآورد اما نمی‌تواند تمام جهان عرب را تسخیر کند.[۲۴]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۱۷

۱ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص۲، خبرگزاری پارس، اهواز.
۲ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص۳.
۳ - روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص۲.
۴ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص۲.
۵ - مأخذ شماره ۱، ص۷.
۶ - مأخذ شماره ۱، ص۷.
۷ - مأخذ شماره ۱، ص۵.
۸ - مأخذ شماره ۱، ص۸.
۹ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۳.
۱۰ - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص۴.
۱۱ - خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۱۰۷، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص‌ص ۲ و ۳.
۱۲ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص۳.
۱۳ - سازمان مجاهدین خلق، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران (۱) (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق، ۱۳۵۸) ص‌ص ۱۹۸ تا ۲۰۰.
۱۴ - مأخذ شماره ۲، ص۲.
۱۵ - روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص۲.
۱۶ - مأخذ شماره ۱۳، ص‌ص۲۱۷ و ۲۱۸.
۱۷ - نامه مردم، ارگان حزب توده ایران، دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۶، ۱۳۵۸/۴/۱۶، ص۶.
۱۸ - مأخذ شماره ۱، ص۴.
۱۹ - مأخذ شماره ۱، ص۷.
۲۰ - مأخذ شماره ۱، ص۷.
۲۱ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۸، (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص‌ص ۷۶-۷۷.
۲۲ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی امریکا شماره ۱۵، (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۱۳۰ و ۱۳۱.
۲۳ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی امریکا شماره ۱۰، (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۷۴ تا ۷۸.
۲۴ - مأخذ شماره ۱۲، ص۱۶، یونایتدپرس، به نقل از خبرگزاری امارات عربی، ابوظبی.

روزشمار
دوشنبه
۱۸ تیر ۱۳۵۸
۱۴ شعبان ۱۳۹۹
۹ ژوئیه ۱۹۷۹

۷۵۹
امروز به دعوت "جنبش مجاهدین خلق عرب" به مناسبت آنچه چهلمین روز درگذشت شهدای "خلق عرب" خوانده شد، تظاهرات و راهپیمایی در خرمشهر برپا گردید. در این راهپیمایی که بین ساعت ۹ تا ۱۰ صبح از خیابان چهل‌متری خرمشهر شروع شد و در صف جلو تظاهرکنندگان عکس‌های عزالدین حسینی و شبیرخاقانی دیده می‌شد و نزدیک به پنج تا شش ساعت طول کشید، جمعیتی حدود پانزده‌هزارتن در آن شرکت داشتند. در این راهپیمایی که به درخواست کانون فرهنگی خلق عرب و سازمان سیاسی خلق عرب برپا شده بود، این شعارها داده می‌شد: عرب نیست عرب نیست، هر کسی که با ما نیست در این راه؛ امروز روز آتش است، و ما جنگ می‌کنیم با اشرار؛ نه تجزیه‌طلب و نه خرابکار هستم؛ ایران خانه و میهن من است؛ ما عرب هستیم، خلق کرد پشتیبان ماست؛ نیروی ما در اتحاد ماست؛ برای خاقانی و عزالدین حسینی متحد می‌شویم؛ کرد و عرب متفق می‌شود، همه ما فدایی هستیم؛ جنگ ادامه دارد، خون با خون پاک می‌شود؛ عرب زندگی می‌کنیم در سرزمین عربستان و می‌میریم در سرزمین عربستان؛ زنده باد خلق‌های کشورمان: کرد، ترک، بلوچ، ترکمن و عرب؛ پیروز باد خلق کرد در کردستان و خلق عرب در عربستان؛ ما خواستار محاکمه مدنی هستیم؛ درود بر آیت‌الله شبیرخاقانی؛ ما خواهان حقوق مشروع خود هستیم؛ چهل روز از شهادت عزیزانمان می‌گذرد، چرا عاملین را محاکمه نمی‌کنید؛ کیهان، اطلاعات و بامداد حقایق را بنویسید و ترس و واهمه نداشته باشید؛ ما برای حقیقت جنگیدیم و مبارزه کردیم؛ مردم پشتوانه حقیقت هستند؛ مرگ بر مدنی، زنده باد جوانان عرب در همه جا؛ زندانی خلق عرب آزاد باید گردد.(۱)

در پایان راهپیمایی قطع‌نامه‌ای خوانده شد که متن آن بدین ترتیب است:

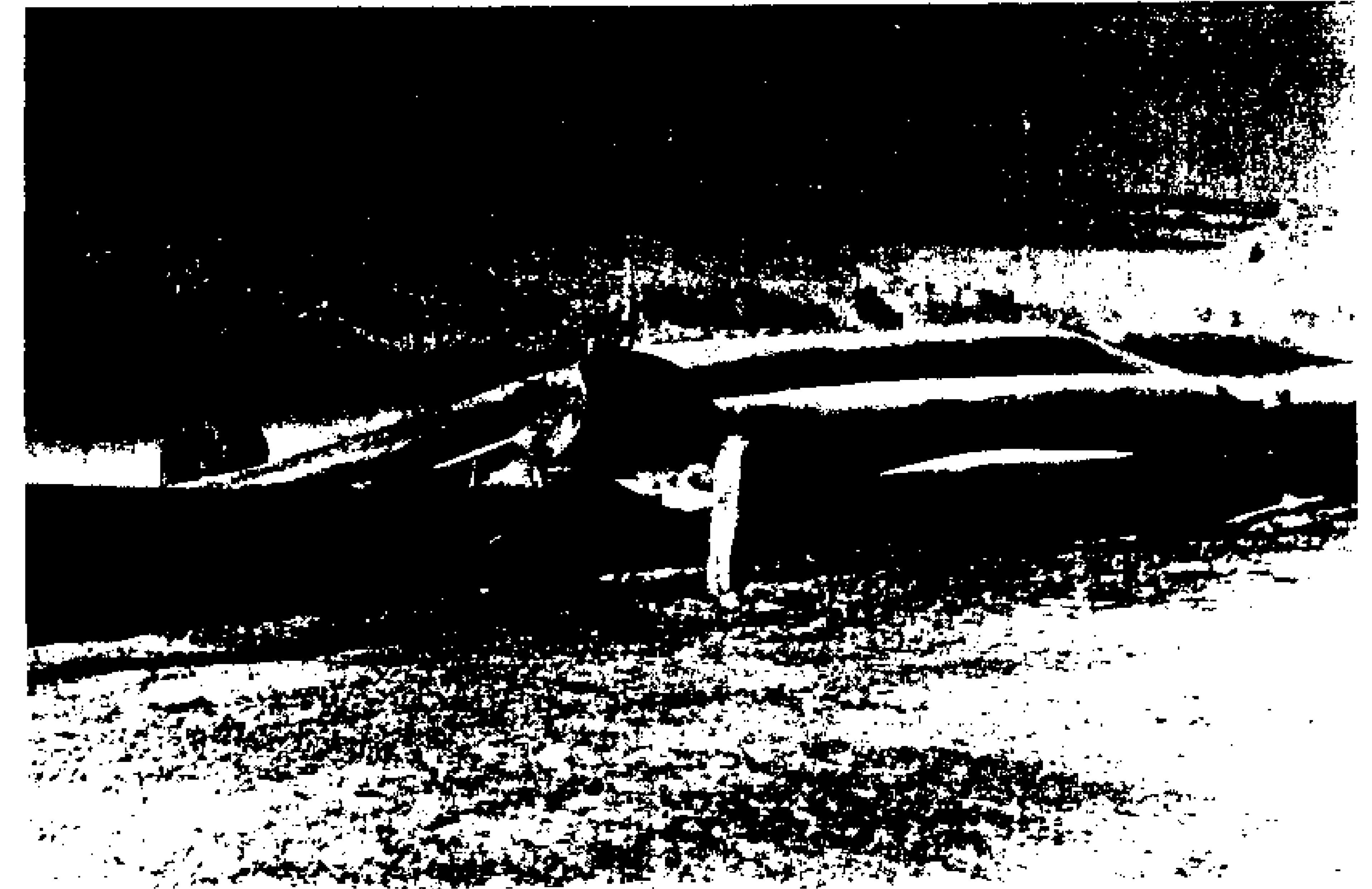
۱ ـ ما ملت مسلمان پشتیبانی کامل خود را از حضرت آیت‌الله شبیرخاقانی اعلام کرده و آماده هرگونه جان‌فشانی می‌باشیم. ۲ ـ ما از دولت اسلامی مصراً معرفی و مجازات مسببین حمله به منزل آیت‌الله شبیر را خواستاریم. ۳ ـ از دولت اسلامی مصراً محاکمه و مجازات

مسببین قتل مسلمانان عرب را خواستاریم. ۴ ـ آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی از جمله زندانیان خلق عرب که در رأس آن روحانی محترم حجت‌الاسلام "سید شعاع" را از دولت خواستاریم. ۵ ـ قانون اساسی اگر ضامن حقوق ملیت‌های کرد، عرب، بلوچ، لر و ترکمن در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران نباشد، مورد تأیید ما نخواهد بود. ۶ ـ هرگونه سانسور در رادیو و تلویزیون و مطبوعات را محکوم کرده و از دولت افشاگری حقایق خرمشهر را خواستاریم. ۷ ـ ما خلق مسلمان عرب تجزیه‌طلبی را محکوم و به شدت سرکوب می‌کنیم. ۸ ـ ما خلق مسلمان عرب هرگونه شایعات را که از رسانه‌های گروهی و افراد معلوم‌الحال پخش گردد، محکوم می‌کنیم. ۹ ـ ما از دولت خواستاریم که نسبت به خواسته‌های قومیت‌ها توجه کامل نماید و در غیراین‌صورت، دولت خود مسئول عواقب ناگوار خواهد بود. ۱۰ـ هرگونه قطع‌نامه‌ای که از طرف گروه‌ها به خلق مسلمان عرب نسبت داده شود، از ما نبوده و نیست.(۲)

این راهپیمایی در واقع بخشی از تحرکات سیاسی عناصر موسوم به خلق عرب است که مجدداً به نحو روزافزون به تظاهرات مسلحانه و طرح شعارهایی چون "خودمختاری برای عربستان و دمکراسی برای ایران" اقدام می‌کنند.

رادیو لندن در این‌باره گفت: «تظاهرکنندگان در این راهپیمایی برخلاف سایر تظاهرات در ایران که بخاطر تولد امام دوازدهم شیعیان برگزار شد، با خود پرچم‌های سیاه حمل کردند و شعار دادند و خواستار برکناری دریادار مدنی استاندار خوزستان شدند. اعراب خوزستان احمد مدنی را مسئول برخوردهای ماه گذشته که طی آن عده‌ای کشته شدند، می‌دانند.» این رادیو اضافه کرد: «اعلامیه‌های گروه چهارشنبه سیاه در جریان راهپیمایی پخش شد.» رادیو لندن با اشاره به انفجار لوله‌های نفت در خوزستان، گفت: دولت مهندس مهدی بازرگان با یک موضوع امنیتی دیگری روبه‌رو شده‌است و آن پخش اعلامیه‌هایی از سوی یک گروه ناشناخته و زیرزمینی جدید است.(۳)

۷۶۰
پس از دو روز که از انفجار خطوط لوله نفت و گاز "امیدیه به آبادان" در پنج کیلومتری سربندر در بندر امام‌خمینی (بندر شاپور) می‌گذرد، هنوز آتش به کلی مهار نشده و شعله‌های آن از چند کیلومتری بندر امام دیده می‌شود. گروه‌های آتش‌نشانی که از پالایشگاه آبادان به محل اعزام شده‌اند همچنان آتش را در محاصره گرفته‌اند و منتظر هستند که بقایای نفت و گاز به‌طور کلی از لوله‌ها خارج شود تا برای مهارکردن آتش اقدام نمایند. شیر خطوط لوله‌ها راکه نفت را از امیدیه و آغاجاری به پالایشگاه آبادان می‌رساند، بلافاصله مسئولان شرکت نفت بسته‌اند ولی هنوز مقداری نفت و گاز در لوله‌ها جریان دارد و تا زمانی که نفت و گاز در لوله‌ها وجود دارد، مرمت آنها امکان‌پذیر نیست. در ضمن پل اصلی جاده آبادان و بندر امام که برای استفاده لوله‌ها بود، کاملاً از بین رفته و رفت و آمد وسایل نقلیه‌ای راکه قصد عبور از این منطقه را دارند، دچار رکود ساخته و وسایط نقلیه مجبورند از جاده‌های خاکی اطراف خود را به سربندر برسانند. از



تخریب لوله‌های انتقال نفت و گاز

... ی خوزستان کمک خواسته شد که اداره استان یک جاده موقت به سربندر احداث نماید. مسئولان استانداری نیز گروهی متخصص راه‌سازی اداره راه و ترابری را جهت احداث راه ... به بندر امام‌خمینی فرستادند. مسئولان امر تا این ساعت علت اصلی حادثه را اعلام ... کارشناسان گفته‌اند تا آتش به‌طور کلی مهار نشود، نمی‌توان در مورد وقوع حادثه ... اظهار دقیق کرد.

خبری گزارش درباره حادثه آتش‌سوزی حاکی است که حداکثر تا پایان هفته جاری کار ... لوله‌های انتقال گاز و نفت به پالایشگاه آبادان انجام خواهد شد. طبق اطلاع، تولید روزانه پالایشگاه آبادان از ۵۵۰ هزار بشکه به ۱۰۰ هزار بشکه کاهش یافته و علت آن قطع دو لوله انتقال ... است که در نتیجه، سوخت پالایشگاه به حداقل تقلیل یافته‌است. البته مواد نفتی ... در انبارهای پالایشگاه موجود است که فعلاً از آنها بهره‌برداری می‌شود. ضمناً تعداد ... ذوب‌شده جمعاً هشت لوله می‌باشد و محل حادثه در هفتاد کیلومتری پالایشگاه آبادان ... همچنین دو پایه انتقال نیروی برق هم در این حادثه به کلی ذوب شده و از بین رفته‌است که ... مرمت دو پایه مزبور، حداقل یک هفته به‌طول خواهد انجامید. لوله‌های ذوب‌شده عبارت ... از دو لوله انتقال گاز و سه لوله انتقال نفت خام از مناطق به پالایشگاه و نیز سه لوله انتقال ... فرآورده‌های نفتی که طبق اعلام مقامات ذی‌ربط، ترمیم کلیه آنها به‌زودی انجام می‌شود.[۳۰]



به‌آتش کشیده‌شدن کشتی‌های تجاری در بندر خرمشهر.

در این حال طی یک اطلاعیه، گروهی با عنوان "گروه چریکی چهارشنبه سیاه" مسئولیت انفجارات و حملات مسلحانه اخیر از جمله انفجار لوله‌های نفت و گاز، انهدام یک تانک، انهدام پاسگاه دربند، انهدام انبار مخابرات خرمشهر و سازمان آب و برق آبادان و حمله به نیروگاه اهواز را به عهده گرفت. به گزارش خبرگزاری پارس، گروه مزبور اعلام کرد: «تا برکناری مدنی فاشیست نژادپرست و بی‌دین و محاکمه او و ایادیانش مانند علوی فرماندار، حجازی رییس شهربانی و خوشنام مسئول پایگاه دریایی در خرمشهر، این انفجارات و حملات را ادامه می‌دهیم.» "گروه چهارشنبه سیاه" اخطار کرد که چنانچه دادستان انقلاب اسلامی خوزستان زندانیان خلق عرب را آزاد نکند، اقدام به گروگان‌گیری گسترده‌ای خواهند کرد و نیز هر شخصی را که به‌عنوان نماینده خلق عرب خوزستان جهت شرکت در مجلس خبرگان منصوب شود، معدوم خواهند کرد.[۳۱] [منظور کیاوش نامزد نمایندگی مجلس خبرگان بوده‌است.][۳۲]

افزوده می‌شود که به گزارش برخی مطبوعات، گروه مزبور همچنین دو فروند کشتی تجاری را که یکی متعلق به ایران و دیگری از آن هندوستان بود، در بندر خرمشهر به آتش کشیدند که در نتیجه کشتی ایرانی با محموله خود به کلی سوخت و کشتی هندی نیمه‌سوخته باقی ماند.[۳۳]

۷۶۱
هیئتی به سرپرستی آیت‌الله‌جنتی و آیت‌الله کرمانی به دستور امام‌خمینی وارد سنندج شد و با روحانیون این شهر دیدار و مذاکره کرد. مفتی‌زاده در تماسی تلفنی با اطلاعات در مورد جزئیات

نمی‌کنیم چراکه اطلاعات ما در مورد او خیلی کم است. ترجیحاً ما می‌توانیم از پیشنهاد امیرانتظام در مورد ارتباط با "یزدی" استفاده کنیم، چراکه او نیز مانند انتظام در مورد روابط ایران و عراق نگران است و همچنین او کسی است که می‌تواند برای توسعه روابط مطمئن مفید واقع شود. همچنین ادامه تماس با انتظام درباره این موضوع خالی از فایده نخواهد بود، چراکه ما معتقدیم که علاقه و درگیری‌اش نسبت به امور داخلی همچنان قوی خواهد بود.

با گفتن تمام این مطالب، من تشخیص می‌دهم که منافع وسیع‌تری مطرح است، همچنین منافع ما در عراق. با وجود این به‌نظر من ما می‌توانیم منافع خود را در این‌جا تضمین کنیم و در عین حال در مورد عراق نیز در این مورد خاص ضرر نخواهیم کرد.

اما در مورد اطلاعاتی که ما مبادله می‌کنیم می‌تواند از نوع ارزیابی‌های ۲۱ ژوئن ۱۹۶۲ (خردادماه ۱۳۴۱) بغداد باشد، البته باید به‌صورتی که لازم است، سانسور بشود. ولی اطلاعات در مورد نقل و انتقالات نیروهای عراق و توانایی آنها، از حساسیت بیشتری برخوردار است ولی در این مورد نیز ممکن است مواردی وجود داشته باشد که منافع ما در تبادل آنها باشد.[۱۳]

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۱۸

۱ ـ رزمندگان آزادی طبقه کارگر، گزارشی از اوضاع اقتصادی و سیاسی، فرهنگی خلق عرب ایران (بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا) ص‌ص ۶۹ و ۷۰.

۲ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۱۰۸، ۱۳۵۸/۴/۱۹، ص‌ص ۱ و ۲.

۳ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص۳، رادیو لندن.

۴ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص۱۶.

۵ ـ مأخذ شماره ۲، ص۱.

۶ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص۷.

۷ ـ هفته‌نامه بامشاد (سال اول، شماره ۲، ۲۳ تا ۳۰ تیرماه ۱۳۵۸، ص۱۱)

۸ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص۳.

۹ ـ مأخذ شماره ۸، ص۱۴.

۱۰ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۸، ص۲.

۱۱ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۸، (تهران:وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص‌ص ۹۱-۹۳.

۱۲ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

۱۳ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۰، (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۷۹ تا ۸۱.

روزشمار

سه‌شنبه

۱۹ تیر ۱۳۵۸

۱۵ شعبان ۱۳۹۹

۱۰ ژوئیه ۱۹۷۹

۷۶۷

گروهی ناشناس مقارن ساعت یک بامداد در خرمشهر به سوی مأموران شهربانی مستقر در زیر پل و پایگاه نیروی دریایی آتش گشودند. همچنین پاسگاه مرزی خرمشهر و پاسگاه مرزی شلمچه هدف حملات مسلحانه قرار گرفت. گروه‌های ناشناس دیگری از درون اتومبیل و برخی به طور پیاده در تاریکی شب به سوی مأموران انتظامی و پاسداران آتش گشودند.[۱]

بعدازظهر امروز نیز یک گروه ناشناس به سوی باشگاه شهربانی اهواز مواد منفجره پرتاب کرد که در نتیجه، انفجار قسمتی از ناحیه "امانیه" اهواز را به لرزه درآورد و موجب وحشت اهالی گردید. صدای مهیب انفجار باعث شد ساکنان امانیه از خانه‌های خود بیرون بریزند و در اطراف باشگاه شهربانی اجتماع کنند.[۲]

شب‌هنگام نیز وقوع انفجاری در دو کیلومتری خرمشهر، قسمتی از خط آهن خرمشهر ـ اهواز را منهدم کرد. آقای شاهرخ رئیس راه‌آهن خرمشهر در این باره گفت: بعد از اطلاع از وقوع حادثه بلافاصله مأموران به محل فرستاده شدند و ترمیم خط‌آهن آغاز شد و قسمت آسیب‌دیده خط‌آهن به کلی ترمیم گردید.[۳]

۷۶۸

"ایل زرزا" یکی از ایل‌های کُرد آذربایجان‌غربی به محاصره شش تا ده هزار نفر از افراد مسلح حزب دمکرات کردستان درآمد. حزب دمکرات با گروگان‌گیری رئیس ایل و تهدید به کشتار دسته‌جمعی، آنان را وادار به تحویل سلاح‌هایی کرد که ژاندارمری کل کشور به منظور حفظ مرزها در اختیار آنان قرار داده بود. فرمانده ژاندارمری کل کشور در این باره گفت: در پی تصویب دولت دایر بر استخدام جوان‌مرد به منظور پاسداری از مرزهای کشور، ژاندارمری اقدام به این کار کرده و تعدادی از افراد محلی را به استخدام درآورده‌است. این عمل بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه رابطه سازمانی و حزبی صورت گرفته‌است و چنان که بعداً معلوم شد در بیشتر نقاط مانند سردشت اکثریت افرادی که به استخدام در آمده‌اند، از حزب دمکرات بوده‌اند و بسیار تعجب‌آور

داخلی اقتصادی احتمالاً بر کشاورزی و بخش‌های روستایی و کوشش‌های متمرکز برای انتقال دادن عناصر بی‌کار شهری به مناطق روستایی و افزایش تولیدات کشاورزی ایران و کاهش واردات هنگفت مواد غذایی تأکید خواهد داشت. و اما این‌که این هدف‌ها چگونه تحقق خواهد یافت، هنوز روشن نیست.

مسائل و نگرانی‌ها:

مسئله اول: ایرانیان عدم اعتماد وسیعی نسبت به دولت ایالات متحده دارند. این سوءظن حاکم است که ایالات متحده به نحو فعالی می‌کوشد هدف‌های انقلاب را خنثی کرده و از لحاظ سیاسی و اقتصادی در امور داخلی ایران مداخله کند. رسانه‌های امریکا نیز با رفتار فاقد علاقه نسبت به ایران، به این برداشت ایران مبنی‌بر این‌که امریکا خیرخواه ایران نیست، کمک می‌کنند. برای ایرانیان پشتیبانی درازمدت امریکا از شاه، ایالات متحده را در یک نقش مداخله‌گر جلوه‌گر ساخته است که اقدامات عرفی آن کذب اصولی است که آن‌را تبلیغ می‌کند و مانع آن اعتبار اخلاقی می‌شود که درباره انقلاب ایران قضاوت کند.

مسئله دوم: از نظر بسیاری از ایرانیان و به ویژه رهبران مذهبی، "ماتریالیسم" و "انحطاط" غرب از جمله جامعه و فرهنگ و افکار و ارزش‌های امریکا، مردود است و به ویژه از لحاظ پشتیبانی ایالات متحده از شاه، سیاست حقوق بشر امریکا در معرض سوءظن قرار گرفته است.

مسئله سوم: دولت موقت ایران نسبت به سیاست‌ها و اولویت‌های اقتصادی شاه که بر عمران صنعتی شهری و کالاهای مصْرفی و خرید اسلحه و سرمایه‌گذاری بیگانه و کارشناسان بیگانه تأکید داشت، نظر انتقادی دارد.

ایالات متحده به عنوان یک فراهم‌کنندهٔ بزرگ در این بخش‌ها، در کوشش برای عادی کردن مناسبات اقتصادی و بازرگانی خود و ایران دچار دشواری‌های جدی خواهد شد. نقش شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌گذاری بیگانه در عمران اگر در گذشته اندکی مغشوش بود، در نتیجه ارتباط نزدیک آن با افراط‌کاری‌های اقتصادی رژیم شاه وضع مشئوم بیشتری خواهد داشت، مبارزه‌طلبی‌های ایران در مورد قیمت‌های نفت و خودداری از شناسایی اثرات قیمت‌گذاری نفت در یک ساخت اقتصادی جهانی وابسته به یکدیگر، جزء مسائل جدی برای ایالات متحده است.

مسئله چهارم: در حالی‌که امروز نگرانی‌های داخلی بر مسائل خارجی می‌چربد، مواضع اعلام شده و مورد انتظار دولت موقت ایران روابط متشنج امریکا و ایران را باز هم وخیم‌تر خواهد کرد، به ویژه ایران منعکس‌کنندهٔ احساس مخالفت شدید نسبت به اسرائیل و کوشش‌های ایالات متحده در خاورمیانه (که به نفع اسراییل تلقی می‌شود) خواهد داشت. دولت موقت ایران از سازمان آزادی‌بخش فلسطین پشتیبانی خواهد کرد و پشتیبانی سنتی خود را از کشورهای میانه‌رو عرب جدا کرده است. رژیم ایران انتظار می‌رود از سیاست‌های کشورهای کم‌رشد رایکال در تریبون‌های تبلیغاتی بین‌المللی اقتصادی و سیاسی از جمله شرکت در نهضت کشورهای

غیرمتعهد پشتیبانی کند.

نقشه‌های برنامه‌ای:

اولویت اول مسئله: ایالات متحده و انقلاب ایران

(۱) ایالات متحده درپی مناسبات توأم با همکاری و صریح با ایران است. ایالات متحده در هیچ اقدامی که باعث برهم زدن امور داخلی ایران شده و یا جنبهٔ مداخله در آن داشته باشد، شرکت نخواهد کرد.

(۲) ایالات متحده میل عمیق اکثریت مردم ایران را برای دگرگونی به‌رسمیت می‌شناسد. ما که خودمان از یک انقلاب برخاسته‌ایم با آنهایی که در راه یک جامعه عادلانه‌تر و منصفانه‌تر می‌کوشند، احساس همدردی می‌کنیم.

(۳) سیاست‌های حقوق بشر ایالات متحده بافت اساسی جامعه امریکا و هسته مرکزی انتقادات ما را منعکس می‌کند. تعهد و پای‌بندی ما نسبت به حقوق بشر دارای اهمیت فوق‌العاده است و باید بر ملاحظات سیاسی کوتاه‌مدت فائق باشد، حتی این خطر وجود دارد که در این مورد ایالات متحده در معرض اتهام مداخله‌جویی قرار گیرد.

(۴) پوشش رسانه‌های امریکا نسبت به حوادث ایران جهت‌گیری خبری داشته‌اند و نه تحلیل‌گری و بالنتیجه در ایالات متحده چهره‌ای که کمتر جنبه مثبت داشته باشد از انقلاب ایران ساخته شده‌است و مع‌ذالک رسانه‌های امریکا کوشیده‌اند هر چه بیشتر به واقعیات آن‌طوری که آنها این واقعیات را می‌بینند، متوسل شوند و حوادث را با دیدی عینی‌گزارش دهند.

(۵) دربارهٔ انقلاب ایران در ایالات متحده همدردی وسیعی وجود داشته است و این همدردی هنوز هم وجود دارد ولیکن یک چنین همدردی، هم در ایالات متحده و هم از لحاظ بین‌المللی در نتیجه ادامه محاکمات سری و اعدام‌ها رو به فرسایش است.(۹)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۱۹

۱ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص۷.
۲ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص۲.
۳ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص۲.
۴ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲۰، ص۳.
۵ - سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه‌اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی مجاهدین خلق ایران (۲) (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق، بهار ۱۳۵۹) ص‌ص ۲۵ تا ۲۷.
۶ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۰، ص۸.
۷ - مأخذ شماره ۶، ص۱.
۸ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۰ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۸۲-۸۳.
۹ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی امریکا، جلد ۱۵ (تهران: نشر لانه، بی‌تا) ص‌ص ۱۳۵-۱۴۶.

روزشمار

چهارشنبه

۲۰ تیر ۱۳۵۸

۱۶ شعبان ۱۳۹۹

۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹

۷۷۴

در ادامهٔ تحرکات خشونت‌بار در خوزستان که همزمان با تحرکات سیاسی از نوع تظاهرات و پخش بیانیه صورت می‌گیرد، در ساعت ۱۲ شب یکی دیگر از لوله‌های نفت، ویژه حمل نفت خام از اهواز به پالایشگاه‌آبادان، منفجر شد. این انفجار در ۳۰ کیلومتری دارخوین روی داد.(۱)

به گزارش روزنامه اطلاعات، گروه‌های ناشناس حملات متعددی به مراکز مختلف در شهر خرمشهر و حومه آن انجام داده‌اند؛ از جمله محله‌هایی که مورد تهاجم بودند و سراسر شب صدای تیراندازی و انفجارهای پی‌در پی در آن‌جا قطع نشد، منطقه "فعلیه" بود. عده‌ای مسلح به شهربانی خرمشهر حمله کردند و مدتی از دو ناحیه، ساختمان شهربانی را زیر آتش گلوله گرفتند. حمله مهاجمان با تیراندازی متقابل افراد پلیس دفع شد و آنها عقب‌نشینی کردند.(۲)

در همین حال، ژاندارمری کل کشور در تلفنگرامی به نخست‌وزیر اعلام کرد: «برابر گزارش واصله از سپاه پاسداران انقلاب مأمور به جزیره مینو، در شب گذشته بین آنها و عناصر خرابکار درگیری شده که منجر به شهادت یک پاسدار و زخمی و کشته شدن یک نفر از ضدانقلابیون گردیده‌است.» دراین تلفنگرام اضافه شده‌است: چون جزیره مینو یکی از کانون‌های ضدانقلاب و جمع خرابکاران و عناصری که از عراق اسلحه وارد می‌کنند، می‌باشد، لذا به ناحیه ژاندارمری خوزستان و هنگ آبادان دستور داده‌شد فوراً با تهیه طرح و استفاده از پرسنل هنگ آبادان و پاسداران انقلاب و افراد ورزیده تیپ نوهد و داشتن نفربر زرهی و سلاح‌های سنگین از قبیل آر. پی. جی.۷ و مسلسل سنگین، جزیره را با اشغال نقاط حساس و کاوش کلیه اماکن به منظور جمع‌آوری سلاح و دستگیری خرابکاران، به‌طور کامل پاکسازی نمایند.(۳)

در خصوص چگونگی وقوع درگیری در جزیره مینو، روزنامه بامداد نوشت: ساعت ۲:۳۰ بامداد هنگامی که یک قایق از سمت عراق وارد آب‌های ایران شد در نزدیکی جزیره مینو با کشتی‌های ایران برخورد کرد و چون سرنشینان آن به ایست مأموران توجهی نکردند و قصد فرار داشتند، بین آنان زدوخوردی روی داد که در نتیجه یکی از سرنشینان قایق مورد اصابت گلوله قرار

گرفت و به رودخانه افتاد و سرنشینان قایق عراقی بدون توجه به مجروح شدن وی، متواری شدند.(۴)

در بازتاب این خبر، رادیو کلن با اعلام این‌که در استان خوزستان ایران ظاهراً تشنج اوضاع منطقه در حال افزایش است، گفت: «در جریان حادثه‌ای در نزدیکی جزیره مینو در خلیج‌فارس در اثر تیراندازی پاسداران انقلاب به یک قایق که قصد داشت از آب‌های عراق به‌طور قاچاق اسلحه وارد ایران کند، دو نفر کشته و یک نفر مجروح شدند.» این رادیو به‌نقل از فرماندار خرمشهر خبر داد که افراد مذکور قصد داشتند سکوهای [قبضه] مخصوص پرتاب موشک (آر.پی.جی.۷) ساخت اتحاد جماهیر شوروی را وارد استان خوزستان ایران کنند.(۵)

۷۷۵

دادگاه انقلاب اسلامی اهواز، امروز پس از رسیدگی به پروندهٔ سه قاچاقچی اسلحه و عامل دایر کردن مراکز فساد، قمارخانه و خرید و فروش مواد مخدر، هر سه نفر آنها را مفسدفی‌الارض و محارب با خدا و نایب امام شناخته و به اعدام محکوم کرد. احکام صادره درباره محکومان با قرار دادن آنها در برابر جوخهٔ آتش، اجرا شد.

براساس مفاد کیفرخواست، این سه تن منوچهر شفیعی، حسین طاهری و صفر مظفرزاده‌قاجاری معروف به "صفر طوطی" روز پنج‌شنبه گذشته به سوی عده‌ای از مردم آبادان که علیه فساد به تظاهرات و راهپیمایی پرداخته بودند، تیراندازی کردند. در این حادثه یکی از پاسداران انقلاب به‌نام محمدرضا به‌ضرب گلوله به شهادت رسید که پیکر او با حضور ده‌ها هزار تن از مردم آبادان با جلال و شکوه خاصی تشییع و به‌خاک سپرده شد. مهاجمان را ـ که از قاچاقچیان معروف اسلحه و از دایرکنندگان مراکز فساد و قمارخانه در آبادان بودند ـ مأموران انتظامی و پاسداران انقلاب دست‌گیر کردند و پس از بازجویی‌های مقدماتی، به دادسرای انقلاب اسلامی اهواز تحویل دادند و پرونده آنها پس از تکمیل با صدور کیفرخواست، بلافاصله به دادگاه انقلاب اسلامی احاله شد. متهمان در برابر کیفرخواست صادره به دفاع از خود پرداختند و منکر اتهامات وارده و قتل پاسدار شهید شدند، اما دادگاه با توجه به شهادت شاهدان حادثه و اقرار صریح متهمان در مراحل اولیه تحقیق، به شور پرداخت و هر سه را مستوجب اعدام دانست و حکم صادره چند دقیقه بعد درباره آنها اجرا شد.

به نوشتهٔ کیهان، نکته قابل توجه در محاکمه این سه تن، سرعت‌عمل مقام‌های مسئول بود؛ بدین ترتیب که آنها روز پنج‌شنبه دست‌گیر و ۲۴ ساعت بعد در یک محاکمه انقلابی محکوم و اعدام شدند.(۶)

۷۷۶

امروز در مطبوعات اعلام شد که در پی فرمان امام‌خمینی رهبرانقلاب اسلامی ایران و مهدی هادوی دادستان کل انقلاب، ۳۵ تن از دست‌گیرشدگان در دو روز اخیر از دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان در اهواز، آزاد شدند. از سوی دیگر، دادستان انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر

طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: نظر به این‌که حمل و نگه‌داری هر نوع اسلحه شکاری و جنگی غیرمجاز، جرم و دارای مجازات حبس جنایی می‌باشد، بنابراین، اخطار می‌شود که دارندگان این‌گونه سلاح‌ها تا آخر هفتهٔ جاری نسبت به تحویل اسلحه خود به یگان‌های انتظامی محل اقدام نمایند، در غیر این‌صورت تحت تعقیب قرار می‌گیرند.(۷)

۷۷۷
در پی انفجارات و اقدامات مسلحانه اخیر در خوزستان، دریادار مدنی استاندار، به پاسداران انقلاب برای مقابله با هر نوع خرابکاری دستورهایی داد و نیز از مردم درخواست همکاری کرد.

وی تأکید کرد: از این پس پاسداران انقلاب در صورت برخورد به افراد مشکوک در محل‌های حساس، از جمله تأسیسات نفت و گاز و خطوط لوله در سطح این استان، در صورتی‌که موفق به‌دستگیری آنها نشدند، موظفند با شدیدترین وجه ممکن با آنها مقابله کنند و البته این در صورتی است که با توجه به‌زمان و محل، پاسداران از تصمیم به خرابکاری فرد مشکوک مطمئن باشند.

استاندار خوزستان به‌هنگام بازدید از محل انفجار و آتش‌سوزی لوله‌های نفت و گاز در سربندر که موجب قطع جریان نفت و گاز از آغاجاری به آبادان گردید و موجب ذوب‌شدن یک پل و قطع عبور و مرور وسایط نقلیه از بندر امام‌خمینی به آبادان از جاده اصلی شد، خطاب به پاسداران دستور فوق را صادر کرد. تیمسار مدنی علاوه بر تأکید بر وظیفه اجرایی پاسداران انقلاب گفت: دشمنان انقلاب اسلامی ایران برای ایجاد سد در راه پیروزی ما سنگ‌اندازی می‌کنند و به‌همین سبب ما از همه مردم این استان درخواست همکاری بیشتر برای خنثی کردن تصمیمات شوم دشمنان را داریم.

استاندار خوزستان در همین محل که فرمانده لشکر۹۲ زرهی اهواز نیز حضور داشت در پاسخ به‌مسائل مختلف طرح‌شده و عدم صبر انقلابی درگروه‌هایی از مردم، گفت: کسانی هستند که در انقلاب سهمی نداشته‌اند اما حالا برای بهره‌گرفتن از انقلاب ادعای بیشتری می‌کنند و سهم خود را می‌خواهند.(۸)

مدنی همچنین در یک گفت‌وگوی اختصاصی با کیهان به تشریح حوادث اخیر خوزستان پرداخت؛ وی گفت: در برخی از خرابکاری‌هایی که اخیراً در خوزستان صورت گرفته است، گروهی به‌نام "چهارشنبه سیاه" مسئولیت وقایع را به‌عهده گرفته‌اند که به‌نظر من این ظاهر قضیه است و در حقیقت این عوامل همگی دشمنان ملت ایران هستند که در منطقه تحت نام "گروه چهارشنبه سیاه" علیه ملت و دولت ایران دست به خرابکاری می‌زنند. آنچه که در روزهای اخیر در زمینهٔ تخریب و ویرانگری در لوله‌های نفت و گاز و راه‌آهن صورت گرفت، به‌وسیله همین افراد است که این افراد از بیگانگان خوراک می‌گیرند؛ بیگانگان و دشمنانی که در درون مرزهای کشور و یا بیرون از مرزها علیه مردم ما دست به خرابکاری می‌زنند.

مدنی ضمن تمجید از آیت‌الله آل‌شبیرخاقانی گفت: اگر برخی از دشمنان ایران می‌خواهند خودشان را به آیت‌الله خاقانی بچسبانند و زیر نام ایشان دست به رفتاری غیرمردمی بزنند، من نمی‌توانم این امر را بپذیرم و اعتقاد دارم که ایشان به ایرانیت و انقلاب اسلامی ایران ایمان کامل دارند و عوامل ضدانقلاب نمی‌توانند زیر نام حضرت‌آیت‌الله خاقانی دست به هر نوع عمل ضدانقلابی بزنند. نه تنها آیت‌الله خاقانی بلکه همه ما حواسمان باید جمع باشد که عوامل ضدانقلاب به صور مختلف اطرافمان جمع نشوند تا به‌نام ما کاری انجام دهند و یا دکّانشان را آرایش بدهند.

در مورد قاچاق اسلحه و مهمات و آموزش خرابکاران و ورود اسلحه و پول از کرانه‌های عربی به‌سوی ایران، استاندار خوزستان گفت: «مسلم این است که در روزهای اخیر، ما سلاح‌هایی به دست آورده‌ایم که مارک عراقی دارد: در دشت‌آزادگان فردی را با چند قبضه سلاح عراقی و ۱۰۰ هزار دینار عراقی دستگیر کردیم و دوسه روز قبل نیز شخصی به‌نام عبدالرضا آل‌کثیر که در خانه‌اش اسلحه و مهمات قاچاق پیدا شد و مدارکی که کم‌وبیش نشان می‌داد با عواملی در عراق در ارتباط است، دستگیر و اعدام شد.

البته عواملی وابسته به نظام سابق نیز در ایران فعالیت‌های تخریبی دارند که در زمینهٔ توزیع اسلحه و مواد محترقه و مهمات و تقسیم پول بین پادوهای استعمار، اقدامات وسیعی به عمل می‌آورند.»

تیمسار مدنی درباره شعارهای موافق و مخالفی که در برخی از شهرهای خوزستان به‌ویژه در خرمشهر به زیان و سود او داده می‌شود، گفت: این طبیعی است که هر سیاست‌مداری که کار اجرایی دارد، الزاماً گروهی مخالف و گروهی موافقش هستند. این مسئله در همه‌جای جهان متداول است و در این منطقه هم همین‌طور است. آنهایی که با راه و روش من موافق نیستند و تعدادشان هم بسیار محدود است، علیه من شعار می‌دهند و این مسئله نمایانگر این واقعیت است که در کشور تا چه اندازه آزادی وجود دارد. البته این گروه اندک هر چه علیه من بگویند، کمترین عکس‌العملی نخواهم داشت، اما اگر رفتار آنها علیه انقلاب اسلامی ایران و کشور باشد، به‌شدت ایستادگی خواهم کرد.

استاندار خوزستان در زمینه طرح پیش‌نویس قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران و تقاضاهای مطروحه در باب حقوق قومیت‌های ایرانی، از جمله اعراب خوزستان، گفت: یکی از محسنات این قانون آن‌است که برای همه مردم ایران یعنی برادران عرب، ترک، ترکمن، کرد، فارس و بلوچ حقوق متساوی متصور است و همه مردم ایران در برابر قانون با هم برابر و برادر هستند و هیچ مزیتی بریکدیگر ندارند. در این قانون حقوق اقلیت‌های مذهبی نیز محترم شمرده شده‌است و همه با هم برابریم. و اما در زمینهٔ مشکلاتی که گفته می‌شود برادران عربمان در استان خوزستان دارند، باید گفته شود که این مشکلات هر چه باشد منحصر به برادران عرب نیست، همه مردم ایران دارای مشکلات هستند چرا که در رژیم گذشته حقوق تمامی افراد ملت ایران

پای‌مال شده‌است، در حکومت غاصب گذشته بود که حقوق مردم پای‌مال شده و اموال‌شان غارت گردید و حالا ملت ایران می‌خواهد تحت لوای حکومت جمهوری اسلامی با رهبری امام‌خمینی به همه خواسته‌های خود برسد و در این زمینه از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد.(۹)

امروز همچنین در حمایت از استاندار، هزاران نفر از جوانان و نوجوانان دزفول در یک راهپیمایی و تظاهرات آرام شرکت کردند. این عده که شعارها و پلاکاردهایی در دست داشتند، علاوه بر تیمسار مدنی، به پشتیبانی از آیت‌الله خلخالی حاکم شرع و دادستان انقلابی خوزستان نیز شعار می‌دادند.(۱۰)

۷۷۸
"حسن نزیه" رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در یک گفت‌وگوی رادیویی درباره نتیجه تحقیقات مربوط به انفجار لوله‌های نفت و گاز در خوزستان، گفت: تحقیقات ادامه دارد و مشغول تحقیق در این زمینه می‌باشیم و دستور قطعی به‌شرکت اعلام نشده‌است. وی گفت تا مدت شش روز دیگر لوله‌های منفجرشده ترمیم می‌شود و به‌کار می‌افتد.

حسن نزیه در مورد اثر این انفجار در جریان لوله‌های نفتی گفت: «این انفجارها درجریان نفت ایران به‌خارج هیچ‌گونه اثری نداشته و حتی در داخل هم همین‌طور.» وی افزود: اگر هم اثری داشته، زیاد مهم نیست برای این‌که شرکت ذخایری داشته و جبران خواهد شد.

مدیرعامل شرکت ملی نفت در مورد پاکسازی در کادر شرکت گفت: کار تصفیه در شرکت نفت از چندماه پیش تحت مطالعه بوده و الآن به نتایجی رسیده است. با مشارکت و همکاری خود نمایندگان کارکنان شرکت و در نهایت احتیاط و جمیع جوانب، عمل می‌شود و مقصود این‌است که حقی از کسی ضایع نشود و احیاناً در صنعت اختلالی ایجاد نشود وهیچ‌گونه حب و بغضی در این کار اعمال نگردد.

حسن نزیه گفت: درکار تصفیه و پاکسازی، به سوابق اشخاص و آنچه که اسناد و مدارکی که به‌دست آمده نشان می‌دهد، بر اساس کلیه سوابقی که با همت خود کارکنان صنعت نفت به‌دست آمده و به اینها با کمال دقت رسیدگی می‌شود و سعی می‌کنیم مطلقاً حقی از کسی ضایع نشود و هر آینه به نتیجه‌ای رسیدیم که افرادی باید تحت تعقیب قرار بگیرند، از طریق وزارت دادگستری فوراً اقدام خواهد شد.

حسن نزیه رئیس هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران درخواست کرده است که پاسداران نظامی بیشتری به مناطق نفت‌خیز اعزام شوند.(۱۱)

۷۷۹
در بازتاب حوادث خوزستان، رادیو لندن در گزارشی درباره این حوادث گفت: تا این لحظه حیاتی‌ترین تأسیسات نفتی ایران که نفت خام برای صادرات تولید می‌کند، صدمه‌ای ندیده است اما نگرانی عمومی از این‌است که اگر دولت برای محافظت از تأسیسات مذکور اقدامات ایمنی

بیشتری به‌عمل نیاورد، ممکن است باردیگر مورد حمله خرابکاران قرار گیرد.

رادیو لندن به نقل از وزیر دفاع ایران گفت: نیروی کافی در خوزستان است و فعلاً نیازی به تقویت نیروی موجود احساس نمی‌شود. اما نزیه مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران ظاهراً با این نظر موافق نیست. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران تلفنی با سرتیپ رحیمی فرمانده دژبان مرکز تماس گرفته و از وی برای محافظت از صنایع نفت ایران کمک خواست.

رادیو لندن افزود: سرتیپ رحیمی می‌گوید وی یک نیروی سه‌هزار نفری برای مقابله با پیش‌آمدهای اضطراری در خوزستان، به‌حال آماده‌باش دارد اما در مورد استفاده از آنها منتظر دستور دولت است. در این میان به‌موجب گزارش‌های رسیده، انفجارهای دیگری در نزدیکی خرمشهر روی داده و خساراتی به‌خطوط راه‌آهن وارد آمده‌است.

این رادیو در بخش خبری دیگری ادعا کرد: مشاوران آیت‌الله خاقانی ضمن هشداری گفتند به گمان آنها اگر دولت به خواسته‌های اعراب ایران از جمله خودمختاری محلی، پاسخ مثبت ندهد، انفجارات ادامه خواهند یافت.(۱۲)

رادیوکلن نیز خبر داد: «در استان نفت‌خیز خوزستان احمد مدنی استاندار پس از تظاهرات مجدد اعضای اقلیت عرب برای استقلال داخلی، نیروی نظامی را به حالت آماده‌باش در آورده است.» این رادیو افزود: علت برگزاری تظاهرات، پایان دوره چهل روزه عزاداری است که برای حدود چهل نفر از ایرانیان عرب‌زبان بوده که در پیکارهای خونین در خرمشهر به هلاکت رسیدند. تظاهرکنندگان از جمله خواستار آزادی بی‌قید و شرط برای تمامی زندانیان سیاسی و حقوق کامل دمکراتیک شده‌اند.(۱۳)

خبرگزاری فرانسه هم طی گزارشی اعلام کرد: گروه "چهارشنبه سیاه خلق عرب" که شیخ شبیر رهبری آن را به‌عهده دارد، مسئولیت انفجار لوله نفت و گاز و حمله به فرودگاه را به‌عهده گرفت. این خبر به‌وسیله سازمان خلق عرب خوزستان که شیخ شبیرخاقانی رهبری آن را به‌عهده دارد، داده شده است. این نخستین بار است که گروه چهارشنبه سیاه در ایران قد علم می‌کند. این گروه اعلام کرده است قصد دارد انتقام شهدای خود را بگیرد.(۱۴)

۷۸۰
در پی افشاگری‌های برخی رسانه‌های گروهی علیه حزب دمکرات، از جمله شرح پاره‌ای از عملکردها و رفتارهای حزب با مخالفان خود و طرف‌داران نظام، این حزب به یک اقدام سیاسی ـ تبلیغاتی خنثی‌کننده دست زد. حزب دمکرات به دنبال خبر صدای جمهوری اسلامی مبنی‌بر محاصره چند ایل و انحلال شورای انقلاب اشنویه به دست افراد مسلح این حزب و نیز به‌عنوان اعتراض به آنچه آن را اخبار تحریک‌آمیز و غرض‌آلود خواند، اعلام کرد که در کلیهٔ شهرهای کردستان یک اعتصاب و تظاهرات سراسری برگزار خواهد شد. در این زمینه، عبدالرحمن قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان گفت: «عواملی هستند که نمی‌خواهند بین ما، دولت و رهبری انقلاب تفاهم برقرار شود و پیوسته می‌کوشند که به این روابط لطمه وارد سازند.» وی

ی‌کند. گرچه اغلب ایرانیان تحصیل‌کرده و سیاست‌مدار، به‌طور فزاینده با انقلاب مخالفت ی‌کنند، ولی تودهٔ مردم همچنان در حمایت از خمینی مصمم هستند.

گرچه مخالفین خمینی رو به افزایش بوده و صدایشان بلندتر می‌شود، ولی هنوز هیچ روهی به‌طور موفقیت‌آمیز نتوانسته با او مقابله کند و یا در میانه‌رو کردن نظریات او تا به‌حال وفق نبوده‌اند. تا زمانی‌که او از حمایت توده‌ها برخوردار است، این آیت‌الله شکل و جهت مهوری اسلامی را همچنان تعیین خواهد کرد.(۲۶)

۷۸

زارت امورخارجه امریکا در نامه‌ای با امضای ونس وزیر خارجه آن کشور برای سفارت امریکا ر تهران با طبقه‌بندی سری و موضوع: "گزارش‌های سیاسی" نوشت:

آن‌طور که این شعبه مطلع است یک هیئت درون‌گروهی تشکیل شده (متشکل از آرون، یوسون و کارلوک) تا به‌صورت مداوم وضع بیست کشوری که در لیست کشورهای بحرانی ورد توجه قرار دارند، من‌جمله ایران را بررسی کنند.

طریقهٔ این بررسی به‌صورت مداوم می‌باشد و ما خواهان مصاحبت با هر کدام از مفارت‌خانه‌های نام‌برده در لیست هستیم. با وجود تحولات اخیر پرسنلی در تهران و اوضاع شفته و مسائل دیگر، وزارتخانه مایل است که نسخه‌ای از طرح گزارش‌های سیاسی سفارت رای جلسهٔ بعدی آرون، نیوسون و کارلوک را دریافت دارد. در این رابطه شما می‌توانید در تمام مینه‌های مربوطه که با واشنگتن مشکلاتی دارید، نظرات خود را بیان کنید. ما برای اطلاع شما، رزیابی "میزان آسیب‌پذیری" ایران را که مشترکاً توسط CIA / INR تهیه شده، تکرار می‌کنیم:

مشکلات سیاسی ایران البته فوق‌العاده زیاد هستند. ساخت قدرت مرکزیت ندارد و مرکزیت بین کمیته‌های انقلاب و دولت موقت تقسیم شده. گروه‌های چپی ـ که قویاً مسلح هستند ـ و طبقه متوسط غیرروحانی، از لحاظ ایدئولوژیک با جامعه ایران اسلامی خمینی، مخالف هستند. همچنین انشعاباتی در داخل تشکیلات اسلامی بین رهبران میانه‌رو و افراطی وجود دارد. وضع اقتصاد بهبود نیافته و احتمالاً حدود سه تا چهار میلیون بی‌کار وجود دارد. در پایان، اقلیت‌های قومی ایران خودمختاری می‌خواهند و ظاهراً حاضرند با اعمال زور اهداف خود را به‌دست آورند.(۲۷)

۷۸۹

رادیو مسکو به‌نقل از یک روزنامه فرانسوی اعلام کرد: «قاهره و تل‌آویو افسران سازمان سابق ساواک ایران را تحت حمایت خود برای خرابکاری در خاک ایران و عراق آماده می‌کنند.» این رادیو افزود: به نوشته این روزنامه، در اسرائیل گروه خرابکاران تحت فرماندهی مصری و اسرائیلی برای مفسده‌جویی در کردستان ایران، تشکیل شده‌است.(۲۸)

۷۹۰

"هنری سایمونت" وزیر امورخارجه بلژیک که سرگرم مذاکره با همتای عراقی خود (سعدون

حمادی) می‌باشد، در بغداد گفت: «برقراری صلح در خاورمیانه زمانی عملی خواهد بود که اسرائیل از سرزمین‌های متعلق به فلسطینی‌ها خارج شود و حقوق فلسطین را به‌رسمیت بشناسد.» به گزارش رویتر، یکی از منابع رسمی وزارت امورخارجه عراق گفته است که وزیران امورخارجه دوکشور متفق‌القولند که اتحاد کشورهای عرب و همچنین اتحاد کشورهای اروپا از اهمیت خاصی در صلح جهانی برخوردار است.(۲۹)

۷۹۱

به گزارش خبرگزاری فرانسه، یک منبع مطلع گفته است که مذاکرات فرانسه ـ عراق در بغداد به "ریمون‌بار" نخست‌وزیر فرانسه این امکان را داد که به‌طور روشن تمایل فرانسه را به ادامه همکاری نظامی خود با عراق، بیان کند. این همکاری ـ که دولت عراق علاقه‌مند به آن است ـ به عراق امکان خواهد داد که پایه‌های امنیتی خود را استحکام بخشد و منابع خرید تجهیزات مورد نیاز دفاعی ملی خود را متنوع سازد. همان‌گونه که ریمون‌بار در بازگشت خود به پاریس گفته بود هدف مسافرت او به عراق، امضای قرارداد نبوده، ولی ناظران معتقدند مذاکرات او این امکان را داده است که گام دیگری در این جهت برداشته شود. به گفته خبرگزاری فرانسه، مذاکرات میان دولت عراق و صاحبان صنایع فرانسه جهت فروش تجهیزات مختلف نظامی برای نیروهای زمینی و هوایی و دریایی عراق ادامه دارد.(۳۰)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۲۰

۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۰، ص۱.
۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص۲.
۳ ـ سند شمارهٔ ۰۰۰۰۱۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام ژاندارمری کل کشور به نخست‌وزیری.
۴ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص۱.
۵ ـ نشریهٔ ویژه خبرگزاری پارس، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص۱۱، رادیو کلن.
۶ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص۳.
۷ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۰، ص‌ص۵ و ۷.
۸ ـ مأخذ شماره ۶، ص۲.
۹ ـ مأخذ شماره ۶، ص۲.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۶، ص۳.
۱۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص۳.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۵، ص‌ص ۹ و ۱۰، رادیو لندن.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱۱، رادیو کلن.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳، خبرگزاری فرانسه.
۱۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۲، ص۳.
۱۷ ـ سند شمارهٔ ۲۰۹۹۳۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: متن قطعنامه مورخ ۱۳۵۸/۴/۲۰ تظاهرات‌کنندگان سنندج.
۱۸ ـ مأخذ شمارهٔ ۱۱، ص۲.
۱۹ ـ دفتر هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق در سنندج، سیاست دولت در مریوان (بی جا، بی نا، بی تا)، ص۱.
۲۰ ـ سند شمارهٔ ۱۱۲۵۵۰/۱۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش داخلی سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی تحت عنوان "بررسی اجمالی مسائل ضدانقلاب در کردستان".
۲۱ ـ مأخذ شماره ۷، ص۱۲.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۱۱، ص۲.
۲۳ ـ نشریه مردم، ارگان حزب توده ایران، سال اول، شماره ۳۸، ۱۳۵۸/۴/۲۰، ص۴.
۲۴ ـ مأخذ شماره ۵، ص‌ص ۱ و ۲.

۲۵ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه‌جاسوسی امریکا جلد ۱۰، (تهران: نشر لانه‌جاسوسی، بی‌تا) ص ۸۴.

۲۶ ـ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه‌جاسوسی امریکا جلد ۱۵، (تهران: نشر لانه‌جاسوسی، بی‌تا) ص ۱۴۷.

۲۷ ـ مأخذ شماره ۲۶، ص‌ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۲۸ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱۱، رادیو مسکو.

۲۹ ـ مأخذ شماره ۱۱، ص۸، رویتر.

۳۰ ـ مأخذ شماره ۷، ص۸، خبرگزاری فرانسه.

روزشمار

پنج‌شنبه

۲۱ تیر ۱۳۵۸

۱۷ شعبان ۱۳۹۹

۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹

۷۹۲

اصغر ابراهیمی فرماندار اهواز اعلام کرد برای اجرای خلع سلاح عمومی در ۵۶۸ روستای تابع اهواز به زودی سپاه پاسداران عشایری تشکیل می‌شود. وی گفت: از هر روستا و منطقه عشایری حومه اهواز چند نفر از جوانان تحصیل‌کرده و مؤمن به انقلاب استخدام خواهند شد و پس از تعلیمات کافی، به نام پاسداران روستایی در امر خلع سلاح عمومی و حفظ امنیت روستاهای اهواز انجام وظیفه خواهند کرد.

فرماندار اهواز افزود: «در اجرای این هدف توجه به این نکته که سلاح‌های توزیع‌شده امنیت منطقه را به خطر انداخته‌است و عاملی است برای عناصر ضدانقلابی در راه نفاق‌افکنی و برادرکشی، خوشبختانه عشایر روستاهای تابع اهواز، زودتر از اولتیماتومی که داده شده‌بود، سلاح‌های خود را تحویل و تسلیم فرمانداری کردند.

برای تسریع در اجرای این برنامه در جلسه‌ای که با حضور ۳۰۰ تن از سران عشایر، شیوخ و کدخدایان ۵۶۸ روستای حومه اهواز در فرمانداری این شهرستان تشکیل شده‌بود، حضار قطع‌نامه‌ای در این مورد امضا کردند و متعهد شدند که در مدت پانزده روز آینده کلیه سلاح‌های روستاییان را به فرمانداری اهواز تحویل دهند.» فرماندار اهواز خاطرنشان ساخت: چنانچه در ظرف مدت اعلام‌شده، دیگر عشایر حوزه اهواز سلاح‌های خود را تحویل ندهند، خیلی قاطعانه و جدی با آنها رفتار خواهد شد.

ابراهیمی گفت: به طور کلی [با] یک برنامه طرح‌ریزی‌شده، در مدت یک‌ماه آینده تمام روستاهای اهواز پاکسازی و تمام مردم خلع سلاح خواهند شد.[۱]

۷۹۳

فرزند یکی از شیوخ سرشناس خوزستان با رأی دادگاه انقلاب اسلامی دزفول به اعدام محکوم و تیرباران شد. دادگاه انقلاب اسلامی دزفول عبدالرضا آل‌کثیر فرزند یکی از شیوخ خوزستان را به‌اتهام فعالیت‌های ضدانقلابی و شروع به ایجاد بلوا و آشوب در منطقه دزفول، محاکمه کرد.

دادگاه پس از رسیدگی به اتهامات عبدالرضا آل‌کثیر وی را به اعدام محکوم کرد و حکم صادره بعدازظهر دیروز اجرا شد. از منزل محکوم مقادیر زیادی اسلحه و فشنگ و نارنجک کشف شد.[۲](خبر ضمیمه دارد.)

۷۹۴
آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی در نامهٔ سرگشاده‌ای خطاب به مهندس بازرگان نوشت: «پس از قریب به پنج ماه که از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، متأسفانه تاکنون اقدامات مؤثری برای جامه عمل پوشانیدن به اهداف واقعی انقلاب به عمل نیامده و روزبه‌روز بر نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی افزوده می‌گردد، لذا در مورد این وضع هشدار می‌دهم.» شبیرخاقانی اضافه کرد: «هدف اصلی انقلاب اجرای کامل قوانین اسلامی بوده و می‌باشد و ملت از دولت خود انتظار داشته و دارند که مشکلات اقتصادی کشور با برنامه‌ریزی‌های صحیح در زمینه‌های صنایع مادر، امور بازرگانی، پروژه‌های عمرانی و برنامه‌های رفاهی مرتفع شود تا از موج بی‌کاری و فساد و تباهی جامعه جلوگیری شود که در این زمینه جز رکود اقتصادی و افزودن خیل بی‌کاران که موجب گسترش فساد اجتماعی می‌شود تاکنون نتیجهٔ دیگری دیده نشده‌است.» در قسمت دیگری از این نامه آمده‌است: عموم مردم انتظار مشارکت رسمی در امور مربوط به کسب آزادی‌های فردی و اجتماعی را می‌کشند، آن هم پس از نیم‌قرن دیکتاتوری و خفقان، ولی متأسفانه دولت شما بدون توجه به اهداف انقلاب اسلامی ملت ایران نه تنها در حدود وعده‌های خود عمل ننموده بلکه نسبت به عدم رعایت حقوق اجتماعی و آزادی‌کُشی‌های جاری نیز سکوت غیرقابل توجیه نموده‌است. صراحتاً اعلام می‌دارد که عدم اقدام در مورد وعده‌های اولیه دولت موجب بروز نارسایی‌های موجود شده و چنانچه این رویه که مغایر اصول اسلامی است ادامه یابد، منجر به تشنج و از هم‌پاشیدگی جامعه می‌گردد.[۳]

از سوی دیگر، حجت‌الاسلام شیخ‌عیسی خاقانی نیز در مصاحبه مطبوعاتی که پس از دیدار وی با امام و نخست‌وزیر و عده دیگری از مسئولان کشوری صورت گرفت، در مورد وقایع خوزستان، قانون‌اساسی و خواسته‌های اعراب به اظهارنظر پرداخت. وی گفت: من برای هفت مطلب مهم به دیدار امام‌خمینی و مقامات مملکتی رفتم. البته از همه گله دارم زیرا حس می‌کردم منطقه دارد از بین می‌رود. مطالبی که مطرح شد چنین بود:

۱ ـ برای حفظ و امنیت منطقه ۲ ـ حفظ تمامیت ارضی کشور ۳ ـ اثبات حقوق حقهٔ قوم عرب ۴ ـ ایجاد فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی ۵ ـ محاکمه و خلع ید عناصر مخرب و ضدانقلابی ۶ ـ به‌کار گرفتن نیروی سازنده قوم عرب و سایر اهالی خوزستان در فعالیت‌های دولتی و خصوصی ۷ ـ منع اتهام حقیقی افراد عرب منطقه.

مذاکراتی که انجام دادم بیشتر با حضرت آیت‌الله امام‌خمینی و نخست‌وزیر و معاونین ایشان و وزیر کشور، وزیر امورخارجه و دادستان انقلاب و همچنین شورای انقلاب بود، موارد گفته شده مورد بحث واقع شد و قرار شد همه موارد را به مورد اجرا بگذارند و در صورت تأخیر

در تصمیم خواسته‌های به‌حق ذکرشده، مسئولیت هر اتفاقی به عهده خود آنان خواهد بود...

از شیخ عیسی خاقانی سؤال شد: چه مسائلی بین شما و رئیس امورخارجه مطرح شد؟ وی پاسخ داد: جلوگیری از ورود اسلحه غیرمجاز از مرزهای خارجی به مرز ایران، چون شایعاتی در این زمینه وجود داشت. سؤال شد: آیا صحبتی با وزیر کشور در مورد منطقه و وضع موجود آن کرده‌اید؟ وی گفت: خواسته‌های مهمی که با صباغیان وزیر کشور مطرح نمودم، چنین است:

۱ ـ هشت درصد از نمایندگان مجلس خبرگان از بین ایرانیان عرب باشد.

۲ ـ لغو هرگونه سانسور در مورد درج اخبار صحیح توسط کلیه رسانه‌های گروهی.

۳ ـ کمک‌های ملی لازم و همچنین پشتیبانی از کشاورزان برای توسعه کشاورزی و زیر کشت بردن زمین‌های بایر خوزستان و آغاز برنامه‌های عمرانی، راه‌سازی و ساختن خانه‌های ارزان‌قیمت برای کشاورزان و غیره به منظور ایجاد کار برای رفاه اهالی منطقه.

۴ ـ تأمین خودمختاری قومیت‌های ایرانی در قانون‌اساسی و امور استان‌ها و شهرستان‌ها توسط شورا و با مشارکت مردم اداره شود.

سؤال شد: چه مسائلی بین شما و امام‌خمینی مطرح شد؟ پاسخ داد: «بیشتر پیرامون وضعیت منطقه بود و دو علت مرا به این‌جا کشاند: ۱ ـ وجود مرز ۲ ـ وجود نفت در منطقه.» حجت‌الاسلام خاقانی در پایان به این موضوع اشاره کرد که بعد از جریانات اخیر خرمشهر هیچ‌یک از مسئولین مملکتی حتی از آیات اعظام برای نمونه یک تلگراف همدردی به این منطقه مخابره نکرده‌اند و مسلماً مردم منطقه بیشتر از اینها انتظار دارند.[۴]

وی در مصاحبه دیگری که با هفته‌نامه بامشاد در تهران انجام داد، در مورد نتایج سفر خود به پایتخت و مذاکره با مقامات دولت گفت: من و دیگر همراهانم آنچه لازم بود به مقامات مختلف گفتیم و اوضاع منطقه را روشن کردیم اما اگر دولت به خواسته‌های مردم منطقه توجه نکند و اقدامات فوری به‌عمل نیاورد، بر هم خوردن وضع خوزستان قطعی است و این مطلب را پیشاپیش به دولت گفته‌ام. در حال حاضر سعی ما این است که حتی‌المقدور از درگیری‌های گروه‌های مختلف جلوگیری کنیم لکن این وضع زیاد نمی‌تواند دوام داشته باشد. با توجه به تحریکات مستمری که از داخل و خارج مرز جریان دارد و با توجه به کثرت اسلحه‌ای که همه روزه در جنوب پخش می‌شود، چنانچه دولت به وعده‌های خود عمل نکند، کنترل اوضاع از دست همه خارج خواهد شد. من با این امید به خوزستان برمی‌گردم که دولت توجه فوری و عاجل به وضع منطقه بنماید و وعده‌های خود را از قوه به فعل درآورد و در غیر این‌صورت ما دیگر هیچ‌گونه مسئولیتی نداریم زیرا آنچه شرط بلاغ بود، گفتیم.[۵]

۷۹۵
"علی شمس‌اردکانی" سفیر دولت جمهوری اسلامی ایران در کویت، فاش کرد که با استفاده از مدارکی که از سفارت ایران در کویت به‌دست آمده، جبهه التحریر اهواز با ساواک همکاری‌های مؤثری داشته که این مدارک در یک گفت‌وگوی رادیو تلویزیونی و مطبوعاتی در اختیار

رسانه‌های گروهی قرار خواهد گرفت.[۶]

۷۹۶
استانداری خوزستان در نامهٔ محرمانه‌ای خطاب به مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت، اعلام کرد: مدتی است که عراق در خاک خود ولی نزدیک نوارهای مرزی ایران به‌ویژه در ایلام با شتاب به حفر چاه‌های نفتی پرداخته‌است.[۷]

هاشم صباغیان وزیر کشور نیز امروز در گفت‌وگویی با خبرنگار روزنامه اطلاعات گفت: «ما در مرز مشترک خود با عراق دچار مشکلات و توطئه‌هایی هستیم.» وزیر کشور توضیح داد: در مرز کردستان مشکل ما گذشتن کردهای عراقی از مرز ایران می‌باشد، ولی مشکل اصلی ما در مرز مشترک عراق با خوزستان است؛ در این منطقه توطئه‌هائی صورت می‌گیرد و از خاک عراق اسلحه قاچاق برای رساندن به عوامل ضدانقلاب به سمت خاک ایران فرستاده می‌شود.

وزیر کشور افزود: توطئه‌های دیگری نیز علیه انقلاب ایران در این منطقه صورت می‌گیرد و ما با شدت هرچه بیشتر جلو این توطئه‌ها را خواهیم گرفت.[۸]

۷۹۷
در ادامه فعالیت‌های عراق در شناسایی مراکز و پاسگاه‌های مرزی ایران، فرمانداری خرمشهر به استناد گزارش گروهان ژاندارمری شهرستان مذکور، به وزارت کشور اعلام کرد: مقارن ساعت ۱۲:۴۵ دقیقه روز ۵۸/۴/۲۱ مشاهده گردید یک دستگاه رنجرور قهوه‌ای روشن به‌سرنشینی پنج نفر که همراهان افسران ارشد کشور عراق بوده‌اند روی جاده مرزی روبه‌روی پاسگاه مستقر شده و شروع به فیلمبرداری و عکس‌برداری از پاسگاه نمودند که با اقدام مأمور پاسگاه از محل دور می‌شوند ولی بار دیگر در ساعت ۱۳:۱۵ با استفاده از پشت‌بام گمرک این اعمال تکرار گردیده‌است.[۹]

۷۹۸
در ادامه جنگ تبلیغاتی موجود بین ایران و عراق، روزنامه‌های عصر تهران تقریباً به طور مرتب دربارهٔ عراق مقاله و گزارش درج می‌کنند که حاوی مطالب متنوعی است. در این‌جا به عنوان نمونه از هر کدام مطلبی ذکر می‌شود:

روزنامه کیهان در یک گزارش تحلیلی با عنوان "شورش و عصیان در ارتش عراق" درباره پناهندگی نظامیان عراقی به جمهوری‌اسلامی ایران نوشت: پناه آوردن افسران و سربازان عراقی به ایران انقلابی با پناه آوردن فرزندان مسلمان عراقی که خواهان امنیت و عدالت و صلح هستند و از حاکمیت و استبداد سیاه بعث عراق فرار می‌کنند، فرق دارد زیرا پناهندگی نظامیان معنی دیگری در بر دارد و پرونده اوضاع بحرانی ارتش عراق را برملا می‌سازد. علاوه بر آنکه آشوب و هرج‌ومرج در ارتش عراق حکمفرماست و سربازان مورد تحقیر و آزار قرار گرفته و افسران غیرحزبی را مورد توهین قرار داده و آنها را منجمد کرده‌اند؛ علاوه بر آن جو ترس و اضطراب که دستگاه‌های اطلاعاتی ارتش در میان واحدهای نیروهای مسلح به‌وجود آورده‌اند و مقام‌ها و

پست‌های ارتشی را در میان دوستان و اقوام و هواداران تقسیم نموده‌اند؛ اینها مسائل و امور ظاهری مسئله است ولی مسائل اصولی و اساسی که خطرآفرین است، مسائل زیر است: اولاً سلطه و دیکتاتوری فردی از طرف بعضی از افسران حزبی در ارتش عراق؛ ثانیاً سلطه و دیکتاتوری فردی از طرف همان افسران حزبی و به وسیله ارتش بر عموم مردم و براساس این سیستم نظامی بر کشور عراق حاکم هستند و سرنوشت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی کشور را مورد بازیچه قرار داده‌اند.

در ادامه این مقاله آمده است: ارتش امروز عراق در شرایط و محیطی به‌سر می‌برد که بر ارتش ایران زمان شاهنشاهی می‌گذشت که تحت سلطه مطلقه و استبدادی شاه بود و اطلاعات ارتش و ساواک در آن نفوذ داشته و به نفع رژیم شاهنشاهی و امپریالیسم امریکایی جاسوسی می‌کردند و لذا ارتش وسیله‌ای برای کوبیدن انقلاب ظفار قرار می‌گیرد و یا به خیابان‌ها گسیل می‌شده و هزاران نفر از فرزندان انقلابی ایران را به خاک و خون می‌کشاند. ارتش عراق امروز همانند ارتش ایران در زمان دیکتاتوری شاه است که دست‌آویزی برای امپریالیزم بر علیه انقلاب بحق مردم قرارگرفته بود و اینک در شرایط بحرانی و غیرطبیعی به سر می‌برند و نظامیان از ظلم و دیکتاتوری و اختناق رنج می‌برند، زیرا این دیکتاتوری را در صفوف ارتش و مردم می‌بینند. این وضع غیرطبیعی دوام ندارد و امکان ندارد که ارتش و نظامیان همیشه در حالت ذلت و مظلومیت به سر ببرند.[۱۰]

روزنامه اطلاعات نیز طی گزارشی تحت عنوان "توطئه‌های چندجانبه علیه انقلاب ایران" نوشت: خبرهای گوناگونی که از منابع مختلف می‌رسد حکایت از اجرای طرح‌های چندجانبه‌ای از سوی صهیونیسم، امپریالیسم امریکا و پس‌مانده‌های رژیم ساقط‌شده شاه مخلوع علیه انقلاب ایران دارد. به موجب این خبرها چند کانون توطئه علیه ایران در کشورهای خارج تشکیل شده‌است. در این کانون‌ها نه تنها عوامل ضدانقلاب تعلیمات نظامی و چریکی می‌بینند، بلکه طرح‌های خرابکاری برای از بین بردن منابع و صنایع حیاتی ایران ریخته می‌شود. هدف درجه اول این توطئه‌ها متوجه مناطق جنوبی و غربی کشور است و حوادثی که در روزهای اخیر در این مناطق رخ داده است، مؤید شکل گرفتن این توطئه‌هاست. از جمله کسانی که خبر از توطئه علیه انقلاب ایران می‌دهند، "حامد بیک‌کلاشی" است که بعد از ۲۱ سال پناهندگی سیاسی در عراق، به ایران بازگشته است و طی یک گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار اطلاعات در کرمانشاه، گفت: "عواملی در عراق علیه حکومت اسلامی ایران توطئه می‌کنند و در تدارک توطئه بزرگی هستند. ساواکی‌ها را پناه می‌دهند، زندگی آنها را فراهم می‌سازند و از آنها علیه حکومت ایران استفاده می‌کنند."

حامد بیک‌کلاشی مبارز کُرد، در مورد پالیزبان گفت: پالیزبان در مرزهای ایران به سر می‌برد. آنچه مسلم است او هم با عوامل عراقی مشغول توطئه‌چینی علیه ایران است. اطلاع دارم که عوامل عراقی در داخل ایران بویژه مناطق غربی جاسوس دارند و هر ماه برای آنها حقوق

بکنیم. آیا می‌شود که در بازار یک خیرمندانی باشند یک دکان‌هایی باز کنند عمومی برای مردم با یک قیمت مناسب‌تری رویش بگذارند تا این گران‌فروشی تمام بشود؟ این را دیگر نـمی‌دانـم حالا.[۱۴]

۸۰۲

سفارت امریکا در تهران در گزارشی به امضای لینگن بـرای وزارت امـورخـارجـه آن کشـور بـا طبقه‌بندی سری و موضوع: "تقاضای راهنمایی جهت توسعه نیروی‌دریایی امریکا در اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج‌فارس"، نوشت:

طی مذاکرات اخیر با وزارت امورخارجه (ایران)، از ما در مورد نـقل و انـتقالات نـیروی دریایی امریکا در منطقه سؤال شده‌است، خصوصاً این‌که اخیراً فرماندهی نیروی خـاورمیانه (گروه LASALIE) فزونی یافته‌اند. تلگراف مرجع حاکی از آن است که تعداد مجموع به چهار واحد رسیده است. تقاضای اطلاعات و راهنمایی درباره آن داریم که این مطلب را چگونه ارائه دهیم.

وزارت امور خارجه (ایران) ظاهراً بر سر شایعات و حـدسیات نگـران است و شـبح یک نیروی ویژه، آنها را دچار اضطراب کرده‌است.[۱۵]

ضمیمه خبر شماره ۷۹۳

سردار غلامعلی‌رشید مسئول کنونی معاونت اطلاعات و عملیات ستاد فرماندهی کل قوا و مسئول اسبق واحد اطلاعات و عملیات سپاه‌پاسداران دزفول دربارهٔ عملکرد و چگونگی دست‌گیری عبدالرضا آل‌کثیر در حاشیهٔ پیش‌نویس خبر مذکور چنین نوشت: عبدالرضا آل‌کثیر پس از پیروزی انقلاب‌اسلامی به عمّارهٔ عراق رفت و پس از گذراندن یک دورهٔ آموزشی در آنجا، با ۵۰۰ قبضه سلاح از تیربار گـرفته تـا آرپـی‌جی ۷ و کلاشینکف و ... به ایران برگشت و در روستاهای اطراف هفت‌تپه در شرق شوش گروهی مسلح تشکیل داد و به اقدامات مسلحانه و خرابکاری علیه انقلاب‌اسلامی پرداخت. به منظور انهدام این گروه و دست‌گیری اعضای آن، یک روز صبح زود همراه با ۲۵۰ پاسدار سپاه و کمیته، روستای محل استقرار وی را محاصره کردیم. درگیری برای دستگیری وی دو ساعت طول کشید. آنها به شدت مقاومت می‌کردند و با کلاش و نارنجک با ما می‌جنگیدند. سرانجام عبدالرضا آل‌کثیر را وادار به تسلیم کردیم و به همراه ۱۲ نفر از افرادش دست‌گیر کردیم.۱۶

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۲۱

۱ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص۳.
۲ - مأخذ شماره ۱، ص۱۲.
۳ - مأخذ شماره ۱، ص۱۲.
۴ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص۶.
۵ - هفته‌نامه بامشاد، سال اول، شماره ۳۱، انتشارات سهامی سرشار ۲۳ تا ۳۰ تیر ۱۳۵۸، ص۶.
۶ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص‌ص ۱ تا ۱۱.
۷ - سند شمارهٔ ۳۴۶۷۴۰، مرکز مطالعات و تحقیقات

جنگ: نامه محرمانه مورخ ۱۳۵۸/۴/۲۱، استانداری خوزستان به نخست‌وزیر.
۸ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص۱.
۹ - سند شمارهٔ ۳۴۶۷۷۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش فرماندار خرمشهر به وزارت کشور.
۱۰ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۰، ص۱۱.
۱۱ - مأخذ شماره ۸، ص۱.
۱۲ - روزنامه جمهوری‌اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص۲.
۱۳ - مأخذ شماره ۱، ص۱۱.
۱۴ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب‌اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد۸، (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱) ص‌ص ۱۰۹ تا ۱۱۱.
۱۵ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی امریکا، جلد۳۴ (تهران: نشر لانه‌جاسوسی، بی‌تا) ص۱۵۴.

روزشمار

جمعه

۲۲ تیر ۱۳۵۸

۱۸ شعبان ۱۳۹۹

۱۳ ژوئنیه ۱۹۷۹

۸۰۳
شب گذشته و امروز نیز درگیری مسلحانه و انفجار در خوزستان با شدت بیشتری ادامه یافت: از جمله گروهی مقارن ساعت یک بامداد به‌سوی مأموران شهربانی مستقر در زیر پل و نیز به سوی پایگاه نیروی دریایی آتش گشودند. همچنین پاسگاه‌های مرزی خرمشهر و پاسگاه مرزی شلمچه هدف حملات مسلحانه قرار گرفت. گروه‌هایی نیز از درون اتومبیل و در تاریکی شب به‌سوی مأموران انتظامی و پاسداران آتش گشودند.[1]



ادامه خرابکاری در لوله‌های انتقال نفت و گاز خوزستان

علاوه بر این، یک‌بار دیگر لوله‌های نفت در معرض عملیات خرابکاری قرار گرفت. در این خرابکاری ابتدا با شلیک گلوله (کلاشینکف) لوله‌های نفت منطقه دارخوین واقع در ۴۰ کیلومتری آبادان سوراخ شد که به دنبال آن آتش‌سوزی ایجاد گردید.[2]

از سوی دیگر، شب‌هنگام ـ ساعت ۲ بامداد ـ یک اکیپ از پاسداران انقلاب که در حال گشت در منطقه کوت‌شیخ بودند به کمین عناصر مسلح خلق عرب برخورد کردند که در این کمین انوشیروان رضایی سرپرست افراد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعزامی از خرم‌آباد به خرمشهر، به شهادت رسید و پاسدار دیگری مجروح شد.[3] به نوشته کیهان، پیکر پاسدار شهید عصر جمعه (۵۸/۴/۲۲) به خرم‌آباد منتقل و پس از تشریفات قانونی با همراهی بیش از ده هزار تن از مردم این شهر به‌خاک سپرده شد.[4]

در بازتاب ناآرامی‌های خوزستان رویتر گزارش داد: «منابع اعراب خوزستان امروز به رویتر گفتند افراد مسلح عرب اوایل امروز به تأسیسات بندر خرمشهر حمله کردند و تیراندازی سنگین میان این گروه و سربازان دولتی و پاسداران انقلاب چندین ساعت ادامه داشت.» این خبرگزاری به نقل از محمد علوی فرماندار خرمشهر اعلام کرد: افراد ناشناس بـه دو قرارگاه پلیس، یک پمپ‌بنزین و پل اصلی رودخانه در خرمشهر که ماه گذشته صحنه اصلی درگیری میان اعراب خواهان خودمختاری و نظامیان دولتی بود، حمله کردند. وی افزود که حمله‌کنندگان عقب رانده شده و تلفاتی به‌بار نیامد. علوی اضافه کرد: مردان مسلح با موشک‌های آر.پی.جی.۷ ساخت شوروی و تفنگ‌های خودکار کلاشینکف حملات متعددی را متوجه بندر خرمشهر کرده‌اند.

رویتر به نقل از سخن‌گوی آیت‌الله شبیرخاقانی نیز گزارش داد: تیراندازی شب گذشته از ساعت ۹ شب تا ۴:۳۰ صبح امروز در شهر ادامه داشت و نیروهای دولتی به سوی مهاجمین عرب که تأسیسات بندر خرمشهر را مورد حمله قرار دادند، آتش گشودند. آیت‌الله خاقانی بـه دلیل اوضاع وخیم در خرمشهر و اطراف استان خوزستان، روز گذشته سفر خود به لندن را لغو کرد.[5]

رادیو لندن نیز در گزارشی در این‌باره، گفت: در درگیری‌هایی که در شهر خرمشهر برپا شد، یک تن از مقامات عالی‌رتبه سپاه پاسداران انقلاب کشته شد و ادارات گمرک مورد حمله قرار گرفت.[6]

۸۰۴
امروز در آبادان تظاهرات و راهپیمایی گروهی در منطقه "بازرگان" این شهر، بـه بـرخـوردهای خشونت‌آمیز انجامید که در آن، عده‌ای از دوطرف به ضرب سنگ و چوب مـجروح شـدند و نوجوان چهارده ساله‌ای هدف گلوله قرارگرفت. به گزارش مطبوعات، تظاهرکنندگان کـه عـلیه تیمسار دریادار مدنی استاندار خوزستان و آیت‌الله صادق خلخالی شعار می‌دادند، با اعتراض گروهی دیگر از ساکنان آبادان روبه‌رو شدند و در نتیجه زدوخورد آغاز شد؛ مأموران کمیته و پاسداران انقلاب که قادر به جداسازی آنها نبودند، ناگزیر از تیراندازی هوایی شدند که در جریان

تیراندازی، نوجوان چهارده ساله‌ای به‌علت اصابت گلوله مجروح شد و به بیمارستان انتقال یافت. همچنین پنج تن از عرب‌ها و یکی دو تن دیگر از ساکنان آبادان در این برخورد آسیب دیدند. درپی این نزاع، پاسداران انقلاب سیزده تن را بازداشت کردند. بعدازظهر گروهی دیگر به‌عنوان اعتراض به دستگیری سیزده تن از راهپیمایان عرب، در ایستگاه۷ بازرگان آبادان اقدام به راهپیمایی و تظاهرات کردند. تظاهرات این عده با آتش زدن لاستیک‌های اتومبیل در سطح خیابان‌ها همراه بود.(۷)

رادیو لندن در گزارشی در این‌باره، گفت: در جریان درگیری پاسداران انقلاب با هزاران تن از اعراب ایرانی که در آبادان دست به تظاهرات زده بودند، سه نفر زخمی شدند که یکی‌شان از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت. تظاهرات مذکور که آغازی مسالمت‌آمیز داشت به‌دنبال برخورد با گروه‌های متخاصم و پرتاب سنگ از طرف آنها، روبه خشونت گذاشت.(۸)

آسوشیتدپرس نیز در این‌باره گزارشی به این شرح مخابره کرد: بر اثر برخورد سازمان اعراب مسلح خواهان خودمختاری و افرادی که موافق نظرات آنان نبودند، روز جمعه بار دیگر استان نفت‌خیز خوزستان متشنج شد. پاسداران انقلاب و مقامات بهداری گفتند چهار عرب بر اثر ضربات مشت و یا سنگ مجروح شده‌اند. پاسداران گفتند برای خاتمه دادن به زدوخورد مجبور به تیراندازی هوایی شده‌اند. یک مقام بیمارستان گفت که پسر چهارده ساله‌ای بر اثر برخورد گلوله پاسداران، از ناحیه پا زخمی شده‌است. این تظاهرکنندگان خواستار خودمختاری سیاسی و فرهنگی خلق عرب خوزستان و خلع دریادار احمد مدنی استاندار خوزستان بودند. به اظهار مقامات رسمی سیزده عرب در این ارتباط دستگیر شده‌اند.(۹)

از سوی دیگر، درپی تظاهرات خشونت‌بار آبادان، در خرمشهر نیز عده‌ای به پشتیبانی از آیت‌الله شبیرخاقانی راهپیمایی کردند و خواستار آزادی عرب‌های دستگیرشده در آبادان و رفع تبعیض بین عرب و عجم شدند.(۱۰) به گزارش رادیو لندن، به موجب اعلامیه‌هایی که در جریان تظاهرات میان تظاهرکنندگان توزیع گردید یک گروه چریکی با عنوان "صاعقه" اعلام موجودیت کرد. [اعلامیه مزبور جداگانه خواهد آمد ـ مرکز] گروه چریکی صاعقه در اعلامیه مذکور تأکید کرده است که خواهان خودمختاری برای اعراب ایرانی است نه خواهان جدایی.(۱۱)

به‌دنبال راهپیمایی و وقوع درگیری در آبادان، حضرت آیت‌الله شیخ‌محمدطاهر شبیرخاقانی اعلامیه‌ای بدین شرح منتشر کرد:

فرزندان عزیز، بسیار متأسفم که هنوز شاهد ناآرامی‌ها و تجاوز و تهدید به اموال و آزادی‌های فردی و اجتماعی هستیم. علی‌رغم هشدارهای مکرر به دولت و مقامات مسئول به‌خصوص مسائل خارجی، تاکنون جز وعده‌های پوچ و توخالی پاسخی دریافت نداشته‌ام. واقعه امروز آبادان نیز از جمله حوادثی است که وجود دولت‌ها در دولت را به ثبوت می‌رساند و یکی از دخالت‌های ناروای افراد غیرمسئول، سخن‌پراکنی‌های تحریک‌آمیز و جسارت افراد معلوم‌الحال به‌دلیل عدم قاطعیت دولت می‌باشد. من قویاً اخطار می‌کنم منابع و صنایع و

تأسیسات نفتی مملکت که متعلق به تمامی ملت ایران است، در خطر می‌باشد و به‌نظر می‌رسد که عوامل مرتجع، سلطه‌گر و امپریالیست دست‌اندرکار توطئه هستند که روش مماشات و سکوت دولت امکان فعالیت این عوامل سرسپرده را بیش از پیش مهیا کرده است و می‌رود که ایران عزیز به لبنان دیگری تبدیل شود.

بنابراین، جامعه انقلابی ایران به دولت‌مردی قاطع، محکم و صریح احتیاج دارد تا مسائل و مشکلات مردم را لمس و بی‌درنگ چاره‌جویی کند. فرزندان عزیز، حفاظت و نگه‌داری کلیه منابع، صنایع و تأسیسات سراسر کشور که متعلق به ۳۵ میلیون ایرانی است، وظیفه شرعی و ملی شما است. هشیار باشید که تکرار وقایع اخیر کشور نتایج تلخی به‌بار خواهد آورد که گریبان‌گیر شما و سایر هموطنان خواهد شد، لذا از همه شما تقاضا می‌کنم برای حفظ تمامیت ارضی مملکت، سرمایه‌های ملی، جلوگیری از کشتار و ایجاد هرج‌ومرج، در مقابل هر نوع عمل تحریک‌آمیز، توطئه و نفاق‌افکنی، اندیشمندانه و درکمال خونسردی از عکس‌العمل غیرمنطقی و انتقام‌جویی پرهیز نموده و نگذارید توطئه‌گران به امیال شوم خود دست یابند و بدین‌وسیله دولت را یاری نمایید تا در کوتاه کردن دست عوامل مخرب و ضدانقلاب و همچنین تصفیه پاسداران و دادگاه‌ها از عناصر مشکوک اقدام لازم را به‌عمل آورد. و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لاتتبعوا السبل فتفرّق بکم عن سبیله والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته.(۱۲)

۸۰۵

امروز تشکیلات نوظهوری تحت عنوان "سازمان چریکی صاعقه" با انتشار یک اعلامیه، در خوزستان اعلام موجودیت کرد. در این اعلامیه آمده است: بسم‌الله الرحمن الرحیم. به‌نام خدا و به‌نام خلق مبارز عرب. بنابه مقتضیات و اوضاع حاکم بر منطقه عربستان [خوزستان] که بر اثر توطئه‌های ارتجاع و نژادپرستان فارس و نیز عناصر وابسته به اجنبی که هدفی جز خدمت به اربابان و نابودی روح انقلابی خلق‌های ایران و به‌خصوص خلق عرب که هم‌اکنون از هرطرف مورد تهاجم وحشیانه قرار گرفته تا بدین وسیله نهضت نوپای این خلق محروم را در اذهان عمومی و بالاخص انقلابیون و رزمندگان آزادی‌خواه ایران دگرگون جلوه دهند تا بتوانند به مقاصد شوم خود که همانا به استثمار گرفتن هرچه بیشتر خلق‌های ایران و در رأس آنان خلق عرب باشد ادامه دهند، ولی هیهات، دیگر این خلق به‌پاخاسته تا به‌دست آوردن خودمختاری کامل که خواست دیگر خلق‌های ایران نیز می‌باشد از پای نخواهد نشست و درکنار سایر خلق‌ها خواهد ماند و به مبارزه خود با مرتجعین و فاشیست‌ها و به‌خصوص فالانژیست‌ها ادامه خواهد داد تا یک ایران دمکراتیک به‌وجود آمده که در آن عرب، کرد، بلوچ، ترکمن و دیگر اقلیت‌های ایرانی به‌طور دمکراتیک‌وار زندگی کنند. لذا ما جوانان مؤسس سازمان چریکی صاعقه بنا به معتقدات فوق و به منظور دفاع از حقوق حقهٔ خلق عرب در چهارچوب جمهوری‌اسلامی ایران براساس مندرجات آیین‌نامه، موجودیت خود را اعلام می‌داریم:

۱ ـ هدف اساسی سازمان چریکی صاعقه مبارزه برای به‌دست آوردن خودمختاری در

چهارچوب جمهوری اسلامی ایران است. ۲ ـ سازمان چریکی صاعقه مبارزه سیاسی و اقتصادی ;ا با دولت کنونی و بعدی را تا زمانی که حقوق خلق عرب و سایر خلق‌های ایران را محترم شمارد، ادامه خواهد داد. ۳ ـ سازمان چریکی صاعقه تابع هیچ‌گونه ایدئولوژی به‌خصوصی می‌باشد. ۴ ـ سازمان چریکی صاعقه هرگونه تجزیه‌طلبی و یا نظایر آن را که به‌تمامیت ارضی یران لطمه بزند، شدیداً محکوم می‌کند. ۵ ـ سازمان چریکی صاعقه از تمام گروه‌های مترقی و زادی‌خواه پشتیبانی و [با آنها] همکاری خواهد کرد.(۱۳)

۸۰۶
گروهی تحت عنوان "نمایندگان منطقه اشنویه و پیرانشهر" برای دادخواهی و شکایت از آنچه " سلیح فئودال‌های منطقه به دست ژاندارمری، پادگان جلدیان و علیه عوامل مجاهدنما" خوانده ند، با امام‌خمینی، آیت‌الله شریعتمداری در قم و همچنین با نخست‌وزیر در تهران مذاکراتی را جام دادند. به گزارش روزنامه‌اطلاعات، سخن‌گوی این گروه ۶۲ نفره اعلام کرد که انتظار دارند قامات هرچه زودتر از آنها رفع ظلم و ستم نمایند. این گروه در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت رد و درباره مسائل و مشکلات کردستان و همچنین نقش رادیو تلویزیون در انعکاس اخبار این نطقه سخنانی ایراد کردند. فردی که نماینده روستاییان آبادی جلدیان معرفی شد ضمن اشاره به ش مخرب مالکان مرتجع در ناراضی ساختن دهقانان کُرد، گفت: «آنها به دهقانان فشار آوردند ه باید بهره مالکانه زمین‌ها را از سال ۱۳۴۱ به بعد بپردازند و همین مسئله سبب شد که دهقانان تم‌دیده که برقراری فئودالیسم را احساس کردند عکس‌العملی شدید نشان دهند.» همچنین دی که نماینده دهقانان "لاجان" نامیده شد درباره دیدار با امام‌خمینی و حضرت آیت‌الله ریعتمداری گفت: «این دیدارها موفقیت‌آمیز بوده و ما از قاطعیت امام در مبارزه با امپریالیسم و امل آن پشتیبانی می‌کنیم.» یکی از نمایندگان در مورد تشکیل اتحادیه‌های دهقانی گفت: «ما با کیل این اتحادیه‌ها تصمیم داریم تا از منافع دهقانان در برابر مالکان دفاع کنیم.» عبدالله‌نژاد که اینده روستاییان "مامش" خوانده شد در ارتباط با مسئله حفاظت از مرزها گفت: «هیچ‌کس بهتر دهقانان نمی‌تواند از مرزهای کشور پاسداری کند و مسلح کردن مالکان بدین منظور جز آن‌که ضاع منطقه را متشتت کند، نتیجه دیگری دربرندارد.» این گروه، رادیو تلویزیون را به دلیل نحوه کاس خبرهای منطقه، مورد انتقاد قرار داد و اعلام کرد که اتحادیه‌های دهقانی، احزاب یا وه‌هایی مثل حزب دمکرات کردستان را که از منافع دهقانان زحمت‌کش پشتیبانی کنند، تأیید کنند اما هیچ‌گونه وابستگی با هیچ حزب یا دسته‌ای ندارند. آنها از دولت خواستار دست‌گیری مجازات فرمانده پادگان ژاندارمری، اخراج مجاهدنماها، خلع سلاح فئودال‌ها، جلوگیری از ش اخبار تحریک‌آمیز رادیوتلویزیون و برخی مطبوعات، جبران خسارات مردم آبادی دیان و اعزام یک هیئت منصف و بی‌طرف از جانب دولت برای بررسی و حل مشکلات جود هستند.(۱۴)

۸۰۷
علی‌رغم نامه سعادتی به برادرش مبنی‌بر این‌که به‌دلیل "وقیحانه" بودن کیفرخواست، در دادگاه شرکت نخواهد کرد و نیز برخلاف اطلاعیه‌های قبلی سازمان مجاهدین خلق درباره این‌که محاکمه سعادتی باید در دادگستری انجام شود و محاکمه در دادگاه انقلاب را به هیچ‌وجه قبول نخواهد کرد؛ امروز این سازمان طی اطلاعیه‌ای وکلای منتخب برای دفاع از محمدرضا سعادتی را معرفی کرد. در اطلاعیه مزبور آمده است «به‌نام خدا و به‌نام خلق قهرمان ایران. امروز در چهلمین روز اعتصاب غذای برادر اسیرمان سید محمدرضا سعادتی اطلاع یافتیم که از طرف دادستانی انقلاب اسلامی برای وی کیفرخواستی تهیه گردیده‌است، ضمناً به او اطلاع داده شده تا برای دفاع، وکیل انتخاب کند.» در ادامه افزوده شده است: اکنون دفاع از سعادتی را به عهده جمیع وکلای مبارز و شجاعی که خود حق‌طلبانه داوطلب دفاع از او شده‌اند، می‌گذاریم و امیدواریم که با ترتیب هیئتی از وکلای معتقد، به تشخیص یا توصیه آقایان دکتر لاهیجی و دکتر کاتوزیان دفاع از آنچه را که خود وظیفه ملی و اعتقادیشان تلقی کرده‌اند، عهده‌دار شوند. بی‌تردید در این مدافعات، سراسر جریان دست‌گیری غیرقانونی، شکنجه، انتشار غیرقانونی بازجویی‌های بی‌اساس و متن پرونده و به‌خصوص شرایط لازم برای احراز صلاحیت یک دادگاه قانونی و مشروع، مورد بررسی و دادخواهی عادلانه و حق‌طلبانه ـ که بلاشک موجب سربلندی هر وکیل واقعی در پیشگاه خدا و خلق خواهد بود، ـ [قرار خواهد گرفت.]

طبیعی است همان‌گونه که قبلاً اعلام شده، دفاع سیاسی ـ ایدئولوژیک سعادتی را به‌طور خاص نمایندگان سازمان به عهده خواهند گرفت. ضمناً با توجه به نامه سعادتی از سلول اوین خطاب به برادرش ـ که پیوست می‌باشد ـ ، از کلیه مقامات مسئول می‌خواهیم تا با رسیدگی پزشکی و اعزام محمدرضا سعادتی به بیمارستان، مانع هرگونه اتفاق غیرقابل جبران برای او گردند. هر آسیب و زیانی که به‌خاطر بی‌توجهی و اهمال در این رابطه متوجه برادر اسیر ما گردد، مستقیماً دادستانی کل انقلاب را مسئول می‌دانیم.(۱۵)

نامه‌ای که در اطلاعیه مزبور به آن اشاره شده، نامه‌ای است که سعادتی روز قبل، از زندان اوین خطاب به برادرش نوشته است. متن کامل نامه چنین است: برادر عزیزم سلام. امروز از طرف دادسرای انقلاب اسلامی (آقای آذری‌قمی) متن کیفرخواست برایم فرستاده شد که روز دوشنبه ۵۸/۴/۲۵ خودم را برای دادگاه آماده کنم و برای خودم وکیل انتخاب کنم. اتهام همان جاسوسی است که تاکنون در همه جا گفته شده‌است. نامه‌ای به آقای آذری‌قمی نوشته و متن را به‌طورکلی مردود اعلام کردم و از شرکت در دادگاه هم اعلام خودداری نمودم. این وقیحانه‌ترین کیفرخواستی است که می‌توانست تنظیم گردد. من که فعلاً در حال اعتصابم و قدرت نوشتن و اعلام جرم و دادخواهی را ندارم ولی از شما می‌خواهم که علیه این‌گونه حق‌کشی‌ها و بی‌عدالتی‌ها به مراجع مسئول مراجعه کنید، بخصوص به آقای آذری‌قمی بگویید که من نامه نوشتم و در آن دادگاه شرکت نمی‌کنم. از خداوند نابودی مکاران را در هر لباسی که هستند

باشید.

من توصیه می‌کنم که خبرگان خودتان را اشخاص متدین، اشخاص عالم، علمای بزرگ بلاد، اشخاصی که نه به راست و نه به چپ انحراف دارند، اشخاصی که به صراط مستقیم انسانیت، به صراط مستقیم اسلام، در صراط مستقیم اسلام هستند، اشخاص معتبر، اشخاص امین، اشخاص وطن‌خواه، اشخاصی اسلام‌خواه، این اشخاص را تعیین کنید برای سرنوشت خودتان. امروز سرنوشت شما در دست خود شماست.»(۲۵)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۲۲

۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص۷.
۲ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص۱۲.
۳ ـ مهدی انصاری، محمد درودیان و هادی‌نخعی خرمشهر در جنگ طولانی (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۵) ص۷۶ و روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۲، ص۳.
۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص۷.
۵ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۱۱۲، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص‌ص ۲ تا ۳، خبرگزاری رویتر.
۶ ـ مأخذ شماره ۵، ص۴، به نقل از رادیو لندن.
۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص۲.
۸ ـ مأخذ شماره ۵، ص۳، به نقل از رادیو لندن.
۹ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریهٔ شماره ۱۱۳، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس.
۱۰ ـ مأخذ شماره ۷، ص۲.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۵، ص۴، به نقل از رادیو لندن.
۱۲ ـ سند شماره ۲۰۹۴۴۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، متن اعلامیه شیخ شبیرخاقانی.
۱۳ ـ سند شماره ۲۰۹۹۳۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، متن اعلامیه سازمان چریکی صاعقه.
۱۴ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص۳ و روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص۲.
۱۵ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی سازمان مجاهدین خلق (۲) (تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، بهار ۱۳۵۹) ص۲۹.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۱۵، ص۳۱.
۱۷ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸، به نقل از رادیو مسکو.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۱۴، ص۳.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص۸.
۲۰ ـ نشریه کار، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، سال اول، شماره ۲۰، ص۱۰.
۲۱ ـ مأخذ شماره ۵، ص۵، به نقل از رادیو بی.بی.سی.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۵، ص۱، خبرگزاری رویتر.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۹، ص۹، خبرگزاری یونایتدپرس.
۲۴ ـ مأخذ شماره ۷، ص۲.
۲۵ ـ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۸ (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص‌ص ۱۱۲ تا ۱۱۳.

روزشمار

شنبه

۲۳ تیر ۱۳۵۸

۱۹ شعبان ۱۳۹۹

۱۴ ژوئیه ۱۹۷۹

۸۱۵
در پی انتشار اعلامیه گروه چهارشنبه سیاه و پذیرش مسئولیت انفجار لوله‌های گاز و نفت خوزستان، روزنامه اطلاعات نوشت: «ابوالقاسم ستاریان دادستان انقلاب اسلامی خوزستان درباره این گروه (و به طور کلی جریان‌های موسوم به خلق‌عرب) گفت: ما اصولاً خلق و جامعه‌ای را به رسمیت نمی‌شناسیم، چون ملت ایران به رسمیت نمی‌شناسد. تحقیقات انجام‌شده و اطلاعات به‌دست‌آمده نشان می‌دهد آنهایی که ادعاهای گروه و خلق می‌کنند، هدفی جز تجزیه‌طلبی ندارند و ریشه این بی‌وطنی در خارج است و از خارج دستور می‌گیرند. کسانی‌که ادعای خلق می‌کنند، وابستگان ساواک منحله هستند. مدارک مستند و نام و نشانی که از آنها در دست داریم گویای آن است که هفتاددرصد آنها جاسوس یکی از کشورهای همسایه و یا جاسوس کشورهای دیگر هستند. وی اضافه کرد: در مورد اعلامیهٔ اخیر گروه چهارشنبه سیاه خلق عرب، باید گفت که هم از خارج الهام گرفته‌است و هم از خارج دنبال می‌شود. ما هر حلقومی راکه دم از تجزیه‌طلبی و خرابکاری بزند خواهیم فشرد و خفه خواهیم کرد.»

آیت‌الله شبیرخاقانی در گفت‌وگویی با اطلاعات در مورد گروه چهارشنبه سیاه ـ که مسئولیت انفجارهای اخیر در خطوط لوله نفت و گاز خوزستان را به‌عهده گرفته‌است ـ گفت: «من تابه‌حال اعلامیه‌ای از این گروه ندیده و نخوانده‌ام اما بعضی از مردم به من گفتند که چنین اعلامیه‌ای وجود دارد و همزمان با انفجارهای اخیر در سطح خوزستان پخش شده‌است. خرابکاری، حمل سلاح، تیراندازی و آتش‌سوزی، عقلاً، شرعاً و منطقاً حرام است و این کارها درست نیست. من مکرراً به دولت هشدار دادم با ملت خوزستان از طریق خشونت و شدت، عمل نکنند بلکه با مهربانی، برابری و محبت تمام مسائل حل می‌شود اما متأسفانه دولت مجاب نشد تا این‌که امروز شاهد چنین حوادثی هستیم. من بار دیگر به دولت و ملت نصیحت می‌کنم به قرآن و سنت حضرت پیغمبر (ص) رجوع و طبق مفاهیم اسلام رفتار کنند.»

شیخ عیسی‌خاقانی برادر آیت‌الله شبیرخاقانی نیز گفت: «حضرت آیت‌الله قبلاً نیز در

اعلامیه‌ای حمل سلاح و اذیت و آزار و آتش‌سوزی را به‌شدت محکوم کرده بود. به‌نظر آیت‌الله، عرب و عجم ندارد اما مصلحت منطقه ایجاب می‌کند دولت نگاهی از روی رحمت به اعراب خوزستان بیندازد.» وی افزود: کار خوزستان با خشونت حل نمی‌شود، باید از در مسالمت وارد شد چرا که اعراب چیز زیادی نمی‌خواهند. اصولاً این مسائل در چارچوب جمهوری‌اسلامی حل‌شده تلقی می‌شود؛ به‌عنوان مثال هیچ کُردی اجبار ندارد فارسی صحبت کند، بنابراین هیچ لزومی هم ندارد که فرماندار تبریز، تهرانی باشد.(۱)

۸۱۶
خبرگزاری پارس خبر داد که انفجار یک نارنجک در چهارراه شلمچه یک نفر مجروح برجای گذاشت. رئیس شهربانی خرمشهر در این باره گفت که عده‌ای از عناصر خرابکار نارنجکی زیر یکی از تریلرهای مستقر در چهارراه شلمچه کار گذارده که این نارنجک منفجر شده و راننده تریلر را مجروح کرد.(۲)

از سوی دیگر، پاسداران انقلاب آبادان بیش از ۳ هزار فشنگ کلاشینکف، ۳۰ عدد نارنجک، چند قبضه کلاشینکف، ۳۰ دست لباس غواصی و تعدادی اسلحه دست‌ساز و چند قبضه اسلحه کمری و مقداری پول و اوراق و اعلامیه که به‌زبان عربی چاپ شده بود، در جزیره مینو به‌دست آوردند. لوازم و اسلحه‌های مزبور با آرم عراقی و روسی مشخص گردیده بود.(۳)

در این حال به گزارش خبرگزاری پارس، یک شبکه جاسوسی به نفع دولت عراق در مرز خسروی کشف شد و سه تن از اعضای اصلی آن بازداشت شدند. در بازجویی نخستین روشن شد که این عده اطلاعاتی از ارتش و سایر فعالیت‌های ایران را بـه پـاسگاه‌های مـرزی عـراق می‌دادند.(۴)

۸۱۷
هاشم صباغیان وزیر کشور در مصاحبه با روزنامه اطلاعات گفت: «ما در مرز مشترک خود با عراق دچار مشکلات و توطئه‌هایی هستیم. در مرز کردستان مشکل ما گذشتن کُردهای عراقی از مرز ایران هنگام تحت تعقیب قرارگرفتن از سوی مأموران عراقی می‌باشد. ولی مشکل اصلی ما در مرز مشترک عراق با خوزستان است؛ در این منطقه توطئه‌هایی صورت می‌گیرد و از خاک عراق اسلحه قاچاق برای رساندن به عوامل ضدانقلاب به‌سمت خاک ایران فرستاده می‌شود.» وی افزود: توطئه‌های دیگری نیز علیه انقلاب ایران در این منطقه صورت می‌گیرد و ما با شدت هرچه بیشتر جلو این توطئه‌ها را خواهیم گرفت.(۵)

۸۱۸
دو هواپیمای سوخوی عراقی یکی از روستاهای حومه اورامانات را بمباران کردند و خسارات فراوانی به این روستا وارد آوردند. این هواپیماها ضمن بمباران روستای دوروله پایین در منطقه امامی، یک قایق عراقی را نیز که در رودخانه سیروان در حرکت بود منهدم کردند و سرنشینان آن را کشتند. به‌نوشته روزنامه‌اطلاعات، به‌دنبال تجاوز جنگنده‌های عراقی به خاک ایران و بمباران یک روستا، پیش‌مرگ‌های جلال طالبانی به پاسگاه ناوماجت در عراق حمله کردند و پس از کشتن بیست تن از چریک‌های دولتی مستقر در این پاسگاه، کلیه افراد پاسگاه عراقی را خلع سلاح کردند. در زدوخوردهایی که پیش‌مرگان جلال طالبانی و افراد پاسگاه ناوماجت عراق روی داد، یک پیش‌مرگ کشته شد.

براساس همین گزارش، افراد پاسگاه گمه عراق که مقابل پاسگاه شیخ‌حله ایران واقع شده‌است، عقب‌نشینی کرده و در کوه‌های "زیمناکوه" عراق یک پایگاه دیگر ایجادکردند. از سوی دیگر، ۵۰۰ تن از چریک‌های دولتی عراق در منطقه‌ای به‌نام گله‌جار واقع در مرزهای ثلاث و باباجانی مستقر شده و در حال سنگربندی هستند.(۶)

۸۱۹
یک افسر پناهندهٔ عراقی به‌نام "علی حسین رضا" که از طریق حوزه استحفاظی گروهان ژاندارمری موسیان به ایران پناهنده شده‌است، در یک مصاحبه با خبرگزاری پارس شرکت کرد. این پناهنده عراقی که خود را یکی از اعضای گروه اسلامی به رهبری امام محمدباقر صدر معرفی کرد، به بازگویی مطالبی درباره اقدامات و تحرکات دولت بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخت؛ از جمله گفت:

«موقعی که انقلاب ایران به پیروزی رسید حکومت بغداد اولین پایگاه برای عوامل شاه مخلوع (ژنرال‌ها و ساواکی‌ها) بود و دولت بعث تمام وسایل راحتی را برای آنها فراهم کرد. اکنون هم از آنها برای توطئه استفاده می‌کند، به اینها کمک مادی می‌کند و از خارج یعنی امریکا و انگلستان نیز به آنها کمک می‌شود. انقلاب اسلامی ایران، دولت بعثی را به وحشت انداخته و تعداد زیادی از نیروهای خود را به شمال و جنوب عراق و به‌طور کلی مرز ایران فرستاده است تا دولت اسلامی ایران را تضعیف کند. سلاح‌های زیادی به عوامل خود در مرز ایران و عراق و خوزستان مجاناً می‌دهد و کسانی از خوزستان می‌آیند و خودشان را معرفی [می‌کنند] و از پاسگاه‌های عراق اسلحه تحویل می‌گیرند و به خوزستان برمی‌گردند و توزیع می‌کنند. اخیراً صدام‌حسین از جنوب عراق دیدن کرد و تعداد زیادی رادیو و تلویزیون و یخچال مجاناً بین مرزنشینان عراقی توزیع شد و نیز در جنوب عراق دستگاه‌های اطلاعاتی نصب شده که با استفاده از این دستگاه‌ها ـ که به نظر من از امریکا وارد شده و خیلی دقیق هستند ـ کوچک‌ترین حرکت ارتش ایران را ضبط می‌کنند.(۷)

۸۲۰
خبرگزاری رویتر در تفسیری تحت عنوان "عراق، متحد نامطمئن شوروی" نوشت: عراق، متحد ظاهری شوروی که با غرب تشنهٔ نفت نیز دم از دوستی می‌زند، می‌کوشد که از شرق و غرب بیشترین سود را ببرد. دولت‌مردان بعثی عراق که دیرزمانی خود را قهرمانان متعصب آرمان‌های انقلابی معرفی کردند، اکنون معلوم شده‌است که مدافعان محافظه‌کار حاکمیتی هستند که سود آن با سود دنیای غرب آمیخته‌است. عراق تنها کشور عرب است که با اتحاد شوروی پیمان دوستی

دارد، در حالی که کمونیست‌های عراقی را دشمن‌ترین دشمنان داخلی خود تلقی می‌کند و عمده‌ترین طرف بازرگانی آن آلمان‌غربی، ژاپن و فرانسه است.

نیمه اول ژوئیه (امسال) سفر عده زیادی از دولت‌مردان غربی به بغداد ثابت کرد که رهبران بعثی عراق تصمیم دارند از ثروت نفتی خود برای بهترین خریدها از غرب استفاده کنند. نخست "لرد کارینگتون" وزیر امورخارجه انگلستان و درپی او "هانس دیتریش گنشر" وزیر امورخارجه آلمان‌غربی و "ریموندبار" نخست‌وزیر فرانسه به عراق سفر کردند، آنگاه "سومی اساکی" وزیر بازرگانی بین‌المللی ژاپن به بغداد سفر کرد. کوشش غربی‌ها برای توسعه روابط خود با عراق ـ که پس از عربستان سعودی و ایران از لحاظ میزان تولید نفت جای سوم را در جهان دارد ـ این تصور را برانگیخته است که رهبری عراق در نظر دارد روی از اتحاد شوروی بگرداند، اما اگر چه پیوندهای عراق و شوروی بر اثر مبارزه همه‌جانبه عراقی‌ها برای درهم شکستن حزب کمونیست عراق، متزلزل شده‌است، دیپلمات‌های آگاه به سیاست عراق گزارش‌های مربوط به قطع روابط دوستانه عراق با شوروی را فقط نشانه‌ای از یک تمایل دنیای غرب تلقی می‌کنند.

صدام‌حسین معاون شورای فرماندهی انقلاب عراق ضمن مصاحبه با یک روزنامه آلمان‌غربی گفت: «شما در غرب هرگز روابط بین بغداد و مسکو را به صورت عادی تلقی نکرده‌اید؛ شما در غرب یا گفته‌اید که بغداد دنباله‌رو مسکوست، یا گفته‌اید که روابط عراق و شوروی سرد و تیره است. هیچ‌یک از این دو تلقی درست نیست؛ واقع امر این است که ما با شوروی گاهی توافق داریم، گاه نیمه توافق، نیمه مخالف هستیم و گاه هم توافقی نداریم.» صدام‌حسین افزود: «در هر حال آنچه مسلم است، شوروی‌ها برخلاف امریکا نه هرگز اعراب را خوار کرده و نه هرگز علیه آنها توطئه کرده‌اند، با وجود این، عراق هرجا که مصلحتش اقتضا کرده، خواستار دوستی امریکا شده‌است.»

در بخش دیگری از تفسیر رویتر آمده‌است: در فوریه گذشته، عراق بعثی با محافظه‌کارترین دولت عرب یعنی عربستان سعودی موافقت‌نامه همکاری در امنیت داخلی امضا کرده و به موجب آن به تبادل اطلاعات در مورد عناصر به اصطلاح خرابکاری که از سعودی به عراق یا از عراق به سعودی می‌گریزند، پرداخته‌است. صدام‌حسین سه ماه پیش از آنکه رژیم منفور شاه در ایران سرنگون شود، به حمایت از او برخاست و ضمن سفری به ایران با او به گفت‌وگو نشست.

در این تفسیر درباره تأثیر انقلاب اسلامی بر عراق چنین آمده است: پیروزی انقلاب ایران در زیر پرچم اسلام توجه عمیق عمومی را به رهبری ایران جلب کرده‌است. در عراق ۱۲ میلیونی اکثریت با مؤمنان به مذهب تشیع است، درحالی که بیشتر مقام‌های اصلی و تصمیم‌گیری را مؤمنان به مذهب تسنن در اختیار دارند و گزارش‌هایی حاکی از آن است که شیعیان عراقی علیه رهبران بغداد به تظاهرات وسیعی پرداخته‌اند که دامنهٔ آن رو به توسعه و پایان آن نامشخص است.[۸]

۸۲۱

در حالی‌که بحران در خوزستان به اوج خود رسیده‌است، امروز در کردستان نیز حادثهٔ مهمی اتفاق افتاد که می‌توان آن را سرآغاز مرحله جدیدی از اقدامات مسلحانه ضدانقلاب اسلامی در این بخش از کشور دانست. در این حادثه گروه‌ها و سازمان‌های درپی نفوذ برای جلوگیری از شکل‌گیری نهادهای تحکیم‌کننده حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه، به مقر سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی مریوان که به همت عده‌ای از عناصر محلی معتقد به انقلاب برپا شده بود، حمله کردند و به قتل عام پاسداران پرداختند. در این حمله، ۱۷ نفر از ۲۵ پاسدار مستقر در مقر به شهادت رسیدند و بقیه زخمی شدند (خبر ضمیمه دارد).

۸۲۲

امروز با هدایت، تبلیغات و سازمان‌دهی گروه‌هایی چون "جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب سنندج"، "چریک‌های فدایی خلق" ـ دفتر سنندج، ـ که تشکل‌هایی چون "معلمان آزاد" و "سازمان زنان سنندج"را نیز در کنار خویش داشتند، جمعیت زیادی در میدان آزادی این شهر اجتماع کردند، سپس به راهپیمایی پرداختند. آنها شعار می‌دادند: قیاده موقت باید از ایران اخراج شود؛ وعده‌هایی که دولت به کردستان داده باید سریعاً به مرحله اجرا درآید؛ کردستان گورستان مرتجعین خواهد بود.[۹] راهپیمایان موافقت با استعفای یونسی استاندار کردستان را محکوم کرده و دولت را به تسلیح فئودال‌ها و تشکیلات عشایری متهم کردند،[۱۰] همچنین مدعی شدند که رادیو تلویزیون برای توطئه علیه خلق کرد به زمینه‌سازی پرداخته‌است.[۱۱] در پایان راهپیمایی قطع‌نامه‌ای در ۱۱ ماده انتشار یافت که در آن آمده‌است:

«شرکت‌کنندگان در میتینگ و راهپیمایی روز شنبه ۵۸/۴/۲۳ در اعتراض به توطئه‌های مرتجعین پلید و با اعتقاد کامل به نیروی لایزال زحمت‌کشان خلق‌های قهرمان ایران در پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی، خواسته‌های زیر را برای آگاهی مردم مبارز ایران و ارگان رهبری مملکت عنوان کرده و برای به‌دست‌آوردن آنها قاطعانه می‌کوشیم و انقلاب را تا پیروزی نهایی ادامه می‌دهیم.» در ادامه، خواسته‌های زیر اعلام شده‌است:

۱ ـ به مقامات دولتی و رهبری انقلاب هشدار می‌دهیم که نگذارند گامی برخلاف جهت منافع خلق کرد برداشته شود. ۲ ـ یاوه‌گویی‌های رادیو تلویزیون را علیه خلقمان شدیداً محکوم می‌کنیم. ۳ ـ کمک‌های مختلف دولت در مسلح کردن فئودال‌های غارتگر و تشکلات عشایری مورد تنفر و انزجار شدید ماست. ۴ ـ شوراها و اتحادیه‌های انقلاب دهقانان باید مورد پشتیبانی همه مردم مبارز قرار گیرند. ۵ ـ دارودسته جنایتکار وابسته به امپریالیسم "قیاده موقت" باید سریعاً از ایران اخراج گردند. ۶ ـ موافقت دولت با استعفای استاندار کردستان را شدیداً محکوم می‌کنیم. ۷ ـ پیش‌نویس قانون اساسی و مجلس به اصطلاح خبرگان را رد می‌کنیم. ۸ ـ پشتیبانی کامل خود را از حقوق خلق قهرمان و به‌خون‌کشیده عرب و سایر خلق‌های ایران اعلام می‌داریم.
۹ـ ما تنفر و انزجار خود را از دستگیری مرتجعانه مبارزین و مجاهدین واقعی اعلام کرده و

وزارتخانه‌ها و مؤسسات مربوطه در محوطه و ساختمان‌های دولتی خودداری نمایند و به‌طریق معمول و معقول خواسته‌ها و نظریات خود را با ارسال نامه یا معرفی نماینده ابراز دارند. چنین اجتماعات علاوه بر آنکه مخل نظم و آرامش مورد نیاز عموم می‌باشد و زیبندهٔ ملتی که با وحدت کلمه برای سرنگونی نظام استبدادی و استقرار جمهوری اسلامی انقلاب کرده‌است و دولت مورد اعتماد منتخب رهبر خود را بر سر کار می‌بینند، نمی‌باشد، بلکه مانع انجام وظیفه مسئولین امر و پیشرفت کار کشور نیز می‌گردد. شایسته نیست بعضی از گروه‌ها و مردم روی اغفال یا تحریک قوای ضدانقلاب خواسته باشند با دولت ملی موقت جمهوری اسلامی ایران که حداکثر وقت و نیروی خود را در خدمت مملکت گذارده و با حسن‌نیت تمام به وظایف محوله قیام و اقدام می‌کند، با آن روالی طرف شوند که در خور دولت‌های ضدملی گذشته بوده‌است. دولت حاضر در برابر آنچه حق و قانونی است تمکین و تبعیت دارد و هرخواسته‌ای را تا آنجاکه قابل قبول و قابل اجرا باشد، می‌پذیرد ولی مصمم است در برابر فشار و تحمیل تسلیم نگردد.»[۲۰]

۸۲۹
دکتر صادق طباطبائی معاون سیاسی و سخن‌گوی دولت، در یک مصاحبه مطبوعاتی موارد عفو عمومی را که امام‌خمینی در نیمهٔ شعبان اعلام کردند، تشریح کرد: با صدور فرمان عفو از طرف امام‌خمینی لیست ممنوع‌الخروج‌های کشور به حدود یک چهارم تقلیل پیدا کرده‌است، زیرا بر اساس این فرمان، کسانی‌که مرتکب چهار گناه کبیره یعنی شرکت مستقیم در قتل، صدور فرمان قتل و کشتار عمومی، شکنجه مجاهدین و مبارزان ملی و غارت بیت‌المال و اموال عمومی نشده‌اند، مورد عفو امام هستند و طبیعتاً از لیست ممنوع‌الخروج‌ها حذف شده‌اند.[۲۱]

روزنامه اطلاعات در گزارشی در این باره می‌نویسد: «تعداد ممنوع‌الخروج‌ها ۲۲ هزار نفر است که ۱۶ هزار نفر ازاین گروه محکومیت و معذوریت‌های غیرسیاسی دارند و ۶ هزارنفر دیگر افرادی هستند که از سوی دولت موقت جمهوری اسلامی ممنوع‌الخروج شده‌اند که ۷۵۰ تن از آنان نمایندگان مجلسین‌منحله از سال ۱۳۴۲ تا پایان بهمن‌ماه ۱۳۵۷ هستند و ۸۰۰ تن از آنان وزرا و معاونان آنان می‌باشند، گروه دیگر نظامیانی هستند که دارای درجات امیری در ارتش شاه مخلوع بوده‌اند که آنان نیز تعیین تکلیف، حق خروج از کشور را ندارند.» خبرنگار سیاسی اطلاعات می‌افزاید: «ممنوعیت خروج نظامیان بر اساس بخش‌نامه ۱۲۰۷۱ سوم تیرماه است که به امضای هادوی دادستان انقلاب صادر شده که در فرودگاه مهرآباد از خروج آنان ممانعت می‌شود. در این بخش‌نامه، تنها نظامیان شاغل و بازنشسته ارتش می‌توانند ازکشور خارج شوند که بیمار باشند و یا ستادکل دادستانی اداره دوم اجازه خروج آنها را صادر کرده باشد.» اطلاعات در گزارش خود می‌نویسد: کلیه کسانی‌که ممنوع‌الخروج‌هستند می‌توانند با مراجعه به مقام‌های مسئول فرودگاه نسبت به وضع خود پرسش نمایند که آیا ممنوعیت آنها تمام شده است و حق خروج از کشور را دارند یا همچنان در این مورد ممنوعیت دارند.[۲۲]

۸۳۰
به نوشته یک هفته‌نامه داخلی، ایران از پرداخت تعهدات خود به صندوق اوپک برای کمک به کشورهای کم بضاعت خودداری کرده است. جمع تعهدات ایران در رژیم گذشته ۴۵۰ میلیون دلار بوده است که از این مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار قبلاً پرداخت شده است. دولت ایران علت پرداخت نکردن این تعهد را فقر و گرسنگی مردم ایران ذکر کرده است. از جمله مراکزی که از این کمک‌ها برخوردار می‌شده‌اند عبارتند از: اردن، سنگال، افغانستان، پاکستان، یک دانشگاه امریکایی و یک بیمارستان در ایتالیا و یک کتابخانه در آکسفورد.[۲۳]

۸۳۱
وزارت خارجه امریکا اعلام کرد که آن کشور به مبلغ یک میلیارد و دویست میلیون دلار اسلحه و تجهیزات نظامی به عربستان سعودی خواهد فروخت. این اسلحه و تجهیزات برای نوسازی چهار لشکر از نیروهای مسلح عربستان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. به‌گزارش یونایتدپرس، سخن‌گوی وزارت‌امورخارجه امریکا تکذیب کرد که رابطه‌ای وجود دارد میان موافقت آن کشور مبنی بر فروش اسلحه به عربستان و تقاضای امریکا از آن کشور تا تولید و صدور نفت خود را به امریکا افزایش دهد.[۲۴]

ضمیمه خبر شماره ۸۲۱

از لحاظ اهمیت تاریخی شایسته بوده که در این روز از روز شمار، واقعه مریوان با تفصیل بیشتری که در خور مطلب است آورده شود و این حادثه به اختصار برگزار نگردد، اما در عمل چنین نشد و تفصیل حادثه به بعد موکول گردید. دلیل این امر آن است که حادثه مریوان سرآغاز یک دورهٔ بارز و با مضمونی مشخص در بحران‌های مبتلابه انقلاب‌اسلامی است که موضوع محوری جلد سوم از مجلدات چهارگانه کتاب "نخستین بحران‌های پس از پیروزی" می‌باشد. این حادثه که در ۱۳۵۸/۴/۲۲ واقع شده است علی‌القاعده در شروع کتاب یادشده، با موضوع محوری "بحران کردستان" خواهد بود. از طرفی، این روز و چند روز بعد، روزهای اوج بحران خوزستان است، موضوعی که نمی‌تواند ناتمام رها بشود و به بعد موکول گردد، از این‌رو در این کتاب به اشاره‌ای در باب مریوان اکتفا گردید تا روند حوادث خوزستان به نقطه‌ای مناسب ختم شود و کتاب حاضر با آن تمام شود، در عین حال حادثه مریوان به تفصیل ضمن اخبار روزهای بعد در جلد بعدی بازگو خواهد شد و ازاین‌جهت نقصی باقی نخواهدماند.

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۲۳

۱ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص۳.
۲ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲۱، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص۱۱.
۳ ـ روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص۳.
۴ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۴، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص۱.

۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱.
۶ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲.
۷ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۳، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص‌ص ۲ تا ۴.
۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۲، رویتر.
۹ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص ۲.
۱۰ ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص ۲.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۱۱.
۱۲ ـ سند شمارهٔ ۲۰۹۹۲۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، متن قطع‌نامه راهپیمایی سنندج در روز ۱۳۵۸/۴/۲۳.
۱۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۶.
۱۴ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱۲.
۱۵ ـ نشریه کار، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، سال اول، شماره ۲۰، ص ۹.
۱۶ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۱۲.
۱۷ ـ روزنامه مردم، ارگان حزب توده ایران، دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۹، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص‌ص ۱ تا ۳.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱۲.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۱، ص ۱۲.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۲، ص‌ص ۱ و ۲.
۲۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص ۱.
۲۲ ـ مأخذ شماره ۹، ص ۱۲.
۲۳ ـ هفته‌نامه بامشاد، سال اول، شماره دوم (انتشارات شرکت سهامی سرشار). ۲۳ تیر تا ۳۰ تیر ۱۳۵۸، ص ۶.
۲۴ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص ۴.

روزشمار

یکشنبه

۲۴ تیر ۱۳۵۸

۲۰ شعبان ۱۳۹۹

۱۵ ژوئیه ۱۹۷۹

۸۳۲
امروز در خرمشهر حوادثی رخ داد که اوضاع سیاسی، اجتماعی و امنیتی را در این شهر به کلی دستخوش تحول نمود. فشردهٔ حوادث امروز چنین است: به مناسبت سومین روز شهادت پاسدار انوشیروان رضایی مسئول پاسداران اعزامی از خرم‌آباد،[۱] به دعوت جامعه روحانیت خرمشهر مراسمی در ساعت ۹ صبح در مسجدجامع این شهر برپا شد. در این مراسم که به نوشته مطبوعات سی‌هزار تن در آن شرکت داشتند، حجت‌الاسلام سیدابوالقاسم دیباجی به‌عنوان نماینده امام‌خمینی در خوزستان، طی سخنانی با تأکید بر حمایت از انقلاب‌اسلامی و پیروی از امام‌خمینی، گفت: «باید به تشکیل سازمان پرداخت و به طور متحد با ضدانقلاب جنگید.» پس از آن حجت‌الاسلام محمدی (یکی از روحانیون منطقه) پشت تریبون قرارگرفت و در سخنانی به تبیین حوادث خوزستان پرداخت و گفت: «این دولت کاملاً اسلامی که منتخب امام و مورد تأیید عموم ملت است، خواست آزادی بدهد، اما این آزادی دادن‌های فراوان موجب فرصت‌طلبی و لجام گسیختگی‌ها شد. بنابراین ما خواستار آنیم که دولت مصراً با این ناهنجاری‌ها مبارزه کند.»[۲]

پس از این سخن‌رانی، مردم از مسجدجامع به راهپیمایی در خیابان‌های اصلی شهر پرداختند و در محکومیت ضدانقلاب و طرفداری از مدنی استاندار خوزستان شعار دادند، سپس در میدان مقبل توقف کردند و به سخنان نمایندهٔ پاسداران گوش فرا دادند.[۳] آن‌گاه حجت‌الاسلام محمدی قطع‌نامه تظاهرات را قرائت کرد که در آن، ضدانقلاب و تحرکات تجزیه‌طلبانه تقبیح و بر حمایت از انقلاب‌اسلامی، امام، دولت و استاندار خوزستان تأکید شده بود.[۴] پس از آن، مردم برای اقامه نماز ظهر و شنیدن زندگی‌نامه شهید، در حدود ظهر به مسجدجامع برگشتند؛ در این‌جا ابتدا دو تن از روحانیان (حجت‌الاسلام دیباجی و محمدی) با تشکر از مردم به دلیل راهپیمایی، بر حفظ وحدت و پیروی از امام‌خمینی رهبر انقلاب، تأکید کردند،[۵] سپس نماینده سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی پشت تریبون قرارگرفت و از مردم

خواست برای مقابله با ضدانقلاب تحرک بیشتری از خود نشان دهند. در ادامه پس از قرائت زندگی‌نامه شهید رضایی، یکی از دانشجویان دانشکده محبّ[۶] خرمشهر طی سخنانی فرماندار خرمشهر را به علت رسیدگی نکردن به نیازهای ضروری شهر و نداشتن قاطعیت انقلابی، مورد انتقاد قرار داد.[۷] در آخرین لحظات این سخنرانی ناگهان نارنجکی از ضلع جنوبی مسجد به داخل حیاط آن پرتاب شد که بر اثر انفجار آن در میان انبوه مردم هفت تن کشته و حدود شصت تن زخمی شدند. متعاقب آن، گروهی به سوی جمعیت آتش گشودند و گریختند که پاسداران انقلاب‌اسلامی به تعقیب آنها پرداختند اما مهاجمان با استفاده از خلوتی کوچه‌ها متواری شدند.[۸] علاوه بر این، به هنگام انتقال مجروحان به بیمارستان، از اطراف منزل شیخ شبیرخاقانی به طرف مردم و پاسداران تیراندازی شد که پاسداران به مقابله برخاستند و خانه‌ای را که از پشت‌بام آن تیراندازی می‌شد، به محاصره درآوردند. پس از تیراندازی متقابل که به جراحت یک پاسدار و کشته شدن دو ضدانقلاب انجامید، پاسداران انقلاب به خانه هجوم بردند و آن را به تصرف درآوردند، سپس با دستگیری عده‌ای، در آن مستقر شدند.[۹] به هنگام هجوم پاسداران، از منزل شیخ شبیرخاقانی تلفنی به فرمانداری خرمشهر اطلاع داده شد که عده‌ای از پاسداران به منزل ایشان هجوم برده‌اند. مراتب از طریق فرمانداری به پایگاه دریایی خرمشهر اطلاع داده شد و برای جلوگیری از هر نوع حادثه‌ای عده‌ای از تکاوران به آن محل اعزام شدند.[۱۰]

پس از استقرار پاسداران در منزل شیخ شبیر، شیخ به همراه خانواده‌اش به مسجد امام‌صادق(ع) راهنمایی شدند و منزل و کتابخانه وی مورد بازرسی قرارگرفت. پس از دو ساعت بازرسی که در حین آن، ۴ قبضه تفنگ ژ - ۳، یک قبضه کلاشینکف، یک قبضه تفنگ شکاری، ۸ عدد نارنجک و مقداری اوراق و اسناد به دست‌آمد،[۱۱] شیخ و خانواده‌اش مجدداً به منزل راهنمایی شدند و در یکی از اتاق‌ها استقرار یافتند و در سایر اتاق‌ها قفل شد. پاسداران نیز در بیرون منزل مستقر شدند و کوچه و اطراف آن را تحت نظر گرفتند.[۱۲]

از سوی دیگر، بلافاصله پس از حادثه مسجدجامع، حالت فوق‌العاده در خرمشهر اعلام شد و پاسداران انقلاب خیابان‌های اطراف مسجدجامع را تحت مراقبت شدید گرفتند.[۱۳] ادارات دولتی، بنادر و گمرک و همچنین مغازه‌های شهر به‌حال تعطیل درآمد و مأموران انتظامی و پاسداران انقلاب تلاش گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری عاملان ماجرا آغاز کردند.[۱۴] همچنین به منظور پیش‌گیری از حوادث ناگهانی و خنثی کردن هرگونه توطئه‌ای، نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی در سراسر استان به‌حال آماده‌باش درآمدند و مراقبت شدیدی از تأسیسات نفتی به‌عمل آمد.[۱۵]

۸۳۳
به نوشته مطبوعات، پس از واقعه مسجدجامع خرمشهر، این شهر در التهاب و دلهره فرو رفت و پاسداران انقلاب با گشت در خیابان‌های شهر جست‌وجوی وسیعی را برای دستگیری مسببان


نمونه‌ای از ویرانی‌های به‌جا مانده از درگیری‌های خرمشهر

واقعه آغاز کردند.[۱۶] در یکی از این گشت‌ها، از یک خانه در خیابان مولوی خرمشهر چند قبضه موشک‌انداز از نوع آر.پی.جی.۷، مقدار زیادی مواد منفجره تی. ان. تی.، شانزده بسته خرج خمیری برای انفجار پل‌ها و راه‌آهن) به‌دست آمد و چهارتن نیز دستگیر شدند.[۱۷] با این چهار نفر، تعداد دستگیرشدگان وقایع خرمشهر در پایان روز به ۲۰ تن رسید. در بین دستگیرشدگان عده‌ای از عناصر عراقی نیز به چشم می‌خوردند. در مطبوعات به‌نقل از یکی از پاسداران خرمشهری چنین آمده‌است: دو تن از دستگیرشدگان تبعه عراق هستند و در بازجویی‌هایی که از آنها شد، معلوم گردید که این دو نفر در کار قاچاق و وارد کردن اسلحه به خاک ایران دخالت داشته‌اند.[۱۸]

۸۳۴
سیدمحمدرضا علوی فرماندار خرمشهر شب‌هنگام در گفت‌وگویی با خبرنگار کیهان گفت: «در بین دستگیرشدگان امروز، عده‌ای از تبعه عراق دیده می‌شوند اما تصور نمی‌رود عراقی‌ها در حادثه حمله به مسجدجامع خرمشهر دخالت کرده باشند، اما دخالت آنها در حوادث قبلی این شهر از جمله انفجارها و حمله به مراکز و تأسیسات عمومی شهر، حتمی است و دادگاه انقلاب‌اسلامی درباره آنها تصمیم خواهد گرفت.» وی افزود: «حمله امروز به مسجدجامع توسط گروهی از افراد محلی صورت گرفته‌است که بیشتر انها دستگیر شده‌اند و تلاش وسیع پاسداران برای دستگیری بقیه آنها نیز ادامه دارد. بعدازظهر امروز چندین خانه توسط پاسداران

انقلاب‌اسلامی در خرمشهر مورد بازرسی قرارگرفت؛ در این خانه‌ها تعداد زیادی اسلحه کلاشینکف و نارنجک دستی ساخت شوروی به‌دست آمد و دارندگان آنها دستگیر شدند که بازجویی از آنها ادامه دارد.» فرماندار افزود: گروهی از کسانی که به مسجدجامع حمله کرده و با پرتاب نارنجک موجب مرگ هفت‌نفر و مجروح شدن دهها نفر شدند، دستگیر شده‌اند و آقای زرگر دادستان انقلاب‌اسلامی خرمشهر بلافاصله کار بازجویی از متهمان را آغاز کرد. با سرعتی که در بازجویی از متهمان اعمال می‌شود تصور می‌کنم دادگاه انقلاب‌اسلامی همین امشب رأی خود را درباره آنها صادر کند و اگر در بین دستگیرشدگان افرادی مستحق مرگ نیز تشخیص داده شوند، حکم درباره آنها به مرحله اجرا در خواهد آمد.[۱۹]

۸۳۵
بازجویی از دستگیرشدگان ـ که پاسداران انقلاب‌اسلامی آن را آغاز کرده بودند ـ با ورود ابوالقاسم ستاریان دادستان انقلاب‌اسلامی خوزستان که به همراه مدنی استاندار خوزستان به خرمشهر آمد، سرعت بیشتری گرفت. در این بازجویی‌ها عده‌ای از دستگیرشدگان که خود را وابسته به گروه چریکی چهارشنبه سیاه یا صاعقه معرفی کرده بودند، به شرکت در حادثه مسجدجامع و سایر حوادث خرمشهر اعتراف کردند. پرونده متهمان بلافاصله به دادگاه انقلاب‌اسلامی فرستاده شد و دادگاه پس از شنیدن اظهارات متهمان، چون وقوع جرم به دست آنان را محرز دانست، رأی خود را درباره سه تن از آنها صادر کرد. در این باره در اطلاعیه شماره ۱ دادستان انقلاب‌اسلامی خوزستان چنین آمده‌است:

«بسمه‌تعالی. محاربین با خدا و رسول خدا و مفسدین فی‌الارض: ۱ ـ عبدالرضا الحاقی، ۲ ـ محمد اصغریان، ۳ ـ جاسم بیت‌صیاع، به‌جرم اقدام به قتل دو نفر از پاسداران انقلاب‌اسلامی و پنج تن دیگر از برادران مسلمان و مؤمن در مسجدجامع خرمشهر که با پرتاب نارنجک در مسجدجامع خرمشهر منجر به شهادت آنان گردید، به اعدام محکوم شدند و حکم صادره درباره آنها در ساعت ۱۰ شب به مرحله اجرا درآمد. توضیح این‌که معدومین فوق‌الذکر در بعدازظهر روز یکشنبه دستگیر شده بودند.»[۲۰]

از سوی دیگر، مدنی استاندار خوزستان که به اتفاق سرهنگ رضا کنزی فرمانده ژاندارمری خوزستان، سرهنگ محمدحسین حقیقی فرمانده لشکر خوزستان و ابوالقاسم ستاریان دادستان انقلاب‌اسلامی خوزستان بعدازظهر امروز برای بررسی چگونگی وقوع واقعه خرمشهر به این شهر آمده‌است، بلافاصله با فرماندار و مسئولان محلی برای بررسی علل واقعه جلسه‌ای تشکیل داد که تا پاسی از شب ادامه داشت.[۲۱] در این جلسه تصمیم گرفته‌شد برای جلوگیری از پیش‌آمدی علیه جان شیخ شبیر، وی به نقطه امنی برده شود.[۲۲]

۸۳۶
در پی حوادث امروز خرمشهر و مهار امور به دست پاسداران انقلاب‌اسلامی (بومی و اعزامی از سایر نقاط کشور)، در آخرین ساعات شب سیدمحمدرضا علوی فرماندار خرمشهر در اعتراض

به آنچه آن را "دخالت افراد غیر مسئول در خوزستان" عنوان کرد، از سمت خود استعفا داد و با ارسال تلگرافی علل استعفای خود را به‌اطلاع امام‌خمینی و مهندس بازرگان رساند. متن استعفای فرماندار خرمشهر چنین است:

«با همه اعتقاد و ایمانی که به شخص تیمسار دکتر مدنی دارم و با همه علاقه‌ای که برای ارائه خدمت ناچیزم به مردم قهرمان خرمشهر احساس می‌نمایم، از آنجا که دخالت افراد غیرمسئول و دیرآمدگان انقلاب‌زده که با توطئه‌های خویش مردم بی‌گناه عرب و عجم را به مسلخ می‌برند و با شیوه‌های جاه‌طلبانه خود خوزستان را به راهی می‌کشانند که باتلاق دولت آینده ایران خواهد شد و از آن‌جایی که اعتقادات مردمی، میهنی و مذهبی این‌جانب در یک موج فاشیستی و افراطی ملهم از طراحان مقیم اهواز و تهران محو و نابود می‌شود، از آن‌جایی که علی‌رغم تمام تأکیدهایی که به عمل آمده، دولت نتوانسته یک سیاست مشخص و معین که قابل دوام باشد ارائه دهد و با تأسف بسیار و در شرایطی که ادامه یک خدمت انقلابی را که هدیه‌ای برای ایران عزیز باشد، غیرممکن می‌دانم، لذا از سمت فرمانداری خرمشهر استعفا می‌دهم و بدین وسیله حضور امام‌خمینی رهبر کبیر انقلاب، ملت ایران و دولت جناب آقای بازرگان که شخص ایشان همیشه برای من نمونه‌ای از تمامی یک عنصر ملی هستند، اعلام می‌کنم. برای مقابله با این خطر مشهود با تمام قدرت و نیرو تیمسار مدنی را حمایت فرمایید.»[۲۳]

۸۳۷
درپی تشدید ناآرامی‌های استان خوزستان و احتمال بروز تهدیداتی علیه تأسیسات نفتی، حسن نزیه رئیس هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران به اتفاق صادق طباطبایی وزیر مشاور در امور سیاسی و سخن‌گوی نخست‌وزیر، با امام‌خمینی ملاقات کرد. طباطبایی درباره مسائل مطروح در این ملاقات به خبرنگار روزنامه اطلاعات گفت: در طول یک‌ساعت و نیم ملاقات با امام، آقای حسن نزیه در مورد مسئله امنیت مناطق نفتی و اقدامات خرابکارانه و توطئه‌هایی که در چند روز اخیر صورت گرفته‌است مطالبی را عنوان کرد و اشاره نمود که عوامل خارجی و عناصر ضدانقلاب دست‌اندرکار صدمه زدن به تأسیسات نفتی و تضعیف دولت موقت انقلاب‌اسلامی هستند. من هم از اقداماتی که به‌وسیله دولت موقت انقلاب به منظور بسیج نیروهای انتظامی و ارتش و مشارکت پاسداران انقلاب برای حفظ تأسیسات صنایع نفت و امنیت منطقه و همچنین تسهیل در کار صدور نفت انجام شده، گزارشی به رهبر انقلاب تسلیم کردم و همچنین در زمینه بحران‌های سیاسی داخلی و وضع اقتصادی کشور و نیز اوضاع زندان‌ها و چگونگی برگزاری انتخابات مجلس خبرگان مسائلی را با امام‌خمینی در میان گذاشتم که از طرف رهبر انقلاب رهنمودهایی داده شد که برای اجرا تسلیم هیئت دولت شود.

صادق طباطبایی افزود: رهبر انقلاب اصرار داشتند که به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها هشدار داده شود که در این برهه زمانی، انقلاب با حادترین مسئله یعنی مسئله قانون‌اساسی روبه‌روست و تمام حوادث و رویدادهای نامبارکی که از جانب عوامل ضدانقلاب انجام می‌شود

بکاهند. یکی از مسائلی که عوامل ضدانقلاب شایع کرده‌اند و آن‌را تقویت می‌کنند این است که دولت جدید ایران اهداف توسعه‌طلبانهٔ نظام شاهنشاهی را دنبال می‌کند. این امر نگرانی‌هایی را برای کشورهای منطقه به‌وجود آورده‌است. باید توجه داشت که انقلاب امری صادر شدنی نیست و دولت جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌وجه چنین هدفی را دنبال نمی‌کند.» وی افزود: وقتی مسائل روشن شود و قضایی از حسن‌تفاهم به‌وجود آید، می‌توان همه مشکلات را حل کرد. به نظر من یک دیپلماسی واقع‌بینانه نمی‌تواند و نباید مفروضات خود را بر پایه‌گزارش‌های روزنامه‌های خارجی ـ که عمدتاً رابطه خوبی هم با انقلاب ایران ندارند ـ بنا کند. ما با سفیر عراق درباره روابط دو کشور گفت‌وگو کردیم و گمان می‌کنم که راه برای حل بسیاری از مشکلات باز باشد.

وی درباره حملات اخیر هواپیماهای عراقی به خاک ایران گفت: دولت عراق در خاک خود مانورهایی دارد و یا برخی از سرزمین‌های مرزی خود را بمباران می‌کند، در این شرایط امکان دارد که اشتباهاً برخی از نواحی مرزی ایران نیز مورد اصابت بمب قرار گیرد. در گذشته که چنین اتفاقی رخ داده، دولت عراق رسماً و کتباً ضمن پوزش‌خواهی، اعلام کرد که این واقعه به سهو رخ داده‌است و آمادگی خود را نیز برای جبران خسارات اعلام کرد.

دکتر یزدی در پاسخ پرسش خبرنگاران تأکید کرد که احتمال ملاقات‌هایی در سطح وزیران بین ایران و عراق وجود دارد.

وی در پاسخ پرسش دیگری در این مورد که "تعیین یک سفیر تازه از سوی دولت عراق آیا فرصت‌های تازه‌ای را برای حل مشکلات کنونی به‌وجود خواهد آورد؟" گفت: ما این اقدام را یک قدم مثبت ارزیابی کرده، با توجه به شخصیت و سوابق سفیر تازه، انتصاب وی را گامی در راه بهبود روابط دو کشور تلقی می‌کنیم.

"احمد حسین‌السامرایی" سفیر تازه دولت عراق در ایران نیز در یک گفت‌وگو با نمایندگان رسانه‌های گروهی شرکت کرد و درباره ملاقاتش با دکتر ابراهیم یزدی وزیر خارجه ایران گفت: «خوش‌وقتم که با وزیر خارجه دولت جمهوری اسلامی ایران ملاقاتی داشتیم و در طی آن، مسائل مربوط به دو کشور را مورد مذاکره قرار دادیم. بین ایران و عراق روابط عمیق و ممتدی وجود دارد که امیدوارم همچنان بر مبنای دوستی و صداقت پایدار باقی بماند.» وی افزود: از جهات مختلفی در خارج از دو کشور سعی می‌شود که بین ایران و عراق سوءتفاهم‌هایی به‌وجود آید. ما با تکیه بر حسن‌نیت مقامات دو کشور سعی داریم که مشکلات موجود را نیز از میان برداریم و به روابط دوستانه بین دو کشور ادامه دهیم.

سفیر عراق درباره مسائلی که اخیراً در مرزهای ایران و عراق پیش‌آمده گفت: ایران و عراق مرزهایی طولانی دارند و ممکن است گاه پیش‌آمدهایی رخ دهد، ما در این موارد با توجه به کلیه قراردادهای بین دو کشور، به بررسی مسئله می‌پردازیم و در رفع آنها می‌کوشیم.

وی در مورد انقلاب‌اسلامی ایران گفت: ما موضع انقلاب‌اسلامی ایران را در قبال مسئله

فلسطین تأیید می‌کنیم و در قبال مسئله کشورهای غیرمتعهد و مبارزه علیه امپریالیسم، در کنار انقلاب ایران هستیم.

احمد حسین‌السامرایی سفیر تازه عراق در ایران در مورد حوادث خوزستان و مطالب مربوط به دخالت دولت عراق گفت: «ما چون اجازه نمی‌دهیم که کشوری در امور داخلی ما دخالت کند، در امور داخلی کشورهای دیگر به‌ویژه کشور همسایه‌ای چون ایران دخالت نخواهیم کرد.» او در مورد قاچاق اسلحه از عراق به ایران، گفت: «عوامل متعددی وجود دارد که می‌خواهد به انقلاب عراق صدمه بزند، کسانی‌که این شایعات را می‌سازند از این گروه هستند.» وی در پایان این گفت‌وگو، مسئله قاچاق اسلحه از عراق به ایران را شدیداً تکذیب کرد.(۳۰)

۸۴۳
مرکز اسناد و مدارک سری کنگره امریکا در گزارشی خاطرنشان کرده‌است: «امریکا به سبب مخاطرات فوق‌العاده شدیدی که مداخله مستقیم ارتش امریکا در خلیج‌فارس در پی خواهد داشت، نمی‌تواند به یک جنگ نفت در این منطقه دست بزند.» به نوشته روزنامه نیویورک‌تایمز، در این گزارش اضافه شده‌است: دست‌زدن به چنین عملیاتی در درجه اول خطر مداخله مستقیم شوروی را در پی خواهد داشت. شوروی می‌تواند برای پراکنده ساختن نیروهای اعزامی امریکا در مناطق دیگر جهان مثلاً در کره یا برلن آشوب به راه اندازد. موقعیت مداخله مسلحانه امریکا در خلیج‌فارس به دو عامل اصلی بستگی دارد: حفاظت چاه‌های نفت از عملیات خرابکاری و اطمینان به این‌که شوروی در منطقه مداخله نخواهد کرد و این کار امکان‌پذیر نیست.

در این گزارش تأکید شده‌است: غافل‌گیری کامل شوروی ـ که شرط موفقیت عملیات است ـ در اوضاع و احوال کنونی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، پیاده کردن لشکر ۸۲ هوابرد (تنها واحد نظامی امریکا که می‌تواند به چنین عملیاتی دست بزند) مستلزم جمع‌آوری تعداد زیادی هواپیماهای حمل و نقل در فاصله بسیار کوتاه است و این کار امکان‌پذیر نیست و این یکی دیگر از عوامل است که مانع غافل‌گیرشدن طرف شوروی می‌شود، لذا نظر به این‌که شرط اصلی برای موفقیت یک حمله غافل‌گیرانه، امکان‌پذیر نیست، استفاده از نیروهای امریکایی برای اشغال چاه‌های نفت اوپک، برای ایالات متحده بسیار خطرناک و فاجعه‌بار خواهد بود.(۳۱)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۸/۴/۲۴

۱ ـ روزنامه انقلاب‌اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص‌ص ۱ تا ۱۱.
۲ ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص‌ص ۱ و ۲.
۳ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص ۳.
۴ ـ مأخذ شماره ۲.
۵ ـ مأخذ شماره ۱.
۶ ـ مأخذ شماره ۲، ص ۱.
۷ ـ مأخذ شماره ۱.
۸ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص ۳.
۹ ـ پیشین و روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص‌ص

۳ و ۱۶.

۱۰ ـ خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۴، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص۱.

۱۱ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۶، ص۲.

۱۲ ـ مأخذ شماره ۳، ص۱۶.

۱۳ ـ مأخذ شماره ۳، ص۳.

۱۴ ـ مأخذ شماره ۸.

۱۵ ـ مأخذ شماره ۳.

۱۶ ـ مأخذ شماره ۳.

۱۷ ـ مأخذ شماره ۳، ص۲.

۱۸ ـ مأخذ شماره ۸.

۱۹ ـ مأخذ شماره ۸.

۲۰ ـ مأخذ شماره ۸.

۲۱ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۱.

۲۲ ـ مأخذ شماره ۱۱، ص۲.

۲۳ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۶، ص۶.

۲۴ ـ مأخذ شماره ۳.

۲۵ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص۱۲.

۲۶ ـ پیشین.

۲۷ ـ مأخذ شماره ۲۵، ص۳.

۲۸ ـ روزنامه انقلاب‌اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص۵.

۲۹ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص ۱۰.

۳۰ ـ مأخذ شماره ۸، ص۱۲.

۳۱ ـ مأخذ شماره ۲۵، خبرگزاری فرانسه، نیویورک‌تایمز.

روزشمار

۲۵ تا ۳۰ تیر ۱۳۵۸
۲۱ تا ۲۶ شعبان ۱۳۹۹
۱۶ تا ۲۱ ژوئیه ۱۹۷۹

روزشمار اختصاصی وقایع، تبعات و سرانجام بحران خوزستان

اشاره

حوادث روز بیست و چهارم تیر ۱۳۵۸ در خرمشهر، بحران خوزستان را دستخوش تحولی جدی کرد تا آن‌جا که این بحران را از مرحله کنونی عبور داد و با سطح و گستره و ماهیتی به‌کلی متفاوت وارد مرحله تازه‌ای کرد. مهمترین تبعات حوادث این روز، حذف آیت‌الله شیخ‌محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی از معادلات سیاسی منطقه و در نتیجه محروم شدن جریان‌های موسوم به خلق عرب از یک نقطه اتکای مهم بومی و مردمی و روحانی بود؛ نقطه اتکایی که هر چند فی‌نفسه و در نیت و انگیزه از وابستگی به عراق و دارابودن تمایلات تجزیه‌طلبانه مبّرا بود، اما به‌صورت عاملی نیرومند برای رشد و تقویت و گسترش این‌گونه گرایش‌ها درآمده بود.

می‌توان گفت حوادث این روز و حذف شیخ، به دوران حضور و فعالیت علنی ضدانقلاب وابسته به عراق در خرمشهر و به طور کلی در خوزستان پایان داد. از این پس سازمان‌ها و گروه‌هایی که تاکنون محور عمده قضایا به شمار می‌آمدند، به کلی از صحنه خارج شدند و هیچ اثر اجتماعی از آنان برجای نماند، هرچند از این پس تحت عنوان گروه "چهارشنبه سیاه" یا به طور مستقیم به دست عوامل عراق خرابکاری‌هایی صورت می‌گرفت.

همچنین این ماجرا پایان یک مرحلهٔ مشخص از توطئه‌های عراق برای دست‌یابی به اهداف و مطامع خود در خوزستان بود. عراق در این مرحله از سویی در زمینه‌های سازماندهی، آموزش، تسلیح، تدارک، طرح و برنامه و تبلیغات به طور مستقیم اقدام می‌کرد و عده‌ای را هدایت و اداره می‌نمود و از سوی دیگر، سعی می‌کرد انگیزه‌های قومی نژادپرستی را در توده‌های سادهٔ عرب

تزریق کند و برای رسیدن به این اهداف، از عناصری استفاده می‌کرد که به علت خصلت‌های فردی و قدرت‌طلبی و سودجویی خویش، آلت اجرای مطامع عراق می‌شدند.

اما به دلیل توانایی و گستردگی انقلاب‌اسلامی و پایگاه مردمی آن در خرمشهر (در بین عرب و غیرعرب) و نیز حضور فعال نیروهای انقلابی به خصوص جوانان مذهبی که صبورانه مسائل را تا آخر دنبال می‌کردند، سرانجام این سیاست شکست خورد و در آخرین روزهای تیرماه ۱۳۵۸ مشخص گردید که انقلاب‌اسلامی تواناتر از آن است که عراق با چنین روش‌هایی بتواند به منافع و مطامع مورد نظر خود دست یابد.[۱]

۸۴۴

آیت‌الله شیخ شبیرخاقانی پس از نماز صبح امروز (۲۵ تیرماه ۱۳۵۸) به اتفاق خانواده‌اش از خرمشهر به اهواز منتقل شد. مطبوعات به نقل از دختر بزرگ شیخ نوشتند که آیت‌الله به همراه همسر، دو دختر، پسر، نوه و عروس خود با یک دستگاه مینی‌بوس به اهواز برده شد.[۲] ناصر جبروتی فرمانده پاسداران انقلاب اعزامی از تهران در خصوص انتقال شیخ به اهواز در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه کیهان گفت: «من شخصاً با حضرت آیت‌الله صحبت کردم و به ایشان گفتم اگر مایلید شما را با مراقبت شدید این‌جا نگه‌داریم. اول آیت‌الله قبول کردند، بعد مسئله را رد کردند و گفتند: من و خانواده‌ام مایلیم به قم برویم زیرا این‌جا به هیچ‌کس اعتماد ندارم. حتی آن افرادی که دلسوزی نسبت به من نشان می‌دهند، می‌ترسم برنامه‌ای به‌وجود بیاورند که مسبب آن را پاسداران و مردم شهر بدانند چون ضدانقلاب در هر لباسی می‌کوشد که به انقلاب ما لطمه بزند.» وی (جبروتی) افزود: آیت‌الله خاقانی مرجع تقلید و مورد احترام همه ما هستند. ما ایشان را به وسیله یک اتومبیل به اهواز رساندیم.»[۳]

مدنی استاندار خوزستان نیز در خصوص علل خروج شیخ‌شبیر از خرمشهر گفت: تیراندازی از سوی خانه حضرت آیت‌الله خاقانی و اطراف آن به طرف مردم موجب افزایش عصانیت و خشم مردم شد. گروه‌هایی از مردم به طرف خانه آیت‌الله رفتند که چون امکان می‌رفت مردم چشم زخمی به ایشان برسانند و موجبات ناراحتی گردند، اقداماتی به عمل آمد و از آن‌جایی‌که جان آیت‌الله را در خطر می‌دیدیم، من به مردمی که در اطراف خانه ایشان اجتماع کرده بودند پیام فرستادم و خاطرنشان ساختم که امام مایل نیستند کوچک‌ترین چشم زخمی به آیت‌الله خاقانی برسد. بدین ترتیب از هرگونه پیش‌آمدی علیه جان آیت‌الله جلوگیری به عمل آمد و چون تشخیص داده شد که حضور ایشان در خرمشهر امکان دارد ناراحتی‌هایی به بار آورد، لذا برای حفظ جانشان خرمشهر را ترک و به نقطه امنی عزیمت کردند.[۴]

در اهواز، ناصر جبروتی فرمانده پاسداران اعزامی از تهران طی تماس تلفنی با دفتر امام‌خمینی در قم، دربارهٔ شیخ شبیرخاقانی کسب تکلیف کرد و امام دستور دادند که وی به قم

منتقل شود.[۵]

۸۴۵

در ادامه محاکمه و مجازات عوامل فاجعه خرمشهر، ابوالقاسم ستاریان دادستان دادسرای انقلاب‌اسلامی خوزستان با انتشار اطلاعیه شماره ۲ این دادستانی در مورخه ۱۳۵۸/۴/۲۵ اعلام کرد: دو نفر دیگر از جنایتکاران و خیانتکاران به انقلاب‌اسلامی ایران دیشب در خرمشهر به اعدام محکوم شده و حکم صادره درباره آنان به مرحله اجرا درآمد. این دونفر بحرانی‌پور و عواد بچاری بودند که از قاتلین دو نفر پاسدار شهید و پنج نفر دیگر از مسلمان مؤمن به انقلاب‌اسلامی بودند. توضیح این که این هفت نفر در مسجد و خارج از مسجد به وسیله نارنجک و تیراندازی شهید شدند.[۶]

۸۴۶

در پی استعفای محمدرضاعلوی فرماندار خرمشهر، وی در تماس تلفنی با روزنامه اطلاعات درباره علل استعفای خود گفت: «دخالت افراد غیرمسئول در منطقه، وضع را متشنج کرده‌است. من خطر را در خوزستان نزدیک می‌بینم و افراد غیرمسئول و ناآگاه این وضع را تشدید کرده‌اند.» وی ضمن تمجید از مدنی استاندار خوزستان گفت: باید از مدنی قویاً حمایت شود.[۷]

فرماندار خرمشهر در خصوص پذیرش یا رد استعفای خود، به روزنامه کیهان گفت: «هنوز پاسخی به استعفای من از سوی تیمسار دکتر مدنی داده نشده است اما با توضیحاتی که پیرامون مسایل جاری خوزستان به ایشان داده‌ام، تصور می‌کنم که متقاعد شده باشند. مع‌هذا اگر امام و تیمسار مدنی با استعفای من موافقت نکنند چون خود را یک سرباز انقلاب می‌دانم، ادامه خدمت در خرمشهر یا هر نقطه دیگر از کشور را به عنوان یک تکلیف شرعی خواهم پذیرفت.» سید محمدرضا علوی در پاسخ این سؤال که برای پایان دادن به بحران‌های خرمشهر چه راه‌حل‌هایی پیشنهاد می‌کنید؟ گفت: «من طی چند روز آینده تمام حقایق و واقعیت‌های خوزستان از جمله خرمشهر را با صدور بیانیه‌ای به اطلاع دولت و مطبوعات و رسانه‌های گروهی خواهم رساند. به عقیده من، باید گروه‌های فالانژ و افراطی هر دو دسته یعنی عرب و عجم را بگیرند و سرکوب کنند، در آن صورت مشکل خرمشهر بدون خشونت و اسلحه حل خواهد شد؛ در غیر این صورت همان‌طور که در متن استعفای خود نوشته‌ام، در آینده خوزستان به‌صورت "باتلاق"ایران درخواهد آمد.»[۸] با این حال استعفای فرماندار خرمشهر پذیرفته نشد و مدنی استاندار خوزستان به وی تکلیف کرد همچنان به وظایف خود در خرمشهر ادامه دهد. محمدرضا علوی در گفت‌وگویی با خبرنگار روزنامه اطلاعات در عصر روز ۱۳۵۸/۴/۲۵ در این باره گفت: چون استاندار منتخب امام و دولت است، دستور ایشان یک تکلیف شرعی و قانونی است، از این رو به‌دستور استاندار خوزستان در پست خود باقی خواهیم بود.[۹]

۸۴۷

روزنامه آیندگان در شماره امروز خود (۱۳۵۸/۴/۲۵) به نقل از شیخ‌عیسی‌خاقانی انفجار یک

نارنجک در مسجد جامع خرمشهر را به پاسداران انقلاب نسبت داد و نوشت: «بنابر اخباری که دریافت شده، بمب در شبستان مسجد نزدیک محراب منفجر شده‌است و در دست یکی از پاسداران بوده است. البته این به آن معنی نیست که نامبرده قصدی داشته، چه بسا احتمال می‌رود که به علت یک لحظه غفلت [بمب] از دست وی به زمین افتاده و چنین حادثه‌ای را به بار آورده است. وی ادعا کرد: پس از انفجار، اجتماع‌کنندگان به منزل آیت‌الله خاقانی حمله کردند. در این حمله [مهاجمان] دو تن از مریدان شیخ را - که یکی از آنها عباس پورشجاعی نام داشت - کشته و خانه را متصرف شدند و جمعی از مردم را دستگیر کردند و به نقطه نامعلوم بردند، سپس منازل اعراب خرمشهر را مورد حمله قرار دادند.[۱۰]

از سوی دیگر، در پی‌آمد این نوع برخورد روزنامه آیندگان با حوادث جاری خرمشهر، دفتر این روزنامه در این شهر مورد حمله گروهی قرار گرفت و به آتش کشیده شد. به گزارش مطبوعات، عده‌ای از جوانان خرمشهر در خیابان‌های این شهر دست به تظاهرات زدند، آنگاه به دفتر روزنامه آیندگان در این شهر هجوم بردند و پس از خردکردن در و پنجره و اثاثیه دفتر، آنجا را به آتش کشیدند. مهاجمان اعلام کردند که روزنامه آیندگان واقعه تظاهرات روز یکشنبه خرمشهر را تحریف کرده است، اما خبرنگار آیندگان در خرمشهر طی اطلاعیه‌ای مسئولیت مخابره و انتشار خبر مزبور را به عهده نگرفت. تظاهرکنندگان همچنین به کتابفروشی‌های وابسته به جریان‌های چپ غیرمذهبی و دیگر جریان‌هایی که حامیان و متعهدان جریان قومی موسوم به خلق‌عرب محسوب می‌شدند، حمله کردند. آنها کتابفروشی‌های نسیم، ۱۹ بهمن، اتحاد و نیما را به آتش کشیدند.[۱۱]

در این‌حال، گروهی با عنوان "انقلابیون مسلمان نصر" خرمشهر با انتشار اعلامیه‌ای مسئولیت حمله به کتابفروشی‌ها و نمایندگی روزنامه کار ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق و روزنامه آیندگان را به عهده گرفت.[۱۲]

۸۴۸
به علت ماهیت تجزیه‌طلبانه جریان قومی در خوزستان و دخالت آشکار و نهان عراق در تشدید آن، حوادث این بخش از کشور علاوه بر برانگیختن تعصب گروه‌های مذهبی انقلابی، طبعاً واکنش منفی گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی مدعی وطن دوستی و ایران‌خواهی را نیز در پی داشت. در این میان مواضع حزب توده جالب توجه است که می‌کوشد به نحوی ضدانقلابیون موسوم به خلق عرب را محکوم کند که به معنای تأیید نیروهای مذهبی - انقلابی جبهه مقابل آن نیز نباشد، از این‌رو علاوه بر آنان، طرف مقابل را نیز تلویحاً مورد سرزنش قرار می‌دهد. در شماره امروز (۵۸/۴/۲۵) روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران در گزارشی با عنوان "توطئه در خوزستان" چنین آمده‌است: خبرهایی که از خوزستان می‌رسد حاکی از وضع بغرنج و خطرناکی است که نباید آن‌را دست کم گرفت، زیرا مستقیماً عواقب آن دامن‌گیر انقلاب ما خواهد شد. انفجار مکرر لوله‌های نفت به منظور قطع صدور آن و به ویژه قطع تصفیه آن در پالایشگاه و

ایجاد کمبود سوخت، ایجاد حریق به ابعادی که گاه بیش از شش ساعت برای اطفاء آنها وقت لازم بود، منفجر کردن پل‌ها برای قطع ارتباطات و ایجاد محیط ناامن رعب‌انگیز، ادامه تیراندازی‌های شدید و درگیری‌های دائمی که حکایت از یک وضع متشنج مزمن می‌کند، از کار انداختن پمپ‌های آب کنار رودخانه کارون توسط متنفذین و ثروتمندانی که دل خونی از انقلاب دارند، ادامه کشت و کشتار و تظاهرات خصمانه، سوءاستفاده از احساسات ملی و به جان هم انداختن عرب و عجم، سوءاستفاده از وضع بد زندگی اعراب - که به راستی هم در شرایط به کلی غیرانسانی (ارث رژیم مخلوع) زندگی می‌کنند - برای تحریک آنها، سوءاستفاده از میهن‌دوستی و علاقه به تمامیت ارضی برای تحریک فارس‌ها ضمن به رخ کشیدن اقدامات مداخله‌گرانه مقامات عراقی، حملات مسلحانه به مرکز نیروی دریایی و اداره بندر در خرمشهر، حمله به ساختمان شهربانی و انبارها و حمله و تیراندازی به نگهبانان از داخل پیکان و ده‌ها واقعه دیگر، گوشه‌ای از این وضع بغرنج و خطرناک را نشان می‌دهد.

ما همواره گفته‌ایم، بارها هشدار داده‌ایم که ضدانقلاب خواب نیست، بی‌کار ننشسته است مشغول توطئه است، می‌خواهد انقلاب ما و دست‌آوردهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک آن را از بین ببرد. ساده لوحی است اگر تصور کنیم که ضدانقلابیون خواهند آمد و خواهند گفت که "ما ضدانقلاب هستیم، خواستار بازگشت رژیم سابق یا چیزی شبیه آن، خواستار بازگشت امپریالیست‌ها و سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی آنها هستیم." چنین ضدانقلابی صدیقی (!) هرگز پیدا نخواهد شد. ضدانقلاب به لباس‌های عوام‌فریب در می‌آید و قیافه مدافع انقلاب و اسلام و خلق و مردم زحمتکش و نظایر این‌ها را به خود می‌گیرد. دشواری کار تنها در مقابله با فعالیت‌های آشکار نظامی و خرابکاری‌های اقتصادی ضدانقلاب نیست، در این هم هست که باید چهره ضدانقلاب را در پشت نقابی که به‌خود بسته، تشخیص داد. اگر این کار انجام شود، مردم خوزستان و کلیه هموطنان ما، اعم از عرب و فارس، به دام توطئه‌ها و نقشه‌هایی که در عمل ضدانقلابی است ولی در ظاهر به‌خاطر دفاع از حق خلق عرب و خودمختاری یا دفاع از تمامیت ارضی و حفظ نیاخاک است، نخواهند افتاد و خواهند دانست که هر عمل پر سروصدایی نظیر انفجار پل و آتش زدن لوله‌های نفت و تیراندازی مداوم و اعلامیه‌های خشن و اتهامات ناروشن، هرگز یک عمل انقلابی نیست، هرچند که گاه با چپ روترین و انقلابی‌نماترین عبارت‌پردازی همراه باشد.

این لوله ترکاندن‌ها و ایجاد حریق‌ها، تیراندازی‌ها، جلو آب کشتزارها را گرفتن، تهدید به گروگان‌گیری و تهدید به اعدام، آتش‌سوزی انبارها و از سوی دیگر، دسته‌بندی با ضدانقلابیون در لباس کمیته و تظاهر به اسلام، ایرانی عرب را در مقابل ایرانی فارس قرار دادن تا امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران بزرگ وابسته و عناصر ضدخلقی سود ببرند و اوضاع را بر وفق مراد خویش بیابند، عملی است که به هر بهانه و زیر هر پرچم و به هر نام انجام شود، به زیان انقلاب ما و پیش‌برد آن تمام می‌شود. مهم و عمده، مبارزه ضدامپریالیستی و نجات انقلاب ایران است، نه تضادهای

درون خلقی و مسائل غیرعمده. بازهم هشدار می‌دهیم و می‌گوییم که موقعیت جدی است. همه نیروها و کسانی که دست‌اندرکار اوضاع خوزستانند، مقامات مسئول دولتی و گروه‌ها و دسته‌جات مختلف باید متوجه توطئه سازمان یافته امپریالیسم و ارتجاع باشند، باید بدانند و ببینند چرا و چگونه، چه نیروها و چه کسانی دارند آب را گل‌آلود می‌کنند و محیط را انفجاری می‌سازند. در خوزستان منافع عظیمی ـ استراتژیک و نفتی ـ به هم گره خورده است. نباید گذاشت از وضع بغرنج کنونی، ضدانقلاب استفاده کند و منافع امپریالیستی را به کرسی بنشاند. از انقلاب باید هشیارانه دفاع کرد.[۱۳]

۸۴۹

حدود صدتن از اعضای "جامعه مبلغین اعراب ایرانی خوزستان" که برای اعلام وفاداری به انقلاب اسلامی و رهبری امام‌خمینی و حفظ مرزبندی با جریان‌های قومیت‌گرا، به قم آمده‌اند، امروز (۲۵ تیرماه) با امام‌خمینی دیدار کردند. امام در این دیدار با اشاره به "توطئه‌هایی" که در مناطق مختلف کشور جریان دارد، دربارهٔ ایجاد تفرقه در بین گروه‌های ملت، هشدار دادند و فرمودند: این شلوغی‌هایی که الان در کردستان هست، در خوزستان هست، این اختلافاتی که در همه جاهای مملکت هست و این توطئه‌هایی که برای ایجاد یک خلاف، برای ایجاد و هیاهو به پا کردن هست، معلوم نیست که من باب اتفاق همین‌طور شده باشد، این یک نقشه‌ای است از آنهایی که می‌خواهند قانون اساسی نباشد. هم قشرهای خارج و قدرت‌های خارج از اسلام می‌ترسند و هم قشرهای داخل می‌ترسند... اینها الان احساس شکست در خودشان کرده‌اند، از این احساس شکست دست و پا می‌زنند که جدا کنند گروه‌ها را از گروه، پخش کنند بین مردم که کردها علی‌حده‌اند، عرب‌ها علی‌حده‌اند، بلوچ‌ها علی‌حده‌اند، فارس‌ها علی‌حده‌اند، ترک‌ها علی‌حده‌اند و اینها را گروه‌گروه کنند، در صورتی که اسلام برای هیچ‌کس امتیازی قائل نیست الا برای آن که به طریقه اسلام رفتار کند و متقی باشد... مبادا این اشخاص مفسده‌جو و توطئه‌گر که می‌خواهند جدایی بیندازند ما بین عرب و عجم، مابین کرد و ترک و سایر چیزها، مبادا موفق بشوند؛ حیله‌ها اینها را خنثی کنید. وقتی بنا شد که همه خطبای عرب و عجم در منابر گفتند ما همه برادر هستیم و همه قرآن هستیم و همه اهل اسلام هستیم، دیگر حرفی باقی نمی‌ماند که اینها توطئه بکنند، بخواهند که این قانون‌اساسی تأسیس آن درست نشود.

...اختلافات امروز بسیار مضر است، از همه اوقات، ضرر اختلاف الان بیشتر است. اگر یک اشخاصی پیدا شدند و خواستند به تبلیغات سوءشان اختلافی بین شما برادرها ایجاد کنند، بین برادرهای عرب و عجم، بین برادرهای کرد و غیرکرد، ترک و غیرترک، بدانید که توطئه است و می‌خواهند همه‌تان را منحرف کنند از آن اساس و خدای نخواسته قانون اساسی ما را به طور انحرافی درست بکنند.[۱۴]

هیئت مذکور پس از دیدار با امام‌خمینی، در روز ۵۸/۴/۲۷ با آیت‌الله منتظری در قم دیدار کردند. در این مراسم، پیام آیت‌الله منتظری خطاب به مردم خوزستان قرائت شد. در بخش‌هایی

از این پیام آمده است:

... خبر ناگوار تهاجم عناصر بیگانه ضدانقلاب به مسجدجامع خرمشهر و کشتار مردم بی‌گناه، قلوب جامعه روحانیت و ملت مسلمان ایران را جریحه‌دار نمود، ولی خوشبختانه خط مشی قاطعانه استاندار دلیر خوزستان تیمسار مدنی و دادگاه انقلاب‌اسلامی و پاسداران جانباز آن سامان، مقام رهبری انقلاب و روحانیت مسئول و ملت قهرمان ایران را خرسند ساخت. آری خطهٔ خوزستان به‌دلیل منابع نفتی و مزایای استراتژیک آن، در طول تاریخ مورد توجه محافل استعماری غرب و شرق بوده و همواره مردم شجاع آن در معرض تهدیدها و تهاجم و تحولات و مبارزات خونین قرار داشته‌اند ... مقتضی است برادران عرب و غیرعرب خوزستان هوشیار بوده و در این مقطع حساس که استعمار بین‌المللی با تمام قدرت می‌کوشد چپ و ارتجاع را در یک جبهه متحد سازد و شما برادران اسلامی را به بهانه قومیت و نژاد و تبار دچار اختلاف داخلی گرداند و نظرتان را از مسائل اصلی انقلاب منحرف نماید و بالنتیجه انقلاب اسلامی را در داخل کشور محصور کند، سعی کنید وحدت‌اسلامی خویش را حفظ و نغمه‌های تفرقه‌انگیز را با مشت آهنین پاسخ دهید.[۱۵]

۸۵۰

سازمان فرهنگی نظامی انقلابیون خرمشهر با انتشار اعلامیه‌ای که در روز ۲۷ تیرماه ۱۳۵۸ در روزنامه جمهوری‌اسلامی درج شد به بررسی زمینه‌ها و عوامل حوادث خرمشهر پرداخت. در این اعلامیه "زمینه‌های تحریک" به سه دسته تقسیم شده‌اند:

۱ ـ وجود گروه‌های اجتماعی بومی (عرب و غیرعرب): قومیت در خوزستان انگیزه‌ای بود برای تحریک و ایجاد درگیری. ۲ ـ مسائل قبیلگی و فقر: مهمترین عامل تحریک در شکل‌گیری توطئه امپریالیست‌ها که نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند، فقر شدید فرهنگی حاکم بر عشایر مستضعف است. نقش سنن قومی حاکم بر عشایر، شیوخ مرتجع وابسته به ساواک و بیگانگان و جهل، فقر و محرومیت، زمینه‌ها و عواملی بود برای رشد توطئه در خوزستان. ۳ ـ جو حاکم بر مسائل قومی: زمینه‌های وسیع تبلیغاتی که از درگیری‌های مناطق مختلف ایران توسط عوامل ارتجاع و تبلیغات فرصت طلبان (یک سازمان چریکی چپ) زمینه ذهنی خوبی را برای به اصطلاح عمده کردن مسائل خلق عرب ایجاد کرد.

این سازمان در ادامه اعلامیه خود با اشاره به شکل‌گیری جریان‌های قومی در خرمشهر حول محور شیوخ، مرتجعین و عناصر خلق عرب در بدو پیروزی انقلاب‌اسلامی، اقدامات آنها را در جهت سیطره بر خرمشهر و خوزستان دانسته و نوشته است:

۱ ـ کنار زدن و از میدان به در بردن کمیته‌های انقلاب‌اسلامی امام در خرمشهر (عوامل ارتجاعی سازمان اعضای کمیته را مجبور به استعفای دسته‌جمعی کرده و ساختمان کمیته را غارت کردند. ۵۸/۱/۶).

۲ ـ تلاش برای جذب و بسیج نیروهای توده‌ای (عشایر مستضعف) از طریق پنهان شدن در

پس چهره مذهبی آیت‌الله خاقانی و فریب و وعده به فقرا و محرومان و سوءاستفاده از گرایشات مذهبی، سنتی و قبیلگی عشایر.

۳ - تجهیز تسلیحاتی: در رابطه با تکوین توطئه و نیز برای تسلط هر چه بیشتر بر منطقه، به در بردن دشمنان از صحنه و برخورد قهرآمیز با مخالفان و تشکل یعنی برای پیاده کردن توطئه بزرگ خود، سران عشایر که در کادر رهبری سازمان سیاسی بودند، انواع سلاح‌ها را با نازل‌ترین قیمت و در این اواخر بدون اخذ کمترین بها، بین عشایر پخش کردند.

۴ - ایجاد محیط رعب و وحشت برای متقاعد کردن مخالفین و مردم از طریق سلطهٔ زورگویانه، دست به ایجاد جوّ رعب، تهدید، حمله‌های مکرر به کمیته امام، ساختمان کانون و ستاد زدند. ۵ - بسیج نیروهای فرصت‌طلب و تجزیه طلب: تلاش مذبوحانه شیوخ مرتجع به همراهی سابقهٔ مبارزاتی و تبلیغاتی عناصر فرصت‌طلب در کنار طرح سیاسی و درازمدت تجزیه‌طلبان در رابطه با دولت‌های خارجی بود که اتحاد نامقدسی بد آن‌گونه که شاهد آثارش را دیدیم به وجود آورد.[16]

۸۵۱
به دنبال انهدام پایگاه جریان تجزیه‌طلب در خرمشهر و فرار عده‌ای از عناصر آن به خاک عراق، این جریان حمله از آن‌سوی مرزها به مراکز نظامی و غیرنظامی خوزستان را نیز در برنامه خود قرار داد؛ حملات روز ۲۷ تیرماه ۱۳۵۸ نمونه‌ای از این‌گونه حملات است. در این روز، در ساعت ۲ بامداد پاسگاه مؤمنی (دربند) در نزدیکی شلمچه از توابع خرمشهر مورد حمله عده‌ای مسلح قرار گرفت. مهاجمان در این حمله از موشک‌های آر.پی.جی. ۷ استفاده کردند.[17] به گزارش خبرگزاری پارس، حمله از آن سوی مرز صورت گرفت و پاسداران مرزی پاسخ متقابل به مهاجمان دادند و آنها را متواری کردند. علاوه بر این، دو موشک آر.پی.جی. ۷ به قصد انهدام پل جزیره مینو از خاک عراق پرتاب شد اما به هدف اصابت نکرد.[18]

در پی وقوع این گونه حوادث در خوزستان، مدنی استاندار این استان در مصاحبه‌ای با مطبوعات گفت: عوامل درون مرزی و برون مرزی یک مثلث خرابکاری را در خوزستان تشکیل داده‌اند. کسانی که نمی‌توانند پیشرفت انقلابی ایران را تحمل کنند، با بسیج خود اقدام به عملیات ضدانقلابی می‌کنند. یک رأس مثلث خرابکاری بندر شاهپور، یک رأس خرمشهر و رأس دیگر آن اهواز است و افراد ضدانقلاب تا آن‌جا که می‌توانند در خوزستان خرابکاری می‌کنند.[19]

۸۵۲
آیت‌الله شیخ‌شبیرخاقانی که پس از واقعه مسجدجامع خرمشهر به اهواز منتقل شده بود، صبح روز ۲۸ تیرماه ۱۳۵۸ به همراه پسر و چهارتن دیگر از اعضای خانواده‌اش عازم قم شد.[20] انتقال شیخ به قم سازمان سیاسی خلق عرب را از "نقش محوری" وی در پیش‌برد اهدافش محروم کرد تا جایی که در یکی از اسناد به دست آمده از کنسولگری عراق در خرمشهر، آمده است: بعد از بردن شیخ محمدطاهر به خارج از خرمشهر کار این سازمان تماماً متوقف شد، خصوصاً بعد از

گرفتن عناصر مؤثر سازمان.[21]

شیخ شبیر پس از ورود به قم و دورشدن از کانون بحران، در ۳۰ تیرماه ۱۳۵۸ با انتشار پیامی خطاب به ملت ایران از "عناصر ضدانقلاب" اعلام برائت کرد و به این ترتیب مشروعیت جریان‌های قومی در خوزستان را نفی کرد و بر اقدامات آنها مهر باطل زد. متن کامل این پیام ـ که دفتر امام‌خمینی آن را در قم منتشر کرد ـ چنین است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. درود و سلام بی‌کران بر ملت شریف ایران، ملتی که جهت تحقق بخشیدن به عدالت الهی و دستورات آسمانی از هیچ‌گونه سعی و کوششی دریغ ننموده و با اراده‌ای پولادین با طاغوت و طاغوتیان مبارزه کرد. با وجود این‌که همه در این انقلاب سهیم هستند، مجاهدت‌ها و مبارزات آیت‌الله‌العظمی‌خمینی را می‌بایست چه قبل از پیروزی و چه بعد از آن در رأس تمام این مبارزات برشمرد و امید دارم که بتوان با اتحاد و یگانگی هرچه تمام‌تر و با مساعدت‌های همه‌جانبه ملت ایران، در تقویت حکومت جناب آقای مهندس مهدی بازرگان و ساختن ایرانی بر پایه‌ها و موازین اسلام، موفق گردیم. ضمناً متذکر می‌گردد که در این لحظات حساس و تاریخ‌ساز بر تمام ملت دلیر ایران لازم است که با اتحاد و یگانگی هر چه تمام‌تر در مقابل توطئه‌های مخوف بیگانه که خواه این توطئه‌ها از وابستگان به رژیم سابق و یا وابسته به گروه‌های چپ و راست باشد، ایستادگی نمایند و اگر شخصی و یا گروهی بخواهد در مقابل حکومت جمهوری‌اسلامی دست به تبلیغات سوء زده، بایستی شدیداً با آن مبارزه نمایند و همان‌گونه که این جانب کراراً تذکر داده‌ام کشور ایران یک کشور مذهبی است نه یک کشور نژادپرست و به هیچ‌کس تحت هر شعار و یا لباسی اجازه نمی‌دهیم که یک وجب از ایران را چه در خوزستان و یا در هر نقطه دیگر ایران تجزیه نماید و با چنین افرادی با شدت مقابله خواهیم نمود.

به افرادی که به این‌جانب علاقه دارند اعلام می‌دارم که من از عناصر ضدانقلاب که نمی‌توانند تعالی اسلام و کشور اسلامی را ببینند و خود را به من منسوب می‌کنند، هر کس و یا هر گروهی باشند، چه مقلد من باشند و یا مقلد مرجع دیگر، چه عرب و چه عجم، چه کمونیست باشند چه غیرکمونیست، شدیداً تبری می‌جویم. حال، این‌جانب در اثر کسالت و خستگی، برای استراحت در شهرستان مقدس قم مدتی اقامت می‌نمایم و در خاتمه توفیق دولت و ملت را جهت تحقق بخشیدن هرچه بیشتر به آرمان‌های اسلامی از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

والسلام‌علیکم و رحمة‌الله و برکاته
محمدطاهر آل‌شبیرخاقانی - ۲۶شعبان ۹۹ - ۳۰ تیرماه ۵۸[22]

***

به این ترتیب در پایان این دوره از تحولات مرتبط با بحران قومی در خوزستان، شکست تجزیه‌طلبی در قالب جریان‌های موسوم به خلق‌عرب با همکاری نیروهای حزب‌اللهی،

پاسداران انقلاب اسلامی (بومی و غیربومی) و تکاوران نیروی دریایی کاملاً مشخص شد. با از بین رفتن امکان فعالیت سیاسی ـ اجتماعی آشکار ضدانقلاب، از این پس اقدامات ایذایی و تخریبی حادّ و شدیداً خشونت‌بار در دستور کار عراق و عاملانش قرار گرفت. این امر هر چند بعضاً توانست اثر موضعی و مقطعی داشته باشد اما از نظر تبلیغاتی و سیاسی و اجتماعی کاملاً به ضرر عاملانش بود و بر نفرت عمومی از آنان افزود و عراق و عاملان آن را افشا کرد.

از این پس جنگ اعلام‌نشدهٔ عراق علیه انقلاب‌اسلامی در خوزستان وارد مرحله دیگری می‌شود و با شیوه‌ای دیگر ادامه می‌یابد؛ جنگی که آن را جنگ انفجارات نام نهادند.[۲۳] از سوی دیگر، از این پس مرکز و محور اصلی بحران اقلیت‌های قومی در خوزستان و خرمشهر نیست، حوادث ۲۳ تیر مریوان شروع یک سلسله حوادث است و مرحله‌ای از بحران اقلیت‌های قومی بعد از پیروزی انقلاب‌اسلامی شکل می‌گیرد که مرکز و محور اصلی آن مناطق کردنشین ایران است که در مجلد بعدی این روزشمار پی‌گیری و بررسی خواهد شد.

منابع و مآخذ روزشمار ۲۵ تا ۱۳۵۸/۴/۳۰

۱ ـ مهدی انصاری،محمد درودیان و هادی نخعی، خرمشهر در جنگ طولانی (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۵) ص۷۸.
۲ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۷، ص۲.
۳ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۶، ص۲.
۴ ـ پیشین.
۵ ـ مأخذ شماره ۱، ص۷۷.
۶ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص۳.
۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۶، ص۶.
۸ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص۳.
۹ ـ مأخذ شماره ۷، ص۳.
۱۰ ـ روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص۲.
۱۱ ـ مأخذ شماره ۳، ص۲.
۱۲ ـ مأخذ شماره ۲، ص۱۱.
۱۳ ـ روزنامه مردم، ارگان حزب توده ایران، شماره ۴۰، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص‌ص ۱ و ۲ و ۷.
۱۴ ـ مرکزمدارک‌فرهنگی‌انقلاب‌اسلامی، صحیفه‌نور، مجموعه رهنمودهای امام‌خمینی، جلد۸، (تهران: وزارت ارشاد اسلامی،سال ۱۳۶۱)ص‌ص۱۴۱تا۱۴۳.
۱۵ ـ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۸، ص۳.
۱۶ ـ روزنامه جمهوری‌اسلامی،۱۳۵۸/۴/۲۷، ص۴.
۱۷ ـ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۸، ص۳.
۱۸ ـ مأخذ شماره ۱۵، ص۱۲.
۱۹ ـ مأخذ شماره ۲.
۲۰ ـ مأخذ شماره ۱۷، ص۲.
۲۱ ـ سند شماره ۰۰۰۴۵۴/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سلسله تحقیقات تاریخی جنگ ـ ۱، جنگ در خرمشهر،۵۲.
۲۲ ـ روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۳۱، ص‌ص ۱ تا ۲.
۲۳ ـ مأخذ شماره ۱، ص۱۰۱.

گـــزارش روزشمـــار

فشرده و اهم مطالب روزشمار جنگ ایران و عراق

جنگ‌نامه اول ـ جلد دوم: بحران در خوزستان